

# روش فکر معاصر اسلامی

فضل غنی مجددی

جلد اول

## مشخصات کتاب

---

اسم کتاب: روش فکر معاصر اسلامی

مؤلف: فضل غنی مجددی

ناشر: فقه اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۲

محل چاپ: کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا

چاپ اول: ۲۰۱۲ میلادی

حق طبع: فقه اسلامی

آدرس نشرات فقه اسلامی

Fazl Ghani Mogaddedi  
201 Washington Blvd.#104  
Fremont, California 94539  
USA

Tel +(510) 979-9489

E-mail: [fazlghanimogaddedi@yahoo.com](mailto:fazlghanimogaddedi@yahoo.com)

[www.Islaminfo.One](http://www.Islaminfo.One)

## اهداء

تحقيق متواضع را با كمال افتخار خدمت استادان معارف افغانستان تقديم  
ميدارم . شاگردى من از شما افتخار بزرگ است .

## اظهار شکران و تقدیر

از هموطنان گرامی که بنده را در تحقیق تشویق و کمک می کنند اظهار شکران می نمائیم و همچنان از دانشمندان عزیز که کار هایی بنده را نقد می نمایند اظهار شکران دارم. نقد بزرگان برای من درس عظیم است و از آن می آموزم.

از برادر عزیز جناب عمر اسحاق تشکر می کنم خداوند برای جناب شان اجر دارین نصیب فرماید. حمایت خانم ملالی جان مجددی برای من قابل تقدیر و احترام است با کمال احترام از همسر عزیزم تشکر می نمائیم و امید دارم در تقویت و حمایت بنده ادامه داده داخل اجر شود و همچنان از دو فرزندم سلمان جان و مروان جان حق خود را که بالای من دارند می بخشند ممنونم.

از تمام اعضای انجمن دعوت اسلامی افغانان مقیم امریکا (آمو) و انجمن نویسندگان فقه اسلامی و تمام مشترکین فقه اسلامی اظهار شکران می نمائیم واقعا همکاری معنوی و مادی شما سبب ادامه نشرات فقه اسلامی در مدت بیست و دو سال است. از برادر عزیز احمد ضیاء سلطانی و خواهر عزیزه ساجده جان سلطانی و برادر گرامی یوسف نورزائی و تمام دوستان تشکر می کنم خداوند برای همه توفیق و عنایت نصیب کند حمایت مادی و معنوی دوستان سبب ادامه نشر فکر وسط اسلامی در جامعه افغانی مهاجر است.

## فهرست مطالب

3	اهداء.....
4	اظهار شکران و تقدیر.....
7	مقدمه.....
11	تفکر معاصر اسلامی.....
23	مطالعات شرق شناسی و شرق شناسان.....
25	اسباب و عوامل شرق شناسی.....
25	اول: فکر و فلسفه دینی.....
26	دوم: اسباب اقتصادی، سیاسی.....
29	وسائل رسیدن به اهداف و برنامه های شرق شناسی.....
30	نقش امریکا در شرق شناسی معاصر.....
35	فکر اصولی اسلامی از دیدگاه شرق شناسان و مؤسسات شرق شناسی.....
39	شرق شناسی و اشغال نظامی.....
42	روش غرب در نظام سیاسی اسلام.....
46	فکر معاصر اسلامی و رابطه آن با فکراستعمار غرب.....
47	ترجمه و اثر آن در تبادل فکری بین علمای اسلام و غرب.....
49	فکراستعماری.....
53	شرق شناسی معاصر.....
53	مراکز مطالعات استراتژیک و مراکز تحقیقات.....
59	فکر قرن بیست.....
62	تأثیر فکراستعمار غرب بالای روش فکر معاصر اسلامی.....

63	حرکت احمد خان
65	تأسیس مذهب قادیانی
66	حالت سیاسی ، اجتماعی ، روحی و علمی جامعه اسلامی
76	حرکت های اصلاحی و مقاومت علیه فکر استعمار غرب
80	نهضت فکری سید احمد خان ( 1858 – 1898 م )
87	شیخ محمد عبده و فکر معاصر اسلامی
93	فکر اسلامی
93	تفکر به سنن الهی
101	فکر سلفی
106	فکر تصوف اسلامی
107	مراحل تکامل فکر تصوف در اسلام
108	تاریخ نشأت تصوف
110	مراحل تکامل تصوف
113	تعریف تصوف
115	موضوع علم تصوف
118	اصلاح فکر تصوف و سلوک بعض متصوفین
128	نظریه وحدت الوجود
133	ضرورت تصوف
134	تصوف عقیده اسلامی را حفظ کرد
136	فکر غلو و افراط گرایی
137	تعریف غلو از نظر فرهنگ اسلامی
139	اقسام غلو

141	اسباب و عوامل بین المللی در ازدیاد فکر غلو در بین مسلمانان.....
143	علاج فکر غلو و افراط گرایی از نظر مسلمانان.....
144	اصلاح فکر غلو و افراط از نظر متفکرین معاصر اسلامی.....
144	ماهیت حل اسلامی.....
145	حل فکر غلو از نظر علمای غرب و امریکا.....
147	فکر و سطر اسلام.....
147	خصوصیت های فکر و سطر اسلامی.....
151	روش فکر معاصر اسلامی در مسائل سیاسی.....
152	دیموکراسی در فرهنگ سیاسی معاصر اسلامی.....
153	تعریف سیاست.....
156	فکر معاصر اسلامی سیاست را به دو بخش تقسیم میکند.....
165	فکر معاصر اسلامی و دیموکراسی.....
182	فکر معاصر اسلامی و تشکیل احزاب سیاسی.....
182	تعریف حزب.....
187	تعددی (چند حزبی) احزاب اسلامی در دولت اسلامی.....
192	تأثیر میراث فرهنگ و ثقافت میراثی در روش فکر معاصر اسلامی.....
203	فقه سیاسی.....
210	فقه اطاعت «فقه الطاعة».....
215	فقه المتغلب.....
233	اقتباس و تجدید در روش فکر معاصر اسلامی.....
238	حقوق انسان در روش فکر معاصر اسلامی.....
244	حقوق انسان در روش فکر معاصر اسلامی.....

- 248.....خصوصیت و مزایای حقوق انسان در اسلام
- 249.....اعلامیه قاهره از حقوق انسان در اسلام
- 255.....اعلامیه بین المللی حقوق انسان در اسلام
- 258.....حق حیات
- 261.....انتحار یا خودکشی
- 262.....موقف قرآن و سنت از انتحار
- 270.....روش فکر معاصر اسلامی از استبداد سیاسی
- 277.....اقسام استبداد
- 284.....مقاومت علیه استبداد
- 285.....روش اصلاح استبداد
- 290.....روش فکر معاصر اسلامی از آزادی
- 297.....معانی آزادی و مفردات آن
- 299.....اصطلاح حریت
- 301.....حریت در روش متفکرین معاصر اسلامی
- 303.....مفردات حریت از نظر فکر معاصر اسلامی
- 306.....آزادی فکر و عقل
- 307.....فکر از منظور اسلامی
- 319.....عقل در قرآن کریم
- 325.....تعریف عقل
- 328.....آزادی رأی و تعبیر و نشر
- 331.....آزادی عقل
- 336.....آزادی رأی و بیان و حق تعبیر از دیدگاه قرآن کریم



342	..... روش رأی در فرهنگ و ادبیات اسلام
346	..... مطبوعات و رسانه های جمعی غرب
351	..... مطبوعات و وسایل اطلاع رسانی جمعی در روش فکر معاصر اسلامی
362	..... خصوصیت های جرائم اینترنت
365	..... مشکلات میدیا و مطبوعات معاصر اسلامی
366	..... وسائل اصلاح میدیا معاصر اسلامی
367	..... مشکلات فکر و عقل معاصر مسلمانان و طریق علاج آن
376	..... اصلاح فرهنگ و ثقافت
379	..... آزادی عقیده و دین
379	..... حریت دین در قرآن کریم
388	..... تعریف دین و مفهوم اعتقاد در فرهنگ معاصر اسلامی
391	..... آزادی اعتقاد
392	..... مبادی آزادی عقیده
394	..... فرق بین آزادی عقیده و ارتداد و مرتد
400	..... مرتد در قرآن کریم
410	..... زن در روش فکر معاصر اسلامی
413	..... نظر اسلام در مورد زن
428	..... زن در تفکر معاصر اسلامی
433	..... زن در ادبیات معاصر اسلامی
455	..... مفاهیم غیر صحیح در مورد زن و ارتباط آن با فکر اسلامی
455	..... ( 1 ) عدم خارج شدن زن از منزل:
456	..... ( 2 ) شهادت زن:

- 464..... اشتراک زنان در سیاست از نظر نصوص دینی
- 464..... اول-قرآن کریم:
- 468..... حقوق سیاسی زن
- 470..... حق زنان در انتخابات مجلس شورای ملی
- 472..... توجه مهم
- 478..... مسأله تشریح در مجلس شورای ملی:
- 483..... حرف اخیر
- 488..... مراجع تحقیق
- 497..... مجلات

بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

بسم الله خير الأسماء. باسم الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء والصلاة والسلام على سيدنا محمد عبده ورسوله وبعد :

اکثر مسلمانان وخصوصاً دانشمندان جامعه اسلامی در یک نقطه با هم متفق اند که مسلمانان از کاروان نهضت علمی و مدنیت عقب اند و در عصر تاریک از عصور تاریخ اسلامی زندگی دارند. جنگهای داخلی بین مسلمانان، تقسیم مسلمانان به فرقه های مذهبی و قومی و نژادی و زبانی و استبداد و فساد سیاسی و تقلب در انتخابات و خاموشی عده از علماء اسلام و همکاری عده دیگر با استبداد سیاسی و تقسیم جامعه اسلامی به طبقات اقتصادی و اجتماعی و ناکامی احزاب اسلامی و لیبرال و سوسیالیستی و کمونسیتی در تحقق عدالت اجتماعی و مداخلات خارجی و اشغال نظامی در مجموع اسباب عقب گرائی و عقب ماندن مسلمانان از کاروان مدنیت و نهضت علمی و فکری در تاریخ معاصر اسلامی است.

مسلمانان روش های متفاوت و مختلف را جهت ارتقای فکر و رسیدن به آزادی های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و بهبود اوضاع اجتماعی تجربه کردند اما متأسفانه تجربه های ایدولوژی های سوسیالیستی، سیستم غرب و بالآخره نظام اسلامی که نهضت های اسلامی پیش کردند همه به بن بست رسید. ناکامی مسلمانان در مقابل تهاجم فرهنگ و ثقافت غرب سبب شد تا عده از مسلمانان از آینده مأیوس باشند. بسته شدن باب اجتهاد و نو آوری در ساحة اسلامی، نظام های استبدادی حاکم، مقید ساختن آزادی های فکری و سیاسی و عقیده تی و عدم

برنامه های تعلیمی سالم و عدم اهتمام به حقوق انسان خصوصا حقوق زنان را میتوان عامل مهم در عدم اهتمام نسل جوان به آینده دانست.

ناکامی در ساحات مختلف زندگی معنی آن ناکامی و عدم صلاحیت ایدلوزی های غیر اسلامی و وارداتی و روش فکر غیر سلیم و میراث فرهنگ و ثقافت میراثی نا معقول است که تا امروز در ساحه اسلامی ادامه دارد. مسلمانان فرهنگ نا معقول و ثقافت میراثی و وارداتی را اصل اسلام تصور کردند و آنرا با دین اسلام یکجا ساختند که در نتیجه آن در پهلوی اسلام که دین خدا است دین مردم نیز بوجود آمد. دینداری فاسد جای دینداری صحیح را گرفت و دینداری و تدین غیر صحیح جزء از فرهنگ و ثقافت جامعه اسلامی شناخته شد و متأسفانه عده از مسلمانان بین قضیه اسلام و فرهنگ و ثقافت تفاوت کرده نتوانستند و در نهایت دین مردم نسبت به دین اسلام قوت و نفوذ بیشتر در جامعه یافت. مشکلات فرهنگ و ثقافت و دینداری فاسد و تأثیرات فرهنگ و ثقافت غرب بالای فرهنگ و ثقافت و عقل و فکر معاصر مسلمانان از جمله موضوعات است که در این تحقیق روی آن بحث صورت می گیرد.

در قسمت اول عوامل خارجی و نقش شرق شناسان « خاور شناسان » بحث می شود تا خوانندگان گرامی معلومات مقدماتی از رول مؤسسات شرق شناسی و مراکز تحقیقات استراتیجیک غرب داشته باشند. اهداف مراکز مطالعات و مؤسسات شرق شناسی تغییر فرهنگ و ثقافت اسلامی و تبدیل آن به فرهنگ و ثقافت غرب و در نهایت اشغال نظامی است. در قسمت دوم اوضاع علمی و فرهنگی و سیاسی و دینی جهان اسلام و اسباب عقب ماندگی مسلمانان در این ساحات بررسی و مطالعه می شود و همچنان در این قسمت از حرکت های اصلاحی و حرکت های مقاومت علیه فکر غرب معلومات مختصر تقدیم می شود. قسمت سوم به موضوعات فکری مسلمانان اختصاص دارد. در این قسمت اصالت فکر اسلامی، فکر سلفی، فکر تصوفی، فکر افراط و

غلو و فکر و سطر بررسی و مطالعه میشود. قسمت چهار به مطالعه روش فکر سیاسی اسلام اختصاص دارد. در این قسمت از فکر سیاسی اسلام و دیموکراسی و احزاب سیاسی و تأسیس فقه سیاسی ، فقه اطاعت ، فقه متغلب و عدم استفاده از علوم دیگران بحث صورت می گیرد . قسمت پنجم به مطالعه ای حقوق انسان از منظور روش فکر اسلامی اختصاص دارد. در قسمت ششم روش فکر معاصر اسلامی در مسأله استبداد فکری ، استبداد سیاسی ، استبداد دینی و روش مقاومت با استبداد بحث می شود .

قسمت هفتم اختصاص دارد به مطالعه حقوق انسان از نظر روش فکر معاصر اسلامی . در این قسمت حق حیات ، حقوق سیاسی ، آزادی عقیده و انتخاب دین بحث می شود . قسمت هشتم اختصاص دارد به مسأله حقوق زن در اسلام . امید است موضوعات که در این تحقیق بحث می شود برای هموطنان گرامی مفید و مقدمه تمهیدی برای بحث مفصل در آینده باشد . موضوعات که در این تحقیق روی آن بحث صورت گرفته مربوط به افغانستان نیست و مثالهای که از نقش علماء داده شده عام میباشد و امید است هموطنان گرامی موضوعات عام را خاص سازند .

در جریان تحقیق احساس به عجز و ناتوانی و قصور فکری نمودم و باین نتیجه رسیدم که بحث روی موضوعات فکری و تحقیق در ساحه فرهنگ و ثقافت کار ساده و آسان برای محقق مثل من که بین جهل و علم زندگی دارم نیست . با تمام ناتوانی به بحث ادامه دادم تا مسئولیت اسلامی خود را انجام دهم . باین باور و یقین هستم که دانشمندان معاصر اسلامی و محققین در رشته های فقه اسلامی و تاریخ و اجتماعیات و فرهنگ و ثقافت از اشتباهات بنده سکوت نمی کنند و اشتباهات را اصلاح و مرا متوجه آن می سازند و مقدماً اعتراف می نمایم که مشکلات زبان را به دلیل دوری زیاد از وطن عزیز دارم و امید است خوانندگان گرامی متوجه این نقیصه باشند . تحقیق در نهایت

بسیار مفصل و طویل شد و به هشتصد صفحه رسید و چون امکانات مالی و ضعف اقتصادی اجازه نشر آنرا نمی داد لذا تا حد زیاد مختصر ساخته شد و اختصار یا خلاصه کردن نیز کار ساده و آسان نیست . امیدوارم که در آینده های دور و نزدیک بتوانم تحقیق را تکمیل و در جلد دوم به بخدمت هموطنان عزیزم تقدیم نمایم .

## تفکر معاصر اسلامی

تفکر و اندیشه آدمی منشأ و وسیله رسیدن به کمال معرفت و کشف اسرار کائنات و شناخت خداوند میباشد. فکر سلیم و تفکر سالم اسرار جهان مجهول را کشف و قوانین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای اداره امور زندگی تدوین و جامعه را بسوی رفعت و بلندی و دانش رهنمائی می نماید و از طرف دیگر فکر غیر سلیم مقام انسان را به پائین ترین درجه حتی پائین تر از مقام حیوان میرساند. فکر و عقل ناقد و وسیله و آله تمیز و رسیدن به واقعیت های عینی و نفی اکاذیب و تفریق بین حق و باطل میباشد و همچنان روش فکر سالم و عقل سلیم و ناقد مانع شست و شوئی عقلی می گردد و عقل انسان را از تأثیرات منفی و اکاذیب و غیر واقعیت ها که در عصر حاضر بسرعت توسط میدیا به نشر میرسد حمایت و حفاظت می نماید.

حل مشکلات، برنامه سازی برای آینده، تعبیرات ادبی و زبانی و استدلال منطقی و تحقیقات و بحث های علمی و اکتشافات و اختراعات جدید همه از نتایج و حاصل فکر و تفکر سلیم است. قدرت و تسلط بالای تفکر اساس اول تعلیم و آموختن علوم و همچنان درک مسائل هنری و ادبی و سهم داشتن در ساحة علمی میباشد. موفقیت در امور سیاسی و ادبی و اجتماعی و اقتصادی و روانی و تدوین قوانین مفید برای اداره جامعه و تطبیق عملی آن بصورت عادلانه را فکر سلیم و تفکر سالم و عقل متجدد و ناقد رهبری می کند.

قرآن کریم تکریم و کرامت عالی انسان را نسبت به تمام مخلوقات عقل و تدبر و تفکر و فکر میداند. در سوره البقرة میخوانیم: «و علم آدم الأسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة فقال أنبئوني بأسماء هؤلاء إن كنتم صادقين. قالوا سبحانك لا علم لنا إلا ما علمتنا إنك أنت العليم

الحکیم . قال یا آدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنباهم بأسمائهم قال ألم اقل لكم إني أعلم غيب السماوات والأرض وأعلم ما تبدون وما كنتم تكتمون». (البقرة: 31-33).

و خداوند همه اسماء یعنی نام های اشیاء را به آدم تعلیم داد سپس آن اشیاء را بر فرشتگان عرضه داشت و فرمود اسمای این چیزها را بمن خبر دهید ، اگر راست میگوئید. فرشتگان گفتند: خدایا ! تو پاک و منزهی ، ما نمیدانیم جز آنچه که تو ما را تعلیم فرمودی ، بی شک توئی دانا { و { حکیم . خداوند فرمود: ای آدم ! فرشتگان را بنام های آن اشیا آگاه ساز پس چون آدم ملائکه را به اسمای آنها خبر داد ، خداوند فرمود آیا بشما نگفته بودم که من میدانم غیب آسمانها و زمین را و میدانم آنچه را که شما آشکار می کنید و آنچه که پنهان میداشتید .

محمد الغزالی معاصر «اسماء» را در آیه مبارکه به حروف ابجدی «الف باء» علوم تفسیر میکند و می نویسد: خداوند سبحانه و تعالی قبل از اینکه آدم را بر زمین بفرستد اصول اولیه و حروف ابجدی تمام علوم را بوی آموخت و علت اینکه آدم بر ملائکه برتری یافت فکر و تفکر و علم او بود . الغزالی ادامه داده می نویسد: خداوند بشر را مخاطب ساخته می فرماید: «هو الذی خلق لكم ما فی الأرض جمیعا ...» (البقرة: 29) . آن خدائی است که بیافرید برای شما همه آنچه را که در زمین است . آیه مبارکه به صیغه عام و جمع آمده یعنی آنچه در زمین است برای همه انسانها میباشد و مخصوص یک قوم و پیروان دین مخصوص نیست . حروف ابجدی که آدم قبل از آمدن بر زمین آموخت مربوط به زندگی و آبادی زمین و کشف اسرار کائنات بود . زمین یک کوکب یا سیاره در بین کواکب است و برای ادامه زنده گی در کره زمین دانش و تفکر برای کشف اسرار کائنات یک امر حیاتی و حتمی میباشد . کشف اسرار کائنات و آیات یا نمونه های الهی در ملکوت سماوات و ارض به فکر و



تفکر احتیاج و ضرورت دارد.<sup>1</sup> تفکر و اندیشه سالم اساس و پایه اول مسئولیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دینی را می سازد و اگر فکر سالم و قدرت تفکر سلیم در انسان نباشد به عبارت دیگر اگر انسان مشکل عقلی و فکری داشته باشد و نتواند صحیح در مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دقت و تصرف نماید در این حالت قانون اسلام این شخص را مراقبت و برای اداره سرمایه اش وصی انتخاب میکند. قرآن کریم در این مورد می فرماید: «و ابتلوا الیتامی حتی إذا بلغوا النکاح فإن آنستم منهم رشدا فادفعوا إلیهم أموالهم» (النساء: 6). و یتیمان را بیازمائید تا هنگامیکه به سن نکاح رسیدند و اگر از ایشان دریافت رشد نمودید اموال شانرا به دسترس شان قرار دهید. کلمه رشد معنی آن رشد عقلی و فکری است و تا زمانیکه انسان به رشد فکری نرسد حق تصرف سرمایه خود را ندارد.

امام ابو جعفر الطبری در تفسیر آیه مبارکه می نویسد: خداوند سبحانه و تعالی ما را امر میکند تا رشد عقلی یتیمان را در فهم و صلاح دین و مال شان امتحان نمائیم و اگر از رشد یعنی پختگی فهم و ادراک و حسن تصرف شان در سرمایه شان یقین حاصل کردیم اموال شانرا برای شان تسلیم نمائیم در غیر آن باید تصرف شان را زیر نظر داشته باشیم.<sup>2</sup>

امام ابو حنیفه در عقد نکاح سلامت عقل و فکر سلیم دختر و پسر را از شروط عقد نکاح میدانند و میگویند: دختر عاقله و بالغه خودش حق دارد نکاح خود را بسته کند یعنی حق دارد نکاح کند و در عقد نکاح دختر و پسر عاقل و بالغ والدین حق ممانعت و مخالفت را ندارند.<sup>3</sup> تعقل و

1. محمد الغزالی «تراثنا الفکری» صفحات 17-18.

2. الطبری، محمد جریر «تفسیر الطبری» تحقیق احمد محمد شاکر و محمود محمد شکر، القاهرة دار المعارف، 1971 جلد 7، صفحات 574-578.

3. فضل غنی مجددی «خانواده در اسلام» فصل نکاح.

تفکر و تدبر چنانکه قرآن و سنت می گوید اساس تکریم مقام انسان است . مسائل سیاسی و حقوقی و اجتماعی و روابط انسانی همه ارتباط مستقیم به فکر و تفکر سلیم دارد. تا زمانیکه مسلمانان از عقل سلیم و فکر عالی پیروی میکردند ستاره های درخشان جهان معرفت بودند اما متأسفانه در نتیجه عوامل متعدد که در این تحقیق در مورد آن بحث می شود ، مسلمانان به عقب برگشتند و روش تفکر آزاد و روش علمی را فراموش کردند .

از چند قرن به این طرف در نتیجه عقب گرائی و عقب ماندن امت اسلام در بین امم جهان و تأسیس حکومت های استبدادی و ضعف و ناتوانی علمای اسلام در ساحات مختلف علوم شرعی و انسانی و طبیعی و حتی در مسائل اجتهادی ، امت اسلامی در پائین ترین درجه قافله قرار گرفت . عقب گرائی در تمام امور زندگی سبب شد تا کشور های اسلامی مورد تهاجم نظامی و فرهنگی و فکری کشور های غرب قرار گیرند و اکثر کشور های اسلامی از شمال افریقا تا سرحدات چین مستعمره یکی از کشور های غرب شود و فکر و اندیشه غرب به عمق بیشتر داخل فکر اسلامی شود که در نتیجه آن فکر معاصر اسلامی از مسیر اصلی اش انحراف و مسلمانان از ناحیه فکری به رکود مواجه شدند .

استعمار غرب اولین ضربه که به جهان اسلام وارد نمود جدائی دین از دولت و قانون بود. ناپلیون بعد از فتح مصر قوانین اسلامی را به قوانین غربی تبدیل نمود. تغییر قوانین اسلامی به قوانین غربی رابطه قوی و مستحکم مسلمانان را با اصل اسلام و فرهنگ و ثقافت اسلامی قطع ساخت و میتوان گفت که حمله ناپلیون بالای مصر و تغییر و تبدیل قوانین اسلامی و اشغال نظامی غرب از جهان اسلام و ضعف و ناتوانی علمای اسلام و تفرقه میان زعمای سیاسی و قومی همه مشترکاً سبب شد تا مسلمانان به استعمار اروپائی برای مدت طولانی تسلیم شوند. اما این وضعیت به مرور زمان تغییر میکند و مسلمانان علیه نفوذ و سلطه استعماری مقاومت می نمایند . اکثر کشور های اسلامی بعد از

مبارزات طولانی و دادن هزارها شهید به آزادی‌های سیاسی می‌رسند. با اینکه کشور های اسلامی استقلال سیاسی را بدست می‌آورند و قوای نظامی غرب را از کشور های خود خارج می‌سازند اما استعمار فکری و فرهنگی در جامعه اسلامی باقی می‌ماند و اکثر مسلمانان خصوصا مسلمانان قاره افریقا زبان اصلی و ملی خود را که زبان عربی و زبانهای افریقائی بود فراموش و در عوض زبان فرانسوی زبان رسمی دولت و تعلیم و تربیت قبول می‌شود و کار بجای می‌رسد که جامعه علمی اسلامی با کمال سعادت و رضایت در خدمت اشغال فکر غرب قرار می‌گیرد.

سقوط سلطنت عثمانی در سال 1924 میلادی که آخرین وحدت فکری و سیاسی مسلمانان را می‌ساخت سبب تجزیه جهان اسلام گردید و کشور های کوچک اسلامی تأسیس و زمامداران جدید و وابسته به سیاست غرب و با فکر غربی روی کار آمدند. خلاف فلسفه و ایدئولوژی دیموکراسی، سیاستمداران غرب از نظامهای استبدادی و حکومت های نظامی و استبداد سیاسی حمایت کردند. در سال 2012 میلادی در نتیجه جنبش آزادی خواهی در کشور های عربی که بنام «بهار عرب» شهرت دارد نظامهای استبدادی سقوط نمود لیکن کشور های غربی خصوصا امریکا از نظامیان عرب و بازماندگان نظامهای استبدادی حمایت نمودند و بهار عرب که تجربه سیاسی و فکری جدید برای مسلمانان معاصر بود به خزان تبدیل و حرکت دیموکراسی و جنبش ملی و اسلامی که به هدف حمایت حقوق انسان و آزادی های مدنی و تشکیل حکومت و نظام سیاسی به اراده آزاد مردم بود به استبداد سیاسی و حکومت های پولیسی و استبدادی و فاشیستی تبدیل شد و در بدل نظامهای دیموکراسی نظام استبدادی شدیدتر و فاشیست تر به همکاری و حمایت غرب خصوصا امریکا و زعمای خلیج عربی روی کار آمد و اولین قربانی آن مبادی اولیه حقوق انسان و مهمتر از همه روش فکر معاصر اسلامی بود.

بازگشت و احیاء استبداد سیاسی در کشور های عربی بعد از شکست حرکت و جنبش بهار عرب که به حمایت مستقیم غرب صورت گرفت سبب ازدیاد نفوذ گروه های افراط گرا در کشور های عربی و اسلامی شد ، و جنبش ها و حرکت های معتدل و وسط اسلامی در بین دو دشمن یکی استبداد داخلی با حمایت خارجی و دیگر آن افراط و غلو زیر نام دین واقع شد و حرکت های معتدل اسلامی ضعیف و ناتوان شد . دور ساختن خط وسط اسلامی از ساحت فکری و سیاست ضربت قوی به فکر معاصر اسلامی وارد نمود و طبقه جوان و با ثقافت جهان اسلام یا بطرف افراط رو آورد و یا در حاشیه و خارج از جامعه باقی ماند و گروه از مسلمانان فکر غربی را قبول و در تطبیق آن قدم های عملی برداشتند و در خدمت فرهنگ خارجی قرار گرفتند .

استبداد سیاسی و حکومت های مطلقه و نفوذ سیاسی و تسلط خارجی برای مسلمانان اجازه نداد تا در فضاء آزاد استقلال فکری و حقوق سیاسی و مدنی کامل را داشته باشند و در سایه حریت و آزادی بتوانند سیاست مستقلانه حکومتداری را بدون مداخله خارجی تجربه نمایند. در عدم چانس و فرصت برای نمودن فکراسلامی ، مسلمانان از تجربه های سیاسی که در فرهنگ سیاسی اسلام است و حتی از تجربه های دیموکراسی غرب عقب ماندند . بی خبری مسلمانان از اصل حقوق سیاسی و اجتماعی و مدنی و اقتصادی که اسلام آنرا برای جامعه معرفی می کند سبب شد تا قشر تعلیم یافته ای جهان اسلام فکر دیموکراسی غرب و ایدیولوژی دیموکراتیک شرق را در جامعه اسلامی تجربه و تطبیق نمایند اما این تجربه ها نتیجه مثبت نداشت و جامعه اسلامی در بدل رسیدن به آزادی های سیاسی و بدست آوردن حقوق مدنی و رسیدن به حقوق انسان به نظام های جدید استبدادی زیر نام دیموکراسی و دیموکراتیک مواجه و در اثر آن استقلال فکری و سیاسی و اقتصادی مسلمانان صدمه بیشتر دید و بعضی از کشور های اسلامی مثل افغانستان ، عراق ، فلسطین ، صومالیه مستقیماً زیر

اداره غرب آمد. در تحت اداره سیاسی وابسته به غرب و شرق اراده آزاد ملت ها احترام نشد و اصل دیموکراسی و حقوق انسان از تطبیق عملی باز ماند که نتیجه آن روی کار آمدن افکار افراطی در جهان اسلام و ضدیت و مخالفت مسلمانان با فکر غرب بیشتر و حرکت ضد غرب قوت بیشتر را در جامعه اسلامی گرفت و از طرف دیگر جنگ غرب علیه ترور به جنگ علیه اسلام و مسلمانان تبدیل گردید اگر اوضاع فکری و عقیده تی به همین ترتیب ادامه یابد جای شک نیست که جنگ با افراط و ترور به جنگ بین دو فرهنگ و دو فکر و دو دین تبدیل خواهد شد .

مسأله حقوق انسان و آزادی های فردی و نظامهای عادلانه و دیموکراسی و حق ملت در انتخاب زعامت سیاسی ارتباط به فرهنگ جامعه دارد و همیشه فرهنگ غنی و متمدن بالای فرهنگ ضعیف و ناتوان غلبه دارد. و سائل تبلیغات همه الکترونی و میدیا و مطبوعات قوت بیشتر را کسب نمود و متأسفانه تمام و سائل تبلیغات بدست غیر مسلمانان میباشد و هر معلوماتیکه غربی ها بخواهند بزبان های که مسلمانان به آن مکالمه دارند تقدیم می نمایند و جای شک نیست که انسان به مقتضای طبیعت بشری تحت تأثیرات منفی و مثبت تبلیغات قرار می گیرد خصوصا که جامعه ای اسلامی را زمامداران بی مسئولیت و علمای ناتوان و مطبوعات غیر مسئول و وابسته به خارج اداره نمایند .

در مورد نقش زنان علمای غرب باین عقیده اند که در اسلام زنان دارای حقوق خصوصا حق سیاسی و آزادی های مدنی نبوده و طبقه نسوان در جامعه ای اسلامی طبقه دوم را می سازند و بالآخره از نظر علمای غرب تطبیق شریعت اسلامی مهمترین عامل و مانع در عدم احترام حقوق مدنی در جامعه اسلامی است .

نشرات و تبلیغات و سائل جمعی غرب و بحث های که دانشمندان غرب در مسأله حقوق انسان و آزادی های فردی انجام می دهند تأثیرات عمیق

را در روش و روش فکر دانشمندان جوان مسلمان نیز به جا گذاشته است و قشر تعلیم یافته جامعه اسلامی تصور کرده اند که اسلام ضامن حقوق افراد خصوصاً حقوق سیاسی و مدنی نیست. از جانب دیگر متأسفانه طرفداران تطبیق شریعت اسلامی نیز در گفتار و کردار خود غیر مسئولانه رفتار می کنند و اعمال و گفتارشان فکر اسلامی را در مسأله حقوق سیاسی و مدنی و حقوق انسان تضعیف و مورد سؤال قرار می دهد.

متفکرین غرب و گروه از محققین مسلمان که از حقیقت اسلام بی خبر اند باین عقیده اند که حقوق انسان را جامعه ملل متحد در دهم دسامبر 1948 میلادی تثبیت کرد و ملل متحد اصل تساوی بین افراد را از حقوق مدنی فرانسه اقتباس و برای جامعه بشری معرفی نمود.<sup>4</sup>

نویسنده مشهور امریکا «جاک دونللی» کتاب خالد إسحاق بنام حقوق الإنسان فی الإسلام را نقد می نماید و می نویسد که حقوق انسان در فرهنگ و عقیده اسلامی فقط در واجبات خلاصه میشود و اسلام بصورت خاص و مستقل درمسأله حقوق انسان و حقوق مدنی افراد چیزی ندارد و احکام اسلامی فاقد این موضوعات است. آیات قرآن که نویسنده اسلامی روی آن بحث میکند و از آن دلیل برای اثبات حقوق انسان در اسلام می آورد در حقیقت توصیه های الهی میباشد که قتل نفس را حرام میسازد و تطبیق عدالت اجتماعی را بالای حکام واجب میداند و قرآن حقوق اقتصادی را نیز در باب واجبات بحث میکند که در بدست آوردن رزق حلال و کمک به محتاجین خلاصه میشود. آزادی بیان عبارت از پابندی به گفتار حق است و اسلام دیگران را به این حق مجبور می سازد و مسلمانان به احترام کرامت یک انسان دیگر ماموراند و این

4. احمد البغدادی «الفکر الإسلامی و الإعلان العالمی» ص 9، دار قرطاس للنشر و التوزیع، الکویت 1994 م.

ماموریت تنها در وصیت های الهی می باشد نه در باب حقوق انسان بصورت مستقل.<sup>5</sup>

در بین نویسندگان مسلمان آقای فؤاد زکریا نیز به همین عقیده است. او می نویسد: فهم مسلمانان از اسلام این است که اسلام دین و دنیا است و شامل حقوق انسان و ضامن آزادی های سیاسی می باشد. مسلمانان فکر میکنند که حقوق انسان که اسلام از آن سخن می زند در هر زمان و مکان قابل تطبیق عملی است و دلیل که نویسندگان مسلمان در ساحة حقوق انسان می آورند نصوص قدیم اسلامی است، نصوصی که میشود آنرا تفسیرات متفاوت کرد. تفسیرات مختلف و متعدد از نصوص اسلامی در موضوع حقوق انسان سبب شد که استبداد سیاسی روی کار آید. اگر حقوق انسان را از نظر مفهوم و فکر اسلامی و غربی مقارنه نمائیم معلوم میشود که تطبیق حقوق انسان به معنی معاصر آن فقط در عصر اول اسلامی بود در حالیکه حقیقت این است که حقوق انسان معاصر از فکر غرب استنباط و در غرب شناخته و تطبیق عملی گردیده است.<sup>6</sup>

وسائل تبلیغات مثل انترنیت، تلویزیون، رادیو و غیره بالای فکر و طرز تفکر محققین مسلمان اثرات منفی را گذاشته است. تکنالوژی جدید جهان را به قریه واحد و کوچک مبدل ساخته و معلومات بسرعت نشر می شود و انسان به طبیعت بشری که دارد از معلومات متأثر می گردد. در جوامع اسلامی از طریق تکنالوژی جدید افکار لیبرالی بسرعت انتقال یافت و گروه از مسلمانان دانسته یا نادانسته در خدمت فکر و فلسفه لیبرالیزم رفتند و حقوق انسانرا در نتیجه فعالیت های

<sup>5</sup>. جاک دونلی «حقوق الإنسان العالمية بين النظرية والتطبيق»، ترجمه: مبارک عثمان، طبع المكتبة الأكاديمية القاهرة 1998، صفحه 69 همچنان، الشیخ عبدالله بن الشیخ المحفوظ بن بیه «حوار عن بعد حول حقوق الإنسان فی الإسلام»، ص 15.

<sup>6</sup>. فؤاد زکریا «الصحوۃ الإسلامیة فی میزان العقل» ص 114.

جامعه علمی و مدنی اروپا مطالعه می نمایند. بعض از دانشمندان جوان مسلمان باین نتیجه رسیده اند که نصوص اسلامی و فکر اسلامی چیزی راجع به حقوق انسان ندارد و عقیده و باور داشتن به اینکه اسلام حقوق مدنی و سیاسی را دارد و از آن دفاع میکند از نظر عقل و علم و تجربه غیر قابل قبول است.<sup>7</sup>

تحقیقات علمای غرب و انتقادات شان از شریعت اسلامی مبنی بر عدم توجه و دقت اسلام به حقوق انسان و همچنان نشر سریع نظریات شان از طریق وسائل الکترونی فکر عده از جوانان مسلمان را که فهم و درایت کامل به حقیقت اسلام ندارند مشکوک ساخت و طبقه تعلیم یافته جهان اسلام از تطبیق شریعت اسلامی که ضامن حقوق انسان است انکار و به این عقیده رسیدند که اسلام و شریعت ضامن حقوق انسان نیست و حقوق انسان و آزادی های فردی را در فرهنگ و ثقافت و فکر غرب باید مطالعه کرد.

رکود فکری سبب شد که فکر و ایدیولوژی غرب بالای فکر اسلامی غلبه نماید و مسلمانان در اثر دوری از فرهنگ اصیل اسلام تصور کردند که مبارزه علمی و ایدیولوژیکی در مقابل تهاجم فکری غرب فائده ندارد لذا فرار را بر قرار ترجیح دادند و فکر غربی را در روش زندگی و خصوصاً در مسأله حقوق انسان و غیره پذیرفتند.<sup>8</sup>

علمای غرب نظر دارند که مسلمانان در عصر های مختلف و خصوصاً معاصر در ساحة حقوق انسان و آزادی های مدنی مثل آزادی بیان ، تشکیل احزاب سیاسی ، آزادی مطبوعات و حقوق سیاسی زنان بحث و تحقیق نکرده اند و اگر کرده اند شرایط زمان و مکان و تغییرات که در روش تفکر انسان در طول زمان بوجود آمده آنها در نوشته های خود

7. احمد البغدادی «الفکر الإسلامی و الإعلان العالمی» صفحات 8-9، دار قرطاس للنشر و التوزیع، الکویت 1994 م.

8. الغزالی «السنه النبویه بین أهل الفقه و أهل الحدیث» ص 137.



مراعات نکرده اند. این ادعا یک ادعا غیر صحیح و دور از حقیقت است برعکس علمای اسلام در عصرهای مختلف در موضوع آزادی بصورت عموم و در مسأله حریت قول و بیان ، حریت عقیده ، فرضیت شورا و مبارزه با استبداد سیاسی و دیگر حقوق مدنی بحث های مفصل و مفید را نموده اند که در این تحقیق نظریات شان بررسی و نقد و از آن استفاده می شود .

علمای معاصر فکر اسلامی در مسائل حقوق مدنی اسلامی بحث های زیاد دارند و عده از این علماء نتوانسته اند از دایره نظریات علمای صدر اول و دوم اسلام در موضوع حقوق سیاسی خارج شوند این گروه از علماء تصور دارند که مسائل سیاسی و حقوق مدنی از نظر فقه اسلامی غیر قابل تجدید و تغییر است . علت عدم بحث در مسائل سیاسی و قبول فکر تجدید نزد این گروه از علماء اشتباه بین اساسات اولیه و ضروریات دین و فقه آن میباشد . صحیح است که ضروریات دین و مسائل اساسی اسلام غیر قابل تجدید است در حالیکه مسائل فقهی خصوصاً فقه سیاسی و اجتماعی قابل تجدید و غور و دقت میباشد و فقیه ضرورت های جامعه و تغییرات عصر را در اجتهادات خود مد نظر می داشته باشد. فکر معاصر اسلامی و پیام اسلام معاصر از دو ناحیه متضرر و عقب ماند:

1- استعمار عسکری و تهاجم فکر غرب و تسلط اقتصادی و بالآخره اشغال کشورهای اسلامی یکی بعد از دیگر. همکاری علمی و فرهنگی و تبلیغاتی انجمن های شرق شناسی و خاوران شناسان با استعمار به هدف تغییر روش فکر مسلمانان .

2- ضعف و ناتوانی علمی و فرهنگی و اقتصادی و استبداد سیاسی در جهان اسلام.

شرق شناسی و عمل شرق شناسان بدون مقاومت در جهان اسلام نبود لیکن مقاومت اسلامی به آن قوت و مرکزیت نبود تا بتواند مانند سد و مانع قوی در مقابل تهاجم فکر استعمار غرب باشد فلذا فکر غرب در

آغاز بدون موانع داخل فکر اسلامی گردید و فکر اسلامی معاصر را از داخل صدمه داد. قبل از اینکه نقش علمای اسلام را در مبارزه و مقاومت علیه فکر استعمار غرب و شرق شناسی به بحث بگیریم بهتر است تا نقش شرق شناسی و شرق شناسان را در مبارزه علیه فکر اصیل اسلامی بحث نمائیم زیرا شرق شناسی و شرق شناسان در دو قرن اخیر توانستند روش و روش فکری مسلمانان را تغییر دهد و روش و روش فکر غرب را جاگزین آن سازد.

شرق شناسی «کشف شرق» توأم با فکر استعماری و دینی همراه بود و هدف اساسی و اول شرق شناسی و وظیفه مهم شرق شناسان مبارزه با فرهنگ و فکر اسلامی و تأثیر گذاشتن بالای فکر اسلامی و آماده ساختن مسلمانان به قبول استعمار نظامی و فکری و ایجاد فاصله بین مسلمانان و فکر اصیل اسلامی بود. شرق شناسان در این راستا خدمات با ارزش را برای نشر فرهنگ دینی غرب نمودند. قبل از اینکه در موضوع روش فکر معاصر اسلامی و تأثیر آن به فکر غرب مسیحی و استعمار غرب و همچنان طرز دید اسلام معاصر بحث را آغاز نمائیم لازم دیده میشود تا بصورت بسیار فشرده و خلاصه اصل شرق شناسی و عمل شرق شناسان را بررسی نمائیم زیرا فکر معاصر اسلامی بشدت و به عمق بیشتر تحت تأثیر فکر غرب میباشد و در بسیاری موارد ملاحظه میشود که متفکرین مسلمان با داشتن عقیده و ایمان کامل در مسائل فکری و فرهنگی مثل متفکرین غرب به قضایا می بینند و معلومات که مؤسسات اکادمی غرب پیشکش جامعه علمی اسلامی میکنند آنها به زبان شرقی بدون تصفیه و پاک سازی ترجمه و به جامعه شرق اسلامی انتقال می دهند .

## مطالعات شرق شناسی و شرق شناسان

عده‌ای از مؤرخین باین عقیده اند که تاریخ شرق شناسی از عصر جنگ‌های صلیبی آغاز میشود. مؤرخین معاصر باین نظر موافق نیستند و عقیده برین دارند که حرکت شرق شناسی یعنی شرق شناسی در اروپا از قرن سیزدهم میلادی آغاز می‌شود. شرق شناسی در آغاز یک عمل فردی و برای هدف بسیار محدود و کوچک بود. شرق شناسی در اروپا بعد از عصر اصلاح دینی در دنمارک و هالند شکل منظم را برای رسیدن به اهداف مهم دینی و سیاسی و اقتصادی گرفت.<sup>9</sup>

با اینکه شرق شناسی و تبشیر یعنی تبلیغ و نشر عیسویت در اصطلاح دینی و سیاسی و معنی لغوی با هم متفاوت است لیکن در نتیجه باهم متحد میباشند باین معنی که تبشیر در نهایت امر شرق شناسی و شرق شناسی تبشیر است و هر دو ثمره و حاصل فرهنگ و ثقافت و روش تفکر غرب میباشد.

هدف از حرکت تبشیر و شرق شناسی در آغاز مرحله دعوت مسلمانان به دیانت عیسوی نبود بلکه هدف ایجاد فاصله بین مسلمانان و دین اسلام و روش فکر اسلامی بود. این هدف را آقای زویمر در کنفرانس تبشیری سال 1928 به این عبارات توضیح کرد: «هدف و وظیفه تبشیر که کشور های مسیحی در جهان محمدی یعنی جهان اسلام روی دست دارند، مسیحی ساختن مسلمانان نیست، به دلیل اینکه عیسوی شدن مسلمانان معنی آن تکریم و هدایت شان است. هدف از تبشیر جدا نمودن مسلمانان از اسلام است تا از جمله مردمانی شوند که رابطه با خداوند

<sup>9</sup>. مجله المجمع العلمی العربی مجله سوم سال 1923 و چهارم سال 1924.

نداشته باشند و رابطه شان با اخلاق قطع گردد زیرا ملت ها در زندگی خود احتیاج به اخلاق دارند».<sup>10</sup>

بین مؤسسات شرق شناسی و شرق شناسان از نظرایدولوژی سیاسی و فکری تفاوت است و شرق شناسان از کشورهای مختلف با اهداف سیاسی و فکری متفاوت میباشند. شرق شناسی روسی تمام ادیان و عقائد دینی را نفی و ادیان را افیون ملتها می داند. شرق شناسان غرب دین اسلام را نفی لیکن به دین مسیحیت احترام فوق العاده دارند.<sup>11</sup>

شرق شناسان یهود دین یهودیت را نسبت به اسلام بالاتر معرفی و کوشش دارند تا یهودیت را مصدر اول اسلام معرفی نمایند. جاگزین شدن فلسفه مادی در دین عیسویت، در غرب، فرصت خوب برای شرق شناسان یهود بود. علماء یهود از خلاء دینی غرب استفاده نمودند و دین یهودیت را از نظر درجه دینی در مقام بالاتر قرار دادند و به اثبات رسانیدند که مدنیت، فرهنگ و طرز فکر یهودیت نسبت به عیسویت و اسلام بالاتر است.<sup>12</sup>

در بعد سیاسی شرق شناسان یهود و مؤسسات شرق شناسی یهودیت موفق گردیدند تا در تمام مؤسسات بین المللی شرق شناسی و جامعه شرق شناسان حضور داشته باشند و شرق شناسی غرب را به نفع فکر یهودیت از نظر اجتماعی و سیاسی تغییر دهند. همچنان شرق شناسان یهود موفق شدند تا بی نظمی را در فرهنگ و فکر معاصر اسلامی بوجود آورند. مستشرق بزرگ یهودی آقای جابو تنسکی که از جمله

<sup>10</sup>. صابر طعمیه «أخطار الغزو الفکری علی العالم الإسلامی» ص 177). همچنان دکتور علی عبدالحلیم «الغزو الفکری و أثره فی المجتمع الإسلامی المعاصرة» دار المنار الحدیثه 1989، صفحات 161-164.

<sup>11</sup>. بندلی جوزی «من تاریخ الحركات الفکرية فی الاسلام» القدس، منشورات صلاح الدین، ص 91 و همچنان دکتور نبیل علقم «الثقافة العربیة و التجدید الإسلامی» صفحات 213-214.

<sup>12</sup>. فاطمه نجا «نور الاسلام»، ص 51.

مهند سین سیاست خارجی اسرائیل میباشد باین عقیده است که اسلام حتما ضعیف می شود و مدنیت اسلامی مدنیت عربی و اسلامی خالص نیست و مدنیت اسلامی را سریانی های سوریه و یهودان و فارسی ها ساخته اند. او اضافه میکند که در جهان عرب و خصوصا در فلسطین تورات اصل فرهنگ و مدنیت میباشد.<sup>13</sup>

مبشرین یعنی دعوت کنندگان به مسیحیت و شرق شناسان میدانند که علت قوت مسلمانان ، اسلام است و تا زمانی که مسلمانان ارتباط به اسلام داشته باشند قوی و عظیم می باشند لهذا حرکت تبشیر و شرق شناسی اولین برنامه که برای تضعیف مسلمانان روی دست گرفتند عبارت از مشکوک ساختن مسلمانان به قرآن کریم و شخصیت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و صحابه و باطل نشان دادن احادیث و سنت بود.<sup>14</sup>

## اسباب و عوامل شرق شناسی

### اول : فکر و فلسفه دینی

جنگهای صلیبی در نفس ها و شعور مردم اروپا اثرات بسیار منفی و حس انتقام جوئی را از اسلام و مسلمانان بجا گذاشت و جامعه غرب تا امروز نتوانست از تأثیرات منفی عصر صلیبی خارج شود. بعد از حرکت اصلاح دینی در اروپا ، کاتولیک و پروتستانت متوجه نشر عقائد و فکر دینی در جهان خصوصا جهان اسلام شدند و برای تحقق بخشیدن این منظور و هدف ، غربی ها خصوصا رجال دین و کلیسا توجه به آموختن و تعلیم زبان عربی و عبری و زبانهای افریقائی و شرقی نمودند . حرکت ترجمه کتب دینی و فکر غرب خصوصا فکر اصلاح دینی به

13. منعم حداد «الاستشراق و الصهيونية و التراث الشعبي» ، ص 100.

14. دكتور إدوارد سعید «الاستشراق» ترجمه ، کمال أبو ديب ، طبع دوم - بیروت :

مؤسسة الأبحاث العربية ، 1984 م ، ص 275.

زبانهای عربی و عبری و افریقائی و زبانهای آسیوی آغاز شد و کتب طبع شده در جهان اسلام و قارهٔ افریقا توزیع گردید. مسلمانان به فکر اصلاح دینی که اساساً فکر غرب و برای اصلاح دین عیسویت بود توجه زیاد نمودند و نظریات اصلاح دینی را قبول و خواستند تا این تجربه را در شرق اسلامی تطبیق عملی نمایند و دین اسلام را مانند دین عیسویت اصلاح و تجدید نمایند و به عبارت دیگر روش اصلاح دینی که در غرب عملی و اجراء شد خواستند همان روش را در اسلام نیز تطبیق نمایند.

### دوم: اسباب اقتصادی، سیاسی

سوم: نشر فلسفهٔ دیموکراسی غرب و تقسیم امت اسلامی به اقوام و مذاهب و نژاد به هدف ضعیف ساختن قوت مسلمانان و اشغال جهان اسلام. شرق شناسان بعد از مطالعات باین نتیجه رسیدند که وحدت مسلمانان در وحدت دین است و جهت ضعیف نمودن مسلمانان باید قومیت و نژاد و مذهب را از اسلام جدا ساخت و برای تحقق بخشیدن این هدف سیاستمداران و سرمایه داران فکر شرق شناسی را تقویت سیاسی و مادی نمودند. فعالیت‌های شرق شناسان در این راستا اثرات منفی را در شعور، وجدان و فکر مسلمانان بجا گذاشت و شرقی‌ها احساس به نقص و کمبودی نسبت به غرب نمودند و برای رسیدن به نهضت علمی و تکنالوژی حاضر شدند نظریات استعماری و فکری و حتی دینی غرب را مطالعه و نظریات و فلسفه‌های دیموکراسی و حقوق انسان غرب را در جامعه‌ای شرق اسلامی تطبیق نمایند و این بزرگترین موفقیت بود که شرق شناسان و مؤسسات شرق شناسی در ساحهٔ اسلامی بدست آوردند.<sup>15</sup>

نخبگان عرب و مسلمین توجه جدی و عمیق به شرق شناسی نمودند و آنچه شرق شناسان نسبت به اسلام و عرب نوشتند آنرا بدون دقت به زبان

<sup>15</sup> .الدكتور محمد البهي «الفكر الإسلامي الحديث وصلته بالاستعمار الغربي» ص 431 و نجيب العفيفي «المستشرقون» و مجلة «Al - Islam» عدد 15، فبروی 1958.

های عربی و فارسی و اردو ترجمه نمودند. شرق شناسان قدیم کوشش نمودند تا شکل و مضمون اسلام و صورت مسلمانان را به جامعه غرب بصورت وحشیانه معرفی نمایند. مخاطب یا طرف خطاب شرق شناسان در گذشته جامعه تعلیم یافته و نخبگان مسلمان و غرب بود و اما شرق شناسان معاصر سیاستمداران را هدف قرار دادند و خواستند تا سیاستمداران زبان حال و سخنگوی شرق شناسان در جهان باشند.

نظریات و تحقیقات شرق شناسان اکثراً مورد استفاده پژوهشگران قرار می گیرد و محققین جوان مسلمان که در مراحل ماستری و دکتورادر پوهنتونهای جهان اسلام کار میکنند نظریات شرق شناسان و مؤسسات شرق شناسی را منابع علمی و مصادر موثق می شمارند. نظریات و بحث های شرق شناسان و مؤسسات شرق شناسی، محققین جوان کشورهای اسلامی را مشغول مطالعه و بحث روی رابطه بین فکر اسلامی و فکر غربی و مسلمانان و غیر مسلمانان ساخت به عبارت دیگر محققین جوان خواسته و یا نا خواسته تحت نفوذ و تأثیر مطالعات و نظریات مؤسسات شرق شناسی قرار گرفتند.

بحث و تحقیق در موضوع رابطه ای غیر واقعی و حتی دشمنانه غرب با اسلام یکی از موضوعات بسیار جنجال بر انگیز بین علمای غرب و متفکرین اسلام است. بعد از واقعه یازدهم سپتمبر 2001، اشغال افغانستان و جنگ خلیج و نقشه های جدید غیر اعلان شده برای تقسیم جهان اسلام باساس قوم و نژاد و مذهب و سقوط نهضت های دیموکراسی عرب، شرق شناسان و حرکت شرق شناسی عناوین ضد اسلامی را زیاده تر انتخاب و اسلام را معادل ترور بررسی نمودند. متفکرین غرب و وسائل تبلیغات غرب که در خدمت شرق شناسی قرار دارند در آتش فتنه و عداوت بین مسلمانان و غرب سعی می نمایند و در عوض دعوت برای همکاری مشترک بین مسلمانان و غرب و نزدیکی بین فکر اسلامی معاصر و فکر غرب دست به نشر کاریکاتور های حضرت محمد صلی الله علیه و سلم می زنند که آخرین آن در فرانسه بود

و نتیجه منفی آن عبارت از ازدیاد تنفر بین مسلمانان و عیسویان و فاصله بین فکر اسلامی و فکر معاصر غرب و همچنان قوت بیشتر راست افراطی در غرب و فکر افراط گرائی در شرق اسلام است. متأسفانه در نتیجه سیاست های عداوت مندانه غرب نسبت به اسلام و مسلمانان ، افراطی ها هر روز قوت بیشتر را در غرب مسیحی و شرق اسلامی بدست میآورند. افراط راست غرب در بسیاری از انتخابات در کشورهای غرب مکاسب سیاسی را بدست آوردند و در جانب دیگر فکر افراط گرائی در بین مسلمانان هر روز قوت بیشتر میگیرد و نهضت های معتدل و وسط اسلامی قربانی افراط شرق و تعصبات غرب می شوند.

سال 2015 افراطی های دست راست اروپا و امریکا ضدیت با اسلام و مسلمانان را شعار برنامه ای انتخاباتی خود انتخاب کردند. آقای دونالد ترامپ یکی از کاندیدان حزب جمهوری امریکا اخراج و عدم اجازه دادن مسلمانان را به داخل شدن امریکا شعار انتخاباتی خود ساخت و هر روز نظریات ترامپ را عده در امریکا می پذیرند.

صدراعظم اسبق استرالیا آقای تونی ابوت بتاريخ نهم دسامبر 2015 طی مصاحبه اظهار نمود که مدنیت ها با هم متساوی نیستند و غرب باید تفوق و برتری خود را نسبت به اسلام اعلان کند. از نظر تونی مدنیت اسلام قتل مردم بنام خداوند است.

زعیم دست راستی فرانسه خانم مارین لوبان در مجلس حزب خود بتاريخ دسامبر 2011 در مورد مسلمانان در فرانسه گفت: عده از جنگ جهانی دوم و اشغال نظامی سخن می زنند امروز اشغال عملا صورت گرفته است لیکن این بار بدون تانگ و عسکر. نماز گزاران در فرانسه



روز جمعه در داخل مساجد جا نمی شوند و در خیابان ها نماز می خوانند و این است اشغال.<sup>16</sup>

تعدیلات جدید که حکومت فرانسه در قوانین وضع می کند به ضرر مسلمانان فرانسه می باشد. قوانین جدید برای پولیس حق تفتیش مساجد و مراکز اسلامی و منازل مسلمانان را میدهد. به قول جریده واشنگتن تایمز لغو دو تابعیت در تعدیلات جدید مشکلات زیاد را برای مسلمانان که در فرانسه تولد شده اند بوجود می آورد. تعدیلات جدید را واشنگتن تایمز قوانین تفرقه آمیز بین ملت واحد در فرانسه تفسیر می کند. واشنگتن تایمز اضافه میکند که هدف از تعدیل قوانین در فرانسه مراقبت بیشتر مسلمانان است و این تعدیلات منافعی صریح با دیموکراسی فرانسه است. مسلمانان در فرانسه احساس می کنند که آنها در فرانسه بصفت دشمن معامله می شوند.<sup>17</sup>

موقف عده از سیاستمداران غرب نسبت به اسلام و مسلمانان در تقویت افراط گرایی در جهان اسلام افزوده است و بهترین نمونه آن فلم و تئاتری از ترامپ است که توسط شبان مسلمین «جوانان مسلمان» صومالیه برای مدت 51 دقیقه ساخته شد. رسانه ها در امریکا خبر می دهند که بعد از نمایش این فلم عده کثیر از جوانان افریقا با حرکت شبان مسلمین پیوسته اند.

### وسائل رسیدن به اهداف و برنامه های شرق شناسی

وسایل و برنامه ها برای رسیدن به اهداف شرق شناسی بعد داخلی و خارجی دارد. یکی از وسائل مهم شرق شناسی تربیت نسل جوان مسلمان به روش فکر غرب است و مهمترین وسیله برای رسیدن و تحقق این هدف در جوامع اسلامی طبع کتب به زبانهای شرق اسلامی، انعقاد کنفرانسها و سمینارهای علمی، نشر جرائد و مجلات، انشاء مدارس

<sup>16</sup>. بی بی سی، 2015/10/20.

<sup>17</sup>. بی بی سی جنوری 5، 2016.

و کالج‌ها و پوهنتونها و در اواخر قرن بیستم میدیا خصوصا تلویزیون و تهیه برنامه‌ها به زبان‌های شرق به‌دفعه تأثیر گذاشتن بالای فکر معاصر اسلامی است.

مهمترین مؤسسات شرق‌شناسی عبارت است از:

- در سال 1787 میلادی فرانسوی‌ها اولین جمعیت شرق‌شناسان را تأسیس نمودند و در سال 1820 جمعیت دوم را به آن اضافه کردند. مهم‌ترین وظیفه مؤسسات شرق‌شناسی نشر مجله به زبانهای فرانسوی و انگلیسی بود. شرق‌شناسان فرانسوی مجله العالم الاسلامی را بنام «Musulman 74-Le mondo» که فکر تبشیری «نشر مسیحت» را نشر می‌کرد نشر نمود.
- در سال 1823 در لندن جمعیت مهم برای مطالعه و تدریس شرق‌شناسی تأسیس شد. این جمعیت مجله را تحت عنوان «مجله الجمعية الآسیویة الملكية» به نشر رسانید.
- در سال 1842 میلادی شرق‌شناسان آلمان و روس و اتریش و ایتالیا مجلات و جرائد را به نشر سپردند. هدف از نشر مجلات و جرائد نشر معلومات از شرق بصورت عام و شرق اسلامی بوجه خاص بود.

### نقش امریکا در شرق‌شناسی معاصر

در اوائل قرن بیستم امریکا بحیث قوه بزرگ و مدافع حقوق انسان و دیموکراسی ظهور کرد با اینکه امریکائی‌ها در جنگهای صلیبی اشتراک نداشتند و ملت امریکا متأثر به جنگهای مقدس نبود لهذا انتظار میرفت که موقف امریکا نسبت به غرب در روابط با مسلمانان متفاوت باشد. دکتور جعفر شیخ ادریس در کتاب اش بنام «امریکا و الإسلام تعایش أم تصادم» می‌نویسد: جوامع غرب نسبت به اسلام و جامعه اسلامی نظریات متفاوت دارند. بین اروپا و جوامع اسلامی دشمنی‌های قدیم موجود بود و اما بین امریکا و مسلمانان دشمنی و

حس انتقام وجود نداشت زیرا امریکا کشور جدید و مردمش از کشور های متعدد تشکیل میشوند.<sup>18</sup>

سیاست امریکا را نسبت به اسلام و مسلمانان مؤسسات علمی و مراکز تحقیقات که اکثراً تحت نظر و اداره فکری صلیبی است میسازد. متأسفانه اکثر این مؤسسات و مراکز تحقیقات نظر خوب از مسلمانان و اسلام ندارند. اداره سیاسی امریکا اکثراً در رابطه به مسائل اسلامی و آنچه به مسلمانان تعلق می‌گیرد به نظریات و آراء همین مؤسسات اتکاء دارد و مشوره‌های این مؤسسات را می‌پذیرد. امریکا در مسائل شرق شناسی علاقه‌ای زیاد بعد از 1948 یافت و در این راستا سرمایه گذاری زیاد نمود و مؤسسات بزرگ علمی و تحقیقات را به هدف تحقیق بیشتر از جوامع اسلامی و روش فکر اسلامی تأسیس کرد.

در سال 1842 میلادی شرق شناسان و محققین در رشته شرق شناسی انجمن «الجمعية الشرقية الأمريكية» را تأسیس نمودند. جمعیت شرق شناسان و اداره شرق شناسی امریکا جهت مطالعات شرق مجلات و جرائد زیاد را به نشر رسانید مانند: «مجله جمعیه الدراسات الشرقية» این مجله در شهر کمبیر Cambier در ولایت اوهایو Ohio به نشر میرسید و نمایندگی‌ها در لندن و پاریس و تورنتو، کانادا داشت.

جمعیت شرق شناسان امریکا در وقت حاضر «مجله شئون الشرق الأوسط» و «مجله الشرق الأوسط» را که فکر شرق شناسی سیاسی را بررسی میکنند به نشر می‌رساند.

مهمترین مجله که امروز شرق شناسان و مؤسسات شرق شناسی در امریکا نشر میکنند عبارت است از «مجله العالم الاسلامی» «The Muslim World» است. این مجله را آقای صموئیل زویمر Zweimer

<sup>18</sup>. فضل غنی مجددی «غلو و افراط گرائی از نظر فرهنگ شرق اسلامی و غرب مسیحی» ص 163.

در سال 1911 میلادی تأسیس و امروز از شهر هارتفورد Hartford در آمریکا به نشر میرسد. این مجله از فکر تبشیر مسیحت در نشرات خود پیروی میکند.

مرکز مطالعات استراتیجی و بین المللی شعبه خاص بنام شرق اوسط دارد و رئیس آن آقای روبرت نیومان سفیر سابق آمریکا در عربستان سعودی، مغرب و افغانستان میباشد.

انستوت بروکنگز که در گذشته بنام مؤسسه مطالعات حکومتی یاد میشد، شعبه را برای مطالعه فکر اصولی اسلامی دارد و ریاست آنرا را ویلیام کونت استاد سابق پوهنتون پنسلوانیا و عضو سابق مجلس امنیت ملی آمریکا بعهده دارد.

مؤسسه واشنگتن در سیاست شرق دور یا شرق ادنی، این مؤسسه نسبت به اسلام و فکر اسلامی زیر تأثیر فکر یهودیت میباشد و اکثر محققین در این مؤسسه یهودان میباشد. این مؤسسه تحقیقات و بحث های متعدد را زیر عنوان ظهور و بلند رفتن حرکت های اصولی اسلامی به طبع رسانید.

مرکز مطالعات عربی معاصر در پوهنتون جورج تاون در واشنگتن. وظیفه این مرکز مطالعات در موضوعات مربوط به اسلام است. این مؤسسه کتابهای متعدد را در موضوعات اسلام به طبع رسانید که مهمترین آن حرکت اصولی و سیکولری در شرق عربی که بزبان عربی «بنام الحركة الأصولية والعلمانية في الشرق العربي» میباشد. در سال 1987 کتاب مهم دیگر را بنام: انفجار اسلامی «الانفجار الإسلامي» که در موضوعات مربوط به اصولی اسلامی میباشد به نشر رسانید.<sup>19</sup>

<sup>19</sup>. فضل غنی مجددی « غلو و افراط گرایی از نظر فرهنگ شرق اسلامی و غرب مسیحی » صفحات 165 - 166 . و همچنان دیده شود ، عبد القادر طاش «امریکا و الإسلام: تعایش أم تصادم» صفحات 165 - 172 .

تحقیقات و کتب شرق شناسان مرجع مهم برای محققین مسلمان و غیر مسلمان است. مهترین تحقیقات و کتب که از طرف شرق شناسان مخالف فکر اسلامی به طبع رسیده عبارت است از:

دائرة المعارف الاسلامیة The Encycopaedia Of Islam این دائرة معارف بزبانهای مختلف ترجمه و به طبع رسیده است. خطر این عمل بزرگ در آن است که اکثر محققین مسلمان و غیر مسلمان در تحقیقات خود در مسائل اسلامی باین دائرة المعارف رجوع می نمایند. اکثر معلومات در این دائرة المعارف غیر صحیح و تحریف از اسلام است و در بسا موارد ضد اسلام و مسلمین میباشد.

مؤجز دائرة المعارف الاسلامیة Shorter Encycopaedia Of Islam  
دائرة معارف الدین والأخلاق Encyclopadeia Of Religion And  
Ethics

دائرة معارف العلوم الاجتماعیة Encyclopaedia Of Social  
Sciences

دائرة المعارف های اسلامی که از طرف مؤسسات اکادمی غرب تهیه و ترتیب میشود در بسا موارد حقائق غیر صحیح را به اسلام نسبت و اکاذیب را به محمد صلی الله علیه وسلم و تاریخ اسلامی بسته می نمایند بطور مثال در دائرة المعارف فرانسه در تحقیق علامه لاروس می خوانیم که محمد یکی از رجال الدین کلیسا بود و کوشش و طمع داشت تا به مقام پاپ ارتقاء نماید، چون به این هدف نرسید دین جدید را برای رسیدن به زعامت خود تأسیس نمود.<sup>20</sup>

شرق شناسان موفق شدند تا در انجمن های مهم ادبی در کشور های اسلامی مثل مجمع اللغة العربیة، مجمع زبان عربی، در مصر و مجمع علمی در دمشق و مجمع علمی در بغداد راه یابند و عضویت کامل این مجامع علمی را بدست آورند. از طریق عضویت در انجمن های بزرگ

20. محمد الغزالی «تراثنا الفکری فی میزان الشرع والعقل»، ص 74.

اسلامی شرق شناسان قادر شدند مؤسسات بزرگ علمی و تحقیقات را در جهان غرب و اسلام به هدف نشر روش فکر غرب تأسیس نمایند.<sup>21</sup> شرق شناسان و مؤسسات شرق شناسی دیدگاه فکری غرب را نسبت به اسلام و فکر اسلامی روشن می سازند. علمای غرب و خصوصاً گروه های که در مؤسسات علمی و مراکز تحقیقات شرق شناسی و وظیفه دارند در تحقیقات و روش فکری خود تحت تأثیر عوامل متعدد میباشند:

1. مخالفتها و جنگهای که بین مسلمانان و عیسویان در عهد اول اسلام بود. و همچنان کوشش مسلمانان برای فتح قسطنطنیه، فتح اندلس «اسپانیا»، جنگهای صلیبی، جنگها بین سلطنت عثمانی و کشورهای غرب. وقایع تاریخی و روابط غیر حسنه بین مسلمانان و عیسویان نظریات و فکر و حتی روش عقلی غرب را نسبت به اسلام و مسلمانان می سازد و غربیها تا هنوز وقایع و حوادث تاریخی گذشته را فراموش نکرده اند.
2. اکثر شرق شناسان در بحری از اختلافات بین اسلام و مسیحیت غرق اند و کوشش دارند تا حقیقت اسلام را پنهان و مردم را نسبت به اسلام و مسلمانان متنفر و مشکوک سازند.
3. وقایع سالهای اخیر مانند حمله شاگردان ایرانی بعد از انقلاب اسلامی بالای سفارتخانه امریکا در تهران، تخریب مرکز نظامی امریکا در بیروت، تخریب کشتی نظامی امریکا در سواحل یمن، حمله به سفارتخانهها و مراکز اقتصادی امریکا در شرق میانه و حمله به نیویارک و واشنگتن، حرکت داعش و القاعده و طالبان و حمله بالای جریده چارلی ابید Charlie Hebdo در پاریس و حمله به رستوران در پاریس و حمله به استراحت گاه سالمندان در امریکا و حمله انتحاری در میدان هوایی بلجیم و غیره از جمله

<sup>21</sup> .الدكتور محمد البهي «الفكر الاسلامي الحديث و صلته بالاستعمار الغربي»، صفحات 432-433).

عوامل است که نظر شرق شناسان را نسبت به اسلام و فکر اسلامی بد بین تر ساخته و شرق شناسان و مراکز مطالعات شرق شناسی و اسلام شناسی از این واقعات جهت مبارزه با فکر معاصر اسلامی استفاده می نمایند و در عوض متهم ساختن عاملین آن اسلام و مسلمانان را بطور عموم متهم می نمایند.<sup>22</sup>

امریکا در روشنی معلومات ناقص که از مسلمانان و اسلام داشت داخل میدان مبارزه با مسلمانان شد و در جریان این مبارزه در فرهنگ روابط سیاسی بین اسلام و مسیحیت یا مسلمانان و عیسویان کلمه و اصطلاح جدید بنام حرکت اصولی اسلامی یا اسلام سیاسی مطرح شد. حرکت اصولی و اسلام سیاسی در غرب بصفت دشمن جدید برای تمدن غرب و فکر آزادی و دیموکراسی شناخته شد. دانشمندان و حتی طبقه عادی غرب خصوصا مردم عادی امریکا باین عقیده اند که فکر اصولی اسلامی یا اسلام سیاسی دشمن فکر و فرهنگ و مدنیت غرب است. شرق شناسان در سالهای اخیر وقت زیاد خود را در مطالعه فکر اصولی و اسلام سیاسی صرف کردند و نتایج کار و تحقیقات خود را به حکومت های کشورهای غرب خصوصا امریکا سپردند تا در روشنی آن با فکر اصولی اسلامی و فکر سیاسی اسلام معامله نمایند.

### **فکر اصولی اسلامی از دیدگاه شرق شناسان و مؤسسات شرق شناسی**

مؤسسات و مراکز تحقیقات شرق شناسی در غرب عموماً و در امریکا خصوصا اصولی اسلامی را فکر جدید در ساحة تفکر معاصر اسلامی می دانند. از نظر علمای غرب فکر اصولی اسلامی یعنی ضدیت با مدنیت غرب میباشد. مؤسسات اکادمی امریکا فکر اصولی را مطالعه و باین نتیجه می رسند.

<sup>22</sup>. دکتور احمد غراب «رؤية إسلامية للاستشراق» ص 7.

دکتور ریتشارد هربرد کیمیگان که از اصل ارمنی سوری است و مدتها بحیث مشاور در وزارت امور خارجه آمریکا و مؤسسات دولتی و اکادمی آن کار می کرد و بزبان عربی معرفت کامل دارد در کتاب خود بنام «الأصولیة فی العالم العربی \* اصولی در جهان عرب » روش تفکر معاصر اصولی اسلامی را به دو نوع تقسیم می کند .

اول- اصولی علمی ، اصولی علمی از نظر این دانشمند دو نوع است . اصولی سلبی و اصولی حرکی . اصولی سلبی دارای خصوصیات ذیل میباشد :

- خواندن نماز با جماعت در مساجد .
  - عمل کردن به احکام اسلامی .
  - قرائت و مطالعه قرآن کریم و کتب اسلامی .
  - همکاری با مؤسسات خیریه .
  - گذاشتن ریش و قطع بروت .
  - پوشیدن لباس خاص برای مردان و حجاب برای زنان .
- دوم- اصولی حرکی دارای صفات ذیل میباشد :
- زندگی نمودن در یک منطقه مخصوص .
  - رفتن به مسجد معین .
  - مقابله و مبارزه با لهو و لعب و اعمال منافی اسلام که بنام حرام یاد میشود.<sup>23</sup>

متفکرین غرب خصوصاً شرق شناسان و سیاستمداران و رجال فکر امریکا اکثراً در حکم خود در موضوع اصولی اسلامی دچار اشتباه میباشدند. علمای امریکا فکر اصولی اسلامی را از زاویه فکر مسیحی غرب مورد مطالعه قرار میدهند و کلمه ( Fundamentalism ) که اصل غربی و ارتباط به فرهنگ دینی غرب دارد آنرا بدون دقت بالای فکر

<sup>23</sup> . فضل غنی مجددی « غلو و افراط گرایی از نظر فرهنگ شرق اسلامی و غرب مسیحی » صفحات 166 - 167 .



اصولی اسلامی تطبیق می نمایند و هر زمان که بخواهند علیه فکر اسلامی قیام و مبارزه نمایند شعار مبارزه با اصولی اسلامی را بلند می نمایند .

راه حل و مبارزه با فکر اصولی اسلامی از نظر متفکرین غرب احیاء فکر قومیت در جهان اسلام است و برای تحقق بخشیدن این فکر و هدف پیشنهاد می نمایند تا مقام و منزلت قومیت را معادل اسلام ساخت و همچنان مسائل قومی ، زبانی ، نژادی و مذهبی را برای مقابله با فکر اصولی اسلامی در جهان اسلام تقویت کرد.

کنفرانس که در موضوع غلو و اصولی اسلامی و اسلام سیاسی در کانگرس امریکا تحت عنوان « الحركات الأصولية الإسلامية و التطرف الإسلامية » ترتیب شده بود و بعداً بحیث کتاب در 443 صفحه به نشر رسید و آنرا دکتور احمد ابراهیم خضر در رمضان 1409 هجری قمری بزبان عربی ترجمه نمود. در این کتاب علمای غرب و خصوصاً امریکا در مورد نظریات اصول گرایان عقیده دارند که نظریات اصولگرایان اسلامی به نظریات فاشیست ها و کمونستها نزدیکتر است و فکر اصولی ضد فکر سامی یعنی یهودیت میباشد و اصولی ها ضد غرب اند و زندگی مسالمت آمیز را قبول ندارند.<sup>24</sup>

جهت اصلاح روش و روش فکر اصولی ، دانشمندان غرب نظریات و روش های مختلف را پیشنهاد می کنند . از جمله دانشمندان فکر غرب داکتر دانییل بابیز روش حل غربی را در اصلاح فکر اصولی اسلامی اینطور پیشنهاد می کند :

1. تفکیک یا جدا کردن بین اسلام و اصولی ها زیرا اصولی یک حرکت فکری و ایدولوژی است که در قرن بیستم بوجود آمده است.

<sup>24</sup>. دکتور سالم عبدالله «نموذج غربی للحقد علی الإسلام» مجلة الفرقان» عدد 17 ،

2. همکاری با فکر چپ در جهان اسلام برای مبارزه و مقابله با فکر اصولی زیرا فکر چپ تهدید حقیقی و مستقیم برای منافع امریکا در کشورهای اسلامی نیست و گروه های چپ میتوانند با فکر غرب همکاری مشترک داشته باشند.<sup>25</sup>

استاد دکتور عبدالستار سیرت فکر معاصر سیاستمداران امریکا را تحت عنوان «تصویر اسلام بحیث دشمن غرب و تجاوز بر مقدسات اسلامی» به بحث گرفته می نویسد:

«بعد از سقوط اتحاد شوروی در پایان یک دهه تجاوز عسکری به افغانستان (1979-1989) و اخراج ذلت بار قشون سرخ از افغانستان به همت جهاد ملت مجاهد و مسلمان این کشور و به کمک دشمنان کمونیزم و کشورهای واقع در مسیر اشغال و تجاوز شوروی، نظام زعامت سیاسی جهان به سیستم یک قطبی تبدیل شد، و زعامت یکه تاز سیاسی جهان به منظور اجرای نقش زعامت جهانی و تسخیر سیاسی جهان استراتیجی تصویر یک دشمن جدید به تمدن و دیموکراسی غرب را طرح نمود. این دشمن به زعم زعمای غربی و مراکز مطالعات استراتیجیک و برخی از نویسندگان غربی همانا (اسلام و مسلمین) بود.

ریچارد نکسن رئیس جمهور اسبق امریکا در کتاب خود به عنوان «فرصت مناسب» و نیز در کتاب خود بنام «پیروزی بدون حدود» گفته بود: ما بر دشمن کمونست غالب شدیم و هیچ دشمنی در برابر ما باقی نمانده است مگر اسلام. کیسنجر وزیر خارجه اسبق امریکا نیز گفته بود: خطر اسلام بر غرب نسبت به کمونیزم بزرگتر است.

<sup>25</sup> دکتور سالم عبدالله «نموزج غربی للحقد علی الإسلام» ص 41 و همچنان دیده شود: فضل غنی مجددی «غلو و افراط گرایی از نظر فرهنگ اسلامی و غرب مسیحی» صفحات 170-171.

از جمله دشمنی های جدید ، میتوانیم از تجاوز بر مقدسات اسلامی از طریق تمسخر و استهزاء در کتب و رسانه های غربی تا سرحد نشر کارتونهاى اهانت به مقام والای رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در دنمارک و فرانسه و همچنان بیانات ظالمانه شخصیت های مهم دینی و سیاسی غرب در باره اسلام نام ببریم.<sup>26</sup>

مستشرق بزرگ اروپا لویس برتزان صاحب کتاب «إمام الإسلام» نظر خود را نسبت به مسلمانان اینطور می نویسد: «مسلمانان مردم عقب مانده و فاقد شرف و از جمله مردمان بسیار متعصب میباشند. مسلمانان قدرت رسیدن به مدنیت را ندارند و وظیفه غرب است تا امانت مدنیت را به جهان برساند».<sup>27</sup>

### شرق شناسی و اشغال نظامی

شرق شناسان و حرکت شرق شناسی جهت تحقق بخشیدن اهداف فکری در جامعه اسلامی و نشر افکار لیبرالی و ضعیف ساختن فکر معاصر اسلامی اشغال را یکی از وسایل فعال میدانند. مؤسسات شرق شناسی و شرق شناسان زعمای سیاسی و عسکری را برای اشغال کشورهای اسلامی تشویق و ترغیب و معلومات مفصل که از جوامع اسلامی تهیه نموده بودند آن را در خدمت مؤسسات عسکری و سیاسی غرب قرار دادند. اشغال نظامی کشورهای اسلامی را میتوان مرحله دوم حرکت شرق شناسی نام گذاشت. شرق شناسان در گذشته باین نظریه بودند که اشغال نظامی و تقسیم کشورهای بزرگ اسلامی به کشورهای کوچک و داخل جنگ بهترین وسیله برای نشر فکر غرب در بین مسلمانان میباشد.

<sup>26</sup>. پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت «قضایا مهم سیاسی در جهان اسلام» طبع

دوم دسامبر 2010 صفحات 24-25-26 ، از نشرات فقه اسلامی

<sup>27</sup>. صابر طعیمة «أخبار الغزو الغربی» ص 150.

مستشرق معروف فرانسوی «ماسینیون» مشاور وزرات خارجه فرانسه در شتون اسلامی قبل از اشغال الجزائر، پلان اشغال الجزائر را به دولت فرانسه تقدیم کرد و فرانسه را تشویق به اشغال الجزائر نمود. بیکر مستشرق المانی مؤسس «محطة الإسلام» مطالعات به هدف استعمار افریقا نمود و مطالعات خود را در خدمت سیاست استعماری المان گذاشت. «سنوک هورگرونیه» مستشرق هالندی پلان استعمار اندونیزا را به دولت خود معرفی کرد. اکثر مؤسسات شرق شناسی و شرق شناسان سیاستمداران غرب را تشویق به اشغال نظامی کشورهای اسلامی نمودند و معلومات شان برای اهداف نظامی و اشغال عسکری مفید واقع شد.

استعمار در جنگهای نظامی علیه مسلمانان به پیروزی رسید و فرانسه بزودی شمال افریقا را اشغال نمود و اسرائیل بحیث یک دانه سرطان در قلب امت اسلام جاگزین شد. تقسیم جهان اسلام مهمترین موفقیت نظامی و سیاسی غرب بود و این موفقیت ساحه و میدان را برای شرق شناسان جهت تغیر فرهنگ و ثقافت و روش فکر معاصر اسلامی آماده ساخت. مؤسسات شرق شناسی و شرق شناسان میدانستند که اشغال نظامی برای مدت طولانی امکان پذیر نیست و زمانی غرب بالای اسلام و مسلمانان غالب میشود که روش زندگی و فکر مسلمانان غربی شود. سیاست جدید در فرهنگ غرب بنام «تغریب» یعنی غرب ساختن شرق یاد میشود. سیاست تغریب از شروع قرن بیستم آغاز و تا حال ادامه دارد.

مرحله اول غرب سازی فکری بود، در این مرحله سیاست غرب نشر ثقافت لا دینی غرب و از بین برداشتن ثقافت و فرهنگ اسلامی از جامعه اسلامی بود. روش سیاسی غرب را در این مرحله میتوان به عبارات ذیل خلاصه کرد:

1. تأسیس مدارس تبشیری « مدارس برای تدریس مسیحیت » در کشورهای اسلامی.
  2. فرستادن دعوت کنندگان به دین مسیحیت زیر نام کمک های طبی و انسانی.
  3. قبول جوانان مسلمان بصفه شاگرد و تربیت شان باساس فرهنگ غرب.
  4. تسلط بالای تمام مؤسسات تعلیمی در کشورهای اسلامی.
  5. نشر کتب و مجلات به هدف فاسد ساختن اخلاق جامعه.
  6. نشر برنامه های تلویزیونی و تقویت تلویزیونهای ملی وابسته به غرب در کشورهای اسلامی.
  7. الغای قوانین اسلامی و تبدیل آن به قوانین مدنی غرب.
  8. إحيای فرهنگ قبل از اسلام مثل فرهنگ آریائی و فرعونى و کلدانی و إحيای فکر قومیت و نژاد.
  9. حمایت از حقوق زن بشکل غربی آن.
  10. پائین آوردن مقام علماء و اتهام علمای اسلام با همکاری با ترور ویزیم جهانی.<sup>28</sup>
- فکر تغریب یعنی غرب سازی جوامع اسلامی را آقای هاردي مدیر تعلیم و تربیه فرانسه در مغرب به جملات ذیل اینطور بیان می نماید :
- آقای هاردي در سال 1920 م در کنفرانس که برای صاحبمنصبان نظامی فرانسه سخنرانی می کرد گفت : در سال 1912 م مغرب تحت حمایت فرانسه قرار گرفت و به حیث یک قطعه از زمین فرانسه شناخته شد . با وجود بعض مقاومت ها از طرف گروه های مغاربه ، فرانسه قادر شد تمام خاک مغرب را اشغال نماید . ما فرانسوی ها میدانیم که نصرت و پیروزی نظامی معنی آن پیروزی کامل نیست ، قوت نظامی امپراطوری

<sup>28</sup> . فضل غنی مجددی « غلو و افراط گرایی از نظر فرهنگ اسلامی و غرب مسیحی »

ها را می سازد لیکن برای دائم و مدت طولانی نمیتواند آنرا حفظ کند، سرها در مقابل اسلحه و قوت عسکری خم میشود در حالیکه قلبها آتش انتقام را حمل میکند و همیشه در انتظار انتقام میباشند. پس برای بقاء و ادامه باید نفس ها را بعد از اینکه جان ها را اشغال نمودیم اشغال نمائیم و این عمل بسیار شاق و مشکل است و ضرورت و احتیاج بوقت طولانی دارد.<sup>29</sup>

سیاستمداران فرانسه و احزاب سوسیالیست فرانسه در پهلوی اشغال نظامی، از اشغال فکری در جهان اسلام حمایت میکنند. زعمای فرانسه بصراحت اظهار می کنند آنچه را مارشال دیگول برای مردم الجزایر بعد از شکست خود داد آنرا از طریق جنگ فرهنگی دوباره بدست خواهیم آورد.<sup>30</sup>

از سخنان آقای هاردی و دیگران استنباط میشود که شرق شناسی و شرق شناسان پیروزی نظامی و اشغال را در معامله با مسلمانان هدف نمی دانند بلکه اشغال وسیله برای رسیدن به هدف اصلی یعنی مبارزه با فکر اسلامی است.

### روش غرب در نظام سیاسی اسلام

دولت عثمانی در نتیجه ضعف و ناتوانی در داخل نتوانست در مقابل استعمار مقاومت نماید و به سقوط دولت عثمانی مسلمانان هویت سیاسی و استقلال فرهنگی را از دست دادند. تغییر نظام حاکمه در کشور های اسلامی و تنظیم و تأسیس حکومت و نظام سیاسی باساس فلسفه غرب مهمترین سیاست غرب در جهان اسلام بود و برای تحقق این هدف استراتیجی غرب تقویت خانواده های معین و گروه های سیاسی و قومی خاص برای رسیدن به حکومت در کشور های اسلامی بود و

<sup>29</sup>. محمد عابد الجابری «المسألة الثقافية» ص 189. همچنان، الدوکتور نییل علقم «الثقافة العربية والتجديد الإسلامي» ص 222.

<sup>30</sup>. محمد الغزالی «تراثنا الفکری فی میزان الشرع والعقل» ص 74.

همچنان از بین برداشتن شخصیت های ملی و ضد استعماری توسط انقلابات عسکری از برنامه هایی مهم سیاسی غرب در جهان اسلام بود. تأسیس و تشکیل حکومت برای افغانستان در کنفرانس بن ، جرمنی و اخیرا حکومت وحدت ملی و تقلب در رأی گیری را میتوان بهترین مثال از سیاست غرب سازی نظام سیاسی در افغانستان آورد . ارتباط اقتصاد کشور های اسلامی به اقتصاد غرب و بانک جهانی ، تشکیل قوای نظامی با اسلحه غربی و کمک مادی و معنوی و لوجستیکی سیاست دیگر غرب جهت تقویت نفوذ فکری و سیاسی و نظامی در جهان اسلام است.

استعمار غرب از عقب ماندن مسلمانان در ناحیه علمی و استبداد سیاسی و خدای فکری و سیاسی و اجتماعی استفاده نمود و نظام سیاسی و تعلیمی و حتی روش اخلاقی غرب را در جامعه شرق اسلامی تطبیق نمود. فکر غرب را تفوق نظامی و اقتصادی و پلانهای طویل المدت و عدم فهم و درایت مسلمانان از سیاستهای استعماری خصوصا در ساحة فکری کمک کرد . کلیسا و مؤسسات تعلیمی و فرهنگی در تأسیس و انشاء مدارس و کالج ها در جهان اسلام خصوصا در قلب ممالک عربی کوشش نمودند . انشاء مدارس و شفاخانه ها و مراکز فرهنگی و نشر جرائد و مجلات و تلویزیونها از طریق ستلایت و بزبانهای که مسلمانان تکلم می کنند و کلپ های سپورتی وسیله و هدف متفکرین غرب و شرق شناسان و کلیسا برای نشر فرهنگ غرب در جهان اسلام بود و این سیاست در نتیجه انقلاب تکنالوژی معاصر سریعتر شد .

مشهورترین مؤسسه علمی در بین مؤسسات تعلیمی در شرق عربی جامعه القدیس یوسف در لبنان است . این دانشگاه از طرف مؤسسه کاتولیک تأسیس شد و امروز بنام الجامعة الیسوعیة یاد میشود . الجامعة الأمريكية ، پوهنتون امریکا ، در بیروت ، که قبلا بنام الكلية

السوریه الانجیلیه یاد میشد و بعداً بنام پوهنحی بیروت در سال 1865 میلادی نامگزاری شد .

کالج امریکا در قاهره که بعداً بنام الجامعة الأمريكية ، پوهنتون امریکایی در قاهره نامگزاری شد. هدف از انشاء پوهنتون در قاهره نزدیکی آن به جامعه‌الازهر بود .

کالج روبرت در استنبول که بعداً بنام پوهنتون امریکا بنام الجامعة الأمريكية تأسیس شد . کالج فرانسوی در لاهور .

محصلین مسلمان پوهنتون امریکا در بیروت در سال 1909 میلادی بخاطر اجباری رفتن به کلیسا حتجاج نمودند. اداره پوهنتون قانون اساسی پوهنتون را به نشر سپرد که مطابق آن محصلین مجبور و مکلف هستند به کلیسا روند .

در ماده چهارم قانون پوهنتون امریکا در بیروت آمده: این کالج یک کالج مسیحی و به سرمایه ملت عیسوی آباد شده و این جامعه شامل شفاه خانه میباشد و ممکن نیست پوهنتون و شفاه خانه آن بوظیفه خود ادامه داده بتواند مگر به کمک عیسوی ها و کمک دهندگان میخواهند تا انجیل جزء برنامه تعلیمی باشد تا منفعت مسیحت را تمام شاگردان بدانند . و هر شاگرد که شامل این مؤسسه تعلیمی می شود باید قبل از داخل شدن بداند که جامعه از او چه میخواهد .

دار الانشاء پوهنتون بعد از احتجاجات شاگردان مسلمان اعلان نمود که پوهنتون به هدف تعلیم سیکولریزم و اخلاق حمیده تأسیس نشده و هدف اول از تأسیس پوهنتون تعلیم حقایق انجیل است و این جامعه مرکز نور مسیحی و تأثیر مسیحت بالای مردم است .<sup>31</sup>

<sup>31</sup> . الدكتور محمد البهی « الفكر الاسلامی الحديث و صلته بالاستعمار الغربی » صفحات 427-428 .



در اواخر قرن بیستم پوهنتونهای غرب روابط مستقیم با پوهنتونهای کشور های اسلامی قائم نمودند . شعبه مطالعات اسلامی پوهنتون سوربون در فرانسه رابطه فرهنگی با مؤسسات علوم و آداب در مصر و بیروت قائم نمود و مهمترین عمل مشترک بین پوهنتون سوربون و مؤسسات علمی مصر و بیروت تحقیق و نشر نظریات ابن عربی بود نظریاتی که از طرف مجلس اعلی جامع الازهر به کفر متهم بود.<sup>32</sup>

هدف از انشاء مدارس و پوهنتون ها در جهان اسلام تعلیم علوم معاصر و توارت و انجیل و علوم مربوط به دین عیسوی بود . برنامه های تعلیمی و مواد درسی در روش فکری نسل جوان کشور های اسلامی خصوصا خاورمیانه تأثیرات بزرگ را داشت و فارغان این مدارس و پوهنتونها حلقه اول احزاب سیکولری را در جهان اسلامی تشکیل دادند و اولین کسانی بودند که دعوت به جدائی بین دین و دولت و دین و سیاست نمودند و در بعض کشور های اسلامی مانند ایران و ترکیه در تطبیق نظریات سیکولری موفق شدند .

افغانها شاهد دو اشغال نظامی در تاریخ معاصر هستند . روسها قبلا کشور های وسط آسیا را اشغال کرده بودند و تسلط شبه نظامی بالای ممالک اسلامی در افریقا و شرق میانه و حمایت اقتصادی و نظامی از نظامهای طرفدار روسیه داشتند. شرق شناسان روس از اوائل قرن بیستم در تغییر فکر و عقائد عده از مسلمانان به موفقیت رسید و تشکیل احزاب با ایدولوژی کمونستی در کشور های اسلامی و افغانستان مقدمه برای اشغال نظامی بود . اشغال نظامی برای روسیه به هدف تغییر مفاهیم اسلامی و جاگزین ساختن فرهنگ و فکر لادینی در جامعه اسلامی بود . غربی های از عدم موفقیت روسها در بسیاری از کشور های اسلامی و قیام مردم افغانستان علیه اشغال و ایدولوژی الحادی کمونست استفاده کردند و فکر و فلسفه غربی را آهسته آهسته

32. محمد الغزالی «تراثنا الفکری فی میزان الشرع و العقل» صفحات 73-74 .

جانشین فکر اسلامی ساختند. بهمان اندازه که روسها در تغییر فکر معاصر اسلامی در افغانستان و دیگر کشور های اسلامی ناکام ماند بهمان اندازه امریکا و ناتو به موفقیت رسید.<sup>33</sup>

### فکر معاصر اسلامی و رابطه آن با فکراستعمار غرب

انسان به مقتضای طبیعت بشری قابلیت أخذ و عطا را در تمام امور زندگی خصوصا آنچه ارتباط به فکر دارد میداشته باشد و از جانب دیگر انسان قدرت و استعداد دارد تا دیگران را به افکار و عقائد دینی و سیاسی و فرهنگی خود متأثر سازد. اندازه و مقدار جذب افکار بیرونی در انسانها نظر به توانمندی های فکری و استدلال های علمی شخص متفاوت می باشد. انسان ضعیف از ناحیه علمی و عقلی زودتر به نظریات و افکار دیگران متأثر شده و بعضا افکار و عقائد خود را تبدیل و نظریات و عقائد دیگران را که از نظر دلیل مادی و روش منطقی نسبت به روش فکری خودش محکم تر باشد می پذیرد.

مسلمانان صدر اول اسلام قبل از فتوحات استقلال فکری داشتند. در صدر اسلام مسلمانان بغیر از موضوعات دینی به چیز دیگر فکر نمی کردند. از اینکه مسلمانان تنها به عقائد دینی فکر میکردند معنی آن عدم فهم و دانش شان نسبت به علم و دانش غیر مسلمانان نبود بلکه علت آن تا اندازه عدم فهم و درایت مسلمانان به زبانهای غیر زبان عربی بود. از اواسط خلافت عباسی و آغاز عصر ترجمه مسلمانان به افکار سیاسی و دینی و فلسفی و عقائد ملت های دیگر آشنا شدند. علما اسلام نظریات اقوام و ملت های مختلف را بعد از ترجمه آن بزبان عربی مطالعه نمودند و آنچه خلاف عقیده اسلامی بود مسلمانان را از گرفتن آن منع نمودند و آنچه مخالف عقیده اسلامی نبود آنرا بعد از اصلاح داخل فرهنگ اسلامی ساختند.

<sup>33</sup>. فضل غنی مجددی «غلو و افراط گرایی از نظر فرهنگ اسلامی و غرب مسیحی»

## ترجمه و اثر آن در تبادل فکری بین علمای اسلام و غرب

عصر اول عباسی آغاز ترجمه آثار غرب و شرق بزبان عربی بود. عباسی ها ترجمان ها را که اکثر شان مسلمان نبودند استخدام نمودند تا آثار علمی و فلسفی را بزبان عربی ترجمه نمایند. اکثر این ترجمان ها درایت کافی بزبانهای شرقی و یونانی و لاتینی نداشتند لهذا اشتباهات زیاد در ترجمه صورت گرفت و فرهنگ و ثقافت غیر اسلامی بصورت صحیح و سالم به زبان عربی ترجمه نشد. عصر دوم عباسی عصر اعاده ترجمه ها است و مترجمین عرب که زبانهای خارجی را آموختند به امر خلفای عباسی ترجمه های سابقه را مراجعه و تصحیح نمودند.<sup>34</sup>

علامه دکتور محمد البهی ترجمه کتب و مسائل مربوط به فرهنگ و ثقافت های غیر عربی و اسلامی را بزبان عربی دلیل به عدم وحدت فکری مسلمانان میدانند و می نویسد: در نتیجه بوجود آمدن اختلافات فکری بین مسلمانان وحدت فکری از هم پاشید و مسلمانان برای رسیدن به علوم جدید خصوصا علوم فلسفه و علم کلام ضرورت و احتیاج به معلومات جدید شدند. ازدیاد نفوذ سیاسی و ادبی نژاد غیر عرب خصوصا نژاد فارسی در عصر دوم عباسی انقلاب بزرگ را در ساحة ترجمه علوم بوجود آورد و علوم زیاد مثل ادبیات، طب، فلسفه و علوم مربوط به کائنات از زبانهای مختلف بزبان عربی ترجمه شد.<sup>35</sup>

ترجمه کتب و آثار گذشتگان بزبان عربی و مطالعه نظریات فلسفی و اعتقادی دیگران فکر جدید مسلمان را ساخت. فکر جدید تا یک حد و اندازه نسبت به عصر ما قبل خود متفاوت بود. عده از مسلمانان معرفت بیشتر به ثقافت و فرهنگ سیاسی و اجتماعی حاصل کردند و از جانب

34. دکتور جمال الدین سرور «الحضارة الإسلامية» جلد دوم، فصل ترجمه. همچنان دیده شود محمد الخضری بک «الدولة العباسية» فصل حضارة بغداد فی عهد الرشید.

35. دکتور محمد البهی «الجانب الالهی من التفکیر الإسلامی» صفحات 162-163.

دیگر دانشمندان غرب و شرق از کتب و علوم اسلامی استفادهٔ اعظمی بردند و آثار اسلامی را به زبانهای سریانی و لاتینی و فارسی و هندی ترجمه نمودند. ترجمهٔ آثار و فکر اسلامی بالای فکر لاتینی و یونانی و هندی و فارسی تأثیرات مثبت و عمیق و مستقیم را وارد ساخت. نهضت علمی و فکری غرب مدیون فکر و ثقافت و فرهنگ اسلامی است و این حقیقت را علمای غرب فراموش کرده نتوانستند. ترجمهٔ فرهنگ و ثقافت غیر اسلامی به زبان عربی و فرهنگ و ثقافت اسلامی بزبانهای لاتینی و یونانی و هندی و فارسی نتیجهٔ آن رشد فرهنگی برای جامعه غرب و شرق اسلامی بود و علماء و دانشمندان در جهان اسلام و غیر اسلام به فرهنگ یکدیگر آشنائی بیشتر یافتند.

ابن عبدالبر در مختصر کتاب «العلم» در باب نقش ثقافت اسلامی از نوآوری و اهمیت ترجمه و نقل معلومات از فکر اسلامی به زبانهای غربی که سبب تقدم و پیشرفت علمی در اروپا شد می نویسد: زعامت و رهبریت اجتهاد و تجدید اسلامی و تحقیقات و بحث‌های علمی علمای اسلام در ساحات مختلف معرفت انسانی به زبان لاتینی و از لاتینی به زبانهای دیگر اروپائی ترجمه شد و سبب نهضت علمی معاصر در اروپا شد. کتابهای علمای اسلام تا قرن هفتم میلادی در پوهنتونهای اروپا تدریس می شد.<sup>36</sup>

میتوان بصراحت گفت که حرکت اصلاح دینی و مخالفت علمای غرب با سلطهٔ کلیسا و عدم اعتراف به قدسیت زعامت دینی در اروپا از برکت ترجمهٔ آثار اسلامی بزبان لاتینی و بعداً بزبانهای اروپائی است. دانشمندان و محققین اروپا از تأثیر فرهنگ اسلامی بالای عقل و فکر مردم اروپا سخن به میان نمی آورند و میخواهند تا رول فکر و فرهنگ

<sup>36</sup>. اسلامیة المعرفة ، صفحات 79 78 .

یونانی و رومانی را در نهضت اروپا بزرگتر نسبت به رول فرهنگ اسلامی نشان دهند.<sup>37</sup>

حرکت علمی و تبادل نظریات و نشر فکر اصیل اسلامی در بین دانشمندان غیر مسلمان به نفع دعوت و ثقافت و فکر و فرهنگ اسلامی تمام شد و از جانب دیگر عامل قوی در ارتباط غیر مسلمانان با مسلمانان گردید و رابطه فرهنگی بین متفکرین غرب و شرق بوجود آمد. بهماندازه که علمای اسلامی از فرهنگ غرب استفاده نمودند بهمان مقدار و اندازه علمای غرب نیز از فرهنگ و علوم اسلامی بهره‌مند شدند. تأثیرات متقابل، شناخت و معرفت به فکر و ثقافت علمی غیر اسلامی قبل از عصر استعمار به مصلحت مسلمانان تمام شد در حالیکه بعد از عصر استعمار و حرکت شرق شناسی فکر اسلامی بشدت تحت تأثیر فکر غربی رفت و از محور اصلی خود تا حد زیاد منحرف شد.

### فکر استعماری

غربی‌ها از نشر فکر و فلسفه غرب در جوامع اسلامی دو هدف داشتند. الف - تقویت نفوذ استعمار در جهان اسلام و قبول مسلمانان نفوذ و سلطه غرب مسیحی را و همچنان قبول فکر حاکمیت غیر مسلمان بالای مسلمان.

ب - داخل ساختن فکر و روح صلیبی در لباس علمی در جهان اسلام خصوصاً در مؤسسات و مراکز فرهنگی و تعلیمی به هدف ضعیف ساختن قییم و مبادئ اسلام و در نهایت ضعیف ساختن رابطه بین مسلمانان و عدم پابندی کامل مسلمانان با اسلام و قبول نظریه که اسلام راه حل مشکلات معاصر مسلمانان نمیتواند باشد.

<sup>37</sup>. الدكتور نبیل علقم «الثقافة العربية والتجديد الإسلامي» صفحات 190 - 191 و همچنان محمد عابد الجابری «المسألة الثقافية» ص 91.

هدف استعمار تغییر روش فکری مسلمانان است تا درجه‌ای که مسلمانان معاصر قناعت نمایند که اصل عقب ماندگی مسلمانان دین است و مسلمانان زمانی به کاروان مدنیت رسیده می‌توانند که اشغال نظامی و استعمار فکری غرب را بپذیرند و حاکمیت غیر مسلمان را بالای مسلمان که مخالف عقیده اسلامی است قبول نمایند. جهت رسیدن به این دو هدف شرق شناسان و فلاسفه غرب مبادئ اسلامی را مورد سؤال قرار دادند و عقیده و روش فکر اسلامی را بعد فلسفی دادند.

در مورد عقیده مسلمانان « رینان » فرانسوی می نویسد که عقیده توحید در اسلام سبب حیرت و سرگمی مسلمانان گردیده و عقیده توحید انسان را به پائین ترین درجه ای طبیعت میرساند. او در مقارنه بین دین مسیحی و اسلام می نویسد که اصل الوهیت در اسلام و مسیحیت مشترک است و تفاوت در این است که الوهیت در مسیحیت بشری است و بشر برای بشر مهربانتر می باشد در حالیکه الوهیت در اسلام بشری نیست و اله مسلمانان خشن و غضب ناک و اله مسیحیان مهربان است.

مجله The Muslim World که ریاست آنرا دکتور Crayg مدیر مؤسسه Hartford بعهدده داشت در شماره اکتوبر 1955 م در موضوع عقیده مسلمانان به خداوند می نویسد. خداوند اسلام متکبر و جبار و بالاتراز بشر است و اما پروردگار مسیحیان با عاطفه و متواضع و به صورت و مظهر انسان است یعنی خداوند و پسر.

شرق شناسان طرز تفکر مسلمانان را از مال و سرمایه مورد انتقاد قرار داده می گویند مال و سرمایه در فکر اسلامی نجس است و برای اینکه پاک گردد باید زکات داده شود. شرق شناسان بشدت تفاوت بین مقام زن و مرد و بلند بودن مقام مرد را نسبت به زن در فکر و فلسفه اسلامی انتقاد شدید می کنند. عدم قبول حاکمیت غیر مسلمان بالای مسلمان از نظر فکر غربی عقیده برتری نژادی در نزد مسلمانان است و عدم قبول

ازدواج دختر مسلمان با پسر غیر مسلمان عقیده و فکر نژادپرستی مسلمانان میباید و بالآخره فکر بازگشت و عودت به قرآن کریم از نظر غربی ها فکر بازگشت به عقب است .

شرق شناسان فکر استعماری را در گذشته بنام افکار جدید و معاصر معرفی می نمودند لیکن در حقیقت امر تقویت استعمار فکری و سیاسی بود. مهمترین نقاط فکر غرب که بالای فکر اسلامی از اواسط قرن نزدهم تأثیر وارد نمود عبارت است از :

- فکر توقف جهاد بعد از عصر رسول کریم و صحابه .
- فکر قبول حاکمیت غیر مسلمان بالای مسلمانان در شرایط جهانی امروز و فکر قبول حکومت تحت حمایت غرب در کشورهای اسلامی تا رسیدن مسلمانان بسویه حکومت کردن توسط خود شان .
- عدم قبول اسلام در روابط بین افراد .
- فکر تجدید اسلام مطابق زمان و عصر .
- فکر عدم مقید بودن به تعلیمات و افکار گذشته و قبول تعلیمات و افکار و فلسفه های سیاسی و اقتصادی معاصر .
- فکر اینکه دین اسلام وحدت مسلمانان نبوده ، بلکه مسلمانان به ملیت ها و اقوام و نژاد های مختلف تقسیم میشوند .
- فکر اینکه اسلام دین فردی و شخصی است و صحیح نیست که اسلام را در روابط بین افراد و جامعه دخیل ساخت .
- فکر عدم توافق بین اسلام و دولت یعنی جدا ساختن دین از دولت یا سیاست از دین .
- تبدیل زبان فصیح عربی به زبانهای عامی متفاوت .
- عدم قبول مبدأ تسلط مرد بالای زن .
- تساوی میراث بین زن و مرد .
- اسلام را زمان و عصر تفسیر میکند یعنی اسلام در خدمت زمان و عصر .

- زمان و عصر قرآن کریم را تفسیر می کند نه قرآن و زمان عصر را .
- عقب ماندن مسلمانان از مدنیت و تکنالوجی علت آن مبادئ عقب گرائی دین اسلام میباشد .
- حکمیت عقل مقدمتر از حکمیت دین .
- عدم قبول حدیث و سنت بحیث مرجع و مصدر و منبع دوم بعد از قرآن در اسلام به علت اینکه احادیث همه غلط و اشتباه ثبت گردیده است.<sup>38</sup>

در بین شرق شناسان ، شرق شناسان فرانسوی عداوت شدیدتر و بیشتر را نسبت به دیگران به اسلام داشتند و در تحقیقات خود اسلام را بصفت دین آسمانی نشناخته و آنرا از ساخته محمد صلی الله علیه و سلم می دانند و عقیده برین داشتند که محمد افکار و نظریات تورات را جمع و در کتاب جدید بنام قرآن به مردم تقدیم نمود .

مستشرق فرانسوی بنام « کیمون » در کتاب خود بنام « باثولوجیا الاسلام » راجع به اسلام می نویسد: دین محمد مثل مرض جذام است که مردم را به تباهی می کشاند و شباهت به مرض شلل و جنون دارد و محمد مردم را کسل و تنبل تربیت میکند و مسلمانان از خواب بیدار نمیشوند مگر وقتیکه بخواهند خون مردم را بریزند. دین اسلام گوشت خوک و موسیقی و خمر را ناپاک میداند.<sup>39</sup>

تغییرات که استعمار در جهان اسلام آورد و خطرناک واقع شد عبارت از مبارزه علیه زبان اصیل و فصیح عربی که زبان قرآن و سنت است بود . دکتور حسن الشافعی رئیس مجمع اللغة العربیة در مصر مسلمانان را از تغییر زبان عربی فصیح بزبان عامی که در هر کشور عربی متفاوت است هوشدار میدهد . اعضای مجمع زبان عربی تغییر زبان عربی فصیح را به

<sup>38</sup> . الدکتور محمد البهی « الفكر الاسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی » صفحات 52-53 .

<sup>39</sup> . نفس مرجع ، ص 55 .



زبان عامیانه که در هر کشور متفاوت است به زبان مسلمانان می‌دانند و عقیده برین دارند که این روش مسلمانان را از اصل دین و زبان قرآن و حدیث و کتب قدیم دور می‌سازد.<sup>40</sup>

شرق شناسان زمانیکه در مبارزه علیه قرآن به نتیجه نرسیدند و در این راستا ناکام ماندند خواستند تا مسلمانان را از حدیث و سنت نبوی دور سازند و مشوره های شان برای مسلمانان این بود که نباید در مسائل اجتماعی و سیاسی و حقوقی از حدیث استفاده نمایند. استعمار ثقافتی تا اندازه موفق گردید تا عده از مسلمانان را در منبع دوم اسلامی مشکوک سازند.<sup>41</sup>

### شرق شناسی معاصر

هر مرحله از مراحل تاریخ اسلوب و روش جدید را می‌خواهد. شرق شناسی و شرق شناسان نیز در هر مرحله از روش جدید استفاده می‌کنند. شرق شناسی مفاهیم و معانی جدید را از اواسط قرن بیستم انتخاب کرد و اصطلاح شرق شناسی و اسم مستشرق به اصطلاحات جدید تبدیل گردید. در نهایت موضوع شرق شناسی و شرق شناسان لازم دیده میشود تا از مؤسسات جدید تحت عناوین جدید نیز یاد آوری کرد تا محققین جوان معلومات ابتدائی داشته باشند.

### مراکز مطالعات استراتژیک و مراکز تحقیقات

مؤسسات شرق شناسی به مراکز مطالعات استراتژیک و مراکز تحقیقات تبدیل شد. از اواخر قرن بیستم روش فکری و کار عملی و استراتژی مراکز مطالعات نسبت به گذشته تفاوت کرد و نظام های سیاسی و مؤسسات اقتصادی غرب میلیون ها دالر در خدمت مراکز مطالعات استراتژیک قرار دادند. نظریات و پیشنهادات مراکز

40. اعلامیه مجمع اللغة العربیة فی مصر، چهارشنبه 17 دیسمبر 2014 م.

41. فضل غنی مجددی «مطالعة تمهیدی در سنت و حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم».

مطالعات و اباحت در غرب سیاست های غرب را نسبت به جهان اسلام میسازد و در بسا موارد نظام سیاسی حاکم تأثیر مستقیم در کار و تحقیقات این مراکز بجا می گذارد.

سیاستمداران و رجال مال و مؤسسات استخبارات و سفارت خانه های غرب و استادان علوم سیاسی در پوهنتون ها مشترکا با مراکز مطالعات استراتیجیک کار میکنند و سیاست خارجی و پلانهای نظامی غرب را نظریات مراکز مطالعات استراتیجیک می سازد.

پنجاه کشور در جهان بودجه مالی بزرگ را در اختیار مراکز تحقیقات استراتیجیک قرار داده اند. در بین کشورهای دنیا اسرائیل زیادترین پول را برای مطالعات شرق اوسط و کشورهای اسلامی به مصرف می رساند. اسرائیل دو مرکز در شرق میانه دارد که بین هزار تا هفت هزار بحث را از شرق میانه تهیه نموده است و قرار احصائیه های که به طبع رسیده در چند ده ای اخیر اسرائیل پنج ملیار دالر برای جمع معلومات از شرق میانه و حرکت های اسلامی مصرف کرده است. مراکز تحقیقات استراتیجیک اسرائیل در داخل اسرائیل و نقاط مختلف دنیا به 6826 مرکز میرسد.

امریکا 1828 مرکز تحقیقات و مطالعات استراتیجیک دارد و سالانه یک ملیار دالر در این راستا به مصرف میرساند. انگلستان 287 مراکز مطالعات استراتیجیک و چین 426 مرکز مطالعات استراتیجیکی دارد. مراکز استراتیجیک غرب و اسرائیل هفتاد میلیون دالر را برای دریافت معلومات نظریات مردم مصر از سقوط حسنی مبارک مصرف کردند.

کشورهای اسلامی در این اواخر مراکز تحقیقات استراتیجیک را تأسیس نمودند و در بین کشورهای اسلامی کشورهای عربی مصارف زیاد را برای تحقیقات استراتیجیک به مصرف میرسانند. مراکز تحقیقات استراتیجیک کشورهای اسلامی و خصوصا عربی

تأثیر مهم را در رسم سیاستهای داخلی و خارجی ندارند به علت اینکه کشورهای عربی و اسلامی توسط زمامداران مستبد و فاشیست اداره میشوند. نظامهای استبدادی در جهان اسلام اهمیت فوق العاده به نظریات علمای سیاست در کشورهای خود نمی دهند. یکی از عوامل مهم هجرت متفکرین مسلمان به غرب نیز دلیل آن همین است که نظریات و پیشنهادات شان قابل ارزش در کشورهای شان نیست و متأسفانه مراکز تحقیقات استراتیجیک غرب از علمای مسلمان نسبت به مراکز تحقیقات جهان اسلام استفاده بیشتری نمایند. پلانهای نظامی و تفرقه اندازی بین شیعه و سنی و مشکلات قومی و نژادی در کشورهای اسلامی همه از نتیجه کار و فعالیت های مراکز تحقیقات استراتیجیک غرب است.<sup>42</sup>

از اوائل قرن بیستم اصطلاحات و عناوین مؤسسات شرق شناسی تغییر نمود و شرق شناسان معاصر روش جدید را برای فعالیت های خود با در نظر داشت شرایط جدید سیاسی انتخاب کردند. علت تغییر عناوین مؤسسات شرق شناسی را میتوان در رسیدن استقلال سیاسی و استقلال فکری کشورهای اسلامی دانست. بعد از حصول استقلال سیاسی میدان برای تحقیقات شرق شناسان قسمیکه در گذشته باز و وسیع بود محدود شد و شرق شناسان سعی کردند تا ساحات جدید را برای خود انتخاب کنند. شرق شناسان معاصر برای رسیدن به اهداف که شرق شناسان در گذشته داشتند تحقیقات را در ساحات علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و سیاسی و فرهنگ و مدنیت و ثقافت شرق کشانیدند و خواستند از این راه به اهداف شرق شناسان اوائل برسند.

<sup>42</sup>. مرکز معلومات استراتیجیک الجزیره، قطر، تحت عنوان الدور السياسي لمراكز الأبحاث الغربية. جنوری 2015.

بعد از جنگ جهانی دوم مؤسسات شرق شناسی و مراکز مطالعات استراتیجیک تحقیقات را شکل و مضمون جدید دادند و با همکاری با مؤسسات تعلیمی مثل پوهنتون در رشته های مختلف مثل سوسیالوجی ، علم احصائیه و انتریپولوجی ، تاریخ ، علم نفس و اداره عامه و اقتصاد و سیاست تحقیقات را آغاز کردند . روش جدید و معاصر شرق شناسان و مؤسسات شرق شناسی با روحیه فکر و ثقافت غرب و اندیشه سیکولریزم در بدل نشر مسیحت که در قرن هژده بود آغاز یافت . زمانیکه شرق شناسان و مراکز مطالعات استراتیجیک امریکا بکار و فعالیت آغاز کردند نظریات و فلسفه دیموکراسی و حقوق انسان را وسیله برای تغییر روش فکر معاصر مسلمانان انتخاب کردند و خواستند از این راه و روش داخل فرهنگ و ثقافت اسلامی شوند . تغییر اسم و عناوین و روش علمی شرق شناسان و مؤسسات شرق شناسی در سیاست کشورهای غربی نسبت به جهان اسلام چندان تفاوت نکرد و شرق شناسان جدید توانستند روش زندگی و روش فکری مسلمانان را غربی سازند و در این راستا به موفقیت های زیاد رسیدند .

روش جدید شرق شناسی همراه با مصالح و منافع اقتصادی غرب و فکر سیکولریزم میباشد . شرق شناسان در گذشته اهتمام بیشتر به نشر مسیحت داشتند و برای این هدف اعمار شفاخانه و کالج و مدارس را وسیله ساخته بودند و در مرحله اول شرق شناسی انگلیس در مقدمه همه مؤسسات شرق شناسی قرار داشت و زمانیکه امریکا در ساحة مطالعات شرق قدم گذاشت زعامت شرق شناسی را بدست گرفت و برای نشر افکار و نظریات و فلسفه غربی مطالعات اجتماعی و فلسفه دیموکراسی و حقوق انسان و حق تقریر مسیر و دفاع از حقوق اقلیت های دینی مقیم در کشورهای اسلامی را در بدل نشر مسیحت از طریق بناء مدارس و کالج ها و شفاخانه ها وسیله ساخت .

مستشرق فرانسوی (مکسیم رودنسون) تغییر سیاست و روش شرق شناسی و شرق شناسان را نفی میکند و می گوید کتاب های که برای

اهانت به شخصیت رسول صلی الله علیه وسلم در غرب تألیف می شد تا حال تألیف می شود علت آن چیست و این روش دشمنانه چه نفع برای غرب می رساند. از طبع و تألیف این نوع تحقیقات و تألیفات باین نتیجه می رسیم که روش شرق شناسان معاصر با روش و فکر شرق شناسان گذشته تفاوت زیاد ندارد. تغییر در استراتیجی و روش شرق شناسی معنی آن عدم سیطرت غرب بالای شرق نیست و تا هنوز غرب برای بدست آوردن ثروت شرق و مبارزه با فکر اسلامی کار میکند و تا هنوز روش دشمنانه نسبت به اسلام و فرهنگ آن و مسلمانان در تحقیقات و نشرات شرق شناسان معاصر ملاحظه می شود.

مستشرق معروف (بیترگران) می گوید: شرق شناسی تا هنوز موجود است و اما لباس جدید و روش معاصر را اختیار کرده است. شرق شناسی قدرت دارد تا فلسفه مارکس و نظریات جدید امریکا را به شرقی ها تدریس نماید و شرق شناسی در مؤسسات اکادمی و پوهنتونها وجود دارد و صدها محصل برای مطالعات شرق و به هدف نشر افکار جدید غرب در کشور های شرق خصوصا کشور های اسلامی مشغول تحقیقات میباشند.<sup>43</sup>

قبل از طبع این تحقیق به کتاب جدید دکتور خزعل الماجدی متخصص ادیان که در هالند مقیم است بنام «علم الأديان - تاریخه، مکوناته، مناهجه، اعلامه، حاضره، مستقبله» دسترسی یافتیم. دکتور الماجدی در کتاب خود تحت عنوان «الشرق شناسی الجدید هو الأخطر» شرق شناسی جدید خطرناکتر است به اثبات میرساند که شرق شناسی و خاور شناسان معاصر خطر بیشتر برای اسلام و شرق دارند. الماجدی می گوید فرهنگ و ثقافت غرب بطرف زوال در حرکت است و جامعه علمی در جهان اسلام باید اسلام را ضمن ادیان مطالعه نمایند. او اضافه میکند که مسلمانان فراموش کرده اند که اسلام قبل همه دین است و باید

<sup>43</sup>. الحوار الیوم، [alhiwartoday.net/node/777](http://alhiwartoday.net/node/777).

در دایره علم ادیان بحث شود. الماجدی میگوید روحانیت از فرهنگ و ثقافت اسلامی خارج شده است مثلیکه از فرهنگ و ثقافت عیسویت بیرون ساخته شد و این بزرگترین خطر برای دین است. مطالعه مؤلفات دکتور الماجدی را برای هموطنان عزیز توصیه می‌نمائیم و امیدوارم تا در آینده از مؤلفات این محقق بزرگ استفاده‌ای بیشتر شود.<sup>44</sup>

---

<sup>44</sup>. مؤسسة الفكر العربی ، [fikirconferdneces.org](http://fikirconferdneces.org) .

## فکر قرن بیست

قرن بیستم با مقارنه با قرن هژدهم و نوزدهم تفاوت و فرق کلی دارد. قرن بیستم، قرن انقلاب تکنالوجی و سرعت در انتقال معلومات است. انقلاب صنعتی و تقدم تکنالوجی غرب تأثیر مستقیم را بر فکر معاصر اسلامی گذاشت و تا اندازه روش فکر مسلمانان را تغییر داد. از جانب دیگر قرن بیستم بدایت و آغاز فکر جدید و فلسفه های دیموکراسی غربی و نظریات سوسیالستی بود.

فکر مادی قرن بیستم دو بعد دارد :

1. اتجاه میکانیکی Mechanistic Materialism این فکر به وجود روح و عقل معتقد نیست.
  2. اتجاه مادی دیالکتیکی Dialectic Materialism مذهب مادی مارکسی. این مذهب به وجود عقل و روح معتقد است اما وجود و مرتبه عقل و روح را بعد از ماده میداند. در این مذهب اگر ماده فناء شود عقل و روح و خداوند نیز فناء می گردد.
- در پهلوی این دو نظریه، نظریه سوم که بنام اتجاه روحی Spiritualism یاد میشود باین عقیده است که روح سبقت یا اقدمیت نسبت به ماده دارد.

غرب از مسلمانان می خواهد تا جهت تطبیق عملی تجربه های دیموکراسی و حقوق انسان فکر و فلسفه غرب را قبول و در تطبیق آن در جامعه اسلامی اقدام عملی نمایند. متفکرین غرب برای تطبیق دیموکراسی و فلسفه معاصر از مسلمانان می خواهند تا فلسفه تجدید دین اسلام را مثل فلسفه اصلاح دینی اروپا قبول نمایند. تجدید دین به روش غرب مسلمانان را آماده می کند تا با مردم اروپا زندگی مساویانه

و مسالمت آمیز داشته باشند. از نظر فلاسفه غرب قوانین اسلامی عامل مهم در عدم تطبیق نظریات و فکر دیموکراسی در جهان اسلام می باشد. شرق شناسان از مسلمانان دعوت می نمایند تا روش علمی و فکری غرب که باساس تجربه علمی و دور از خرافات و دین ساخته شده قبول نمایند و اگر مسلمانان می خواهند با جهان غرب زندگی مسالمت آمیز و دوستانه داشته باشند از تجربه های علمی و مادی غرب استفاده نمایند. وسیله مهم برای تغییر روش فکر مسلمانان معاصر از نظر غربی ها مشکوک ساختن مسلمانان به اصل دین و منابع و مصادر اسلامی است. شرق شناسان و دانشمندان غرب برای مشکوک ساختن فکر مسلمانان از وسائل متعدد استفاده می کنند و تا اندازه زیاد در بین جوانان مسلمان که ثقافت و فرهنگ و دانش اسلامی شان محدود است به نتیجه رسیده اند.

شرق شناسان نظریه بشری بودن قرآن را مطرح میکنند و می خواهند به اثبات رسانند که قرآن از تألیف حضرت محمد است نه وحی الهی و محمد صلی الله علیه و سلم با استفاده از تورات و انجیل و شعر جاهلی کتابی را بنام قرآن به مردم معرفی کرد. فکر بشری بودن قرآن دو هدف را احتواء میکند:

- قرآن را محمد صلی الله علیه و سلم در تحت شرایط محیط خاص ترتیب نمود و لهذا برای شرایط خاص و زمان و مکان معین بود.
- قرآن جوانب اقتصادی و سیاسی و دینی و اجتماعی زمان و مکان خاص را بحث می کند.

مستشرق معروف «جب» در کتاب خود بنام Mahammedanism در صفحه 27 می نویسد: محمد مثل هر شخصیت دیگر به محیط زیست و شرایط خارج از محیط خود متأثر بود و با استفاده از روش جدید افکار و عقائد جدید را برای جامعه عرب انتخاب کرد. شرق شناسان و متفکرین غرب در تعریفات شان از دین اسلام تحت تأثیر دین مسیحی



اند و از اختلافات فکری بین کلیسا و دولت باین نتیجه رسیده اند که اسلام مانند مسیحیت در آن سلطه سیاسی نیست و قبول حاکمیت اسلام معنی آن دیکتاتوری دینی است.<sup>45</sup>

در بین محققین مسلمان شیخ علی عبدالرازق یک تن از علماء جامع الازهر نظریه جدائی بین دین و دولت را به بحث گرفت و به این نتیجه رسید که اسلام فقط دین است و در اسلام سیاست و نظام حکم نیست. شیخ علی عبدالرازق کتاب خود را بنام «الاسلام و أصول الحكم» به طبع رسانید. این کتاب به زبانهای مختلف ترجمه و شرق شناسان از آن علیه فکر اسلام استفاده کردند. کتاب الاسلام و اصول دین طرز و روش فکری جدید را از دین اسلام به جامعه پیش کرد. شیخ عبدالرازق در تحقیق خود دو نظریه را به اثبات رسانید.

- آنچه اسلام آورده هیچ نوع ارتباط به سیاست ندارد.
- آنچه از سیاست است ارتباط به دین ندارد.<sup>46</sup>

شیخ عبدالرازق و مستشرق انگلیس توماس آرنولد ، Thomas W. Arnold زعامت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را بحث و نقد می نمایند و هر دو به این نتیجه میرسند که زعامت حضرت محمد برای یک وقت معین و زمان و مکان خاص بود و همین نظریه را مستشرق معروف دیگر بنام جب ، Gibb به الفاظ و کلمات و جملات دیگر می آورد.<sup>47</sup>

شیخ عبدالرازق از فکر غرب مسیحی اقتباس نموده می نویسد: وحدت دین بلی ! وحدت سیاست نه خیر به این معنی که معقول نیست مسلمانان دارای سیاست واحد باشند لیکن از اینکه جماعت از مسلمانان دارای وحدت دینی باشند معقول است. مسلمانان آزاد

<sup>45</sup>. دکتور صلاح الصاوی «تهافت العالمانية»، فصل دین و سیاست .

<sup>46</sup>. علی عبدالرازق «الاسلام و اصول الحكم» صفحات 74 - 85 .

<sup>47</sup>. الدکتور محمد البهی «الفکر الاسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی»، ص

هستند که هر نوع نظام سیاسی مطلقه، مقید، جمهوری، استبدادی، دیموکراسی، سوسیالیستی، کمونستی و پارلمانی را برای خود انتخاب کنند و در انتخاب نظام سیاسی مانع در فکر اسلامی نیست.<sup>48</sup>

### تأثیر فکر استعمار غرب بالای روش فکر معاصر اسلامی

استعمار غرب و متفکرین اروپا و شرق شناسان برای رسیدن به اهداف طویل‌مدت در شرق اسلامی کوشش نمودند تا فکر اسلامی را از داخل صدمه‌زنده و مسلمانان را از داخل دچار مشکلات فکری و عقیده‌تی سازند. برای رسیدن به این هدف و منظور حرکت‌های فکری و مذهبی و دینی که منافی فکر اصیل اسلامی بود تقویت مادی و حمایت معنوی شد و زیر نام اصلاحات دینی حرکت‌های فکری و مذاهب فلسفی و تصوفی و عقائدی در جهان اسلام تأسیس شد تا عقائد و فکر اسلامی را ضعیف و فکر جدید که به نفع استعمار است بین مسلمانان نشر شود. استعمار تخریب فکر اسلامی را از طریق منابع داخلی کشورهای شرق آسانتر برای رسیدن به اهداف سیاسی و دینی و اقتصادی خود میدانست لهذا پلان اول غرب تخریب فکر و تغییر روش تفکر مسلمانان از داخل بود و برای این منظور مذاهب جدید روی کار آمد و مسلمانان مدت‌ها در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. مشغول شدن مسلمانان با یکدیگر فرصت مناسب و وقت کافی برای استحکام استعمار فرهنگی و سیاسی و اقتصادی در جهان اسلام بود. حرکت‌ها و مذاهب دینی و طریقه‌های تصوفی زیر نام دین که در جوامع اسلامی با همکاری استعمار بوجود آمد و روش فکر معاصر اسلامی را منحرف ساخت عبارت‌اند از:

<sup>48</sup>. علی عبدالرازق «الاسلام و اصول الحکم» ص 53.

### حرکت احمد خان

احمد خان (1817 - 1898 م) حرکت جدید را با همکاری انگلیس در هند براه انداخت. احمد خان اصلاح دینی را عنوان حرکت خود انتخاب نمود. حرکت اصلاح دینی احمد خان مقدمه و تمهید برای نشأت فکر قادیانی که فیما بعد بصورت یک مذهب و در نهایت بصفت یک دین روی کار آمد بود.

احمد خان چندین اثر را به طبع رسانید که مهمترین آن «حیات محمد» در سال 1870 میلادی و در 1880 تفسیر القرآن و تفسیر انجیل را بنام «تبیان الکلام». در تفسیر قرآن کریم احمد خان آیات را تحریف و آیات جهاد را از ترجمه قرآن کریم بیرون ساخت. احمد خان در تفسیر خود از تورات و انجیل نظریه عدم تحریف تورات و انجیل را به اثبات رسانید. او برای گمراه کردن فکر و عقل مسلمانان جریده بنام «تهذیب الأخلاق» را به نشر سپرد. در اخیر احمد خان مردم و خصوصاً مسلمانان را دعوت نمود تا از دایره تنگ ادیان بیرون و به طبیعت فکر کنند و از طبیعت بیاموزند. احمد خان از محتوی بحث در طبیعت هدف اش نشر عقیده و فکر دهریت بود و با ذکاوت خاص بدون اینکه مبارزه و ضدیت علنی را علیه اسلام اعلان نماید مسلمانان را به عقیده دهریت دعوت نمود. هدف احمد خان از نظریه خارج شدن از دایره تنگ دین دوری مسلمانان از اسلام بود.

سید جمال الدین افغانی کوشش نمود تا فکر اسلامی را از خطر فکر دهریت حفظ کند و برای توضیح بیشتر فلسفه دهریت کتاب «رد فکر دهریت» را به طبع رسانید. این رساله اصلاً بزبان دری بود و در بمبی در سال 1293 هجری به طبع رسید و بعداً بزبان اردو ترجمه و در سال 1303 هجری امام محمد عبده آن را بزبان عربی ترجمه و به طبع رسانید.<sup>49</sup>

<sup>49</sup>. علی عبدالحلیم محمود «جمال الدین الأفغانی»، فصل رسالة الرد علی الدهریین، ص 61 و همچنان دکتور عبدالباسط محمد حسن «جمال الدین الافغانی

احمد خان حرکت تجدید اسلام و اصلاح دینی را بصورت علمی و با همکاری انگلیس در هند پیش برد و برای تطبیق عملی نظریه تجدید و اصلاح دین کالج بزرگ را بنام پوهنحی انگلیزی شرقی محمدیه در می 1875 تأسیس کرد اکثر شاگردان این کالج را مسلمانان تشکیل میدادند. شاگردان کالج فکر اصلاح و تجدید دین را قسمی آموختند که در اروپا صورت گرفته بود و اداره کالج موفق شد تا تعداد از مسلمانان را ضد دین تربیت نماید. با اینکه در ظاهر کالج اسلامی بود لیکن تدریس علوم مسیحیت یکی از مهمترین مواد درسی آن بود و علوم اسلامی بشیوه تدریس می شد که افکار عمومی را نسبت به اسلام مغشوش می ساخت. تأسیس پوهنتون و مؤسسات تعلیمی در هند و خصوصاً در بین مسلمانان نفوذ سیاسی و فکری احمد خان را تقویت نمود.

علامه سید جمال الدین افغانی در مورد سیاست انگلیس و همکاری استعمار با حرکت احمد خان می نویسد :

« انگلیس ها ملاحظه نمودند که مسلمانان کوشش دارند تا آنچه از ایشان گرفته شده بدست آورند و همچنان باین نتیجه رسیدند که رابطه و پیوست مسلمانان با دین اسلام بسیار متین و قوی است و تا زمانی که مسلمانان به محمد صلی الله علیه و سلم اعتقاد دارند در بدست آوردن و حفظ حقوق خود کوشش میکنند. برای مبارزه با عقیده اسلامی و ضعیف کردن عقیده در قلوب مسلمین انگلیس ها به گروه های که به اسلام نسبت دارند و لیکن در قلوب عداوت و نفاق و افکار زندقیه که

---

و آثره فی العالم الإسلامی الحدیث» مکتبه وهبه فبروری 1982 م). و برای معلومات بیشتر معانی دهری دیده شود: «دائرة المعارف الإسلامیة» ماده الدهریة جلد نهم، ترجمه خورشید، طهران 1352.

در هند بنام «دهری و طبیعت پرستان» یاد می شوند به هدف تخریب فکر اسلامی نزدیک و همکاری کردند.<sup>50</sup>

علامه ابوالحسن الندوی در کتاب خود تحت عنوان «القادیانیة ثورة على النبوة المحمدية و الاسلام» می نویسد که تحقیقات علمی و تاریخی ثابت می سازد که تأسیس قادیانی نتیجه سیاست انگلیس است. الندوی ادامه داده می نویسد قادیانی در جهان اسلام بی نظمی فکری و عدم اطمینان به مصادر و مراجع گذشتگان اسلام را بار آورد و رابطه قوی امت را با گذشته قطع و مسلمانان را از آینده درخشان مایوس نمود.<sup>51</sup>

### تأسیس مذهب قادیانی

انگلیس ها احمد خان و حرکت اصلاح دینی را بهترین وسیله برای ادامه وجود خود در هند دیدند لذا در تقویت فکر اصلاح دینی احمد خان در قاره هند و سائر کشورهای اسلامی مؤسسات تعلیمی را تأسیس کردند و بسرعت فکر اصلاح دینی قادیانی در بین مسلمانان رواج یافت و مدتها جامعه علمی اسلامی را بخود مشغول ساخت. نتیجه کار و فعالیت احمد خان با همکاری انگلیس تأسیس مذهب جدید در اسلام بنام مذهب قادیانی بود.

مذهب قادیانی بصورت رسمی در سال 1900 میلادی ثبت شد و این مذهب پیروان در پنجاب، افغانستان و ایران دارد. مجله الأدیان «The Review of Religion» مجله رسمی این مذهب است که در ماه یکبار

<sup>50</sup>. «العروة الوثقی» صفحات 572-575. جریده العروة الوثقی در 15 جمادی الأول سال 1301 هجری مطابق مارچ 1884 میلادی افتتاح و تا 26 ذی الحجة سال 1301 هجری مطابق 16 اکتوبر 1884 میلادی ادامه یافت و مجموع که به نشر رسید 18 عدد بود.

<sup>51</sup>. الدكتور محمد البهی «الفکر الإسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی» صفحات 40-41.

در قادیان از سال 1902 میلادی به چاپ میرسد. تأسیس مذهب قادیانی چنانکه ابو الحسن الندوی می گوید بی نظمی فکری را در جامعه اسلامی بوجود آورد و روش فکری مسلمانان را متضرر ساخت. حرکت احمد خان و مذهب قادیانی وقت زیاد علماء را گرفت و کوشش های زیاد صورت گرفت تا عقائد و روش فکری مسلمانان از خطر فکر منحرف داخلی حفظ شود.

### حالت سیاسی ، اجتماعی ، روحی و علمی جامعه اسلامی

حالت سیاسی : استبداد سیاسی و نظام میراثی و انتخابات تقلبی و دیموکراسی تقلبی علت عدم تقدم و پیشرفت مسلمانان در ساحات مختلف زندگی و علوم انسانی و طبیعی و تکنالوجی و آزادی های فردی و سیاسی میباشد. بعض تصور دارند که عقل و فکر مسلمانان نسبت به عقل و فکر غیر مسلمانان تفاوت دارد و عقلیت شرقی نسبت به عقلیت غربی متفاوت و در مقام پائین تر قرار دارد و عده باین نتیجه رسیده اند که ممکن نیست مسلمانان در ساحة علوم جدید نسبت به غرب تفوق و برتری نمایند و یا مساوی با مدنیت غرب شوند تا اینکه فکر تجدید دین اسلام را قبول نکنند و سیستم حکومت را با اساس دیموکراسی و فلسفه غرب نسازند.

علامه محمد الغزالی عدم تفوق مسلمانان را در ساحة علوم و تکنالوجی جدید در عدم حریت و آزادی های فکری و استبداد سیاسی و دیکتاتوری در جهان اسلام میدانند و می نویسد صنعت طیاره سازی و مطالعات و تحقیقات در ساحة علوم ذری در هندوستان و مصر در یک وقت شروع شد و بعد از ربع قرن هندوستان طیاره را به پرواز آورد و بمب اتومی را تجربه نمود در حالیکه مصری ها یک قدم در این ساحات برداشتنند. آیا عقل هندی نسبت به عقل مصری بهتر و هندوستانی نسبت به مصری ذکی تر است ؟ سبب این است که هندوستان از آزادی ها حمایت میکند و برای هر انسان فرصت تحقیق را میدهد . نظام

دیموکراسی در هند از نظام دیموکراسی در مصر تفاوت دارد در بسا اوقات واقع میشود که نظام حاکم در هند در نتیجه انتخابات سقوط میکند و حزب مخالف به اقتدار میرسد.<sup>52</sup>

استبداد سیاسی و حکومت های دیکتاتوری عسکری سبب شد تا متفکرین مسلمان از جهان اسلام به غرب هجرت کنند. هجرت متفکرین و علماء در عقب ماندن فکری و علمی در جهان اسلام کمک نمود. جهان اسلام در نتیجه فساد نظام حاکمه و فساد دستگاه قضائی بسوی فتنه و فساد در حرکت است و در نتیجه فساد داخلی خارجی ها یعنی غیر مسلمانان بالای ادارات دولتی تسلط یافتند و کار بجای رسید که اکثر مشاورین زمامداران مستبد کشور های اسلامی را خارجی ها تشکیل می دهند.<sup>53</sup>

استقلال سیاسی به نام و مشروط سبب دیگری از عقب گرائی امت اسلامی میباشد. در نتیجه مخالفت های مسلمانان از استعمار و اشغال نظامی، کشور های استعماری مجبور به قبول استقلال سیاسی مشروط برای مسلمانان شدند و زمامداران کشور های اسلامی بر خلاف اراده آزاد مردم برای بقای خود اشغال غیر رسمی را پذیرفتند و حمایت خارجی را برای حمایت خود قبول کردند. اشغال فکری و سیاسی و نظامی و زمامداران فاسد و دیکتاتور و ملت بی مسئولیت و علماء و روحانیون فاسد در مجموع سبب شد تا فکر استعمار غرب زیر نام دیموکراسی و آزادی جانشین فکر معاصر اسلامی شود.

شورا که اصل اسلامی است جای خود را به دیکتاتوری و تسلط سیاسی و استبداد سیاسی و حکومت مطلقه داد. مجالس شورا در کشور های

52. محمد الغزالی «علل و أدویة» ص 191 و همچنان الدكتور یوسف القرضاوی «الشیخ الغزالی كما عرفته»، مؤسسة الرسالة، صفحات 256-257.

53. امین عثمان «أعلام الإسلام» القاهرة، دار إحياء الكتب العربية 1944 م، ص

اسلامی در خدمت و اغراض نظام حاکمه قرار گرفت و آنچه دیکتاتور خواست مطابق آن اعضای شورا عمل کردند. قوانین به مصلحت قوای حاکمه تثبیت و در تدوین قوانین اساسات قوانین شرعی مراعات نشد و قوانین غربی بدون تصفیه و مطابقت دادن آن به اوضاع اجتماعی و دینی تصویب و محل اجراء قرار گرفت. پارلمان از حقوق سیاسی و اجتماعی ملت دفاع نکرد و بدون در نظر داشت منافع علیا کشور و مردم معاهدات یک جانبه را با کشورهای استعماری تصدیق نمود.

حالت اجتماعی: فساد اخلاقی در جامعه رواج یافت و مردم به حالتی رسیدند که فقط در نوشیدن و خوردن و مسائل جنسی به چیزی دیگر فکر نمی کردند و نظام فردی بالای نظام اجتماعی غلبه یافت.<sup>54</sup>

فضیلت های اخلاقی و قیام و مبادئ اخلاق اسلامی مراعات نشد و در مقابل رذایل اخلاقی در جامعه نشر و تقویت گردید. شرف و عزت مرد و زن مورد تعرض قرار گرفت و بی عفتی جای عفت و بی عدالتی جای عدالت و خیانت جای امانت و کذب جای صدق و بی حیائی جای حیاء را گرفت و در مجموع رذایل اخلاقی عادت و رسم و رواج جامعه اسلامی شد و بصورت کل تمام رذایل اخلاقی اخلاق جامعه گردید. تفکر به مصلحت شخصی و جمع سرمایه از طریق حرام یک امر عادی پنداشته شد.

زعمای سیاسی و دینی در اصلاح جامعه توجه نکردند و طبقات اجتماعی در غیاب عدالت اجتماعی رشد نمود و طبقه فقیر در جامعه تحت فشار زیاد قرار گرفت و طبقات بالا در مسائل سیاسی شریک زمامداران شدند و احزاب سیاسی و انجمن های اجتماعی زیر اداره ای سرمایه داران و فیودالها و نفوذ خارجی قرار گرفتند و روحیه مواطنه یا

<sup>54</sup>. قلعجی، قدری «أعلام الحریة» بیروت، دار القلم للملايين، 1948، ص 9. همچنان حمادة، عبد المنعم «الاستاد محمد عبده» مطبعة الاستقامة، 1945 م، ص



شهروندی ضعیف گردید و اکثریت ملت به آینده و حال کشور توجه نکردند.

در نتیجه عوامل متعدد کرامت انسان قیمت خود را از دست داد و ریختن خون مسلمان جرم شمرده نشد. طیارات بدون پیلوت هر روز بخاطر یک هدف ده ها طفل و زن و مرد مسلمان را هدف قرار می دهد و کسی حاضر نمیشود از خون شان سؤال کند. ما شاهد هستیم که برای قتل دوازده فرانسوی تمام زعمای دنیا بشمول زعمای مسلمین در مظاهره بزرگ در فرانسه اشتراک نمودند درحالیکه برای شهادت سه جوان مسلمان در ولایت کارولنیای شمالی نه زعمای کشور های اسلامی و نه هم زعمای غرب اشتراک کردند و این خود بهترین نمونه و مثال از بی ارزش بودن خون مسلمان است. بتاريخ 10 / 3 / 2016 پارلمان اروپا به اکثریت آراء موقف حکومت مصر را از قتل طالب ایتالوی بنام «جولیو ریجنی» در قاهره تقبیح کرد و از حکومت مصر خواست تا فوراً اسباب قتل او را توضیح نماید. حکومت ایتالیه و اتحادیه اروپا موقف شدید را علیه نظام انقلاب مصر گرفتند و ایتالیه تهدید به قطع کمک های اقتصادی از مصر کرد.

جهانیان شاهد قتل هفت هزارها جوان در میدان رابعه عدوی و میدان نهصت در قاهره بودند و مشاهده کردند که اجساد مسلمانان در کشور اسلامی توسط قوای حکومت به آتش سوختانده میشوند و زعمای غرب در عوض تقبیح جرائم و قطع روابط سیاسی می یارند دالر را به دیکتاتور مصر فرستادند و کشورهای غربی و مؤسسات حقوق انسان از قتل مسلمانان چشم پوشی می کنند و بعض اوقات فقط به بیانیه ها رسمی موضوع خاتمه می یابد.

حالت ادبی و علمی در جامعه اسلامی بهتر از حالت سیاسی و اجتماعی نیست ادبیات و شعر و نثر خالی از معانی شد، نشرات مثل جرائد، مجلات و تلویزیون و حتی فیس بوک و تویتر خالی از فهم و درایت ادبی

و علمی شد. مراکز علمی و مؤسسات تعلیمی از ناحیه علمی فقیر شد و حتی جامعه‌الازهر که چراغ و مناره علوم اسلامی و ادبی بود ضعیف گردید. شاگردان جامع الازهر از علوم عصری در غرب بی‌خبر ماندند و اداره‌الازهر کوشش داشت تا شاگردان را به مطالعه نصوص قدیم بدون ربط آن به حیات معاصر مشغول سازد. از جانب دیگر شاگردان الازهر جوانانیکه در غرب تعلیم یافته بودند آنها را به نظر تحقیر دیدند. علماء وقت خود را به تدریس فقه دادند و در فقه نیز اجتهاد را مراعات نکردند که در نتیجه آن فقه بدوی جای فقه مدنی را گرفت. حجة الاسلام و المسلمین امام الغزالی روش علماء را نقد شدید میکند و می‌نویسد اکثر علماء در زمان خود مردم را مشغول فقه و مسائل مربوط به آن کردند در حالیکه در کشورهای اسلامی طیب یا یهودی و یا نصرانی بود و حیات و زندگی مردم به دست شان بود. حالت و اوضاع مسلمانان بجای رسید که ارواح و عورات مسلمانان بدست طیب یهودی و نصرانی قرار گرفت و حتی احکام شرعی مثل گرفتن روزه و تیمم در وقت عمل جراحی از ایشان سؤال می‌شد.<sup>55</sup>

مدارس از تدریس علوم جدید فاصله گرفت و به نصوص قدیم زیاد توجه شد. این اوضاع در جهان اسلام زمینه را برای نشوء و نمو فکر غربی با خوبی‌ها و زشتی‌های آن آماده ساخت و غربی‌ها از عقب ماندن مسلمانان استفاده اعظمی را نمودند و فکر و فلسفه‌های اقتصادی و سیاسی خود را در جهان اسلام حاکم ساختند.<sup>56</sup>

رابطه بین شاگرد و ضرورت‌های جامعه در اکثر برنامه‌های تعلیمی مدنظر گرفته نشد و شاگرد اصلاً نمیدانده که برای چه درس می‌خواند و هدف نهائی اکثر شاگردان داشتن شهادت نامه و پیدا کردن وظیفه

<sup>55</sup>. سایت القرضاوی، یکشنبه 15 فیروری 2015 م.

<sup>56</sup>. سلیمان، عبدالجواد «سلسله بحوث و محاضرات» 1945 م «مطبعة احمد مخیمر، صفحات 7-8 و همچنان «إسلامیة المعرفة»، صفحات 126-127.

میباشد. مدارس اسلامی از دو قرن باین طرف تجدید نشد و نظام تدریس در مدارس اسلامی باساس نظام قدیم که امروز قادر به حل مشکلات جامعه نیست میباشد. تجدید مدارس دینی و نظام تدریس و مواد درسی و تربیت معلمین برای مدارس دینی یکی از ضرورت های جامعه ای اسلامی در عصر حاضر است. اضافه کردن مواد درسی مدارس عمومی در برنامه های مدارس دینی و اضافه مواد اسلامی خصوصا ثقافت و فرهنگ اسلامی در مدارس دولتی سبب نزدیکی بین مدارس دینی و دولتی می شود. در جامعه اسلامی باید تمام مدارس اسلامی باشد و تقسیم مدارس بنام دینی و غیر دینی مسافه را بین دین و مدنیت بوجود می آورد.

مسجد رسالت خود را از دست داد. مسجد در نظام تعلیم اسلامی، معهد تمدن و تربیت و تعلیم بود. متأسفانه سیاستمداران داخلی و فشار خارجی و ضعف و ناتوانی علماء سبب شد تا مسجد رسالت علمی و فرهنگی خود را از دست بدهد. جدائی دین از سیاست نقش مسجد را در تربیت اخلاقی و علمی افراد جامعه ضعیف ساخت و وظیفه مسجد امروز در جامعه اسلامی فقط اداء نماز و فاتحه خوانی است. نظام تعلیم در مدارس و پوهنتونها و مساجد ضرورت به تجدید دارد و برای این منظور اقتباس از علوم معاصر و استفاده از تجربه های دیگران و خصوصا تکنالوژی غرب ضرورت های اسلامی است.

عدۀ از مسلمانان نظریه عدم اقتباس را قبول و آنرا لباس اسلامی دادند. فکر عدم اقتباس مانع استفاده از تجربه های علمی معاصر شد. علامه دکتور یوسف القرضاوی نظریه عدم اقتباس از دیگران را بشدت نقد نموده می نویسد: مسلمانان صادق و امین و گروه های که اسلام را حل مشکلات جامعه می دانند از مذاهب عصری « مکتب های فلسفی معاصر» در سیاست، اقتصاد، فلسفه، علم و ادبیات بصفت تماشایی و بیطرف باقی مانده نمی توانند. استفاده از تجربه های ملل دیگر آنچه به نفع و مصلحت مسلمانان و اسلام باشد یک امر طبیعی و ضرورت

اسلامی است . رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمانان را امر فرمودند که حکمت گم شده را در هر جا که باشد دریافت و بگیرند . استفاده از تجربه های سیاسی و حقوق انسان غرب که برای جلوگیری از نظام استبدادی و دیکتاتوری است در شریعت اقتباس آن جواز دارد به همین ترتیب اقتباس علوم ساینس و اقتصاد و نظام پارلمان و غیره که منافای عقیده اسلام نباشد یک ضرورت اسلامی است.<sup>57</sup>

علمای اسلام اقتباس قوانین مدنی غرب که مخالف اصل و مبادئ شریعت اسلامی نباشد می پذیرند و در تدوین قوانین کشور های اسلامی از قوانین فرانسوی و انگلیسی استفاده و اقتباس شده است . قانون دانان مسلمان که بنام فقهاء یاد میشوند از آغاز قرن بیستم قوانین مدنی غرب را مطالعه و بررسی علمی نمودند و در مواد تدریس فاکلته حقوق ، قوانین مدنی غرب را نیز جا دادند و در برنامه های حقوق فصل جدید بنام فقه مقارن اضافه گردید .<sup>58</sup>

در فرهنگ اسلام موضوعات علمی ملک تمام انسانها بدون در نظر داشت عقیده و رنگ است و هر انسان حق دارد از علوم دیگران بدون تبعیض و تعصب استفاده کند . متأسفانه مسلمانان از روش علمی معاصر در عدم فهم صحیح از اسلام استفاده کرده نتوانستند و عقیده جمود و خمود و عدم اجتهاد سبب شد که فکر معاصر اسلامی در ساحة فکر با فکر غرب قدرت مقابله را نداشته باشد و در نتیجه تسلیم فکر غرب شود .<sup>59</sup>

<sup>57</sup> . دكتور يوسف القرضاوى « بينات الحل الإسلامى و شبهات العلمانيين و المغتربين » ، صفحات 81-82 .

<sup>58</sup> . شيخ عبدالعال عطوه « فقه اسلامى در تقنين امروزی » ترجمه : پروفیسور دكتور عبدالستار سیرت . از نشرات فقه اسلامى سپتمبر 2014 .

<sup>59</sup> . أنور الجندی « شبهات فى الفكر الإسلامى » ص 11 ، همچنان دكتور انس أحمد كررون « التخلف العلمى فى واقع المسلمين المعاصر » صفحات 57-58 .

شهید عبدالقادر عوده علما را مسئول جمود و خمود و عدم استفاده از علوم معاصر می داند و می نویسد: علمای اسلام مسئولیت حالتی را که در آن بسر می بریم و اسلام با آن مواجه است بعهده دارند.<sup>60</sup>

حالت ایمانی و روحی مسلمانان ضعیف شد و شک در دین و مبادئ اسلام و ارکان آن در نزد بعض مسلمانان ظاهر شد و عده از مسلمانان در حدیث و سنت نبوی به نظر شک دیدند. تطبیق عملی ارکان اسلام مثل نماز و روزه و حج و زکات و جهاد ضعیف و عده از مسلمانان فقط اسم اسلامی را حمل میکنند.

عدم تمسک به حقیقت دین و عدم پیروی صحیح از اصل اسلام فساد را در دین بوجود آورد. دینداری فاسد روش فکری مسلمانان معاصر را می سازد. محققین سبب انحطاط شرق اسلامی را دوری مسلمانان از دین صحیح میدانند. گستان لوبون در این مورد می نویسد: سبب انحطاط شرق ترک روح اسلام و پیروی از عقائد باطل است.<sup>61</sup>

مسلمان که زندگی را حقیر بشمارد و فکر کند که برای آخرت خلق شده و دنیا از کافر و آخرت برای مسلمان است هر گز سعی و کوشش برای پیشرفت زندگی نمی کند و عزلت را در زندگی برتری میدهد و با تغییرات محیط بی تفاوت می ماند. فهم مسلمانان از حدیث مبارک که الترمذی آنرا در الزهد باب رقم 14 آورده و در آن رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دنیا را ملعون گفته یعنی لعنت کرده ناقص است و عده فقط در حدیث به کلمه ملعون توقف کرده اند و جلو نرفته اند و از کلمه ملعون

60. شهید عبدالقادر عوده «اسلام بین فرزندان بی خبر و علمای ناتوانش» صفحات

118-119.

61. دکتور توفیق الواعی «الحضارة الإسلامية مقارنة بالحضارة الغربية» ص 702 و همچنان دکتور انس أحمد کرزون «التخلف العلمي في واقع المسلمين المعاصر» ص 62.

استفاده غیر حقیقی در زندگی کرده اند و نشستن را بر ایستادن و جهل را بر علم برتری داده اند.<sup>62</sup>

یکی از مهمترین مشکل فساد دینداری این است که مردم فکر میکنند که اسلام فقط عبادات و شعائر تعبدی است یعنی اسلام فقط نماز و روزه و حج و زکات است و متأسفانه مسلمانان از معنی عبادات بصورت شامل آن بی خبر اند. آموختن علم، تفکر و تدبیر، خواندن و نوشتن، کار و فعالیت، سیاست و اقتصاد، جنگ و صلح و بطور عموم آبادی زمین و تطبیق عدالت اجتماعی و رسیدگی به مشکلات مردم و مقاومت فساد اداری و استبداد سیاسی و اشغال نظامی را عده زیاد مسلمانان از جمله عبادات نمی دانند. تا زمانیکه علاج فساد دینداری و جمود و خمود در جامعه اسلامی نشود مسلمانان از کاروان نهضت علمی عقب می باشند و تا زمانیکه مفاهیم اسلامی تصحیح نشود فکر معاصر اسلامی از رسیدن به اهداف عالی و انسانی اسلام برای جامعه بشری عاجز خواهد بود.<sup>63</sup>

دینداری فاسد روش فکر معاصر اسلامی را متضرر ساخت. فکر و عقیده عدم مداخله خداوند در امور زندگی و کائنات داخل فرهنگ و ثقافت و روش فکر معاصر اسلامی شد. محمد اسد و لیوبولد فایس نظریه و عقیده عدم مداخله خداوند را در امور جامعه از نظر فکر غرب اینطور بیان میکنند: مدنیّت غرب خداوند را انکار نمیکنند لیکن وجود خداوند را در نظام فکری معاصر فاقد هر نوع قیمت و فائده می دانند.<sup>64</sup>

<sup>62</sup>. محمد قطب «قبسات من الرسول صلی الله علیه وسلم» ص 18.

<sup>63</sup>. محمد قطب، واقعنا المعاصر و دکتور یوسف القرضاوی «أولویات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة» ص 61-62.

<sup>64</sup>. دکتور یوسف القرضاوی «الحل الإسلامي فریضة و ضرورة» صفحات 12-13. و همچنان: «الإسلام علی مفترق الطرق» ص 39.

امت اسلامی در نتیجه ضعف حالت ایمانی و روحی در مسائل فکری و ایمانی و سیاسی و اجتماعی بیطرفی را در امور زندگی و علمی انتخاب و در مبارزه با ظلم و استبداد داخلی و استعمار و تهاجم فرهنگ خارجی بی تفاوت ماند که این بی تفاوتی و بیطرفی استبداد سیاسی و استثمار اقتصادی را تقویت کرد و مانع رشد فکری افراد جامعه شد.

حالت قضائی، در اواخر قرن نوزدهم در بسیاری از کشورهای اسلامی دو نوع محاکم بود. یکی محاکم شرعی و دیگری محاکم مدنی. در محاکم شرعی به اساس شریعت اسلامی حکم می شد و در محاکم مدنی با اساس قوانین فرانسه. مردم از کار محاکم شرعی راضی نبودند بدین لحاظ یک عده از متفکرین در کشورهای اسلامی دعوت به توحید دستگاه قضائی و الغای محاکم شرعی نمودند.<sup>65</sup>

از قرن‌ها به این طرف قاضی مسلمان در تطبیق عدالت ناکام است. رشوت و خیانت و مداخله سلطه حاکمه در امور قضائی مجرای قضاء را ملوث ساخت و امروز متأسفانه دستگاه قضائی در کشورهای اسلامی غرق در فساد است و احکامی که توسط قضات صادر میشود غیر عادلانه میباشد بطور مثال قاضی محکمه ای ابتدائی قاهره در مدت بیست دقیقه حکم اعدام هزار محصل را صادر کرد. عملکرد دستگاه قضاء در کشورهای اسلامی سبب آن شد که طبقه جوان در کشورهای اسلامی از نظام قضائی غربی دفاع کنند و در فکر تغییر نظام قضاء اسلامی به قضاء مدنی غرب شوند.

حالت داخلی مسلمانان و تهاجم فکری و اشغال نظامی و استعمار اسباب بی نظمی فکری و امنیت را در جوامع اسلامی رشد داد و حالت مسلمانان به حالت مریض ناتوان رسید. دانشمندان و متفکرین جهان

<sup>65</sup>. حمادة، عبدالمنعم «الأستاذ محمد عبده» مطبعة الاستقامة، 1945، ص 177.

همچنان، إسلامية المعرفة ص 128.»

اسلام متوجه این امر خطیر شدند و عده‌ای برای اصلاح حال مسلمانان و مقاومت استعمار قیام نمودند. حرکات اصلاحی و قیام دانشمندان اسلامی علیه استعمار عسکری و فکری از محققین می‌خواهد تا در مورد آن بحث و تحقیق مفصل و مستقل نمایند و در این تحقیق بصورت بسیار خلاصه حرکت‌های اصلاحی و روش مقاومت بحث می‌شود.

### حرکت‌های اصلاحی و مقاومت علیه فکر استعمار غرب

تاریخ شاهد مبارزات علماء و متفکرین اسلام علیه فکر غرب مسیحی می‌باشد. روش مقاومت از یک منطقه اسلامی تا منطقه دیگری و از یک عصر تا عصر دیگر تفاوت می‌کند. دانشمندان اسلامی با تمام قوت علیه سیاست تغریب یعنی غرب سازی ایستادگی نمودند و در مقابل سیاست تغریب سیاست اسلمة یعنی مسلمان ساختن جامعه غرب را برنامه‌گذاری نمودند و امروز در جهان دو طرز تفکر (تغریب و اسلمه) در مقابل یکدیگر قرار دارد. فکر اسلمه زعمای غرب مسیحی را به تشویش انداخت و حکومت‌های غرب برای توقف حرکت اسلمه در قوانین اساسی کشور‌های خود تغییرات را وارد می‌نمایند تا نشر اسلام را در بین جوانان که از اصل اروپائی‌اند مانع شوند. این سیاست غرب سبب شد تا در بسا موارد جهان غرب از اصل فلسفه دیموکراسی و آزادی‌های فردی و فکر لیبرالی فاصله گیرد.

مقاومت فکر غرب مسیحی در جهان اسلام دو بعد اساسی دارد.

1: تصحیح فهم نادرست مسلمانان از اسلام.

2: معرفی فکر غرب و اهداف شرق‌شناسی در جهان اسلام.

محمد بن عبدالوهاب در قرن هژدهم میلادی و محمد بن علی السنوسی الکبیر در نصف اول قرن نوزدهم میلادی علیه بدعت و فساد و استبداد فکری حرکت اصلاحی را آغاز کردند. این دو عالم در فعالیت‌های خود تنها مشکلات فکری مسلمانان را مشاهده و ملاحظه می‌کردند به عبارت دیگر متوجه عیوب و مشکلات داخلی امت اسلام بودند.



محمد عبدالوهاب و السنوسی علاج اوضاع فکری و اجتماعی و عقیدتی امت اسلامی را در اصلاح فکر اسلامی و عودت یا بازگشت به صدر اول اسلام و مبارزه با بدعت‌ها که در جامعه اسلامی راه یافته و مسلمانان بدعت‌ها را جزء از دین پنداشته اند میدانستند. این دو مصلح اجتماعی در اصلاح فکر مسلمانان متوجه خطر خارجی خصوصا از ناحیه فکر مسیحیت و فعالیت‌های شرق شناسان نبودند.

از نظر محمد بن عبدالوهاب در اسلام افکار و عقائد و نظریات که اصل اسلامی ندارد داخل گردیده و در نتیجه آن جهان اسلام از اصل توحید فاصله گرفت و اصل توحید صدمه دید. اصلاح حال مردم از نظر محمد بن عبدالوهاب تصحیح عقائد مسلمانان و رجوع به اصل دین بود.<sup>66</sup>

محمد بن عبدالوهاب و السنوسی الکبیر اطلاعات کافی از نهضت فکری اروپا نداشتند و همچنان از نفوذ و تسلط فکر غرب در گوشه و کنار جهان اسلام و در بین عده از مسلمانان بی‌خبر بودند بدین لحاظ اصلاح فکر امت نزد محمد بن عبدالوهاب و السنوسی الکبیر تصحیح فکردینی در بین مسلمانان بود و هر دو عالم بدعت‌ها را مانع رشد فکری مسلمانان می‌دانستند. بعد از مرور زمان و بررسی و تحقیق بیشتر از حرکت‌های و سنوسی دلائل تاریخی زیاد بدست آمد که امام محمد بن عبدالوهاب و امام السنوسی الکبیر از نفوذ سیاسی و فکری غرب در بعضی نقاط جهان اسلام تا اندازه اطلاع داشتند لیکن اطلاعات شان باندازه معلومات و اطلاعات محمد عبده، سید جمال الدین، رشیدرضا، علامه اقبال و امام حسن البناء و دیگران نبود.

روش مقاومت فکر غرب و فکر تصوف منحرف و حرکت باطنی از نظر حرکت‌های اصلاح عقیده و خصوصا ایمان و مبارزه علیه بدعت‌های

<sup>66</sup> محمد حامد الفقی «أثر الدعوة الوهابية في الإصلاح والعمران في جزيرة العرب وغيرها» مطبعة النهضة، 1354 هجری قمری، ص 38.

بود که در جامعه اسلامی راه یافته بود و در نزد مسلمانان بحیث اسلام قبول شده بود.<sup>67</sup>

امام محمد بن عبدالوهاب و محمد بن علی السنوسی الکبیر اصلاح فکر اسلامی و روش تفکر مسلمانان را در اتحاد فکری بین مسلمانان و مبارزه علیه نفوذ سیاسی و فکری بیگانه می دانستند. امام بن عبدالوهاب وسیله اصلاح فکر مسلمانان را در معرفی اوصاف کفر و ایمان در ذهن و فکر مسلمانان میدانست او میخواست مسلمانان را قانع سازد که ولایت و حاکمیت کفار بالای مسلمانان چه ولایات و حاکمیت سیاسی باشد و چه هم ولایت و تسلط فکری حرام است و مسلمانان نباید ولایت و حاکمیت غیر مسلمان را از ناحیه فکری و تسلط سیاسی قبول نمایند.

حرکت وهابی وقت زیاد را در مبارزه علیه ضعف و ناتوانی داخلی مسلمانان که در نتیجه تأثیرات و تعلیمات فکر و عقیده «باطنی» و «تصوف» باطل بود صرف نمود. محمد بن عبدالوهاب در بدل اینکه در مبارزه علیه فکر غرب مسیحی و اصلاح فکر مسلمانان معاصر خود باشد زیادتر متوجه عقائد و افکار شیعه بود و خطر فکر شیعه را نسبت به خطر فکر غرب در جامعه اسلامی بیشتر میدانست. مبارزه با فکر شیعه و تخریب امکان عبادت مسلمانان شیعه سبب شد که محمد عبدالوهاب در آوردن اصلاحات جذری در جامعه ای اسلامی زیاد به موفقیت نرسد مثلیکه استادش امام ابن تیمیه در وقت خود نرسید با یک تفاوت که نظریات اصلاحی امام ابن تیمیه بعد از وفاتش در جامعه

<sup>67</sup>. الدكتور محمد البهی «الفکر الإسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی» صفحات 62-63-64 و عبدالمتعال الصعیدی «المجددون فی الإسلام من القرن الأول إلى الرابع عشر» ص 438 و دكتور عبدالباسط محمد حسین «جمال الدین الافغانی و أثره فی العالم الإسلامی الحدیث» صفحات 71-72.

علمی اسلامی مقام ارجمند یافت و نظریات اصلاحی اش امروز قابل بحث و تحقیق و حتی قابل تطبیق عملی می‌باشد .

اکثر مؤرخین که حرکت و دعوت وهابی را تحقیق و بررسی نموده اند باین نتیجه رسیده اند که حرکت و دعوت وهابی در تحقق اعادت دولت اسلامی و وحدت سیاسی مسلمانان تحت لواء حکومت واحدنا کام ماند لیکن نظریات و فکر دینی وهابیت مسلمانان را تا امروز به خود مشغول ساخت و روش فکری محمد بن عبدالوهاب تأثیرات زیاد را بالای روش فکری معاصر مسلمانان تا امروز از خود بجا گذاشته و در جوامع علمی نظریات وهابی مخالفین و مؤیدین خود را دارد.<sup>68</sup>

در یمن حرکت فکری بزرگ را امام الشوکانی آغاز کرد . دعوت الشوکانی در احیاء نظام کامل اسلامی خلاصه می‌شد با اینکه امام الشوکانی در تأسیس نظام اسلامی و تشکیل حکومت وحدت مسلمین موفق نشد لیکن در احیاء فکر تجدیدی بین مسلمانان موفق شد و روش فکر جدید را به مسلمانان آموخت .

در سودان حرکت مهدی تأسیس شد . این حرکت با اینکه تحت تأثیر شدید تصوف بود اما در احیاء فکر دینی سهم فعال را در سودان و شمال افریقا بازی نمود . حرکت مهدی دعوت به بازگشت به اصل اسلام و عصر اول اسلامی بود . این حرکت اصل و مظهر مدنیت اروپا را رد میکرد و فکر غربی را فکر استعماری می دانست . امام مهدی باین عقیده بود که نشر فکر و مدنیت اروپا مقدمه ای برای اشغال نظامی و مبارزه علیه فکر اسلامی است . امام مهدی از دانشمندان مسلمان دعوت نمود تا با فکر استعماری غرب مبارزه و مقاومت کنند .

68. ابو الحسن الحسینی الندوی « نظرة اجمالية في تاريخ الدعوة الإسلامية في الهند » ص 53 و همچنان دیده شود - Zwemer : The Mohammedan World of to day , p . 106 ) و تاریخ المملكة العربية السعودية ، طبع ریاست تعلیمات نسوان 1405 هجری .

### نهضت فکری سید احمد خان ( 1858 – 1898 م )

سید احمد خان یکی از متفکرین بزرگ اسلامی در هند بود. او محور سیاست و فکر معاصر اسلامی را در هند می ساخت. احمد خان از طرفداران نشر فرهنگ و علوم جدید در جامعه اسلامی بود و اقتباس علوم را از غرب به مصلحت امت اسلام میدانست. احمد خان در این مورد می گوید: لازم و واجب است کتابهای علمی غرب را مطالعه نمایم اگر چه نویسندگان آن غیر از مسلمانان باشند. آنچه در کتابهای شان مخالف قرآن باشد آنرا نگیریم. مسلمانان صدر اول اسلام علوم غیر مسلمانان را آموختند و مؤلفات فیثاغورس و فلاسفه یونان را مطالعه و بررسی نمودند. آموختن علوم غیر اسلامی، مسلمانان را در تأسیس مدنیت اسلامی کمک نمود.

استاد احمد امین در مورد سید احمد خان باین نظر است که سید احمد خان در هند شباهت به شیخ محمد عبده در مصر دارد. هر دو اصلاح را از طریق تربیت می دانستند و روش تربیوی را نسبت به انقلابات و مبارزات مسلحانه برتری می دادند. سید احمد خان و محمد عبده می دیدند که تسلط انگلیس بالای هند و مصر تسلط مطلق است و انگلیسها قوت بحری و بری و علمی و سیاسی دارند و مردم مصر و هند قدرت مقاومت را ندارند و ممکن است استطاعت و قدرت مقاومت را پیدا کنند بشرطیکه با هم متحد گردند، لیکن چطور ممکن است اتحاد نمایند در حالیکه مردم غرق در جهل و ضعف اخلاقی و امراء غرق در فساد و متوجه منافع شخص خود اند منافی که اگر به قیمت امت نیز تمام شود. نظریه احمد خان این بود که بهتر است با انگلیس مسالمت کرد و با آنها به تفاهم رسید و از ایشان آنچه بخیر مردم است گرفت.<sup>69</sup> دکتور محمد البهی نظریه و نتیجه گیری استاد احمد امین را در مورد

69. احمد امین «زعماء الاصلاح» ص 121.

موقف سید احمد خان از استعمار انگلیس نقد کرده می نویسد: مرحوم أحمد أمين در موضوع و موقف سید احمد خان از استعمار انگلیس زیر تأثیر نوشته های شرق شناسان خصوصاً مستشرق «Blum Hard» بود و همچنان به معلومات که شرق شناسان در دائره المعارف اسلامی از سید احمد خان داده اند اعتماد کامل داشت. عدّه از نویسندگان مسلمان تصور دارند که معلومات شرق شناسان و تحقیقات شان که در دائره المعارف آمده صحت دارد لهذا به تمام معلومات آن اعتماد میکنند. مطالعه عصر احمد خان و مبارزات سید احمد خان نظریه دکتور محمد البهی را بیشتر تقویت میکند.<sup>70</sup>

سید احمد خان دانشگاه «علیگر» را در هند تأسیس و کتب علمی را از زبان انگلیسی به اردو ترجمه و در برنامه های درسی علم تاریخ و اقتصاد و ترجمه را داخل ساخت. هدف از ترجمه و تأسیس مراکز علمی نزد احمد خان مطالعه فرهنگ و فکر غرب و اسلام دور از تعصب بود. فارغان فاکولته علیکرة قاعده اول فکر تجدیدی را در هند تأسیس کردند و نسل تعلیم یافته ای هند توانست توافق و جمع بین فکر علمی اروپا و شرق اسلامی بیاورد. احمد خان نهضت فکری جدید را با حفظ هویت اسلامی تأسیس نمود.<sup>71</sup>

احمد خان با پیروی از فکر امام احمد سرهندی مجدد الف ثانی فکر معاصر اسلامی را در هند تأسیس نمود و موفق شد تا بین تربیت روحی «تصوف» و جهاد اسلامی یعنی مبارزه و بذل جهد، فکر جدید و معاصر را به مسلمانان معرفی و تأسیس نماید. احمد خان به شهادت مؤرخین هند در تصوف پیروی از طریقه مجددیه می کرد و امام مجدد الگوی

70. الدکتور محمد البهی «الفکر الإسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی» ص 145.

71. دکتور عبدالباسط محمد حسن «جمال الدین الافغانی و اثره فی العالم اسلامی الحدیث» صفحات 77-78.

فکری او بود. او باین عقیده بود که ایمان و توحید و رابطه درست با خداوند و تربیت و سلوک بر روش نبوت نیروئی بس عظیم است که همواره عجایب می آفریند. ایثار و فداکاری و از خود گذشتگی، بدون نیروی روحانیت صحیح و عاطفه پایدار اصلاح، خیال خام و آرزوی تحقق نیافتنی می باشد.<sup>72</sup>

شاگردان و پیروان مدرسه احمد خان در راه تحقق بخشیدن ارمان های او زحماتی زیادی را متحمل شدند و مستقیماً در جهاد علیه استعمار انگلیس مبارزه کردند و همچنان در نشر فکر اسلامی و تصحیح فکر تصوف و معرفی نظریات اصلاحی امام احمد السرهندی زحمات زیاد را متحمل شدند و اکثراً عمر شانرا در تبعید در جزیره «آندامان» در اقیانوس هند سپری نمودند. حرکت اصلاح فکر اسلامی معاصر احمد خان در بیداری فکری مسلمانان نه تنها در قاره هندی بلکه در جهان اسلام اثر مستقیم را بجا گذاشت.

در آسیا مرکزی بزرگان طریقه نقشبندی مجددیه علیه فکر الحادی و استعماری روسیه مقاومت نمودند. مقاومت اسلامی از سال 1813 میلادی از داغستان شروع شد. رهبر این مقاومت شهید غازی محمد بود. شکیب ارسلان در مورد مقاومت علمای اسلام علیه استعمار روس می نویسد: رهبریت انقلاب را علمای داغستان و مشایخ نقشبندی که در آن دیار پراکنده بودند بعهده داشتند. گویا آنان پیش از آحاد ملت دریافته بودند که ضرری که متوجه اسلام است از جانب امراء و حکام جیره خواری است که حقوق ملت را در قبال القابی چون شاه و امیر و در برابر احراز کرسی و تخت فرماندهی کاذب و کسب قدرت و ارضای امیال و اغراض شهوانی و چند صباحی به زندگی ننگین خود ادامه دادن می فروشند بنابراین، این مجاهدین قبل از هر چیز سراغ این دست نشاندگان دولت روس و حامیان آنان شتافتند و علیه آنان قیام

72. سید ابو الحسن علی حسنی ندوی «تفسیر سیاسی اسلام» صفحات 137-138.

کرده خواستار اجرای احکام شریعت اسلامی شدند و قضاوت طبق عادت کهن که از جاهلیت قدیم باقی مانده بود را ممنوع اعلام کردند.<sup>73</sup> در تونس علامه خیر الدین باشا حرکت جدید فکری را آغاز کرد. خیرالدین باشا اقتباس از مدنیت غرب را از نظر فکر اسلامی مانع در آن نمی دید و در این مورد کتابهای زیاد تألیف نمود. او مسلمانان را به اقتباس از فرهنگ و ثقافت غرب دعوت نمود و در نوشته های خود به اثبات رسانید که آنچه مخالف دین نباشد میتوان از هر جا که باشد اقتباس نمود. از نظر خیر الدین باشا تقلید نظام حکومتداری غرب و تطبیق آن در شرق اسلامی مانع شرعی ندارد. سید جمال الدین افغانی و محمد عبده و بعد از ایشان امام حسن البنا از نظریات خیر الدین باشا بشرط اینکه اولاً مسلمانان حقیقت دین اسلام و فکر اسلامی را بیاموزند و بعد از آموختن فرهنگ و ثقافت اسلامی مانع اقتباس از نهضت علمی و مدنیت اروپا نیست.<sup>74</sup>

شیخ محمد عبده بشدت حرکت شرق شناسی و شرق شناسی را نقد کرد و علامه محمد اقبال علیه فکر قادیانی قیام نمود و فکر اسلامی معاصر را زیر نام «تجدید فکر دینی در اسلام»، Re – Construction of Religious Thought in Islam مورد بحث و بررسی قرار داد و برتری فکر اسلامی را نسبت به فکر غربی به اثبات رسانید. محمد اقبال در قاره هند روش و روش معاصر فکر اسلامی را احیاء کرد و عمل فکری او سبب بیداری فکری نسل معاصر بود.

سید جمال الدین از نزدیک خطر استعمار غرب و خصوصاً خطر تأثیرات فکر مسیحی غرب را بالای فکر اصیل اسلامی می دید و بدین

<sup>73</sup>. سید ابو الحسن علی حسنی ندوی «تفسیر سیاسی اسلام» ترجمه عبدالقادر دهقان، صفحات 128-129.

<sup>74</sup>. حسین فوزی النجار «السیاسة و الاستراتيجية فی الشرق الأوسط» جلد اول، مکتبة النهضة، 1953، ص 289.

لحاظ نسبت به دیگران علیه فکر استعماری بشدت مبارزه نمود. جمال الدین اتحاد فکری و وحدت سیاسی مسلمانان را جهت مبارزه با فکر استعماری غرب و سیله فعال و مهم میدانست و برای این هدف مهم همکاری بین تشیع و تسنن را ضروری می دانست. سید جمال الدین میدانست که احیاء خلافت اسلامی که اساس وحدت امت اسلام بود در عصر حاضر نا ممکن است لهذا تشکیل اتحادیه را بین حکومت های اسلامی برای مبارزه با استعمار و سیله خود می دانست.

سید جمال الدین باین عقیده بود که استعمار غرب در جهان اسلام و سیله و پلانهای متفاوت را برای از بین بردن شخصیت مستقل اسلامی دارد که مهمترین آن فساد عقیده مسلمانان است و جهت رسیدن باین هدف استعمار فکر دهری را در جامعه اسلامی نشر و پخش می نماید تا مسلمانان را در مصدر اول دین شان که قرآن است مشکوک سازد.<sup>75</sup>

سید جمال الدین در مبارزه علیه فکر الحادی و فکر غربی دو نظر داشت. 1) آغاز بحث علمی به روش جدید و معاصر از اسلام و نشر حقائق دین و توحید صحیح به هدف صیقل عقل و فکر مسلمانان. جمال الدین برای رسیدن مسلمان معاصر به اهداف عالی انسانی تعلیم و تربیت معاصر را حتمی میدانست و باین عقیده بود تا زمانیکه تغییر در روش فکر و عقل مسلمانان وارد نشود حالت مسلمانان تغییر نخواهد کرد. «إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بأنفسهم» (آل عمران: 104) خداوند حالت یک قوم را تغییر نمیدهد تا قوم حالت خود را تغییر ندهد.

2) سید جمال الدین استعمار را خطر بزرگ برای اسلام و فکر معاصر اسلامی میدانست و برای مقابله و مبارزه علیه فکر استعماری سید

<sup>75</sup>. سید جمال الدین «الرد علی الدهرین» و همچنان مجموعه العروة الوثقی،



جمال الدین مسلمانان را دعوت به اتحاد و همکاری ضد دشمن بیرونی که نزد سید جمال الدین استعمار انگلیس بود می نمود. سید جمال الدین در شماره اول جریده العروة الوثقی اشغال مصر را توسط انگلستان خطر عظیم برای امت اسلام میدانست و از مسلمانان دعوت نمود تا مشترکاً علیه انگلیس جهاد نمایند.<sup>76</sup>

سید جمال الدین عدم اتحاد را بین زعمای حاکمه در افغانستان از دسیسه های انگلیس می دانست و پخش و نشر افکار الحادی و نظریات دهری را در قاره هند نیز از دسیسه های انگلیس می دانست. سید جمال الدین استعمار را خطر حقیقی برای فکر اسلامی و امت اسلام می دانست و باین عقیده بود که اگر استعمار حاکم شود باید امت اسلام در صف اول مبارزه باشد.

سید جمال الدین دولت انگلیس را دشمن حقیقی و درجه اول اسلام و مسلمانان می دانست و در این مورد می نویسد: حکومت انگلیس دشمن مسلمین است و در مقابل مسلمین عداوت شدید دارد و هدف و پلان دولت انگلیس استیلاء و تسلط بالای ممالک اسلامی میباشد. سید جمال الدین از نیت انگلیس نسبت به مصر پرده بر میدارد و از دولت عثمانی میخواهد تا علیه انگلیس در مصر داخل جنگ شود. او اضافه میکند که انگلستان و روسیه و فرانسه وحدت و اتحاد را علیه اسلام و مسلمین می سازند.<sup>77</sup>

سید جمال الدین باین عقیده بود که بین فرانسه و انگلستان نظر واحد و اتحاد برای محاربت مسلمین است و هر دو کشور دشمن اسلام و اراده دارند تا کشور های اسلامی را مستعمره و اشغال نمایند تا منابع

<sup>76</sup>. سید جمال الدین «الرد علی الدهرین» ص 93.

<sup>77</sup>. «العروة الوثقی» صفحات 369 - 371 و همچنان دیده شود، عبدالمتعال الصعیدی «المجددون فی الإسلام» و الدكتور علی عبدالحلیم محمود «جمال الدین الأفغانی» صفحات 36 - 365.

اقتصادی مسلمانان را به چپاول و غارت برند. سید جمال الدین اضافه میکند که عداوت انگلیس و فرانسه ضد مسلمانان از میراث و روح صلیبی و جنگهای صلیبی است. سید جمال الدین در مورد نقش فرانسه و عداوت که نسبت به مسلمانان دارد مقاله مفصل تحت عنوان « انجلترا و فرنسا » به نشر سپرد. عصر سید جمال الدین، عصر استعمار و استثمار و عقب‌گرائی مسلمانان در ساحات علمی و سیاسی بود و مسلمانان از ناحیه فکری دچار مشکلات بودند. سید جمال الدین اضافه میکند ضعف و ناتوانی فکری مسلمانان سبب شده تا مسلمانان مدنیت غرب را با تمام نواقص و زشتی‌های آن انتخاب و در جامعه تطبیق عملی نمایند. متأسفانه مسلمانان از حقیقت مدنیت غرب بی‌خبر بودند و این بی‌خبری علت نشر فرهنگ و ثقافت و فکر لادینی غرب در جهان اسلام میباشد.<sup>78</sup>

سید جمال الدین بسته شدن باب اجتهاد را عامل مهم در عقب ماندن مسلمانان در ناحیه فکری میداند. نظریات و افکار سید جمال الدین را همکار و شاگرد دانشمنداو به پایه اکمال رسانید. علامه شیخ محمد عبده در تصحیح فکر اسلامی و تصفیه و دور ساختن افکار غرب استعماری که جامعه اسلامی را بشدت تهدید میکرد فعالیت‌های ادبی و علمی را ادامه داد. تفاوت بین استاد و شاگرد در این بود که علامه محمد عبده در علوم اسلامی و زبان عربی درایت بیشتر نسبت به سید جمال الدین داشت در حالیکه سید جمال الدین علوم سیاسی و اهداف استعماری غرب را به دلیل زندگی اش در افغانستان و هندوستان و سودان و اروپا نسبت به محمد عبده بیشتر درک می‌کرد.

<sup>78</sup>. الدكتور علی عبد الحلیم محمود « جمال الدین الأفغانی » و الدكتور عبد الباسط محمد حسن « جمال الدین الأفغانی و أثره فی العالم الإسلامی الحدیث » و الدكتور محمد البهی « الفكر الإسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی ».

### شیخ محمد عبده و فکر معاصر اسلامی

شیخ محمد عبده پلان کاری خود را جهت اصلاح فکر اسلامی معاصر و حفظ آن از تأثیرات فکر استعماری غرب به نقاط ذیل معرفی و خلاصه میکند:

اول - آزادی فکر مسلمانان از قیود و تقلید روش گذشتگان و فهم اسلام به موازین عقل یعنی بوسیله عقل معاصر.

دوم - اصلاح زبان عربی .

سوم - عدم فهم و دانش امت اسلامی از فقه اطاعت. شیخ محمد عبده باین عقیده بود که زمامداران بشر اند و بشر خطا میکند و شهوت و حب زعامت بعض اوقات بر انسان غلبه دارد در این حالت و وظیفه امت است تا زعیم را به راه راست هدایت کند و از ظلم و استبداد او را منع سازد.<sup>79</sup> محمد عبده اصلاح ضعف و ناتوانی فکری و سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی اینطور معرفی می کند:

- محاربت با فکر حزبی ، مذهبی و تقلید از گذشته .
- مبارزه با فکر و عقیده عدم نقد آثار گذشته گان .
- اصلاح جامعه الازهر به اعتبار الازهر قلب جامعه اسلامی و اگر الازهر فاسد شود جامعه ای اسلامی فاسد می گردد .

مبارزه با فکر حزبی نزد امام عبده عبارت بود از محاربت افکار غیر صحیح دینی و مذهبی که امام عبده آنرا به حزب تعبیر می کند . او تفرقه های مذهبی و افکار متعدد دینی را سبب ضعیف شدن امت اسلامی میداند .

<sup>79</sup>. تاریخ الامام جلد دوم ، ص 195 .

تقلید از نظر امام عبده تقلید حرفی از نظریات گذشته گان بود و برای حل این معضله محمد عبده دعوت به اجتهاد میکند و در اجتهاد شرایط زمان و مکان و عقل انسان را اهمیت میدهد.

محمد عبده نقد کتب و آثار قدیم را بهترین راه اصلاح فکر معاصر اسلامی میدانند و در این مورد می گوید: کتابهای که در قرون وسطی تألیف شده خصوصاً در عصر عقب گرایی مسلمانان ضرورت به نقد و تجدید دارد. او اضافه میکند تمسک و پابندی به کتب قدیم سبب از بین رفتن مصالح مردم گردیده است. نقد مؤلفات و کتب گذشتگان و نظریات متقدمین باین معنی نبود که امام محمد عبده کتابهای گذشتگان را غیر مفید میدانست. امام عبده با اینکه از احیاء فرهنگ و ثقافت قدیم حمایت می نمود، نقد و بررسی را از کتب گذشته گان نیز حتمی میدانست.<sup>80</sup>

در اصلاح الازهر محمد عبده باین عقیده بود که اصلاح الازهر در فهم کتاب الله و مبارزه با تقلید و فهم واقعیت های زندگی و حرکت مطابق زمان و تبلیغ و نشر اسلام به عقلیت و فهم و درایت عصر و بزبان معاصر بود. محمد عبده اصلاح الازهر را یکی از اولویات برای اصلاح فکر معاصر اسلامی و تجدید نظریات در مسائل اسلامی میدانست. اولین کسانی که علیه فکر اصلاحی شیخ محمد عبده قیام نمودند و او را متهم به فهم خاطی از دین نمودند علمای الازهر بودند.

محمد عبده تعلیم زبانهای اروپائی را در مکاتب اسلامی ضروری میدانست تا مسلمانان از برنامه غیر مسلمانان نسبت به خود اطلاع داشته باشند. شیخ محمد عبده عقیده برین داشت که بدون اصلاحات فوری و جذری حالت امت بهبود نمی شود. امام محمد عبده برای اصلاح

<sup>80</sup> . الدكتور محمد البهی «الفکر الإسلامی الحدیث و صلته بالاستعمار الغربی»

مشکلات فکری مسلمانان معاصر نظریه خاص داشت که می توان آنرا به نقاط ذیل خلاصه کرد .

تربیه امت توأم با فهم و درک معانی زندگی . تربیه زعماء برای اداره کشور و رهبری مردم . برای محمد عبده اسلام اساس مشترک برای تربیه امت و زعامت است . امام محمد عبده برای تربیت ملت و زعمای سیاسی قرآن را یگانه و سیله می دانست و به نظر او فرقه ها و مذاهب و مقلدین (تقلید کنندگان) و أهل بدعت و أهل تصوف برای تربیت امت و زعامت عاجز اند . نظام تربیوی نزد امام محمد عبده نظامی بود که مسلمانان را از استعمار غرب و تأثیر فکر مسیحی حفظ نماید . محمد عبده برای رسیدن به نهضت علمی و ارتقاء فکری باین عقیده بود که مسلمانان بصورت تساوی با غیر مسلمانان زندگی داشته باشند . او دعوت به رفع امتیازات و تسلط استعمار و فکر غرب که عدم تساوی و همکاری مشترک را بین مسلمانان و غیر مسلمانان و بین غرب و شرق سبب شده نمود .

علی عبدالرازق (متوفی 1345 ش ) ، اندیشمند مصری عقیده داشت که خلافت پایه دینی ندارد و حتی خلیفه اول نیز در فرایندی سیاسی روی کار آمد و سپس به حکومت خود وصفی دینی داد . به نظر او منابع فقهی و دریافت عقلی تنها بر لزوم حکومت دلالت دارند نه به وجوب خلافت .

از نظر علی عبدالرازق ، اسلام عرصه سیاست را به انسان ها واگذار کرده است تا با کار برد عقل و بر پایه جدید ترین دستاورد های عقلی و استوار ترین تجارب ملل ، شکل حکومت را با توجه به وضع خود تعیین کنند .<sup>81</sup>

81. علی عبدالرازق ، الاسلام و اصول الحکم ، صفحات 37-47.

خیر الدین باشا تونسسی و ابن ابی الضیاف در تونس از متفکران پیش گام به شمار می روند. خیر الدین تونسسی در کتاب «اقوم المسالک فی معرفة احوال ممالک» به بیان عواقب وخیم استبداد و عوامل موفقیت غرب یعنی توجه به ارزش هایی مانند عدل، مشورت و حسن تدبیر پرداخته است. وی به لزوم همکاری میان عالمان دین و اهل سیاست تأکید کرده و اجرای سیاست های غربی را فقط در مواردی می پذیرد که با شریعت هماهنگ است.

ابن ابی الضیاف از میان سه نوع حکومت استبداد، جمهوری و مشروطه، حکومت مشروطه را از آن رو که مقید به قانون مصوب مجلس است، پذیرفته است.

ابن بادیس متفکر بزرگ الجزائر، در برابر طرفداران جنبش خلافت به نکوهش خلافت پرداخت و در عین حال، بر آن بود که از بین رفتن خلافت عثمانی به معنای برچیده شدن حکومت اسلامی نیست، بلکه به معنای از میان رفتن سایه ای بی ثمر است که مسلمانان بی دلیل مجذوب آن بودند. او در مقابله با استعمار فرانسه، با شعار بازگشت به اسلام جنبش را در الجزائر پایه گذاری کرد که مبدأ تشکیل جمعیت العلماء المسلمین شد.<sup>82</sup>

شاگردان مدرسه امام حسن البناء در ساحة حقوق انسان بحث های جالب را به جامعه اسلامی و بشری تقدیم و اساسات مهم فکر معاصر اسلامی را بنیاد گذاری کردند که نمونه از نظریات شان در این مبحث بررسی می شود.

در اوائل قرن بیستم از 1924 میلادی حرکت تجدید علمی و روش فکری معاصر اسلامی روی کار آمد. مؤسس نهضت فکری و تجدیدی قرن بیستم امام حسن البناء است. در بین دانشمندان و متفکرین جامعه

<sup>82</sup>. پیدایش سکولاریسم در جهان اسلام / [www.wikifeqh.ir](http://www.wikifeqh.ir).

اسلامی البناء یگانه شخصیت بود که بین افکار متفاوت اسلامی جمع و توافق را آورد و از جمع افکار اسلامی فکر وسط اسلامی را به جهانیان معرفی کرد. حسن البناء روش فکر معاصر اسلامی را اینطور می کند:

«حرکت اخوان المسلمین دعوت سلف، روش اهل سنت، حقیقت تصوف، سیاست، ورزش، دانش و فرهنگ، تعاون اقتصادی و تفکر اجتماعی را در خود جمع کرده است.<sup>83</sup> البناء روش فکر معاصر اسلامی را شمولیت میدهد و تنها به عبادات خلاصه نمی سازد. البناء تجدید فکر را در تمام امور زندگی و مسائل اجتماعی و اقتصادی و حقوقی و سیاسی و سپورتنی و فرهنگی و عقائدی و معاملات برای رفاهیت امت اسلام حتمی و ضروری می داند. نهضت علمی و حرکت تجدیدی البناء یگانه نهضتی است که از لحاظ نفوذ و رخنه در میان توده های جامعه در جهان عرب بی نظیر است و از بارزترین ویژگیهای این جنبش این است که با اجتماع ارتباط قوی دارد و با آن در تماس دائم بوده است و مشکلات مسلمین و دعوت اسلامی را دنبال کرده مورد مطالعه قرار میدهد. البناء دارای عقلی باز و روش و فهم و درکی وسیع، عاطفه ای سرشار و قلبی رؤف و روحیه ای شاداب و عزمی آهنین بود، وی رهبری دینی، اجتماعی و سیاسی بود که در قرنهای اخیر در جهان عرب نظیری نداشته است.<sup>84</sup>

اوضاع جهان اسلام و خصوصاً مصر در تکوین فکر معاصر اسلامی نزد البناء نقش اساسی را داشت. روش سیاسی داخلی و نفوذ و تسلط عسکری و سیاسی و اقتصادی خارجی در روش فکری البناء اثر مستقیم را بجا گذاشت. مرور سریع از اوضاع فکری و سیاسی و اجتماعی و

<sup>83</sup>. رساله الموترا الخامس: صفحات 18-19.

<sup>84</sup>. سید ابو الحسن الندوی «تفسیر سیاسی اسلام» صفحات 136-137.

اقتصادی جهان اسلام خصوصا مصر که قلب عالم اسلام بود ما را کمک بیشتر میکند تا روش فکر معاصر اسلامی را خوبتر درک نمائیم.

1- استعمار فکری در آغاز شریعت اسلامی را از قانون و قضاء لغو نمود و اجازه داد تا شریعت اسلامی در مسائل حقوق خانوادگی مانند نکاح و طلاق باشد. مهمترین و خطرناکترین موقف استعمار جدائی بین علم و دین بود و برای تحقق بخشیدن این هدف مدارس دینی را از مدارس مدنی جدا نمود و این سیاست در تمام کشور های اسلامی و حتی افغانستان در اوائل قرن بیستم عملی شد.

2- استعمار، اقتصاد کشور های اسلامی را اقتصاد مادی ساخت و در سیاست اقتصادی استعماری مسلمانان فقط حق زراعت را داشتند و محصولات کشورهای اسلامی برای استفاده در صناعت به اروپا صادر می شد.

3) حاکم سلطه مطلق داشت و خارجی ها به قانون کشور های اسلامی محاکمه نمی شدند.

4) طبقه حاکمه در خدمت حکام و قوای اشغال و استعمار بودند و زمین های زراعتی را در اختیار داشتند و از اسلام فقط اسم را حمل میکردند.

از نظر حسن البناء عوامل فوق الذکر در نتیجه فقر، جهل، ظلم و استبداد و استثمار اقتصادی است. راه حل و اصلاح جامعه از نظر البناء بازگشت به اسلام صحیح و آزادی سیاسی و استقلال اقتصادی و فکری میباشد.<sup>85</sup>

<sup>85</sup>. دکتور ریتشارد میتشل «الخوان المسلمین» ترجمه دکتور محمود ابو السعود، مراجعه استاد صالح ابورقیق صفحات 21-22-23.



## فکر اسلامی

معرفت به ذات خداوند و سنن الهی یعنی روشهای الهی، تهداب اول فکر اسلامی را می‌ساخت. مسلمانان در آغاز در دایره تفکر به ذات و صفات و اسماء خداوند و سنن الهی تفکر میکردند و از طریق معرفت به سنن الهی می‌خواهستند به مدارج عالی فکری برسند و با استفاده از معرفت سنن الهی زندگی اجتماعی و سیاسی و علمی خود را تنظیم نمایند. تفکر در سنن الهی فکر خاص اسلامی است که متأسفانه در مرور زمان مسلمانان از روش این فکر مسافه گرفتند و میتوان گفت یکی از دلایل عقب‌گرائی مسلمانان عدم توجه و دقت به سنن الهی میباشد. در مقدمه مطالعه فکر معاصر اسلامی لازم است تا قدری از روش فکر اصیل اسلامی که در دایره تفکر به ذات خداوند و سنن الهی خلاصه می‌شود بحث کرد.

### تفکر به سنن الهی

قبل از اینکه جامعه اسلامی و مسلمانان با فکر یونانی و رومانی و هندی و چینی و فارسی آشنا و به آن متأثر گردند تفکر و روش فکری مسلمانان را موضوع الله جل جلاله و سنن الهی می‌ساخت. در این مرحله قرآن کریم مرجع اصلی و اولی معرفت به خداوند و کائنات و علوم انسانی و طبیعی بود و مسلمانان صفات و اسماء خداوند را از قرآن می‌آموختند.

مرحله اول از مراحل تفکر اسلامی را علمای فکر اسلامی و فکر غربی بنام مرحله «ما قبل الاختلاط» یا مرحله قبل از نزدیکی و تقارب با دیگران و مرحله عزلت یاد می‌کنند. در این مرحله فکر عربی اسلامی با

دیگرافکار از طریق مجالس و نقد و مناقشه و مجادله آشنائی نداشت و همچنان متفکرین اسلام از راه و طریق مدارس و کتب خارجی از طریق ترجمه ارتباط مستقیم نداشتند و بصورت دقیق و عمیق افکار غیر اسلامی را مطالعه نکردند. مرحله عزلت یا مرحله عدم نزدیکی و اختلاط از آغاز حکومت خلفای راشدین تا اواخر قرن اول هجری ادامه یافت به عبارت دیگر از تأسیس حکومت در مدینه منوره تا اواخر حکومت اسلامی در دمشق. تقسیم مراحل فکر اسلامی به اساس علوم ریاضی و زمانی و مکانی کار بسیار مشکل است زیرا تعیین فاصله و سرحد بین مراحل فکرائسانی کار آسان و ساده نیست.

موضوع تفکر اسلامی در آغاز تفکر در اسماء و صفات و ذات خداوند بود. معرفت به ذات خداوند سببانه و تعالی را متفکرین عصر اول اسلامی در ابعاد و اعتبارات مختلف بحث و بررسی می نمودند مثلاً:

- باعتبار ذات خداوند، خداوند اول و آخر و ظاهر و باطن و قیوم و واحد تا آخر اسماء و صفات خداوند که در قرآن کریم ذکر گردیده و متفکرین و حتی عامه ای مسلمانان در معنی ذات خداوند مشغول تفکر و تدبر بودند.

- باعتبار رابطه بین خداوند و مخلوقات.

- باعتبار رابطه و علاقه خداوند با انسان.

- باعتبار رابطه و علاقه انسان با خداوند.<sup>86</sup>

ابن منظور در تعریف سنت الهی می گوید: سنة الله احکام و امر و نهی خداوند است. امام ابن کثیر در مورد سنت الهی به این عقیده است: سنت الهی عبارت از طریقت و شریعت الهی میباشد و در تفسیر آیه مبارکه «یرید الله لیبین لکم و یهدیکم سنن الذین من قبلکم و یتوب علیکم و الله علیم حکیم» (النساء: 26). خداوند میخواهد {حلال و حرام و احکام دین را} بشما بیان کند و شما را به راه های کسانیکه پیش از

<sup>86</sup>. الدكتور محمد البهی «الجانب الالهی من التفكير الإسلامی» صفحات 27-28.

شما بوده اند {پیغمبران و صالحان گذشته} راهنمائی فرماید و بر شما {از لطف و کرم} بازگردد {شما را ببخشاید} و خداوند دانا {و} حکیم است. در تفسیر این آیه امام ابن کثیر سنت را به روشهای حمیده و متابعت شریعت که خداوند از آن راضی باشد تفسیر می کند. به همین ترتیب ابن حزم الاندلسی در معنی سنت الهی باین نظر است که سنت اصل و معنی شریعت است. فقهاء سنن الهی را قوانین الهی میدانند و در مسائل فقهی سنن الهی را عموماً در ارتباط با شریعت مطالعه و بررسی می کنند و از سنن الهی در قوانین شرعی استنباط می شود.

تعاریفات که ابن منظور می آورد زیادتر در معنی حکم الهی یعنی اوامر و نواهی و به عبارت دیگر به امور شرعی توجه دارد و در مفهوم تاریخی و طبیعی و اجتماعی و عمرانی و مسائل کائنات در تعاریفات سنن الهی توجه نشده است.

فیروز آبادی سنت را در مطالعه طبیعت و روش خداوند در خلقت میداند و سنت الهی را به روش یا روش تعریف میکند. راغب اصفهانی در تعریف سنن می گوید: سنن جمع سنت و سنت خداوند تعالی یعنی طریقت و روش و حکمت و طاعت او تعالی.<sup>87</sup>

ابن فارس در معنی سنن الهی اشاره خاص را دارد و می گوید: «سین و نون» اصل واحد و جریان شیء و حرکت آن به آسانی و سهولت را معنی میدهد. این نکته یکی از مهمترین خصوصیت سنن که ثابت بودن و جریان داشتن و محکم بودن و حرکت کردن به سهولت و آسانی است به اثبات می رساند.

مطالعه و فهم سنن الهی اساس موفقیت خلافت انسان در زمین است و از جانب دیگر عدم فهم به سنن الهی سبب ناکامی در خلافت انسان برای

<sup>87</sup>. جهت تعاریفات از سنن الهی مراجعه شود به: ابن منظور، محمد بن علی «لسان العرب» و همچنان الفیروز آبادی، محمد بن یعقوب بن محمد «القاموس المحیط» و الإصفهانی، الراغب «مفردات ألفاظ القرآن» تحقیق صفوان داوودی.

آبادی زمین میباید. انسان قادر به تعمیر زمین و بناء و تأسیس فرهنگ و ثقافت نمی تواند باشد مگر از طریق فهم و ادراک به سنن الهی.

رابطه مخلوقات به سنن الهی ثابت میکند که بدون شک خالق واحد است و همه به سوی او بر میگردند. در قرآن کریم میخوانیم: «ینظرون إلا أن یأتیهم الله فی ظلل من الغمام و الملائكة و قضی الأمر و إلى الله ترجع الأمور» (البقرة: 210). آیا انتظار دارند مگر که خداوند {امر خدا} در سایه بانهایی از ابر با فرشتگان بر آنها نازل شود و کار به انجام رسد، و همه امور بسوی خدا بار گردانیده شود.

ابن خلدون می گوید: اسباب همه حادث جدید است و همه اسباب به مسبب اسباب و خالق آن لا اله الا هو میرسد.<sup>88</sup>

تفکر به سنن الهی اصول اولیه و نقطه آغاز فکر اسلامی را می ساخت و متأسفانه در عصر عقب گرائی مسلمانان از مطالعه سنن الهی دور ماندند تا اینکه موضوع مطالعه و بحث سنن الهی از ساحه علمی بیرون شد و علماء در تخصصات مختلف سنن الهی را ضمن علوم دیگر بحث کردند. عدم بحث سنن الهی بشکل مستقل در دائره معرفت و فکر اسلامی معنی آن این نیست که مفهوم سنن الهی در فرهنگ و فکر اسلامی در عصور متقدم وجود نداشت، علماء متقدم هر کدام در ساحه تخصص خود سنن الهی را بحث مفصل نمودند. بطور مثال علمای کائنات «علوم طبیعی و ریاضیات» مانند محمد بن الحسن بن الهیثم در کتاب خود بنام «علم المناظر فی البصریات»، محمد بن موسی الخوارزمی در کتاب خود بنام «الجبر و المقابله»، جابر بن حیان بن عبد الله در کتاب خود بنام «علم الهیئة». علماء علوم اجتماعیات و مؤرخین و علمای جغرافیه هر کدام ضمن تخصصات خود سنن الهی را بحث نمودند. علی بن الحسن بن علی المسعودی در دو کتابش «مروج الذهب و معادن الجوهر»، محمد بن احمد البیرونی در کتابش «الأثار

<sup>88</sup>. ابن خلدون «المقدمة» جلد اول، ص 329 و جلد دوم، ص 1069.

الباقية عن القرون الخالية» ، محمد بن محمد بن عبد الله الإدريسي در کتابش «نزهة المشتاق في اختراق الآفاق» ، علی بن حبیب الماوردی در دو کتاب اش «قوانين الوزارة و سياسة الملك و الأحكام السلطانية» ، ابو حامد الغزالی در کتاب هایش «إحياء علوم الدين و المستصفي في أصول الفقه و المنقذ من الضلال» و ابن خلدون در کتاب اش «العمران» .

روش فکر معاصر اسلامی به قضیه سنن الهی ابعاد مختلف را میدهد و سنن الهی را از جهات متفاوت مطالعه و بررسی میکند. در این جا فقط به نقاط اساسی و مهم روش فکر معاصر اسلامی در مسأله سنن الهی اشاره می شود و معلومات جامع و مفصل رابه تحقیق جدا گانه می گذاریم.

علمای فکر معاصر اسلامی سنن الهی را تحت عناوین و ابعاد ذیل بررسی و مطالعه می نمایند .

1. بعد ربانی ، سنت یعنی اراده و حکمت و مشیئت و فعل خداوند .
2. بعد قانونی ، سنت الهی یعنی قانون و نظام الهی .
3. بعد روشی و تربیوی ، سنت یعنی روش و طریقت و سیرت .
4. بعد فرهنگی و ثقافتی ، سنت الهی مثال و نمونه که بواسطه آن زندگی مردم و کائنات حرکت دارد یعنی در جریان است .<sup>89</sup>

مطالعه سنن الهی در ابعادی که ذکر شد محور و استراتیژی فکر معاصر اسلامی را در فهم و ادراک کائنات می سازد و همچنان مسأله خلافت انسانرا را در زمین توضیح و تفسیر میکند . سنن الهی در فکر معاصر اسلامی نظام الهی میباشد و مقصد از نظام الهی هر آنچه

<sup>89</sup> . برای معلومات بیشتر از فکر سنن الهی به « مجلة فكرية فصلية محكمة ، المعهد العالمي للفكر الإسلامي » مراجعه فرماید . آدرس الکترونی [www.eiit.org](http://www.eiit.org) .

ارتباط به قوانین و قواعد اساسی دارد که حرکت کائنات و انسان را می‌سازد. فهم و ادراک از سنن الهی سبب هدایت بشر و ارتقای فکر انسان و تحقق مسئولیت خلافت انسان در زمین می‌باشد. در عدم فهم صحیح و معرفت کامل به سنن الهی مدنیت و ارتقای فکری و فرهنگی ناممکن است و روی این منظور است که اسلام، انسان را به تفکر به سنن الهی دعوت می‌کند.

قضیه سنن الهی در فکر اسلامی و ثقافت و تحقیقات و نوشته‌های علماء متقدمین یکی از مهمترین قضایای فکری بود. متفکرین اسلام از سنن الهی در تحقیقات همه علوم استفاده و از روش سنن الهی راه حل مشکلات را جستجو می‌کردند. نهضت و پیشرفت و قوت مدنیت اسلام و ثمره و حاصل علمی در همه ساحات معرفت و هندسه و طب و ثقافت و هنر به اقسام آن و غیره همه بسبب عنایت علماء به سنن الهی بود.<sup>90</sup>

رابطه بین خالق و مخلوقات «انسان و حیوان و نظام شمسی» از جمله موضوعات بود که مسلمانان در مورد آن تفکر می‌کردند. رسیدن به معرفت و آشنائی به کائنات و ادراک حقیقت زندگی و رابطه بین انسان و کائنات و خداوند از جمله موضوعات بسیار مهم و علمی بود که جامعه اسلامی را بخود مشغول ساخته بود. مسلمانان برای فهم بیشتر موضوعات اسلامی از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم سؤال می‌کردند و تا زمانیکه آنحضرت حیات داشتند مسلمانان ضرورت و احتیاج به معلم و رهنا دیگر در کشف حقائق علمی نداشتند. پیامبر صلی الله علیه و سلم مسلمانان را تربیت فکری نمود و از جانب دیگر فکر باطل و طرز تفکر غیر سلیم را اصلاح و مسلمانان را متوجه افکار باطل نمود تا آنها اصلاح نمایند. قبل از اسلام در جامعه ای عرب فکر داتروی حاکم بود باین معنی که مردم بشکل داتروی فکر میکردند و از نقطه که

<sup>90</sup>. إسلامیة المعرفة، العدد 44 2006 م.

آغاز می‌کردند بهمان نقطه بدون پیشرفت به مقابل به عقب بر می‌گشتند. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فکر خط مستقیم را به جامعه آموخت فکری که به عقب بر نمی‌گردد و همیشه در تقدم و پیشرفت می‌باشد. در عصر اول اسلام مهمترین عنصر و امتیاز مسلمانان در وحدت فکری بود و علت وحدت فکری بین مسلمانان وجود رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در بین امت بود.<sup>91</sup>

بعد از وفات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم چنانکه الشهرستانی در کتاب خود بنام «الملل والنحل» می‌نویسد: طرز تفکر مسلمانان تغییر میکند و در بسا قضایا که از جمله اصل اسلام و از ثوابت دین نبود در مورد آن نظریات و آراء متفاوت ظهور می‌کند بطور مثال صحابه در مکان یا جای دفن رسول الله صلی الله علیه وسلم با هم اختلاف نظر پیدا می‌کنند. در تعیین خلیفه بین انصار و مهاجرین نظریات متفاوت به میان می‌آید. در جنگ با کسانی که حاضر نشدند زکات بدهند بین حضرت ابوبکر و دیگران اختلاف نظر بوجود می‌آید. در خلافت حضرت علی کرم الله وجهه اختلافات بیشتر می‌شود تا درجه که نظام خلافت از انتخاب آزاد به نظام میراثی تبدیل می‌شود.<sup>92</sup>

تأسیس فرقه‌های فکری جدید در ساحة اسلامی مانند القدرية، الجبرية، المشبهة، المنزهة و المتصوفة در جوامع اسلامی سبب آن تأثیرات میراث فرهنگ و ثقافت خارجی بود.

علماء اسلام با قوت علمی و استدلال منطقی قادر شدند تا فرهنگ و ثقافت اسلامی را از خطر تأثیرات منفی و مخالف عقیده اسلامی که از ناحیه ثقافت مسیحی و فلسفه‌های لادینی وارد جامعه اسلامی شده بود حفظ نمایند و در این راستا با زمامداران اسلامی که ثقافت و

91. عقیف عبدالفتاح طباره «روح الدین الإسلامی» فصل «صلة الانسان بالله فی الإسلام» ص 224، طبع دار العلم للملایین می 2003 م.

92. الشهرستانی «الملل والنحل» جلد اول، صفحات 27-28.

فرهنگ اسلامی شان ضعیف و محدود بود مجادله نمودند. حمایت فکر اسلامی و مبادی اخلاق اسلامی مدیون علمای اسلام در ادوار مختلف تاریخ قدیم و وسط و معاصر میباشند. علمای کرام با دانش و تقوی و دور از تعصبات توانستند فکر و عقیده و وحدت مسلمانان و حتی خاک اسلامی را از خطر حملات مغول و صلیبی حفظ نمایند و همچنان موفق شدند تا طرز تفکر دینی و سیاسی و عسکری مغول را کاملاً تغییر دهند تا درجه که مغول ها به دین اسلام مشرف و در تاریخ اسلام انقلاب فرهنگی و فکری را اساس گذاشتند که بنام فرهنگ اسلامی مغولی یاد میشود.

در مرور زمان و در نتیجه اختلاط و نزدیکی مسلمانان با علمای غیر اسلامی و همچنان نزدیکی مسلمانان با فرهنگ و ثقافت های مختلف و اسلام آوردن مردم فارس و مغول و هند و رومان و یونان با حفظ فرهنگ شان دائره روش فکر اسلامی نیز وسعت یافت. در این تحقیق مهمترین روش فکر که در جوامع اسلامی تا هنوز موجود است و فکر و اندیشه مسلمانان را بخود مشغول نگاه داشته بحث می شود تا نسل جوان مسلمان افغانستان به مناہج فکری متفاوت اسلامی با نقاط منفی و مثبت و مفید و غیر مفید آن آشنائی بیشتر بدست آورند.



## فکر سلفی

در سایت ویکی پدیا ، دانشنامه آزاد در تعریف سلفی آمده: سلفی به گروهی از مسلمانان اهل سنت گفته میشود که به دین اسلام تمسک جسته و خود را پیرو سلف صالح می دانند و در عمل و اعتقادات خود از پیامبر اسلام ، صحابه و تابعین تبعیت می کنند . سلفی ها تنها قرآن و سنت را منابع احکام و تصمیمات خود می دانند . سلفی گری دو رکن اساسی دارد :

1) بازگشت به شیوة زندگی و مرام سلف صالح و در نهایت سنت حجاز و به خصوص سنت اهل مدینه در 1400 سال پیش .

2) مبارزه با بدعت ، یعنی هر چیزی که سلفی ها آنرا جدید و خلاف سنت می دانند . سلفیان بر بازگرداندن تفکر اسلامی به اصل آن ، تبعیت از قرآن و سنت ، مردود دانستن تفسیرهای جدید ، و حفظ اتحاد امت اسلامی تأکید دارند . آنان تقلید را نفی می کنند و تلاش می کنند سازگاری اسلام و دانش جدید را نشان دهند .

در اصطلاح عمومی سلف صالح به معنی پیشگامان درستکار و عادل است . در اصطلاح خاص اسلامی ، سلف به سه گروه اطلاق میشود .

- صحابه به معنی کسانی است که محمد صلی الله علیه و سلم را دیده و در زمان او ، دین اسلام را پذیرفته اند .
- تابعین به کسانی که زمان حیات محمد صلی الله علیه و سلم را درک نکردند اما صحابه محمد صلی الله علیه و سلم را دیده و در زمان حیات آن ها دین اسلام را پذیرفته اند و در حال ایمان مرده اند .

- تابع تابعین به کسانی که زمان حیات محمد صلی الله علیه و سلم و صحابه را درک نکردند اما تابعین را دیده و دین اسلام را از تابعین فرا گرفته اند.

سلفی جدید در آغاز قرن بیستم و در واکنش به پیشرفت های غرب توسط سید جمال الدین و محمد عبده به هدف آزاد کردن امت اسلام از تقلید و جمود و احیای اخلاق، فرهنگ، و سیاست بنیان گذاری شد. آنان ریشه های بدبختی را نه در تعلیمات اسلام، بلکه در نفوذ تعلیمات خارج از اسلام، نفاق جامعه اسلامی و استبداد می دیدند.

امام عبده اهداف سلفیه را چنین بر می شمرد. تفکر را از بند تقلید برهاند و دین را همانگونه که مسلمانان اولیه قبل از پدید آمدن نفاق می فهمیدند بفهمند و دریافت علم و دین را به منابع اولیه آن باز گردانند و با معیار عقل بشری بسنجند.

علامه رشید رضا در اوائل قرن بیستم رهبری فکر سلفی را بعهدده داشت. امام رشیدرضا شاگرد مدرسه فکری و علمی شیخ محمد عبده بود. رشید رضا حرکت جدید فکر معاصر اسلامی را بنام حرکت سلفی تأسیس نمود و لسان یا سخنگوی حرکت سلفی در زمان شیخ رشید رضا مجله «المنار» بود که در قاهره به طبع میرسید. علامه رشید رضا قرآن کریم را تفسیر جدید و بنام تفسیر «المنار» به طبع رسانید این تفسیریکی از بهترین تفاسیر میباشد. حرکت سلفی اصلاح جامع الازهر و نشر تعلیم علوم معاصر را وسیله فعال برای نهضت اسلامی می دانست. فکر سلفی استقلال سیاسی و مبارزه علیه اشغال و جهل و فقر را بهترین وسیله برای پیشرفت مسلمانان در قرن بیستم میدانست.

مقالات و کتب و نظریات علمی رشید رضا رهنما اکثر متفکرین فکر معاصر اسلامی است. امام رشید رضا بغیر از تفسیر المنار فتواها و کتاب های بنام «الوحي المحمدي»، «یسر الإسلام»، «نداء للجنس اللطيف»، «الخلافة»، «محاورات المصلح و المقلد» و غیره. روش

فکری امام رشید رضا مرشد و رهنمائی فکر اسلام معاصر شناخته می شود.

امام رشید رضا از نظام تعلیم عصری و مدرن و اصلاح مدارس دینی حمایت میکند. فرق و تفاوت که حرکت سلفی در عهد رشید رضا با حرکت سیکولریزیم داشت در آن بود که فکر سیکولریزیم قرآن و سنت را مصدر و منبع قوانین نمی دانست در حالیکه فکر سلفی قرآن و سنت را دو منبع برای قوانین و راه حل و فصل حقائق دینی می دانست. سلفی ها با مقارنه با علماء الازهر از جمله ای اصلاح طلبان بودند. فکر سلفی مذهب فکری که اساس آن آزادی عقل در مسائل عقیده و امور ثابت دین بود آنرا نمی پذیرفت.

هدف از مطالعه و بررسی فکر سلفی در این بحث فهم صحیح از روش فکر سلفی است زیرا اکثر مدارس فکری معاصر اسلامی به نظریات سلفی از دین و سیاست متأثر میباشند. علمای معاصر نظریات اصلاحی سلفی را بنظر احترام و تقدیر می بینند. دکتور یوسف القرضاوی روش فکری و مبادئ و اصول و حقیقت سلفی را اینطور بیان میکند:

1. التزام و پابندی داشتن به نصوص معصوم نه به اقوال رجال.
  2. رد تشابهات به محکمت و ظنیات به قطعیات.
  3. فهم فروع و جزئیات در روشنی اصول کلی.
  4. دعوت به اجتهاد و تجدید و نفی تقلید و جمود.
  5. دعوت به پابندی اخلاق.
  6. دعوت به آسانی نه مشکل ساختن مسائل فقهی.
  7. دعوت به بشارت و عدم تنفر.
  8. عنایت و توجه به روح نه به شکلیات در امور عبادات.
  9. دعوت به متابعت در امور دین، و کشفیات در امور دنیا.
- فکر سلفی مانند هر فکر دیگری از جانب دوستان و دشمنان خود مورد ظلم واقع گردید. دشمنان فکر سلفی، فکر سلفی را متهم به عقب گرائی و

بازگشت یا عودت به عقب و عدم قبول تجدید و اجتهاد می کنند . مهمترین دشمن فکر سلفی ، فکر شیعه است . متفکرین شیعه امام ابن تیمیه و امام ابن القیم را به خروج از اسلام و عقب گرائی متهم میسازند در حالیکه امام ابن تیمیه و شاگردش ابن القیم از ستاره های درخشان حرکت تجدید اسلامی در عصر خود بودند . امام ابن تیمیه و ابن القیم علیه فکر تعصب مذهبی با تمام احترام و تقدیر به امامان مذاهب اربعه مبارزه کردند . اهل تصوف فکر سلفی را ضد تصوف میدانند و سلفی ها را متهم می سازند که جانب روحی و معنوی و عرفانی اسلام را اعتبار نمی دهند . متصوفین و گروه های تصوفی بدون اینکه در مورد عقیده امام ابن تیمیه و ابن القیم در مسائل تصوف خصوصا نظریه وحدت الوجود توجه داشته باشند حرکت سلفی را ضد تصوف می دانند . علمای سلفی خصوصا ابن تیمیه و ابن القیم علیه تصوف باطل مبارزه و از تصوف صحیح حمایت کردند . ابن القیم خدمات بزرگ را در ساحة تصوف انجام داد و کتابش بنام ( شرح « منازل السائرین » ) إلى مقامات « ایاک نعبد و ایاک نستعین » ( در سه جلد از آثار بزرگ و مهم در علم تصوف به حساب می آید .

فکر سلفی مانند هر فکر دیگر در بعضی مسائل از تعصب دور نماند و سلفی های اواخر قرن بیست و اوائل قرن بیست و یکم از مبادئ اساسی و فکر اصیل سلفی تا اندازه مسافه گرفتند و از خط فکری امام رشید رضا دور شدند . در نتیجه اختلافات داخل فکر سلفی ، سلفی ها به دو دسته یا دو گروه تقسیم شدند .

1. سلفی فکری ، سلفی فکری خصوصا سلفی های مصر و سعودی از اواخر قرن بیستم و اوائل قرن بیست و یکم از نظامهای استبدادی و عسکری خلیج عربی حمایت کردند و فکر وسط اسلامی و حرکت حماس را که برای آزادی مقدمات اسلامی مبارزه میکند و همچنان نهضت اخوان المسلمین را بصفت حرکات افراطی و تروریستی اعلان کردند و این بزرگترین اشتباه بود که متفکرین سلفی در تاریخ

معاصر مرتکب آن شدند. سلفی‌های جدید از خط وسط اسلامی کاملاً منحرف و بصراحت از انقلابات عسکری دفاع و مبارزین راه آزادی را از جمله مرتدین دانستند درحالی‌که سلفی‌های گذشته از خط وسط و معتدل اسلامی حمایت میکردند. در بین متفکرین سلفی، سلفی‌های اردن و کویت و جنوب شرق آسیا از نهضت‌های انقلابی عرب حمایت کردند.

2. سلفی جهادی، سلفی جهادی مبارزه مسلحانه را علیه استعمار جدید و زعمای وابسته به خارج از ارکان ایمان می‌دانند. اشتباه سلفی جهادی در این است که در تشخیص مسلمانان و زعمای اسلامی و سیاسی دچار مشکلات میباشند و هر حرکت و حزب که مخالف عقیده‌شان باشد آن را متهم به خروج از اصل اسلام می‌کنند. در بین سلفی فکری و سلفی جهادی دانشمندان بزرگ و محترم وجود دارند که در مسائل فکری و سیاسی و جهادی از خط وسط اسلامی پیروی میکنند لیکن متأسفانه آواز این گروه از سلفی‌ها در نتیجه مبارزات و جنگ‌های مسلحانه بین کشورهای اسلامی و استبداد سیاسی و مبارزات و مداخله غرب در شئون داخلی مسلمانان بی‌تأثیر مانده و حالت سیاسی و تهاجم فکری و اشغال غربی فرصت تفکر و تدبر و تعقل را از جوانان معاصر سلفی گرفته است و از جانب دیگر افراط اسلامی و افراط غربی ساحه را برای فکر وسط سلفی تنگتر کرده است.<sup>93</sup>

<sup>93</sup>. دکتور عبدالحلیم محمود «السلفية و دعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب» و همچنان «السلفية بين أهل السنة والإمامية».

## فکر تصوف اسلامی

عده‌ای از دانشمندان باین عقیده اند که هسته اولیه تصوف در چه زمان و مکان گذاشته شده است درست معلوم نیست. محققین در تاریخ تأسیس و نشأت فکر تصوف اسلامی با هم اختلاف نظر دارند بعضی باین نظر و فکر اند که تصوف زاده اسلام نبوده و ریشه تاریخی و قبل از اسلام دارد و تصوف اسلامی امتداد تصوف قدیم است و مسلمانان برای تصوف لباس اسلامی داده اند.

علامه دکتور یوسف القرضاوی در تحقیق خود در مورد ضرورت تصوف می گوید تصوف در تمام ادیان قبل از اسلام موجود بود و هدف از تصوف قدیم تقویت بعد روحی انسان بود. در هند، فقرای هنود اهتمام بیشتر به بعد روحی میکردند و تعذیب جسم را بخاطر تصفیه و پاک سازی و بلندی مقام روح انجام میدادند.

در مسیحیت، تصوف در نظام رهبانیت خلاصه میشود و رهبانیت در تصوف مسیحی انسانرا از خوشیها و لذت های دنیا محروم میسازد. در فارس قدیم تصوف در مذهب مانی خلاصه میشد. در یونان قدیم رواقی ها از مدرسه تصوف پیروی میکردند.

اهل تصوف و عرفان اسلامی و مرشدین طرق صوفیه نظریات فوق را تأیید میکنند چنانکه متصوف و پیر طریقت نقشبندیه مجددیه شهید حضرت ضیاء المشایخ محمد ابراهیم بن عمر مجددی در مقدمه کتاب شرح مکتوبات امام ربانی می نویسد: «لذا تصوف در هر مسلک و دین موجود بوده و البته تصوف صورت حقیقی آن در اسلام بطوریکه شاید و باید جلوه نموده چنانچه حقایق نص قرآنی و دقایق سنت نبوی علی صاحبها الصلوة و السلام در محکمت و متشابهات کتاب عزیز

و فرقان حمید معلوم و در آثار قولی و فعلی و تقریری نبوی هویدا است.....» .

تصوف قبل از اسلام در بعد روحی توجه داشت و دیگر جوانب حیات بشر را نادیده می گرفت و بدین ترتیب توازن را در وجود بشر برهم میزد و بشر را از یک انسان کامل به یک انسان نیمه کامل تبدیل و مسئولیت های اجتماعی و نقش اساسی انسان را در خلقت که عبارت از خلافت است نفی قاطع میکرد . این روش مانع و عدم ترقی و اکتشافات در جامعه بشری گردیده و صوفی غیر اسلامی در اصلاح حال افراد جامعه توجه نداشته عقیده جبر و قدر و قسمت و نصیب بر او غلبه نموده که در نتیجه آن راضی بودن به حالت موجوده بر عقیده تغییر غلبه می نماید و تجدید جای خود را به سکوت و حرکت جای خود را به خمود و جمود می دهد .

### مراحل تکامل فکر تصوف در اسلام

تعداد از محققین باین نظر اند که تصوف تا قرن اول و دوم اسلامی وجود نداشت و علم تصوف را مسلمانان در عصر خلافت عباسی و خصوصا بعد از عصر ترجمه و تأسیس دارالترجمه در بغداد آموختند. استاد عبدالعلی نور احراری در تحقیق خود بنام تصوف و اندیشه وحدت الوجود که در مجله درد دل بچاپ رسیده می نویسد: در زمان خلافت عباسیان ، نهضت علمی پدید آمد و به دانش و اندیشه های ملت های دیگر توجه و علاقه زیاد پیدا شد و نخست ، آثاری از زبان یونانی به عربی ترجمه شد و سپس کتب هندی و سریانی و فارسی ترجمه گردید. از حکمت اشراق قدیم ایران ، زبان رمز وارد تصوف گردیده است یعنی پس از این متصوفین مسایل و موضوعات دقیقه خویش را با زبان اشارت و کنایت بیان کردند . محققین گفته اند که سریانیان نیز در تصوف تأثیر گذاردند . نظرات افلاطونیون جدید که آخرین سلسله ی حکماء یونان به شمار می روند ، نیز در تصوف اثر داشته است .

از مطالعه نظریات علمای قدیم و جدید باین نتیجه میرسیم که تصوف در دو قرن اول اسلام نبود و مسلمانان در علوم تصوف در دو قرن اول کار نکردند. محققان بزرگ معاصر اسلام مانند امام محمد الغزالی، علامه دکتور محمد البهی و علامه دکتور یوسف القرضاوی، علامه أبو الحسن علی الحسنی الندوی و علامه و مجتهد مصطفی الزرقا، علامه مجتهد شیخ متولی الشعراوی و علامه دکتور عبدالعلیم محمود شیخ جامع الازهر و تعداد از محققین دیگر نظریه عدم وجود تصوف را در دو قرن اول اسلام بشدت رد نموده و به اثبات میرسانند که تصوف اسلامی به معنی اسلامی آن از وقت ظهور اسلام وجود داشت لیکن مسلمانان احتیاج به بحث مستقل راجع به آن نداشتند و تصوف اسلامی را ضمن عقیده اسلامی می شناختند و حق آنرا کاملاً اداء میکردند.

### تاریخ نشأت تصوف

تصوف مراحل متعدد را در تاریخ اسلامی طی نمود. علماء را عقیده برین است که تصوف بهمین اسم در عصر اول و دوم و سوم اسلامی مشهور نبود. شیخ اسلام ابن تیمیه رحمه الله چنانکه در رساله الصوفیة و الفقراء در صفحه یازده آن آمده در مورد تاریخ تصوف می نویسد که لفظ یا کلمه صوفی در سه قرن اول اسلام مشهور نبود و بعد از سه قرن این اسم و این اصطلاح و این فکر شهرت یافت و تعدادی از امامان راجع به تصوف و صوفی تکلم نمودند امثال امام احمد بن حنبل و بعد از او سلیمان الدارانی و دیگران و روایت شده که امام سفیان الثوری و بعد از وی امام الحسن البصری در مورد تصوف و صوفی حرف زده اند.

علمای تاریخ اسلامی نظر دارند که تصوف تا این زمان یعنی تا نهایت قرن سوم هجری بحیث طریقه نبود لیکن اشخاص بودند که به زهد و صلاح باطن شهرت داشتند مانند حسن بصری.



مرحله دوم تصوف را اشخاص مانند ابراهیم بن آدهم ، رابعة العدویة و بشر الحافی و دیگران نمایندگی میکنند .

در مرحله سوم بعضی انحرافات در مکتب تصوف داخل شد و در رأس این مرحله الحسین بن منصور الحلاج ، علی بن محمد المزین ، ابوبکر الشبلی میباشند . در این مرحله تصوف بصفی یک علم مستقل در آمد و اصطلاحات خاص را بخود گرفت و طرق صوفیه تأسیس شد .

در قرن پنجم و ششم علم تصوف بدرجه عالی خود رسید و در این مرحله الغزالی اسلوب علم تصوف را در کتاب جا داد و زهد را پیشه گرفت . در این مرحله بعضی از متصوفین به فلسفه یونانی متأثر شدند مثل السهروردی و ابن عربی و ابن الفارض و دیگران.<sup>94</sup>

بزرگترین مکتب تصوف نقشبندیه و نقشبندیه مجددیه است اصل خود را به حضرت ابوبکر میرسانند .

امام مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی کابلی چنانچه در مقدمه شرح مکتوبات آمده بشدت از وجود تصوف و عرفان در عهد اول اسلامی دفاع می نماید و می نویسد که تصوف اسلام زاده خود دین اسلام است . امام ربانی ثابت میکند که امت اسلام در حفظ حیات مادی و معنوی احتیاج باساس اسلامی داشت و بدون اتکاء بدین ناموس الهی نمیتواند حیات خود را وقایه نماید و همچنان امام مجدد استقلال تصوف اسلام را بدلیل عرفانی به مسلمانان از طریق علم و معرفت ثابت می سازد .

حضرت ضیاء المشایخ محمد ابراهیم مجددی در مورد تکمیل و تدوین عرفان می نویسد که عرفان در قرن دوم هجری بوجود آمده زیرا شریعت اسلامی اهتمام بعبادات و معاملات و حیات اجتماعی را که داراست

<sup>94</sup> . عبدالعزیز القشعمی « الفكر الصوفی المعاصر وأثره الثقافی فی مصر » صفحات

همچنان اهتمام بمجاهده و محاسبه و مراقبه و تزکیه نفس و تصفیه قلب و تطهیر قلب را هم لازم می‌داند ازین حیث صنفی از دانشمندان در تحقیق عبادات و معاملات و اجتماعیات و طبیعیات پرداختند که بنام محدث و فقیه ، عالم متکلم یاد میشوند و صنفی بمجاهده و تزکیه و تطهیر قلب و تقویه غرائز حسنه و کیفیات ذوقی و روحی و ماورای طبیعت همت گماشتند که آنرا صوفیه میگویند البته موضوعات تصوف در قرن دوم هجری تحت عناوین ورع ، تقوی ، مراقبه ، زهد ، توکل ، شکر ، مجاهده ، اخلاص و محبت و معرفت و ولایت و عشق بصورت یک عرفان مکمل حقیقی و معرفت لازمی برای انسان مکرم تبارز نمود .

### مراحل تکامل تصوف

فکر تصوف یا عرفان اسلامی مانند هر علوم دیگر مراحل متعددی را سپری نمود تا به مرحله تکامل رسید و بصفت یک علم مستقل در بین علوم اسلامی شناخته شد . در این بحث بطور خلاصه مراحل را که علم تصوف و عرفان اسلامی طی نمود اشاره میشود .

1. نجات نفس از سخط یا غضب حضرت خداوند سبحانه و تعالی و عذاب آخرت از طریق زهد و مجاهده نفس با حفظ آداب شریعت و تقوی .
2. طریق و اسلوب خوف از خداوند که بنام ( خوف یا ترس ) یاد میشود . مدرسه خوف را امام حسن البصری رضی الله عنه تأسیس نمود .
3. حب الهی که بنام مدرسه حب خداوند یاد میشود . مدرسه حب را رابعه عدوی در 185 هجری تأسیس نمود و بعد از او ابی سلیمان الداران 215 هجری و ذی النور مصری 245 و ابی یزید البسطامی این مدرسه را تکمیل نمودند . مرحله سوم بنام مدرسه حب الهی یاد میشود اصحاب این مدرسه باین عقیده اند که اطاعت الله نه از باب

خوف از آتش و نه رغبت به نعمت است بلکه به حب الله و طلب تقرب او تعالی میباشد .

4. مرحله تحول تصوف و عرفان از روش و طریقت تربیت اخلاقی و روحی به فلسفه و مفاهیم غربی . این مرحله آغاز انحرافات در میدان عرفان و تصوف اسلامی بحساب میآید در این مرحله عقاید خلاف شریعت داخل تصوف شد مانند: عقیده الحلول و وحدت الوجود (حلول خالق در جسم مخلوق) عقیده انتقال ارواح و نظریه حلاج- انا الحق - در 309 هجری .

در قرن هفتم و بلاخص در 638 فلسفه وحدت الوجود را امام محیی الدین بن عربی تدوین نمود و برای آن ابواب ساخت نظریه وحدت الوجود در عبارت کوچک این طور بیان شده میتواند : ( وجود ندارد مگر یک موجود و آن وجود خدا است ) . در نتیجه عقیده و فکر وجودی مسئولیت بنده نفی شد ، تفاوت بین اخیار و اشرار ( خیر و شر ) ، تفاوت بین موحد و غیر موحد از بین برداشته شد و همه بدون تفاوت مظهر تجلی حق شناخته شد .

امام ابن عربی در این مورد میگوید :

لقد صار قلبي قابلا كل صورة  
و دیر لرهبان و مرعی لغزلان  
و بیت لأوثان و كعبة طائف و ألواح توراة و مصحف قرآن

قلب همه اشکال را قبول کرد ، دیر برای رهبان و چراگاه برای غزلان و خانه برای بت ها و کعبه برای طواف و الواح برای تورات و مصحف قرآن . امام ابن عربی در رباعی خود که در آن قلب خود را صفت میکند بین کعبه و بت خانه و دیر - جای که راهبان عبادت میکنند - لوحه های که در آن تورات نوشته شده بود و مصحف که قرآن است جمع میکند و همه را در وحدت الوجود خلاصه میسازد .

تصوف مثل مراحل اول خود که صفای قلب و تزکیه نفس بود ادامه نکرد و بعضی انحرافات در حلقه های تصوف پیش شد . در نقد انحرافات در

میدان تصوف و عرفان اسلامی امام ابن القیم الجوزی می نویسد: «تصوف مانند مرحله اول خود دوام نکرد ، مرحله اول در دایره اخلاق دینی و معانی عبادات خالص برای خدا بود ، از علم اخلاق اسلامی در معرفت برای کشف و فیض الهی از طریق تزکیه نفس استفاده میشد . و بعد از این مرحله انحرافات در علم تصوف راه یافت.

ابن القیم الجوزی مرحله اول تصوف را شرح و توصیف نموده می نویسد که تصوف در مرحله اول خود مقید به شریعت و قواعد آن بود و مشایخ طریقه های صوفی اشخاص عالم و صاحب عرفان عالی بودند و توانستند تصوف را به عرفان اسلامی تبدیل نمایند و در اعمال و اقوال خود از کتاب خدا و سنت پیروی میکردند .

ابن القیم برای اثبات قول خود نظریه های متصوفین بزرگ مرحله اول تصوف را این طور نقل میکند .

الجنید بن محمد - 297 - می گوید تمام راه بروی مخلوق مسدود است مگر یک راه و آن راه محمد صلی الله علیه و سلم . کسیکه قرآن را حفظ نکند و حدیث را نوشته نکند در طریقت ما راه ندارد ، زیرا علم ما مقید به کتاب و سنت است .

أبو حفص می گوید هر کسیکه اقوال و افعال اش در تمام اوقات به کتاب و سنت میزان نشود در جمله مردان ما نیست .

أبو یزید می گوید اگر شخص هر نوع کرامات را داشته باشد حتی به هواء بلند شود به وی گرویده نشوید تا اینکه مشاهده نکنید او در امر و نهی و حفظ حدود و اداء شریعت پایند است .

بهمین منظور بود که امام ربانی شیخ احمد سرهندی کابلی طریقت خود را شریعت یاد نمود و فرمود طریقت در خدمت شریعت نه شریعت در خدمت طریقت .

امام أبو الحسن الندوی انحرافات را در تصوف نیز در نتیجه دوری از شریعت میدانند و می نویسند در اواسط السلوک و الطریقه دعوت به استغناء از شریعت و اعتماد کامل به ریاضت و مجاهدات و حواس باطن بلند شد. یعنی در بین طریقت و دائره تصوف فکر استغناء از شریعت یعنی عدم پابندی از شریعت به عقیده ریاضیت و مجاهدات و حواس باطن حضور نمود که این خود مقدمه برای انحراف بزرگ در میدان عرفان اسلامی بحساب می آید.

### تعریف تصوف

استاد عبدالعلی نور احراری در بحث خود تحت عنوان تصوف و اندیشه وحدت الوجود در باره واژه صوفی می نویسد: در باره واژه صوفی و این که این کلمه از چه صیغه بی مشتق شده است اختلاف است. برخی آن را از صغه مشتق دانسته اند و صوف را به اصحاب صغه نسبت می دهند برخی آن را کلمه یونانی سوفیا یعنی دانش مشتق می دانند و برخی آن را از صوف یعنی پشم، اشتقاق کرده اند. نظرات دیگری هم موجود است، ولی بیشتر محققان برآنند که کلمه صوفی یعنی پشمینه پوش، از صوف اشتقاق یافته است، زیرا صوفیان لباس پشمی می پوشیدند.

تعاریفات فوق را که استاد احراری آورده اند مورد قبول اکثر دانشمندان افغانی میباشد لیکن اگر به تعاریفات فوق تسلیم شد مقام تصوف و عرفان اسلامی در بین علوم دیگر تنزیل می نماید. متصوفین، فقهاء و علمای سلفی تعاریفات جامع را در مورد علوم تصوف دارند که در این قسمت بعضی از این تعاریفات را می آوریم.

در کتاب الجد فی السلوک الی ملک الملوک که عبارت از مختصر رساله القشیریه است این تعاریفات آمده است:

التصوف علمی است که بواسطه آن احوال تزکیه نفس، تصفیه اخلاق، تعمیر ظاهر و باطن، رسیدن به سعادت ابدی شناخته میشود و موضوع

تصوف عبارت از تزکیه و تصفیه که هدف و غایت آن عبارت است از سعادت ابدی. و این علم یعنی علم تصوف نتیجه عمل کرد به معنی و مفهوم آیه 282 سوره البقرة است که خداوند میفرماید «و اتقوا الله و یعلمکم الله» و بترسید از خدا و خداوند شمارا می آموزد و خداوند به همه چیز شما دانا است. به این معنی که تصوف علم الهی است که بنده آنرا می آموزد. متصوفین این علم را به دانش در دین تعبیر میکنند و می گویند و هو الفقه فی الدین یعنی تصوف فقه یا دانش در دین است. محققین در تاریخ تصوف در اصل معنی لغوی تصوف بیک نظر و رای نیستند. عده باین عقیده اند که تصوف و صوفی نسبت دارد به صوف و امام ابن تیمیه به همین عقیده است که صوف در تعریف تصوف معروف میباشند.

القشیری می گوید کلمه تصوف مشتق یافته از الصف و صوفیان در صف اول با قلوب شان در حضور خداوند ایستاده اند.

ابو نعیم الأصبهانی رحمه الله می گوید تصوف نسبت دارد به الصفاء. السهروردی می گوید تصوف و صوفی نسبت دارد به صفة، صفة که فقراء مهاجرین در عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم در آنجا جلوس می کردند.

الجنید در جواب سوال از معنی تصوف گفت آن تگون مع الله بلا علاقة بودن با الله بدون علاقة یعنی بدون رابطه دیگران یعنی رابطه با خداوند مستقیما.

حضرت صاحب محمدصادق المجددی که از جمله مرشدین طریقه نقشبندیه مجددی او اخر قرن بیستم است تصوف را در کتاب خود بنام رهنمای طریق اینطور تعریف میکند:

1. تصوف عبارت از خواهش طبیعی انسان است بسوی تکامل اوصاف انسانیت و معرفت طریق رضاء خداوندی از طریق علم

یقینی که از الهام الهی یا از سبیل کشف روحی که از نتیجه متابعت سنت حضرت خاتم الرسالت صلی الله علیه وسلم حاصل میگردد.

2. تصوف معرفتی است که مطابق باشد با یقین و عبارتی است که طالب را واصل کند بمقام تمکین.

3. تصوف عبارت از وقوف است با مراعات آداب شریعت در ظاهر بطوری که این آداب به باطن صوفی سرایت کند ، و وقوف است با دقایق ایمان در باطن بطریقی که سرایت کند از باطن در ظاهر و حاصل گردد.

از تعریفات فوق و متعدد باین نتیجه میرسیم که متصوفین و علماء در تعریف تصوف با هم اختلاف نظر دارند و در این مورد السهروردی می گوید و أقوال المشایخ فی ماهیه التصوف تزید علی ألف قول اقوال مشایخ در ماهیت تصوف زیادتر از هزار قول میرسد.<sup>95</sup>

### موضوع علم تصوف

حضرت محمد صادق المجددی در موضوع علم تصوف می نویسد: موضوع این علم ، ذات مقدس حضرت خداوندی است جل سلطانه ، چه در تصوف از ذات او تعالی بحث میشود. از روی معرفت به دلیل و برهان که نصیب واصلین است. شیخ المجددی اضافه میکند که بعض صوفیه موضوع تصوف را چنین بیان کرده اند ، موضوع تصوف روح و قلب و نفس است زیرا که در این علم از تصفیه و تزکیه و تهذیب این ها بحث میشود و این تعبیر با تعبیر اول قریب است زیرا در آثار وارد است من عرف نفسه فقد عرف ربه کسیکه نفس خود را بشناسد ، هر آینه خدا را شناخته است.

امام الحسن البصری می گوید فقهاء این طور گفته اند آیا فقیه را دیده ای ؟ فقیه شخصی است که در امور دنیا زاهد ، در شب قائم ، در روز

<sup>95</sup>. عبد الرحمن بن معلا اللویح « مشکلة الغلو فی الدین » صفحات 447-448 .

صائم است و اگر به وی دهی شکر خدای آورد و اگر ندهی حمد خدا گوید .

الحسن البصری در آخرین جمله را اضافه میکنند نام متصوف بالای این طبقه « طبقه علماء و فقهاء » بعد از دو صد سال از هجرت اطلاق یافته . از سخنان امام البصری این معنی گرفته میشود که متصوفین در بدایت مرحله از جمله فقهاء و علماء بودند و همین فقهاء و علماء بودند که علم تصوف را ترتیب نمودند و علم مستقل را در پهلوی علوم دیگر اسلامی بنام علم تصوف تأسیس کردند .

حضرت شهید ضیاء المشایخ محمد ابراهیم بن عمر مجددی می نویسد: گفته می توانیم که تصوف حقایق دین و علم است و عارف واقعی کسی است که بر حقیقت فضائل و رذائل واقف گشته متحلی به فضائل روحی و معنوی گردیده و متخلی از رذائل اخلاقی شده و با علای صفائی قلب و قالب و روح و نفس متصف گردیده و چنان وسعت فکری و انشراح صدری را داشته باشد که صحبتش بهر جنسی از بشر که رسیده سبب هدایت طرف مقابل و تکمیل ذاتی آن شده و بر عظمت دستگام معرفت خداوند وقوف وجدانی و قلبی و روحی علمی و عرفانی حاصل کرده چنانچه آثار این وقوف در تکوین و ما فوق تکوین از اعمال و اقوال و حالات ذوقیه اهل معرفت هویدا است .

علمای شریعت و فقهاء معروف برای تصوف معانی عالیتر را نسبت به متصوفین می آورند .

علامه ابن القیم الجوزی که از جمله علمای سلفی است تصوف را این طور تعریف می کند التصوف الصدق مع الحق ، و الخلق مع الخلق ، راستی و صداقت با حق و اخلاق با خلق . الجوزی میگوید که این تعریف از آیه 128 سوره النحل استخراج شده « إن الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون » . در حقیقت ، خدا با کسانی است که تقوا داشته اند و { با } کسانی { است } که آنها نیکوکارند .



الجوزی در تفسیر این آیه شریفه می نویسد متصوفین با خداوند با تقوی و با مردم با احسان اند که از جمله این مردم میتوان از الحسن البصری و الفضیل بن عیاض و ابراهیم بن آدم و ابی سلیمان الدارانی و ابی القاسم الجنید نام گرفت که همه ایشان نمایندگی از تعریف تصوف میکنند. ابن القیم الجوزی ادامه داده می نویسد التصوف هو الخلق ، فمن زاد علیک فی الخلق ، فقد زاد علیک فی التصوف . تصوف خلق است و کسیکه زیادت کرد بر تو در خلق ، زیادت کرد بر تو در تصوف.

ابن القیم تعریف فوق را شرح جداگانه کرده می نویسد بل الدین هو خلق ، فمن زاد علیک فی الخلق فقد زاد علیک فی الدین . بل دین خلق است ، هر که بر تو زیادت کرد در خلق ، زیادت کرد بر تو به دین . علما در تعریف که ابن القیم در مورد تصوف آورده تبصره نموده می گویند این تعریف از حدیث شریف إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق ، مبعوث شدم تا اخلاق را تکمیل سازم این حدیث را امام البخاری در الادب المفرد آورده است .

امام تقی الدین أبو العباس بن الشیخ شهاب الدین معروف به ابن تیمیه (متولد 661) در کتاب خود بنام الفقراء تصوف و صوفی را این طور تعریف میکند: تصوف همه آن شر نیست مثلیکه بعض مردم فکر میکنند و متصوفین نیز همه در ضلالت و گمراهی نیستند. در هر گروه خوب و مستقیم و منحرف و خراب وجود دارد ، هستند کسانی که ظالم بر نفس خود اند و همچنان هستند کسانی که عادل بر نفس خود میباشند.

دکتور یوسف القرضاوی نظریات ابن تیمیه را به بحث و تحقیق گرفته می گوید بدون شک و تردید ما نظریات باطل تصوف فلسفی حلول و اتحاد و تصوف بدعت و منحرف و فلسفه تصوفی الارتزاقی را تکذیب

و رد می کنیم و از تصوف و زهد متصوفین اوائل بشدت حمایت می نمائیم .

### اصلاح فکر تصوف و سلوک بعضی متصوفین

متصوفین بزرگ و عارفین معروف و همچنان علمای شریعت و فقها آن تصوف را قبول دارند که مطابق شریعت اسلام باشد و هر تصوف که خلاف شریعت باشد آنرا از اعمال شیطانی می دانند . همانطوریکه در تمام عقاید و ادیان حتی در بین اتباع و پیروان دین اسلام طبقه ای معتدل و معقول وجود دارد ، طبقه افراطی که از غلودر امور دین کار میگیرند نیز وجود دارد . قرآن کریم در سوره النساء آیه: 171 و در سوره المائده آیه: 77 ، سبب انحراف اهل کتاب «یهود و نصاری» را غلو در دین می داند .

در تصوف و عرفان اسلامی نیز صالحین و صادقین و صابریین و اولیاء و علماء بودند و همین گروه بودند که تصوف اسلامی را به اعلی مراتب آن رسانیدند و امت اسلام و عقیده اسلامی را در مرور زمان حفظ کردند . در چوکات تصوف و عرفان اسلامی گروه های غالی و منحرف نیز وجود دارند که تصوف و عرفان را به تخیلات خود باطل ساختند .

متصوفین زحمت کشیدند تا تصوف را پاک و آنچه که از اسلام نیست و در تصوف داخل شده بیرون سازند و تا اندازه در این کار به موفقیت رسیده اند . علماء شریعت و فقهای بزرگ نیز در اصلاحات تصوف توجه نمودند و توانستند تا اندازه علم تصوف و سلوک بعضی متصوفین را اصلاح نمایند . اصلاحات که در علوم تصوف و سلوک بعضی متصوفین صورت گرفت در این بحث به دو قسمت تقسیم می شود .

1. اصلاحات از داخل تصوف که توسط متصوفین صورت گرفت .
2. اصلاحات از خارج تصوف که توسط فقهاء و علمای شریعت صورت گرفت .

اول: مسائلی که در تصوف نبود و داخل تصوف گردیده است .

الف : انتساب بعض امور به تصوف و متصوفین و به مدرسه خاص از تصوف اسباب ذیل را دارد :

تعصب داشتن مرید به پیر : بعضی مریدان از شدت دوستی و تعصب اشیائی را به پیر طریقت نسبت میدهند که خلاف حقیقت و در بسا موارد خلاف شریعت و علم و عقل میباشد که متأسفانه در مرور ایام بحیث یک حقیقت قبول می شود.

ابیات را به متصوفه بزرگ اسلام رابعه عدوی نسبت داده اند و مردم آنرا قبول کرده اند . محققان در ابیات و اشعار رابعه عدوی تحقیق نموده به این نتیجه رسیده اند که اشعار و ابیات از رابعه عدوی نبوده بلکه از ابی فراس الحمدانی میباشد که حمدانی پسر کاکایش امیر سیف الدوله را صفت و تمجید میکند نه حضرت خالق را.

علمای ثابت ساختند که حمدانی از جمله شعرای قرن چهارم هجری بود در حالیکه رابعه عدوی در سال 135 یا 185 هجری وفات نمود .

مردم اعتقاد داشتند که رابعه عدوی به این عقیده بود که خداوند را از باب خوف و دوزخ و رغبت به داخل شدن به جنت عبادت نمیکرد و رابعه از مدرسه خوف و رجاء پیروی نمیکرد بلکه خدا را از راه عشق عبادت میکرد. رابعه اولین متصوفه بود که بین خوف و محبت در تصوف جمع کرد و در این عمل توفیق فوق العاده یافت.

امام أبو حامد الغزالی در کتاب معروف خود الإحیاء راجع به اصطلاحات عشق و محبت که در اشعار رابعه عدوی آمده تحقیق و باین نتیجه می رسد که کلمه حب یا دوستی در اشعار رابعه ، نسبت به تقرب به خداوند آمده و این در حالت بوده که حب بر خوف و رجاء بر رابعه غلبه نموده بود و رابعه حب الهوی مقصدش نبود بلکه قصدش از حب ، حب خداوند نسبت به احسانی که خداوند نسبت به وی داشت بود و کلمه حب که رابعه در اشعار خود از آن استفاده نمود ، حب جمال و جلال الهی بود که رابعه آنرا کشف نموده بود که در اصطلاح تصوف لذت مطالعه

جمال ربوبیت یاد میشود. امام القرضاوی به تعقیب کلمات الغزالی می نویسد مطالعه جمال ربوبیت به عین قلب یعنی چشم دل است نه به عین راس یعنی چشم سر .

در کشف نور الهی بعض از متصوفین حرف زده اند . سالکین طریقت بدرستی معنی و مفهوم آنرا ندانسته به خطا رفته اند . امام ابن القیم الجوزی که از خارج تصوف ، تصوف را اصلاح نمود در باره حقیقت نور که متصوف از آن سخن میزند در کتاب معروف خود بنام مدارج السالکین فی مقامات ایاک نعبدو و ایاک نستعین در بیان حقیقت کشف نور برای صوفی می نویسد: کشف نور برای صوفی ، بعد از شهود است ، و نور ، نور تجلی معانی اسماء الحسنی در قلب میباشد که در نتیجه آن تاریکی قلب روشن میشود و نور حجاب کشف را بلند میکند. الجوزی ادامه داده می نویسد عارفین و متصوفین صادق تجلی حقیقت ذات و صفات و افعال خداوند را نفی میکنند و میگویند که نور عبارت از کمال معرفت و برداشت پرده غفلت و شک و استیلاء معرفت در قلب است که در اثر آن قلب بغیر از معرفت دیگر چیز را نمی بیند یا مشاهده نمیکند . صوفی صادق اعتقاد بر این ندارد که ذات مقدس و اوصاف او تعالی بر بنده تجلی میکند مثلیکه بر کوه طور تجلی نمود .

امام ابن القیم در نهایت موضوع می نویسد: اسلام برای صوفی نور است . ایمان برای صوفی نور قویتر از اسلام است ، احسان از هر دو روشنتر است . پس اگر اسلام و ایمان و احسان در یک شخص جمع شود ، حجاب از عبادت خالق برداشته شده و قلب و اعضاء مملوء از نور میگردد نه به نوری که از صفات رب تعالی است زیرا صفات خداوند با مخلوقات یکجا نمی شود و اتحاد و حلول و امتزاج بین خالق و مخلوق نیست.<sup>96</sup>

<sup>96</sup> . مدارج السالکین 3 / 110 ، 121 ) به تحقیق محمد حامد الفقی .

امام ابن القیم عقیده تجلی نور را که از صفات و اسماء الله سبحانه و تعالی منشأ می‌گیرد و بر صوفی تجلی میکند آنرا اصلاح و در اساس آنرا نفی میکند و میگوید که نور اسماء و صفات در انسان تجلی نکرده و کسانی که باین عقیده اند ایشان را از طبقه وحدت الوجود و صاحبان عقیده حلول میداند.

اهل سنت و سلف صالح علوم تصوف را به میزان قرآن و سنت سنجیده اصلاحات را در علوم تصوف و عرفان اسلامی آوردند. مهمترین عمل علمی ابن القیم در تصحیح فکر تصوف کتابش بنام مدارج السالکین إلى منازل السائرین است. مدارج السالکین إلى منازل السائرین عبارت از شرح رساله تصوفی بنام منازل السائرین إلى مقامات ایاک نعبد و ایاک نستعین اثر شیخ الاسلام إسماعیل الهروی الحنبلی خواجه عبدالله انصاری پیرهرات و در سه جلد میباشد که مطابق به سنت است.

مخالفین تصوف باین عقیده اند که کتب تصوف و متصوفین أعمال قلب را نسبت به أعمال جوارح یعنی أعمال بدنی بالاتر می‌دانند در حالیکه تمام عبادات در اسلام أعمال ظاهری است. در رد این نظریه دکتر یوسف القرضاوی می‌نویسد متصوفین حق هرگز أعمال بدنی را از انسان ساقط نمی‌سازند و صوفی صادق التزام یا پابندی کامل به أعمال جوارح دارد.

القرضاوی از اسباب توجه بیشتر تصوف اسلامی به أعمال قلبی دو سبب را می‌آورد.

1. أعمال قلبی لب و لباب دین و روح آن میباشد.
2. بعض از مردم که علم و ثقافت شان محدود است و حتی بعض از اهل سنت و علما بیشتر به أعمال ظاهری مشغول شده و به أعمال باطنی توجه ندارند که نتیجه آن آبادی ظاهر و خرابی باطن است.

امام ابن تیمیه در موضوع أعمال قلب و اهمیت آن در دین اسلام و در نزد علمای دین می‌گوید: اهل ایمان، اسلام، صدق و اخلاص به این

عقیده اند که امور باطنی اساس بوده و اعمال ظاهری بدون اعمال باطنی فائده ندارد.<sup>97</sup>

متصوفین و مدارس تصوف در باب اعمال قلبی و برتری آن نسبت به اعمال بدنی بر حق اند زیرا قرآن و سنت عنایت خاص به اعمال قلبی دارد که مثالهای ذیل برای فهم بیشتر موضوع بحث ما را کمک میکند.

- اصل دین که ایمان به خداوند و رسل و آخرت است اساس آن مربوط به عمل قلبی است.

- عبادات در اسلام همه ظاهری است و علماء شرط قبول آنرا اخلاص و نیت می دانند که در اسلام اخلاص و نیت از اعمال قلبی میباشد.

- بخشیدن گناه قلبی در اسلام مشکل و نا ممکن است در حالیکه گناه بدن به توبه بخشیده میشود. گناه حضرت آدم علیه السلام از جمله گناهان بدنی بود و در اثر توبه بخشیده شد در صورتیکه گناه شیطان گناه قلب بود و به توبه بخشیده نشد.

مصدر حکم در نزد بعض مدارس تصوف ذوق است، یعنی انسان در اصدار حکم به ذوق و قلب خود مراجعت میکند. مسائل ذوقی باسناد منطق شریعت استوار نیست بلکه بر اساس منطق و ذوق شخص استوار میباشد.

بعض از متصوفین به اسلوب محدثین که میگویند: حد ثنا فلان ..... حدیث کرد ما را فلان شخص مخالفت دارند و صوفی می گوید حدثنی قلبی عن ربی. قلبم از ربم برایم گفت.

بعض متصوفین میگویند که مردم دین را از مرده و از مردگان میگیرید در حالیکه ما علم را از حی الذی لا یموت ذاتی که زنده و فنا نا پذیر است.

<sup>97</sup>. فتاوی ابن تیمیہ 8/10.

بعض طرق صوفیه در بعد تربیوی شخصیت مرید را پائین و ضعیف میسازد مثلاً میگویند مرید در بین دستان پیر خود مثل مرده ای است بدست کسیکه او را غسل میدهد. و هر که به شیخ خود بگوید برای چه؟ فلاح نصیب وی نیست و اگر اعتراض نمود طرد میشود. این روش نظریه و فلسفه جبر را تقویت میکند و بدین ترتیب بعض از طرق صوفیه در مقابل انحرافات جامعه و ظلم و فساد موقف سلبی یا بیطرفی را اختیار میکنند.

موقف جبر را عارفین بزرگ و متصوفین یک عقیده دخیل در اسلام میدانند و بشدت از عقیده اختیار دفاع میکنند.

علامه امام صدیق حسن القنوجی البخاری ( متوفی 1248 - 1307 هجری) در کتاب خود بنام « دلیل الطالب علی أرجح المطالب » در موضوع جبر و قدر تحت عنوان توحید قدریة و جبریة می نویسد: پیروان این عقیده افعال بنده را از اراده بنده خارج میدانند و عقیده برین دارند که افعال بندگان عین افعال خداوند است و خداوند فاعل افعال بنده می باشد. این طائفه معتقد است که افعال را به بنده نسبت دادن منافی توحید است.

مولانا جلال الدین رومی می گوید: «ما كان الجبر ما توجه الأمر والنهي إلى الإنسان ، و ما كلف الإنسان بالشرائع والأحكام ، فهل سمع انسان يامر حجرا ونهاه؟». اگر جبر می بود انسان به امر و نهی امر نمی شد و انسان مکلف به شریعت و احکام آن نمی بود، آیا شینده شده که انسان سنگ را امر و نهی کند. الرومی اضافه میکند قرآن همه اش امر و نهی، وعد و وعید است و انسان عاقل سنگ رخام را امر و آهن را منع نمیکند. الرومی می گوید: حتی حیوان جبر را قبول ندارد، پس آیا ممکن است انسان عاقل جبریت را قبول کند؟.

ابن سینا در جزء خاص در باب تصوف در اشارات خود می نویسد: « العارف لا ينكر منكرًا ، لأنه مستبصر بسر الله في القدر». عارف انکار

نمیکند منکر را زیرا او بصیرت دارد یعنی دانا است به سر خداوند در قدر. ابن عربی نیز همین عقیده را تایید میکند و در شعرش که قبلا ذکر یافت همین عبارات را ملاحظه میکنیم.

بعض مدرسه های تصوف و بعض متصوفین در عقیده قضاء و قدر از غلو کار گرفته اند. امام ابن تیمیه نظرات و آراء شیخ عبدالقادر جیلانی را در مورد قضاء و قدر مورد انتقاد شدید قرار میدهد و همچنان شیخ حماد الدباسی نظریه مدرسه تصوف را در مورد قضاء و قدر نفی و می گوید که این نظریه مخالف یا معارض به امر و نهی است.

بعض متصوفین باین نظریه اند که هر آیه شصت هزار معنی دارد و دلیل شان حدیث شریف *إن للقرآن ظهرا و باطنا* مثلا در تفسیر آیه 12 سوره طه « فاخلع نعلیک » اشاره از بیرون یا خارج ساختن دنیا و آخرت از قلب است. و آیه اول سوره النحل « و الق عصاک » یعنی برای تو سند به غیر خدا نیست.<sup>98</sup>

تأویلات عدّه از متصوفین مثلا در مورد حدیث شریف « لا تدخل الملائکه بیتا فیه کلب » . در منزلی که سگ باشد ملائکه داخل نمی شوند. اشاره برای تطهیر و پاک سازی قلب از حسد و حقد و غضب و بخل و مکرو باقی صفات ذمیمه و بد است. تأویلات متصوفین در علم تصوف بنام اشارات یاد می شود.

در موضوع اراده انسان. علامه القنوجی در عقیده این گروه می گوید اصحاب این مدرسه مطلقا اراده را از انسان نفی میکنند و عقیده برین دارند که انسان اراده خداوند را انجام میدهند.

عدّه از متصوفین و مدارس تصوف در موضوع اراده انسان از غلو کار گرفته اراده را لازم به رضا و محبت می دانند و میگویند چون کفر و عصیان به اراده خداوند تعلق دارد ، پس از کفر و عصیان خداوند

<sup>98</sup>. محمد الغزالی « تراثنا الفکری فی میزات الشرع و العقل » مراجعه فرماید.



راضی و محبوب او تعالی است ، پس بر ما واجب است که به کفر و عصیان راضی باشیم و آن دورا انکار نکنیم. کافر و فاسق در کفر و فسق خود اطاعت خالق را میکنند زیرا تسلیم اراده و مشیئت الهی میباشند و خداوند اراده و مشیئت خود را در کائنات عملی میکند .

باساس همین نظریه و عقیده بعض متصوفین از غلو کار گرفتند ، ظلم و فساد و کسانیکه مردم را به باطل و الحاد دعوت میکردند انکار نکردند و دلیل شان این بود :

1. ایشان مجبور اند به آنچه انجام میدهند .
2. ایشان اراده و قدر الهی را تمثیل میکنند .
3. اول و دوم یک ( حقیقت است ) البته در نظر ایشان .

امام ربانی شیخ احمد کابلی سرهندی این نظریه را بشدت نفی و آنرا مخالف شریعت می داند و می گوید تغییر منکر و اعمال ناجایز فرض از فرائض دین است و در دین از ضروریات بحساب میآید. او در طریقت خود عقیده اراده انسان را بحث مفصل میکند و آنانکه اراده انسان را نفی میکنند ایشان را از جمله گمراهان میدانند و حکم به ضلالت و گمراهی ایشان میکنند .

امام ربانی در مکتوب نمره 289 دفتر اول مکتوبات شریف در مورد قضاء و قدر و اراده می نویسد: قضای خداوند قدرت و اختیار را از عبد سلب نمی نماید زیرا که وی قضاء فرموده که عبد بر اختیار خود کار خواهد کرد یا نخواهد کرد ، مشایخ ماوراء النهر در تضلیل ایشان اندرین مسأله مبالغه نموده گفته اند که حال مجوس نیکوتر است از حال ایشان چه مجوس غیر از یک شریک اثبات نکرده اند و معتزله شرکای بی نهایت اثبات کرده اند و جبریه زعم نموده که نه فعل است هرگز مر عبد را و نه قدرت و نه اراده و نه اختیار و حرکاتش در رنگ جمادات ، افعال بتمامها در حق است و عبد مجبور محض است و این قول کفر است .

علمای فقه و شریعت نظریه قدر و قضاء متصوفین را رد می نمایند و قبول فقر و عجز و ظلم را به اساس عقیده قضاء و قدر مخالف سنت الهی می دانند و میگویند تسلیم به فقر و ظلم ، انسان را تنبل و عاطل میسازد و در اسلام مقوله ای است که انسان از قضاء و قدر به قضاء و قدر پناه میبرد چنانچه حضرت عمر رضی الله عنه بجواب صحابه فرمودند که من از قضاء و قدر فرار نکرده بلکه از قضاء و قدر خداوند به قضاء و قدر خداوند پناه میبرم.

عقیده الإشراق و صفاء النفس عقیده بسیار قدیم میباشد که تحت تأثیر فکر و فلسفه یونان و روم رفته و از فلسفه قدیم یونان و روم بعض موضوعات را اقتباس کرده است . مدرسه الإشراق و صفاء النفس و روحانیت ، باین نظر است که اشراق و صفاء النفس معصوم و خالی از خطا و فراموشی میباشد که بواسطه آن انسان به یقین و علم صحیح و تهذیب اخلاق و تزکیه نفس و طهارت باطن و اقامت مجتمع انسانی و تأسیس مدینه فاضله میرسد .

بزرگان و علماء این فلسفه میگویند یگانه و سیله برای تحصیل یعنی رسیدن به یقین و علم صحیح و حقیقت مشاهده میباشد زیرا مشاهده بجز به صفاء النفس و نور باطن صورت نمی گیرد و ممکن نیست که به حقائق امور رسید مگر به مجرد عقل خالص که عبارت از حکمت اشراق و نور داخلی و نور باطن تولد می شود در نتیجه ریاضت و مجاهده نفس و هوی و فکر و مراقبه.

مدرسه الإشراق به حس باطنی که آنرا حس ششم یاد میکند اعتقاد دارد و در وجود حس ششم که نتیجه آن مشاهدات است بر انسان انوار غیر مرئی و اصوات غیر مسموعه تجلی میکند که قابل خطا نیست . مهترین کتاب السهروردی « حکمة الإشراق » است که آنرا علامه قطب الدین الشیرازی شرح نموده و در بین طبقه یا حوزه علمی بنام شرح حکمة الإشراق یاد می شود .

امام ربانی شیخ احمد سرهندی کابلی نظریه فلسفه الاشراق را کاملارد و آنرا اصلاح میفرماید. در مکتوب بیست و سوم که عنوانی شیخ خواجه ابراهیم قبادیانی است امام ربانی نظریات اشراق را نظریه فلسفی محض می داند و می نویسد: این طبقه در عوض متابعت انبیاء علیهم الصلوات والسلام به صفاء نفس خود اعتماد دارند و ایشان یعنی اشراقی ها به عمل کرد خود که تصفیه نفس است نور الهی را می بینند. صفاء القلب که دروازه نور و هدی است ارتباط به متابعت انبیاء علیهم الصلوات والسلام می باشد و تزکیه نفس مربوط به صفاء القلب در صورتی است که نفس تربیت و اصلاح شود زیرا تصفیه النفس با ظلمت قلب که مظهر انوار الله است، چراغی برای ابلیس میباشد که در روشنی آن خانه را از اساس منهدم میسازد. امام ربانی می نویسد که تصدیق اشراقیون و تصدیق علوم شان، تکذیب انبیاء علیهم الصلوات والسلام و تکذیب علوم شان است.

در موضوع رسیدن به مقام و فهم همه موضوعات از طریق و راه عقل انسان که اساس فلسفه مدرسه اشراقی است، امام ربانی این اصل را که اشراقیون بدان استنباط دارند این طور تصحیح میکند: «عقول ما مقصر است و بغیر از استعانت به روشنی دعوت انبیاء و رسل به وصول به مطلب بزرگ عاجز هستیم و مدارک ما ناقص است در غیر تقلید و متابعت انبیاء...». امام ربانی ادامه داده می نویسد بلی! عقل حجت است لیکن حجیت بودن آن غیر کامل است و حجت بالغه، حجت انبیاء و مرسلین علیهم الصلوات والسلام میباشد.

امام ربانی فلسفه ذوقی را نقد نموده می نویسد: «تنزیه، تشبیه گشته و واجب ممکن شده و بیچون به چون آمده که این همه کفر و الحاد است. «معنی کلام امام ربانی این است که خداوند که منزّه است یعنی بدون شریک است به تشبیه تبدیل شده و واجب که معنی وجود خداوند واجب و ضروری است به ممکن تبدیل شده که ممکن بیچون یعنی

خداوند شبهات ندارد به چون یعنی خداوند شبهات پیدا کرده . این عقیده از نظر امام ربانی کفر و الحاد است.

### نظریه وحدت الوجود

حضرت ضیاء المشایخ محمد ابراهیم بن عمر مجددی در مورد سلسله تصوف در کتاب شرح مکتوبات می نویسد: « و این سلسله رفته رفته در قرن سوم و چهارم بصورت دو مکتب عرفانی که بنام وحدت الوجود و وحدت الشهود نامیده میشود بظهور آمد و هزاران اهل معرفت از عرفان آن بهره ور گردیدند و طریق حصول معرفت را برای حضرت انسان این دانایان و آنهاییکه در رأس این ادبکده های عرفانی قرار داشتند تلقین و تدریس نمودند و از اذواق روحانی و کیفیات عالم ناسوت ملکوت و جبروت که از مصطلحات تصوف است آگاه گردانیدند .»

عقیده وحدت الوجود به امام شیخ اکبر محیی الدین بن عربی ( 638 هجری ) نسبت دارد . تاریخ تصوف نشان میدهد که عقیده وحدت الوجود قبل از عصر ابن عربی موجود بود و مردم از آن در تصوف پیروی میکردند . مؤرخین که تاریخ تصوف را بررسی نموده اند از زبان بعض متصوفین میگویند که در حالت سکر زیادت در غیبت که عکس آن الصحو که معنی رجوع به احساس را میدهد بعضی اقوال صادر شده که معنی نظریه اتحاد را می دهد که بعداً اصطلاح وحدت الوجود را بخود گرفت قبل از ابن عربی مشهورترین عارفین در این مدرسه شیخ ابی یزید البسطامی و بعد از آن الحسین بن منصور الحلاج را میدانند .

امام ربانی در مکتوب نمره 89 مجموع سوم می نویسد : « ابن عربی عقیده وحدت الوجود را تدوین نمود و برای آن ابواب و فصول مثل علم النحو و الصرف ترتیب داد .» . از مکتوب امام ربانی استنباط میشود که امام ابن عربی مؤسس این فکر نبود بلکه فکر را تدوین علمی نمود و وحدت الوجود که در اسرار مورد مناقشه بود آنرا علناً مورد مناقشه و بحث قرار داد . استاد عبدالعلی نور احراری در تحقیق خود بنام

تصوف و اندیشه وحدت الوجود می نویسد شیخ اکبر در قرن هفتم هجری، انقلاب و تحول عظیمی در عرصه دانش و عرفان اسلامی پدید آورد. وی مکتب عرفان نظری یا عرفان بحثی را بنا نهاد و اندیشه های وحدت الوجود را در آن به شیوه علمی طرح کرد و آن را شرح و بسط داد و به پایه اکمال رسانید.

مهمترین کتب ابن عربی که در وحدت الوجود است عبارت از الفتوحات المکیه و فصوص الحکم میباشد و ابن عربی در حدود پنجصد کتاب و رساله دارد.

علامه عبدالعلی بحر العلوم اللکنوی (متوفی 1225 هجری) با اینکه عالم متبحر در فقه و اصول آن و در علوم حکمت بود اولین عالمی است که نظریه الشیخ محیی الدین در وحدت الوجود را شرح کرد.

استاد عبدالعلی نور احراری می نویسد که فصول الحکم مهمترین کتاب ابن عربی است اولین کسی که آن کتاب را شرح کرده قونوی است که شاگرد ابن عربی است و بعد از آن شاگردان قونوی چون جندی و غیره آن را شرح کرده اند و عراقی و مولانا جامی نیز آراء و عقاید او را شرح کرده اند.

علامه التلمسانی در ساحة وحدت الوجود از غلوکار گرفت و عقیده وحدت الوجود را عملاً در حیات خود و دیگران تطبیق نمود و بین حلال و حرام فرق را قائل نشد و می گفت: «لأنه إذا كان الوجود واحدا فلم التفريق بين الحلال والحرام». اگر وجود یکی باشد پس چرا فرق بین حلال و حرام باشد.

ابن تیمیه میگوید شخص از پیروان وحدت الوجود برایم حکایت نمود که سگی در راه مرده بود و ما می خواستیم جسدش را از راه دور سازیم، پیروان وحدت الوجود به دلیل اینکه در وجود سگ خدا و ذات

خدا است و هیچ شیء خارج از ذات او تعالی نیست و جمیع یا همه در ذات او است ما را از کنار ساختن جسد سگ منع نمودند.<sup>99</sup>

همچنان ابن تیمیه در مناقشه خود با متصوفین وحدت الوجود سؤال ذیل را برای مناقشه مطرح میکند: اگر وجود یکی است و وحدت الوجود حق است، پس چرا یکجا شدن با خانم حلال و یکجا شدن با مادر حرام است؟

پیروان عقیده وجودی ادعای فرعون را که میگفت أنا ربکم الأعلى، را حق میدانستند به دلیل اینکه فرعون در در وجود خود خدا را میدید.

شیخ رکن الدین أبو مکارم علاء الدوله السمنانی (659 - 736 هجری) اولین شیخ صوفی و متصوف بزرگ بود که علیه فکر وحدت الوجود قیام نمود و فکر وحدت الوجود را در اساس آن نفی نمود و علامه الشیخ اقبال بن سابق السجستانی اقوال السمنانی را در دو کتاب بنامهای أقوال الشیخ علاء الدوله السمنانی و جهل مجلس جمع آوری نمود.

الشیخ السمنانی نظر دارد که غایه السالک هی العبودیه لا توحید الوجودی. یعنی هدف سالک عبودیت است نه توحید الوجود یا وجودی.

امام ربانی مجدد الف ثانی در مکتوب نمره 291 حصه پنجم دفتر اول السمنانی را نقد شدید نموده می نویسد من جرأت انتقادات شدید را نسبت به شیخ ابن عربی ندارم. امام ربانی حضرت مجدد الف ثانی فکر وحدت الوجود را با تمام احترام مورد نقد قرار داد و با تمام اختلاف فکری که بین او و شیخ اکبر ابن عربی بود از ابن عربی به اجلال و اکرام یاد میکند. امام مجدد در مورد امام ابن عربی و نظریه وحدت الوجود می نویسد:

<sup>99</sup>. الفرقان بین الحق و الباطل، ص 145.

«این فقیر می دانم که شیخ محیی الدین بن عربی از جمله اشخاص قابل قبول میباشد لیکن معارف و علوم اش مخالف عقائد جمهور امت و ظاهر کتاب و سنت است و مردم در مورد نظرات ابن عربی از افراط و تفریط کار گرفته اند. اختلاف من با کسانی که دعوت به فکرو وحدت الوجود دارند از طریق کشف و شهود است. من در اعتراف خود بر اینکه اقوال و احوال که از وحدت الوجود صادر میشود حسنه است اگر صاحب فکر وحدت الوجود عبور کند یعنی سالک از این مقام به مقام رفیع تر بلند رود یعنی از مقام علم الیقین به عین الیقین برسد. امام ربانی اضافه نموده میگوید که امام ابن عربی اگر عمر بیشتر میکرد و به مقام عین الیقین میرسید یقین است که از وحدت الوجود عبور میکرد و وحدت الشهود را می پذیرفت. امام ربانی در اثبات قول خود بر اینکه عین الیقین بالاتر از مقام علم الیقین است این جملات را می نویسد: شیخ و مرشد ما شیخ کبیر عبدالباقی برای یک مدت کوتاه به مذهب توحیدی بود و این موضوع را در نامه های خود ذکر نمود و عنایت خداوند او را از این مقام به مقام اعلی تر رسانید.<sup>100</sup>

امام ربانی در مکتوب نمره 44 در تفسیر وحدت الوجود می نویسد: « صوفیه که بوحدت الوجود قائل اند و اشیاء را عین حق میدانند و حکم به اینکه همه اوست می کنند، مراد آن نیست که اشیاء با حق متحد اند تنزیهه تشبیه گشته و واجب ممکن شده و بیچون به چون آمده که این همه کفر و الحاد است و ضلالت و زندقه، آنجا نه اتحاد است نه عینیت، نه تنزل است نه تشبیه، معنای همه اوست آنست که اشیاء نیستند و موجود اوست، منصور که انا الحق گفت مرادش آن نیست که من حقم و با حق متحد شدم که آن کفر است، یعنی معنای قول او آنست که من نیستم موجود حق است». در شرح مکتوبات آمده که وجودی ها اولاً

<sup>100</sup>. مکتوب 43، مجموع اول عنوانی شیخ فرید البخاری. مکتوب نمره 266 مجموع

نفی میکند و بعدا به اثبات آغاز میکنند در حالیکه نفی برای اثبات چه ضرورت دارد.

امام ربانی توحید وجودی را در مرتبه علم الیقین و وحدت الشهودی را در مقام عین الیقین میداند ، مرتبه عین الیقین بالاتر از مقام علم الیقین است ، بدلیل اینکه علم الیقین در مرتبه یگانه دانستن و عین الیقین در مقام یگانه دیدن است ، مرتبه دیدن بالاتر از مقام دانستن است ، زیرا که دانستن به علم حصولی و دیدن بعلم حضوری تعلق دارد.

در مکتوب نمره 43 امام ربانی در مسأله وحدت الوجود این نظر را دارد: « توحیدیکه در اثنای راه این طائفه عالییه رادست میدهد دو قسم است توحید شهودی و توحید وجودی. توحید شهودی که در مرتبه عین الیقین است آن است که سالک غیر از محبوب خود چیزی دیگری را نمی بیند و بنفی و اثبات اشیاء کاری ندارد. توحید وجودی آنست که سالک محبوب خود را موجود میداند و ما سوای آن را معدوم می انگارد با وجود عدمیت آن ما سوی را مظهر تجلی محبوب خود میداند.».

امام ربانی نظریه وحدت الوجود و وحدت الشهود را به دو کلمه این طور بیان می فرماید عدم الأشیاء و فناؤها شیء و عدم رؤیتها شیء آخر. عدم و فنای اشیاء یک چیز و عدم رؤیت آن چیز دیگر است.

امام ربانی مثال میدهد در حضور آفتاب و روشنی آن کواکب دیگر ملاحظه نمیشود و این به این معنی نیست که دیگر کواکب وجود ندارند.

امام ربانی اکثر نظریات وحدت الوجود و اشراقی را نوعی از انواع بدعت میداند. در نظر امام ربانی بدعت فقط یک نوع است و امام ربانی بدعت را به بدعت حسنه و سیئه تقسیم نمیکند و مخالفت به تمام بدعت ها دارد.



امام الشریف صدیق حسن القنوجی البخاری در مورد توحید پیروان مدرسه توحید و جودی می نویسد: این گروه اعتقاد دارند که وجود واحد است، دو وجود نه در قدیم و نه در حال وجود دارد، نه وجود خالق و نه مخلوق و نه واجب و نه ممکن است، بل همه یک وجود است، همه اشیاء را به چشم واحد دیدن بل در حقیقت یک چشم است و تمام اشیاء از خداوند بوده بل خداوند همه ای اشیاء است.

### ضرورت تصوف

امام محمد الغزالی معاصر تصوف را در تربیت فرد مسلمان ضرورت میداند. الغزالی بعد از تحقیق در احوال و اوضاع مسلمانان باین نتیجه میرسد که تمام مشکلات و مصائب مسلمانان در نتیجه قلب های خالی از خداوند جل جلاله و دوری از شعور به عظمت و رقابت او تعالی میباشد.

الغزالی میگوید در تزکیه نفس باید از تصوف استفاده شود. تصوف در تزکیه نفس، عیوب نفس را کشف و راه های داخل شدن شیطان را به نفس انسان نشان میدهد و قلوب را به حب و محبت خداوند عز و جل وصل و زبان را به ذکر او تعالی جاری می سازد.

الغزالی اضافه میکند: ثقافت اسلامی و عرفان صوفی در تزکیه نفس و دوستی خداوند از هر ثقافت و فرهنگ دیگر ما را کمک میکند اگر از خرافات که در تصوف داخل شده اجتناب شود. محمد الغزالی می گوید که در ابتداء حیاتش به تصوف توجه عمیق نداشت لیکن بعد از مطالعه کتاب مدارج السالکین از امام ابن القیم به تصوف نزدیک شد و کتاب خود را بعنوان «التصوف الذی نرید» تصوفی که می خواهیم نوشت و به اثبات رسانید که تزکیه نفس قلب را به حب خدا مملو ساخته و سبب نجات بشریت می شود. الغزالی در نهایت بحث خود این جملات را می نویسد: من یک متصوف نیستم لیکن عدالت و انصاف بر من حکم میکند که اعتراف نمائیم که یک بخش تصوف که

بخش بزرگ از ثقافت اسلامی است توجه و عنایت خاص را می‌خواهد که فقهاء و متکلمین در آن توجه جدی نکرده اند. در مسائل فقهی، فقهاء و الهیات و غیبهات متکلمین زیاد بحث نموده اند مگر از اینکه مردم چطور دوستی خدا را بدست آوردند آنرا به روش علمی بحث نکرده اند.

### تصوف عقیده اسلامی را حفظ کرد

تصوف و متصوفین کرام تعداد زیادی از مردم را بدین اسلام مشرف ساختند و همچنان تعدادی از مجرمین و گناهکاران نزد متصوفین کرام توبه نمودند. متصوفین معارف بزرگ را از خود به میراث گذاشتند.

تصوف و طریقه های صوفیه در حفظ عقیده اسلامی مساعی زیادی بخرج دادند که بطور خلاصه به بعض از زحمات شان اشاره میشود:

- طریقه نقشبندیه مجددیه اسلام را در قلب های مسلمانان آسیای مرکزی که تحت اشغال الحاد کمونیزم بودند حفظ نمود.
- طریقه نقشبندیه مجددیه اسلام و عقیده توحید را در قلوب مردم چیچنیا حفظ نمود و ناگفته نماند که نود پنج فیصد از مردم چیچنیا پیرو طریقه نقشبندیه مجددیه تا امروز میباشند.
- اتاتورک، ترکیه را بسوی بی دینی سوق داد و قانون کفر را تطبیق نمود و صدها علما را اعدام نمود و اسلام را بکلی در ترکیه لغو نمود. عقیده اسلامی را در قلب ترکها طریقه نقشبندیه مجددیه تا امروز حفظ نمود و در پوهنتونهای ترکیه قسم مجدد شناسی تا هنوز است.
- در هندوستان طریقه نقشبندیه و شخص امام ربانی مجدد الف ثانی اسلام را از خطر دین اکبری حفظ نمود و امام مجدد با قبول زحمات زیاد توانست نظام سیاسی بی دینی هند را به اسلام صاف تبدیل نماید و مردم هندوستان امام ربانی را تا امروز به جلال و عظمت یاد میکنند و مزار حضرت زیارتگاه عام و خاص است.

- در افغانستان طریقه نقشبندیّه مجددیّه و قادریّه و چشتیه خدمات مهم عرفانی را انجام دادند و میراث بزرگ ادبی را از خود بجا گذاشتند و در حفظ استقلال و ناموس ملی قربانی را قبول نمودند. جنگ میوند، جنگ استقلال و اخیراً جهاد فی سبیل الله در قرن بیستم بهترین دلیل میباشد. کمونستها مدارس اسلامی را منهدم ساختند. و غربی ها فکر مدارس اسلامی را فکرتروور نامیدن و از اسلام در لباس تصوف باطل دفاع نمودند و عرفان و تصوف حق اسلامی را منهدم ساختند.
- معارف افغانستان از علوم تصوف استفاده نکرد و در پوهنتون های افغانستان معارف تصوف و عرفان اسلامی درس داده نشد و ملت افغانستان از اصل تصوف و ثقافت اسلامی بی خبر ماندند و امید است که علمای کرام و اهل عرفان بتوانند این نقص را در آینده جبران سازند.

## فکر غلو و افراط گرایی

فکر غلو و افراط گرایی در عصر حاضر یکی از مهمترین مشکلات جوامع بشری بحساب می آید و این مشکل اهتمام جامعه غرب و شرق اسلامی را به خود معطوف ساخته است. در غرب مسأله غلو یا افراط گرایی در دین اهتمام بیشتر به خود گرفته و هر روز صد ها مقاله و کتاب در مورد غلو و افراط در دین اسلام بنشر میرسد و هیچ اخبار و روزنامه و جریده ای نیست که در صفحه اول آن اشاره در مسأله غلو تحت عنوان ترور اسلامی نباشد. سیاستمداران نیز بیشتر وقت خود را صرف مسأله غلو و افراط گرایی میکنند و در هیچ کنفرانس بین المللی نیست که اعلامیه ختامی آن در مبارزه علیه فکر غلو و افراط گرایی نباشد.

رجال سیاست و مؤسسات استخبارات غرب در معرفی افراط و غلو دین اسلام را متهم می سازند. «سیر جون سورز» رئیس استخبارات سابق بریتانیا (MI6) در برنامه (BBC-TO DAY) بتاريخ 18 فبروری 2015 میگوید: اسلام قابلیت احیاء و تجدید را ندارد لهذا نمی تواند با قافله مدنیت حرکت کند. مسلمانان آماده یکجا شدن با جامعه بریتانیا نیستند و عوامل اقتصادی و اجتماعی در عدم یکجا شدن مسلمانان با جامعه غرب کمک کرده است. دین اسلام آماده تغییر نیست تا مطابق مبادئ جامعه قرن بیست و یکم باشد.

مؤسسات استخبارات غرب فکر غلو را به اسلام ارتباط می دهند. سیاستمداران غرب کوشش دارند تا فکر غلو را بین مسلمانان برای جامعه غرب بزرگ نشان دهند و بر عکس غلو و افراط پیروان ادیان دیگر را چندان بحث نکنند بطور مثال عمل کردغالی های هنود را غلو در دین بودائی نمی شمارند و حوادث سال 1980 در هند که در نتیجه آن 375 مسلمان بقتل رسید و 2838 نفر زخمی شد به اندیشه غلو و افراط

گرایی به دین بودائی ارتباط نمی دهند. بیانات رهبر حزب کانگرس نواسه گاندی مبنی بر اینکه هندوستان از هندوان است و مسلمانان باید از هندوستان به پاکستان برگردند فکر غلو و افراط گرایی نمی دانند. غلوی مسیحیان فلپین را که در نتیجه آن تا امروز هزارها مسلمان به قتل رسیده است و صدها مسجد تخریب شده از جمله غلو در دین عیسویت در فلپین نمی دانند. قتل صدها هزار مسلمانان را در بوسینا در جمله غلو در دین عیسوی نمی شمارند. قتل و اخراج فلسطینی ها را از خانه های شان نسبت به غلو در دین یهودیت نمی دانند، قتل دو میلیون را در عراق و قتل میلیونها طفل و زن مسلمان را در افغانستان در سال های اخیر نسبت به غلو در دین مسیحی و فکر سیکولری غرب و فلسفه کمونستی نمی دهند.

دکتور ادریس الکتانی در مورد بزرگ نشان دادن فکر افراط از جانب غرب می نویسد: اخبار غلو و افراط مربوط به افراد دست راست و چپ در غرب به آرامی میگذرد در حالیکه وسائل تبلیغات غرب هر روز زنگ خطر را ضد غلو و افراط اسلامی بگوش مردم میرسانند.<sup>101</sup>

### تعریف غلو از نظر فرهنگ اسلامی

غالی اسم فاعل و غلو مصدر است و غالی شخص است که در مسائل از غلو کار میگیرد.

تعریف غلو در ادبیات زبان: در معجم مقاییس اللغة تحت عنوان ماده « غلوی » این تعریف را میخوانیم: قال ابن فارس الغین و اللام و الحرف المعتل دلالت به ارتفاع و تجاوز حدود میکند. نظر به این تعریف غلو معنی آن تجاوز از حدود و اندازه است. بلند رفتن قیمت مواد خوراکی را نیز « غلا اسعار » میگویند یعنی از حدود معقول خود تجاوز میکند.

<sup>101</sup> . دکتور ادریس الکتانی « کیف نفهم التطرف الدینی » صفحات 75-77.

خداوند اهل کتاب را مخاطب نموده میفرماید: یا اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و نسبت بخدا نگوئید مگر حق را ..... تا آخر. النساء: 171. و در سوره المائده آیه 77 خداوند میفرماید: یا اهل کتاب در دین خود غلو نکنید غیر از حق ..... تا آخر آیه. ابن کثیر رحمه الله می نویسد که خداوند اهل کتاب را از غلو منع نمود و عیسوی ها در مورد حضرت عیسی علیه السلام از حد تجاوز نمودند و او را بمقام و منزلت الله رسانیدند و پیروان و اتباع حضرت عیسی علیه السلام را معصوم شناختند و هر آنچه را که حق گفتند حق دانستند و هر آنچه را که باطل گفتند باطل دانستند تا اینکه گمراه شدند. « اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أربابا من دون الله و المسيح ابن مریم ». اینان دانشمندان و راهبان خود را و پسر مریم را به جای خدا بخدائی گرفته اند (التوبه: 31).

آیات فوق الذکر اگر چه در حق اهل کتاب است لیکن هدف از آوردن آن در قرآن کریم موعظه و درس برای امت اسلام میباشد تا مسلمانان بدانند که چرا غضب خداوند متعال بالای امت های قبل از ایشان نازل شد تا از غلو در دین دوری نمایند. شهید سید قطب در تفسیر فی الظلال القرآن در مورد آیه 171 سوره النساء در صفحه 815 می نویسد: قرآن کریم تصحیح عقائد اهل کتاب را که تحت تأثیر قصه های لادینی روم و یونان و قصه های خیالی مصری های قدیم و هنوز دقرار گرفته بود بعهدہ گرفت و عقیده انسانرا نسبت به خداوند از انحلال و غلو و تفریط فکری نجات داد.

در کتب سنت احادیث زیاد است که آنحضرت مسلمانان را از غلو در دین منع می فرمایند. عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت میکند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: هلك المتنطعون یعنی غلو کنندگان هلاک شدند و این عبارت را سه بار تکرار نمودند.

امام النووی در مورد کلمه «المتنطعون» در شرح مسلم می نویسد متنطعون کسانی اند که غلو میکنند در اقوال و افعال خود و از حد تجاوز میکنند.<sup>102</sup>

### اقسام غلو

1) غلو در مسأله اعتقادی متعلق به کلیات شریعت مثل غلو در تکفیر مردم در گناهان کبیره. اسباب غلو اعتقادی را علماء اینطور خلاصه میکنند:

- عدم فهم قرآن کریم. بعضی مسلمانان قرآن را میخوانند لیکن فقه قرآن را نمیدانند و عدم فهم قرآن کریم و فقه آن سبب میشود آیات که در حق کفار نازل شده آنرا بالای مسلمانان تطبیق کنند و درین مورد حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما میگوید: «إنهم انطلقوا إلى آیات نزلت في الكفار فجعلوها على المؤمنين».<sup>103</sup> خوارج آیات را که در حق کفار نازل شده بود آنرا در حق مؤمنین تطبیق کردند.

- با اندیشه غلو مردم را تکفیر و ریختن خون شان را حلال دانستن.

2- غلو در مسائل جزئی عملی که مربوط به جزئیات شریعت در مسائل عملی آن است.

اسباب فکر غلو نزد مسلمانان

اسباب فکر غلو نزد مسلمانان زیاد است و درین بحث فقط به بعض اسباب اشاره میشود:

اول - اسباب علمی

- نادانی به قرآن کریم و علوم آن.

<sup>102</sup> . مسلم 3/ 2055 کتاب العلم ، باب هلک المتنطعون و شرح صحیح مسلم 16/ 220.

<sup>103</sup> . بخاری کتاب استتابة المرتدين ، باب قتل الخوارج و الملحدين .

- نادانی به سنت و اقسام آن.
  - نادانی به مقاصد شریعت.
  - نادانی به زبان عربی.
  - نادانی به تاریخ اسلام.
  - دوری از علماء.
  - اجتهاد بدون علم.
  - عجله داشتن در امور دین و زندگی و رسیدن به مقصد و طلب نصرت به صورت فوری.
  - تعصب داشتن به قومیت، زبان، مذهب و غیره.
  - عدم مراعات شرایط زندگی مردم.
  - بزرگ ساختن یک جانب از جوانب اسلام.<sup>104</sup>
- دوم - اسباب اجتماعی

الف - عدم تطبیق احکام اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی:

محققین اولین سبب غلو و فکر افراط گرایی را در بین مسلمانان را الغای شریعت و حکم کردن بغیر آنچه خداوند نازل نموده میدانند. محقق بزرگ استاد سالم البهنسای در کتابش بنام «الحکم و قضیة تکفیر المسلم» و محمد سرور زین العابدین در کتابش بنام «لحکم بغیر ما أنزل الله و أهل الغلو» دلائل زیادی را ذکر می کنند که آوردن یک قسمت برای محققین مفید است.

صالح سری امیر جماعت التکفیر و الهجرة در مصر در جریان محکمه گفت: قانون نافذ در تمام کشورهای اسلامی بدون شک قانون کفر است. محمد عبدالسلام فرج در جریان محکمه گفت: احکام کفر در کشورهای اسلامی بالاتر از احکام اسلامی است و قوانین کشورهای اسلامی را کفار تدوین نموده اند و مسلمانان به آن راضی میباشند. در

<sup>104</sup> .مجلة المسلم المعاصر، عدد اول، ربیع الثانی 1395، اپریل 1975. ص 67.



راپور محاکم در مسأله غلو و افراط آمده که عدم تطبیق شریعت اسلامی در کشورهای اسلامی اساس اول غلو است. در فیصله محکمه مصری در قضیه تنظیم الجهاد اسلامی می خوانیم: محکمه بدین نتیجه رسیده که احکام شریعت اسلامی در مصر تطبیق نمیشود. راپور محکمه اضافه میکند که دولت اجازه فابریکه - خمر - شراب سازی را داده و در وسائل تبلیغات مثل تلویزیون برنامه های خلاف شریعت اسلامی پخش می شود.<sup>105</sup>

ب- ترک امر بالمعروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی از امور مهم و اصل از اصول دین میباشد. امر به معروف و نهی از منکر در بسیاری از کشورهای اسلامی در برنامه های دولت شامل نیست و حکومت های کشورهای اسلامی مسلمانان را بصورت انفرادی اجازه امر به معروف و نهی از منکر نمیدهند. در غیاب امر به معروف و نهی از منکر، منکرات در جامعه اسلامی هر روز بیشتر شده می رود.

ج- استبداد سیاسی و نظام عسکری فکر غلو و افراط گرایی را در بین جوانان در کشورهای اسلامی تقویت میکند. مسلمانان عقیده برین دارند که نظام سیاسی در کشورهای اسلامی به اساس شوری و عدالت اجتماعی نیست و اکثر حکومت هادر کشورهای اسلامی با همکاری غرب و شرق روی کار آمده اند و بیعت مردم را ندارند.

د- عدم عدالت و مساوات از عوامل غلو و افراط در جامعه میباشد.

### اسباب و عوامل بین المللی در ازدیاد فکر غلو در بین مسلمانان

دکتور إحسان حقی در کتاب خود بنام «المسلمون أمام التحدي العالمي» می نویسد: برنامه های ضد اسلام و مسلمین در تاریخ ادیان مانند و مثال ندارد و این ضدیت تا حال ادامه دارد.

<sup>105</sup>. مشكلة الغلو فی الدین ، صفحات 442 - 445.

استاد محمد حسنین هیکل می نویسد: من از روح عداوت معاصر صلیبی در غرب به تعجب هستم.

استاد لطفی الخولی می نویسد: روش غرب را در مقابل مسلمانان روح صلیبی به حرکت می اندازد.

دکتور محمد عمارة در مورد نقش غربی ها در ازدیاد حرکات افراطی می نویسد: «عنف و شدت در جوامع اسلامی در نتیجه تسلط و نفوذ غرب در منطقه اسلامی میباشد. بعد از شکست مسلمانان در سال 1967 میلادی و ازدیاد نفوذ حرکت صهیونیسم با حمایت و همکاری غرب فکر غلو در جوامع اسلامی بیشتر شد و در زیر نظام جهانی جدید نه تنها حقیقت و شکل افراط نسبت به گذشته زیاد شد بلکه منظم تر و دائره آن بزرگتر شد.<sup>106</sup>»

دکتور طارق البشیری در تحقیق خود بنام «سببقی الغلو ما بقی التغریب» می نویسد: «غلو بدرجات متفاوت و اشکال متفاوت و مراحل متفاوت باقی می ماند تا زمانی که تسلط غرب یا حرکت غرب سازی باقی باشد و هر قدر تسلط غرب بر نظام سیاسی کشور های اسلامی و جامعه مدنی بیشتر شود بهمان مقدار و اندازه غلو قوت بیشتر می گیرد.»

محمد اِموازی معروف بنام جان جهادی در سخنرانی فیدوی خود که آنرا برنامه بی بی سی پخش کرد می گوید: سبب افراطی شدن من دستگاه استخبارات بریتانیا ( MI6 ) است. محمد می گوید که در سال 2009 میلادی به بطرف تانزانیا در سفر بودم که دستگیر شدم و در میدان هوایی امستردام به مامورین استخبارات انگلستان سپرده شدم. استخبارات انگلستان به من تهمت سفر به صومالیه را بست و مرا زندانی ساختند.

<sup>106</sup>. دکتور عمرو عبدالسمیع «المتطرفون ندوات و دوائر حوار» ص 18.

خانم عائشه در مصاحبه با بی بی سی در مورد محمد اِموازی میگوید: جوانان بریتانیا جان را مثال برازنده میدانند و از دیدگاه جوانان بریتانیا جان یکی از افتخارات است. جوانان باین عقیده اند که چون به نمایندگی از ایشان مبارزه میکند.<sup>107</sup>

### علاج فکر غلو و افراط گرایی از نظر مسلمانان

مسلمانان عقیده برین دارند که قرآن و سنت دو مرجع در حل مشکلات غلو و افراط و تفریط در دین میباشد. دلیل که مسلمانان در مورد دو مرجع اسلامی می آورند عبارت از آیه 59 سوره النساء است که خداوند میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا». ای مؤمنان، از خدا و پیغمبر {محمد صلی الله علیه وسلم} اطاعت کنید و کسانی را اطاعت کنید که از جمله شما صاحبان امر {قدرت مشروع} باشند {اطاعت خدا و رسول خدا بصورت مطلق و طاعت اولی الامر بصورت مشروط یعنی در حدود شرع امر شده است} و اگر در چیزی اختلاف نمودید آنرا بخدا {بحکم قرآن کریم} و به پیغمبر {بحکم سنت نبوی} ارجاع کنید، اگر بخداوند و روز آخرت ایمان دارید، این کار {رجوع بخدا و رسول خدا} برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود.

امام ابن القیم رحمه الله در مورد فِان تنازعتم فی شئ می نویسد: شئ نکره و در قرآن کریم به ترتیب یا صیغه شرطیه آمده است که شامل تمام مسائلی میشود که مسلمانان در آن با هم نزاع دارند. امام الشاطبی رحمه الله در همین مورد در الموافقات می نویسد: کتاب یعنی قرآن و سنت نزد اهل علم در مورد آنها خلاف نیست و کتاب و سنت رهنما و مرجع و اصل در مسائل متنازعه بین مسلمانان میباشد.<sup>108</sup>

<sup>107</sup>. بی بی سی 2 مارچ 2015

<sup>108</sup>. مشکلة الغلو فی الدین، جلد سوم، صفحات 772-773.

### اصلاح فکر غلو و افراط از نظر متفکرین معاصر اسلامی

علمای اسلام نظر دارند مشکلات که مسلمانان در عصر حاضر بدان مواجه اند باید به شکل جدی و در مجموع حل شود. ممکن نیست مسأله غلو و افراط را حل نمود در حالیکه نظام سیاسی و قوانین دولت غیر اسلامی و عدالت اجتماعی وجود نداشته باشد. ممکن نیست حل اسلامی را تطبیق نمود در حالیکه زعمای سیاسی از فلسفه و افکار قومی و نژادی و مذهبی پیروی داشته باشند و اخیراً ممکن نیست فکر غلو و افراط را تصحیح کرد تا زمانی که اشغال نظامی باشد.

بعض مسلمانان تصور دارند که حل مشکلات در کشور های اسلامی محدود و انگشت شمار است در حالیکه محققین و علمای جامعه شناسی اسلامی به این عقیده اند که فساد در کشور های اسلامی خصوصاً در داخل نظام سیاسی صد در صد است و راه حل کامل و شامل آن تبدیل نظامهای سیاسی است.<sup>109</sup>

### ماهیت حل اسلامی

دکتر یوسف القرضاوی در کتاب اش بنام «الحل الإسلامی فریضة و ضرورة» می نویسد حل مشکلات مسلمانان از روش فکر غرب و کمونست غیر وارد است اسلام و یگانه راه حل مشکلات مسلمانان میباشد.

حل اسلامی معنی آن اینست که اسلام قیادت و زعامت و رهبریت مادی و معنوی جامعه را داشته باشد. حل اسلامی معنی آن اینست که زندگانی مردم صبغه و شکل اسلامی داشته باشد. حل اسلامی معنی آن اینست که عقیده مسلمانان و شعار زندگی و اخلاق و تربیت مردم و قوانین دولت اسلامی باشد.

<sup>109</sup>. (111) (دکتر صلاح الصاوی «التطرف الديني والرأى الآخر» صفحات 14-

### حل فکر غلو از نظر علمای غرب و امریکا

دکتور هریر دکمیجیان نظریات و روش علماء غرب را برای علاج مشکلات افراط گرایی بین مسلمانان بحث و باین نتیجه میرسد :

اول- برای اداره امریکا .

دوم - برای طبقه تعلیم یافته و دانشمندان در جهان عرب .

الف ) جهت حمایت منافع و مصالح ولایات متحده امریکا در جهان اسلام و خصوصاً جهان عرب علمای امریکا دو راه حل را پیشنهاد می کنند :

1. تسویه صلح آمیز قضیه عرب- اسرائیل و حمایت از تأسیس اداره سیاسی فلسطینی و قبول موجودیت اسلامی در اماکن مقدسه در قدس .

2. وارد کردن فشار بالای کشور های طرفدار امریکا (کشورهای اسلامی و خلیج عربی) جهت اصلاحات اجتماعی و سیاسی و تحقیق عدالت اجتماعی و اقتصادی و حمایت حقوق انسان .

تطبیق عملی این دو روش سبب میشود تا نظامهای طرفدار امریکا و طبقه تعلیم یافته در جهان اسلام که از سیاست امریکا دفاع می نمایند قانونیت یا صفت قانونی بودن را بدست آورند.<sup>110</sup>

کوشش بعمل آید تا عاطفه قومی در مقابل فکر اسلامی قوت بیشتر را در جهان اسلام بدست آورد به معنی دیگر فکر قومیت تقویت شود.<sup>111</sup>

سیاست امریکا با مبارزه با فکرافراط گرائی بین مسلمانان در این اواخر تا اندازه ا تغییر کرده است . بتاریخ 17 - 2 - 2015 آقای اوپاما رئیس جمهور امریکا از هفتاد کشور اسلامی و غیر اسلامی دعوت

<sup>110</sup> .الأصولية في العالم العربي ، ص 240 .

<sup>111</sup> .دکتور احمد خضر « الإسلام و الكونفرس » ، مجلة المجتمع عدد 972 ، صفحات

نمود تا در یک نشست مهم در واشنگتن موضوع افراط را در بین مسلمانان مطالعه نموده و راه حل آنرا به دولت امریکا تقدیم نمایند. کنفرانس را روز سه شنبه هفدهم فبروری 2015 نائب رئیس جمهور امریکا تحت اسم (محاربت تطرف) در واشنگتن افتتاح نمود. نائب رئیس جمهور امریکا در افتتاح کنفرانس گفت: انتظار جوابات هستیم که خارج از حل عسکری باشد تا ما در امریکا به اساس آن با افراط معامله نمائیم. در این کنفرانس نمایندگان از 70 کشور اشتراک داشتند و در مورد حرکات افراطی و جهادی بحث نمودند. مشکل کنفرانس در آن بود که آقای او باما نمایندگان حکومت های کشور های اسلامی را دعوت کرده بود و زمامداران مستبد در کشورهای اسلامی هر جنبش که علیه استبداد سیاسی باشد آنرا در جمله حرکت های افراطی و تروریستی می دانند.

از نظر علمای غرب و خصوصا علمای امریکا اصولی ها نظریات شان با نظریات فاشیست ها و کمونستها نزدیک است و فکر اصولی ضد سامی (جنس یهود) میباشد و اصولی ها بطور عموم ضد غرب میباشد و زندگی مسالمت آمیز را قبول ندارند.<sup>112</sup>

<sup>112</sup>. دكتور سالم عبدالله «نموذج غربي للحقد على الإسلام»، مجلة الفرقان عدد 71،

## فکر وسط اسلام

دکتور محمد عماره در مورد فکر وسط می نویسد: وسط به معنی اسلام خالص است و فکر وسط روش اسلامی را در روش فکر و زندگی و عملکرد انسان مسلمان می سازد. اصطلاح وسط بالاترین مقام را در فرهنگ و ثقافت اسلام دارد و این اصطلاح به مانند رهنما و چراغ است که امت اسلامی را رهنمائی و از انحراف محفوظ می دارد. اصطلاح وسط در فرهنگ اسلام مقابل فکر غلو و ظلم و باطل است و وسط بودن صفت فطری انسان میباشد. خداوند سبحانه در مورد وسط می فرماید: « و كذلك جعلناكم أمة وسطا لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيدا » (البقرة: 143). و همچنان بر گزیدیم شما را امتی وسط {بهتر، عادل، معتدل} تا شما گواه مردم باشید و پیغمبر گواه شما.<sup>113</sup>

اسلام مسلمانان را دعوت به وسط در تمام امور زندگی میکند و از افراط و تفریط منع می نماید. فکر وسط اسلامی را عده بنام فکر سیاسی نیز یاد می کنند. فکر وسط اسلامی آسانی را در تمام امور زندگی فرد و جامعه میخواهد.

### خصوصیت های فکر وسط اسلامی

اول- فکر وسط اسلامی فکر علمی است و هیچ موضوع را بغیر از دلیل موثق نمی پذیرد. فکر وسط به قضایای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و تربیوی و تعلیمی بواقعیت می بیند. فکر علمی نقد ذات را قبول و اعتراف به خطا و استفاده از خطا را یک حقیقت در زندگی میدانند. فکر

<sup>113</sup>. دکتور محمد عماره «معركة المصطلحات بين الغرب والإسلام»، ص 189،

علمی نظریات متخصصین را به نظر احترام می بیند. فکر علمی عجله را در فیصله ها قبول ندارد و فیصله را بعد از دقت و مطالعه و مشوره و مناقشه می پذیرد. فکر علمی احترام به عقل و تفکر آزاد دارد.

دوم- فکر واقعی، فکر واقعی میخواید تا بین ضرورت های جامعه و امکانات معادله و موازنه باشد و مسلمانان به آینده به واقعیت نظر نمایند. در فقه اسلامی باب مستقل بنام فقه واقعی است. علامه یوسف القرضاوی فقه واقعی را اینطور تعریف میکند: فقه واقعی مبنی به مطالعه و بررسی واقعیت های زندگی مردم میباشد بشرطیکه تمام جوانب و اطراف زندگی بررسی دقیق شود و در این راستا از معلومات صحیح و احصائیه های دقیق استفاده گردد.<sup>114</sup>

در مطالعه ای واقعیت های جامعه لازم است تا بین مصالح و مفاسد مقایسه کرد و در حالت ضرورت و احتیاج هر آنچه ضرر آن کمتر باشد به آن عمل کرد. واقعیت های جامعه از متفکرین میخواید تا هر چیز را بجای اش قرار داد و مراتب را دقت کرد باین معنی که آنچه ضرورت اول است در مقدمه قرار داد و آنچه ضرورت اولیه نیست در آخر گذاشت و نباید یک مسأله کوچک را بزرگ و یک امر بزرگ را کوچک دانست.

مسائل سیاسی و روابط بین المللی و سیستم های دولتی و نظام شورا و مسائل اجتماعی در ساحت فکر واقعی مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد. چون واقعیت زندگی و روابط بین المللی از یک عصر و زمان تا عصر و زمان دیگر تفاوت دارد لهذا جهت موفقیات در همچو مسائل مسلمانان احتیاج و ضرورت به فکر واقعی دارند.

سوم- فکر وسط فکر متجدد است باین معنی که همیشه خود را تجدید میکند. اجتهاد در همه امور زندگی حتی مسائل فقهی از خصوصیت فکر وسط اسلامی است. فکر تجدیدی اقتباس علوم معاصر را از هر

114. فضل غنی مجددی «فقه اقلیتهای اسلامی در غرب» صفحات 30-31.



منبع و جهت باشد ضرورت میداند و مانع اقتباس در مسائل سیاسی و اجتماعی و علمی نیست.

چهارم - فکر وسط اسلامی فکر آینده است و برای آینده توجه خاص دارد و هرگز به عقب بر نمی‌گردد و عقب‌گرائی را فکر وسط اسلامی نمی‌پذیرد. قرآن کریم مسلمانان را به آینده متوجه میسازد. آیات که در قرآن کریم به حرف سین آغاز میشود همه در مورد آینده است. آیات قرآن کریم فکر و حالت نفسانی مسلمانان را آماده تغییرات برای آینده میسازد. در پهلوی قرآن کریم، سنت نبوی صلی الله علیه وسلم مسلمانان را در درس آمادگی و پلان‌سازی و داشتن استراتژی برای آینده می‌نماید.

پنجم - ، فکر معاصر اسلامی ، فکر سیاسی است و از نظر این فکر اسلام در ارکان عبادات خلاصه نمیشود. صاحبان این فکر باین عقیده اند که اگر سیاست را از اسلام بیرون ساخت ، اسلام به دین دیگر غیر از دینی که خداوند برای مسلمانان توسط رسول کریم صلی الله علیه وسلم فرستاده تبدیل می‌شود.

ششم - فکر وسط و معاصر اسلامی توجه به اقتصاد دارد. فکر اسلام اقتصاد اسلامی را بعد اخلاقی میدهد و موضوع حرام و حلال صفت خاص اقتصاد اسلامی است. در فرهنگ فکر اسلامی مال و سرمایه مالک حقیقی آن خداوند سبحانه و تعالی است و انسان و کیل یا نماینده ای خداوند در حفاظت سرمایه و مال است. انسان بصفت و کیل مسئولیت حمایت ، استفاده و توزیع عادلانه سرمایه را دارد. خداوند صاحبان مال و سرمایه را از سود ، غل و غش و اسراف و حفظ مال در خزانه بدون استفاده منع می‌فرماید. در قرآن کریم در باب خلافت انسان از مال الله می‌خوانیم « آمنوا بالله و رسوله و أنفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ فالذین آمنوا منکم و أنفقوا لهم اجرا کبیر» (الحدید: 7). به خدا و پیامبر او ایمان آورید ، و از آنچه شمارا در {استفاده از} آن ،

جانشین {دیگران} کرده ، انفاق کنید ، پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده باشند ، پاداش بزرگی خواهند داشت.<sup>115</sup>

---

<sup>115</sup> . الدكتور يوسف القرضاوى « دور القيم والأخلاق فى الاقتصاد الإسلامى » صفحات 19-20.

## روش فکر معاصر اسلامی در مسائل سیاسی

موضوعات سیاسی و مسائل مربوط به سیاست و دیموکراسی یکی از موضوعات پر جنجال و قابل بحث در جمع متفکرین، فکر معاصر اسلامی است. متفکرین معاصر اسلام در تفسیر و تحلیل مسائل سیاسی دچار مشکلات بزرگ اند و در موضوعات دیموکراسی، حقوق انسان، آزادی های فردی، آزادی بیان و آزادی های عقیده تی و آزادی های سیاسی و روابط سیاسی با جهان غیر اسلام نظریات متفاوت دارند. از اوائل قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم تغییرات بنیادی و جذری و مهم را در همچو مسائل در روش و طرز دید فکر معاصر اسلامی ملاحظه می نمائیم که قابل بحث و نقد و در بسا موارد قابل تشویش است. در این فصل روی مسائل متعلق به دیموکراسی و سیاست و آزادی های اجتماعی و سیاسی و حقوق مدنی به انواع مختلف آن بحث را ادامه میدهیم و امید است ساحة بزرگ و پر جنجال بحث را به صورت بسیار مختصر و فشرده ادامه داده و در نهایت به نتیجه رضایت بخش علمی و انتقادی و اصلاحی برسیم.

در مقدمه این فصل تعریف سیاست و ارزش های سیاسی را از منظور روش و طرز دید فکر معاصر اسلامی به بحث و بررسی می گیریم تا دیده شود که فکر معاصر اسلامی و متفکرین معاصر در مسأله سیاست چه موقف و نظر دارند و همچنان تفاوت نظریات و روش ها و فلسفه های سیاسی معاصر را نسبت به نظریات و روش و فلسفه های سیاسی گذشته مطالعه و بررسی و مقارنه می نمائیم. قبل از آغاز به بحث مسائل سیاسی و خصوصا موضوعات مربوط به دیموکراسی باید واضح باشد که مقصد و هدف از بحث دیموکراسی در اینجا، دیموکراسی سیاسی است نه دیموکراسی اقتصادی و نه هم دیموکراسی

اجتماعی به دلیل اینکه دیموکراسی سیاسی از نظر تعریف و اساسات اولیه آن به اساسات سیاسی اسلام نزدیکتر و در بسا موارد توافق زیاد بین هر دو نظریه و فلسفه وجود دارد در حالیکه بین نظریه دیموکراسی سیاسی اسلامی و دیموکراسی اقتصادی و دیموکراسی اجتماعی غرب تفاوت زیاد وجود دارد و در بسا موارد با هم در تضاد اند..

### دیموکراسی در فرهنگ سیاسی معاصر اسلامی

کلمه یا اصطلاح دیموکراسی در فرهنگ سیاسی و اجتماعی معاصر اسلامی یکی از موضوعات قابل بحث و با ارزش است. عدم فهم صحیح از حقیقت دیموکراسی سبب شد تا دیموکراسی وسیله بدست حکام قرار داشته باشد و زمامداران مستبد در عقب آن پنهان و از نام آن استفاده نمایند. اکثرا زمامداران مستبد از اصطلاح دیموکراسی جانبداری می نمایند و اعمال زشت و استبداد خود را دیموکراسی تفسیر می کنند. گروه از مسلمانان از دیموکراسی لیبرالی و گروه دیگری از دیموکراسی اقتصادی جانبداری دارند. اکثریت مردم در شرق اسلامی فقط و فقط به شنیدن کلمه دیموکراسی اکتفاء و کمتر به مفهوم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آن اهمیت و توجه دارند.

گروه از مسلمانان در تطبیق نظام سیاسی اسلام در عدم فهم و ادراک از تغییرات که در جامعه پیش آمده و بدون اینکه نظام سیاسی اسلام را بهتر و جامعتر مطالعه نمایند در تطبیق نظام سیاسی اسلام سعی نمودند و متأسفانه در تطبیق عملی آن دچار مشکلات گردیدند. عدّه از احزاب اسلامی متأسفانه تا هنوز موفق نشدند تا نظام سیاسی اسلامی را بصورت صحیح آن در جامعه پیاده نمایند و حتی موفق نشدند تا اصطلاح معاصر را برای نظام سیاسی اسلامی تعریف کنند و آنرا به جامعه بصفت علم سیاست معرفی نمایند. ناکامی این گروه ها سبب شد تا مردم در تطبیق عملی نظام سیاسی اسلام بنظر شک و تردید

دیده و تردید و شک تا جای رسید که بعضی از مسلمانان از تطبیق نظام سیاسی اسلام جانبداری و حمایت نکردند.

مشکلات متفکرین اسلام در تعریف اصول اولیه نظام سیاسی اسلامی بزبان و روش معاصر. عدم فهم و درایت امت اسلامی از نظام سیاسی اسلام. مخالفت جهان غرب و سیکولرهای شرق از تطبیق نظام سیاسی اسلام. تطبیق غیر سلیم از نظام سیاسی اسلام در جامعه اسلامی توسط بعضی احزاب سیاسی اسلامی، فرهنگ ضعیف سیاسی در جامعه اسلامی در مجموع سبب آن شد تا مردم از نظام سیاسی اسلامی فاصله گرفته و بدون مطالعه و دقت از نظام دیموکراسی غرب جانبداری نمایند. در مقدمه بحث این موضوعات لازم است اولاً سیاست را از نظر فرهنگ و ثقافت اسلامی بررسی نمود تا جوانان کشور عزیز ما معلومات مقدماتی از تعاریفات اسلامی داشته باشند.

### تعریف سیاست

سیاست در فرهنگ اسلامی و روش فکر معاصر اسلامی معانی مختلف دارد. در ادبیات زبان و فرهنگ اسلامی سیاست مصدر ساس یسوس سیاست آمده است. در دائرة المعارف علوم که از طرف پوهنتون کویت به طبع رسیده سیاست به «علم اداره جامعه انسانی» تعریف شده است.

سیاست در فرهنگ سیاسی اسلام به معانی متفاوت آمده مثل: حسن رعایت، قیام به اجراء عملی که در آن مصلحت مردم باشد، حسن اداره و تدبیر امور مردم. سیاسی یعنی انسان که زعامت و اداره شئون مردم را بدست می گیرد. در حدیث شریف آمده: «ان بنی اسرائیل کان یسوسهم انبیاءهم». بنی اسرائیل را انبیاء شان رهبری میکردند.<sup>116</sup>

<sup>116</sup>. ابن منظور «لسان العرب، ماده سوس و ساس. و الفیروز آبادی «القاموس المحيط».

ابن عابدین سیاست را تعریف جامع تر نموده می نویسد: سیاست اصلاح حال مردم و رهنمائی و ارشاد شان به راه صحیح میباشد تا نجات یابند در دنیا و آخرت. هدف از سیاست در اسلام حفظ مقاصد شریعت یعنی از بین برداشتن آنچه برای مردم ضرر دارد و جلب آنچه برای منفعت مردم است. ابن القیم از ابن عقیل حنبلی در تعریف سیاست این عبارت را نقل میکند: سیاست فعلی است که مردم را به صلاح نزدیک و از فساد دور میسازد.<sup>117</sup>

علمای گذشته سیاست را زیر عنوان «السیاسة الشرعية» بحث می کردند و در تعریف و مقصد از سیاست در کتب قدیم اسلامی وادیات زبان آمده: سیاست اصلاح و تربیت و رهنمائی بشر به خیر و تدبیر امور دنیا و نجات در آخرت است. امام بن عقیل حنبلی در تعریف سیاست با استفاده از تعریف فوق می نویسد: سیاست عبارت از افعال است که انسان را به صلاح نزدیک و از فساد دور می سازد.<sup>118</sup>

هدف و مقصد از سیاست شرعی تحقق مصلحت فرد و جامعه میباشد و مقصد از شریعت یعنی در پرتو شریعت الهی و از نظر علمای فقه شریعت همه ای آن مصلحت است و در آنچه مصلحت امت است آن شریعت است. تفاوت بین هدف و مقصد از سیاست در فکر معاصر اسلامی و غرب در آن است که سیاست اسلامی مصلحت و آرامش انسان را در آخرت و دنیا می خواهد در حالیکه سیاست غرب تنها برای مصلحت انسان در دنیا است و ارتباط به آخرت ندارد.

سیاست شرعی در ساحة روابط بین المللی از مسلمانان می خواهد تا پابندی کامل به مقاصد شرعی برای تحقق مصالح عامه داشته باشند و از شرایط بین المللی و تغییرات که در جوامع بشری پیش میشود

<sup>117</sup>. «إسلامية المعرفة» عدد 2002.

<sup>118</sup>. احمد محمد ولد المصطفى «السیاسة الشرعية فی العلاقات الدولية» ص 16 و الموسوعة الفقهية، وزارت الأوقاف بدولة الكويت، جلد 25.

استفاده نمایند و با جهانیان روابط حسنه در صورتیکه مخالف به اصل شریعت نباشد قائم نمایند. سیاست شرعی در ساحة روابط سیاسی از مسلمانان می خواهد تا با معاهدات امضاء شده با کشور های غیر اسلامی احترام داشته باشند. سیاست شرعی وسیله برای تحقق روابط بین المللی در حالت صلح و دیپلماسی و تبادل تجارت و همچنان برای تثبیت صلح جهانی است و در حالت جنگ اسلام سیاست های حربی دارد.<sup>119</sup>

مذاهب اسلامی علم سیاست و تطبیق عملی آن را بحث نمودند و در مسائل سیاسی مذاهب اسلامی و امامان مذاهب بیطرف نبودند. در بین مذاهب اسلامی، مذهب حنفی در مسائل مربوط به سیاست بیشتر توجه دارد. علامه ابن عابدین که در تاریخ اسلامی بنام ابو حنیفه دوم یاد می شود تعزیر را مرادف سیاست می داند و سیاست را این طور تعریف می کند: سیاست عبارت از فعل و عملی است که حاکم جهت مصلحت مردم آنرا پیش می گیرد و اضافه میکند این تعریف از سیاست یک تعریف صادقانه است و در مسائل فقهی ابن عابدین سیاست را بالاتر و مهمتر از تعزیر می داند.

سیاست در فرهنگ اسلامی عبارت از تدابیر و اجراءات یا اعمال است که از طرف ولی امر مسلمین و به عبارت دیگر از جانب زمامدار به هدف تحقق بخشیدن مصالح مردم و دفع ضرر اجراء و عملی میشود. با استفاده از تعریفات فوق الذکر فکر معاصر اسلامی سیاست را اینطور تعریف و تفسیر میکند:

سیاست عبارت از مجموع قواعد و احکام است که شئون دولت و ایجاد رابطه بین سلطه و مردم را تنظیم میکند. قواعد سیاست و احکام

<sup>119</sup> . دایرو یوسف الصدیقی « المستجدات الفقهية فی العلاقات الدولية » دارالنفائس ، 1433 ، و احمد أبو الوفا محمد « القانون الدبلوماسی الإسلامی » القاهرة دار النهضة العربية ، 1992.

اسلامی شامل انتخاب زعیم و حقوق و وجایب زعیم جهت تحقق بخشیدن مصالح مردم و از بین برداشتن آنچه به ضرر مردم است می باشد. کلمه سیاست اصلاح و حسن تدبیر و قوه اداره و توجیه روش اجتماعی و فردی به سوی خیر و توحید ملت و مقاومت و مبارزه با فساد و ظلم و آوردن صلح و آرامش در جامعه و حفظ شرف و ناموس و سرمایه مردم است.<sup>120</sup>

### فکر معاصر اسلامی سیاست را به دو بخش تقسیم میکند

بخش نظری: در این بخش سیاست علم مستقل و دارای اهمیت و منزلت و مقام عالی است.

بخش عملی: سیاست وظیفه با شرف برای منافع و مصالح مردم است. سیاست عادلانه در هیچ مورد مخالف شریعت نیست و با شریعت توافق کلی دارد و سیاست در فکر اسلامی عدل خداوند و رسول الله است.<sup>121</sup>

علامه شیخ محمد عبده معرفت و علم داشتن ملت را به سیاست بدرجه واجب میرساند و دلیل او در واجب بودن فهم سیاست آیه مبارکه «و لتكن منكم امة يدعون إلى الخير و يأمرن بالمعروف و ينهون عن المنكر و أولئك هم الملاحفون» (آل عمران: 104). و باید از جمله شما { مؤمنان } گروهی باشد که { مردم را } به خیر { اسلام و شریعت اسلامی } دعوت کنند و به معروف { هر آنچه از گفتار و کردار که در نظر شرع پسندیده باشد } امر دهند و از منکر { ضد معروف } نهی نمایند و آنان خود رستگارانند. علامه محمد عبده در مورد علم سیاست می گوید: مراد

<sup>120</sup>. سیاست - ویکیپدیا، الموسوعة، <https://ar.wikipedia.org/wiki/> al-  
 seyassah.com/archives و [www.siyassa.org.eg](http://www.siyassa.org.eg) و avb-  
 oman.net و [www.ikhwanwiki.com/index.php?title=](http://www.ikhwanwiki.com/index.php?title=) السیاسه و  
<https://www.facebook.com/DFP.portsaid> همچنان ( ابن سیه « المحکم و  
 المحيط الأعظم فی اللغة » القاهرة، معهد المخطوطات العربیة » ص 354 جلد 8.  
<sup>121</sup>. الدكتور یوسف القرضاوی « فتاوی معاصرة جزء دوم »، ص 701.



و مقصد از علم سیاست، علم داشتن به احوالات کشور های هم عصر و معاهدات و حقوق بین طرفین است و همچنان علم داشتن به روش استعمار، امت اسلام که برای دعوت میباشد در وظیفه دعوت موفق نمی باشد مگر اینکه معلومات و معرفت به سیاست کشور ها داشته باشند، و سیاست باین روش و اسلوب در عصر صحابه بود.<sup>122</sup>

عده از متفکرین معاصر اسلام نظریات و تعریفات محمد عبده را از سیاست نقد شدید می نمایند و در بین این گروه از علماء دکتور محمد عماره است. دکتور محمد عماره در نقد خود باین عقیده است که نظریات سیاسی محمد عبده حکومت فرد را تقویت می کند و حاکم مستبد اگر چه عادل هم باشد به زودی به شخص دیکتاتور تبدیل می شود. اما شاگرد محمد عبده علامه رشید رضا از نظریات سیاسی او دفاع می کند و دلیل مخالفت محمد عبده را از سیاست به این عبارت توضیح و تفسیر میکند: محمد عبده سیاست را تقبیح کرد به دلیل اینکه سیاستمداران در تمام بلاد مسلمین مستبد بودند و سیاست استبدادی حکمفرما بود و تأیید سیاست حکام مستبد سبب فساد امت شد.<sup>123</sup>

عده باین عقیده اند که کلمه و اصطلاح سیاست در قرآن کریم و سنت نبوی نیامده و اگر در اسلام سیاست میبود قرآن کریم و سنت نبوی از ذکر آن ابا نمی ورزیدند و قرآن در تعریف و تفسیر سیاست سکوت نمی کرد. این یک عقیده و فکر و برداشت غیر صحیح از آیات قرآن کریم است اگر به آیات قرآن کریم توجه شود ملاحظه می شود کلمه عقیده و فضیلت نیز در قرآن کریم ذکر نشده و باین معنی نیست که قرآن کریم در مورد عقیده و فضائل اخلاق سکوت نموده.

<sup>122</sup>. دکتور عماره، محمد «الأعمال الكاملة للإمام محمد عبده» جلد اول، ص 351) و همچنان «إسلامية المعرفة» عدد 40، 2005، فصل امام محمد عبده.

<sup>123</sup>. إسلامية المعرفة، عدد 40، ص 158.

علامه شیخ یوسف القرضاوی در مورد سکوت قرآن کریم و عدم ذکر اصطلاح سیاست می نویسد: قرآن کریم کلمه «الملک» یعنی حاکم و قائد و زعیم را ذکر میکند و از زمامدار عادل و ظالم یاد میکند در آیه 54 سوره النساء می خوانیم «فقد آتینا آل ابراهیم الكتاب و الحکمة و آتیناهم ملکا عظیما». و البته ما به آل ابراهیم کتاب {آسمانی} و حکمت و همچنان به آنان ملک عظیمی داده ایم . در آیه 247 سوره البقرة می خوانیم « و ممن آتاهم الله الملك : طالوت ، الذي بعثه الله ملكا لبنى إسرائيل ، ليقاتلوا تحت لوائه ، و قال لهم نبیهم إن الله قد بعث لكم طالوت ملكا». و پیغمبر شان به آنها گفت: خداوند همانا طالوت را بشما پادشاه مقرر کرد ، گفتند چگونه ممکن است که وی سزاوار پادشاهی بر ما باشد در حالیکه ما به پادشاهی شایسته تر از او هستیم ، و مال فراوان هم به وی داده نشده است ، پیغمبر گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و در دانش و توانائی جسمی به وی افزونی بخشیده است ، و خداوند ملک خود را به هر که خواهد میدهد و خداوند گشایش دهنده ، دانا است . آیات متعدد در قرآن کریم است که مردم را به قیام علیه ظلم و استبداد و خصوصا حاکم ظالم و مستبد امر میکند. ذکر پادشاه و مبارزه علیه حاکم مستبد و تطبیق عدالت اجتماعی و حمایت مساکین و شرف و عزت مردم همه از جمله مسائل است که ارتباط مستقیم به سیاست دارد و در قرآن کریم در همه این موارد آیات صریح است ، پس نمیتوان گفت که قرآن کریم در موضوع سیاست سکوت کرده است.<sup>124</sup>

در کتب احادیث در مورد سیاست احادیث زیاد باین معنی ذکر شده ، از سیاست های رسول اکرم صلی الله علیه و سلم . مشکل بزرگ در فقه سیاسی نزد عده از محققین جوان در عدم فهم صحیح از سنت و سیرت در استنباط احکام سیاسی است. گروه از مسلمانان خصوصا محققین

<sup>124</sup> . دکتر یوسف القرضاوی ، مفهوم کلمه «السیاسة» فی القرآن و السنة ، ربیع

الثانی 1402 هـ ، 14 اپریل 2008.

جوان که در مسائل سیاسی اسلام بحث و تحقیق میکنند عموماً سیرت را بجای سنت در فقه سیاسی قرار میدهند. این روش مشکلات بزرگ را در ساحت سیاسی اسلام معاصر بجا آورده است. سنت مرجع دوم در فقه سیاسی است نه سیرت و در سیرت اموری داخل شده که اصل و سند قوی ندارد و آن توجه و دقت که علماء در علم سنت دارند در علم سیرت ندارند و امید است محققین جوان و عزیز کشور ما در فقه سیاسی فرق بین سنت و سیرت را بدانند و در مسائل سیاسی به سنت صحیح استنباط و از استفاده سیرت در مسائل سیاسی دوری نمایند.<sup>125</sup>

در فقه سیاسی اسلام رئیس دولت دارای منصب دینی و سیاسی است و در سیاست اسلامی بین سلطه دینی و سیاسی جدائی نیست. علماء از قدیم الزمان تا امروز باین عقیده اند که رئیس دولت وکیل و نائب رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در حفاظت دین و سیاست دنیا است. سنت سیاست را با عقیده و اخلاق یکجا می کند. عقیده و اخلاق دو عنصر مهم در سیاست اسلامی است و همین دو مبدأ مبادی سیاست اسلامی را از سیاست غرب جدا میسازد.<sup>126</sup>

عده از علماء ساحت بزرگتر را برای علم سیاست اختصاص داده اند و عده ساحت کوچک تر را و عده هم سیاست را ضمن موضوعات دیگر بحث کرده اند. از جمله علماء که موضوعات سیاسی را بحث دقیق نموده اند و در این بحث از نظریات شان استفاده میشود عبارتند از ابی الحسن الماوردی در کتاب «الأحكام السلطانية»، ابی یعلی الفراء در کتاب «غیاث الأمم فی التیایث الظلم» یا «الغیائی» ، الجوینی در کتاب «السیاسة الشرعية» و ابن تیمیه در کتاب «الطرق الحکمیة». ابن القیم در کتاب «الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة». عده از علماء

<sup>125</sup> . فضل غنی مجددی «مطالعة تمهیدی در سنت و حدیث نبوی» فصل تفاوت بین سنت و سیرت .

<sup>126</sup> . دکتر یوسف القرضاوی «الحل الإسلامی فريضة و ضرورة» ص 64 .

سیاست اقتصادی را بصورت مستقل بحث می کنند مانند: «الخراج» از ابی یوسف و کتاب «الخراج» از یحیی بن آدم و الأموال از ابی عبید القاسم بن سلام و کتاب «الأموال» از ابن زنجویه و دیگران.

تصوف اسلامی در مسائل سیاسی سکوت نمی کند و متصوفین بزرگ سیاست اسلامی را تعریف دقیق کرده اند و عده از متصوفین مانند امام احمد سرهندی کابلی علیه استبداد سیاسی اعلان جهاد داد. حجت الاسلام و المسلمین ابو حامد غزالی در کتب خود إحياء علوم الدین و علم الکلام و کتاب العلم در موضوعات فقه و سیاست و رابطه بین فقیه و سیاسی بحث های جالب دارد. در إحياء می خوانیم: فقیه عالم به قانون سیاست میباید، فقیه معلم سلطان و رهنما سیاست خلق جهت استقامت امور دنیا است.<sup>127</sup>

دانشمندان فکر معاصر اسلامی خلافت و زعامت را ارتباط مستقیم به سیاست می دهند و خلافت را اینطور تعریف می کنند: خلافت نیابت از صاحب شرع یعنی رسول الله صلی الله علیه وسلم در حراست دین و سیاست دنیا. متفکرین اسلامی سیاست اسلامی را رکن مهم از ارکان اسلام می دانند و دین و دنیا را ارتباط مستقیم به سیاست میدهند و دین بدون سیاست و سیاست بدون دین را خلاف شریعت اسلامی می دانند.<sup>128</sup>

در مصاحبه با جریده الشرق القطریة به تاریخ 31 ماچ 2015 علامه شیخ یوسف القرضاوی در ارتباط سیاست با اسلام و اسلام با سیاست می گوید: دین سیاست و سیاست دین ما است.

متفکرین معاصر اسلامی بحث های مفید و با ارزش را در ساحة سیاسی انجام دادند و کتابخانه اسلامی را غنی تر ساختند و از جمله کتب جدید

<sup>127</sup>. الإحياء (17/1) طبع دار المعرفة، بیروت.

<sup>128</sup>. دكتور ضياء الدين الريس «النظريات السياسية الإسلامية» ص 125

در سیاست اسلامی میتوان کتب ذیل را نام برد. ازمه الحریة السیاسیة فی الوطن العربی ، حریة الرأی فی المیدان السیاسی فی الاسلام ، الحریة السیاسیة فی الإسلام ، الحریة الفکریة و السیاسیة فی ظل الحکم الإسلامی ، الحریة و الفکر السیاسی المصری ، الحقوق و الحریات السیاسیة فی الشریعة الإسلامیة ، النظم السیاسیة و الحریات العامة و النظریات السیاسیة الإسلامیة و غیره کتب که در نهایت این بحث معرفی می شوند .

استبداد داخلی و اشغال خارجی سبب شد که عامه مردم از سیاست دوری نمایند و سیاست را غدر و غل و غش بدانند . کراهیت مردم تا اندازه در مقابل کلمه و اصطلاح سیاست رسید تا اینکه علامه بزرگ شیخ محمد عبده گفت: أعود بالله من السياسة ، و من ساس . به خداوند پناه میبرم از سیاست و سیاستمداران . مخالفین فکر سیاسی اسلام کلمات شیخ محمد عبده را بدون اینکه اسباب و عوامل سیاسی عصر محمد عبده را مطالعه و بررسی نمایند از نظریات او ضد فکر سیاسی معاصر اسلام استفاده نمودند . سلطه سیاسی و زمامداران مستبد اسلام را وسیله استبداد سیاسی خود ساختند و از نام اسلام برای بقاء زعامت خود استفاده کردند و به عبارت دیگر سیاست اسلامی را در خدمت اغراض و سلطه استبدادی خود قرار دادند . علماء سلطه یعنی علمای که در خدمت زمامداران مستبد قرار دارند در فتواهای خود مخالفین سلطه سیاسی و زمامداران مستبد را مرتد و خارج از اسلام می دانند و برای اجبار مردم از متابعت استبداد اسلام را وسیله می سازند و فتوا را در خدمت سیاست و سیاستمداران قرار می دهند . بطور مثال یکبار فتوا دادند که جنگ با اسرائیل جهاد اسلامی است و بار دیگر فتوا دادند که صلح با اسرائیل سیاست اسلامی است . یکبار جنبش دیموکراسی جوان مصر و بهار عرب را هدیه خداوند معرفی کردند و بعداً از انقلاب خونین عسکری و قیام دیکتاتوری جدید در مصر حمایت کردند و نهضت دیموکراسی بهار عرب را خلاف اسلام و

آنانکه دعوت به آزادی می نمایند ایشانرا به نام تروریست و خوارج شناختند و قتل شانرا واجب اسلامی دانستند. مفتی مصر شیخ علی جمعه در آخرین فتوا خود از مصری ها خواست تا زنان خود را اگر اعضای اخوان المسلمین باشند طلاق کنند به دلیل اینکه دختران اخوان المسلمین مشرک هستند و زن مشرکه نکاح اش با مرد مسلمان جواز ندارد و همچنان فتوا داد که کشتن مخالفین حکومت انقلاب عسکری در مصر جواز دارد به دلیل اینکه مخالفین سیاسی نظام مارشال سیسی از جمله خوارج اند و خوارج باید کشته شوند و همچنان فتوا داد که مارشال سیسی و جنرال ابراهیم وزیر داخله انقلاب از جمله ای رسل اند که خداوند برای نجات مردم مصر فرستاد مثلیکه قبلا خداوند حضرت موسی و هارون را برای نجات مردم مصر از ظلم فرعون فرستاده بود.

در افغانستان یک گروه از علما حکومت تحت حمایت خارجی را کفر و جهاد علیه آن را بالای تمام مردم فرض میدانند و مخالفین امریکا را مجاهدین می دانند و گروه دیگر امریکا را دوست و حمایت کننده ای دولت اسلامی در افغانستان و موجودیت قوای ناتو را در خاک اسلام یکی از ضروریات دین معرفی میکنند. در عصر امام محمد عبده همین حالت در جهان اسلام حاکمیت داشت و سیاست اسلامی در خدمت استعمار و استبداد سیاسی بود. امام محمد عبده سیاست زمان خود را محکوم و علیه آن فتوا داد نه اینکه با سیاست و مسائل سیاسی مخالفت داشت. محمد عبده از جمله علمای معاصر اسلامی است که سیاست را برای اداره شئون دولت از واجبات اسلامی می داند.

علامه محمد عبده روش جدید سیاسی را به مسلمانان معرفی کرد و در روش سیاسی جدید آزادی های فکری و عقلی و سیاسی را ستون فقرات سیاست اسلامی دانست و سیاست بدون آزادی و آزادی بدون سیاست را استبداد خطاب کرد. محمد عبده در علم سیاست بین «جبر و اختیار» و بین «قضاء و قدر» جمع کرد و سیاست را با شورا ارتباط داد. از نظر

محمد عبده عقیده «جبر» و رابطه آن با سیاست عامل مهم و اساس اول عقب گرائی مسلمانان است و زمامداران فاسد از عقیده جبر و قضاء و قدر در مسائل سیاسی استفاده سوء کردند و ملت را غلام و اسیر سیاست جبروت خود ساختند و ملت در نتیجه فقر علمی و عدم دانش اسلامی به استبداد سیاسی راضی و استبداد سیاسی را جبر و قضاء و قدر الهی دانست و به آن راضی شد.

محمد عبده سیاست را بعد اخلاقی داد و سیاست اسلامی را سیاست اخلاق معرفی کرد و در بحث خود از سیاست باین نتیجه رسید که اصلاح سیاست از اصلاح اخلاق شروع می شود و اصلاح اخلاق جامعه مقدمه برای اصلاح سیاست است. محمد عبده سیاست اسلامی را کاملاً سیاست مدنی میدانند و عقیده برین دارد که سلطه سیاسی در نظام سیاسی اسلام مدنی مطلق است و اضافه می کند که سلطه دینی در سیاست اسلامی جا ندارد و یک اصطلاح وارد شده و خارج از فرهنگ اسلامی است که داخل فرهنگ سیاسی اسلام شده است.<sup>129</sup>

فکر معاصر اسلامی سیاست را جزء لاینجزاء از دین اسلام میدانند و متفکرین معاصر خط اسلامی باین عقیده اند که مسلمان در تمام حالات حتی در وقت نماز و حج سیاسی است و سیاست اسلامی برای حفظ اهداف پنج گانه اسلام یعنی حفظ حیات، عقیده، عقل، ممتلكات و خانواده است و اهداف پنج گانه ستون فقرات سیاست اسلامی را می سازد.

مخالفین سیاست در اسلام کوشش دارند تا سیاست را کاملاً از اسلام جدا سازند این گروه عقیده برین دارند که اسلام دین مقدس و پاک است و اگر سیاست را داخل اسلام سازیم اسلام مقدس را ناپاک و آلوده می

<sup>129</sup>. هویدی، فهمی «الإسلام والديمقراطية» مجلة المستقبل العربي، عدد 166، ديسمبر 1992، ص 9 و همچنان دیده شود «إسلامية المعرفة» عدد 40، 1426 هـ / 2005 م.

نمائیم متأسفانه بعضی از نویسندگان معاصر در جهان اسلام نیز بهمین عقیده اند و کوشش دارند تا اسلام را از سیاست جدا سازند. مشکل این گروه در عدم فهم صحیح از اسلام و سیاست اسلامی و علم سیاست است. در فرهنگ سیاسی اسلام سیاست هنر زشت و عقیده فاسد نیست که یکجا شدن آن با اسلام، اسلام را ناپاک سازد.

اسلام عقیده لاهوتی و تنها شعائر تعبدی نیست و تنها رابط بین خالق و مخلوقات را تنظیم نمی‌کند بلکه رابطه بین خالق و مخلوق و بین مردم و سلطه سیاسی را تنظیم می‌کند. اسلام موقف صریح و واضح از سیاست و قواعد و احکام ثابت در مسائل سیاسی دارد.

اسلام مسلمانان را تربیت سیاسی می‌کند و اجازه نمیدهد که مسلمان در مسائل سیاسی بیطرف باشد. اسلام می‌خواهد تا مسلمان در مسائل سیاسی موقف ایجابی و مثبت داشته باشد. فرضیت امر بالمعروف و نهی از منکر و نصیحت زمامداران، مقاومت فساد داخلی و اشغال خارجی در فکر معاصر اسلامی عمل سیاسی است و مسلمانان باید موقف ثابت سیاسی و مبارزه مسالمت آمیز علیه استبداد سیاسی و اشغال خارجی داشته و در مسائل سیاسی بیطرف و بیننده نباشند. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «افضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر» بهترین جهاد گفتار حق در مقابل سلطان ظالم است. سلطان ظالم و مستبد فساد داخلی را سبب می‌شود و فساد داخلی اسباب مداخله خارجی را آماده می‌سازد. مقاومت سلطان ظالم و مستبد از نظر فرهنگ سیاسی معاصر اسلامی تشکیل و ایجاد جبهه مخالف علیه نظام است. فکر معاصر اسلامی مخالفت و مقاومت انفرادی و فردی را علیه سلطان ظالم و استبداد سیاسی در عصر حاضر قبول ندارد و برای اصلاح دولت و زمامداران فاسد و استبداد سیاسی فکر سیاسی معاصر اسلام دعوت به تشکیل حزب یا احزاب سیاسی می‌نماید به دلیل اینکه عصر حاضر عصر تشکل جمعیت‌ها و احزاب و انجمن‌ها است و عصر فردی و حرکت انفرادی خاتمه یافته است. انسان اگر در



مبارزه با فساد و علیه حاکم مفسد و ظالم کشته میشود به بالاترین درجه شهادت نائل می شود. هجرت از کشوری که در آن استبداد سیاسی حکمفرما باشد نوعی از انواع مقاومت سیاسی به حساب می آید .

در فکر سیاسی اسلام بازی به کرامت انسان ، تقلب در انتخابات ، سرقت سرمایه های ملی و اشخاص همه در جمله منکرات است و اسلام مسلمانان را امر به مقاومت منکرات می کند . در سوره المائده آیت 78 و 79 می خوانیم « لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون \* کانوا لیتناهون عن المنکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون » آنانکه از بنی اسرائیل کافر شدند بر زبان داود و عیسی پسر مریم لعنت شده اند ، این بخاطر آن بود که مرتکب گناه گردیدند و { از حدود حق } تجاوز می نمودند \* آنها از اعمال زشت که انجام داده بودند دست برداشته و همدیگر را از آن { اعمال بد } نهی نمی کردند ، چه کار بدی که انجام میدادند . قرآن کریم یکی از اسباب هلاکت قوم یهود را خاموشی و عدم مقاومت از اعمال زشت زمامداران شان میدانند به معنی دیگر قوم یهود در مقابل فساد و استبداد سیاسی و استثمار اقتصادی سکوت کردند .

علامه دکتور یوسف القرضاوی بالاترین و خطرناکترین منکر را منکر سیاسی میدانند به دلیل اینکه منکر سیاسی دروازه تمام منکرات را باز میکند القرضاوی می گوید مسلمان به طبیعت ایماننداری نباید در مقابل منکرات چه منکر سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی باشد سکوت کند و باید علیه منکرات قیام نماید .<sup>130</sup>

### فکر معاصر اسلامی و دیموکراسی

دیموکراسی رکن از ارکان فرهنگ سیاسی است . فرهنگ و ثقافت هر جامعه اساسات دیموکراسی آنرا میسازد لذا مفهوم علمی و تطبیق

<sup>130</sup> . دکتور یوسف القرضاوی «فتاوی معاصره» جزء دوم ، صفحات 695-696 .

عملی دیموکراسی از یک جامعه تا جامعه دیگر نظر به ارزشهای معنوی و اخلاقی و دینی تفاوت میکند بنابراین نا ممکن است معانی و مفاهیم سیاسی دیموکراسی را از یک جامعه کاپی و در جامعه دیگر بدون تعدیل و مطابقت دادن به شرایط خاص جامعه تطبیق کرد. دیموکراسی در رابطه بین فرد و سلطه خلاصه نمیشود بلکه شامل تمام امور زندگی و آزادی ها به انواع مختلف آن، شکل نظام سیاسی، رابطه بین مردم و دولت، تشکیل احزاب و نقش احزاب در ساختار دولت، حزب مخالف، اتحادیه ها و انجمن ها و غیره را شامل می شود.

فرهنگ سیاسی و تکامل سیاسی مشترکا یکدیگر خود را تکمیل می نماید. فرهنگ سیاسی زیر بنای هویت ملی است و هویت ملت بیانگر فکر سیاسی و نمونه از همبستگی و دوام سیستم سیاسی آن میباشد. ثبات و عدم ثبات سیستم سیاسی یک ملت را در فرهنگ سیاسی آن ملت باید تحقیق و جستجو و بررسی کرد. همانطور که فرهنگ عالی و قوی در ساختار و حفظ و تطبیق نظام سیاسی و تطبیق عادلانه دیموکراسی نقش فعال و اساسی را دارد بهمان اندازه فرهنگ ضعیف سیاسی در ساختار تکامل سیاسی نقش منفی را دارد. دانشمندان و متخصصین در امور سیاسی و فلسفه دیموکراسی باین عقیده اند که با وجود نامعین مفهوم فرهنگ سیاسی، کلچر سیاسی، بایست فرهنگ سیاسی را برای تطبیق دیموکراسی در کشورهای جوان دقیقا تحقیق و مد نظر گرفت.<sup>131</sup>

در اسلام دین خارج از دایره ای فرهنگ و ثقافت و سیاست مطالعه نمی شود بدلیل اینکه دین فرهنگ و ثقافت روش سیاسی جامعه اسلامی را میسازد. نقش دین در جامعه اسلامی باندازه قوی و مؤثر است تا درجه

<sup>131</sup>. دکتر خلیل الله قدیری «نگاهی به دیموکراسی در فرهنگ سیاسی اسلام و افغانستان»، ص 34.

که علمای جامعه‌شناسی و سیاسی فرهنگ جامعه اسلامی را فرهنگ دینی می‌دانند.

همانطوریکه فرهنگ و ثقافت و دین هر ملت با هم تفاوت دارد سیستم‌های دیموکراسی و آزادی‌های سیاسی و روش فکری و سیستم اقتصادی هر جامعه نیز متفاوت می‌باشد و ممکن نیست نظام سیاسی و دیموکراسی جامعه غرب را بدون تعدیل و اسلامی ساختن در جامعه اسلامی تطبیق کرد و همچنان ممکن نیست سیستم سیاسی و قانون اسلام را بدون تعدیل و غربی ساختن در جامعه غیر اسلامی در غرب تطبیق نمود. نظام سیاسی و اقتصادی اسلام برای جامعه اسلامی و نظام اقتصادی و سیاسی غرب برای جامعه غرب ساخته شده است.

تجربه‌های دیموکراسی و تطبیق غیر واقعی از دیموکراسی در کشور های اسلامی توسط نظام‌های غیر ملی و استبدادی و مداخلات غرب نظر و رأی اکثریت مسلمانان را نسبت به دیموکراسی تغییر داده است و اکثریت نهضت‌های اسلامی و مسلمانان عموماً در شرایط موجوده از فلسفه دیموکراسی غرب حمایت نمی‌کنند و دیموکراسی را وسیله بدست سیاستمداران غرب جهت اشغال کشور های اسلامی می‌دانند. واقعیت این است که کشورهای که از دیموکراسی حمایت می‌کنند و جهانیان را برای تطبیق دیموکراسی مجبور می‌سازند با اسلام و مسلمانان زیر نام آزادی و دیموکراسی دشمنی دارند و ملت‌های ضعیف و ناتوان را مجبور به اطاعت و تسلیم شدن بخود می‌نمایند و زیر نام دیموکراسی مبادی اخلاق و عقیده و دین و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی را احترام نمی‌کنند.<sup>132</sup>

فکر معاصر اسلامی دیموکراسی را بصفت یک فلسفه سیاسی می‌شناسد نه بصفت دین. دانشمندان فکر اسلامی معاصر باین عقیده اند که نباید دیموکراسی را به مقام دین ارتقا داد. دیموکراسی نتیجه

<sup>132</sup>. دکتر توفیق الشاوی «فقه الشوری»، ص 25.

تجربه‌های انسانی در جامعه است که در آن نقاط مثبت و مفید و نقاط ضعف و قوت وجود دارد در حالیکه دین از جانب خداوند است و برای هدایت بشر میباشد و بشر در تغییر و تبدیل اساسات و مبادئ دین حق تصرف را ندارد. عده‌ای نویسندگان غرب و عشاق فلسفه دیموکراسی کوشش دارند تا دیموکراسی را لباس دین داده و مردم را دعوت به اعتقاد آن نمایند. آقای «هیبری فیدرین» وزیر خارجه فرانسه در کنفرانس بین‌المللی در شهر فرسوفیا که در آن نمایندگان از صد کشور حضور داشت در مورد دیموکراسی گفت: غرب دیموکراسی را دین جدید معرفی میکند و از مردم میخواهد تا به دین جدید ایمان آورند. در عدم قبول دیموکراسی به حیث دین جدید عده‌ای دانشمندان غرب نیز با متفکرین فکر اسلامی هم عقیده میباشند. خانم «مدلین اوبرایت» وزیر خارجه اسبق امریکا در کنفرانس فرانسه با نظریات وزیر خارجه فرانسه به مخالفت برخاست و گفت دیموکراسی دین نیست، بلکه دیموکراسی ایمان و قناعت است.<sup>133</sup>

متفکرین مسلمان تجربه‌های اروپا را برای رسیدن به دیموکراسی بنظر تقدیر و احترام می‌بینند و روش دیموکراسی غرب را بعد از تعدیلات و مطابقت دادن با روش اسلامی وسیله فعال برای مبارزه علیه حکم فردی و دیکتاتوری و تسلط سیاسی در کشور های اسلامی میدانند.

دکتور یوسف القرضاوی دیموکراسی را به این عبارت معرفی میکند: جوهر دیموکراسی یعنی مردم زعیم و حاکم را انتخاب می‌کنند و هیچ کس بدون رضایت مردم خود را بصفه حاکم تعیین کرده نمیتواند، ملت حق محاسبه و عزل حاکم را اگر خطأ و انحراف نماید میداشته باشند و سلطه سیاسی، سیاست اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را

<sup>133</sup>. عبدالله بن الشیخ المحفوظ بن بیه «حوار عن بعد» ص 76.

بدون اراده و رأی ملت ساخته نمی تواند. این است جوهر و حقیقت دیموکراسی. دیموکراسی به تعدد احزاب حق اکثریت به حکومت و حق اقلیت به معارضه و آزادی بیان و استقلال قضاء احترام دارد. اگر دیموکراسی را بررسی و مطالعه نمائیم باین نتیجه میرسیم که دیموکراسی با اصل اسلام در تضاد نیست. اسلام اجازه نمی دهد که انسان بدون رضایت مردم امامت نماید، اگر شخص بدون رضایت مردم حق امامت را ندارد پس چطور میتواند بدون رضایت مردم حق زعامت سیاسی را داشته باشد.<sup>134</sup>

قرآن کریم کسیکه بدون اراده مردم حکومت کند مثل نمروود و فرعون و سیاستمداری که به سرنوشت مردم بازی کند مثل هامان و سرمایه داری که حاصل عرق ملت را غصب نماید مثل قارون را شدیداً تقبیح می نماید. قرآن کریم اهل ایمان را متوجه خطر استثمار اقتصادی و سیاست غیر عادلانه و حاکم طاغی میسازد و آیات صریح مسلمانان را برای مبارزه علیه استبداد سیاسی امر می کند.

دکتور علی القره داغی سکرتر جنرال جمعیت علمای اسلام در مصاحبه خود با تلویزیون مکملین به تاریخ 29 مارچ 2015 در مورد دیموکراسی می گوید: مسلمانان در عصر استبداد و دیکتاتوری و طغیان زندگی دارند. در سایه دیکتاتوری و استبداد سیاسی مسلمانان فهم و ادراک شان از دیموکراسی بیشتر شده است و جامعه اسلامی به سوی دیموکراسی در حرکت است و در شرایط معاصر حکم اسلامی معتدل بهترین بدیل حکم استبدادی در جهان اسلام است. دیموکراسی و قوانین مدنی غرب برای مصلحت مردم ساخته شده است و اسلام هر قانون و نظام سیاسی که برای مصلحت مردم باشد آنرا اسلامی می داند بدلیل اینکه اسلام برای جلب مصلحت و دفع مضرت آمده و

<sup>134</sup>. دکتور یوسف القرضاوی «فتاوی معاصرة» جزء دوم، صفحات 706-707.

دیموکراسی امروز به مصلحت مردم است و تطبیق آن در جامعه اسلامی منافی سیاست اسلام نیست .

فکر و فلسفه دیموکراسی حاصل تجربه و اجتهادات بشر است و نمیتوان تجربه و فکر و اجتهادات انسان را خلاف شریعت تفسیر کرد . فکر و اجتهاد زمانی قابل نقد و مخالفت است که با اصل شریعت مخالف واقع شود در حالیکه مبادئ دیموکراسی مثل شورا ، تقدیم نصیحت ، امر به معروف و نهی از منکر ، تطبیق عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و تحقق مصالح و منافع و دفع ضرر که از اساسات اولیه نظام سیاسی اسلام است با نظام سیاسی و اصل دیموکراسی خصوصاً با دیموکراسی سیاسی غرب مخالف نیست . بین دیموکراسی غرب و نظام سیاسی اسلام در بسا موارد وجه مشترک وجود دارد و میتوان از مبدأ مشترک بین نظام سیاسی غرب و اسلام استفاده کرد . وجه مشترک بین نظام سیاسی اسلام و دیموکراسی غرب عبارت است از :

1 ( قاعده ای شورا اصول اولیه نظام اسلامی و اصل نظام دیموکراسی را می سازد . شورا نقطه توافق و نزدیکی بین نظام دیموکراسی غرب و نظام سیاسی اسلام است و ممکن است از همین نقطه کار مشترک را آغاز کرد .

2 ( انتخاب رئیس دولت و قوانین برای اداره شئون دولت و مبارزه با استبداد و عدم اعتراف به نظامهای که از طریق انقلابات عسکری و تقلب در انتخابات و اشغال خارجی روی کار آید اساس نظام سیاسی اسلام را میسازد و در همین مبادی نظام دیموکراسی غرب نیز با نظام سیاسی اسلام توافق دارد .

3 ( حق اکثریت به حکومت و احترام حق اقلیت در اعتراض . این قاعده در فرهنگ اسلامی بنام « اتباع الجماعة و السواد الأعظم » متابعت

جماعت و یا اکثریت یاد میشود. این قاعده در دیموکراسی غرب نیز وجود دارد.<sup>135</sup>

حسن البناء با اصل دیموکراسی و مؤسسات دیموکراسی مخالف نبود. البناء در تعریف دیموکراسی اسلامی میگوید: دیموکراسی بدون ضمانت آزادی خصوصاً آزادی رأی و اشتراک ملت در تشکیل حکومت معنی و مفهوم ندارد. وجود دو حزب در امریکا و بریتانیا و اشتراک در انتخابات و اختلاف نظر در عمل سیاسی و مصالح ملی و همچنان حزب واحد در وحدت ملی قابل قبول و احترام است.<sup>136</sup>

حسن البناء اشتراک مستقیم مردم را در ساختار و اداره دولت از اساسات نظام سیاسی اسلام میداند و به نظام سیاسی و دیموکراسی امریکا و بریتانیا خوشبین است. نظریه البناء در مورد دیموکراسی غرب روش فکر معاصر اسلام سیاسی را از یک قرن باینطرف می سازد.<sup>137</sup>

متفکرین معاصر اسلامی استفاده از تجربه های دیموکراسی غرب را برای ساختار نظام سیاسی و بناء دولت و مؤسسات از ضرورت های عصر می دانند اما به شرطیکه در نظام اساسی دولت ثابت باشد که دین دولت اسلام و شریعت مصدر تمام قوانین است و هر قانون که مخالف با قطعیات شرع باشد باطل است. در نظام سیاسی اسلام رأی اکثریت قابل اعتبار و احترام است. دلیل قبول رأی اکثریت نزد علما حدیث مبارک «لو اجتمعتم علی مشورة ما خالفتمکما» اگر شما دو نفر «ابوبکر

<sup>135</sup>. دکتر یوسف القرضاوی «من فقه الدولة فی الإسلام» و همچنان دیده شود: دکتر یوسف القرضاوی «الشوری تتوافق مع جوهر الديمقراطية» 30 جون 2011، سایت القرضاوی [www.qardawi.net](http://www.qardawi.net).

<sup>136</sup>. دکتر ریتشارد میتشل «الأخوان المسلمون» صفحات 418-419.

<sup>137</sup>. فضل غنی مجددی «در نظام دولت اسلامی» ص 172.

و عمر» در یک امر مشوره دادید یعنی رأی تان در یک امر متفق باشد بآن مخالفت نمی‌کنم. علمای سیاست اسلامی می‌گویند که رأی در مسائل اجتهادی است نه در امور تشریح به دلیل اینکه امر خداوند نسبت به رأی مردم در مسائل شرعی اهمیت بیشتر دارد و بغیر از امور شرعی خصوصاً آنچه به مسائل روز و حکومتداری ارتباط دارد رأی اکثریت نسبت به رأی اقلیت اهمیت بیشتر دارد.<sup>138</sup>

دکتور یوسف القرضاوی در مورد اکثریت اضافه میکند اکثریت باید در حق و صواب باشد نه در خطا و اشتباه و اگر 99٪ آراء در خطا و یک رأی در حق و صواب باشد همان یک رأی اکثریت است. القرضاوی اضافه میکند دعوت اسلامی در ساحة آزادی و دیموکراسی بهتر به مردم میرسد.<sup>139</sup>

عدۀ از دانشمندان معاصر باین عقیده اند که اصطلاح دیموکراسی معادل نظام سیاسی اسلام نیست و نباید مسلمانان از اصطلاح دیموکراسی در تعریف نظام سیاسی اسلام استفاده نمایند. در عصر حاضر علمای جلیل القدر اصطلاح دیموکراسی را بدون ترس و خوف مورد استفاده قرار می‌دهند. هر کلمه و اصطلاح جدید که داخل فرهنگ زبان شود جزء همان زبان شناخته می‌شود و لغت خارجی گفته نمی‌شود. استفاده از اصطلاحات سیاسی غرب در فرهنگ اسلامی مانع در آن نیست. استعمال اصطلاحات سیاسی و اقتباس آن وسیله برای معرفت است.<sup>140</sup> عدۀ از مسلمانان باین عقیده اند که در اسلام پیروی از بدعت ممنوع است و نباید مسلمانان از بدعت پیروی نمایند و این گروه از مردم که در بین شان دانشمندان نیز شامل است باین فکر و نظر اند که

<sup>138</sup>. روایت کرده امام احمد از عبدالرحمن بن غنم الأشعری (4 / 227).

<sup>139</sup>. دکتور یوسف القرضاوی «فتاوی معاصرة» جزء دوم، ص 720.

<sup>140</sup>. دکتور یوسف القرضاوی «الصحة الإسلامية و هموم الوطن العربی و الإسلامی»



دیموکراسی بدعت است زیرا در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و عصر صحابه نبود. عدهٔ کثیر از مسلمانان در فهم بدعت مشکلات زیاد دارند و معنی و اصل بدعت را خوب درک نکرده اند. بدعت که در اسلام از آن منع است شده بدعت در اساسات دین است یعنی اضافه کردن در اصل دین است. سیاست و حکومتداری و نظام سیاسی ارتباط به مردم و روش زندگی هر عصر دارد و نظام سیاسی که دیموکراسی رکن بزرگ آن را می‌سازد در ساحت و دائرهٔ بدعت بحث نمیشود بلکه در ساحت ضرورت‌های جامعه در روشنی تغییرات محیط و زمان بحث می‌شود لذا اصطلاح دیموکراسی یک اصطلاح سیاسی معاصر است و در جملهٔ بدعت‌های که اسلام آنرا منع نموده نمی‌آید.

امام محمد الغزالی در مورد دیموکراسی اسلامی می‌گوید: مدنیت و حقایق اسلام مشوش شده است. زمانی که دیموکراسی غرب را مشاهده می‌کنم و می‌بینم که مردم با تمام آزادی با یکدیگر مناقشه و از حق جانبداری می‌کنند به حال مسلمانان حسد می‌خورم و امید دارم روزی برسد که مسلمانان نیز بتوانند با آزادی کامل در مسائل که اختلاف در آن است مناقشه و از حق جانبداری نمایند. من شاهد مناقشه در پارلمان بریتانیا بودم در این مجلس صدراعظم بریتانیا کوشش داشت تا عقوبت اعدام در قانون از طرف اعضای پارلمان پذیرفته شود، اما اعضای پارلمان به عدم قبول عقوبت اعدام در قانون رأی دادند و صدراعظم و حزبش شکست خورد. با خود گفتم این است فرق بین فکر شورا در بین ما مسلمانان و بین آنها. ما فکر داریم که اجتهاد با نص نیست و شورا با کلام خداوند و رسول اش معنی ندارد، این دسته از مسلمانان سوء ظن یعنی بدگمانی به اسلام دارند و اسلام را صحیح نفهمیده اند. الغزالی در نهایت بحث از دیموکراسی و اقتباس و مسائل معاصر برای تحقیق نظام دیموکراسی اسلام نظر دارد که استفاده از نظام و سیستم دیموکراسی غرب باید بقدر ضرورت باشد و مسلمانان بین اهداف و مسائل رسیدن به آن را بهتر درک نمایند. مشکل دیموکراسی غرب

درین است که دیموکراسی غرب منکرات را مباح میسازد و از حدود خداوند تجاوز میکند.<sup>141</sup>

مرجعیت در دیموکراسی غرب انسان است زیرا دیموکراسی غرب حاصل و نتیجه فکر انسان است. فلسفه دیموکراسی غرب میراث روم و یونان است. میراث نظام سیاسی یونان و روم را فلاسفه و متفکرین اروپا مانند جان آدمز و فریدریک سیلز و ژان ژاک روسو و منتسکیه به صیغه جدید و با تعدیلات به جامعه اروپا بنام دیموکراسی معرفی کردند. اما مرجعیت سیاسی در نظام سیاسی اسلام الهی و ربانی و تطبیق آن انسانی است باین معنی که خداوند آزادی را به انسان اهداء کرده است و هیچ مرجع حق سلب و تعدیل آن را ندارد. اسلام برای تطبیق دیموکراسی تأسیس مؤسسات را لازم میداند و مسلمانان آزادی مطلق برای تشکیل مؤسسات را مطابق به شرایط محیط و زمان جهت تطبیق دیموکراسی دارند.<sup>142</sup>

بهار عرب 2011 م اولین تجربه دیموکراسی سیاسی اسلامی بود. با اینکه این تجربه جدید با استبداد سیاسی و سیاست توسعه طلبی غرب و حمایت اسرائیل از رسیدن به قدرت مؤقتاً باز ماند اما باب مناقشه را در مورد دیموکراسی و حریت بین علماء و دانشمندان اسلامی از طبقه معتدل، افراطی، اسلام سیاسی و سلفی باز کرد.

تجربه اسلام سیاسی مصر در نتیجه انقلاب خونین نظامی و حمایت اسرائیل و امریکا به بند بست مواجه شد و رهبران نهضت دیموکراسی جوان مصر به شهادت رسیدند و هفتاد هزار زندانی شدند و در تونس حرکت نهضت اسلامی «شعبه اخوان در تونس» موفق شد با همکاری

<sup>141</sup>. محمد الغزالی «الغزو الثقافي یمتد من فراغنا» صفحات 62-63 و دکتور یوسف القرصاوی «الشیخ الغزالی کما عرفته» صفحات 255-256. و محمد الغزالی «هموم داعیه» صفحات 250-253.

<sup>142</sup>. عبداللہ بن الشیخ المحفوظ بن بیه «حوار عن بعد» صفحات 61-62.

احزاب سیکولر و قومی نمونه از دیموکراسی معاصر اسلامی را به جهان معرفی کند. تجربه سیاسی اسلامی در یمن و لیبیا و سوریه نظر به آغاز جنگها و مداخلات خارجی و مبارزه کشورهای خلیج عربی و سعودی با دیموکراسی جدید اسلامی دچار مشکلات زیاد گردید و دیده شود که آینده دیموکراسی در کشورهای عربی بکجا می رسد و اما باید نظام های استبدادی و سیاستمداران غرب و خصوصا امریکا بدانند که بهار عرب به عقب بر نمی گردد و از منفعت جهان غرب است تا با نهضت های آزادی خواه کنار آیند و با تفاهم سیاسی همکاری مشترک را اساس بگذارند.

سلفی ها برای اولین بار در سال 2011 میلادی داخل میدان سیاست شدند و با استفاده از بهار عرب در انتخابات آزاد مصر اشتراک کردند و عده از کرسی ها را در پارلمان مصر بدست آوردند و برای اولین بار در تاریخ نهضت سلفی به تأسیس احزاب سیاسی موافقه کردند و حزب سیاسی را بنام حزب «النور» تشکیل کردند. حزب النور سلفی در جلسات تدوین قانون اساسی جدید موقف مخالف را با نهضت اخوان المسلمین که اکثریت را در پارلمان داشت گرفت. نظر و فکر سلفی هادر مورد قانون جدید این بود که در مقدمه قانون اساسی در عوض مبادی اسلام اصطلاح شریعت اسلامی بحیث منبع قانون ذکر شود. سلفی های مصر فراموش کردند که نظام سیاسی مصر از سالهای متمادی تحت اداره دولت امریکا و نظام استبدادی و سیکولر بود. متأسفانه حرکت سلفی مصر با اینکه از تطبیق شریعت اسلامی در مصر حمایت می کرد ولی با نهضت اخوان المسلمین که در تطبیق شریعت اسلامی نظریه قدم به قدم را بهترین روش سیاسی می دانست به مخالفت برخاست و از انقلاب نظامی و استبداد سیاسی یعنی کودتاچیان مستبد حمایت نمود. موقف حرکت سلفی مصر مانع رشد فکر دیموکراسی و آزادی سیاسی و اقتصادی نه تنها در مصر شد بلکه ضربت شدید به نهضت

دیموکراسی جوان اسلامی وارد ساخت و استبداد سیاسی را تقویت کرد.

نهضت اسلامی تونس بریاست شیخ راشد الغنوشی از تجربه ای ناکام مصر استفاده و با سلفی ها و سیکولرها و احزاب قومی همکاری نمود و دیموکراسی جدید تونس را که تجربه جدید در شمال آفریقا بود از سقوط حفظ نمود. نهضت تونس به تقاضای احزاب سیکولر و قومی در پارلمان تونس پذیرفت تا کلمه شریعت را از قانون اساسی حذف و در بدل آن آورده شود: تونس دولت مستقل، زبان رسمی آن عربی و دین آن اسلام است. قبول حذف کلمه شریعت از قانون اساسی تونس را شیخ الغنوشی این طور توضیح داد: ما یعنی حرکت نهضت برای ایجاد همکاری بین افراد ملت و حفظ اتحاد ملی و عدم ایجاد فاصله بین احزاب تونس راضی شدیم تا در قانون اساسی شریعت را از مرجعیت قانون حذف نمائیم. همه باید بدانیم که تونس کشور اسلامی قبل از تأسیس تمام حرکت های اسلامی بود، تونس احتیاج و ضرورت به شهادت ما و دیگران برای اثبات اسلامی بودن ندارد. موقف حرکت نهضت اسلامی تونس میتواند نمونه و مثال برازنده برای تمام نهضت های اسلامی باشد و در شرایط بین المللی معاصر و تغییرات که در ساحة فکری و اجتماعی جامعه اسلامی پیش شده هیچ حزب سیاسی به تنهایی و بدون همکاری مشترک با احزاب دیگر قادر به تشکیل حکومت نمی تواند باشد.

الغنوشی در مصاحبه خود با مجله «العربی الجديد» بتاريخ 28/2/2016 تغییرات جدید را در ساحة سیاست اسلامی به جملات ذیل توضیح داد: عصر حاضر عصر تخصصات است و برنامه های اسلامی، برنامه های شامل و جامع می باشد. حزب که ما می خواهیم، حزب به معنی عصر و متشکل از متخصصین می باشد و هدف از حزب اصلاح اقتصاد و سیاست و اخلاق از داخل دولت است یعنی حزب به هدف اصلاحات رسیدن به حکومت را حتمی و ضروری می داند و در شرایط

عصر نمی توان تغییرات را از خارج دولت آورد. برنامه های اسلامی دیگر مثل برنامه های ادبی، هنری و اعمال خیریه و اتحادیه ها و دعوت و مساجد و مؤسسات دیگر به جامعه مدنی گذاشته میشود.

نظریات الغنوشی انقلاب فکری را در ساحة اسلام سیاسی آورد و عده از اعضای نهضت اسلامی عرب به مخالفت با نظریات الغنوشی نوشتند و الغنوشی را متهم به قبول جدائی بین سیاست و دعوت نمودند. از نظر الغنوشی عصر جدید فکر جدید و روش سیاسی جدید و معاصر را مطابق تغییرات معاصر می خواهد و مسلمانان زمانی موفق می شوند تا تغییراتی که در جامعه پیش آمده آن را بپذیرند.

سخنان رئیس پارلمان ترکیه آقای «اسماعیل کهرمان» در مورد تعدیل قانون اساسی ترکیه و حذف کلمه «سیکولریزم» از قانون اساسی ترکیه مشکلات سیاسی و حقوقی بزرگ را سبب شد و احزاب سیکولری ترکیه حکومت اسلامی ترکیه را متهم به اسلامی ساختن ترکیه نمودند. صدراعظم ترکیه آقای احمد داود اوغلو در جریان مصاحبه مطبوعاتی با صدراعظم صربیا در پایتخت صربیا زغرب گفت که سخنان رئیس پارلمان ترکیه مربوط به شخص خودش است و نظریات شخصی او است نه موقف رسمی دولت ترکیه. او اضافه کرد که حکومت ترکیه اصطلاح سیکولریزم را در مبدا قانون اساسی حذف نخواهد کرد و فکر سیکولریزم تقارب بین ادیان را در ترکیه حفظ می نماید. آقای اردوغان رئیس جمهور ترکیه در سخنرانی خود در قاهره در سال 2011 در مورد قانون اساسی ترکیه و اساس فکر سیکولریزم در قانون اساسی ترکیه که در سال 1937 م درج شده و مردم ترکیه آنرا پذیرفته اند گفت: قانون اساسی ترکیه با اساس فکر سیکولریزم است و قانون مسافه بین پیروان ادیان مختلف را در ترکیه باهم نزدیک می سازد و دولت با پیروان تمام مذاهب و ادیان رابطه نزدیک میداشته باشد نامبرده دولت مصر را نصیحت نمود تا در قانون جدید فکر سیکولریزم را مد نظر داشته باشند.

قبول حکومت ترکیه از عدم تعدیل قانون اساسی 1937 باین معنی نیست که حزب عدالت اسلامی ترکیه که از فکر اخوان المسلمین پیروی میکند به سیکولریزم معتقد است بلکه دلیل این است که حزب عدالت نمی خواهد در شرایط بین المللی موجوده کشورهای غرب را علیه خود تحریک نماید از طرف دیگر احزاب مخالف فکر اسلامی در ترکیه ریشه های عمیق دارند . ممکن است در آینده قانون اساسی ترکیه اسلامی شود اما در شرایط موجوده احزاب ترکیه از فکر سیکولریزم بشدت و به قوت حمایت می کنند . عدم موافقه حکومت ترکیه از تعدیل قانون اساسی و حذف کلمه سیکولریزم از قانون رشد فکری و فهم اعضای حزب عدالت را نمایندگی میکند و این موقف حکیمانه ترکیه را از مشکلات داخلی و خارجی در وقت حاضر حفظ و حمایت می نماید.<sup>143</sup>

حزب عدالت ترکیه در انتخابات سال 2015 اکثریت کرسی های پارلمان را که بتواند به تنهایی حکومت تشکیل دهد بدست آورد نتوانست . حزب عدالت ترکیه حاضر شد با احزاب سیکولر حکومت ائتلافی را تشکیل نماید . در عدم همکاری و تعاون احزاب سیکولری ترکیه با حزب عدالت ، حزب عدالت ترکیه موفق به تشکیل حکومت نشد و آقای رجب طیب اردغان با استفاده از صلاحیت های قانونی انتخابات جدید را در اواخر ماه نو فمبر 2015 اعلان کرد . حزب عدالت ترکیه بهترین تجربه و مثال در پهلوی نهضت تونس برای اسلام سیاسی میباشد و امید است جوانان افغانستان از تجربه های ترکیه و تونس استفاده نمایند . تجربه سیاسی ترکیه و تونس و قبلا تجربه مالیزیا نمونه از روش فکر سیاسی معاصر اسلامی است و امید است نهضت های معاصر اسلامی از تجربه های اسلام سیاسی معاصر استفاده نمایند تا وحدت ملی و سیاسی در جوامع اسلامی حفظ شود .

<sup>143</sup> . العربی الجدید ، 27 اپریل 2016 .

استاد فهمی هویدی نظریات متفاوت دانشمندان معاصر فکر معاصر اسلامی را در مسأله دیموکراسی و رابطه آن با شریعت مطالعه و بررسی کرده می نویسد: دکتر یوسف القرضاوی در یکی از جلسات گفت: دیموکراسی مقدم تر یعنی اولتر از تطبیق شریعت است. من با نظر او توافق کلی دارم لیکن میخواهم اضافه کنم که آزادی کشور مقدمتر از تطبیق شریعت و دیموکراسی است. از نظر من مصری ها قبل هر قضیه دیگر مثل دیموکراسی و شریعت به هویت و آزادی سیاسی و اقتصادی فکر کنند. مبارزه برای حفظ اراده آزاد و استقلال سیاسی و فکری باید قبل از هر قضیه دیگر باشد و باید حریت سیاسی و استقلال فکری در مقدمه همه قضایای قرار داشته باشد.<sup>144</sup>

استاد جمال البناء تطبیق شریعت را در نظام دیموکراسی در کتاب خود به تفصیل بحث کرده می نویسد: موانع و مشکلات در تطبیق شریعت زیاد است بطور مثال عدم آمادگی جامعه برای قبول تطبیق شریعت به دلیل عدم اطمینان مردم به نهضت ها و احزاب دینی. ترس و خوف از تأسیس دولت اسلامی و حمایت از دولت سیکولر. وجود اقلیت های غیر اسلامی در کشور های اسلامی. عقیده در اسلام اصل و شریعت فرع است. امور و مسائل مهمتر در جامعه است که باید قبل از تطبیق شریعت به آن توجه داشت. اولاً بالای عقیده کار صورت گیرد تا عقیده در نفس های مردم جا گیرد و از راه و روش عقیده مسلمانان بدانند که اسلام قبل از همه مدنیت است و شریعت در طبیعت و اصل خود عدل و مصلحت است.<sup>145</sup>

استاد عبدالرحمن ضیف در تحقیق خود اصلاح سیاسی جامعه عرب را از اولویت های دیموکراسی میدانند. او خاموشی طبقه تعلیم یافته

<sup>144</sup>. الجزيرة نت، پنجشنبه، 12 اپریل 2012 م.

<sup>145</sup>. جمال البناء «هل يمكن تطبيق الشريعة»، القاهرة دار الفكر الإسلامي، طبع اول، ص 80.

جامعه عرب را از واقعات معاصر بشدت انتقاد میکند و می گوید: در شرایط معاصر که نظام جهانی واحد بعد از سقوط کمونیزم تشکیل شده است جهان عرب در نظام جدید مکان و جای نخواهد داشت مگر اینکه دیموکراسی را اصلاح کنند و متفکرین مسلمان قبول کنند که دیموکراسی در مقدمه تمام مسائل سیاسی است.<sup>146</sup>

استاد صلاح الدین حافظ مشکلات فکر دیموکراسی را در عالم اسلامی و جهان سوم بحث مفصل میکند و باین نتیجه میرسد که قرن بیست قرن دیموکراسی و تکنالوژی معاصر است و تکنالوژی دیموکراسی و دیموکراسی تکنالوژی را تکمیل می کند . او اضافه میکند دیموکراسی در جهان سوم ضامن تمام امور نیست و در بسا موارد دیموکراسی نمیتواند خود را بیمه و تضمین کند ، فساد دیموکراسی و دیموکراسی فاسد ، دیموکراسی گرسنگی و فقر ، دیموکراسی تقلب مشکل عمده دیموکراسی در جهان سوم است و احزاب اسلامی و قومی و دیموکرات باید از انتخابات بدون تقلب و از عدم رابطه انتخابات با دستگاه قضائی و سلطه سیاسی حمایت نمایند و نقش مؤسسات عسکری را در مسائل دیموکراسی محدود سازند.<sup>147</sup>

نهضت های اسلامی خصوصا نهضت اخوان المسلمین دیموکراسی را نفی نمی کند و عملاً بعد از سقوط نظام استبدادی حسنی مبارک اخوان المسلمین قبول کرد تا تجربه های معاصر دیموکراسی را عملی نماید. استاد خاشقجی ادیب و نویسنده و ژورنالیست معروف سعودی در مورد اخوان المسلمین و دیموکراسی می نویسد: اخوان مصر دیموکراسی را پذیرفت و در راه تحقق دیموکراسی قربانی های زیاد داد . قبول دیموکراسی از طرف بزرگترین نهضت اسلامی معاصر معنی بزرگ را

<sup>146</sup>. عبدالرحمن ضیف ، « ال دیمقراطية أولا و دائما » ، القاهرة المؤسسة العربية للدراسات والنشر ، 1991.

<sup>147</sup>. صلاح الدین حافظ « صدمة الديمقراطية » ، القاهرة سینا للنشر ، 1993.



دارد و نمونه‌ از توافق و نزدیکی و آشتی بین فکر دیموکراسی غرب و اسلام سیاسی است.<sup>148</sup>

اگر غرب فرصت و چانس را برای تجربه ای دیموکراسی در جهان عرب میداد یقیناً دیموکراسی و عدالت اجتماعی و آزادی‌ها در کشورهای اسلامی تحقق می یافت لیکن متأسفانه اسرائیل و ولایات متحده امریکا و نظامهای استبدادی خلیج عربی این چانس و فرصت را برای اولین تجربه دیموکراسی معاصر اسلامی ندادند و مداخلات خارجی با همکاری استخبارات عسکری مصر و پول خلیج عربی اسباب انهیبار نهضت دیموکراسی معاصر اسلامی را آماده ساخت .

موشیه یعلون وزیر دفاع اسرائیل در سخنرانی خود در مرکز « ابیباک » بتاريخ 2006/3/15 در واشنگتن از حمایت امریکا و اسرائیل و کشور های خلیج عربی از انقلاب نظامی مصر و سقوط اولین تجربه دیموکراسی پرده برداشت و گفت: نظام های عسکری و استبداد سیاسی در شرق میانه خصوصاً مصر به نفع اسرائیل است. اسرائیل و امریکا با همکاری کشورهای خلیج عربی و استخبارات مصر انقلاب عسکری را ضد نظام دکتور مرسی ترتیب دادند و جنرال سیسی رابه حکومت رساندند . صحیح است که نظام عسکری به دیموکراسی عقیده و ایمان ندارد لیکن نظام عسکری در مصر به نفع اسرائیل است و باید طرفداران اسرائیل در امریکا جنرال سیسی را تقویت و حمایت نمایند به دلیل اینکه جنرال سیسی اسرائیل را تقویت و کمک می کند.<sup>149</sup>

استبداد سیاسی و مخالفت غرب با دیموکراسی معاصر اسلامی و اسلام سیاسی و حبس و شهادت رهبران نهضت های آزادی خواه سبب گردید تا مسلمانان دیموکراسی را اشغال و استعمار بدانند. در حقیقت امر فکر معاصر اسلام با دیموکراسی مخالف نیست و هر وسیله که

<sup>148</sup> . سایت اخوان المسلمین ، جمعه ، 2015/4/17 م.

<sup>149</sup> . العربی الجدید ، 15 مارچ 2016.

عدالت اجتماعی بواسطه آن تطبیق شود آنرا وسیله مشروع و قانونی می داند. اسلام وسیله مشروع را برای رسیدن به اهداف پاک تأیید و استفاده از وسائل غیر شرعی و غیرقانونی را برای رسیدن به اهداف منع می نماید.<sup>150</sup>

## فکر معاصر اسلامی و تشکیل احزاب سیاسی

### تعریف حزب

مصدر حزب حزبا، یعنی جماعت و طائفه. ابن منظور در تعریف حزب می گوید: حزب جماعت از مردم است که جمع آن احزاب است و احزاب در تاریخ اسلام عساکر کفار بودند که علیه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از قبائل قریش و قبیله غطفان و بنو قریظه جمع شده بودند.<sup>151</sup>

فیروزآبادی در تعریف حزب می گوید: حزب جماعت از مردم است و جمع آن احزاب است.<sup>152</sup>

حزب سیاسی عبارت از مؤسسه منظم به هدف رسیدن به سلطه سیاسی است. اسامه غزالی در مورد حزب می گوید: حزب اتحاد و جمع افراد در یک تنظیم به هدف تحقق بخشیدن مصالح جامعه و رسیدن به سلطه سیاسی است.<sup>153</sup>

تعددی احزاب سیاسی در شرایط بین المللی و تغییرات که در ساحة روابط اجتماعی و فکری و سیاسی در جهان پیش آمده اهمیت فوق العاده دارد. دانشمندان معاصر غرب تعددی احزاب سیاسی را حامی حقوق انسان و آزادی سیاسی می دانند. با اینکه تعددی سیاسی و

<sup>150</sup>. علامه عبد الله بن الشيخ المحفوظ بن بیه «فتاوی فکریه» صفحات 19-20.

<sup>151</sup>. ابراهیم مصطفی و آخرون «المعجم الوسیط» جلد 1، ص 27، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

<sup>152</sup>. الفیروزآبادی «القاموس المحیط» ص 94، بیروت، مؤسسه الرساله، 1986م.

<sup>153</sup>. اسامه الغزالی حرب «الاحزاب السیاسیه فی العالم الثالث» ص 21، الکویت، المجلس الوطنی للثقافة، 1987.

چند حزبی در فکر معاصر اسلامی یا اسلام سیاسی قابل قبول است بآنهم عده‌ای از متفکرین با فکر تعددی سیاسی موافق نیستند به دلیل اینکه احزاب ملت واحد را به مجموعات کوچک تقسیم می‌کند.

تعددی حزبی و سیاسی با قبول اختلافات فکری و ایدئولوژیکی و نظریات متفاوت و متعدد در صورتیکه ضرر به وحدت ملی و منافع و مصلحت جامعه نداشته باشد و سلامت جامعه را متضرر نسازد یک امر قابل قبول شده در فکر معاصر اسلامی است. متفکرین اسلامی اختلافات فکری و تعدد نظریات را یک امر فطری و از روش کائنات و قانون زندگی می‌دانند. اختلافات در فروعات و موقف گیری متفاوت سیاسی و اجتهادات در فرهنگ اسلام یک امر طبیعی و از طبیعت دین و بشر و زندگی است و در اسلام مانع در اختلافات در مسائل فرعی وجود ندارد و برعکس اختلافات در آراء و نظریات برای رشد فکری و ارتقاء علمی مفید می‌باشد. تعددی حزبی و سیاسی مظهري از مظاهریا نمونه از آزادی‌ها است که در ساحة آن مردم به آزادی و حق تعیین سرنوشت و انتخاب مفکوره‌های سیاسی مختلف می‌رسند.<sup>154</sup>

تعددی سیاسی و حزبی در ساحة فکر معاصر اسلامی در داخل دائره قانون و مبادی اسلام یک امر قابل قبول شده است و متفکرین معاصر برای قبول فکر تعددی سیاسی شروط ذیل را وضع می‌کنند:

1. اعتراف به حق طرف آخر و قبول زندگی مسالمت آمیز از شروط اساسی برای قبول تعددی حزبی است باین معنی که همه اطراف یکدیگر را قبول و به استقلال فکری و سیاسی همدیگر احترام داشته باشند. احترام متقابل و تفاهم قاعده‌ای اساسی برای قبول تعددی سیاسی و حزبی در فکر معاصر اسلامی است.

<sup>154</sup>. دکتر صلاح الصاوی «التعددية السياسية في الدولة الإسلامية» صفحات 60

61- و فضل غنی مجددی «در نظام دولت اسلامی»، فصل پنجم.

2. قبول منافع و مصالح عامه و حق مردم در سرمایه های ملی و همکاری برای تحقق مصالح و حفظ امنیت و حمایت کشور تهاداب و اساس مشترک بین احزاب سیاسی را می سازد و این همکاری مشترک در فرهنگ سیاسی اسلام بنام «اجماع» یاد میشود. در نظام اسلامی هیچ طرف حق ندارد منافع و مصالح عامه را قربانی منافع حزبی و شخصی و خانوادگی و قومی سازد.

3. تعددی حزبی و سیاسی در اصل و جوهر تعدد در برنامه های است که برای اصلاح امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و انتخاب اولویات برای تطبیق عملی آن از طرف احزاب سیاسی انتخاب و معرفی می شود.<sup>155</sup>

مسأله تعددی سیاسی و چند حزبی از جمله مسائل است که تا هنوز جامعه فکری و علمی اسلامی را بخود مشغول ساخته است. شرایط بین المللی و تغییرات که در ساحة اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در جهان رخ داده، جهان را به قریه کوچک تبدیل نموده و هر تغییر که در یک نقطه از جهان پیش شود سائر نقاط جهان از نتایج آن متأثر می شود. در شرایط معاصر اگر برای تشکیل احزاب سیاسی مخالفت کرد باید از نظام استبدادی و حکومت مطلقه و یک حزبی حمایت نمود به معنی دیگر عدم تشکل احزاب متعدد و مختلف استبدادی را تقویت میکند و تاریخياً ثابت است که حمایت از استبداد و حکومت مطلقه و حزب واحد در هیچ زمان به مصلحت اسلام و مسلمانان نبوده است.

مخالفین تعددی حزبی بعضی آیات قرآن کریم و احادیث که مسلمانان را بوحدت و عدم اختلاف امر می کند و همچنان آیات که حزب و احزاب را مذمت نموده دلیل بر عدم قبول تعددی حزبی در جامعه اسلامی می دانند و در روشنی آیات قرآن کریم و احادیث نبوی تأسیس و وجود احزاب سیاسی و تعددی سیاسی و حزبی را در اصل نفی می کنند. هدف

155. زکی المیلاد «التعددية الحزبية في الفكر الإسلامي» ص 37.

این گروه حفظ وحدت مسلمانان و جلوگیری از شقاق و نفاق در جامعه است. مخالفین تعددی حزبی تجربه های ناکام احزاب اسلامی معاصر را دلیل به عدم قبول تعددی حزبی میدانند و عقیده برین دارند که عمل سیاسی در جامعه اسلامی اسباب جدائی بین مسلمانان را بیشتر کرده است.<sup>156</sup>

قرآن کریم و سنت نبوی شریف از تعدد افکار و تعدد نظریات یاد می کند و تعدد افکار و نظریات را در صورتیکه منافی عقیده اسلامی نباشد تأیید میکند.<sup>157</sup>

کلمه حزب که در قرآن کریم ذکر شده عبارت از احزاب قومی و قبیله‌ای و شرکی بود که به هدف مبارزه با اسلام و مسلمانان تشکیل شده بود. حمله مشترک کفار بالای مدینه منوره در تاریخ اسلامی بنام غزوة الاحزاب یاد میشود. احزاب که در قرآن کریم مذمت شده عبارت از احزاب بود که به هدف تخریب و مبارزه با وحدانیت و رسالت تشکیل شده بود و قرآن کریم یک موضوع خاص را ذکر می کند و نمی توان یک موضوع خاص که در قرآن کریم ذکر شده آن را بالای عام تطبیق کرد و یا آنرا عام ساخت. عدم قبول تعددی احزاب سیاسی در نتیجه تجربه های احزاب قومی و دینی گذشته بود و لیکن مفهوم معاصر احزاب نسبت به مفاهیم تاریخی آن تفاوت دارد. مرشد دوم اخوان المسلمین استاد حسن الهضیبی حزب را به معنی و مفهوم تفرقه بین ملت نمی داند و در برنامه های سیاسی اخوان المسلمین از تشکیل احزاب حمایت می نماید و تشکل احزاب سیاسی را در دولت اسلامی به نفع جامعه می داند.

دکتور یوسف القرضاوی تعددی سیاسی و نظام چند حزبی را یکی از ضرورت های معاصر می داند و می گوید تعددی افکار سیاسی و حزبی

<sup>156</sup>. فضل غنی مجددی «در نظام دولت اسلامی» ص 168.

<sup>157</sup>. ولید بن سیف النصر «التعددية الحزبية في ضوء الكتاب والسنة».

وسيلة فعال برای جلوگیری از استبداد در دولت است. او برای قبول تشکیل احزاب سیاسی سه شرط را می‌گذارد.

1. اعتراف به اسلام بصفت عقیده و شریعت.
2. عدم فعالیت به آنچه مخالف اسلام و وحدت امت اسلامی باشد.
3. نباید در برنامه‌های احزاب اهانت به مقدسات اسلام و قرآن کریم و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم باشد.

القرضاوی در مورد تعدد احزاب اضافه می‌کند: تعدد احزاب در داخل دولت اسلامی معنی آن تعدد اشخاص نیست و نباید هر حزب به یک شخص ارتباط داشته باشد و شخص برای مصالح و منافع خود از حزب استفاده کند و نباید احزاب با اساس تعصب قبیله‌ای و زبانی و نژادی که منافی فکر اسلام است باشد.

در فرهنگ اسلام احزاب سیاسی شبهات به تعدد مذاهب فقهی و اختلافات نظر بین فقهاء دارد. مذاهب فقهی عبارت از مدرسه‌های فکری با اصول خاص در فهم شریعت است و هر مذهب فقهی روش خاص علمی دارد. حزب سیاسی نیز مذهب در سیاست است یعنی مذهب سیاسی است که دارای فلسفه و اصول و روش اسلامی است و پیروان احزاب مثل پیروان مذاهب فقهی می‌باشند. موضوعات که در ساحة سیاست قابل انتقاد و نقد است در ساحة فقه نیز قابل نقد و انتقاد است و آن عبارت از تقلید و تعصب و همچنان قبول فکر قدسیت زعماء سیاسی مثل قدسیت انبیاء است.<sup>158</sup>

در شریعت اسلامی نص صریح برای منع احزاب نیست و چون نص در این باب نیست پس حکم آن جواز است و از جانب دیگر احزاب معاصر کاملاً نسبت به احزاب قبیله‌ای و قومی و نژادی که در صدر اسلام بود و

<sup>158</sup>. دکتور یوسف القرضاوی «فتاوی معاصرة» جلد دوم، صفحات 722 تا 737.

قرآن آن را مذمت کرده تفاوت دارد به همین ترتیب تعدد احزاب سیاسی اسلامی در داخل دولت واحد اسلامی مانع ندارد.

### تعددی (چند حزبی) احزاب اسلامی در دولت اسلامی

در فکر معاصر اسلامی قبول احزاب اسلامی مختلف در داخل دولت اسلامی واحد مانند مذاهب فقهی یک امر قبول شده است اما بشرطیکه وحدت فکری و عقیده تی جامعه متضرر نشود. نظریات مختلف سیاسی و برنامه های متفاوت برای اداره کشور نه تنها از منظور فکر اسلامی مخالفت به اصول اولیه اسلام ندارد بلکه به مصلحت مسلمانان نیز میباشد مثلیکه اختلافات در نظریات فقهی آسانی را برای مسلمانان می آورد. شرط نیست تعددی سیاسی و حزبی سبب نفاق و تفرقه بین افراد جامعه باشد. احزاب سیاسی معاصر اسلامی مانند احزاب غیر اسلامی مشکلات نیز دارند. معرفت داشتن به مشکلات سیاسی و تنظیمی و فکری احزاب اسلامی معاصر مسئولین احزاب را برای اصلاحات کمک می کند. مهمترین مشکلات احزاب اسلامی معاصر را میتوان به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. فقدان رابطه قوی بین احزاب و نهضت های اسلامی از ناحیه فکری و وسائل عملی در داخل دولت واحد اسلامی. فقدان رابطه سبب عدم همکاری و اطمینان بین احزاب اسلامی است و در نهایت هر حزب به تنهایی در مقابل مشکلات ایستادگی می نماید و در شرایط امروزی نا ممکن است یک حزب به تنهایی قدرت تغییر را داشته باشد. تجربه عدم همکاری بین احزاب اسلامی و احزاب جهادی افغانستان را عملاً مشاهده نمودیم و ملاحظه کردیم افغانستان بعد از حصول آزادی و رسیدن به استقلال سیاسی مورد تهاجم نظامی قدرتهای بزرگ جهان معاصر قرار گرفت و نظام سیکولری در افغانستان جانیشین نظام اسلامی شد. اگر احزاب اسلامی افغانستان موقف واحد را برای حل مشکلات سیاسی و

اجتماعی و همچنان تقسیم وظائف و قبول انتخابات آزاد می داشتند و احزاب دیگر را نیز در دولت شریک می ساختند و حق سیاسی تمام جنبش ها را احترام می کردند قادر به حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی افغانستان می شدند و برخلاف در نتیجه عدم همکاری و نداشتن برنامه های جامع افغانستان به دامن فساد داخلی و اشغال نظامی افتاد و نظام سیکولری و احزاب الحادی به قدرت سیاسی رسیدند .

2. عدم برنامه مفصل و شامل برای حل مشکلات جامعه. اکثر احزاب اسلامی برنامه اقتصادی کامل و شامل را ارائه نمی کنند و اکثر برنامه های احزاب سیاسی اسلامی به واقعیت های زندگی معاصر نزدیک نیست و غیر قابل عملی می باشد .

3. احزاب اسلامی قدرت مقاومت فکری و تبلیغات را به سبب نداشتن وسایل تبلیغاتی با احزاب سیکولر و غیر دینی ندارند . فقدان فهم و ادراک سیاسی و عدم امکانیات تبلیغات و عدم همکاری فعال با کشور های غیر اسلامی از عوامل مهم عقب ماندن نهضت های اسلامی در ساحة میدیا و تبلیغات است .

4. بعض احزاب در جهان اسلام زیر نام اسلام صدمه بزرگ را به تمام احزاب سیاسی اسلامی وارد نمود مثلاً رفتار غیر انسانی داعش و القاعده و عدم فهم دقیق طالبان از فکر معاصر اسلامی و عدم اخلاص عده از زعمای احزاب اسلامی به عمل سیاسی سبب فقدان اعتبار احزاب اسلامی می باشد .

5. تبلیغات زهر آلود ضد نهضت های اسلامی قدرت فعالیت احزاب اسلامی را محدود ساخته است و عموماً احزاب اسلامی معاصر در موقف دفاع قرار دارند . حالت دفاعی احزاب اسلامی را از پیشرفت در امور سیاسی و اقتصادی و قانونی و اجتماعی باز مانده است .

6. روش فکری و عمل کرد احزاب اسلامی قابل تجدید است اما متأسفانه احزاب اسلامی از تجدید فکری و سیاسی و هم عصر



بودن فاصله دارند و عده‌ای از احزاب اسلامی قابلیت تجدید را ندارند و برای حل این معضله سیاسی تشکیل احزاب سیاسی اسلامی مطابق به عصر و تصفیه عناصر خرابکار و فاسد در داخل احزاب اسلامی یک ضرورت مهم برای اصلاح فکر معاصر اسلامی است.<sup>159</sup>

از اواخر قرن بیست تحول عظیم در فکر معاصر اسلامی رخ داد و احزاب اسلامی به صیغه معاصر و به روش نزدیک به احزاب در غرب تأسیس شد و در بعض کشور های اسلامی حزب سیاسی مستقل از دعوت بوجود آمد. اخوان المسلمین در مصر این تجربه را نمود و حزب عدالت و آزادی را تأسیس نمود. حزب عدالت و آزادی حزب به معنی سیاسی است و در انتخابات اخیر مصر اشتراک کرد. کاندید حزب دکتور محمد محمد مرسی به اکثریت آراء بحیث اولین رئیس جمهور مدنی انتخاب شد. حزب عدالت و آزادی یک تجربه جدید سیاسی بود و مشکل حزب آن در این بود که نمی توانست از فیصله های مجلس اعلی اخوان « مکتب ارشاد » دوری کند. حزب عدالت ترکیه تجربه دیگر سیاسی در ساحة احزاب اسلامی است با اینکه حزب عدالت ترکیه از روش فکری عام اخوان المسلمین پیروی میکند بآنهم استقلالیت سیاسی خود را حفظ نمود. نزدیکی ترکیه به اروپا و ترکانی که در اروپا تعلیم گرفته بودند در مسایل سیاسی رول مهم را در حزب عدالت بازی نمودند و از تجربه های احزاب اروپا با حفظ هویت اسلامی و فکر اخوان المسلمین استفاده نمودند. تجربه تونس بهترین تجربه سیاسی اسلام معاصر است که در آینده مثال برازنده برای تمام احزاب اسلامی میباشد.

حرکت نهضت تونس به ریاست شیخ راشد الغنوشی با استفاده از تجربه های احزاب در اروپا و ناکامی احزاب اسلامی در جهان عرب و سقوط

<sup>159</sup>. برای معلومات بیشتر از تعددی حزبی و سیاسی به سایت « الملتقی الفقھی - شبکه الفقیة به آدرس انترنیت ذیل مراجعه فرماید :

دیموکراسی اسلامی معاصر و احیاء استبداد سیاسی و حکومت های دیکتاتوری عسکری تحول عظیم را در روش فکر سیاسی اسلام معاصر به جامعه ای اسلامی معرفی کرد. شیخ الغنوشی تعریف جدید از حزب نمود و امور دعوت و اداره مساجد و خطبه و انجمن های خیریه را از حزب سیاسی جدا ساخت.

با یک حرکت همراه با شجاعت در بین حرکت های اسلامی، حرکت نهضت تونس، نهضت اسلامی تونس را به حزب سیاسی معاصر تبدیل نمود و مسائل دعوت و ارشاد و تبلیغ و مسائل خیریه را از حزب نهضت بیرون ساخت. رئیس نهضت تونس شیخ راشد الغنوشی بعد از ختم 46 اجلاس مجلس شورای حرکت نهضت در مصاحبه مطبوعاتی گفت: ما کوشش داریم تا به حیث یک حزب سیاسی عرض اندام نمائیم و مشغول فعالیت های سیاسی باشیم و در اصلاح سیاسی در دایره دولت فعالیت داشته باشیم و حزب ما یک حزب تخصصی باشد و تمام فعالیت های غیر سیاسی را به جامعه مدنی می گذاریم تا راه انجمن های غیر سیاسی و مستقل فعالیت های خیریه و دعوت انجام گیرد.

آقای زبیر الشهودی عضو شورای عالی نهضت تونس در مصاحبه مطبوعاتی گفت: فیصله تغییر نهضت تونس به حزب سیاسی را اکثریت اعضای شورای نهضت تأیید نمودند و حزب سیاسی جدید با اساس قانون اساسی تونس و قوانین بین المللی میباشد و انتظار داریم که کنگره عموم نهضت بتاريخ 21 و 22 ماه می سال جاری به تغییرات جدید موافقه نماید.<sup>160</sup>

دكتور عبد المنعم ابو الفتوح عضو شورای سابق اخوان المسلمین و مؤسس حزب مصر قوی در کنفرانس انجمن های اسلامی در تونس در ماه اپریل سال جاری دعوت نمود تا امور و مسایل سیاسی را از مسائل دعوت و مسائل خیریه از احزاب اسلامی جدا ساخت او اضافه کرد که

<sup>160</sup>. عربی 21، 11/5/2016) و (النهضة التونسية/ www.ennahdha.tn.

در این حالت استفاده از نصوص دینی در مسایل سیاسی صورت نمی گیرد و دکتور ابو الفتوح دعوت نمود تا ارگانهای امنیتی و قوای نظامی در جهان عرب از فعالیت های سیاسی دور باشند و در مشکلات سیاسی بین احزاب بیطرف باقی مانند .

دعوت دکتور ابو الفتوح مورد تایید و اهتمام اکثر زعمای سیاسی اسلامی واقع نشد اما موقف حرکت نهضت تونس که شاخه از بزرگترین حرکت اسلامی یعنی اخوان المسلمین است بدون شک مورد قبول اکثریت نهضت های اسلامی واقع خواهد شد و این تحول جدید در ساحة سیاسی و احزاب در جهان است و دیده شود که کنگره ای نهضت که در او اخر این ماه انعقاد می یابد چه موقف را می گیرد . هر موقف که کنگره نهضت اتخاذ نماید قابل بحث و مناقشه است و اما نقطه مهم این است که احزاب اسلامی آماده شده اند تا به مدنیت سیاسی و احزاب مدنی را قبول نمایند سالهای بعدی نشان خواهد داد که تجربه های جدید سیاسی و حزبی در جهان اسلام به کدام روش خواهد بود و امید است احزاب اسلامی و انجمن های دعوت در افغانستان و خارج افغانستان از تجربه های معاصر استفاده نمایند و نواقص خود را اصلاح سازند .

## تأثیر میراث فرهنگ و ثقافت میراثی در روش فکر معاصر اسلامی

فکر معاصر اسلامی از مدت ها باین طرف با مشکلات بزرگ مواجه است. میراث فرهنگی و ثقافت میراثی Culture مهمترین و اهم مشکلات فکر معاصر اسلامی است. متفکرین و اصلاح طلبان تا حال با تمام سعی و کوشش موفق نشده اند تا فکر معاصر اسلامی را از تأثیرات میراث فرهنگی و ثقافت میراثی خصوصا فرهنگ قبیلوی و سلطه استبدادی و تقلید از گذشته گان پاک سازند. میراث فرهنگی و ثقافت میراثی بالای فکر معاصر اسلامی خصوصا در مسائل سیاسی و حقوق انسان و آزادی های فردی و اجتماعی و حقوق زنان تأثیرات منفی را بجا گذاشته است.

روش فکر هر ملت و جامعه به فرهنگ و ثقافت آن ارتباط دارد. فرهنگ و ثقافت تهادب فکر سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ملت را می سازد. در ساحة آزادی های سیاسی و فکری ثقافت و فرهنگ جامعه به کمال و رشد میرسد و در ساحة نظام دیکتاتوری و استبداد سیاسی روش فکری و فرهنگی و ثقافت از نمو و ترقی باز می ماند. کشور های اسلامی از مدت ها باین طرف زیر اداره نظام های استبدادی و اشغال نظامی و تهاجم فکر استعماری غرب قرار دارند. تهاجم فکر استعماری غرب مانع بزرگ برای رشد فکر معاصر اسلامی میباشد.

مشکلات که فکر معاصر اسلامی در عصر حاضر از داخل به آن مواجه است از میراث فرهنگ و روش فکر قرن های گذشته است. فرهنگ معاصر مسلمانان را میراث فرهنگی و ثقافت غیر واضح و دور از حقیقت اسلام و خیالی یا افسانه ای می سازد. فرهنگ و ثقافت اسلام

از داخل در نتیجه خرافات و قصه های افسانوی و دور از حقیقت که در زبان عربی بنام «اسطوره» یاد میشود صدمه دیده است و همچنان قصه های اسرائیلات و احادیث موضوعی و غیر صحیح داخل کتب احادیث گردیده و علماء در تصفیه و پاک سازی آن توجه نکرده اند.

عدم توجه و دقت و بی اهمیت دانستن نقش فرهنگ و ثقافت در مسائل اجتماعی و سیاسی یکی از مهمترین مشکل فکر معاصر اسلامی است. مطالعه و بحث روی موضوع میراث فرهنگی و ثقافت میراثی در عصر حاضر و مطالعه و بررسی ثقافت ( Culture ) جهت فهم بیشتر جامعه در مقدمه علوم اجتماعیات قرار دارد و مطالعات مسائل مربوط به ثقافت و فرهنگ در قرن بیست و یکم اهمیت فوق العاده را کسب کرده است. مطالعات فرهنگ و ثقافت بحیث یک تخصص مستقل بنام مطالعات ثقافت Culture Studies شناخته شده است. متخصصین در رشته های فرهنگ و ثقافت مطالعات و بحث های جالب و مفید را به نشر سپرده اند که مطالعه آن برای مسلمانان معاصر ضرورت و احتیاج مبرم است. در علم نفس تخصص مستقل بنام علم نفس معرفتی Cognitive Psychology بوجود آمده این علم از رابطه و علاقه انسان با ثقافت بحث می کند و همچنان در تخصص علم اجتماع شعبه بنام علم اجتماع ثقافتی تأسیس گردیده است. این شعبه امروز در مقدمه علوم اجتماعیات قرار دارد.<sup>161</sup> علماء ادبیات و فلاسفه و جامعه شناسان اسلامی و غیر اسلامی از آغاز قرن بیستم مطالعات و تحقیقات مفید و علمی را در موضوعات ثقافت و فرهنگ نمودند و در تحقیقات شان فرهنگ و ثقافت هر جامعه را بصورت مستقل بحث کردند و در بحث

الخولی، اسامه امین «العرب و العولمة» بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربية، 2000، ص 515 و همچنان دیده شود: الذوادی، محمود «فی الدلالات المتیافیزیة للموز الثقافیة» مارس 1991، صفحات 9-43 و [mthawad@yahoo.ca](mailto:mthawad@yahoo.ca)).

های خود تأثیرات منفی و مثبت ثقافت و فرهنگ را بالای روش فکری و عقلی افراد جامعه به اثبات رسانیدند.

ثقافت در ادبیات معاصر به کلمه Culture ترجمه شده است. دایره المعارف های زبان خصوصاً در تخصص علوم اجتماعیات تعاریفات زیاد را برای ثقافت و فرهنگ می آورند. کوبر و کلایکون در مورد اصطلاح ثقافت می گوید: اصطلاح ثقافت زیادتر از یکصد و پنجاه تعریف دارد.

عالم فرانسوی بنام لاروس ثقافت را اینطور تعریف میکند: ثقافت عبارت از مجموع نظام اجتماعی و هنرها و دین و مسائل فکری است که بواسطه ای آن جامعه انسانی از یکدیگر تفاوت می کند.

در فرهنگ دار الشروق در مورد اصطلاح ثقافت این تعریف را می خوانیم: ثقافت آنچه از جانب انسان از ناحیه فکری و ادبی و هنری و علمی و اختراعات بوجود می آید تشکیل می شود.

دکتور عبدالعزیز بن عثمان التویجری در کتاب خود بنام «التنمیة الثقافیة من منظور اسلامی» ثقافت را از نظر اسلام تعریف میکند و می نویسد که ثقافت عبارت از مجموع فعالیت های انسان در ساحة فکری و ادبی و هنری است.

در تعریف اسلامی و غرب از ثقافت تفاوت زیاد دیده نمی شود. از نظر مدارس فکر اسلامی و غرب ثقافت حاصل و ثمره فعالیت های فکری و عقلی انسان است و علمای فرهنگ و ثقافت دین را عنصر اول در تشکیل ثقافت می دانند.<sup>162</sup>

ثقافت اسلامی در مجموع عبارت از دین اسلام و زبان عربی و رسم و روجهای حسنه و خوب مسلمانان است. علمای اجتماعیات غرب نیز باین عقیده اند که ثقافت نتیجه و حاصل دین و دین حاصل و نتیجه

162. عبدالله بن الشیخ المحفوظ بن بیه «فتاوی فکریة» صفحات 89-90.

ثقافت است باین معنی که بین دین و ثقافت رابطه قوی و غیر قابل جدائی است. ثقافت اسلامی اصل و اساس آن دین اسلام و زبان های که مسلمانان به واسطه آن مفاهمه و مکالمه می نمایند و رسم و روجهای که مخالف اسلام نباشد همه در مجموع ثقافت اسلامی را می سازند. ثقافت اصیل اسلامی دارای خصوصیت های خاص است و از عناصر متعدد ترکیب شده است و میتوان خصوصیت های ثقافت اسلامی را به نقاط ذیل خلاصه کرد:

اول ( دین اسلام عنصر و خصوصیت اول ثقافت اسلامی را میسازد. اسلام تأثیر عمیق و شامل بالای ثقافت مسلمانان وارد کرده است و ثقافت مسلمانان ثقافت اسلامی خالص است. مطالعه تاریخ ثقافت نشان میدهد که جمیع ثقافت ها به دین متأثر میباشند و حتی ثقافت معاصر غرب نیز متأثر به دین عیسویت است. بحث های که در موضوع ثقافت تا حال انجام یافته است همه در این نقطه مشترک اند که ثقافت بدون دین وجود ندارد.

ترس جامعه اروپا از مهاجرت مسلمانان از بابت این است تا ثقافت دینی غرب به ثقافت دین اسلام متأثر نشود. صدر اعظم مجارستان در مصاحبه اختصاصی خود با روزنامه فرانکفورت الیجیمین زایتونج بتاريخ 2015/9/2 راجع به قضیه مهاجرین به اروپا بصراحت موضوع تأثیرات فرهنگ و ثقافت اسلامی را بالای فرهنگ و ثقافت دینی اروپا بحث کرد و گفت: اروپا غرق مهاجرین که عدد بزرگ شان را مسلمانان تشکیل میدهند شده است. سؤال در اینجا است که آیا اروپا قدرت این را دارد تا ریشه های عیسویت را حفظ کند بدون شک مهاجرت مسلمانان به اروپا زنگ خطر برای مدنیت و ثقافت اروپا است و اروپا قدرت حفظ مبادئ مسیحیت را نخواهد داشت.<sup>163</sup>

<sup>163</sup>. بی بی سی، عربی، پنجشنبه 2015/9/3.

دوم) زبان عربی اساس دوم ثقافت اسلامی را تشکیل میدهد. زبانهای که مسلمانان به آن مکالمه و مفاهمه دارند همه داخل زبان های اسلامی شناخته شده است و ثقافت اسلامی امروز از زبانهای متعدد تشکیل می شود.

سوم) ربانیت خصوصیت بزرگ ثقافت اسلامی است باین معنی که اعتقاد به خداوند جانب مهم ثقافت اسلامی را می سازد.

چهارم) اخلاق عنصر مهم و خصوصیت خاص از خصوصیت های ثقافت اسلامی است.

پنجم) کرامت انسانی خصوصیت ثقافت اسلامی است. احترام انسان، رعایت کرامت انسان، تکریم و حقوق سیاسی و اجتماعی و حریت دینی اجزاء مهم ثقافت اسلامی را میسازند.

ششم) ثقافت اسلامی جهانی است و به تمام بشر تعلق دارد.

هفتم) ثقافت اسلامی متنوع یعنی از انواع متعدد ساخته شده است مثل دین، زبان، ادبیات، فلسفه، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و هنر های زیبا، فقه، عقائد و غیره.<sup>164</sup>

باتمام زیبایی های که فرهنگ و ثقافت اسلام دارد، مسلمانان از آن فاصله گرفته اند و سبب فاصله داشتن مسلمانان از فرهنگ و ثقافت آن است که تا هنوز دین جزء فرهنگ مسلمانان نشده است و به عبارت دیگر فرهنگ جزء دین و دین جزء فرهنگ مسلمانان نیست بطور مثال پاکی بدن و روح و نفس یکی از خصوصیت های نماز در اسلام است، مسلمانان فکر کرده اند که پاکی بدن و روح و نفس فقط در وقت نماز میباشد و بعد از ختم نماز پاکی روح و بدن معنی ندارد. حجاب بالای زن مسلمان فرض است و زن مسلمان در وقت خواندن نماز اگر تنها هم

<sup>164</sup> . دکتر یوسف القرضاوی « الثقافة العربية و الإسلامية بین الأصالة و المعاصرة



باشد باید سر خود را پیوشاند اگر این روش داخل فرهنگ و ثقافت مسلمانان می شد در اینصورت زن مسلمان با فرهنگ اسلامی یکجا بزرگ شده و حجاب را در اوقات غیر نماز نیز احترام و تطبیق میکرد لیکن چون حجاب داخل فرهنگ جامعه نیست لذا حجاب یک عمل غیر فرهنگی و مردم به فرضیت آن معتقد نمی باشند .

خرافات ثقافت و فرهنگ اسلامی را صدمه زده است . مسایل و موضوعاتی داخل فرهنگ و ثقافت اسلامی گردیده که اصل اسلامی ندارد و متأسفانه جزء از ثقافت و فرهنگ اسلام شناخته شد . گذشته گان ما میراث بزرگ ثقافت و علم و فرهنگ و هنر و تربیت و اخلاق را از خود بجا گذاشتند و تاریخ اسلامی قرنهای اول آن همه اش خیر و برکت و علم و ادب و فرهنگ و ثقافت بود اما در مرور زمان موضوعات غیر حقیقی داخل ثقافت اسلامی راه یافت که در نتیجه آن خرافات و انحرافات بوجود آمد و خرافات باندازه در فرهنگ و ثقافت نفوذ کرد تا اینکه ساحة عبادات و اخلاق و حتی احکام و مسائل فقهی و اخلاقی و اعتقادی و عرفان و تصوف اسلامی را متضرر ساخت .<sup>165</sup>

دکتور خزعل الماجدی در بحث خود از خرافات که آنرا بنام « اسطوره » یاد میکنند می نویسد: اسطوره به اشیاء بسیار عظیم و بزرگ اطلاق می شود . و در تعریف اسطوره می نویسد : خرافات یا اسطوره « حکایت إله است و این إله ارتباط به جهان خیال و خرافات و ادیان گذشته بشکل خاص دارد . با اینکه اکثر دانشمندان اسطوره را بنام خرافات و قصه های خیالی و دور از حقیقت تعریف میکنند اما دکتور الماجدی خرافات را در تعریف اسطوره غیر صحیح می داند .

فکر معاصر اسلامی در بسیاری از موارد روش های گذشته را متابعت و تعقیب میکند و مثال های که مسلمانان برای حل مشکلات امروزی می آورند عموماً مثالهای قرنهای گذشته است که در شرایط موجوده

<sup>165</sup> . مجلة المسلم المعاصر ، ابریل 1975 ربیع الثانی 1395 ، ص 146 .

قابل تطبیق نیست. مسلمانان معاصر زیادترین وقت خود را به مسائل تاریخی داده اند ولی با تأسف در مطالعه تاریخ علت و اسباب و مشکلات که جامعه ای اسلامی را در گذشته تهدید می کرد بحث نمیشود و مسلمانان در مطالعه و تحقیقات علم تاریخ خصوصاً تاریخ فکر و سیاست مساحت بزرگ را به کشف حقائق فرهنگ و ثقافت در تاریخ نمی دهند و جامعه را مشغول به گذشته غیر مفید می سازند. این روش سبب آن شد تا مسلمانان<sup>166</sup> واقعیت های معاصر را فراموش و به گذشته مشغول باشند و حل مشکلات معاصر را به حلول گذشته معالجه و بررسی نمایند.<sup>167</sup>

مشکل روش فکر اسلامی معاصر اسلامی را در موضوع فرهنگ و ثقافت دکتوره فاطمه نجا بررسی و تحقیق و می نویسد: زمانیکه مسلمانان دین را فراموش کردند و مشغول دنیا شدند ضعیف گردیدند و جدائی و تفرقه جای اتحاد و همکاری را گرفت و مسلمانان عظمت و قدرت خود را از دست دادند و ضعف مسلمانان سبب شد تا دشمنان اروپائی حملات نظامی و فرهنگی و ثقافتی را علیه مسلمانان براه اندازند که در تاریخ اسلامی بنام جنگهای صلیبی یاد میشود و این جنگها دو قرن مسلمانان را مشغول ساخت».<sup>168</sup>

دکتوره فاطمه نجا اسباب ضعف فکری و انحراف فرهنگ و ثقافت و سائر مشکلات مسلمانان را در دوری از دین و مشغول بودن به امور دنیا می داند. دکتوره فاطمه در کتاب خود اوضاع سیاسی و اجتماعی مسلمانان معاصر را بحث نمی کند و اسباب و علل معاصر که فرهنگ اسلامی را صدمه داده در مورد آن توجه عمیق ندارد. محققین مسلمانان

166. محمد قطب «کیف نکتب التاریخ الإسلامی» ص 196.

167. محمد قطب «کیف نکتب التاریخ الإسلامی» طبع دوم، القاهرة، دار الشرق،

1993، ص 16.

168. دکتور فاطمه نجا «نور الإسلام و أباطیل الشرق شناسی» ص 8.

معاصر لازم است تا اسباب حقیقی ضعف مسلمانان را بحث و تحقیق نمایند و راه حل مشکلات را جستجو و نگذارند تا تجربه‌های گذشته تکرار شود. بطور مثال مسلمانان عبد الله بن سبأ یهودی اصل را که از روی منافقت مسلمان شده بود سبب سقوط خلافت اسلامی میدانند اما از مشکلات داخلی مسلمانان بحث نمیکنند. پیروان فکر معاصر اسلامی از خود سؤال کنند که چطور ممکن شد یک شخص یهودی موفق شد تا دو خلیفه بزرگ اسلام حضرات عثمان و علی رضی الله و تعالی عنهما را به شهادت برساند و خلافت اسلامی را در موجودیت بهترین صحابه سقوط دهد؟ مسلمانان از نقش و برنامه‌های استعمار غرب در سقوط دولت عثمانی حرف می‌زنند و تمام بدبختی‌ها را به اروپائی‌ها نسبت میدهند و اما از مشکلات داخلی دولت عثمانی صحبت نمی‌شود و از عقب ماندگی سلطنت عثمان از مدنیت معاصر که عامل مهم در سقوط دولت عثمانی است سکوت می‌شود.<sup>169</sup>

مجاهدین و رهبران احزاب اسلامی روسیه و امریکا را عامل بدبختی و فساد در افغانستان میدانند لیکن از مشکلات سیاسی و اختلافات فکری و قومی و نژادی و عدم فعالیت دولت افغانستان و سکوت دانشمندان و عقب‌گرایی علماء حرف نمی‌زنند. اشغال افغانستان را توسط قوای ناتو و امریکا تقبیح می‌کنند لیکن جنگهای داخلی را بین گروه‌های اسلامی که اشغال را آماده ساخت و از همکاری یک گروه از مجاهدین با قوای خارجی سکوت می‌شود. از مداخلات همسایه‌ها زیاد حرف زده میشود لیکن از وجود پایگاه‌های نظامی کشورهای غیر اسلامی سکوت میشود. از فعالیتهای جامعه‌ای مدنی و سیکولرها و حتی بازگشت کمونستها انتقاد می‌شود لیکن از عدم فهم در تطبیق شریعت اسلامی در دوران حکومت مجاهدین و طالبان و حتی در دوران حکومت تحت حمایت غرب سکوت میشود.

محمد قطب «کیف نکتب التاریخ الإسلامی» ص 196. 169.

ضعف فرهنگ و ثقافت اسلامی تا آنجا پیش رفت که مسلمانان معاصر توان مقاومت را در برابر تهاجم ثقافت و فرهنگ غرب از دست دادند و ثقافت و فرهنگ غرب با استفاده از ناتوانی مسلمانان توانست فرهنگ معاصر اسلامی را صدمه زند. ضعف ثقافت و فرهنگ معاصر اسلامی اسباب و عوامل متعدد را دارد و مهمترین عامل آنرا علامه شیخ محمد غزالی به عبارت ذیل خلاصه می کند .

- سوء فهم از اسلام و عدم برنامه سازی و اشتباه در تطبیق برنامه ها مثلا آنچه باید در مقدمه باشد در آخر و آنچه باید در آخر باشد در مقدمه آورده میشود. نشرخرافات با اسم دین مانند قرائت صحیح البخاری در اوقات مشکلات و غیره فرهنگ اسلامی را صدمه داد.
- ثقافت اسلامی قوت و غذاء فکری و روحی برای امت اسلامی است اما متأسفانه خلل و بی نظمی در ثقافت اسلامی راه یافت و مسلمانان فاقد تغذیه فکری و روحی شدند.
- ناتوانی مسلمانان در تجدید ثقافت اسلامی و تسلیم شدن به فرهنگ و ثقافت غرب بدون مقاومت.
- عقیم یا عاجز ماندن مؤسسات علمی مثل پوهنتون و مراکز فرهنگی در سهم داشتن به فرهنگ و تقویت و حمایت ثقافت اصیل اسلامی. تحقیقات علمی نشان میدهد که سالانه دو ملیون بحث علمی در جهان صورت می گیرد و از آنجمله صد هزار تحقیق علمی به طبع میرسد در بین این همه تحقیقات که طبع میشود نصیب و حصه تحقیقات مسلمانان سه درصد است.
- عدم توجه به مطالعات و تحقیقات در ساحة اسلامی و عدم حمایت از فکر وسط و معتدل اسلامی.
- توقف اجتهاد در مسائل فقهی و عاجز ماندن فقهای اسلام در معالجة مشکلات معاصر مسلمانان خصوصا در مسائل معاملات و حتی در عبادات.

- فقر و ناتوانی اقتصادی جامعه علمی در جهان اسلام و بصورت کل فقر و ناتوانی جوانان مسلمان سبب عدم تقدم و پیشرفت علمی خصوصاً در ساحات فرهنگ و ثقافت اسلامی است.
- منع زنان از تعلیم و حتی مانع حضور زنان در مساجد در نتیجه این عمل نصف جامعه اسلامی از تعلیم و ثقافت و فرهنگ اسلامی محروم شد.

<sup>170</sup> مخاطب ساختن مردم به روش کهنه و زبان قدیم نیز یکی از مشکلات فکر معاصر اسلامی است. مسلمانان باید از اسلوب جدید و ادبیات و اصطلاحات معاصر در بیان حقایق و رسانیدن آن به مردم استفاده کنند و در بدل عاطفه و احساسات عقل انسان را مخاطب سازند. قبول نقد ذات و اعتراف به اشتباه و خطاً و استفاده از دروس تاریخ و تجربه های گذشته گان و غیر مسلمانان دوست و دشمن مسلمانان معاصر را به حقیقت زندگی نزدیکتر می سازد و مانع تکرار اشتباهات تاریخی می شود.

روش تعلیم و تربیت در مکاتب و پوهنتونهای جهان اسلام روش بسیار قدیم است. اساس روش تعلیم را حفظ نصوص اسلامی و غیر اسلامی می سازد به عبارت دیگر طلاب مدارس دینی فقط مشغول حفظ قرآن کریم و احادیث و اقوال امامان مذاهب هستند و اکثراً اجازه ندارند اقوال بزرگان را نقد کنند و نصوص شرعی را تفسیر معاصر نمایند و یا با نظریات و آراء امامان مذاهب مخالف باشند این روش مانع رشد و ارتقای فکری دانشجویان گردیده است. در اکثر مدارس در جهان اسلام شخصیت فرهنگی شاگرد مورد توجه نیست.

---

دکتور یوسف القرضاوی «الشیخ الغزالی كما عرفته» صفحات 250-251، و همچنان، محمد الغزالی «تراثنا الفکری».

ثقافت و فرهنگ اصیل اسلامی از داخل قوی و مؤثر است و قوت خود را از دین می‌گیرد. قوت ثقافت اسلامی مانع استبداد و ظلم مغول شد و مغول با اینکه در جنگها با دولت عباسی پیروز شد و دولت عباسی را سقوط داد اما در مقابل فرهنگ و ثقافت اسلامی شکست خورد و بزودی دین اسلام را به اساس فقه حنفی قبول و در عصر مغول فرهنگ و ثقافت جدید اسلامی بنام ثقافت اسلامی مغولی تأسیس شد. تجربه های تاریخی شاهد است که خلافت و سلطنت های اسلامی سقوط کردند اما فرهنگ و ثقافت اسلامی توسط علماء و دانشمندان حفظ شد و یگانه و سیله بازگشت مسلمانان به حیات جدید و احیاء گذشته حفظ ثقافت اسلامی است.

ضعف فرهنگ و ثقافت در جهان اسلام زمینه را برای نمو و نشر فرهنگ و ثقافت های غیر معقول آماده کرد و فرهنگ و ثقافت نامعقول مشکلات مسلمانان را در تمام ساحات زندگی بیشتر ساخت. مهمترین نتیجه ضعف فرهنگ و ثقافت اسلامی بوجود آمدن یا ظهور فلسفه های جدید فکری و عقائدی و مذهبی و روش فقهی جدید است. فقه جدید را علماء دربار به امر امراء و سلاطین ساختند و در نشر افکار جدید زیر عناوین اسلام از جهل امت و سکوت علماء و خیانت درباریان استفاده شد. فقه سکوت و قبول استبداد سیاسی زیر نام عدم خروج علیه امام و زمامدار فاسد و ظالم سالیان متمادی مسلمانان را رنج داد و جامعه اسلامی غرق در فساد اخلاقی و سیاسی شد و مسلمانان از کاروان مدنیت عقب ماندند. فقه سیاسی نادیده گرفته شد و مسلمانان تصور کردند که اسلام در مورد سیاست سکوت کرده است. عدم رشد فقه سیاسی و بوجود آمدن فقه اطاعت و فقه قبول حاکم متغلب و سکوت در مقابل ظلم و خاموشی در مقابل استبداد عامل مهم در تغییر فرهنگ و ثقافت اصیل اسلامی میباشد.

## فقه سیاسی

رابطه بین نظام سیاسی و بقیه نظم اجتماعی در جامعه اسلامی غیر متوازن است. سلطه ای حاکمه در شرق اسلامی بالای تمام نظامها خصوصا نظام سیاسی تسلط کامل دارد و در هر دو دولت نظام حاکم در رأس تمام نظامها قرار دارد. دکتور محمود المبارک استاد قانون بین الدول در پوهنتون ملک فیصل در مملکت عربستان سعودی رابطه بین نظام سیاسی و بقیه نظامهای اجتماعی را بحث نموده باین نتیجه میرسد.

روش عقلانی و سیاسی در جهان عرب بر روش قانونی برتری و غلبه دارد. در جهان غرب علما و دانشمندان، قانون را نسبت به جانب سیاسی بالاتر می دانند به عبارت دیگر روش عقلانی قانونی نسبت به روش سیاسی برتری دارد. برتری روش قانونی بر روش سیاسی در امریکا سبب آن این است که اکثر رؤسای جمهور بغیر از دو رئیس از بین قانون دانان باشند. روش سیاسی که امروز در کشورهای اسلامی حاکم است از نظر فکر سیاسی اسلام مورد پذیرش فقه سیاسی نیست.<sup>171</sup>

تسلط مطلق نظام سیاسی بالای نظامهای اجتماعی در کشورهای اسلامی بی نظمی را در روش فکر معاصر مسلمانان بوجود آورد و زمینه نشر فرهنگ سیاسی و اجتماعی غرب را در جهان اسلام آماده کرد. دکتور حبیب الحنجانی مشکلات سیاسی مسلمانان را بشکل سؤال این طور مطرح میکند: چرا حرکت های اسلامی امروز و حرکت سلفی دیروز این سؤال را مطرح نمی کنند که اسلام بصورت واقعی مگر در

<sup>171</sup>. تلویزیون مکملین، جمعه 17 اپریل 2015.

زمان‌های محدود تطبیق نشد؟ و چرا مسلمانان در تمام مناطق که دولت اسلامی را تأسیس کردند در احیاء عصر راشدین ناکام‌اند؟.

ابو الحسن الندوی در جواب سؤالات مطرح شده می‌نویسد: ناکامی سیاست اسلامی از آغاز تاریخ جدائی بین دین و دولت شروع می‌شود. در نتیجه جدائی بین دین و سیاست و بین دین و دولت زمامداران تسلط کامل بر دولت و سیاست یافتند و برای ادامه سلطه استبدادی خود از فقهاء و رجال الدین استفاده نمودند و در تحت این شرایط، سیاست از دایره و تسلط و نفوذ دین خارج شد و حکومت‌های قیصری مستبد روی کار آمد. در ایجاد حکومت‌های استبدادی عده از علماء دست به مخالفت زدند و عده خاموش نشستند و عده با استبداد سیاسی و دیکتاتور هم‌کاری کردند تا اینکه دین از سیاست جدا و زندانی شد و در نتیجه‌ای کنار رفتن دین از دولت نظام سیاسی مستقلانه عمل کرد و سیاستمداران و عده از علمای سلطه طبقه خاص و ممتاز را در جامعه تشکیل دادند.<sup>172</sup>

استبداد سیاسی با حمایت غرب سبب قوت بیشتر سلطه قبیلوی در جهان اسلام شد و استعمار غرب از زعمای قبیلوی به نفع خود استفاده نمود و نظام سیاسی اسلام را کاملاً از زندگی سیاسی مسلمانان جدا ساخت. نظام سیاسی بنام اسلامی و مساعدت اقتصادی و حمایت غرب از استبداد سیاسی و زمامداران فاسد و وابسته، نهضت دیموکراسی جوان اسلامی ضعیف و در بعضی مناطق کاملاً سرکوب شد. زیر فشار استبداد سیاسی عده از جوانان مسلمان از خط اعتدال و وسط اسلامی فاصله گرفتند و در بدل نظام دیموکراسی از گروه‌های افراطی حمایت کردند. غرب با استفاده از سقوط حرکت و نهضت دیموکراسی در جهان اسلام وضعف نظام سیاسی و وابسته تحکم سیاسی خود را در کشورهای اسلامی قوت بیشتر داد و این تحکم و

<sup>172</sup>. ابو الحسن الندوی «ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمین» ص 129.



نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب تا جای رسید که غربی‌ها اکثر زمامداران کشورهای اسلامی را از راه انقلابات عسکری و اشغال نظامی تحت نام مبارزه با تروریسم یا از طریق انتخابات تقلبی حاکم ساختند.

مشکل بزرگ دیموکراسی معاصر اسلامی را میتوان در عدم توجه علماء در امور سیاسی و رابطه بین سلطه سیاسی و مردم در فقه سیاسی یا فکر اسلام سیاسی یافت. در نتیجه عدم توجه و دقت دانشمندان و علماء در جهان اسلام به فقه سیاسی خلل و بی‌نظمی در فکر سیاسی اسلام راه یافت و مسلمانان در مسائل سیاسی و فهم اصطلاحات سیاسی دچار مشکلات شدند. علت خلل در ساحت سیاسی و فکری در این است که علمای اسلام در مسائل فقه عبادات و معاملات کار بیشتر انجام دادند و فقه معاملات و عبادات را با زحمات خود غنی تر ساختند اما در ساحت فقه سیاسی کمتر توجه نمودند. عدم توجه علماء و فقهاء در فقه سیاسی سبب شد تا فکر سیاسی اسلام با مقارنه با مسائل عبادات و معاملات فقیرتر و مطابق زمان و مکان و تغییرات جامعه نباشد. عدم رعایت فقه سیاسی سبب شد تا جماعت بزرگ از مسلمانان در حکم خود در مسائل سیاسی دچار اشتباهات بزرگ و حتی خطرناک شوند مثلاً گروه از مسلمانان باین عقیده اند که زن در فقه سیاسی اسلام حق اشتراک در مسائل سیاسی و نظام سیاسی را ندارد و جای زن خانه شوهر و بعد از آن قبرستان است. گروه دیگر باین عقیده اند تشکیل و تأسیس احزاب سیاسی خلاف عقیده اسلامی است این گروه وحدت سیاسی و فکری مسلمانان را در عدم موجودیت احزاب متعدد سیاسی می‌دانند و از حزب واحد بنام حزب الله یا حزب اسلامی و جمعیت اسلامی حمایت می‌کنند و تصور و خیال دارند که وحدت مسلمین در تشکیل حزب واحد سیاسی خلاصه میشود این تصور و خیال فکر سیاسی اسلامی را صدمه داد و جامعه اسلامی در مقاومت استبداد سیاسی که عموماً در حزب واحد خلاصه میشود عاجز ماند.

علامه دکتور یوسف القرضاوی در مورد مشکلات مسلمانان در فقه سیاسی دیالوک سیاسی را بطور مثال می آورد . بسیار متأثر شدم زمانیکه در بین علمای افغانستان ، قهرمانانی که جهاد مقدس را با تمام شور و شوق و اخلاص به نتیجه و پیروزی رسانیدند عده باین عقیده هستند که تعلیم زن حرام است ، قبول انتخابات را برای انتخاب نمایندگان شورای ملی و انتخاب رئیس دولت حرام می دانند ، تعیین مدت معین را برای کار رئیس دولت حرام می دانند ، شورا از نظر شان الزامی یعنی اجباری نیست . ناکامی و عدم پیروزی حرکت های اسلامی در عصر حاضر به دلیل همین افکار عقب گرایی است که عده آنرا فکر اسلامی تصور کرده اند . این طرز تفکر و روش فکری با روش فکر اسلامی توافق ندارد<sup>173</sup>

مصیبت بزرگترین است کسانیکه بنام اسلام حرف می زنند در مسائل اسلامی نظر کوتاه و دانش کم دارند و متأسفانه با استفاده از نظریات ناقص خود کتابها تألیف می کنند . این گروه از مسلمانان نظریه ای که اسلام به زن بودن کراهیت دارد به نشر می سپارند و اسلام را دین ضد زن معرفی می کنند .<sup>174</sup>

الغزالی می نویسد: بعضی از مسلمانان باین عقیده اند که اگر وظائف بزرگ در دولت را بزنان اختصاص داد آینده امت اسلامی به مخاطره می افتد و دلیل می آورند که امپراطوری فارس به دلیل اینکه یک زن در رأس آن بود سقوط کرد در حالیکه سقوط امپراطوری فارس بسبب عدم آزادی ها و عدم مشوره ای امپراطوره با مردم بود نه به علت اینکه زن در رأس دولت بود . این گروه از مسلمانان فراموش کرده اند که خانم گولدن مائیر صدر اعظم اسرائیل یک زن بود و مارشالها و جنرالهای عرب را

دکتور یوسف القرضاوی «أولویات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة» صفحات 128-129 .<sup>173</sup>

<sup>174</sup> محمد الغزالی «تراثنا الفکری فی میزان الشرع و العقل» ص 65 .

در شش ساعت شکست داد و صدر اعظم هند وستان اندرا گاندی زن بود و توانست در چند روز مارشل ایوب خان را شکست دهد و بنگلادیش را از پاکستان جدا سازد. قرآن کریم از ملکه بلقیس صفت میکند. بعض باین عقیده اند که زن حق شهادت را در مورد قتل ندارد. این گروه از مسلمانان از ساخته کاری و غل و غش و تقلب در انتخابات حرف نمی زنند و نمی خواهند اعتراف کنند که مسلمانان در تقلب سیاسی خیانت در انتخابات استادان و متخصصین اند.<sup>175</sup>

مخالفت با تشکیل احزاب سیاسی مشکل دیگر مسلمانان است در حالیکه در شریعت تشکیل احزاب سیاسی مانع ندارد و در اسلام نص نیست که تشکیل احزاب را ممانعت کرده باشد بر عکس تعدد نظریات و احزاب متعدد در عصر حاضر یک ضرورت است تا مانع استبداد سیاسی و دیکتاتوری شود. تکوین احزاب سیاسی وسیله فعال و خوب جهت مقاومت طغیان سیاسی و حاکم مستبد است. تعدد برنامه به معنی تعدد افکار و روش در برنامه های سیاسی است و احزاب سیاسی شباهت زیاد به مذاهب فقهی دارند، مسلمانان مذاهب فقهی را قبول کرده اند لذا قبول احزاب سیاسی نیز یک امر قبول شده است.<sup>176</sup>

معارضه سیاسی در سیاست اسلامی اصل قبول شده است و به عبارت دیگر مخالفت علمی و مسالمت آمیز با سلطه حاکمه که بنام اوپوزسیون یاد میشود یکی از خصوصیت های عمده سیاست اسلامی است و فقه سیاسی اسلام حق معارضه را حق قانونی و فطری انسان میدانند. تجربه های سیاسی عصر خلفای راشدین نشان میدهد که مخالفت با رأی حاکم و سیاست های دولت یکی از ضوابط ثابت در سیاست اسلامی بود و

<sup>175</sup>. محمد الغزالی «السنة النبوية بين أهل الفقه... وأهل الحديث» صفحات 33-34-

. 35

<sup>176</sup>. دكتور يوسف القرضاوى «فتاوى معاصرة» جلد دوم، صفحات 701-702-722-

724- و همچنان السياسة بين النص و المصلحة، سایت القرضاوى، الخميس 20

ربيع الاول 1434 هـ، 31 / 1 / 2013 و 17 جمادى الأولى 1429 هـ، 21 / 5 / 2008.

میتوان مخالفت‌های صحابه را با نظام سیاسی به اصطلاح معاصر بنام حزب مخالف یا اوپوزسیون یاد کرد و بهترین نمونه معارضه سیاسی را در انتخاب حضرت ابوبکر الصدیق رضی الله عنه می‌بینیم.<sup>177</sup>

در فقه سیاسی اسلام مخالفت با سیاستهای غیر مناسب و غیر عادلانه دولت بالاتر از حق بوده و فقه سیاسی اسلام معارضه سیاسی را بالای زن و مرد مسلمان به درجه فرض می‌رساند. معارضه سیاسی مخالفت با منکر سیاسی است و منکر سیاسی در فرهنگ سیاسی اسلام خطرناکترین منکرات به حساب می‌آید به دلیل اینکه منکر سیاسی دروازه تمام منکرات را باز میکند. منکر سیاسی وحدت ملی و تمامیت ارضی را به مخاطره می‌اندازد و تهاجم نظامی خارجی را آماده می‌سازد. قرآن کریم در سوره آل عمران: 104 و 110 و المائده: 78-79) اسباب لعنت شدن یهود را در عدم معارضه سیاسی میداند. قوم یهود امر بمعروف و نهی از منکر فراموش کردند و ضد منکرات قیام نکردند و در مقابل اعمال زشت زمامداران خود سکوت کردند.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم مسلمانان را امر به تشکیل اوپوزسیون میکند و میفرماید: من رأی منکم منکرا فلیغیره بیده، فإن لم یستطیع فبلسانه، فإن لم یستطیع فبقلبه، و ذلک أضعف الإیمان. حدیث مبارک مراتب مقاومت را نشان میدهد و ضمناً اهمیت معارضه را در نظام سیاسی به مسلمانان می‌آموزند. سکوت در مقابل منکرات سیاسی یا فساد سیاسی علامه ضعف ایمان افراد جامعه را نشان می‌دهد. در حدیث دیگر آنحضرت می‌فرمایند: افضل جهاد کلمة حق أمام سلطان جائر. بهترین جهاد گفتار حق در مقابل سلطان جبار یا حاکم ظالم است. گفتار حق در مقابل سلطان مستبد نوع از انواع مخالفت سیاسی

<sup>177</sup>. فضل غنی مجددی «مطالعة تمهیدی عصر نبوت و خلافت راشده» فصل ابوبکر الصدیق رضی الله عنه.

با نظام است و پیامبر صلی الله علیه و سلم آنرا به بهترین جهاد تشبیه می کنند .

بطور عموم روش سیاسی معاصر اسلامی تابع میراث فرهنگ و ثقافت تاریخی است . به همان اندازه که فرهنگ و ثقافت اسلامی صدمه دید بهمان اندازه روش فکری سیاسی اسلامی نیز صدمه دید . اطاعت مطلق از ولی امر و حاکم و سکوت در مقابل اعمال او عمده ترین مشکل در فکر سیاسی معاصر است . اطاعت ولی امر و سکوت در مقابل سلطه سیاسی در فرهنگ سیاسی اسلام قوت بیشتر را نسبت به مقاومت حاکم مستبد و ظالم دارد . زعمای مستبد با همکاری عدّه از علماء فقه اطاعت را تقویت و اطاعت حاکم مستبد را صبغه دینی دادند .

### فقه اطاعت « فقه الطاعة »

فقه اطاعت از حاکم و ولی امر مسلمین علماء و فقهاء را برای مدت زیاد بخود مشغول ساخت. در اطاعت حاکم فاسق و مستبد و حاکم متغلب یعنی شخصیکه با استفاده از قوت به زعامت رسیده باشد بین علماء و فقهاء نظریات متفاوت، موافق و مخالف و موافق با شروط و مخالف بدون شروط وجود دارد. عده از علماء با استفاده از نصوص شرعی اطاعت حاکم را در تمام حالات حتمی و ضروری می دانند اگر چه حاکم شخص فاسد و ظالم نیز باشد. عده از دانشمندان رابطه بین حاکم و رعیت را رابطه مقدس می دانند و باین عقیده و نظر هستند که رابطه و علاقه بین حاکم و محکوم یعنی زعیم سیاسی و رعیت را قوانین مدنی و مجالس شورا یعنی پارلمان تنظیم نمی کند و این رابطه را خداوند سبحانه و تعالی از آسمان هفتم تعیین و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آنرا به اطلاع مردم رسانیده است. عده از علماء در گذشته این رابطه مقدس را قبول و مخالفین آنرا از اهل بدعت و هواء می دانستند.<sup>178</sup>

در فقه سیاسی تشیع اطاعت امام از جمله فرائض در دین است و در عقیده تشیع امام معصوم بوده و از اهل بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم در ذریه بی بی فاطمه از علی بن ابی طالب کرم الله وجهه خلاصه میشود و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم قبل از رحلت خود امامان دوازده گانه را با اسم برای امت معرفی کردند.<sup>179</sup>

<sup>178</sup>. دکتر حمد بن عبدالمحسن التویجری « الخروج علی الحاکم و عزله - بین الشریعة و النظم الوضعیة - » ص 1105.

<sup>179</sup>. فضل غنی مجددی « مطالعة تمهیدی در فقه حنفی و جعفری - توافق و تفاوت - » طبع چهارم، صفحات 238 - 239 - 240.

دلیل این گروه از علماء در قبول اطاعت حاکم عدم تفرقه و جدائی بین مسلمانان است و عقیده برین دارند که یکی از اهداف مهم و اساسی اسلام وحدت مسلمین و جمع کلمه و اتحاد نظر و نفی اختلاف و تفرقه است و این اهداف به اطاعت از حاکم حفظ و به خروج از اطاعت حاکم از بین می رود و در نتیجه خارج شدن از اطاعت حاکم مسلمانان در مقابل یکدیگر قرار می گیرند. علمای که باین نظر و رأی اند برای اثبات قول خود دلیل از قرآن کریم و احادیث نبوی می آورند و در روشنی از نصوص اسلامی به اثبات میرسانند که آیات و احادیث بصراحت اطاعت امراء و حکام را اگر چه ظالم نیز باشند واجب می سازد و مسلمانان باید در مقابل ظلم و فساد امیر یا حاکم صبر داشته باشند تا خونریزی و قتال بین مسلمانان پیش نشود و ارواح و شرف و سرمایه مردم تلف نگردد.

علمای تسنن اطاعت ولی الامر مسلمین را از واجبات اسلام می دانند. ابو زرعه و أبو حاتم الرازیان قول علماء را در اطاعت حاکم نقل می کنند. در شرح اصول اعتقاد أهل السنة این عبارت را می خوانیم: « و لا نرى الخروج على الأئمة و لا القتال فى الفتنة ، و نسمع و نطیع لمن و لاه الله عزوجل أمرنا ، و لا نزع یداً من طاعة ، و نتبع السنة و الجماعة ، و نجتنب الشذوذ و الخلاف و الفرقة ». به خروج از ائمه یعنی زعماء و جنگ در فتنه اعتقاد نداریم ، می شنویم و اطاعت کسی را که خداوند بر ما حاکم ساخته می نمائیم و دست از اطاعت او بیرون نمی کنیم و در این مورد متابعت سنت و جماعت را می نمائیم و از عمل غیرمعتاد و اختلافات و تفرقه اجتناب و دوری می نمائیم.<sup>180</sup>

امام نووی از قاضی عیاض نقل میکند که جمع از أهل سنت و فقهاء و محدثین و متکلمین می گویند حاکم در ارتکاب فسق و ظلم و معطل کردن حقوق ، خلع نمی شود و جواز نیست که از اطاعت او خارج شد و

<sup>180</sup>. شرح اصول اعتقاد أهل السنة للکافی، جلد (1 / 177).

واجب است که حاکم نصیحت و ترسانده شود. علماء در این باب از قیام امام الحسین بن علی و عبدالله بن زبیر و مردم مدینه منوره علیه حجاج مثال می آورند و می گویند که مخالفت با حجاج و خروج علیه او به خاطر فسق او نبود بلکه به سبب این بود که حجاج شرع را تغییر داد و در ظاهر کفر کرد. امام نووی می گوید خارج شدن از اطاعت امراء و جنگ با ایشان با جماع مسلمین حرام است اگر چه فاسق و ظالم نیز باشند. عزل حاکم و خروج علیه او نتایج خطرناک دارد و فتنه بوجود می آید و خون مردم می ریزد و در عزل حاکم فساد زیادتر است نسبت به بقا و اطاعت از او.<sup>181</sup>

از جانب دیگر گروه مخالف نظریه اطاعت از حاکم ظالم و مستبد برای اثبات قول خود دلیل از قرآن کریم و احادیث نبوی می آورند و خروج از اطاعت حاکم مستبد و ظالم را یک امر شرعی و به مصلحت امت اسلامی می دانند. از جمله آیات که این گروه از دانشمندان برای اثبات قول خود می آورند دو آیه مبارکه را نقل می نمائیم.

«و الذین إذا أصابهم البغی هم ینتصرون» (الشوری: 39). و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد، یاری می جویند {و به انتقام بر می خیزند}. یعنی اگر حاکم و یا امیر بر ضعیف ظلم و تعدی کند بزرگان متفق شوند و انتقام کشند. شهید سید قطب در تفسیر آیه مبارکه می نویسد: این آیه صفت جماعت مسلمین را نشان میدهد، صفت انتصار بر بغاوت و عدم تسلیم به ظلم و این یک امر طبیعی برای جماعت مسلمین است که خلق شده اند تا بهترین امت ها باشند. و طبیعی است که وظیفه این جماعت انتصار علیه بغاوت و رد تجاوز و ظلم است.<sup>182</sup>

181. شرح أصول اعتقاد أهل السنة للالکائی - جلد اول، ص 177 و همچنان دکتور حمد بن عبدالمحسن التویجری «الخروج علی الحاکم و عزله بین الشریعة و النظم الوضعیة» ص 11.

182. سید قطب «فی ظلال القرآن» ص 3166.



« و لمن أنتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل » (الشوری: 41). و هر که پس از ستم { دیدن } خود، یاری جوید { و انتقام گیرد } را { نکوهشی } بر ایشان نیست. در تفسیر این آیه در فی ظلال القرآن می خوانیم: کسیکه بعد از ظلم به پیروزی می رسد و بدی را به بدی معامله میکند یا بدی را به بدی جزاء می دهد و تجاوز نمی کند هیچ گناه بر او نیست زیرا حق مشروع خود را عملی میکند و از حق قانونی استفاده می کند و هیچکس بر او تسلط نمی داشته باشد. اما کسانی که باید از راه و روش خود دوری کنند کسانی اند که بالای مردم ظلم می کنند و در زمین بغیر از حق عمل می کنند. زمین برای زندگی خوب بوده نمی تواند تا مردم در مقابل ظالم ایستاده گی نکنند و ظالم را از ظلم منع نسازند. خداوند ظالم و باغی را و عده عذاب بزرگ داده است. و عده عذاب باین معنی نیست که مردم علیه ظالم قیام نکنند.<sup>183</sup>

ابن مسعود روایت میکند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: بعد از من مردمان قدرت را تصرف و سنت را خاموش می سازند و با بدعت کار می کنند و نماز را تأخیر می نمایند. گفتم یا رسول الله اگر ایشان را دیدیم یعنی در زمان شان زندگی داشتیم چه باید کرد؟ فرمودند: از من سؤال می کنی یا این ام عبد چه باید انجام دهید؟ طاعت کسیکه معصیت کند نیست.<sup>184</sup> محمد الغزالی می گوید اگر حاکم ایمان داری و تطبیق عدالت و حفظ مصالح مردم را مراعات نکند عزل او بالای مسلمانان واجب می گردد.<sup>185</sup>

علمای معاصر عزل حاکم را در شرایط خاص بالای مسلمانان واجب می دانند.

<sup>183</sup>. سید قطب، مرجع سابق، ص 3167.

<sup>184</sup>. لؤلؤ و مرجان، جلد دوم، ص: 363-364-365.

<sup>185</sup>. محمد الغزالی «الإسلام والاستبداد السياسي»، ص 160.

- اگر به آنچه خداوند امر کرده حکم نشود.
- معاونت و مساعدت مالی و معنوی و حمایت از طرف کفار شود.
- اجازه دادن به معامله سود.
- تسلیم شدن به معاهدات. (معاهداتی که خلاف عقیده و مصلحت اسلام باشد).
- تعطیل فریضه جهاد.

<sup>186</sup> عده‌ای از مسلمانان در عدم فهم و دانش از نصوص اسلام باین فکر و عقیده اند که خداوند ظالمین را به واسطه ظالمین نابود می‌کند و در دعاهای روز جمعه شنیده می‌شود که خطیب می‌گوید خداوند ظالمین را با ظالمین بگیرد و ما را از بین شان سالم و بی ضرر بیرون کن. دکتور یوسف القرضاوی این گروه از مسلمانان را بنام مسلمانان غافل و بی خبر از سنت‌ها و روش‌های دین می‌داند و می‌گوید: الغافل هو من یظن أن الله یضرب الظالمین بالظالمین و یخرجنا من بینهم سالمین..... لن یضرب الله الظالمین إلا عزائم المظلومین. غافل کسی است که فکر می‌کند خداوند ظالمین را بواسطه ظالمین از بین برد می‌دارد و ما را از بین شان سالم بیرون می‌سازد.... ظالمین را عزائم یعنی عزم قاطع و اراده قوی مظلومین از بین بر می‌دارد.<sup>187</sup>

فقه اطاعت از آغاز عقب مانده گی مسلمانان در ساحة سیاسی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت و در نتیجه آن زمامداران فاسد و دیکتاتور و حکومت‌های دیکتاتوری و نظام‌های استبدادی در جهان اسلام روی کار آمد و در فرهنگ و ثقافت سیاسی و دینی مسلمانان

<sup>186</sup>. دکتور حمد بن عبدالمحسن التویجری « الخروج علی الحاکم و عزله - بین الشریعة والنظم الوضعیة»، ص 1118.

<sup>187</sup>. سایت القرضاوی سپتمبر 2015.

مفکوره جدید تحت عنوان «**فقه الطاعة**» فقه که استبداد سیاسی و نظام دیکتاتوری را تقویت و حمایت کرد تأسیس و تدوین شد.

### فقه المتغلب

در فرهنگ سیاسی اسلام مقوله یا نظریه جدید فقهی که با اصول اسلام سیاسی توافق ندارد تحت عنوان «**فقه المتغلب**» روی کار آمد. متغلب باین معنی که شخص با استفاده و استعمال قوت به ریاست دولت برسد و به مفهوم معاصر شخص که زعامت کشور و مردم را در نتیجه انقلاب عسکری و یا توسط حمایت قوای اشغالگر در یک کشور اسلامی بدست آورد. و به عبارت دیگر بدون رأی و بیعت و رضایت مردم به حکومت رسیده باشد اطاعت اش واجب می باشد. متأسفانه این مفکوره و این عقیده تا امروز در بین عامه مردم و عده از دانشمندان و محققین فکر اسلامی قابل پذیرش است.

اطاعت از امام غیر عادل و شخصیکه با استفاده از قوت نظامی زعامت سیاسی را غصب کند در فرهنگ سیاسی اسلام به اصطلاح «**تجاوز**» امامة الجور، و تجاوز امام الجبر یعنی المتغلب» امامت یعنی زعامت غیر عادل و کسیکه به زور و جبر به قدرت برسد جواز دارد یعنی صحت دارد. نظریه حاکم متغلب در شرایط خاص سیاسی زمانش تا حدی قابل تطبیق و قبول بود. در فقه سیاسی اسلام مسأله اطاعت حاکم و نظام سیاسی تابع اجتهاد است و فقه سیاسی در هر عصر و زمان و مکان قابل تجدید و تغییر میباشد. با اینکه مسأله حکومت و زعامت سیاسی در ساحة اجتهاد بحث میشود اما عده از علمای متأخر و حتی معاصر تا اندازه زیر تأثیر نظریات فقهای قدیم میباشند و در بسا مسایل سیاسی نتوانسته اند از قید مسائل فقهی و اجتهادی گذشته که قابل تطبیق در

عصر حاضر نیست بیرون شوند و اجتهاد را در مسائل سیاسی نپذیرند .

تا عصر الماوردی و ابن خلدون در ساحت فقه سیاسی در عدم اطاعت حاکم مستبد و فاسق زیاد بحث صورت نگرفت. الماوردی و ابن خلدون در مسأله اطاعت از حاکم فاسق در فقه سیاسی اسلام صفحه جدید را باز و موضوع را بحث جدی و عمیق نمودند. در مورد اطاعت حاکم فاسق بعض انتقادات علیه امام ابو حنیفه رضی الله عنه متوجه است و عدّه باین عقیده اند که امام جلیل القدر امامت فاجر و فاسق را اگر به سلطه سیاسی برسد واجب میدانند. این اتهامات عاری از حقیقت است و امام ابو حنیفه اطاعت حاکم و زمامدار فاسق و فاسد را نمی پذیرد. در مسائل فقهی خصوصاً در فقه نماز امام ابو حنیفه باین عقیده است که نماز مسلمان عقب امام فاجر صحت دارد. نظریه فقهی در موضوع و مسأله امامت نماز جماعت را نباید ارتباط به مسائل سیاسی داد و در باب اطاعت از حاکم فاسق و ظالم آنرا قیاس کرد. عصر امام ابو حنیفه، عصر تقلبات سیاسی و مبارزه برای گرفتن قدرت بود. در این عصر دو نظریه در جهان اسلام و خصوصاً عراق بوجود آمد.

اول- امامت ظالم و فاسق جواز ندارد و مسلمانان نباید کارهای مشترک و جمعی را زیر سلطه استبداد و زعامت شخص مستبد و فاسق انجام دهند. کارهای جمعی یعنی خواندن نماز جماعت و نماز جمعه و نماز هر دو عید .

دوم- ظالم و فاسق اگر زعامت سیاسی را به هر وسیله بدست آورد و بر امور تسلط کامل یابد اطاعت او واجب می گردد .

در نزد امام ابو حنیفه عدالت شرط اول برای خلافت و زعامت سیاسی است و میگوید که ظالم و فاسق نمیتواند خلیفه شرعی و قاضی و حاکم و مفتی باشد و اگر فاسق و فاجر باین منصب برسد اطاعت او بالای مردم واجب نمی شود. امامان مذهب حنفی قبول امامت و رسیدن شخص فاجر

و فاسق را به زعامات مسلمین از ابو حنیفه نفی میکنند و عقیده بر این دارند که قبول این نظریه استبداد سیاسی و ظلم و فساد و تقلب را تقویت می‌کند و می‌گویند نسبت دادن این نظریه به امام ابو حنیفه اتهام و افتراء بحق امام ابو حنیفه است.<sup>188</sup>

امام ابوبکر الجصاص این مسأله را در «أحكام القرآن» شرح مفصل داده می‌نویسد: جواز نیست که شخص ظالم خلیفه و قاضی و کسانیکه مردم را مجبور و مکلف به قول شان در امور دین می‌سازند باشند. همچنان شاهد و کسیکه از پیغمبر صلی الله علیه و سلم خبر می‌دهد یعنی روایت میکند نباید ظالم و فاسق باشد به دلیل اینکه لا طاعة لمخلوق فی معصیة الخالق. اطاعت مخلوق در معصیت خداوند نیست. و این دلالت بر آن میکند که فاسق حاکم بوده نمیتواند و فیصله و احکامی که صادر میکند قابل اجراء نیست و شهادت او و آنچه از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روایت میکند و یا فتوا میدهد قابل اعتبار نمی‌باشد.<sup>189</sup>

در زمان امام ابو حنیفه مسأله قیام و مبارزه علیه حاکم ظالم و مستبد مورد بحث بود. سؤالی که در مجامع علمی و بین علماء در این مسأله بحث می‌شد زیر عنوان: اگر امام مسلمین ظالم و فاسق باشد آیا انقلاب علیه او جواز دارد یا نه؟

جماعت بزرگ از اهل حدیث مبارزه را علیه حکومت ظالم و مستبد به زبان و نطق در حضور حاکم ظالم جواز می‌دانند و اما قیام مسلحانه یا انقلاب را که سبب ریختن خون بغیر حق شود جواز نمی‌دانند. اما ابو حنیفه می‌گوید که امامت یا ریاست امام ظالم باطل است و انقلاب علیه او جواز دارد اما بشرط اینکه انقلاب نتیجه آن کامیابی و مفید باشد و نظام عادلانه جای ظلم و فساد و فسق را بگیرد نه اینکه نتیجه آن از دست

<sup>188</sup>. مرکز الشرق العربی، www.asharqalarabi.org، الإمام الأعظم.

<sup>189</sup>. الجصاص «أحكام القرآن» جلد اول، ص 80.

دادن ارواح مردم بدون نتیجه باشد. علامه الجصاص در مورد مذهب ابو حنیفه در مسأله قیام علیه حکومت ظالم می گوید مذهب یا روش ابو حنیفه در مبارزه مسلحانه و قتال حکام ظالم روشن است. امام اوزاعی می گوید ابو حنیفه استخدام سیف یعنی استعمال اسلحه را در مقابل سلطه ظالم جواز می داند و عقیده برین دارد که اگر امر به معروف و نهی از منکر نتیجه نداد استفاده از سیف برای تغییر نظام مستبد و حاکم ظالم جواز دارد. امام ابو حنیفه عملاً از انقلاب زید بن علی و محمد الباقر نواسه امام الحسین در سال 120 هجری حمایت کرد و در نتیجه آن هشام بن عبد الملک معزول شد.<sup>190</sup>

نظریه امامت متغلب یعنی شخصیکه با استفاده از قوت نظامی به زعامت میرسد و بدون رضایت مردم و گرفتن بیعت خود را حاکم اعلان می کند و همچنان جواز امامت یا زعامت غیر عادل و متغلب از قرن پنجم هجری (450 هـ) در فرهنگ و ثقافت سیاسی اسلام راه یافت. الحافظ بن حجر نظریات فقهاء را در واجب بودن اطاعت شخصیکه با استفاده از قوت به زعامت میرسد اینطور خلاصه می کند: و قد أجمع الفقهاء علی وجوب طاعة السلطان المتغلب و الجهاد معه، و أن طاعته خیر من الخروج علیه، لما فی ذلک من حقن الدماء و تسکین الدهماء. فقهاء در اطاعت سلطان متغلب اجماع دارند و جهاد را همراه با سلطان متغلب واجب می دانند و مبارزه را علیه او که سبب خونریزی می شود منع می نمایند.<sup>191</sup>

امام و فقیه عظیم الماوردی فصل و عنوان جدید را در فقه سیاسی اسلام باز کرد و رابطه بین حاکم و ملت را در بعد سیاسی مطالعه و اصول

190. الجصاص «أحكام القرآن» جلد اول، ص: 81 و همچنان: مرکز الشرق العربی، [www.asharqalarabi.org](http://www.asharqalarabi.org) / الإمام الأعظم.

191. فتح الباری ج 13 / 7، و همچنان: دکتر حمد بن عبدالمحسن التویجری «الخروج علی الحاکم و عزله»، ص 1115.

اولیه فقه سیاسی را اساس گذاشت و در فقه سیاسی رابطه بین حاکم و محکوم و صفات حاکم را بحث عمیق و نظریات جدید را داخل فقه سیاسی کرد.

امام المواردی در تاریخ فقه سیاسی اسلام و یا اسلام سیاسی اولین فقیه به حساب می آید که موضوع اطاعت از امام ظالم و مستبد را در فقه سیاسی اسلام بحث کرد. المواردی با استفاده از آراء و نظریات فقهی امام یوسف (182 هـ / 798 م) و ابی الحسن الأشعری (330 هـ / 942 م) و الباقلانی (403 هـ / 1013 م) در فقه سیاسی استفاده کرد.

المواردی نظریه امام متغلب را داخل فقه سیاسی اسلام ساخت و نظریه جدید را در فقه سیاسی اسلام به عبارت واضح این طور بیان کرد: و تتعقد الامامة ببيعة اثنتين قیاساً علی عقد نکاح. امامت به بیعت دو نفر به مقایسه دو شاهد در عقد نکاح صحت یا جواز دارد. المواردی نظریات متفاوت را در مورد اطاعت حاکم بحث میکند و می نویسد اهل علم در ثبوت و عقد ولایت بغیر از عقد یعنی بغیر از بیعت اختلاف نظر دارند و بعض فقهای عراق باین عقیده اند شخصیکه به قدرت میرسد حق او به ولایت یعنی زعامت ثابت و اطاعت او بالای ملت لازم می گردد. المواردی اضافه می کند جمهور فقهاء و متکلمین باین نظر اند که قانونیت و استقرار رهبر سیاسی صحت ندارد مگر به رضا و اختیار یعنی به بیعت مردم از او.

المواردی در بحث خود در موضوع امامت و رهبریت سیاسی اقسام بیعت را می آورد و نظریه که شخص به هر وسیله بقدرت میرسد اطاعت او بالای ملت واجب می شود آنرا به بحث می گیرد و اطاعت زعیم ظالم

و فاسق را به دلیل عدم نشر فتنه و فساد و جنگ بین مسلمانان قابل قبول می‌داند.<sup>192</sup>

امام بزرگ به مقام المواردی در بحث خود علت فساد و فتنه را در جامعه اسلامی بحث نمی‌کند. تاریخ شاهد است که علت فساد و فتنه در جوامع اسلامی فقر، جهل و حکام مستبد و علمای خاموش و از همه بیشتر استبداد سیاسی است و تا نظام سیاسی اصلاح نشود و مردم حق اعتراض و عزل حاکم را نداشته باشند فساد و فتنه دامنگیر جامعه اسلامی می‌باشد.

المواردی با استفاده از نصوص فقهی که در بعض کتب فقه آمده انتخاب و معرفی ولی العهد را در حیات حاکم بدون رضایت مردم جواز میداند. دلیل او انتخاب حضرت عمر توسط حضرت ابوبکر و همچنان گرفتن بیعت حضرت معاویه برای پسرش یزید و سکوت علماء و فقهاء از این روش سیاسی است. المواردی میراثی بودن زعامت را جواز می‌داند و در میراثی بودن زعامت سیاسی کفایت ولی عهد و رضایت امت را شرط نمی‌داند و از حق امام می‌داند که ولی العهد را تعیین کند.<sup>193</sup>

استدلال المواردی در موضع تعیین ولی عهد از طرف معاویه اجماع در قبول آن است به این معنی که کسی به روش معاویه در انتخاب و معرفی ولی العهد مخالفت نکرد. این استدلال در تاریخ اسلامی صحت ندارد بدلیل اینکه بزرگان صحابه و علماء امت به انتخاب یزید به صفت خلیفه موافق نبودند و انتخاب یزید را غیر قانونی می‌دانستند و گروه از علماء علنا علیه یزید قیام مسلحانه و بعض دیگر مبارزه مسالمت آمیز را انتخاب کردند. تعیین حضرت عمر از طرف حضرت ابوبکر به اصطلاح سیاسی امروز کاندید به مقام خلافت است نه تعیین به مقام

<sup>192</sup>. ابی الحسن علی بن محمد بن حیب البصری البغدادی الماوردی «الأحكام السلطانية و الولايات الدينية»، مراجعه، احمد عبدالسلام، الباب الأول.

<sup>193</sup>. الماوردی «الأحكام السلطانية» ص 11.



خلافت. حضرت ابوبکر مردم را در تعیین عمر رضی الله عنه مشوره کرد و حضرت عمر خلیفه نشد مگر بعد از بیعت مستقیم مردم. میراثی بودن زعامت سیاسی که المواردی آنرا جواز می داند در فقه سیاسی اسلام صحت ندارد و بر خلاف نظریه المواردی اجماع در عدم میراثی بودن زعامت سیاسی در فرهنگ سیاسی و دینی اسلام است. جواز یا قانونی بودن نظریه حاکم متغلب که در فرهنگ دینی و سیاسی اسلام راه یافت به دلیل وارد کردن فشار و ترور فکری علیه علماء و قبول یک امر واقع بود. در فرهنگ سیاسی و دینی اسلام متغلب مساوی به غاصب است و برای غاصب نمیتوان اصطلاح جواز را استفاده کرد.<sup>194</sup>

در این اواخر بحث های جدید در باب نظریات سیاسی المواردی خصوصاً در موضوع اطاعت از حاکم مستبد و متغلب به طبع رسیده است و محققین نظریات المواردی را بدقت بیشتر مطالعه نموده باین نتیجه می رسند که المواردی در اساس ضد استبداد و امارت استیلاء یعنی کسیکه بقوت امارت یا زعامت را تصاحب شده باشد بود. المواردی برای عزل و مقاومت حاکم شرایط خاص را وضع میکند مثل شک در عدالت به دلیل فسق. فسق در اصطلاح فقه سیاسی معاصر اسلام انحراف سیاسی و اخلاقی است. نقص در قوت فکری، عقلی و جسمانی حاکم و همچنان تأکید میکند که امت نباید از حاکم جبار و مستبد اطاعت نماید. المواردی مبارزه علیه حاکم جبار را جواز می داند اما روش مقاومت را معرفی نمیکند و در مورد روش مقاومت سکوت میکند. المواردی در موضوع اطاعت و مبارزه علیه حاکم مستبد بین مبدأ مقاومت و مبدأ اطاعت و تسلیم باقی می ماند.<sup>195</sup>

194. دکتر عبدالرحیم بن صمایل السلمی «سایت صیدالفوائد . saaid.net/arabic/471.htm»

195. دکتر حسین علی محافظه «مفهوم الحق بالتغییر فی الفكر العربی الإسلامی» ص 13. و همچنان: نظام الخلافة و أحكامها عند المواردی، مجلة دراسات تاریخیة، جامعة دمشق، العدد 105-106.

مام حرمین الجوینی (478 هـ / 1085 م) در کتاب خود بنام «الغیائی» این نظریه را می آورد: حاکم قانونیت خود را از طرف مردم بدست می آورد و امت حق خارج شدن از اطاعت او را ندارد مگر اینکه دلیل بسیار قوی مثل فسق در شخص حاکم ظاهر باشد و در این حالت یعنی فاسق شدن زمامدار عزل او ممکن است.<sup>196</sup>

حجت الاسلام و المسلمین امام حامد الغزالی (505 هـ / 1111 م) در معراج السالکین نظریه متغلب و امام فاجر را تأیید میکند.<sup>197</sup> دکتور حسین علی محافظه نظریات الغزالی را تحقیق و باین نتیجه می رسد که امام الغزالی شرعی و قانونی بودن دولت عباسی را تأیید می کند. او در فقه اطاعت شرط می گذارد که حاکم باید شریعت را تطبیق نماید و در غیر آن خلع او واجب دینی است. برای اصلاح نظام سیاسی الغزالی از نظریه امر به معروف و نهی از منکر و گفتار حق در مقابل امام مستبد جانبداری میکند. از نظر حجت الاسلام الغزالی تا زمانی که حاکم مطابق شریعت کار کند عزل او واجب نیست و اطاعت او بالای مسلمین واجب می باشد و هر زمانی که از شریعت عدول کند عزل او واجب می شود.

عصر امام الغزالی و امام المواردی، عصر عدم استقرار سیاسی بود و امنیت و استقرار سیاسی وجود نداشت و صاحبان قوت و قدرت در هر منطقه برای رسیدن به قدرت سیاسی با یکدیگر داخل جنگ بودند. نظر به شرایط خاص نظریه قبول حاکم متغلب، نظریه ای که اصل اسلامی

<sup>196</sup>. دکتور حسین علی محافظه « مفهوم الحق بالگیری فی الفكر العربی الإسلامی » ص 13 .

<sup>197</sup>. دکتور جابر العلوانی « خواطر فی الازمة الفكرية » المعهد العالمی للفکر الإسلامی، فرجینا، امریکا، 1998، ص 28، همچنان: دکتور نبیل علقم « الثقافة العربیة و التجدید الإسلامی »، ص 324 و همچنان، الغزالی، مجموعة رسائل الغزالی، الرسالة الأولى - معارج السالکین، دارالکتب العلمیة، بیروت 1994، ص

نداشت ، بخاطر آرامش و امنیت در فرهنگ سیاسی اسلام قبول و راه یافت . امام الغزالی و الماوردی این نظریه را به دلیل حفظ آرامش و امنیت حل وسط می دانند .

امام ابن تیمیه ( 728 هـ / 1328 م ) اطاعت حاکم را مشروط به عدم معصیت او می داند و میگوید اگر حاکم مخالفت شریعت را نماید عزل او واجب می گردد . امام ابن تیمیه در عدم اطاعت او امر حاکم اگر خلاف امر خداوند باشد دلیل از قول رسول الله صلی الله علیه و سلم می آورد و می گوید رسول الله صلی الله علیه و سلم امر به اطاعت امراء در غیر معصیت خداوند نموده است و متابعت امراء در حسنات تعاون و همکاری و تقوی میباشد .<sup>198</sup>

ابن جماعة ( 733 هـ / 1333 م ) باین نظر است اگر زمامدار با حمایت اکثریت مردم نظام دولت را حفظ کند اطاعت او واجب است اگر چه فاسق نیز باشد به معنی دیگر اگر حاکم مستبد و غیر عادل نیز باشد .<sup>199</sup>

ابن خلدون ( 808 هـ / 1405 م ) بعد از مطالعه و بحث در موضوعات اجتماعی و سیاسی باین نتیجه میرسد که سلطه سیاسی ظلم و ستم و استبداد را پیشه می گیرد تا مردم را مجبور به تسلیم شدن به مصالح شان سازد و زمانیکه مصالح نظام و سلطه با مصالح مردم تصادم کند انقلاب صورت میگیرد . ابن خلدون برای حل این مشکل نظر می دهد تا قواعد سیاسی ثابت تدوین شود تا رابطه بین دولت و امت را تنظیم کند

<sup>198</sup> . دکتور حمد بن عبدالمحسن التویجری « الخروج علی الحاکم و عزله بین الشریعة و النظم الوضعية » ص 1115 .

<sup>199</sup> . ابن جماعة « تمریر الأحکام فی تدبیر أهل الإسلام » تحقیق ، فؤاد عبد المنعم ، 1991 ، صفحات 16 - 24 .

و قواعد سیاسی ثابت از نظر ابن خلدون شریعت اسلامی است زیرا شریعت ضامن عدالت و حمایت دولت از سقوط است.<sup>200</sup>

المراش (1836-1873 م) از جمله علمای لیبرال عرب، مردم را به قیام و انقلاب خونین در مقابل حاکم ظالم دعوت می نماید و می گوید حاکم ظالم مردم را در جهالت و نادانی نگه می دارد. سید جمال الدین افغانی رعیت را دعوت برای سقوط حاکم مستبد و ظالم که قدرت تأمین عدالت و حفظ حریت و حمایت عالم اسلامی را نداشته باشد می نماید. محمد عبده علاج استبداد و اصلاح حاکم ظالم را از راه و روش انقلاب صلاح نمی داند و باین عقیده است که روش تریبوی ملت بهترین راه برای اصلاح حاکم مستبد است.

محمد الغزالی متفکر معاصر اسلامی نظریه اطاعت حاکم مستبد را نقد میکند و با نظریات علماء در این مورد مخالفت نشان می دهد. الغزالی کتاب العواصم من القواصم امام ابی بکر بن العربی را بشدت نقد میکند و می نویسد: تعجب کردم و قتیکه این کتاب را مطالعه نمودم و نظریه ابن العربی مبنی بر این که بیعت صحت دارد با بیعت دو یا یک نفر، این نظریه صبر مرا برهم زد و این نظر کاملاً بی وزن و بی معنی و بی قیمت است و مبنی بر هیچ دلیل نیست و حاکم ظالم غیر قانونی و غیر شرعی است.<sup>201</sup>

در سال 2013 م در مصر نظریه اطاعت حاکم متغلب تجدید شد. شیخ جامع الازهر دکتور احمد طیب که عضویت کمیته مرکزی حزب و وطن بریاست حسنی مبارک را داشت فقه اطاعت را در غیر موضع آن استفاده کرد و از نظام انقلاب حمایت نمود. دکتور احمد طیب فتاوا داد که سقوط حکومت دیموکراسی مصر به زعامت اولین رئیس منتخب

<sup>200</sup>. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد «المقدمة»، مکتبة المشنی، بغداد، صفحات 9 تا 35.

<sup>201</sup>. دکتور یوسف القرضاوی «الشیخ الغزالی كما عرفته»، ص 250.

دکتور محمد مرسی واجب اسلامی بود و اطاعت جنرال سیسی که از طریق انقلاب عسکری به زعامت رسیده از باب فقه اطاعت واجب است. دکتور احمد طیب شیخ الازهر باین معنی فتوا صادر کرد: کسانی که در انتخابات پارلمان مصر بعد از سقوط دکتور محمد مرسی اشتراک نمی کنند عاق پدر و مادر میباشند. دکتور عطیة عبدالموجود استاد شریعت در جامع الازهر فتوا داد: جنرال سیسی حق دارد تا چشمان مخالفین خود را بیرون کند زیرا زعیم المتغلب است. دکتور احمد کریمه فتوا داد: هر کسی که شعار حکومت عسکری سقوط کند را بلند کند عمل حرام را انجام میدهد.

دکتور سعد الدین الهلال استاد فقه اسلامی در جامع الازهر فتوا داد که جنرال سیسی و جنرال ابراهیم مانند حضرت موسی و هارون و به مقام انبیاء اند. معین وزارت اوقات مصر دکتور سالم عبد الجلیل مخالفین سیسی را خوارج و قتل شانرا مباح دانست. دکتور علی جمعه مفتی مصر اطاعت جنرال سیسی را واجب شرعی و مخالفت با او را حرام دانست و برای اثبات قول خود احادیث زیاد را روایت نمود. وزارت اوقاف و شئون اسلامی مصر فتوا داد که صاحبان خانه ها و اپارتمانها حق دارند تا کرایه نشین اگر از اخوان المسلمین و مخالفین جنرال سیسی باشد او را از خانه ها و اپارتمانهای خود خارج سازند و قرار داد را فسخ نمایند.

دکتور صبر عبادة فتوا داد که بیعت برای جنرال سیسی صورت گرفت و خارج شدن از اطاعت او خارج شدن از اسلام است و مظاهره کردن علیه او حرمت دارد.<sup>202</sup>

<sup>202</sup>. برای مطالعه فتواهایی شرعی برای اثبات حاکم المتغلب توسط علماء الازهر مراجعه فرماید: العربی الجدید، 14 اپریل 2016.

مجمع علمای اسلامی افغانستان نیز در این اواخر از فقه اطاعت و فقه حاکم متغلب حمایت کردند و مردم را مجبور به قبول نتیجه انتخابات تقلبی زیر نام مصلحت امت ساختند و حکومت متقلب و تحت حمایت را به مردم حکومت قانونی معرفی کردند و مخالفین سیاسی نظام تقلبی را خوارج و قتل شانرا واجب شرعی دانستند.

مجمع علمای تسنن در کنفرانس 10 / 18 / 2015 منعقد در استنبول ، ترکیه تحت عنوان کنفرانس علمای اهل سنت برای مبارزه علیه استبداد و ریختن خون مردم اعلامیه ذیل را صادر کرد :

نظام سیاسی که توسط انقلابات عسکری روی کار می آید غیر قانونی و غیر شرعی است و ملت نباید از این نوع حکومت اطاعت کند و جامعه باید برای تغییر نظام سیاسی که با اساس انقلابات عسکری روی کار می آید سعی برای تضعیف و تغییر آن نمایند .

فقه اطاعت تا امروز در فرهنگ سیاسی اسلام که از بقایای میراث فرهنگ و ثقافت میراثی است وجود دارد و وقت آن رسیده تا فقه اطاعت را از فرهنگ دینی و سیاسی و ثقافت اسلامی بیرون ساخت و به دیموکراسی اصیل اسلامی و انتخاب و عزل زعامت سیاسی از طریق مردم اعتراف کرد و این حق را اسلام به مردم عطا کرده و باید علماء دین و زعمای سیاسی حق مردم را که اسلام داده است احترام و مراعات نمایند .

مفهوم دینی اطاعت از خلفای اموی و عباسی و بعد از حکام مستبد را علمای دربار و استفادۀ جو زیر نام جلوگیری از نشر فتنه و فساد در جامعه بوجود آوردند و برای آن لباس اسلامی دادند و در فقه سیاسی فصل جدید را بنام «باب منع فتنه» باز کردند و اطاعت حاکم متغلب را داخل فقه سیاسی اسلام ساختند و خارج شدن از اطاعت حاکم متغلب و مستبد را فتنه و فساد و بغاوت دانستند. در حقیقت بحث روی مسأله فتنه و فساد وسیله برای قبول هدف بزرگ یعنی فقه اطاعت بود که به

مرور زمان در فرهنگ سیاسی اسلام جا گرفت. فقه اطاعت به آیه کریمه 59 سوره النساء نسبت داده میشود در حالیکه خداوند در این آیه مبارکه اطاعت حاکم را مربوط به اطاعت او از خداوند و نبی الله صلی الله علیه وسلم می داند .

آیه مبارکه اطاعت اولی الامر را مربوط به اطاعت او از خداوند یعنی تطبیق احکام الهی و اطاعت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم یعنی اطاعت از سنت نبوی مشروط می سازد. در فقه سیاسی اطاعت ولی الامر مترادف به اطاعت خداوند و رسول الله شناخته شده است . قرآن کریم مردم را از اطاعت مخلوق در معصیت خالق منع می نماید .

آیه مبارکه قواعد و اساسات حکم و اهداف آنرا معرفی میکند و نظام و انضباط و سیستم را به مردم نشان میدهد و رابطه بین حاکم و محکوم را تنظیم می نماید . در قاعده اطاعت از حاکم که در اصطلاح اسلامی ولی امر است شرط تطبیق عدالت و پیروی حاکم از شریعت خداوند و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است . دلیل از اطاعت ولی امر تحقیق مصالح مردم و تطبیق عدالت اجتماعی و حفظ نظام است زیرا جامعه بدون نظام بسوی بی نظمی میرود و بی نظامی سبب فقدان عدالت می شود . در فقه سیاسی اطاعت بصورت مطلق نیست و اطاعت مقید و همراه با شروط است و در اصطلاح قرآن کریم اطاعت معنی تسلیم شدن را افاده نمیکند بلکه شکل همکاری و تعاون بین سلطه سیاسی و مردم را تنظیم می نماید .

اطاعت در فقه سیاسی اسلام باساس قواعد وسط استوار است و انقیاد و پیروی و تسلیم حاکم انقیاد و تسلیم کورکورانه و قبول ذلت نیست . کسیکه اطاعت او واجب میشود باید در او شروط خاص مثل عقل سالم ، صحتمندی کامل و قدرت برای تحمل مسئولیت و علم و عدالت وجود داشته باشد و در شرایط سیاسی معاصر وابسته به استعمار و تعیین شده از طرف قوای اشغال نباشد . فقهاء باین عقیده اند که مصدر سلطه

سیاسی در اسلام عقد یا معاهده بین خالق و مخلوق از یکطرف و بین رعیت و زمامدار از طرف دیگر است و اطاعت مخلوق در معصیت خالق نیست و اطاعت رعیت از حاکم مشروط و مربوط به عدالت او در حکومتداری است .

در فقه سیاسی اطاعت حاکم فقط در یک حالت قابل قبول است و آن اینکه حاکم عادل باشد و عدالت حاکم را ملت تصدیق کند نه اینکه خودش و اطرافیان اش او را عادل خطاب کنند . اگر حاکم عدالت را تطبیق نکند و عدالت در جامعه تحقق نیابد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مسلمانان را امر می نماید تا اطاعت ولی امر را نکنند

دکتور سعید حوی در بحث خود از فقه اطاعت تحت عنوان « الطاعة المبصرة » موضوع اطاعت را از ناحیه فقهی بحث و بررسی کرده می نویسد: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نظریه و فکر اطاعت با بصیرت را به مردم آموخت و اعرابی که به اطاعت عادت نداشتند و انضباط اداری و سیاسی را تجربه نکرده بودند آنها را تعلیم اطاعت و نظام داد . فقه اطاعت که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آنرا به مردم آموخت از نوع جدید بود . اطاعت در معروف و حق نه در باطل و ناحق ، اطاعت از عدل نه از ظلم ، اطاعت از کسی که مستحق آن است نه کسی که مستحق آن نیست اطاعت از راه دانش و فهم و بصیرت نه از راه و طریق جهل و نادانی<sup>28</sup>

در بین علمای اخوان المسلمین دکتور یوسف القرضاوی در باب اطاعت باین نظر است که از اصول اولیه اسلام است که انسان بعد از تصدیق نبوت و ایمان به رسالت و وحی آسمانی و آنهم از طریق عقل عقیده نماید و اقرار کند که ایمان آوردیم و تصدیق کردیم . ایمان و تصدیق بالای مسلمان حکم میکند که سمع و طاعت از خداوند و رسول



الله صلی الله علیه وسلم داشته باشد به عبارت دیگر اطاعت فقط از خداوند و رسول الله صلی الله علیه وسلم و آنهم بعد از ایمان آوردن و تصدیق نمودن است و در اطاعت خداوند و رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان انسان تکمیل میشود و انسان به صفت مسلمان شناخته میشود اما اطاعت از ولی امر بشرطیکه ولی امر مطیع اوامر خداوند و رسول الله باشد واجب است در غیر آن اطاعت او واجب شرعی نمی باشد<sup>204</sup>.

اطاعت بدون دلیل شرعی مرض اجتماعی و سیاسی فکر معاصر اسلامی است که قابل نقد و اصلاح است. مشکل در مسأله اطاعت در آن است که انسان باید در مقابل اوامر حاکم چه در حق باشد و یا در غیر حق اطاعت کند زیرا عدم اطاعت بغاوت و عصیان به حساب می آید و عقوبت عصیان و بغاوت قتل است. باساس عقیده و روش اطاعت در جهان اسلام مسلمانان از حکومت های که باساس انقلابات نظامی روی کار آمدند و بیعت و رأی مردم را نداشتند اطاعت کردند و اطاعت بغیر از حق استحکام و تثبیت نظام دیکتاتوری گردید و مسلمانان در آخر قافله مدنیته باقی ماندند و استبداد سیاسی در جهان اسلام حاکم شد.<sup>205</sup>

در مورد نقش علماء در نشر فقه اطاعت و تأثیرات منفی آن در روش فکر سیاسی اسلام علامه شیخ عبدالفتاح مورو معاون حرکت نهضت اسلامی تونس و یکی از متفکرین بزرگ معاصر اسلامی در کنفرانس عمان، اردن، بتاريخ 14 و 15 مارچ 2015 که در مسأله افراط گرائی بود گفت: علماء در جهان عرب از طریق فتوا دیکتاتوری ها را خلق و تثبیت کردند مثل فتوا عدم خروج علیه حاکم ظالم. این روش و این فتوا

<sup>204</sup>. دكتور يوسف القرضاوى «المرجعية العليا في الإسلام للقرآن والسنة»، ص 342

<sup>205</sup>. دكتور نبيل علقم «الثقافة العربية والتجديد الإسلامى»، ص 330.

صدمه ای بزرگ به اصل اسلام وارد ساخت و مبادئ شورا که از اصول حکم در اسلام است صدمه دید.

در مورد عدم کامیابی بعضی از نهضت های اسلامی علامه مورو می گوید: فهم ناقص سبب ناکامی حرکت های اسلامی و جنبش جوان بهار عرب بود. مسلمانان در مسائل و قضایای مهم بصفت یکطرف مستقل داخل میدان شدند و نخواستند اطراف دیگر را با خود شریک سازند. مسلمانان باید در موضوعات سیاسی فهم و درایت کامل داشته باشند و بفهمند که در شرایط سیاسی معاصر قادر نیستند بدون شریک ساختن تمام افراد ملت حکومت کرده بتوانند. جرأت انسان برایش اجازه میدهد تا به خطا خود اعتراف کند و این جرأت از مسلمانان غائب میباید شد در حالیکه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به خطا خود اعتراف میکرد.

دکتور نیبل علقم در بحث خود تحت عنوان «مفهوم الطاعة من الإستقرار إلى التناقض» می نویسد: موضوع اطاعت و مفهوم سیاسی و دینی آن بعد از تهاجم فکر غرب بالای روش فکر اسلامی در ساحة فرهنگ به درجات و اشکال متفاوت مورد استفاده است و استفاده های متفاوت با درجات مختلف مسأله و موضوع فقه اطاعت را مشکل ساخته است. اولین عالم اسلامی که دعوت اصلاح فقه اطاعت را بلند نمود شیخ جامع الازهر شیخ حسن العطار (1776 - 1835) بود. شیخ عطار با استفاده از تجربه های علمای فرانسه بعد از حمله ناپلیون بالای مصر اصطلاح فکر اطاعت را اصلاح کرد. شیخ عطار تجدید علوم و اقتباس از علوم غرب را یکی از اسباب اصلاح فقه اطاعت در جهان اسلام می دانست.

در قرن نهم علامه عبد الرحمن الکوکی فکر التجدید السیاسی را به بحث گرفت و کتاب خود را بنام «طبائع الإستبداد» به طبع رسانید. الکوکی در کتاب خود در مسأله اینکه حکام برای خود صفات الهی را

انتخاب میکنند شدیداً انتقاد کرد. او فکر غیر مسئول بودن حاکم را در مقابل مردم عامل مهم استبداد دانست. از نظر الکواکبی هر مستبد سیاسی برای خود صفت قدسیت که از صفات خداوند است انتخاب میکند و أهل دین یعنی علماء حاکم مستبد را در ظلم و استبداد اش بنام دین همکاری می کنند. ترس و خوف از سلطه سیاسی و یا خوف و ترس از حاکم مستبد سبب استبداد او می شود. الکواکبی اضافه میکند که استبداد و طغیان تنها به وجود حاکم خلاصه نمیشود و استبداد جزء از ثقافت اجتماعی شده است و در نظام استبدادی همه مسئولین دولت مستبد اند.<sup>206</sup>

جمال الدین افغانی مثل الکواکبی از نهضت علمی و تجدید فکر سیاسی حمایت میکند و اطاعت مطلق را بدون دلیل در فقه سیاسی و فقه اطاعت نمی پذیرد و در مقدمه عمل تجدیدی، تجدید نظام سیاسی را می داند. سلطان عبدالحمید از نظریه تشکیل جامعه اسلامی جمال الدین حمایت کرد لیکن با نظر او در تجدید سیاسی مانند حریت و شورا که از اصل دین است مخالفت کرد. بعد از الکواکبی و جمال الدین افغانی حسن البناء روش اصلاحات سیاسی را با فکر تجدید سیاسی و تجدید در فقه اطاعت پیش گرفت. فکر البناء در مبارزه با فساد سیاسی و نظام حاکم مطلق خلاصه میشود.

حرکت تجدیدی البناء با نظام استبدادی ملک فاروق و بعداً با نظام جمال عبدالناصر طرف واقع شد و متأسفانه در عدم ثقافت و دانش سیاسی ملت مصر حرکت تجدیدی البناء ناکام شد و استبداد سیاسی و

<sup>206</sup> دکتر نبیل علقم «الثقافة العربية والتجديد الإسلامی»، صفحات 337-338.

فقه اطاعت بالای فکر حریت سیاسی غلبه یافت و تا امروز فقه متغلب و فقه اطاعت در مصر حاکمیت دارد.<sup>207</sup>

---

<sup>207</sup>. دکتور هانی عبادی محمد سیف المجلس «الطاعة السياسية في الفكر الإسلامي» ناشر، المعهد العالمي للفكر الإسلامي، [www.iiit.org.ma/index.php/item/30](http://www.iiit.org.ma/index.php/item/30)

## اقتباس و تجدید در روش فکر معاصر اسلامی

فکر معاصر اسلامی از تجدید و اعادت نظام اسلامی بغیر از موضوعات فقهی و آن هم در فقه عبادات توجه عمیق و جدی ندارد. روش معاصر اسلامی باید بین اسلام و واقعیت‌های زندگی مردم و بین اسلام و آینده و بین اسلام و حیات بشر توافق و نزدیکی را بیاورد و زمانی این موفقیت بدست می‌آید که فکر معاصر اسلامی از تقلید و جمود رهایی و اقتباس علوم معاصر و تجربه‌های دیگران را در مسائل سیاسی و علمی بپذیرد. عده از علماء حتی در فقه عبادات تا هنوز مشغول مؤلفه القلوب در مسأله زکات اند و در افغانستان فکر معاصر اسلامی مشغول مسائل مربوط به فرهنگ مثل مبارزه با بلند کردن جنده مزار شریف، عدم رفتن به زیارت و در خارج در مبارزه با تصوف است. دانشمندان و دعوتگران مردم را در مسائل و امور ثانوی مشغول ساخته اند که بحث آن در وقت حاضر نفع به اسلام و مسلمانان ندارد و در موضوعات بسیار مهم مثل سرقت سرمایه ملی، فقر، ظلم اجتماعی، استبداد سیاسی و اشغال نظامی و عدم معرفت به علوم معاصر کمتر بحث صورت می‌گیرد.

عده باین عقیده و تصور اند که اقتباس از دیگران بدعت و خلاف شرع است. این گروه از مسلمانان در معنی و مفهوم اقتباس و استفاده از علوم دیگران دچار مشکلات میباشند و عده دیگر تا هنوز تفاوت بین امور ثابت و غیر ثابت را در اسلام نکرده اند. جمود فکر و عدم استفاده از تجربه های علمی را علمای فکر معاصر اسلامی دلیل به مرگ

تدریجی امت اسلامی میدانند و باین عقیده اند که جمود مرگ تدریجی امت است.<sup>208</sup>

دکتور یوسف القرضاوی اضافه می کند جمود آفات فکری و سد راه نهضت اسلامی در عصر حاضر است. در مورد تجدید القرضاوی باین عقیده است که تجدید معنی آن نفی قدیم نیست بلکه اضافت و پاک سازی افکار قدیم و تقدیم آن در لباس جدید است و برای این هدف و منظور استفاده از وسائل و امکانات معاصر و اقتباس از دیگران ضرورت اسلامی است و برای مسلمانان واجب است تا حکمت و دانش را از هر جا که باشد حاصل نمایند.<sup>209</sup>

خوف و ترس مسلمانان معاصر از تجدید و اقتباس در این است که ممکن گروه از مسلمانان در فکر تجدید اصل دین شوند و تجربه اصلاحات دینی اروپا قرون وسطایی در اسلام تکرار شود. در مورد تجدید دین علامه محمد الغزالی می نویسد: تجدید دین معنی آن توضیح آنچه از دین مبهم مانده و مردم به فهم آن جاهل اند و احیاء علوم اسلامی و کشف جوهر دین که خداوند نازل کرده میباشد و همچنان ربط بین احکام دین و بین آنچه در امور دنیا صورت می گیرد با مراعات احوال و تغییرات که در زندگی مردم با اساس قاعده مصالح مرسله رخ می دهد. الغزالی ادامه داده می نویسد بدست آوردن یا طلب حق و حکمت در هر جا باشد برای مسلمان واجب است تا آنرا بدست آورد.<sup>210</sup>

الغزالی اقتباس از نهضت و مدنیت غرب را مصیبت و یک عمل زشت نمی داند و در مورد اقتباس از علوم معاصر غرب باین عقیده است که نهضت غرب از معارف اسلامی اقتباس کرده پس مانع نیست تا

208. دکتور یوسف القرضاوی «الحل الإسلامی فریضة و ضرورة» ص 218.

209. دکتور یوسف القرضاوی «أولویت الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة» صفحات 11-112.

210. القرضاوی «من اجل صحوة راشدة ، تجدد الدین ..... و تنهض بالدنیا» .

مسلمانان آنچه غرب به نهضت اسلامی اضافه کرده از آن اقتباس نمایند

211 .

در مسأله اقتباس از علوم معاصر غرب و قوانین مدنی خصوصا در امور متعلق به مسائل دنیا و سیستم اداری و دیموکراسی مسلمانان به سه دسته تقسیم میشوند .

گروه اول به این عقیده اند که هر آنچه در غرب از قوانین مدنی و سیستم سیاسی و نظام اداری است بدون تبدیل و تغییر مطابق اصل اقتباس و در جوامع اسلامی تطبیق شود .

گروه دوم اقتباس از غرب را رد و از حالت موجوده ای مسلمانان راضی میباشند. جمود و خمود این دسته از مسلمانان نتایج منفی را برای جامعه اسلامی بار آورد و سبب عقب گرانی مسلمانان و رکود نهضت معاصر اسلامی شد . مخالفین اقتباس از علوم معاصر در حقیقت مانع تقدم علمی در جامعه اسلامی اند .

گروه سوم را متفکرین مدرسه ای تجدید نظام سیاسی اسلام تشکیل می دهند. این گروه اسلام را صحیح فهمیده و دعوت به اقتباس از آنچه جدید و به نفع اسلام و دولت اسلامی است می نمایند لیکن بشرطیکه مخالف با عقیده اسلامی نباشد . از نظر این گروه تقدم و پیشرفت علمی غرب سرمایه انسان است و در بوجود آمدن آن تمام انسانها شریک می باشند و حق همه انسان است تا از آن استفاده و سود برند .<sup>212</sup>

تعیین مدت معیین برای ریاست دولت مثلا برای یک دوره یا دو دوره و هر دوره برای چند سال و تشکیل پارلمان و مدت آن و روش انتخاب و کلاء و گرفتن صلاحیت رئیس دولت به علت های مختلف مطابق قانون

<sup>211</sup> محمد الغزالی « کیف نفهم الإسلام » ، صفحات 161 تا 193 .

<sup>212</sup> محمد الغزالی « الإسلام و الطاقات المعطلة » ص 77 ، و همچنان محمد قطب « واقعنا المعاصر » ص 10 . و دکتور أحمد کرزون « التخلف العلمی فی واقع المسلمین المعاصر » صفحات 53-55 .

اساسی همه به مصلحت ملت و حمایت آزادی از استبداد سیاسی است . مسلمانان مجبور نیستند در مسائل سیاسی از تجربه های چند قرن گذشته که برای امروز قابل تطبیق نیست استفاده نمایند و در عصر حاضر بهتر است تا از تجربه های انسانی با حفظ عقائد اسلامی اقتباس شود و در اقتباس شرط آن است که آنچه مخالفت با اصل شریعت دارد باید متوجه آن بود.<sup>213</sup>

اسلام فکر تجدید و آزادی فکری را به مسلمانان آموخت. در سوره البقرة آیه 170 میخوانیم: « و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه آباءنا أولو کان آباؤهم لا یعقلون شیئا ولا یهتدون ». و چون به ایشان گفته شود آنچه را خداوند نازل فرموده است پیروی کنید گویند بلکه پیروی می کنیم آنچه را که پدران خود را بران یافته ایم ، آیا { بایست آنها تابع پدران باشند ؟ } در حالیکه پدران شان چیزی را نمی فهمیدند و نه راه راست { به سوی ایمان و هدایت } یافته بودند . ثقافت و فرهنگ قابل تبدیل و تجدید و تغییر است پس اگر انسان فرهنگ و ثقافت میراثی و فکر جامد اجداد را پیروی کند و تجدید را نپذیرد از قافله نهضت عقب می ماند . مسلمانان صدر اول اسلام بعد از قبول اسلام ثقافت و فرهنگ میراثی را کنار گذاشتند . بطور مثال مردم قبل از اسلام بت ها را پرستش می کردند و مشغول شهوت رانی و افتخار به نسب و قبیله بودند و دختران را زنده به گور می کردند اما بعد از قبول اسلام بحیث فرهنگ و ثقافت روش اجتماعی و فکری جامعه کاملا تغییر یافت و مسلمانان با فکر روشن از تجربه های انسانی استفاده کردند و مدنیت بزرگ اسلامی را تأسیس نمودند .

<sup>213</sup> . دکتور عبدالحمید الأنصاری « الشوری و أثرها فی الیدمقراطیة » ص 172 . و همچنان مقاله الدکتور فتحی عثمان فی مجلة « المسلم المعاصر » و دکتور یوسف القرضاوی « بینات الحل الإسلامی و شبهات العلمانیین و المتغریین » صفحات 81-84 و دکتور یوسف القرضاوی « فتاوی معاصرة » فصل مسائل سیاسی .



تجدید نظام سیاسی و تأسیس و بناء ثقافت سیاسی معاصر اسلامی ارتباط مستقیم به بازگشت به اصل اسلام دارد و اصل اول دین عدل و آموختن دانش و تجدید حیات است. تا زمانی که در جامعه اسلامی ظلم و استبداد سیاسی و اشغال نظامی حکمفرما باشد نظام سیاسی و ثقافت سیاسی اسلامی غیر قابل اصلاح است. قرآن کریم در 280 آیه ظلم و استبداد را تقبیح می کند و در تعریف ظلم و بی عدالتی قرآن کریم «اسم» را بدل «فعل» جهت ثبوت بیشتر می آورد مثل الظالم، الظالمون و غیره. در حدیث قدسی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: «یا عبادی اینی حرمت الظلم علی نفسی و جعله محرما بینکم فلا تظالموا» (مسلم: 1957) خداوند می فرماید: ای بندگان من، من ظلم را بر خود حرام ساختم و ظلم را بین شما حرمت دادم پس ظلم مکنید.

اقتباس علوم معاصر قسمیکه ذکر شد یکی از ضرورت های معاصر جامعه اسلامی است و اقتباس از علوم دیگران در فکر و روش معاصر اسلامی مانع ندارد و مسلمانان صدر اول اسلام و خصوصاً سه قرن اول اسلام که به شهادت تاریخ بهترین عصر در تاریخ اسلام است علوم معاصر آنزمان را گرفتند و آنچه مخالف عقیده اسلامی بود آنرا اصلاح و به جامعه معرفی کردند. فکر و اندیشه اقتباس از علوم دیگران زمانی در جامعه اسلامی متوقف شد که مسلمانان بسته شدن باب اجتهاد را که خلاف سنت نبوی بود پذیرفتند. بسته شدن باب اجتهاد مانع بزرگ در استفاده از علوم معاصر گردید. دانشمندان فکر معاصر اسلامی، مسلمانان را به شروط معین به اجتهاد دعوت می کنند و اجتهاد و نو آوری و اقتباس را عامل مهم در تجدید نهضت معاصر اسلامی می دانند.

## حقوق انسان در روش فکر معاصر اسلامی

حقوق انسان از یک قرن باین طرف یکی از اهم موضوعات سیاسی و قضیه ای مهم و بزرگ حقوقی در جوامع انسانی و مؤسسات بین المللی است . بعد از نشر اعلامیه بین المللی حقوق انسان بتاريخ 10 / 12 / 1948 از طرف مؤسسه ملل متحد قضیه حقوق انسان صفت رسمی و بین المللی یافت . جامعه غرب مبادئ حقوق انسان را یکی از مهمترین افتخارات و ترشحات فکر علمای غرب می داند . مبادئ حقوق انسان بعد از جنگ جهانی دوم برای حمایت وحدت انسانی و حمایت حقوق انسان به جامعه بین المللی معرفی شد . هدف اول اعلامیه حقوق انسان احترام گذاشتن به مقام انسان و حمایت آزادی او است و برای تحقق بخشیدن این اهداف ، جامعه ای بشری تصمیم گرفت تا از راه نشر تعلیم و تربیت حقوق انسان را معرفی و انجمن ها و حکومت ها را برای احترام حقوق انسان و حمایت آن مجبور و مکلف سازند .

در قرن سیزدهم میلادی و بخصوص در سال 1215 میلادی مردم انگلستان موفق شدند قوانین ظالمانه مالی را که از طرف دولت بر مردم تحمیل می شد لغو سازند . در مبادئ استقلال امریکا سال 1776 میلادی در مورد حقوق انسان و حق انسان برای حیات و آزادی و مساوات تأکید گردیده است . بتاريخ 1789/8/26 میلادی انقلاب فرانسه وثیقه حقوق انسان را اعلان کرد . وثیقه حقوق انسان فرانسه اولین وثیقه مهم حقوق انسان شناخته می شود . مبادئ حقوق انسان اروپا در اساس برای آزاد ساختن انسان از طغیان و تسلط رجال الدین و کلیسا بود .

انسان محور اساسی را در فلسفه حقوق انسان میسازد به عبارت دیگر حقوق در محور انسان حرکت دارد. قضیه حقوق انسان در عصر حاضر به اسلحه سیاسی تبدیل گردیده و کشور های بزرگ و با قدرت جهان برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود از حقوق انسان بحیث اسلحه و نقطه فشار بالای نظامهای سیاسی جهان خصوصا جهان سوم استفاده می نمایند و در بعض حالات حتی اشغال نظامی زیر نام حمایت و دفاع از حقوق انسان صفت قانونی را می گیرد.

آزادی سیاسی و فکری و عدالت اجتماعی و مساوات در مقابل قانون ارکان مهم حقوق انسان معاصر را می سازد. مفاهیم عالی حقوق انسان با اینکه در برنامه و مبادئ با یکدیگر وجه مشترک دارند اما تعریف علمی و تطبیق عملی آن از یک کشور تا کشور دیگر حتی در اروپا تفاوت میکند. یک کشور آزادی و حریت را به مفهوم سیاسی و کشور دیگر حریت را به مفهوم اجتماعی و فرهنگی و فردی و کشور دیگر آنرا به آزادی جنسی تفسیر و تعریف می کند. مفهوم سیاسی و اجتماعی و منبع با صلاحیت تدوین حقوق انسان در اسلام با مفهوم آن در غرب تا حدی تفاوت دارد. در اسلام حقوق انسان منبع آن شریعت است که غیر قابل تغییر و تبدیل و تعدیل میباشد باین معنی که حقوق انسان حق ثابت انسان است به دلیل اینکه شریعت اسلامی ثابت و غیر قابل تبدیل و تغییر و تعدیل است لهذا حقوق انسان نیز ثابت و غیر قابل تعدیل میباشد.

مشکل حقوق انسان در جهان اسلام بصورت خاص و جهان سوم بصورت عام در عدم تطبیق عملی آن است. خانم سلمی الجیوسی در کتاب خود بنام «حقوق الإنسان فی الفكر العربی» مشکلات مربوط به حقوق انسان را در عالم اسلامی بحث کرده می نویسد: موضوع حقوق انسان در فکر عربی و فکر اسلامی معاصر در امتداد تاریخ مشکلات زیاد را دارد و مهمترین مشکل موضوع حقوق انسان در فکر معاصر

اسلامی و عربی در تناقض و عدم هماهنگی بین مفهوم نظری و تطبیق عملی آن در جامعه است.<sup>214</sup>

استاد محمد السید سعید موضوع حقوق انسان را در مصر تحقیق نموده می نویسد: حقوق انسان در مصر مراعات نمی شود و با وجود قوانین بین المللی و قانون مصر ، استبداد و تعذیب در مصر حاکمیت دارد . حقوق انسان نه تنها در نظام سیاسی حاکم بلکه توسط مؤسسات غیر حکومت نیز احترام نمی شود .<sup>215</sup>

مسلمانان در تطبیق عملی حقوق انسان از چند قرن باین طرف در نتیجه حکومت های استبدادی و زعامت های دیکتاتوری و عسکری عاجز اند و با صراحت میتوان گفت در تطبیق عملی حقوق انسان مسلمانان از چند قرن باین طرف ناکام اند و در جوامع اسلامی حقوق انسان حتی حقوق اولیه انسان تطبیق و احترام نمی شود . برخلاف کشور های اسلامی ، حقوق انسان در کشور های غرب که مردم آن از عقیده عیسویت پیروی میکنند با مقارنه با کشور های اسلامی که مردم آن از عقیده اسلامی پیروی می کنند بیشتر است و حتی مسلمانان در غرب که اقلیت دینی را می سازند از مبادئ حقوق انسان غرب استفاده میکنند و حق عبادت را بصورت کامل دارند . عدم رعایت و تطبیق حقوق انسان در کشور های اسلامی سبب شده تا محققین جوان مسلمان در تحقیقات شان به مصادر غرب مراجعه نمایند و مبادئ حقوق انسان را از منابع غربی خصوصا از مؤسسات بین المللی مثل ملل متحد و Human right استنباط و اقتباس و از مواد آن در تحقیقات خود استفاده نمایند. حرکت علمی و مطالعات در ساحة حقوق انسان و نشر

<sup>214</sup>. سلمی الجیوسی « حقوق الإنسان فی الفكر العربی » ، بیروت : مرکز دراسات الوحدة العربیة ، 2002 م ، فصل ، إشکالیة حقوق الإنسان .

<sup>215</sup>. محمد السید سعید « حقوق الإنسان فی مصر » ، المنظمة المصریة لحقوق الإنسان

مبادی حقوق انسان به روش فکر غرب تا حدی پیش رفت تا اینکه عده‌ای از محققین جوان مسلمان خیال و تصور کردند که فکر حقوق انسان در مبادی اسلام نیست و اسلام در مورد و مسأله حقوق انسان خاموشی اختیار کرده است.

جمع بزرگ از مسلمانان خصوصاً طبقه‌ی تعلیم یافته نسبت به حقوق انسان در روش و روش اسلامی در شک و تردید اند و عده‌ای از دانشمندان در جامعه‌ی اسلامی یقین و باور ندارند که اسلام ضامن حقوق انسان است. عقیده‌ی داشتن بر اینکه اسلام در مورد حقوق انسان سکوت نموده و حقوق انسان را تضمین نکرده سبب گردید تا جماعت بزرگ از مسلمانان از تطبیق شریعت اسلامی در جامعه خوف و ترس داشته و تصور و خیال کنند که تطبیق شریعت اسلامی نه تنها حقوق انسان را حفظ و تأمین نمی‌نماید بلکه شریعت اسلامی حقوق انسان را محدود و انسان را از بسیاری حقوق طبیعی اش محروم می‌سازد. مسلمانان معاصر مبادی حقوق انسان را در نتیجه‌ی فعالیت‌های مؤسسه‌ی ملل متحد و جهان غرب خصوصاً قانون فرانسه می‌دانند. از نظر این گروه مسلمانان مبدأ حقوق انسان بتاریخ دهم دسامبر 1948 که مواد آن از قانون فرانسه گرفته شده و همچنان عده‌ای از محققین مسلمان باین عقیده و باور اند که نباید حقوق انسان را صبغه‌ی دینی داد و مرجعیت حقوق انسان را باید انسانی و از نتایج فکر انسان دانست نه ربانی و آسمانی.

دانشمندان غرب باین عقیده اند که دانشمندان فکر معاصر اسلام می‌خواهند با ثبات رسانند که حقوق انسان از مبادی شریعت اسلامی گرفته شده است و شریعت اسلام اولین عقیده‌ی ای است که حقوق انسان را اعلان و تضمین می‌نماید، مسلمانان باید بدانند که این نظریه فکرآ و عقلاً و عملاً غیر قابل قبول است.<sup>216</sup>

<sup>216</sup> . احمد البغدادی «الفکر الإسلامی و الإعلان العالمی» ، دار قرطاس للنشر و التوزیع ، الکویت 1994 م ، ص 11 .

در بین مفکرین غرب نویسنده بزرگ امریکائی « جاک دونللی » نوشته های دانشمندان فکر معاصر اسلامی را در موضوع حقوق انسان نقد می کند و می نویسد: حقوق انسان در عقیده مسلمانان در و جایب بین حکام و رعیت خلاصه میشود و در حقیقت حقوق برای فرد در شریعت اسلام نیست و آیات قرآن که مسلمانان از آن برای اثبات حقوق انسان در اسلام استفاده می نمایند عبارت از توصیه های الهی است که قتل نفس را حرام می سازد نه بیشتر از آن.<sup>217</sup>

دانشمندان بزرگ امریکا و کشورهای غرب در انتقادات شان از اسلام و حقوق انسان در عدم مطالعه صحیح از نصوص اسلامی دچار مشکلات زیاد میباشند. صحیح است که حقوق انسان در غرب عیسوی نسبت به شرق اسلامی بیشتر مراعات و تطبیق میشود لیکن استعمار حقوق انسان را در طول تاریخ معاصر در جهان اسلام مراعات نکرده است. اسپانیه، پرتغال، ایتالیا، فرانسه، انگستان و اخیرا امریکا بعد از اشغال ممالک اسلامی حقوق انسان را احترام و تطبیق نکردند و غرب در جنگهای خود با مسلمان پائین ترین درجه حقوق انسان را در حق زندانیان سیاسی مراعات نمی کند و در بسا موارد مسلمانان را به صفت انسان نمی شناسند. زندانهای امریکا خصوصا زندان گوانتاناما بی در کوبا و زندان های امریکا در عراق خصوصا زندان ابوغریب و زندان بگرام در افغانستان نقطه عار در جبین انسانیت است. ظلم فرانسوی ها در شمال افریقا و شام و ظلم ایتالوی ها در لیبیا و ظلم انگلیسها در عراق و فلسطین و ظلم یهودها در فلسطین و ظلم روسها در وسط آسیا و افغانستان و امروز در سوریه را تاریخ حقوق انسان و تاریخ انسانیت نمیتواند فراموش کند.

<sup>217</sup>. جاک دونللی « حقوق الإنسان العالمية بین النظرية و التطبيق »، ترجمه، مبارک عثمان، المكتبة الأكاديمية، القاهرة 1998، ص 69.

امریکا و اکثر کشورهای غرب مخالفین سیاسی خود را دستگیر و بیکی از کشورهای عربی و افغانستان می فرستند تا در آنجا تحقیقات در مورد شان صورت گیرد. راپور های مفصل که در این مورد به نشر سپرده شده شاهد این قول است. بی بی سی در برنامه عربی خود بتاريخ 23 فبروری 2016 این راپور را به نشر سپرده که جهت معلومات خوانندگان عزیز تقدیم میشود.

بتاریخ 22 فبروری 2016 محکمه حقوق انسان اروپا حکومت ایتالیا را متهم به نقض حقوق انسان کرد. در حکم محکمه آمده که حکومت ایتالیا با همکاری CIA حسن مصطفی اسامه نصر معروف به ابو عمر را اختطاف و برای تحقیقات به دولت مصر تسلیم نمود و ابو نصر در زندان مصر چهار سال تعذیب شد. محکمه حکومت ایتالیا را مجرم دانست به دلیل اینکه حقوق انسان را در چندین موارد احترام نکرده است. در سال 2009 میلادی ایتالیا بیست سه امریکای و دو ایتالوی را به جرم عدم احترام حقوق انسان و تعذیب انسان بصورت غیابی محکوم ساخت. محکمه حقوق انسان اروپا ایتالیا را در قضیه ابو عمر به 115 هزار اورو معادل 127 هزار دالر محکوم نمود و در حکم محکمه اروپا ایتالیا در جمله کشورهای آمده که حقوق انسان را مراعات نمی کند. به همین ترتیب صدها جوان مسلمان در امریکا و اروپا از ادنی ترین حقوق انسان محروم شدند و زندان بگرام و مصر و اردن شاهد تعذیب است.

مؤسسات حقوق انسان و انجمن های که از حقوق انسان در جهان دفاع میکنند مانند حکومت های غرب از سیاست دو جانبه و نفاق در حمایت حقوق انسان استفاده می نمایند بطور مثال اگر واقعه در غرب صورت گیرد که منافی حقوق انسان باشد فوراً در توقف آن سعی می نمایند و فعالیت های شان بسرعت نتیجه مثبت می دهد اما اگر یک گروه از مسلمانان مورد تجاوز قرار گیرند فعالیت های انجمن های مدافع حقوق انسان در اصدار بیانیه های سیاسی خلاصه میشود. تجربه بوسنیا ،

عراق، سوریه و اخیراً مصر این حقیقت را واضح می‌سازد. متأسفانه انجمن‌های حقوق انسان و حتی مؤسسات بین‌المللی مدافع حقوق انسان زیر تأثیر و اداره‌ی کشور‌های بزرگ قرار دارند و مطابق مصالح سیاسی و اقتصادی کشور‌های بزرگ عمل می‌نمایند و اگر دفاع از حقوق انسان به نفع مصالح کشور‌های بزرگ بود از آن دفاع می‌شود و اگر به نفع منافع و مصالح کشور‌های بزرگ نباشد از آن اغماض می‌شود.

ظلم اجتماعی و استبداد سیاسی و میراث فرهنگی و ثقافت میراثی در جوامع اسلامی فکر عدم موجودیت حقوق انسان را در اسلام تقویت می‌کند. اگر حقوق انسان را از گفتار، کردار و اعمال مسلمانان خصوصاً حکام بحث و بررسی شود جای شک نیست که محققین باین نتیجه می‌رسند که اسلام حافظ و حمایت حقوق انسان نیست اما اگر به اصل مبادئ اسلام مراجعه شود و نصوص اسلامی مطالعه و بررسی دقیق شود در اصل حقوق انسان در اسلام معرفت بیشتر بدست می‌آوریم و یقین می‌کنیم که اسلام اولین دین است که کرامت انسان و حریت سیاسی و عقیده مردم تضمین نموده است.

در این تحقیق کوشش بعمل آمده تا حقوق انسان را با استفاده از نصوص اصیل اسلامی و از روش و روش فکر معاصر اسلامی بحث و بررسی شود و از ذکر و استفاده از منابع غیر اسلامی در معرفی حقوق انسان تا حد زیاد دوری شده است به دلیل اینکه جوانان عزیز افغانستان مفهوم و فلسفه غربی حقوق انسان را خوب میدانند و کتب و تحقیقات که در باب حقوق انسان بزبان‌های مختلف به طبع رسیده است فوق العاده زیاد و در دسترس همه قرار دارد در حالیکه منابع اصیل اسلامی در مورد حقوق انسان بسیار محدود است.

### حقوق انسان در روش فکر معاصر اسلامی

حقوق انسان در فرهنگ سیاسی و اجتماعی و ادبیات معاصر اسلامی تعاریفات جامع دارد. در تعریف حقوق انسان در فرهنگ و ثقافت



اسلامی و غرب تفاوت زیاد نیست و اما در روش فکر غرب و شرق اسلامی تفاوت در منبع و جهت حقوق انسان میباشد. منبع و مصدر حقوق انسان در فرهنگ سیاسی و اجتماعی غرب انسان است به این معنی که مبادئ حقوق انسان از فکر انسان بوده و تابع اراده انسان میباشد. منبع و جهت حقوق انسان در فرهنگ اسلام خداوند است به عبارت دیگر حقوق انسان هدیه خداوند برای انسان به خاطر تشبیت کرامت انسان و خلافت او در زمین است.<sup>218</sup>

حقوق انسان در اسلام مشروعیت خود را از قرآن کریم و سنت نبوی می گیرد و اسلام حقوق انسان را قدسیت می دهد و حقوق انسان را از مشئیت الهی می داند. در اینجا لازم است اشاره کرد که هر امر و مسأله که از طرف خداوند تأیید و تشبیت شود در فرهنگ اسلامی قدسیت دارد. آیات قرآن کریم و احادیث صحیح قدسیت حقوق انسان را به اثبات می رساند.

در فرهنگ سیاسی اسلام حقوق انسان از دو کلمه ترکیب یافته «حقوق و انسان». حقوق جمع حق و حق در ادبیات زبان و لغت ثابت است و دلیل برای نفی آن نیست. حق از نظر فکر اسلامی مطلق و غیر قابل فناء است به دلیل اینکه حق از اسماء الله سبحانه و تعالی است و خداوند سبحانه و تعالی فناء ناپذیر است. در سوره النور آیه 25 میخوانیم: «أن الله هو الحق المبين» و خواهند دانست که خدا همان حقیقت آشکار است. و در سوره آل عمران آیه 3 می خوانیم: «نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه وأنزل التوراة والإنجيل». فرو فرستاد بر تو ای محمد { کتاب { قرآن } را به حق ، تصدیق کننده ، آنچه که پیش از آن نازل شده است و نازل فرمود تورات و انجیل را. در سوره انعام آیه 73 میخوانیم: « قوله الحق وله الملك ». قول او حق است ، و روزی که { در آغاز رستاخیز } در صور { بوق } دمیده می شود فرمانروائی و ملک از

<sup>218</sup> ( <http://ar.wikipedia.org/wiki> ) و ( Islamic – irusa.org )

آن او است. در سوره الأنفال آیه هشتم می خوانیم: « لیحق الحق و يبطل الباطل ». تا حق را با حقایق آن ثابت نماید و باطل را با بطلان آن از میان بردارد. در سوره الاحقاف آیه 30 می خوانیم: « یهدی إلى الحق و إلى طریق مستقیم ». خداوند بسوی حق و راه مستقیم هدایت می کند. بهمین ترتیب ده ها آیات در قرآن کریم است که دلالت به حق می کند.

حق در ادبیات زبان به معنی خلاف و ضد باطل آمده است. در قرآن کریم کلمه حق از حیث مدلول و دلالت های لفظی آن به معانی زیاد استفاده شده است مثل حق اسم از اسماء و صفات حضرت خداوند سبحانه و تعالی. حق اسم از یک امر ثابت و دین و رسالت.<sup>219</sup>

در تعریف کلمه حق بین فقهاء و قانون دانان اختلاف نظر وجود دارد. علمای حقوق در غرب حق را اینطور تعریف میکنند. حق مصلحت مادی و ادبی است که قانون آنرا حمایت میکند و حق عبارت از سلطه اداری است که به وسیله آن سلطه شخص به اثبات میرسد.

فکر معاصر اسلامی حق را اینطور تعریف میکند: حق عبارت از مزیت های شرعی است که خداوند سبحانه برای حفظ کرامت انسان اهداء کرده است. لقد کرمننا بنی آدم. شریعت اسلام تمام افراد جامعه را به احترام حق مکلف می سازد.<sup>220</sup>

همچنان در فکر معاصر اسلامی کلمه حق باین معنی نیز تعریف می شود. حق تمام ضروریات و احتیاجات انسان است که به آن از آغاز زندگی در بطن مادر تا مرگ ضرورت دارد. انسان از بطن مادر آزاد تولد میشود اما بعض حقوق از او بدون وجه حق سلب می شود. حقوق مجموع امتیازات است که انسان به آن در زندگی ضرورت دارد. حق ارتباط به شکل و رنگ و زبان و مکان و دین ندارد و مستقل بذات و صفات

219. عبدالوهاب الشیشانی « حقوق الإنسان و حریتة الأساسیة فی النظام الإسلامی و النظم المعاصرة »، ص 350، مطابع الجمعية العلمیة المملکیة 1980م.

220. الشیخ عبد الله بن الشیخ المحفوظ بن بیه « حوار عن بعد »، صفحات 25-26.

حقوقی خود است. حقوق انسان کرامت انسان را حفظ و امنیت و حریت فکری را بیمه و زندگی را تنظیم میکند<sup>221</sup>

القاضی عیاض الیحصبی در مورد حق می گوید خداوند اصل حق است، و حقوق هدیه ربانی و برای تشریف و تکریم انسان با اعتبار اینکه خلیفه خداوند به هدف عمار زمین است میباشد و در مقابل همه نعمت های که خداوند برای انسان داده در مقابل آن حق خداوند بالای انسان است که او تعالی را عبادت نماید. حق خداوند و حق بنده در اصطلاح حقوق اسلام بنام وجایب و مسئولیت است.

علمای اسلام با استفاده از آیات قرآن کریم و سنت نبوی حق را به دو قسم تقسیم می کنند.

- حق فرد شامل تمام حقوق است که مصالح و منافع افراد را حفظ می نماید مثل (حق حیات، ملکیت، اعتقادات و کار و حریت با تمام انواع و اقسام آن.....).
- حق خداوند، حق خداوند را علمای اسلام بنام حق جامعه یاد می کنند و حق جامعه عبارت از حقوقی است که مصالح عامه را تضمین می نماید. علماء فرهنگ اسلامی در پهلوی حق جامعه کلمه «جلاله» را اضافه می کنند تا مردم اهمیت حقوق را بیشتر بدانند و حق را حفظ نمایند. هیچ منبع و سلطه حق تصرف را در حقوق انسان ندارد. عده از علماء باین نظر اند که تمام حقوق انسان برای حفظ حریت او است و در اسلام حریت مطلق است و مقید نمیشود مگر اینکه با حقوق دیگران تصادم کند.<sup>222</sup>

<sup>221</sup> . <http://d1.islamhouse.com>.

• <sup>222</sup> . دکتور حسین علی محافظه « مفهوم الحق بالتغییر فی الفکر العربی الإسلامی » صفحات 5-6-7) The concept of the right to change in the Arab Islamic thought , by : Dr. Hassein Mahafzah

علامه القرافی در مورد تقسیمات حق می گوید که فرق بین قاعده ای حقوق الله تعالی و قاعده حقوق انسان این است که حق خداوند اوامر و نواهی او است و حق بنده مصلحت او. القرافی حق را به سه نوع تقسیم می کند: حق خداوند، حق بنده و قسم سوم در مورد آن بین علماء اختلاف است که آیا حق خداوند اول و با اهمیت است یا حق بنده. علمای اسلام باین عقیده اند که حق انسان مقدمتر از حق خداوند است به دلیل اینکه قطع نماز فرض در صورتیکه نا بیناه را از افتادن نجات داد مقدمتر است از ادامه نماز که حق خداوند میباشد.

در مفهوم اسلام شریعت اساس حق است نه حق اساس شریعت باین معنی که حق از شریعت استنباد میشود و نه شریعت از حق و به عبارت دیگر شریعت اسلامی حق را تعیین و تثبیت می نماید. حق حریت و آزادی در مفهوم اسلامی وسیله بزرگ برای تحقیق هدف پاک و نبیل که رسیدن به کمال انسانیت و عبودیت خداوند است میباشد. برای رسیدن به این هدف اسلام انسانرا از عبودیت غیر از خدا آزاد می سازد. در معتقدات اسلامی حقوق انسان یک اصل قدیم میباشد به دلیل اینکه حق سبحانه و تعالی قدیم است و چون خداوند که حق مبین است صفت قدیم را دارد پس باید حق و حقوق نیز یک اصل قدیم را داشته باشد و آیات زیاد در قرآن کریم است که دلالت به احترام و تطبیق حقوق انسان توسط انبیاء علیهم السلام میکند. اسلام مبادئ حقوق انسان را با مبادئ اخلاق یکجا می سازد و حقوق انسان را بعد اخلاقی می دهد.

### خصوصیت و مزایای حقوق انسان در اسلام

1. مرجعیت و مصدر حقوق انسان در اسلام الهی است به عبارت دیگر مرجعیت حقوق اسلام است.
2. حقوق انسان در اسلام هدیه از جانب خداوند است.

3. حقوق انسان در اسلام ثابت و غیر قابل تعدیل و تغییر و زیادت و نقصان است و در شرایط خاص و زمان و مکان و حالات سیاسی و اجتماعی قابل تغییر نیست.
4. حقوق انسان در اسلام شامل و متکامل است مثل: حق حیات، حق کرامت حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حق عبادت، حق انتخاب دین، حق انتخاب شریک زندگی، حق تعبیر، حق انتخاب زعیم سیاسی، حق عزل حاکم، حق ملکیت، حق سفر، حق کار، حق تعلیم و جمیع حقوق اقتصادی و غیره.
5. حقوق انسان موازنه یا هم وزن بودن را بین حقوق و وجایب تنظیم می کند.
6. حقوق انسان باساس واقعیت های زندگی و ضرورت های انسان است.
7. حقوق انسان در اسلام جزء لاینجزاء از شریعت اسلام است. انسان حق تصرف را در شریعت الهی ندارد بناءً انسان به هر مقام و منزلت که باشد حق تعدیل و لغو حقوق انسان را ندارد.

### اعلامیه قاهره از حقوق انسان در اسلام

وزراء خارجه کشور های اسلامی در کنفرانس قاهره که به مناسبت بحث روی حقوق انسان از تاریخ 9 الی 13 محرم 1411 هجری مطابق 31 جولای تا 4 اگست 1990 میلادی انعقاد یافته بود اعلامیه ذیل را در موضوع حقوق انسان در اسلام به تصویب رسانیدند. در این تحقیق تنها مواد اعلامیه آورده می شود.

ماده اول:

الف- بشر همه خانواده واحد است، عبودیت خداوند اولاد آدم را با هم جمع می نماید، تمام مردم در اصل کرامت انسانی با هم مساوی و در اصل تکالیف و مسئولیت بدون تفاوت در رنگ و زبان و جنس و معتقدات دینی و ارتباط سیاسی و اوضاع اجتماعی با هم مساوی اند.

ب - مخلوقات همه بندگان خداوند هستند ، بهترین در بین مخلوقات کسی است که خوبتر با خانواده خود باشد ، فضیلت بین مردم فقط به اساس تقوی و عمل نیک است .

ماده دوم:

الف - حیات هدیه خداوند است ، مسئولیت فرد و جامعه و دولت حمایت حیات انسان است و گرفتن روح انسان بدون حق شرعی جواز ندارد .

ب - استعمال هر وسیله که سبب فناء و نابودی نوع انسان شود حرام است .

ج - حمایت و حفاظت ادامه حیات تا زمانی که خداوند بخواهد واجب شرعی است .

د - سلامت جسم انسان مصئون است و کسی حق اعتداء بالای سلامت جسم انسان را ندارد و دولت مسئولیت حمایت جسم انسان را دارد .

ماده سوم:

الف - در حالت استخدام اسلحه جواز قتل کسانی که در جنگ اشتراک ندارند مثل سالمندان ، زنان ، اطفال ، مجروحین و مریض ها ، اسیران جواز ندارد .

ب - قطع درختان و تخریب زراعت و ساختمان ها غیر عسکری جواز ندارد .

ماده چهارم: انسان حرمت خاص و نام نیک را در زندگی و بعد از مرگ دارد ، دولت و جامعه مسئولیت حمایت آنانکه وفات می کنند دارد و حق دفن از حقوق ثابت انسان است .

ماده پنجم:

1 - خانواده تهاداب اول بناء جامعه است ، ازدواج اساس تشكيل خانواده است ، مردان و زنان حق كامل را براي ازدواج دارند ، به سبب نژاد و رنگ و خون كسي حق ندارد انسان را از ازدواج منع نمايد .

2- دولت و جامعه موانع در راه ازدواج را بر طرف نمايند .

ماده ششم:

1- زن در كرامت انساني با تمام انسانها مساوي است ، زنان در حقوق و و جايب با ديگران مساوي ميباشند و داراي شخصيت مدني مستقل هستند . در مسائل مالي زن استقلال كامل دارد . زن حق حفظ نام خانوادگي و نسب خود را دارد .

2- مردان مسئوليت نفقه و رعايت خانواده را دارند .

ماده هفتم:

1 - طفل بعد ولادت حق حفاظت و حمايت و تربيت را بالاي والدين و جامعه و دولت دارد و حمايت جنين و مادر از مسئوليت هاي دولت و خانواده و جامعه است .

2 - پدران و كسانيكه مانند ايشان هستند حق انتخاب تربيت را براي اولاد خود دارند و لازم و واجب است تا مصلحت و آينده اطفال را با حفظ قيم و مبادئ اخلاق و احكام شرعي مد نظر داشته باشند .

3 - والدين بالاي اولاد حقوق دارند و اقارب بالاي يكديگر مطابق احكام شريعت حقوق دارند .

ماده هشتم: هر انسان حق اهليت شرعي را دارد و اگر انسان اهليت خود را از دست داد ولي امر مسلمين ولي او ميباشد .

ماده نهم:

1- آموختن علم فرض است ، تعليم بالاي جامعه واجب است ، دولت و وسائل تعليم را آماده سازد و تعليم را حسب مصالح جامعه ضمانت

نماید و برای انسان معرفت دین اسلام و حقائق کائنات و تسخیر آن برای خیر بشریت واجب است.

2 - حق انسان بالای مؤسسات تربیوی مانند خانواده و مدرسه و پوهنتون و وسائل تبلیغات جمعی است تا انسان را تربیت دینی و دنیوی نماید تا شخصیت انسان قسمی نمود که ایمان بخداوند و احترام حقوق دیگران و وجایب خود را بداند.

ماده دهم: اسلام دین فطرت است، جواز ندارد استعمال هیچ نوع از انواع اکراه بالای انسان و یا استفاده از فقر و جهل او برای تغییر دین و یا قبول دین غیر از دین اش و یا قبول الحاد.

ماده یازدهم:

1- انسان آزاد ولادت میکند هیچکس حق ندارد آزادی او را سلب کند و او را ذلیل و غلام سازد، عبودیت بغير از خداوند متعال نیست.

2 - استعمار به تمام اشکال و انواع آن بدترین نوع از انواع استبداد و حرام مطلق است. مردم حق کامل دارند تا از سلطه و نفوذ استعمار کاملاً آزاد شوند و آینده ای خود را بسازند. بالای تمام کشورها و مردم واجب است تا کسانی که برای بدست آوردن آزادی خود از استعمار مبارزه می نمایند ایشان را نصرت دهند و از حق تمام مردم است تا تمام انواع و اشکال استعمار و اشغال را از بین بردارند و از حق تمام مردم است تا شخصیت مستقل خود را حفظ و موارد طبیعی و سرمایه های ملی خود را داشته باشند.

ماده سیزدهم:

کار حق هر فرد است و انسان حریت کامل را در انتخاب نوع عمل برای مصلحت خود و مصلحت جامعه دارد، جواز نیست کارگر را فوق طاقت و توان اش به کار مجبور ساخت. در مزد بین زن و مرد تفاوت نیست و زن



و مرد حق استفاده از اجازه یا رخصتی از کار و رتبه و مکافات را مساویانه دارند .

ماده چهاردهم: انسان حق کسب مشروع را بدون غل و غش و رساندن ضرر برای خود و دیگران دارد ، سود ممنوع است .

ماده پانزدهم:

1- هر انسان حق ملکیت را از طریق مشروع و استفاده از آنرا بشرطیکه به دیگران ضرر نرساند دارد . حق مصادره ملکیت شخص را کس ندارد مگر در حالت ضرورت و برای منفعت عامه و آن هم در مقابل پرداخت قیمت فوری و عادلانه برای صاحب ملک .

2- گرفتن سرمایه شخص را کس ندارد مگر به حکم شرع و قانون .

ماده شانزدهم:

هر انسان حق استفاده از حاصل و ثمره ای سرمایه علمی و ادبی و هنری خود را دارد و حق حمایت مصلحت ادبی و مالی از حقوق ثابت افراد است بشرطیکه عمل او منافی احکام شریعت نباشد .

ماده هفدهم:

1- هر انسان حق دارد در محیط پاک و دور از فساد اخلاق و محیط زندگی نماید ، جامعه و دولت مکلف به آماده ساختن محیط سالم برای فرد است .

2- هر انسان بالای دولت و مؤسسات صحی حق دارد تا رعایت صحی و اجتماعی را در حدود امکانات آماده سازد .

3- دولت مکلف است تا برای هر انسان اسباب زندگی با کرامت را آماده سازد تا انسان بتواند احتیاجات زندگی خود و خانواده خود را آماده نماید و احتیاجات لازمه عبارت است از خوراک و پوشاک و مسکن و تعلیم و دیگر ضروریات اساسی زندگی .

ماده هژدهم:

1- از حق هر انسان است تا با امنیت در جان و دین و خانواده و شرف و مال خود زندگی داشته باشد .

2 ( حق انسان است تا استقلال اداره شئون زندگی خصوصی خود را در منزل و خانواده و سرمایه و روابط اجتماعی داشته باشد ، تجسس و زیر نظر گرفتن شخص و رساندن ضرر به شخصیت او اجازه نیست و حمایت انسان از هر نوع مداخله غیر عادلانه لازم است .

3- مسکن حرمت خاص دارد ، داخل شدن به منزل بدون اجازه خانواده و بصورت غیر قانونی ممنوع است ، تخریب و ضبط و کشیدن صاحب خانه از منزلش جواز ندارد .

ماده نوزدهم:

1- مردم در مقابل قانون مساوی اند ، حکام و محکومین در مقابل قانون متساوی اند .

2- رفتن به قضاء حق هر شخص است .

3- مسئولیت انفرادی است .

4- جرم شناختن و جزاء نیست مگر به اساس احکام شرعی .

5- متهم تا فیصله محکمه بی گناه است .

ماده بیستم - اجازه نیست دستگیری ، مقید ساختن آزادی ، فرار ساختن انسان بغیر اساس شرعی ، تعذیب بدن و روح و هر نوع معامله که سبب ذلت و منافی کرامت انسان باشد ممنوع است . عدم تجربه های طبی بالای شخص بدون اجازه او ممنوع میباشد و همچنان برای دولت اجازه نیست تا قوانین را برای این منظور تدوین نماید .

ماده بیست و یکم - اختطاف انسان زیر هر نام و شکل حرام است .

ماده بیست و دوم:

1- هر انسان آزادی بیان را به هر شکل که بخواهد دارد بشرطیکه با مبادئ شریعت تعارض نداشته باشد .

2- هر انسان حق دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را مطابق ضوابط شریعت اسلامی دارد .

3- وسایل اطلاع رسانی جمعی مثل ، رادیو ، جرائد ، تلویزیون و غیره « ضرورت جامعه است ، استفاده از این وسائل بر ضد مقدسات و کرامت انبیاء و مخل ساختن قییم و مبادئ و اتحاد جامعه و برهم زدن آرامش و فاسد کردن عقائد ممنوع است .

4- نشر کراهیت به اساس قومی و مذهبی و هر عملی که دعوت به امتیازات نژادی باشد ممنوع است .

ماده بیست و سوم:

1- ولایت یعنی زعامت امانت است ، استبداد و سوء استفاده از ولایت جهت ضمانت حقوق اساسی انسان ممنوع است .

2- هر انسان حق اشتراک را در اداره شئون عمومی کشور بصورت مستقیم و غیر مستقیم دارد ، همچنان حق گرفتن وظیفه عمومی را مطابق احکام قانون دارد .

ماده بیست و چهارم : تمام حقوق و آزادی ها در این اعلامیه مقید به احکام شریعت اسلامی است .

ماده بیست و پنجم : شریعت اسلامی یگانه مرجع برای تفسیر و توضیح مواد این وثیقه میباشد .

## اعلامیه بین المللی حقوق انسان در اسلام

(البیان الإسلامی العالمی )

پاریس 21 ذی القعدة 1401 هجری قمری

الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله سيدنا محمد بن عبدالله  
و على آله و صحبه و من اتبع هداة ، و بعد :

حقوق انسان در اسلام هديه از طرف پادشاه يا حاكم و يا فيصله اى از  
طرف سلطه محلى و يا انجمن بين المللى نيست . حقوق انسان هديه از  
جانب خداوند سبحانه و تعالى است و مصدر و منبع آن الهى ميباشد و  
قابل حذف ، نسخ و تعطيل و تعديل نيست و اجازه نيست كه بلاى  
حقوق انسان اعتداء صورت گيرد و همچنان جواز نيست كه از حقوق  
انسان تنازل و صرف نظر كرد .

اسلام قبل از چهارده قرن حقوق انسان را اعلان كرد و حمايت آنها از  
جميع تصرفات و عده داد و جامعه را به اصول و مبادئ حقوق انسان آشنا  
ساخت .

اسلام خاتمه اديان سماوى است كه خداوند به واسطه رسل خود عليهم  
السلام براى تبليغ و هدايت و رهنماء براى مردم به هدف حيات پاك و  
كريم كه حق و خير و عدالت و سلام را شامل است فرستاد .

اسلام از انسان مى خواهد براى اقامت حيات با فضيلت دور از رذائل  
سعى نمايد و همكارى و تعاون را در بدل بي عدالتى و برادرى را در بدل  
دشمنى بياورند و جامعه اى را بسازند كه بين افراد آن تعاون و همكارى  
باشد نه جنگ و دشمنى ... جامعه كه انسان در آن معنى حریت و  
مساوات و برادرى و عزت و كرامت را در بدل عبوديت ، تفرقه نژادى و  
طبقات اجتماعى تميز كرده بتواند .

مبادى حقوق انسان از قرآن كريم و سنت نبوى استنباط شده و باساس  
اين دو منبع حقوق انسان ابدى است و حذف و تعديل و نسخ و تعطيل را  
نمى پذيرد ... حقوقى است كه خداوند سبحانه و تعالى شرع كرده و بشر  
به هر مقام كه باشد حق تعطيل و اسقاط آنها ندارد .

تصدیق حقوق انسان مقدمه صحیح برای ایجاد جامعه اسلامی حقیقی است، جامعه ای که مردم در آن بدون امتیازات و فرق بین انسان و انسان به سبب نژاد و رنگ و جنس و زبان و دین زندگی داشته باشد.

جامعه که اساس آن مساوات و حقوق و وجایب مساوی بین افراد باشد و مساوات یک اصل اسلامی است و در این اصل همه بشر مشترک اند. جامعه که حریت انسان مترادف به حیات است و در سایه حریت و امنیت و دور از قهر و ذلت و استبداد زندگی می نماید. جامعه که خانواده خشت اساس آن است و حمایت خانواده و شرف و عزت آن سبب استقرار و ترقی و پیشرفت است. جامعه که در آن حاکم و رعیت مقابل شریعت مساوی اند. جامعه که سلطه در آن امانت است.

جامعه که هر فرد در آن به خداوند واحد مالک کائنات ایمان دارد و کائنات همه برای بشر خلق شده است و هر انسان حصه و نصیب خود را بصورت عادلانه از عطای الهی می گیرد.

جامعه که سیاستهای آن با اساس شورا و مشوره تطبیق می شود.

جامعه که افراد آن حق متساوی را در اداء مسئولیت به درجه قدرت و امکانات خود دارد و از امانت در دنیا مقابل ملت و در آخرت مقابل خداوند محاسبه می شود.

جامعه که در آن حاکم و محکوم در مقابل قضاء متساوی است. جامعه که انواع طغیان را برای حمایت فرد و امنیت و حریت و کرامت و عدالت مطابق شریعت اسلامی نفی می کند.

## حق حیات

حق حیات در مقدمه تمام حقوق می آید زیرا تمام حقوق ارتباط به حیات انسان دارد و اگر حیات نباشد حقوق معنی و مفهوم ندارد. خداوند سبحانه و تعالی انسان را در بین مخلوقات بشکل و صورت بسیار زیبا خلق و انسان را با عطاء عقل از جمله اشرف مخلوقات و خلیفه خود برای آبادی زمین انتخاب نمود. عقل و خلافت برای آبادی زمین و عبادت خداوند تکریم از جانب خداوند سبحانه از مقام انسان است. در مفهوم اسلام، انسان با کرامت ترین موجودات و اشرف مخلوقات است و خداوند تمام کائنات را برای استفاده انسان تسخیر نموده است و انسان

را خداوند نعمت عقل و قدرت تفکر و تدبیر عطاء کرده تا با استفاده از عقل و تفکر و تدبیر زندگی خود را حفظ و در آبادی زمین بکوشد. تسخیر کائنات برای انسان اثبات کرامت انسان است و مهمترین علامه کرامت انسان حیات او است.

علامه دکتر یوسف القرضاوی مفکر معاصر اسلامی حق زنده ماندن را از مفهوم اسلامی به این عبارات بیان میکند:

اسلام حق زنده گی را مقدس و محترم شمرده و آن را با تنظیم قوانین مدنی حمایت می کند. زندگی هدیه ای از جانب خداوند است که احدی غیر از خداوند حق ندارد آن را بازستاند. نه حاکم اجازه دارد حیات مردم را سلب کند، و نه کارفرمایی که زندگی زیر دستش را از او بگیرد، و نه شوهر حق دارد حیات همسرش و نه پدر حق دارد که حیات فرزندانش را بگیرد.<sup>223</sup>

در قرآن کریم می خوانیم: «من أجل ذلك كتبنا على بني إسرائيل أنه من قتل نفسا بغير نفس أو فساد في الأرض فكأنما قتل الناس جميعا و من أحيها فكأنما أحيها الناس جميعا» (المائدة: 32). به همین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل نفس یا فساد در روی زمین- از طریق اخلال امنیت عامه و نشر شرک و فساد در میان مردم- به قتل برساند، مانند آنست که همه انسانها را کشته باشد، و هرکس انسانی را از مرگ نجات دهد چنان است که همه مردم را حیات بخشیده است.

در مورد حمایت حیات انسان در قرآن کریم می خوانیم: «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل إنه كان منصورا» (الاسراء: 33). و نفسی را که

<sup>223</sup> دکتر یوسف قرضاوی «ویژگیهای کلی اسلام» ترجمه جلیل بهرامی نیا، تهران

خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید ، و هر کس مظلوم کشته شود ، به سرسپرست وی قدرتی داده ایم ، پس { او } نباید در قتل زیاده روی کند ، زیرا او { از طرف شرع } یاری شده است .

نفس انسان گرفته نمیشود مگر بحق و قصاص در قانون اسلام گرفتن حیات انسان نیست بلکه قصاص و قایت و حمایت از حیات انسان است و در قصاص ادامه حیات انسان بیمه شده و قصاص در منطق قرآن حفظ حیات است . خداوند در مورد قصاص می فرماید : « و لکم فی القصاص حیاة یا اولی الألباب لعلکم تتقون » . در قصاص برای شما حیات است یا صاحبان خرد تا که باشید از جمله متقیان .

قصاص به هدف حمایت و وقایت حیات انسان از اعتداء است و قرآن کریم جزاء سنگین برای قاتل تعیین نمود . در قرآن کریم می خوانیم : « و کتبنا علیهم فیها أن النفس بالنفس و العین بالعین و الأنف بالأنف و الأذن بالأذن و السن بالسن و الجروح قصاص » ( المائدة : 45 ) . و در آن کتاب { تورات } بر آنها { بنی اسرائیل } مقرر داشتیم که نفس { جان انسان } در مقابل نفس و چشم در برابر چشم ، و بینی در مقابل بینی ، و گوش در مقابل گوش ، و دندان در برابر دندان و هر زخمی { همه اینها } قصاص دارد . و در آخر آیه خداوند می فرماید و اگر کسی آنرا به بخشد { و از حق قصاص صرف نظر کند } پس آن { کار نیک } کفاره { گناهان } او محسوب می گردد .

در آیه دیگر می خوانیم : « یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحرب بالحر و العبد بالعبد و الأثی بالأثی فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه یا حسن ذلک تخفیف من ربکم و رحمة فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم » ( البقرة : 178 ) . ای مؤمنان ، فرض شده است بر شما قصاص در باره کشته گان ، آزاد به عوض آزاد و غلام به مقابل غلام و زن به عوض زن ، و چون کسی که از جانب برادرش در چیزی { از حکم واجب در قتل } مورد عفو قرار گیرد پس مطالبه { از



طرف ولی مقتول؛ با رویه نیکو و ادای واجب {از قبیل دیت} توسط قاتل با کمال رضا و نیکی صورت می گیرد ، این حکم تخفیف و آسانی و رحمت است از جانب پروردگار شما ، و آنکس که بعد از این سرکشی کند پس او راست عذاب دردناک.

### انتحار یا خودکشی

خودکشی و انتحار در زبان انگلیسی به اصطلاح (Suicide) از اصل (Sui caedere) ترجمه شده است. اعتداء بالای نفس و کرامت و شرف انسان در فرهنگ اسلام و زبان قرآن جرم بزرگ است. انسان حق ندارد نفس خود را بگیرد یعنی به حیات خود خاتمه دهد. در مورد خودکشی قرآن کریم می گوید: «و لا تقتلوا أنفسکم إن الله کان بکم رحیماً» (النساء: 29). و خویشتن را {همدیگر} نکشید و البته که خداوند به شما مهربان است. اسلام انتحار را تحریم قاطع نموده و وعید شدید را برای کسیکه انتحار کند می دهد.

علماء معاصر اسلامی انتحار را عملکرد و تصرف شخص به قصد گرفتن حیات تعریف می کنند. قتل از بین بردن عضو از اعضای بدن ، ضعیف ساختن آن بطریق قطع ، سوختاندن ، خوردن زهر و استعمال مواد مخدره همه را عمل انتحاری می دانند. انتحار عوامل و اسباب مختلف دارد و کسانی که برای علاج عمل انتحاری کار می کنند لازم است تا عوامل و اسباب آنرا درک نمایند. احصائیات رسمی نشان می دهد که در حدود 35٪ حالت انتحار به سبب امراض عقلی و نفسانی می باشد و 65٪ عامل آن تربیه و ثقافت و فرهنگ جامعه و مشکلات خانوادگی ، ناکامی در تعلیم ، مریضی های مزمن و تجاوزات جنسی و استعمال مواد مخدره و الکحول ، افلاس مالی و فقدان سرمایه ، قمار و در عصر حاضر اسباب سیاسی و استبداد و ظلم اجتماعی و فساد سیاسی و اشغال نظامی را در عوامل انتحار می توان اضافه نمود.

احصائیات که از انتحار گرفته شده است اکثر انتحار اسباب روانی و اجتماعی دارد و انتحار بین طبقه ذکور نسبت به طبقه اناث بیشتر است. همچنان احصائیات نشان میدهد که سالانه 800000 انسان بطریقه انتحاری حیات خود را از دست میدهند و همچنان در حدود 10 الی 20 میلیون سالانه از عمل انتحاری نجات داده میشوند. انتحار در قوانین غرب جرمی به حساب می‌آید و مرتکب آن جزاء می‌بیند اما این قانون امروز در جوامع اروپا تطبیق نمیشود<sup>224</sup>

### موقف قرآن و سنت از انتحار

قرآن کریم وعده خلود در آتش را برای انتحاری می‌دهد. قرآن کریم در باب جزاء شخص که انتحار می‌کند می‌گوید: «و لا تقتلوا أنفسکم إن الله کان بکم رحیماً \* و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیراً» (النساء: 29 / 30). و خویشتن {همدیگر} را نکشید و البته که خداوند به شما مهربان است \* و کسیکه چنین کند {بنا حق خوردن اموال و کشتن یکدیگر} از روی تجاوز و ظلم، پس او را بزودی در آتش دوزخ داخل سازیم {بسوزانیم} و این کار بر خدا آسان است.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم انتحار را در جمله گناهان کبیره می‌آورد و می‌فرماید: کسیکه خود را از کوه به نیت کشتن و انتحار اندازد و یا بوسیله زهر خود کشتی کند و یا بواسطه ای آهن خود کشتی کند تا ابد در آتش جهنم می‌ماند و خداوند سبحانه بوسیله که به آن انتحار کرده او را تعذیب می‌نماید. (بخاری: 5442، مسلم 109). و در حدیث مبارک دیگر می‌خوانیم کسیکه به هر وسیله در دنیا خود را به قتل برساند به همان وسیله در روز قیامت عذاب می‌شود. (بخاری 5700، مسلم 110).

(<sup>225</sup>)

<sup>224</sup>. [bafree.net/alhishn/archive/index.php/t-96619.html](http://bafree.net/alhishn/archive/index.php/t-96619.html).

<sup>225</sup>. سیدطه «ظاهرة الانتحار» [www.manaratweb.com](http://www.manaratweb.com).

مسلمانان در حکم منتحر یعنی کسیکه دست به قتل نفس می زند ، نظریات متفاوت دارند و عموماً در جامعه افغانی بالای منتحر حکم کفر اطلاق می شود و در بعض کشور های اسلامی مردم جنازه شخص که خودکشی کند نمی خوانند . متفکرین معاصر اسلامی باین عقیده اند که نباید این نوع مسائل را به کفر و ایمان ارتباط داد و در حکم تکفیر باید دقت بیشتر داشت . در موضوع جزاء منتحر در آخرت علمای کرام این نظریات را می آورند :

الف- عمل انتحاری را به کفر نرسانیم و امر منتحر به خداوند تعلق دارد اگر خداوند بخواهد او را عذاب می کند و اگر بخواهد او را می بخشد .

ب- حکم به دخول دوزخ برای منتحر از حق انسان نیست و منتحر زیر مشیئت خداوند قرار دارد . در قرآن کریم می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» . خداوند کسی را که به او شریک بیاورد نمی بخشد و بغیر از شرک برای کسیکه بخواهد می بخشد . اهل سنت برای کسانی که اهل قبله اند هیچگاه شهادت نمی دهند که داخل جهنم می شوند .

ج- اعمال میت بالای منتحر اجراء میشود یعنی غسل داده میشود و نماز جنازه خوانده می شود و در مقبره ای مسلمانان دفن می شود . امام نووی در شرح صحیح مسلم نقل می کند که نماز جنازه منتحر را امام بزرگ و اهل فضل و دانش نمی خوانند یعنی امامت نمی کنند تا مردم بدانند که انتحاریک عمل زشت در اسلام است.<sup>226</sup>

از اواسط قرن بیستم و اوائل قرن بیست و یکم عملیات انتحاری شکل سیاسی و مقاومت علیه ظلم و استبداد و اشغال نظامی را بخود گرفت و در بسا موارد بنام عملیات استشهادی یاد می شود . موضوع عملیات

<sup>226</sup> . عبدالحی یوسف « رأی الدین فی الإنتحار » ، ar.islamway.net الفتاوی

و/2602/...https://ar-ar.facebook.com/..الإسلام).

انتحاری در نتیجه استعمار جدید و استبداد سیاسی و اقتصادی درکشور های اسلامی از اواخر قرن بیستم رواج یافت. حرکت های انتحاری در روش و روش فکر معاصر اسلامی و حتی فکر غرب موضوع جدید و قابل بحث است و نظریات متفاوت بین تأیید و مخالف در مورد آن وجود دارد. چون قضیه در ساحة فکر اسلامی معاصر جدید است لذا بحث جدید را می خواهد. برای رسیدن به فهم و ادراک موضوع انتحار محققین و دانشمندان جوان مجبور و مکلف میباشند تا نظریات فقهی قدیم را مطالعه و در روشنی نظریات فقهی صدر اول اسلام قضیه را مطالعه و بررسی علمی و آکادمی نمایند و با فکر علمی و روشن نتیجه گیری نمایند. دکتور رجب أبو ملیح محمد یک تن از دانشمندان فکر معاصر اسلامی در موضوع فقهی عملیات انتحاری و خودکشی که علامه جدید در ساحة اسلامی است بحث جالب دارد. او در بحث خود نظریات موافق و مخالف را بررسی می نماید. مطالعه نظریات متفاوت در موضوع انتحار برای جوانان فکر معاصر اسلامی حتمی و ضروری است. بحث جدید دکتور رجب ابو ملیح محمد به عنوان «قتل النفس بسبب الظلام بین الشهادة و الانتحار» ، قتل نفس به سبب ظلم بین شهادت و انتحار است و خلاصه آن بخدمت خوانندگان گرامی تقدیم میشود.

قتل نفس به سبب ظلم سؤالات فقهی زیاد را برای مشروعیت و عدم مشروعیت آن مطرح ساخته است و در مورد اینکه شخص که دست به قتل نفس به دلیل ظلم می زند آیا آینده او چه است و مسلمانان کدام موقف را نسبت به کسیکه قتل نفس به سبب ظلم و استبداد می کند داشته باشند؟ قتل نفس یا انتحار در اوائل قرن بیست و یکم در جهان اسلام اول در تونس واقع شد و بعد از آن در سائر کشورهای اسلامی رواج یافت.

بحث قضیه انتحار از باب حلال و حرام ، جواز و عدم جواز و فیصله در مورد آن بدون معرفت به اسباب و نتایج و راه حل مشکل آن و بدون

مطالعه ای دقیق و به عمق در موضوع انتحار و حکم صادر کردن بدون مطالعه و دلیل در مورد آن یک حکم غیر واقعی است. اگر فقیه بدون مطالعه و بحث و بررسی از حادثه و بدون علم داشتن یا علم یافتن به اسباب و نتایج ظلم فتوا دهد در حقیقت در حق فقه و دین ظلم کرده است.

حضرت عمر رضی الله عنه در قضیه سرقت حکم جالب را نمود. صحابی نزد عمر با خادم خود حاضر شد و از عمر خواست تا امر به قطع دست دزد صادر کند. عمر از سارق علت دزدی را پرسید و از جواب او حضرت عمر دانست که خادم به دلیل فقر و گرسنگی دزدی نموده است. حضرت عمر حد سرقت را بالای او تطبیق نکرد و در عوض صاحب مال را تهدید نمود که اگر خادمش بار دیگر به سبب گرسنگی دزدی کند دست صاحب مال قطع میشود به دلیل اینکه عدم رعایت و بخل صاحب مال سبب گرسنگی خادم و دزدی او شده است.

در قضیه انتحار به سبب ظلم اگر فتوا داده شود که قتل نفس انسانرا از جنت و رحمت خداوند بی نصیب میسازد و در دنیا و آخرت کسیکه انتحار میکند از رحمت الهی بی نصیب می شود، این نوع فتوا حالت ذلت مسلمانان را تقویت و راضی بودن به ظلم را تشویق می کند و این نوع حکم حمایت و همکاری با استبداد سیاسی است.

شیخ یوسف القرضاوی می گوید ظالمین و مستبدین در زمین مستحق هستند تا در آتش باشند و بسوزند.

اگر جوانان در مظاهرات و برای بدست آوردن حقوق شان به خیابان ها بیرون میشوند و به امر طأغی کشته میشوند نظر به معنی حدیث مبارک که «سید الشهداء حمزة بن عبدالمطلب، و رجل قام إلی إمام جائر فأمره و نهاه فقتله». سید شهداء حمزه و کسیکه در مقابل سلطان مستبد و جبار قیام میکند و کشته میشود هر دو مقام بزرگ شهادت را دارد و انسانیکه در مقابل ظالم و مستبد قیام میکند و به امر او کشته میشود با سیدنا حمزه در جنت یکجا می باشد. دکتور یوسف القرضاوی برای

روشنی بیشتر مطلب این سؤال را مطرح می‌کند. مسئولیت قتل جوانان را که در خیابان‌ها بیرون می‌شوند و به امر مستبد و حاکم ظالم کشته میشوند و یا خود را به آتش می‌زنند کی دارد؟ به عبارت دیگر مسئول انتحار این گروه کیست؟ در جواب دکتور القرضاوی می‌گوید: بدون شک مسئول اول ظالمین و مستبدین و آنانی که نامیدی را در نفس‌های مردم بوجود می‌آورند میباشند. ظلم و استبداد و نامیدی از آینده سبب انتحار و فرار از مشکلات است که در نفس‌های جوانان جمع شده و اسباب انتحار را آماده می‌سازد.

و مسئول دیگر در جوار استبداد سیاسی همه مردم هستند که چانس و فرصت را برای ظالمین و مستبدین می‌دهند تا بالای مردم حکومت کنند و در زمین فساد نمایند. سکوت مردم در مقابل ظلم و استبداد عامل فساد و ظلم و استبداد است و مردم با سکوت و بیطرفی در مقابل ظلم شریک جرمه انتحار می‌باشند.

استاد قشقجی نویسنده معروف سعودی در صفحه تویتر خود بعد از حادثه بروکسل 22/3/2016 که در اثر آن 37 تن جان‌های شریخ خود را از دست دادند و زیادتر از دوصد نفر زخمی شدند می‌نویسد: اسباب این جرمه استبداد سیاسی در جهان عرب است.

علامه یوسف القرضاوی در صفحه تویتر خود در مورد عمل انتحاری بروکسل پایتخت بلژیک می‌نویسد: این نوع اعمال مردم بی‌گناه را هدف قرار میدهد و این نوع اعمال را هیچ‌دین و اخلاق و عرف و قانون تأیید نمی‌کند. اعمال اجرامی که در بروکسل رخ داد در نتیجه آن مردم بی‌گناه کشته شدند و قرآن کریم این نوع اعمال را که سبب قتل مردم بی‌گناه شود تقبیح می‌کند.

مردم و در رأس‌شان علماء و دانشمندان قبل از اینکه مردم انتحار کنند و در دنیا و آخرت به آتش بسوزند در اصلاح امور بکوشند و نظام ظلمانه و مستبد را اصلاح سازند. «إن الذین توفاهم الملائكة ظالمی أنفسهم

قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين في الأرض قالوا ألم تكن أرض الله واسعة فتهاجروا فيها فأولئك مأواهم جهنم و ساءت مصير» (النساء: 97). یقیناً کسانی که فرشتگان جان شانرا میگیرند {هنگام مرگ بسبب عدم هجرت ماندن در کفر} بر خود ستم نموده اند، فرشتگان بآنها گویند: شما در چه حالی بودید؟ ایشان در جواب گویند: ما در روی زمین مردم ضعیف و ناتوان بودیم، فرشتگان گویند: آیا زمین خداوند پهناور نبود که در آن هجرت مینمودید؟ پس جایگاه آنها جهنم است و چه بد جایگاهی.<sup>227</sup>

شیخ القرضاوی در جای دیگر در نفس موضوع می گوید. حکام مسئول انتحار مردم هستند. انتحار جوان تونسسی بنام محمد البوعزیزی نتیجه شعور او به ظلم بود و لذا حکام مسئولیت انتحار او را دارند. از نظر القرضاوی عمل محمد البوعزیزی نوع از انواع جهاد در مقابل ظلم و استبداد بود و این جوان عذر داشت و حکام ملت را در حالت مریضی روانی رسانیده اند. جوانان که شهادت نامه های عالی دارند حکومت برای شان و وسائل عمل و کار را آماده نمی سازد بدون شک در حالت نفسانی و روانی بد قرار می گیرند. القرضاوی در برنامه «الشريعة والحياة» در تلویزیون الجزیره این دلیل را ذکر می کند، صحابی جلیل القدر ابو ذر الغفاری گفت: تعجب می کنم کسیکه در خانه خود لقمه نان ندارد چطور با شمشیر در مقابل مردم قیام نمی کند.

شیخ یوسف البدری عضو مجلس اعلی شئون اسلامی در مصر می: گوید انتحار در تمام حالات جواز ندارد. انتحار عدم رضا به قدر و قضای خداوند است و همچنان عدم صبر به بلاء الله و معنی آن سوء ظن به خداوند است و انتحار به هر دلیل و سبب در شرع باطل است و کسانی که در مصر و تونس انتحار کردند اشخاص ضعیف نفس بودند و

<sup>227</sup>. نافذة مصر علی فیسبوک 2014/11/15. و همچنان دیده شود الحقوق المدنية و السياسية فی الإسلام، (www.achamel.net). Droits de l'homme en Islam.

در مقابل امتحان خداوند ایمان و صبر خود را از دست داده بودند. جامع الازهر فتوا به تحریم انتحار صادر کرد.

شیخ عبدالحمید الأطرش سابق رئیس کمیته فتوا جامع الازهر در مورد اینکه آیا انتحاری به عمل انتحار خود به دلیل ظلام و استبداد سیاسی در جمله شهداء حساب می شود یا خیر می نویسد: جواز نیست که انسان تحت هر نوع شرایط انتحار کند زیرا انتحار خارج شدن از رحمت خداوند است و انسان از رحمت خداوند مایوس نباید باشد و فقط کافر از رحمت خداوند بی نصیب است. شیخ عبدالحمید الأطرش اضافه میکند نباید کسی که به سبب فقر اقتصادی و مبارزه با فساد سیاسی خود را می کشد او را شهید دانست بلکه او کافر است و امر او به خداوند تعلق می گیرد اگر خداوند بخواهد او را عذاب میکند و اگر بخواهد او را عفو میکند.<sup>228</sup>

**تهلکه** که سبب قتل نفس شود در اسلام منع است. تهلکه یعنی عدم مراعات احتیاط لازم برای حفظ سلامت حیات. تهلکه یعنی هلاک شدن، نابودگشتن، مخاطره، مهلکه، نابودی، هلاکت<sup>229</sup>. واژه نامه ی پارسی و یکی تهلکه را اینطور معنی میکند: هر چه انجامش هلاکت باشد و نیستی، هلاکت و نیستی و نابودی.<sup>230</sup>

حیات امانت الهی است که بغیر از حق گرفتن آن حرمت دارد. خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: «و لا تلقوا بأیدیکم إلى التهلکة» (البقرة: 195) و خویشتن را بدست خود در ورطه هلاکت نیفکنید. عدم اشتراک در عمل خیریه و انفاق برای مساکین و بیطرفی در قضایای اسلامی همه تهلکه است و مسلمان که در امور مسلمین بیطرف می ماند



خود را به تهلکه می اندازد. تهلکه جمع اموال و ترک جهاد را نیز معنی میدهد. سبب نزول آیه مبارکه عدم اشتراک انصار در جهاد علیه روم بود. انصار در غزوات مسلمانان با روم نخواستند اشتراک کنند و خداوند این آیه مبارکه را در حق شان نازل کرد. ابوایوب انصاری بعد از شنیدن آیه مبارکه دست از جهاد نکشید و در جهاد ماند تا اینکه در سرزمین روم دفن شد. آیه مبارکه سبب بیداری مسلمانان شد و اما متأسفانه مسلمانان معاصر آیه مبارکه را در غیر حقیقت آن تفسیر می نمایند.<sup>231</sup>

اعتصاب غذایی به هدف مقاومت استبداد سیاسی و ظلم و از دست دادن زندگی به هدف حمایت شرف و ناموس و خاک اسلام و استقلال سیاسی و مبارزه با اشغال نظامی تهلکه به حساب نمی آید بلکه مقاومت علیه ظلم است.

نزدیک شدن به محرّمات مثل خمر و مواد مخدره در اسلام تهلکه گفته میشود به دلیل اینکه مواد مخدره برای حیات انسان ضرر دارد. مسلمان از حفاظت جسم و عقل و حواس خود نزد خداوند مسئول میباشد<sup>232</sup>

از نظر اسلام جنین در شکم مادر دارای حرمت است حتی اگر جنین از راه حرام نیز باشد. فکر معاصر اسلامی حیات جنین را در بطن مادر حفظ میکند و اعتداء بالای جنین را حرام می سازد. بعد از داخل شدن روح در جسم، طفل، انسان زنده شمرده میشود و حیات او را اسلام حفظ میکند مگر در حالات استثنائی مثلاً در حالت که حیات مادر که اصل است در خطر حقیقی باشد. علمای اسلام برای زنان که مورد تجاوز جنسی قرار

<sup>231</sup>. مرکز الفتوی ، /fatwa.net/islamweb.fatwa

<sup>232</sup>. دکتور عبد الله بن عبد المحسن الترمکی « حقوق الإنسان فی الإسلامی » صفحات

می گیرند و می خواهند طفل را که در نتیجه تجاوز در بطن شان است سقط کنند توصیه می نمایند که این عمل را انجام ندهند.<sup>233</sup>

تعقیم که مانع استمرار حیات انسان می شود در فکر اسلامی ممنوع است مگر اینکه داکتر متخصص تعقیم را یگانه وسیله علاج برای مادر بداند. شیخ متولی الشعراوی در مورد تعقیم می نویسد: تعقیم به هر سبب که باشد حرام، حرام، حرام است.<sup>234</sup>

### روش فکر معاصر اسلامی از استبداد سیاسی

استبداد در ادبیات زبان اسم برای فعل استبد است و فاعل آن مستبد می باشد. ممکن است استبداد فردی و مستبد شخص واحد باشد مثلاً شخص در رأی خود از استبداد کار گیرد یعنی بغیر از نظر و رأی خود رأی و نظر دیگران را نپذیرد.<sup>235</sup>

استبداد در ادبیات زبان عربی افراد بیک چیز را معنی میدهد و در اصطلاح سیاسی حکم استبدادی و فردی را افاده می کند. استبداد در حکم را استبداد سیاسی و در امور رأی و فکر را استبداد فکری و اگر در سرمایه و ثروت باشد آنرا استبداد اقتصادی میگویند و اگر از طرف یک کشور بالای کشور دیگری باشد آنرا استعمار و اشغال می نامند.

<sup>233</sup>. Aug 1, 2004, [www.onislam.net](http://www.onislam.net)

<sup>234</sup>. فضل غنی مجددی «بحث های دینی و فتوا های فقهی» طبع سوم، از نشرات فقه اسلامی، امریکا، صفحات 115 تا 118.

<sup>235</sup>. انیس، ابراهیم و آخرون «المعجم الوسیط، مادة (بده)» ص 42 عمود 3.

<sup>236</sup> در فرهنگ زبان استبداد مرادف به طغیان نیست بلکه جزء از طغیان است و مستبد در نفس الوقت طاغی و ظالم است .

انفراد در حکم در زبان انگلیسی مرادف است به ( autarky ) . در فرهنگ سیاسی معنی و مفهوم و مدلول حکم انفرادی با حکم مطلقه ( absolutism ) زیاد اختلاف ندارد . اما کلمه ( despotism ) یعنی استبدادی که از زبان انگلیسی و فرانسوی و المانی و ایتالیایی نقل شده است معنی و جوهر آن استبداد است که موضوع بحث ما در این تحقیق است .<sup>237</sup>

بعض استبداد را از صنع ، ساختار ، فساد می دانند و استبداد را به معنی طغیان و تجاوز و تهاجم و ظلم تعریف میکنند. کسانی که استبداد را به طغیان و ظلم تعریف میکنند متأثر به فرهنگ و زبان قرآن کریم و سنت نبوی شریف اند. استبداد مطابق به نص اسلامی ظلم و دوری از شرع الله تعالی است . با تمام مشکلات در فهم معانی استبداد دکتور هناء البیضانی در کتاب خود باین نتیجه میرسد که استبداد صانع فساد یعنی طغیان است و طغیان یعنی تجاوز و عدوان و ظلم است و قرآن کریم و سنت نبوی شریف استبداد را ظلم و طغیان می داند و ظلم و طغیان در فهم قرآن کریم و سنت نبوی شریف دوری از شریعت خداوند است.<sup>238</sup>

الکواکبی برای استبداد تعریف و اصطلاح جدید را می آورد و می نویسد: استبداد اصل تمام فساد است و استبداد حکومت و یا سلطه مطلقه العنان یا مطلقه است که مقید به اراده امت و قانون نیست . حکومت استبدادی و نظام مستبد در تمام شئون و ادارات خود مستبد

<sup>236</sup> . اسلامیة المعرفة « عدد 13 و 32 ، 2003 ، ص 171 .

<sup>237</sup> بدوی ، أحمد « معجم علم الاجتماع » جدول المصطلحات . د . ت . د . ن .

<sup>238</sup> . دکتور هناء البیضانی « مفهوم الاستبداد فی الفكر السياسي الاسلامی الحدیث و المعاصر » فصل اول . [www.aljazeera.net/knowledgegate/book/2012/6/13](http://www.aljazeera.net/knowledgegate/book/2012/6/13)

است. پولیس در وظیفه خود، مدیر و مامور و حتی نفر بلدیہ هر کدام در وظیفه خود مستبد میباشند. در ادامه و بقاء استبداد تنها وجود حاکم مستبد و حکومت استبدادی شرط نیست و برای ادامه سلطهٔ دیکتاتوری و نظام استبدادی ملت وجود داشته باشد که استبداد را قبول نماید باین معنی که ملت غیر مستقیم با خاموش بودن و رضایت و سکوت ادامهٔ استبداد را تقویت و کمک می کند. الکوکی تعریفات زیاد را برای معرفی بیشتر استبداد در کتاب مهم خود بنام «طبائع الاستبداد و مصارع الاستعباد» می آورد<sup>239</sup>

محمد عبده در مورد مستبدمی گوید: مستبد شخص است که بدون مسئولیت عمل میکند و باساس خواهشات نفسانی خود حکم می نماید، چه حکم اش موافق شرع و یا مخالف آن باشد و یا مطابق سنت یا مخالف آن باشد و هر زمان که مردم نام مستبد را می شنوند از ذکر آن دوری میکنند و نمی خواهند نام مستبد را بخاطر اینکه مصیبت و ضرر را برای شان آورده یاد نمایند.

ابن خلدون استبداد حاکم و افراد او را در ادارهٔ شئون مردم یک واقعیت به دلیل غلبهٔ قبیله و نژاد خاص می داند. استبداد از نظر ابن خلدون ظلم است که منطق و عقل سلیم و هیچ قانون و انسانیت آنرا نمی پذیرد.<sup>240</sup>

دکتر هناء البیضانی در تحقیق خود از بین تعریفات استبداد، تعریف علامه الکوکی را از انتخاب می کند و آنرا طبق اصل می آورد. استبداد در ادبیات زبان غرور شخص به رأی و نظریه اش و عدم احترام به مشوره و قبول نصیحت دیگران و استقلال به رأی در حقوق مشترک مردم است. الکوکی در تعریف استبداد اضافه میکند: تصرفات فرد یا جمعی از افراد در حقوق مردم بدون خوف و ترس استبداد است

<sup>239</sup> . <https://www.goodreads.com/book/show/2312458>

<sup>240</sup> . الاستبداد السياسي و الدینی [www.Annabaa.org/nba36/estibda.htm](http://www.Annabaa.org/nba36/estibda.htm)

و استبداد صفت حکومت مطلق العنان در عمل و حکم و تصرف در امور رعیت بدون خوف و ترس و محاسبه و جزاء میباید. در نظام استبدادی فرد مستبد و مجموع از مستبدین سلطه مطلقه را بدست دارند و تابع قاعده اخلاق و قانون نمی باشند و مستبد همیشه فوق قانون است و قانون تنها بالای رعیت تطبیق می گردد.<sup>241</sup>

استاد راشد الغنوشی رئیس نهضت اسلامی تونس که نیم قرن علیه استبداد در تونس مقاومت کرد تا بالآخره در سال 2012 میلادی حکومت استبدادی ابن علی را سقوط داد در مورد ماهیت استبداد می نویسد: استبداد علامه سیاسی است که از هیچ تولد نمیشود استبداد بعد داخلی و خارجی و اقتصادی و فرهنگی دارد و مجموع عوامل متعدد تولد استبداد را آماده می سازد. مفهوم استبداد با طغیان مخلوط گردیده است با اینکه طغیان و استبداد دو لفظ مترادف یکدیگر اند اما به معنی حکم انفرادی و دولت پولیسی با وجود قانون در دولت استعمال می گردد. در نظام و دولت استبدادی با اینکه قانون وجود دارد اما حاکمیت از قانون نیست و حاکمیت در نظام سیاسی اراده حاکم است.<sup>242</sup>

کلمه استبداد در قرآن کریم بصورت مستقل ذکر نشده اما معانی استبداد مثل طغیان، ظلم، فساد در سوره های قرآن کریم ذکر یافته بطور مثال:

<sup>241</sup> دکتوره هناء البیضانی «مفهوم الاستبداد فی الفكر السياسي الاسلامی الحدیث والمعاصر» الدار اللبنائیة، القاهرة 2012.

<sup>242</sup> راشد الغنوشی «الحریات العامة فی الاسلام» مرکز دراسات الوحدة العربیة» بیروت 1993، ص 306 و همچنان دیده شود: محمد جمال طحان «الاستبداد و دائله فی الفكر الكواکبی» اتحاد اللکتاب العرب، دمشق 1992، ص 22.

1. إذهب إلى فرعون إنه طغى ( طه: 24 ) به سوی فرعون برو که او به سرکشی برخاسته است .
  2. بل أتبع الذين ظلموا أهواءهم (الروم: 29) . نه ، { این چنین نیست } بلکه کسانی که ستم کرده اند ، بدون هیچ گونه دانشی هوسهای خود را پیروی کرده اند .
  3. و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظالمون ( المائدة: 45 ) . آنانکه به احکامی که خداوند نازل فرموده حکم نه کنند ، آنها خود ستمگران اند .
  4. فأما من طغى و آثر الحياة الدنيا ، فإن الجحيم هي المأوى (النازعات 37-39) . اما هر که طغیان کرد ، و زندگی پست دنیا را برگزید ، پس جایگاه او همان آتش است .
  5. إنما السبيل على الذين يظلمون الناس و يبغون بغير الحق أولئك لهم عذاب أليم ( الشوری: 42 ) . راه { نکوهش } تنها بر کسانی است که به مردم ستم می کنند ، و در { روی } زمین به ناحق سر بر می دارند ، آنان عذابی دردناک { در پیش } خواهند داشت .
- استبداد مرض خطرناک مانند مرض وباء و سرطان است و استبداد بدترین اداره سیاسی است که سبب بدبختی جامعه میشود . استبداد کرامت و عزت مردم و قدسیت دین را زیرا پا میکند و جامعه که توسط نظام استبدادی اداره میشود در تمام امور حیات و شئون زندگی عقب می ماند و در سایه استبداد افکار و نظریات تخریب کننده و فاسد و خرافات و فکر غلو و افراط گرائی رشد مینماید و فضیلت های اخلاقی ضعیف و دانشمندان و مفکرین جامعه مجبور به مهاجرت می شوند .
- اکثر علماء و دانشمندان در عالم اسلامی باین عقیده اند که مشکلات معاصر مسلمانان در قدم اول استبداد حکام است و شعار های که مردم در میدان تحریر در قاهره و تونس و لیبیا و یمن و سوریه و دیگر مناطق

اسلامی بلند کردند همه با صدای واحد شعار علیه استبداد حاکم و رسیدن به آزادی قبل از تطبیق شریعت بود.<sup>243</sup>

عوامل متعدد در مجموع استبداد را تقویت و مرکز و مقام و سلطه مستبد را قوی و عمر نظام استبدادی را طولانی می سازد. عوامل مهم استبداد را در جوامع اسلامی میتوان به نقاط ذیل و بصورت بسیار خلاصه اینطور بیان کرد:

- 1) تفسیر غیر واقعی از عقیده ای قضاء و قدر و ربط استبداد و مستبد به قضاء و قدر الهی و عدم جواز عزل حاکم و عدم خروج از اطاعت او.
- 2) عدم وضاحت در فکر اسلامی معاصر از استبداد سیاسی.
- 3) عدم قبول رأی آخر، تصفیة مخالفین با سلوب قتل، زندان و فرار ساختن.
- 4) مصئون بودن حاکم از قضاء و محکمه و میراثی بدون نظام سیاسی.
- 5) نشر عقیده ای جبر بنام دین استبداد و ظلم و طغیان را تقویت کرد و عامل ادامه استبداد شد. با اساس عقیده جبر مسلمانان از نظام استبدادی و حاکم مستبد اطاعت کردند و وجود حاکم مستبد و استبداد را از اراده خالق دانستند. عقیده جبر در تقویت نفوذ استعمار در کشورهای اسلامی کمک کرد و استعمار از این عقیده در بین مسلمانان که صبغه دینی نداشت استفاده اعظمی نمود.
- 6) همکاری و تأیید گروه از علماء با سلطان جبار و دادن صبغه شرعی برای حاکم جبار و مستبد.
- 7) بیت مال یعنی سرمایه ملی تحت اختیار و تصرف حاکم مستبد.<sup>244</sup> مستبد و دیکتاتور و نظامهای استبدادی و دیکتاتوری از وسیله

<sup>243</sup> .aafaqcenter.com/index.php/post/939

<sup>244</sup> .الموقع الرسمي للدكتور محمد شحرور .

های متعدد برای تحقق بخشیدن سلطه مطلقه خود کار می گیرند بطور مثال:

1. فساد سیاسی رسیدن به سلطه سیاسی را آماده میکند ، استبداد حاکمیت قانون و عدم مشارکت سیاسی مردم را در نظام سیاسی از بین بر میدارد ، اداره قضاة بدون حیثیت و مقام می شود ، حاکم مستبد و اطرافیان او با استفاده از قوت پولیس ، عسکر و حکم قضائی آزادی را از جامعه سلب می سازند .
2. سرمایه ملی بالای مؤسسات عسکری پولیس به مصرف میرسد .
3. فساد قضاة و تعطیل عدالت .
4. فساد دستگاه پولیس نمونه از فساد اداری در نظام استبدادی است .
5. تعیین اقارب در دستگاه حاکمه .

انتخابات تقلبی ، روش دیموکراسی غیرحقیقی و تشکیل احزاب سیاسی وابسته به نظام استبداد سیاسی و حاکم مستبد را تقویت می کند. استبداد از قوت نظامی و پولیس و معامله غیر انسانی با مخالفین برای ادامه و بقای خود استفاده میکند و روش فتنه انگیزی و دروغ و بازی دادن و بعض اوقات دادن رشوت و شریک ساختن گروه ها را در نظام سیاسی وسیله برای ادامه خود میداند . ترور و زندان و تعذیب از جمله وسائلی است که مستبد از آن برای ادامه استبداد خود استفاه میکند.<sup>245</sup>

استبداد داخلی و استعمار خارجی فکر وسط اسلامی را نمی پذیرند زیرا فکر وسط اسلامی مانع روش استبداد و بقای آن می باشد . عموماً نظام های استبدادی و استعمار علماء و دانشمندان که مبارزه مسالمت آمیز را روش مناسب علیه استبداد می دانند زندانی می سازند و در

<sup>245</sup> . مهند مبیطین «الفکر السياسی الاسلامی و الاصلاح» ، دار النشر: الدار العربیة للعلوم ، بیروت 2008 . الجزیره نت 2008/8/7 .



مقابل کسانی که دعوت به افراط و مبارزه مسلحانه علیه نظام سیاسی می‌کنند از زندان رها می‌شوند. نظام‌های استبدادی و استعمار جنگ و مبارزه مسلحانه را تشویق و ترغیب می‌نمایند و جنگ و استعمال اسلحه در ادامه نظام استبدادی کمک میکند و زعمای مستبد و استعمار عموماً از حرکت‌های مسالمت‌آمیز نسبت به حرکت‌های افراطی و جنگ‌های مسلحانه خوف و ترس بیشتر دارند.

### اقسام استبداد

اول - استبداد فکری: فکر در فرهنگ اسلامی عمل ذهن و عقل برای رسیدن به حقیقت و معرفت اشیاء است. مشکل استبداد فکری در این است که نظام استبدادی روش فکر و تفکر مردم را کنترل میکند و مردم در سایه نظام استبدادی باید قسمی تفکر نمایند که سلطه سیاسی میخواهد. نظام استبدادی کوشش می‌کند تا تعلیم یافتگان و فرهنگیان جامعه را در خدمت اهداف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود بیاورد و فرهنگ و ثقافت جامعه را مطابق با فکر استبداد سازد. همکاری دانشمندان با فکر استبدادی خطر بزرگتر را برای روش فکر و ارتقای دانش در جامعه نسبت به استبداد عسکری و پولیسی دارد زیرا دانشمندان و فرهنگیان قدرت تأثیر گذاری بالای افکار عمومی را نسبت به هر طبقه دیگری دارند.

نظام استبدادی برای ادامه و بقای خود گروه با ثقافت و تعلیم یافته را با خود یکجا می‌سازد. طبقه دانشمندان و تعلیم یافته و فرهنگیان همکار مستبد مقالات و کتب و اشعار را برای مدح و تأیید نظام فاسد و مستبد به نشر می‌رسانند و در برنامه‌های تلویزیونی و میزهای گرد از عدالت نظام و پیشرفت و ترقی کشور زیر نظام سیاسی مستبد حرف می‌زنند و مخالفین نظام استبدادی را متهم به افراطی و گروه‌های تروریستی می‌سازند. این گروه فرهنگیان مستبد در تقویت نظام استبدادی در مقابل ثروت و جاه و جلال و وظایف مهم در دولت شریک استبداد می‌شوند.

فرهنگیان مستبد ناکامی نظام مستبد را ترقی و قتل مردم را توسط نظام استبدادی مبارزه علیه افراط گرائی معرفی میکنند. خطرناکترین وظیفه فرهنگیان و طبقه ای با ثقافت و تعلیم یافته فاسد کردن عقل های مردم است. این گروه عقل مردم را با مقالات و شعارهای جذاب خود تسخیر می کنند و از مستبدترین مرد دنیا قهرمان می سازند.

در نظام استبدادی و طغیان و اشغال، فرهنگ و ثقافت از رسالت به وظیفه تبدیل میشود. فرهنگیان که مشعل و علم بردار نهضت انقلاب بهار عرب و ضد استبداد بودند در نهایت با استبداد عسکری همکاری کردند و قلم و شعر و نثر خود را در خدمت استبداد قرار دادند.<sup>246</sup>

سلطه استبدادی و حاکم مستبد برای بقاء خود نظام تعلیم و تربیت را کاملاً به نفع خود و نظام استبدادی تغییر میدهد و موضوعاتی که مخالف فکر استبداد باشد آنها را از برنامه های تعلیمی معارف بیرون ساخته و موضوعاتی را داخل می سازد تا باعث تقویت مرکز استبدادی نظام سیاسی باشد. بطور مثال در جمهوری مصر عربی بعد از سقوط نظام دیموکراسی و احیاء استبداد عسکری وزارت معارف مصر برنامه های تعلیمی معارف را تغییر داد و موادی که فکر استبدادی را تقبیح می نمود از کتب درسی بیرون ساخت.

دکتور عبدالمجید در این مورد می نویسد: حاکم مستبد و نظام استبدادی برای هیچکس اجازه نمی دهد تا رابطه بین حاکم و مردم را تعریف کند و در مورد رابطه بین حاکم و رعیت سخن بزند و حتی تفکر کند و حق تعریف رابطه بین حاکم و رعیت را فقط سلطه استبدادی دارد.

« مثقف السلطة » در نظامهای استبدادی و مشرع للفساد، دیوان العرب، منبر حر للثقافة والفكر والأدب، الاربعاء 24 اگست 2015.

دکتور کمال مغیث متخصص تربیه و تعلیم می گوید: حذف موضوعات مهم از برنامه های تعلیمی و کتب درسی علامه آن است که سلطه سیاسی شاگردان را به سمع و طاعت حاکم ارشاد نماید و موضوعاتی که در مورد عدلت و آزادی در کتب درسی بود برای حمایت استبداد از کتب درسی حذف شد و همچنان برای راضی داشتن اسرائیل از کتب تاریخ قصه ای صلاح الدین ایوبی و عتبه بن نافع و آیات جهاد حذف شد.

247

دوم - استبداد سیاسی: یعنی انفراد در سلطه و حاکمیت سیاسی. در فرهنگ اسلامی انفراد در سلطه و عدم اشتراک دیگران در نظام و سلطه سیاسی به استبداد سیاسی تعبیر می شود. مشکل در استبداد سیاسی این است که فرد و یا یک حزب سیاسی در سلطه سیاسی که همه باید اشتراک داشته باشند به تنهایی آنرا غصب و دیگران را شریک نمی سازند. مستبد بدون رضایت ملت و بدون قبول همه احزاب سیاسی بر امور استیلاء و نظام سیاسی را تصرف میکند. مشکل استبداد سیاسی در این است که دروازه های ظلم و فساد باز میشود.

مفکوره و اصطلاح **مستبد عادل** در قرن هشتم هجری در فرهنگ سیاسی اسلام راه یافت. مفکوره مستبد عادل آغاز و مقدمه فتنه و فساد در تاریخ سیاسی اسلام است. اصطلاح مستبد عادل را علماء دربار از قرن هشتم هجری به نفع سلطه استبدادی استفاده کردند و در فقه سیاسی اسلام این اصطلاح را داخل ساختند. مستبد عادل را عوامل اجتماعی متعدد و ترکیبات اقتصادی و اجتماعی در جامعه تقویت نمود و مستبد از فقر علمی و اقتصادی و عدم توجه علماء و دانشمندان و سکوت شان برای ادامه استبداد خود استفاده کرد. حاکم و زعیم مستبد با اینکه زمام امور را بدست دارد اما می داند که قانونیت ندارد لهذا برای کسب قانونیت از وسائل قانونی استفاده میکند مانند دعوت به

لویه جرگه ، برگزاری انتخابات عمومی زیر نظر سلطه سیاسی و قوای اشغالگر که ما نمونه های زیاد آنرا در تاریخ کشور خود و سائر کشور های اسلامی و شرقی داریم که آخر آن انتخابات در مصر و رسیدن جنرال سیسی به کرسی حکومت مصر و همچنان انتخابات تقلبی در افغانستان و رسیدن اشرف غنی احمدزی به ریاست دولت و عبدالله به صدارت خلاف قانون اساسی و اراده آزاد مردم .

استبداد سیاسی برای ادامه و بقای خود برای مردم و کشور دشمن خلق میکند و اختلافات مذهبی و قومی و زبانی را دامن می زند تا مردم همیشه در خوف و بیم زندگی داشته باشند و برای بقای زندگی خود از ترس جنگ های داخلی و دشمن تصنعی خارجی از سلطه استبدادی حمایت نمایند.

استبداد سیاسی حیات دینی و روحی را صدمه میزند. علامه محمد الغزالی در بحث خود از استبداد سیاسی باین نتیجه میرسد که استبداد سیاسی نتیجه بسیار زشت بالای دین و دنیا دارد و دین و دنیا را فاسد می سازد. الغزالی اضافه میکند اسلام و استبداد ضد یکدیگر اند و در یک نقطه با هم جمع نمیشوند . دین مردم را به عبادت رب رهنمائی میکند در حالیکه فرمانهای استبداد مردم را به سوی سیاست بی دینی رهنمائی میکند.<sup>243</sup>

امام الغزالی در ادامه و بقای استبداد سیاسی ملت را مسئول می داند. او در کتاب بزرگ خود بنام « الاسلام و الاستبداد السياسي » ملت را مسئول استبداد سیاسی میداند و از مردم دعوت می کند تا تعلیمات دین را در مبارزه علیه فساد و استبداد سیاسی فراموش نکنند و منطق دین حکم میکند که مسلمانان یک ساعت هم برای مبارزه و انقلاب علیه استبداد سکوت نکنند. الغزالی ادامه داده می نویسد اگر آواز و صدای دین برای دعوت به آزادی و حریت امروز شنیده نشود ، پس چه وقت

<sup>248</sup>. محمد الغزالی « هموم داعیه » ، ص 41 .

شنیده خواهد شد. مسلمانان از دین خود آموختند که طغیان حاکم جرمی بزرگ است و حاکم قانونیت خود را در موجودیت طغیان از دست میدهد.<sup>249</sup>

سوم - استبداد زیر نام دین: استبداد دینی استبدادی را می گویند که زیر اسم دین و با استفاده از نصوص مقدس اسلام بالای جامعه حاکم می شود. در تعریف و اصطلاح استبداد دینی بین نویسندگان و محققین اختلاف نظر است.

اکثر علمای تاریخ ادیان عقیده دارند که استبداد سیاسی از استبداد دینی تولد میشود به عبارت دیگر استبداد سیاسی زاده ای استبداد دینی است. عده از محققین باین عقیده اند که اگر استبداد سیاسی از استبداد دینی تولد نشده باشد به عبارت دیگر اگر استبداد دینی سبب بوجود آمدن استبداد سیاسی نباشد با آنها هر دو استبداد برادر و همکار یکدیگر اند و در تقویت مرکز یکدیگر همکاری مشترک دارند.

زاممداران مستبد از نصوص دینی برای ادامه استبداد خود استفاده کردند و نصوص دین را تأویل و تفسیر غیر صحیح کردند و در این عمل عده از علما با زمامداران دیکتاتور در تفسیر نصوص مقدس اسلامی همکاری و زمینه ایجاد استبداد سیاسی را آماده و حکم دیکتاتوری را تقویت کردند.

امام الشاطبی در دادن فتوا استفاده از نظریات و آراء مذهب متشدد را نوع از انواعی استبداد در دین می داند. او باین نظر است که مفتی باید آسانترین مذهب را در فتوا انتخاب کند تا حرج را از مردم بردارد. الشاطبی اضافه میکند که وظیفه دین تنها در حمایت شرف و ناموس

مردم خلاصه نمیشود بلکه وظیفه دین حمایت نفس و عقل و ثوابت و ضوابط دین است.<sup>250</sup>

قرآن کریم سبب بوجود آمدن استبداد دینی قبل از اسلام را گمراهی علمای بنی اسرائیل و قبول مردم از نظریات شان می‌داند. یهود و نصارا علمای خود را بغیر از خدا ارباب یعنی بجای خداوند گرفتند و علمای بنی اسرائیل آنچه را حلال گفتند آنرا مردم حلال و آنچه را حرام ساختند مردم آنرا حرام قبول کردند. ابن حاتم از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم سؤال کرد: یا رسول الله ما یعنی قبل از ایمان آوردن به اسلام علمای خود را بجای خداوند نگرفته بودیم. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: شما آنچه را حلال گفتند حلال دانستید و آنچه را حرام گفتند حرام قبول کردید و این عمل شریک ساختن ایشان با خداوند بود<sup>251</sup>

مستبدین در لباس دین علیه نهضت‌های آزادی خواه حرکت کردند و دین را وسیله مبارزه علیه دیموکراسی جوان قرار دادند. استفاده از دین استبداد دینی یاد میشود به این معنی که خلاف نصوص دین عمل کردن و نصوص دینی را در خدمت استبداد تفسیر کردن است. تفسیر غلط از نصوص مقدس دین استبداد زیر نام دین را تقویت و حمایت میکند. عده از محققین علمای تسنن را مسئول ادامه استبداد دینی می‌دانند و برای اثبات قول خود دلیل از نظریات علمای تسنن در مسأله اطاعت از حاکم ظالم می‌آورند و عقیده دارند که استبداد دینی و سیاسی در عالم اسلامی تاریخ قدیم دارد.<sup>252</sup> علمای معاصر اسلامی استبداد سیاسی و استبداد زیر نام دین را عامل بدبختی مسلمین و مانع در راه رشد و ترقی و دعوت اسلامی می‌دانند. علماء بغیر از علمای که در خط السیر

<sup>250</sup>. دکتور عیسی الغیث، [www.alriyadh.dom/611726](http://www.alriyadh.dom/611726)، ([www.shameala](http://www.shameala)).

<sup>251</sup>. القرضاوی « برنامه ای الشریعه و الحیاة » الجزيرة، <http://www.youtube.com>، اکتوبر 2009.

<sup>252</sup>. [www.darbuna.net](http://www.darbuna.net).

استبداد در حرکت اند مشترکا علیه انقلابات عسکری و نظامهای استبدادی مبارزه دارند و از دیموکراسی و حریت حمایت و دفاع می نمایند. علامه محمد الغزالی از موقف علمای تسنن دفاع میکند و می نویسد: استبداد سیاسی علیه علمای بزرگ و صاحبان عقل مبارزه و دایره را بر ایشان تنگ ساخته است. هر مسلمان از شهادت و قتل بزرگان فکر اسلامی رنج می برد. غیاب علمای بزرگ سبب آن شد تا مردم جاهل بمانند و زمامداران مستبد دین و دنیا را فاسد سازند. محمد الغزالی استبداد سیاسی را مصیبت بزرگ نه تنها برای دنیا بلکه برای دین نیز میداند و باین عقیده است که استبداد مانع ارتقاء فکر معاصر اسلامی است.<sup>253</sup>

دولت ایران که خود را نماینده و حامی دین اسلام معرفی میکند از استبداد دینی در سوریه و لبنان و عراق حمایت کرد. مرشد انقلاب ایران از دستگاه محافظه کاران حمایت نمود و نظریه امامت فقیه را در بدل فقه سیاسی در جامعه زیر نام مذهب و دین مورد اجراء قرار داد. سروش در نامه سرباز خود عنوانی زعامت دینی ایران نوشت شما قبول دارید که مردم از دین و تقوی مسافه بگیرند بشرطیکه از ولایت و زعامت شما فاصله نداشته باشند، دین سقوط کند لیکن لباس دیکتاتوری دینی پاک باقی ماند.<sup>254</sup>

آیت الله علی السیستانی زعیم شیعیان عراق با دشمنان اسلام و شیطان بزرگ یعنی امریکا متحد شد و متأسفانه بعد از مبارزات طولانی علیه استبداد سیاسی در عراق و سقوط صدام حسین دیکتاتوری زیر نام دین جای آنرا گرفت و دیکتاتوری جدید سبب جنگهای خونین بین شیعه و

<sup>253</sup>. محمد الغزالی «الإسلام و الإستبداد السياسي» و همچنان: محمد الغزالی «هموم داعية» صفحات 41-42.

<sup>254</sup>. الحوار المتمدن [www.ahewar.org](http://www.ahewar.org).

سنی شد و تا امروز عراق و جهان اسلام از نتیجه آن به آتش می سوزد و مهمترین نتیجه استبداد زیرنام دین در عراق ظهور حرکت داعش است.

### مقاومت علیه استبداد

فکر معاصر اسلامی استبداد را با تمام انواع و اقسام آن مصیبت بزرگ برای جامعه میداند. دعوت اسلام برای مبارزه علیه استبداد قبل از قبول عقیده است. فکر معاصر اسلامی باین عقیده است که دعوت اسلامی در زیر سایه و حکم استبدادی ناممکن است و قبل از دعوت به اسلام باید دعوت به حریت باشد زیرا استبداد سیاسی و نظام دیکتاتوری مانع رشد فکری جامعه است و جامعه که افراد آن آزادی تفکر را نداشته باشند قادر به قبول فکر اسلام نمی باشند و در داخل شدن به اسلام و قبول عقیده اسلامی تفکر و تدبر آزاد شرط اول است.

علمای فکر معاصر اسلامی حریت و استقلال و دیموکراسی را مقدمتر از تطبیق شریعت اسلامی می دانند و میگویند که شریعت اسلامی زمانی در جامعه قابل تطبیق است که انسان حریت و استقلال کامل داشته باشد و در موجودیت استبداد سیاسی و حکومت های عسکری و دیکتاتوری و اشغال خارجی تطبیق شریعت اسلامی در حالت تعلیق می باشد به عبارت دیگر استبداد و دیکتاتوری منافی فکر اسلام و تطبیق شریعت است. دکتر یوسف القرضاوی استبداد را علامه از علامات ساعت یعنی قیامت میداند و می نویسد: استبداد سیاسی از علامات قیامت است. استبداد سیاسی معنی آن این است که زعامت مردم را شخص بدست می گیرد که لیاقت و احقیت و اهلیت آنرا ندارد و از اهل مسئولیت نیست. حاکم مستبد با دشمنان اسلام و مسلمانان و دین متحد و از خداوند و مردم فاصله می گیرد و نتیجه استبداد تخریب دین و دنیا است.<sup>255</sup>

<sup>255</sup>. موقع القرضاوی، الاستبداد السياسي من علامات الساعة، 2012/5/12 م.



## روش اصلاح استبداد

عده‌ای از مسلمانان دیموکراسی غرب را برای اصلاح و مقاومت استبداد راه حل می‌دانند و باین عقیده اند که روش معاصر اسلامی قادر به اصلاح فساد و استبداد نیست. عدم موفقیت جنبش‌های اسلامی در حل قضایای معاصر خصوصا در مبارزه با استبداد سیاسی سبب آن شد که عده‌ای از مسلمانان معاصر باین اندیشه و فکر باشند که کلید حل مشکلات معاصر و جلوگیری از روش استبداد دیموکراسی لیبرال غرب است. مشکل این گروه از مسلمانان در عدم فهم صحیح از اسلام و موقف اسلام از استبداد است.

جامعه مدنی اصطلاح جدید در صحنه اجتماعی و سیاسی افغانستان و باقی کشورهای اسلامی است نیز در یافتن راه‌های عملی برای حل مشکل استبداد به بن‌بست رسیده است و از موجودیت حکومت متقلب و اشغال نظامی خارجی حمایت می‌کند. تجدید در فکر معاصر اسلامی و قبول تغییر در فکر سیاسی اسلام و شریک ساختن همه افراد ملت با تفاوت‌های فکری و مذهبی و سیاسی در ساختار نظام سیاسی سالم می‌تواند یکی از راه‌های مبارزه مسالمت‌آمیز با استبداد سیاسی باشد. از جانب دیگر همکاری و نزدیکی با احزاب سیاسی کشورهای غرب و معرفی برنامه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و همکاری مشترک با جامعه جهانی از منظور فکر اسلام سیاسی قدم مثبت برای رسیدن به تفاهم و همکاری مشترک در مبارزه با استبداد سیاسی و نظام‌های عسکری در جهان اسلام است. همکاری با جامعه مدنی اروپا و آمریکا مانع همکاری و حمایت آمریکا و کشورهای اروپائی از همکاری با نظام‌های استبدادی می‌تواند باشد<sup>256</sup> اصلاح استبداد را علمای گذشته معرفت صحیح از اسلام میدانستند. نامه شیخ و متصوف ابن علوان

<sup>256</sup> . سایت « صید الفوائد » الإستبداد السياسي ، www.saaidd

الحموی (متوفی 1530 میلادی) عنوانی سلطان سلیم بن عثمان نمونه خوب از روش مبارزه فرهنگی برای اصلاح استبداد است. شیخ المواهب الحنبلی دمشقی متوفی (1773 م) علیه فیصله های والی دمشق قیام نمود و برای والی نوشت. رعیت تحمل این همه مالیات را ندارد یا دست از ظلم بردارید و یا از اینجا خارج شوید. نماز جمعه با موجودیت شما اداء نمیشود یعنی صحت ندارد. به این معنی که در موجودیت ظلم و استبداد نماز جماعت صحت ندارد و این روش یکی از بهترین روش مقاومت علیه استبداد و اشغال خارجی در عصر حاضر می تواند باشد.

شیخ عبدالغنی النابلسی از بزرگان تصوف دمشق (متوفی 1731 میلادی) در کتاب اش بنام «تخییر العباد فی سکنی البلاد» برای مردم هجرت را به سبب استبداد والی فتوا داد. هجرت نیز نوعی از انواع مقاومت و مخالفت با استبداد است و مهاجرت معنی آن بیرون شدن از سلطه حاکم ظالم و مستبد و آماده شدن برای بازگشت و مبارزه با نظام استبدادی است.

سید جمال الدین افغانی روش انقلاب را در مبارزه با استبداد سیاسی راه مناسب برای مسلمانان میداند. سید جمال الدین برای مبارزه با استبداد سیاسی بین نظریه دیموکراسی غرب و نظام شورا در اسلام جمع می کند. او مسلمانان را دعوت به مبارزه جهت سرنگون ساختن استبداد می نماید. محمد عبده با اینکه با نظریات استاد خود سید جمال الدین احترام زیاد داشت از روش انقلاب علیه استبداد حمایت نمیکند. محمد عبده اصلاح تدریجی در نظام دولت و بلند بردن ثقافت و تعلیم را بهترین راه و روش برای مبارزه با استبداد سیاسی و فساد می داند. عبدالرحمن الکوکی روش تدریجی را در مبارزه با استبداد سیاسی در جهان اسلام مفید میداند و باین عقیده است که هر قدر سویه تعلیم ملت بهتر شود و اصلاح از داخل دولت شروع شود نفس و شعور مردم بطرف حریت بیشتر شده و استبداد ضعیف می شود. الکوکی

اضافه میکند زمانیکه مردم به روش علمی بیشتر آشنا شوند مرحله انقلاب سرعت بیشتر یافته و اصلاحات صورت می گیرد و استبداد سقوط میکند.<sup>257</sup>

متفکرین معاصر اسلامی با استفاده از نصوص ثابت اسلامی مبارزه با فساد و ظلم و استبداد سیاسی را از وجایب شرعی مردم می دانند و مبارزه با استبداد را در باب امر به معروف و نهی از منکر بررسی می نمایند و برای مبارزه با استبداد و ظلم سه روش را معرفی می کنند.

1. استفاده از قوای عسکری.

2. از طریق پارلمان..

3. از راه ملت.

مظاهرات و خارج شدن مردم به خیابان ها جهت اصلاح نظام سیاسی وسیله فعال است و اگر ملت تصمیم قاطع برای اصلاح فساد و استبداد داشته باشد و علیه فساد و استبداد قیام مسالمت آمیز نمایند بدون شک قوای پولیس و عسکر قدرت مقابله را در قیام عمومی مردم ندارند.<sup>258</sup>

بعض روایت و احادیث ذکر میشود که مردم را به صبر در مقابل ظلم و استبداد دعوت میکند. محدثین و فقهاء احادیث و روایات که برای دعوت به صبر در مقابل استبداد و ظلم است بررسی دقیق و نقد علمی کرده باین نتیجه می رسیده اند که دلیل یا ادله برای صبر در مقابل ظلم و ستم غیر قطعی است و احادیث و روایات که برای مقاومت است دلیل قوی تر و صحت بیشتر را با مقارنه با احادیثی که برای صبر در مقابل استبداد است دارد.

<sup>257</sup> عبد الوهاب خالد «فکر المقاومة فی خطاب الحركات الإصلاحية، بیروت 2007، صفحات 158-160 و همچنان دکتور حسین علی محافظه «مفهوم الحق بالتغییر فی الفکر العربی و الإسلامی»، صفحات 17-18.

<sup>258</sup> دکتور یوسف القرضاوی «فتاوی معاصرة» جزء دوم، صفحات 762-763.

دلیل که برای صبر در مقابل ظلم و استبداد و بی عدالتی در دست است عبارت است از مقوله که «إلا أن تروا كفرا بواحا» یعنی قیام علیه حاکم ظالم و مستبد زمانی جواز دارد که کفر واضح از او دیده شود به عبارت دیگر صبر کنید تا اینکه کفر واضح از حاکم ظاهر شود.

فقهاء و علماء در تفسیر کفر بواحا می گویند که کفر بواحا، کفر حقیقی نیست به دلیل اینکه کلمه کفر در قرآن و سنت در بسیاری اوقات برای تعبیر از گناهان کبیره استعمال شده است. امام الشاطبی در کتاب «الموافقات» می گوید: مقصد اصلی از کفر بواحا در حدیث اخلال و بی نظمی در ارکان دولت و استبداد و ظلم است. امام النووی نیز باین عقیده است و می گوید: حدیث «إلا أن تروا معصية بواحا» مگر اینکه معصیت آشکار را ببینید، معنی آن اخلال و برهم زدن رکن از ارکان دولت اسلام است مثل استبداد و ظلم نه به معنی کفر خاص در امور روحی مانند ترک نماز و روزه.<sup>259</sup>

آیت الله النائنی در باب مبارزه علیه استبداد می گوید چون استعباد و استبداد در این کشورها مستحکم شده و سلطان خود را شریک خداوند در اسماء و صفات او تعالی میداند و مبارزه مردم را علیه سلطه استبدادی خود خارج شدن از اطاعت تعبیر می کند و مخالفین خود را از جمله خوارج می داند پس در این حالت از بین بردن حاکم مستبد و یا تغییر آن بواسطه علم و معرفت یک امر مستحیل است. آیت الله از فکر انقلاب در برداشتن حاکم مستبد و اصلاح نظام استبدادی حمایت می کند.

علامه محمد الغزالی از جمله علماء حنفی قیام و مبارزه ای مردم را علیه حاکم جبار و زعامت استبدادی راه حل صحیح می داند. الغزالی با اینکه از قیام و مبارزه مردم علیه استبداد سیاسی حمایت میکند ضمناً برنامه سالم را نیز در بدل استبداد سیاسی حتمی میداند تا اینکه مردم بعد از

<sup>259</sup>. شبكة ذی قار «الحکم الاستبدادی و آثاره النفسية والاجتماعية».

سقوط نظام استبدادی بدیل آن که حریت و دیموکراسی است داشته باشند .

الکواکبی متفکر معاصر اسلامی باین عقیده است که انقلاب به تنهایی برای مبارزه علیه استبداد کافی نیست و انقلاب علیه استبداد لازم است همراه با اصلاحات شامل و کامل جهت اصلاح فساد بعد از سقوط نظام استبدادی باشد . الغزالی و النائینی با اینکه از فکر ردیکال در مبارزه با استبداد حمایت میکنند با آنهم اصلاحات شامل را برای از بین بردن فساد حتمی می دانند. محمد الغزالی نهضت های اسلامی معتدل را از همکاری با غرب و دشمنان اسلام هوشدار می دهد.<sup>260</sup>

<sup>260</sup> . محمد الغزالی «الإسلام و الإستبداد السياسي» و مجلة النبأ عدد 36 ، سال پنجم ، جمادی الاولى 1420 هـ .annabaa.org

## روش فکر معاصر اسلامی از آزادی

قضیه حریت و آزادی از آغاز تاریخ یکی از قضایای بسیار مهم و با اهمیت و قابل بحث است. ادیان سماوی و غیر سماوی و مدارس و مکتب های فلسفی و فقهی و طریقه های تصوفی هر کدام در مورد و قضیه حریت نظریات جالب را تقدیم میکنند.

قضیه حریت در فکر اسلام معاصر اولین قضیه است که از نواحی مختلف فلسفی بحث و بررسی میشود و مدارس مختلف اسلامی مثل مدرسه ای تصوف و مدارس فقهی و فلسفی و عقیده تی مثل جبریه و اهل عدل و توحید همه از قضیه حریت دفاع میکنند. علامه دکتور محمد عمارة یکی از ستاره های درخشان فکر معاصر اسلامی در کتاب خود تحت عنوان «مفهوم الحرية فی مذاهب الإسلامیین» قضیه حریت را از نظر مدارس مختلف اسلامی بحث میکند. در بین مدارس فکری و فلسفی و ادیان سماوی و غیر سماوی اسلام یگانه دینی است که حریت را به مقام حیات و زندگی میرساند. در فکر اسلامی استبداد و عبودیت یعنی مرگ و آزادی یعنی حیات و زندگی است. در قرآن کریم می خوانیم: «أو من كان ميتا فأحييناه» (الأنعام: 22) آیا کسی که مرده {دل} بود و زنده اش گردانیدیم. حریت در اسلام حق ثابت و طبیعی انسان است و بدون حریت زندگی انسان معنی و قیمت ندارد و زمانیکه انسان حریت را از دست میدهد با اینکه طعام می خورد و آب می نوشد ولی در جمله اموات حساب می شود. حریت دروازه داخل شدن به اسلام است. کلمه

لا إله إلا الله حریت مطلق را معنی می دهد باین معنی که انسان از قید هر نوع بندگی خلاص و فقط بنده خداوند میباشد.<sup>261</sup>

دانشمندان و مفکرین معاصر اسلامی در تعریف و قضیه حریت با هم اختلافات نظر دارند. اختلافات فکری و ایدئولوژیکی بین دانشمندان سبب شده است تا صدها کتاب و تحقیق در مورد حریت و تعریفات و مفهوم آن تألیف شود. عاطفه و شعور تأثیرات مثبت و منفی را در نظریات و افکار دانشمندان مسلمان در مسأله حریت بجا گذاشته است و تأثیر عاطفه و شعور انسانی در بسا موارد بر عقلانیت غلبه دارد و یا حد اقل آنرا زیر تأثیر قرار می دهد و در نتیجه آن به معنی و مفهوم حریت تا حدی صدمه میرسد. از جانب دیگر عده از مسلمانان در تحقیقات شان در موضوع حریت تابع نظریات علمای گذشته اند و تا هنوز نتوانسته اند از نظریات و تعریفات حریت که در کتب گذشته باقی مانده بیرون شوند در حالیکه مفهوم و معنی حریت در عصر حاضر نسبت به مفهوم حریت در گذشته تفاوت زیاد دارد. حریات در عصر حاضر شامل حریت انسان، رابطه بین حریت انسان و نظام سیاسی و دولت و رابطه دولت با فرد و جامعه و رابطه نظام اسلامی با نظام های غیر اسلامی میباشد لذا ساحه حریات در عصر حاضر وسعت بیشتر را نسبت به قرن های گذشته احتواء میکند. تغییرات که در نظام اجتماعی و سیاسی و رابطه بین حکام و محکومین و رابطه جهان اسلام با جهان غرب پیش آمده از محققین مسلمان می خواهد تا در بحث قضیه حریت توجه عمیق داشته باشند تا بتوانند آزادی و حریت را از منظور اسلامی با مقارنه با نظام دیموکراسی و فکر غرب تبارز دهند. اما متأسفانه اکثر محققین جوان معاصر اسلامی در مطالعه قضیه حریت خصوصاً حریت دینی و سیاسی و فکری تا هنوز موفق نشده اند تا این قضایا را بحث علمی و

<sup>261</sup> . ( [www.goodreds.com/book/show/15776527](http://www.goodreds.com/book/show/15776527) ) . همچنان دیده شود

( [www.islamtoday.net/toislam/art-111-3.htm](http://www.islamtoday.net/toislam/art-111-3.htm) ) .

مستقل نمایند و این خلاء در جامعه علمی اسلامی تا هنوز موجود است. همچنان تا هنوز عدّه کثیر از محققین اصطلاحات قدیم را در مسأله حریت و دیموکراسی مورد استفاده قرار میدهند که در عصر حاضر قابل استفاده و فهم نیست و باید از روش اجتهاد و اقتباس از اصطلاحات معاصر استفاده کرد تا موضوعات قدیم را به زبان معاصر بحث و به جامعه پیش کرد.

رابطه بین دین و حریت مشکل بزرگ محققین معاصر را می سازد. عدّه میخوانند حریت را خارج از دائره دین بحث نمایند و باین عقیده اند که دین یکی از عوامل مهم در محدودیت ساختن حریت است این گروه از دانشمندان چه از بین مسلمانان و غیر مسلمانان تا هنوز تفاوت بین اسلام و ادیان دیگر را کرده نتوانسته اند و در تعریف دین زیر تأثیر تعریفات غربی میباشند و تا هنوز فرق بین آزادی دینی و آزادی (Freedom, Liberalism) که در فرهنگ و ثقافت معاصر اسلامی است غیر قابل فهم برای شان است.

روش بحث و رسیدن به یک مفهوم واضح در موضوع حریت لازم است باساس روش اکادمی و روش علمی به هدف رسیدن به حقیقت باشد. محقق مسلمان باید در بحث و بررسی حریت قبل از آغاز بحث خصوصیت های فرهنگ و مدنیت را از نظر فکر اسلامی مطالعه نماید و معلومات مفصل و دقیق و علمی از فرهنگ و ثقافت اصیل اسلام داشته باشد. اسلام میخواهد تا حریت و مفهوم علمی و تطبیق عملی آن جزء لا یتجزاء از فرهنگ و ثقافت مسلمانان باشد باین معنی که دین ثقافت و فرهنگ و ثقافت و فرهنگ دین باشد اما متأسفانه مسلمانان معاصر در جمع بین دین و فرهنگ و ثقافت به توافق نرسیده اند. در عدم فهم عمیق از مدنیت اسلام غیر ممکن است محقق بتواند به صورت صحیح در مسأله حریت از باب اسلامی تحقیق نماید. اگر تحقیقات در عدم فهم صحیح از اسلام و نصوص شرعی و نظریات علمای قدیم و معاصر انجام یابد بدون شک و تردید جامع و مفید نخواهد بود و این



نوع تحقیقات نمی تواند صورت صحیح از حقوق انسان و مبادئ حریت از نظر اسلام باشد.<sup>262</sup>

حریت مقصدمهم از مقاصد شریعت است به دلیل اینکه حریت از ضروریات حیات انسان است و در زندگی انسان نمیتواند از حریت استغناء و بدون حریت زندگی داشته باشد و مسلمان در حکم شریعت اسلامی حق ندارد از حریت صرف نظر نماید.<sup>263</sup> دکتر محمد عماره در مورد ضرورت حریت برای انسان می گوید: حریت در اسلام از ضرورت های انسانی و فریضه ای الهی و از جمله مکلفیت های شرعی و از واجبات دینی است و در ثقافت و فرهنگ دینی حریت تنها حق و از جمله حقوق انسان نبوده بکله فریضه الهی است.<sup>264</sup>

حریت از اهداف رسالت اسلام و از اهم استراتیژی در فکر معاصر اسلامی است. در استراتیژی اسلام حریت قبل از ایمان به خداوند سبحانه و تعالی و ایمان آوردن به دین و تطبیق شریعت و مکلفیت های دینی است. عبادت خداوند سبحانه و نفی عبادت بغیر از خدا در استراتیژی اسلام حریت است. شعار لا اله الا الله معنی آن آزادی انسان از بندگی دیگران یعنی عبودیت طاغوت که عقل و روح و حریت انسان را زندانی میسازد است. استراتیژی اسلام برای تحقق آزادی انسان از قید ذلت و قوای شر و ظلمت و فساد است و آزادی است که انسان را بسوی عزت و کرامت میرساند. اهداف استراتیژی اسلام شکستاندن زنجیرهای اسارت و رسیدن به حریت کامل است. خداوند در قرآن کریم استراتیژی اسلام را در مبارزه با طغیان و استبداد و رسیدن به حریت اینطور بیان می کند: «یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم».

<sup>262</sup> سلطان بن عبدالرحیم العمیری «فضاءات الحرية» القاهرة، 2013، الدرر السنیه [www.dorar.net/1529](http://www.dorar.net/1529).

<sup>263</sup> الشريعة و الحياة [www.aljazeera.net/2011/9/22](http://www.aljazeera.net/2011/9/22).

<sup>264</sup> محمد عماره، مجلة الأزهر ذوالقعدة 1433 هـ اکتوبر 2012 م الجزء 11 السنة 85.

( اعراف: 157 ). و از {دوش} آنان قید و بند هایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد. اغلال در زبان قرآن زنجیرهای است که حریت و آزادی مردم را مقید می سازد.<sup>265</sup>

فکر اسلامی آزادی را زیر عنوان فطرت بحث میکند. حریت در فرهنگ و ادبیات اسلام یک حقیقت فطری در وجود و روح انسان است. مسلمانان صدر اسلام حریت را در دائره فطرت انسانی می شناختند. حضرت عمر رضی الله عنه موضوع حریت را با کلمات بسیار ساده لیکن با معانی بزرگ این طور بیان نمود: «متی استعبدتم الناس وقد ولدتهم أمهاتهم أحرارا». از چه وقت مردم را غلام ساختید در حالیکه همه از مادران خود آزاد به دنیا آمده اند.<sup>266</sup>

اسلام حریت را به قییم و مبادئ انسانی ارتباط می دهد و حریت را حق مسلم انسان بدون در نظر داشت دین و نژاد و رنگ می داند. در مفهوم اسلامی حریت در جامعه اسلامی و زیر اداره حکومت اسلامی مخصوص برای مسلمانان نبوده بلکه شامل تمام انسانها به هر دین و آئین میباشد و هر انسان از نظر مفهوم اسلامی حریت کامل را در شئون عبادت و روش زندگی خود دارد.

حریت معنی آن زعامت انسان در کائنات است و در فرهنگ و دائره المعارف اسلامی می خوانیم: «لا سیادة بلا حریت» زعامت و رهبریت نیست مگر با داشتن آزادی. سیادت و حریت است که انسان را حق خلافت در زمین میدهد.<sup>267</sup>

<sup>265</sup>. الوعی الاسلامی ، [www.alwaei.com](http://www.alwaei.com) .

<sup>266</sup> . الحرية فی المفهوم الإسلامی ، صید الفوائد

[www.saaaid.net/arabic/656.htm](http://www.saaaid.net/arabic/656.htm)

<sup>267</sup> . عبدالمجید النجار « خلافة الإنسان بین الوحي و العقل » منشورات المعهد

العالمی للفکر الإسلامی 1993 م ص 56.

در فقه اسلامی کفاره قتل خطأ و کفاره شخص که روزه ماه رمضان را قصداً می خورد آزاد ساختن یک غلام است. مقصد شریعت از کفاره ، آزاد ساختن غلام یعنی دادن حریت به انسان که حریت از او سلب شده میباشد. علمای معاصر در فتوا های خود می نویسند چون عصر غلامی باتفاق جامعه جهانی خاتمه یافته است لذا حکم فقهی نیز نظر به شرایط زمان و تغییر اسباب تغییر می کند و در عصر حاضر کفاره گناهان در آزادی فلسطین و کشور های اسلامی تحت اشغال و مسلمانانیکه حریت شان سلب شده به مصرف میرسد.<sup>268</sup>

بزرگان اسلام آزادی را به حیات و زندگی تشبیه و غلامی و اسارت را به مرگ تشبیه می کنند. امام النسفی (710-1310 م) کفاره قتل خطأ را آزادی غلام می داند. از نظر امام النسفی زمانیکه یک انسان به قتل میرسد حیات خود را از دست می دهد و در مقابل فقدان حیات یک انسان ، انسان دیگر را باید آزادی بخشید.

استاد الفاسی در بحث خود تفاوت بین نظریه و مفهوم اسلام از حریت و بین نظریات فلسفه سوسیالستی و غربی را بحث کرده می نویسد: در فلسفه های غربی حریت را قانون به مردم میدهد و حریت حق طبیعی انسان نیست به این معنی که حریت در پرتو قانون به مردم داده میشود نه باساس حق طبیعی. انسان به حریت خود نائل نشد و نرسید تا اینکه وحی الهی بر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نازل شد. در فکر اسلامی حریت حق طبیعی انسان است و انسان آزاد خلق شده و باید آزادانه زندگی داشته باشد و در فرهنگ اسلامی حریت به حق قانون داده نمیشود که در حالات مختلف در مواد آن تغییر صورت گیرد بلکه حق طبیعی است که با خلقت انسان تولد می شود.<sup>269</sup>

<sup>268</sup> . دكتور القره داغی نائب اتحاد بين المللی علمای اسلام ، جماعة الاخوان المسلمین-الأردن ، [www.ikhwan-jor.com](http://www.ikhwan-jor.com) .

<sup>269</sup> . علال الفاسی « مقاصد الشريعة الإسلامية » مطبعة الرسالة ، ص 247.

علمای باین عقیده اند که حریت سبب میشود تا انسان در آخرت مورد حساب و سؤال قرار گیرد و عقل انسان را مکلف به اداء شعائر دینی می سازد و خداوند عزوجل انسان را حر و صاحب عقل خلق نموده است.<sup>270</sup>

آزادی از داخل انسان شروع می شود و تا نفس انسان از خواهشات نفسانی آزاد نشود انسان به حریت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نمیرسد. خواهشات نفسانی زندان بزرگ در داخل انسان است. قرآن کریم مسلمانان را از زندان هوی و نفس هوشدار میدهد. نفس انسان زمانی از اسارت آزاد و به حریت میرسد که انسان به عقیده توحید ایمان بیاورد. اقرار و اعتراف و تصدیق به محوریت خالق تعالی، اقرار و تصدیق و اعتراف به حریت انسان است باین معنی که عقیده ای توحید اصل حریت را می سازد و اعتقاد به اصل توحید انسان را به حریت و استقلال اراده و فکر و رأی می رساند. شهید سید قطب حریت و اراده آزاد و استقلال فکر و رأی را تهداب بناء و رسیدن به آزادی می داند.<sup>271</sup>

امام ابن تیمیه استقلال اراده و حریت انسان را به عبودیت خداوند و اصل توحید ارتباط مستقیم می دهد و می گوید عبودیت خداوند معنی آن آزادی انسان از تمام عبودیت ها است. امام محمد عبده رأی و نظریه رابطه بین عبودیت خالق و حریت انسان را تأیید میکند و می نویسد توحید یعنی رسیدن انسان به حریت و اراده آزاد از تمام قیودات که بواسطه رجال الدین پدید آمده مانند رابطه ای انسان با قبرها و سنگها و درختها و ستاره ها و از طریق این خرافات حریت انسان محدود شده است. عقیده توحید نه باید نظری بلکه قلبی و یکجا با ایمان کامل باشد. انسان قسمیکه علمای تصوف می گویند باید به صورت مطلق

<sup>270</sup>. إسلامية المعرفة، العدد 31-32.

<sup>271</sup>. سید قطب «فی ظلال القرآن» تفسیر آیه الإسراء: 70.

تسلیم ارادهٔ خداوند باشد تا از زندان هوی و نفس و عبودیت که حریت او را کنترل می‌نماید آزاد شود.<sup>272</sup>

### معانی آزادی و مفردات آن

علمای زبان و سیاست و فقه و تصوف برای حریت تعاریفات زیاد را می‌آورند. مطالعه و بررسی تعریف حریت ما را به حقیقت فهم از مفردات حریت از نظر فرهنگ زبان کمک بیشتر میکند. یکی از علل تفاوت تعریف حریت را مجلهٔ موتمر الأمة، الفکر الإسلامی، این طور بیان میکند: مفهوم حریت و آزادی در هر جامعه نظریه شرایط زمان و مکان عقائد تفاوت میکند.<sup>273</sup>

کلمهٔ حریت در قرآن کریم بصورت مستقل ذکر نشده اما مشتقات و مترادفات آن که دلالت به حریت میکند در قرآن کریم ذکر شده است مثل: تحریر، محرر، عتق و لا اکراه و غیره. در اصطلاح قرآن کریم، حریت مقابل عبودیت و حر مقابل عبد استفاده شده است. در قرآن کریم می‌خوانیم: «کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر، بالحر و العبد بالعبد و الأثنی بالآثنی» (البقرة: 178). بر شما قصاص در بارهٔ کشته گان، آزاد به عوض آزاد، غلام به مقابل غلام و زن به عوض زن. و «فتحریر رقبة مؤمنة» (النساء: 92) آزاد ساختن یک غلام مؤمن است.

کلمهٔ «حریت» گرفته شده از «حر» و حردر بین انسان‌ها یعنی بهترین و فاضلترین و شریف ترین شان. حر فعل خوب یعنی عمل خوب و پسندیده. حره که به صیغهٔ مونث آمده و مقصد از آن زن آزاد است، مثلاً اگر گفته شود زن حره یا زن آزاد این معنی را افاده می‌کند که زن شریفه و دارای نسب عالی و نام نیک و جمع حردر زبان عربی احرار است.<sup>274</sup>

<sup>272</sup> .إسلامیة المعرفة عدد 31-32، 2002-2003، ص 63.

[WWW.SUDANESEONLINE.COM](http://WWW.SUDANESEONLINE.COM),

273

.WWW.ALJAZEERA.NET/PROGRAMS/IN-DEPTH/2010/12/22

<sup>274</sup> .ابن منظور «لسان عرب» مادهٔ «حر» .

زنان صدر اول اسلام معنی حریت را شرافت و عزت و کرامت و پاکی از فحشات می دانستند. قصه بیعت زنان از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم که امام بخاری آنرا نقل می کند بهترین مثال از فهم زنان مسلمان از کلمه حریت است در کتب حدیث آمده که رسول الله صلی الله علیه و سلم برای قبول بیعت زنان شرط گذاشت تا به خداوند شریک نیاورند و اولاد خود را نکشید، و عمل زنا را انجام ندهند... هند بنت عبتہ از بین زنان ایستاده و با تعجب سؤال می کند یا رسول الله! آیا زن آزاد زنا میکند.

275

کلمه حربہ صیغه مذکر یعنی مردی که به آزادی رسیده و از غلامی نجات یافته و صلاحیت و اختیار زندگی خود را خودش دارد و بدون مداخله دیگران برنامه ای زندگی را برای خود می سازد و همچنان مرد شریف و دارای صفات عالی اخلاق و صاحب فضیلت.<sup>276</sup>

در المصباح المنیر در تعریف حر آمده: حر عکس غلام، انسانی که از غلامی به آزادی رسیده باشد و جمع حر در زبان عربی احرار است.<sup>277</sup>

علامه شیخ محمد الخضر حسین حریت را به استقلال اراده، و آزاد شدن از غلامی تعریف میکند. شیخ الخضر مانند تمام متفکرین معاصر اسلام حریت را معادل حقوق و وجایب می داند. او اضافه میکند حریت ارتباط به حقوق اساسی انسان دارد و جزء از انسان است و دفاع از حریت به معنی دفاع از حقوق اساسی انسان مثل دفاع از مال و شرف و عزت و والدین است.<sup>278</sup>

در فرهنگ ادبیات حریت یعنی داشتن قدرت فرد در تصمیم گیری مناسب بدون مداخله و تأثیر اطراف دیگر چه این تصمیم مادی و یا

275. البخاری بشرح فتح الباری 11/ 439.

276. المعجم الوسیط، مجمع اللغة «1/ 165».

277. المصباح المنیر، ماده «حر» ص 128.

278. محمد الخضر حسین «الحرية في الإسلام» القاهرة دار الاعتصام 1982، ص 16.

معنوی باشد. هر انسان حق دارد حریت و استقلال را در تفکر و تصمیم گیری هر فیصله ای که برای خود آنرا مناسب می داند داشته باشد، البته ضمن قواعد اخلاقی و عدم سلب حریت دیگران.<sup>279</sup>

علامه رفاعه رافع الطهطاوی حریت را اجازه عمل یا کار مباح بدون موانع از طرف دیگران می داند، یعنی فرد قسمیکه می خواهد در وقت و وظیفه و نفس خود بدون مانع طرف دیگر بغیر مانع شریعت و قانون تصمیم گیرد.

دکتور احمد کمال ابو مجد از جمله متفکرین معاصر فکر اسلامی از حریت باین عبارت یاد میکند: حریت برای انسان آدمیت و انسانیت را عطا میکند و حریت دائماً در دایره مشیئت قرار دارد اگرهم مخالف رضای خالق باشد.<sup>280</sup>

دایره المعارف ها تعریف حریت به سه معنی می آورند.

1. حریت ضد غلامی به این معنی که انسان عاقل در تمام شئون زندگی خود آزاد و حق تصرف کامل را دارد.
2. به معنی متصف بودن به اخلاق فاضله و پاک شدن از اخلاق رذیله. این تعریف صفت نفسانی حریت است.
3. به معنی خلوص یعنی خلاص از شهبات. این صفت مادی حریت است.

### اصطلاح حریت

1. أهل تصوف آزادی را باین معنی می دانند: شریف الجرجانی می گوید حریت در اصطلاح أهل حقیقت بیرون شدن انسان از بندگی کائنات است.

<sup>279</sup> . موضوع ، www.mawdoo3.com ، اگست 2014 م .

<sup>280</sup> . دکتور احمد کمال ابو المجد « الحرية الفكرية و الدينية » ، 2013 م ،

2. أهل حدیث حریت را استقلال اراده می دانند.
  3. قانون دانان حریت را آزادی انسان در آنچه عمل میکند بشرطیکه به دیگران ضرر نرساند می دانند .
  4. در تعریف فقهاء حریت معنی آن مباح است که در اصل تشریحات اسلامی باصطلاح انتخاب و اختیار بین انجام فعل و ترک آن آمده است.<sup>281</sup>
- از تعریفات فوق باین نتیجه می رسیم که آزادی معنی آن این است که انسان به اختیار و اراده آزاد بدون نوعی از انواع تهدید و فشار آنچه را که میخواهد برای خود انتخاب کند.<sup>282</sup>
- به عبارت دیگر داشتن قدرت و صلاحیت و وسیله که انسان برای رسیدن به اهداف و اقوال و افعال خود بدون اکراه و اجبار از آنها استفاده میکند حریت است.<sup>283</sup>
- حریت وسیله است که افراد میتوانند به اختیار و اراده آزاد و بدون فشار خارجی تصمیم گیرند.<sup>284</sup>
- انسان به طبیعت بشری موجود اجتماعی است و ممکن نیست انسان بدون اجتماع زندگی داشته باشد. نظام اجتماعی بعضی قیودات را برای اداره جامعه وضع می کند لذا حریت بدون قیودات اجتماعی و بدون سرحد در جامعه انسانی وجود ندارد و فرد در جامعه باید چیزی را بدهد

281. محمد فتحی الدینی « خصائص التشريع الإسلامی فی السياسة و الحكم » بیروت ، مؤسسة الرسالة 1982 ، ص 404.

282. المعجم الفلسفی ، مجمع اللغة العربية ، ص 71 ، الموسوعة العربية العالمية «الحرية» ، ( 9 / 305 ) . و همچنان دیده شود ، ابو زهرة « تنظيم الإسلام للمجتمع » صفحات « 180 - 181 .

283. دكتور محمد الزحيلي « الحرية الدينية فی الشريعة الإسلامية » ص 6.

284. الموسوعة العربية العالمية « الحرية » ( 9 / 305 ) .



و چیزی را بگیرد و حریت بدون ضوابط اجتماعی بی‌نظمی را در جامعه سبب می‌شود.<sup>285</sup>

اسلام حریت فردی را تأمین و مساوات را بین انسانها در بهترین معانی آن تضمین می‌کند لیکن بی‌نظمی را در جامعه نمی‌خواهد. در اسلام جامعه جایگاه خود را دارد و انسان اعتبار خود را و برای تحقق حریت فردی اسلام متابعت فرد از جامعه را در مقابل حفظ حریت اواز طرف جامعه می‌خواهد و همکاری و تعاون بین فرد و جامعه را اسلام برای ساختار جامعه مرفع و سالم حتمی میداند این تعاون و همکاری در اصطلاح مفاهیم اسلامی بنام تکافل اجتماعی یاد می‌شود.<sup>286</sup>

### حریت در روش متفکرین معاصر اسلامی

متفکرین معاصر اسلامی حریت را از باب ثقافت و فرهنگ و مدنیت اسلام بررسی و مطالعه میکنند. در این تحقیق دو نظر معاصر را بطور مثال و نمونه بررسی می‌شود.

اول ( آزادی در فکر شیخ محمد الخضر حسین عبارت از استقلال اراده ، آزادی از قید بندگی است . شیخ خضر حریت را معادل حقوق و وجایب می‌داند و اعتقاد برین دارد که حریت ارتباط به حقوق اساسی انسان دارد و انسان باید از حقوق اساسی خود دفاع کند . و همچنان حریت از نظر او ارتباط به وجایب و اخلاق حمیده دارد .

شیخ خضر مانند دانشمندان فکر معاصر اسلامی طرفدار دعوت به آزادی تصرف انسان به هر عملی که بخواهد انجام دهد است . شیخ خضر برای رسیدن به حریت کامل تربیت امت را حتمی و اساس میداند تا امت مستحق حریت شود . الخضر قواعد عمومی را جهت معرفت انسان به « ما له و ما علیه » یعنی آنچه مربوط به او است و آنچه از دیگران بالای او

<sup>285</sup>. وهبة الزحیلی « حق الحرية » ص 10 .

<sup>286</sup>. سید قطب « العدالة الاجتماعية » صفحات 52-53 .

است وضع میکند. از نظر الخضر علم به حقوق و وجایب شرط اول برای عمل کردن به حریت است. از نظر الخضر کسیکه جاهل به حقوق جامعه باشد تصرفاتش زیر کنترل قرار می‌گیرد تا اینکه به آنچه جاهل است علم یابد. یعنی حقوق جامعه را بداند.

شیخ الخضر قاعده اخلاق را در مسأله حریت وضع میکند و می‌گوید کسیکه مستحق به استفاده از حریت است باید نفس پاک و نیت خیر داشته و از اعتداء بالای حقوق دیگران اجتناب نماید و همچنان پابندی به قانون داشته باشد. شیخ الخضر قاعده مقاومت علیه باطل را وضع میکند و می‌گوید کسی مستحق حریت است که باطل را اطاعت نکند و علیه باطل مبارزه نماید و اضافه میکند که حریت گرفته می‌شود و داده نمی‌شود و کسیکه مستحق حریت است باید آنرا بدست بیاورد و برای حفظ آن مبارزه و از حریت خود و جامعه دفاع کند.<sup>287</sup>

دوم- امام حسن البناء حریت را اساس و قاعده دعوت خود انتخاب کرد. دعوت البناء برای حریت از منظر اسلامی بود. البناء حریت را فرض از فرائض دین می‌داند و باین عقیده است که بنده ای که حریت کامل نداشته باشد قادر به عبادت خداوند نمی‌تواند باشد.

حریت عقیده در فلسفه ای البناء حریت فردی و شخصی است و اسلام حریت عقیده را برای همه کفالت و حفظ می‌کند.

حریت سیاسی و رفع اشغال در رأی البناء مقدمتر از حریت فردی است و در این باب می‌گوید تحریر یا آزادی وطن اسلامی از اشغال خارجی هدف اول دعوت است او عقیده داشت که آزادی فردی زمانی قابل اجراء است که قوای خارجی از کشور اسلامی خارج شود. البناء باین عقیده و نظر بود که با خروج قوای خارجی از وطن اسلامی، اسلام ضمانت حریت

287. محمد الخضر حسین «الحرية في الإسلام».

است به عبارت دیگر تا زمانی که اشغال باشد حریت تضمین نمی شود و در عقیده ای البناء با اشغال و استعمار حریت نیست.

البناء در حفظ و حمایت حریت می گوید که از حق هر انسان است برای حفظ حریت خود از تمام وسائل موجوده استفاده کند و جهاد وسیله از وسائل دفاع از حریت است. البناء مفهوم حریت را با مفهوم عزت و کرامت و مبارزه با ظلم و ذلت یکجا میسازد. البناء حریت و وجایب را یکجا می سازد و باین عقیده است که حریت بدون وجایب و وجایب بدون حریت نیست و هر انسان که وجایب خود را بفهمد و آنرا درک کند می تواند آزادانه زندگی نماید.

فکر معاصر اسلامی حریت را در دائره شریعت و مصلحت عمومی مردم بحث می کند و مرجعیت حریت از نظر این فکر اسلام است. حریت امت را متفکرین معاصر اسلامی ارتباط به آزادی از استعمار می دهند و فکر اسلامی حریت فردی را بعد از حریت امت یا ملت می داند باین معنی که حریت امت در مقدمه قرار دارد. فکر معاصر اسلامی مبادئ حریت غرب را نمی پذیرد و عده از متفکرین معاصر اسلامی دعوت به حریت را وسیله بدست استعمار می دانند. با تمام موانع و مشکلات داخلی و خارجی مفکرین معاصر اسلامی تا اندازه زیاد موفق شده اند تا حریت را از نظر اسلامی تعریف نمایند و لیکن متأسفانه در تطبیق عملی آن به دلیل استبداد داخلی و فشار خارجی تا حد زیاد موفق نیستند. مفکرین معاصر اسلامی بصورت قطعی و صحیح تا هنوز حقوق نسوان را تفسیر و بیان نکرده اند و اکثراً حقوق زنان را ضمن حقوق افراد بحث می نمایند.

### مفردات حریت از نظر فکر معاصر اسلامی

1. حریت عقیده
2. حریت فکر، رأی، نوشتن، نشر و مطبوعات.
3. حریت نسوان.

حریت های خاص به انجمن ها :

1. حریت تکوین احزاب سیاسی و عضویت به آنها .
2. حریت انتخابات پارلمانی .
3. حریت تشکیل اتحادیه های کارگری .
4. حریت نقد دولت و احزاب سیاسی .
5. حریت اشتراک در رأی در امور دولت و احزاب سیاسی .
6. حریت اشتراک در بناء و مستقبل شکل دولت و جامعه .

نتایج حریت

1. نمو و تکوین مؤسسات به هدف پیشرفت امور دولت .
2. احساس مردم به ادامه زندگی زیر سایه دیموکراسی و عدالت اجتماعی .
3. آرامش اجتماع و دوری مردم از افراط و تفریط .
4. تقویت روابط سیاسی و همکاری بین المللی .
5. انکشاف و زیادت در سرمایه ملی و بهبود صنعت و زراعت.<sup>288</sup>

حریت سیاسی :

- حق انسان برای انتخاب حاکم و مراقبت و محاسبه او مستقیماً یا از طریق مجلس نمایندگان .
- عدم مقید ساختن حریت مگر به حق قانون .
- حفظ لسان و مراعات آداب اسلامی .
- حریت سیاسی وسیله برای تهاجم دیگران نیست .

MADARIK ( FOR STUDYING THE MECHANISMS OF CONCEPTUAL <sup>288</sup>

PROMOTION

، مدارک ( مؤسسه لدراسة آلیات الرقی ، [Http://madarik.net/mag7/4.htm](http://madarik.net/mag7/4.htm)

الفکری .

- حریت سیاسی برای جلب مصالح عامه و جلوگیری و منع از فساد.<sup>289</sup>

---

<sup>289</sup>. الحرية و المواطنة و الإسلام السياسي، دكتور لؤي صافي، ناشر: الشبكة العربية للأبحاث و النشر 2013 و الحوار المتمدن، انعكاس دهنده ای نظریات چپ، سیکولرها و دیموکراتها «[www.ahewar.org](http://www.ahewar.org)».

## آزادی فکر و عقل

قضیه آزادی فکر و عقل در فرهنگ معاصر اسلامی بحث تحلیلی و تحقیق مفصل و بصورت مستقل نشده است و کتابخانه اسلامی فاقد همچو اباحت و تحقیقات است. تهاجم فکر غرب از یکطرف و عدم فهم عده از مسلمانان از آزادی فکر و عقل بحث و تحقیق در قضیه حریت را بصورت عموم و حریت فکر و عقل و اعتقاد را بصورت خاص در فرهنگ و ثقافت معاصر اسلامی اهمیت بیشتر می دهد. تفکر اعمال و فعالیت عقل جهت رسیدن به حقیقت است لذا رابطه بین فکر و عقل رابطه قوی و غیر قابل انفصال است و ممکن نیست قضیه عقل را جدا و منفصل از قضیه فکر بحث کرد.

خداوند سبحانه و تعالی انسان را با مسئولیت خلق کرده و مسئولیت از انسان میخواهد تا حریت فکر و تعقل آزاد را حفظ و برای حمایت آن سعی نماید. در عدم حریت فکر و آزادی عقل، انسان مکلف به هیچ امر از امور دین نمی شود و در اسلام مکلفیت های دینی مربوط به عقل سلیم و تفکر آزاد است و حتی قبول اسلام که در مورد آن بحث مستقل خواهیم داشت به آزادی عقل و حریت فکر ارتباط مستقیم دارد. ایمان انسان کامل نمی شود مگر بعد از تفکر و تعقل آزاد در قبول آن به عبارت دیگر قبول عقیده رابطه مستقیم به تفکر و تعقل آزاد دارد. در فکر اسلامی انسان مکلف است تا در مسائل اعتقادی و قبول رسالت اسلام و وحدانیت خالق به نفس خود و به کائنات تفکر کند. مسلمانان صدر اول اسلام حریت فکر و عقل را در روشنی آیات خداوند و ارشادات نبوی می دانستند و حریت رأی و فکر و عقل را حفظ و در دفاع از آن مبارزه می کردند. در عصر عقب گرائی افکار مثل فکر «جبر و قضاء و قدر» به معنی غیر صحیح داخل ساحه فکر اسلامی شد و مسلمانان متوجه خطر

آن نشدند و مفهوم اصلی آنرا درک نکردند. قبول غیر صحیح مسلمانان از مفهوم عقیده «جبر» مشیئت یعنی اراده آزاد انسان محدود شد و به مرور زمان فلسفه های غیر عقلانی و فکر نا معقول و نظریه جبر بر اختیار و نا معقول بر معقول و غیر عقلانی بر عقلانی غلبه یافت و انسان آزادی های فکری و عقلانی را از دست داد تا اینکه عدم حریت بر حریت غلبه یافت و تقلید و پیروی گذشته گان جای اجتهاد و روش فکر آزاد را گرفت که در اثر آن فکر معاصر اسلامی از مسیر اصلی خود منحرف شد.

### فکر از منظور اسلامی

اصطلاح و مفهوم فکر در بین مفاهیم و اصطلاحات علمی مقام والا را در فرهنگ و ادبیات اسلامی دارد اما متأسفانه مفهوم فکر و آزادی های فکری در اثر تأویلات نا درست و دور از حقیقت از خط اعتدال و از دایره علم فاصله گرفت و تأویلات نا درست و غیر معقول از فکر و آزادی فکری، فکر معاصر اسلامی را متضرر ساخت تا جای که روش فکر معقول به روش فکر نا معقول تبدیل شد و نا معقولیت فکری جای معقولیت فکری را گرفت.

علمای زبان و ادبیات فکر را تعاریفات متعدد می کنند که دانستن آن انسان را به حقیقت نزدیکتر می سازد.

راغب اصفهانی میگوید: « فکر » نیروی است که « علم » را به سوی « معلوم » می برد. و « تفکر » کوشش و جولان نیروی فکر به اقتضای عقل و خرد است. این نیرو ویژه ای انسان است و در حیوان نیست. تفکر یا اندیشه تنها در چیزی است که صورتی از آن در خاطر انسان حاصل شود.<sup>290</sup>

ابن منظور در لسان عرب در معنی و اصطلاح و مفهوم فکر می نویسد:  
الفکر: اعمال انسان در یک شیء است و تفکر به معنی تأمل آمده است.

291

فیروز آبادی ، فکر را به اعمال نظر در یک شیء تعریف می کند. یعنی  
نظر کردن به یک چیز.<sup>292</sup>

در المعجم الوسیط در مورد فکر این تعریف را می خوانیم: فکر اعمال  
عقل در یک امر معلوم جهت رسیدن به معرفت مجهول است.

الجرجانی فکر را اینطور تعریف میکند: تفکر عبارت از اعمال عقل در  
یک قضیه ای از قضایا برای رسیدن به حقیقت است ، به معنی دیگر  
تفکر حرکتی است که عقل برای رسیدن به معرفت انجام میدهد . نظر  
باین معنی در نزد مسلمانان فکر عین تفکر است<sup>293</sup>

تفکر و اندیشیدن مرکب از دو حرکت است: حرکت به سوی مقدمات هر  
مطلب ، سپس حرکت از مقدمات به سوی نتیجه ، مجموعه این دو  
حرکت که سبب شناخت و معرفت اشیاء است «فکر» نام دارد . چون تفکر  
حرکت عقل است لذا تفکر یا فکر مستقل و آزاد به ذات خود است.<sup>294</sup>

فکر و مشتقات آن در قرآن کریم در چندین آیه بصیغۀ فعل آمده بطور  
مثال « و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الأرض جمیعاً منه ، إن فی  
ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (الجهاتیه: 13) . و آنچه را در آسمانها و آنچه

291. الفیروز آبادی «القاموس المحیط» مادة: فکر. 287) (ابن منظور «لسان عرب»  
مادة: فکر .

292. صلاح الدین المنجد «الإسلام و العقل» بیروت ، دار الكتاب الجدید ، 1976 ،  
ص 17 .

293. الجرجانی ، علی بن محمد الشریف «التعریفات» بیروت ، 1985 ، ص 176 .

294 . برای معلومات بیشتر از تعریفات فکر از نظر اسلامی به

[www.ennmirate.arabblogs.com/maqalats/archive/2006/19701.html](http://www.ennmirate.arabblogs.com/maqalats/archive/2006/19701.html)

مراجعة فرماید .



را در زمین است به سود شما رام کرد ، همه از اوست . قطعاً در این { امر  
 { برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است .

«إنه فکرو قدر» (المدثر: 18) . آری { آن دشمن حق { اندیشید و سنجید  
 و «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله و  
 تلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون» .

و « لعلکم تتفکرون » و « لم يتفکروا » و « أفلا يتدبرون » و « لقوم  
 يتفکرون » و ده ها آیه دیگر .

قرآن کریم در آغاز نزول خود مردم را به تفکر آزاد و نظر انداختن به  
 کائنات دعوت و تفکر آزاد را اصل اول از اصول دعوت به اسلام و  
 معرفت خداوند دانست . تفکر به کائنات را سوره سبأ در آیه 46 و یونس  
 در آیه 101 و الحج آیه 46 و الاحزاب آیه 67 و الزخرف آیه 22 و البقرة آیه  
 111 و یونس آیه 102 قبل از قبول اسلام می داند . قبول اسلام و ایمان  
 بوحدانیت و رسالت در فرهنگ اسلام ارتباط مستقیم به تفکر آزاد دارد  
 و اسلام عقیده بدون تفکر را نمی پذیرد .

مشتقات فعل (فکر) در 18 آیه قرآن کریم به صیغه فعل آمده است  
 (تتفکرون ، تتفکروا ، يتفکروا ، يتفکرون) . ذکر فکر به صیغه فعل در  
 قرآن کریم از انسان میخواهد تا قدری در معنی و مفهوم آن دقت بیشتر  
 داشته باشد . فعل برخلاف اسم همیشه در حالت تغییر است و در ادبیات  
 قرآن کریم فکر همیشه تغییر میکند و در روش قرآن کریم فکر باید  
 در حالت تغییر باشد زیرا فعل است نه اسم و اسم همیشه در ادبیات اسلام  
 ثابت و غیر قابل تغییر است و ما نمی توانیم عاقل را در جمله اسماء  
 حسنی داخل سازیم زیرا خداوند ثابت و قدیم است . موضوع مهم دیگر در  
 ذکر فکر بصیغه فعل در قرآن کریم این است که فعل فکر و تفکر به صیغه  
 جمع آمده است . ذکر فکر به صیغه فعل و بصیغه جمع از مسلمانان  
 میخواهد تا قدری در مورد آن دقت بیشتر نمایند . صیغه فعل نشان  
 میدهد که فکر در حالت تغییر است .

صیغه جمع از فعل در قرآن کریم این معنی را افاده میکند که مسلمانان باید همه بشکل مجموع و مشترک تفکر کنند با اینکه تفکر در فرهنگ اسلامی بصورت انفرادی لازم و ضروری است اما اسلام تفکر انفرادی و فردی را برای جامعه اسلامی مفید نمیداند. متأسفانه از قرنهای باین طرف جامعه اسلامی تفکر جمعی و مشترک را فراموش و در بدل تفکر جمعی یک فرد و یا سلطه سیاسی و یا کمیته مرکزی یک حزب سیاسی به نمایندگی ملت فکر میکند و ملت بطور عموم از تفکر عاجز مانده است و در نتیجه این روش، عقل مسلمانان فلج و مریض شد.<sup>295</sup>

قرآن کریم تفکر و تعقل را به مقام تعظیم و احترام ذکر میکند و در تمام مسائل و امور متعلق به امر و نهی، حلال و حرام قرآن کریم انسان را امر و دعوت به تفکر می کند و انسان را اجازه نمی دهد فکر خود را زندانی سازد. تفکر و تدبر و تعقل در انفس و کائنات از مسائل است که قرآن کریم به آن فوق العاده تأکید دارد. فکر و تفکر و مشتقات آن در قرآن کریم به 1043 لفظ می رسد و این خود دلیل واضح از اهمیت تفکر و فکر و تدبر و تعقل در اسلام است.

در قرآن کریم در ده ها آیه راجع به تفکر آزاد میخوانیم مثلاً: «إنما أعظکم بواحدة أن تقوموا لله مثنی و فرادی، ثم تتفکرون» (سبا: 46). بگو: «من فقط به شما یک اندرز میدهم که: دو دو به تنهایی برای خدا به پا خیزید سپس بیندیشید. و «قل انظروا ماذا فی السموات و الأرض» (یونس: 101). بگو ببینید چه چیز است در آسمان ها و زمین به همین ترتیب در سورة الحج: 46 و النجم: 28 و الاحزاب: 67 و الزخرف: 22 و البقرة: 111، قرآن کریم مسلمانان را به تفکر آزاد دعوت میکند.

قرآن کریم تفکر به انفس و مخلوقات را اساس ایمان به خداوند می داند و در قرآن کریم در مورد تفکر به انفس و مخلوقات می خوانیم: «أولم

<sup>295</sup> صلاح الدین المنجد «الإسلام و العقل» بیروت، دار الکتب الجدید، 1976،

یتفکروا فی أنفسهم ما خلق الله السموات والأرض وما بينهما إلا بالحق « (الروم: 9). آیا در خودشان به تفکر نپرداخته اند؟ خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق و تا هنگامی معین، نیافریده است، و {با این همه} بسیاری از مردم لقای پروردگارشان را سخت منکرند.

در صحیح البخاری در باب يفكر الرجل الشيء في الصلاة و در مسلم در باب فضل دوام الذكر و الفكر في امور الآخرة احادیث در موضوع تفکر و فکر ثبت شده است.<sup>296</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مسلمانان را به تفکر آزاد تشویق و ترغیب می کرد حتی اگر تفکر و فکر انسان خلاف مبادئ اسلام و در اشیاء غیر سالم و غیر مفید نیز باشد انسان در تفکر به آن گناهکار نمی گردد. در حدیث مبارک می خوانیم: «إن الله تجاوز لأمتي عما وسوست أو حدثت به أنفسها ما لم تعمل به أو تتكلم» خداوند امت من را از وسوسه کردن و حرف زدن با خود یعنی تفکر کردن با نفس تا آنکه به آن عمل نکند محاسبه نمی کند. این بهترین بیمه برای تفکر و فکر آزاد است.<sup>297</sup>

انسان آزادی مطلق را در فکر کردن با نفس خود دارد اما بشرطیکه نتیجه که انسان از نظر فکری به آن میرسد در دایره ذهن و فکر و ضمیر شخص باقی بماند و این نوع تفکر یک امر شخصی و تفکر ما بین شخص و ضمیر و نفس او است و انسان مسئولیت تفکر خود را در آخرت خودش دارد اما اگر حاصل و ثمره و نتیجه تفکر شخص متوجه

<sup>296</sup> [www.ennmirate.arabblogs.com](http://www.ennmirate.arabblogs.com).

<sup>297</sup> عباس محمود العقاد «التفكير فريضة إسلامية» و همچنان دكتور جابر فميحة «الحرية في الإسلام» [www.alarabnews.com](http://www.alarabnews.com) و همچنان: مفهوم الحرية في الكتاب والسنة، <http://ww.almaaref.org>.

معتقدات جامعه باشد در این حالت وضعیت تفاوت میکند که در قسمت آزادی عقیده راجع به آن بحث خواهیم داشت.<sup>298</sup>

پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم مقام تفکر آزاد را بالاتر از عبادات می داند و می فرماید: «فكرة ساعة أفضل من عبادة سنة» یک ساعت تفکر فضیلت دارد نسبت به یک سال عبادت. و همچنان می فرمایند: «فکرک یهدیک إلى الرشاد، و یهدوک علی إصلاح المعاد» فکر کردن ترا هدایت و رهنمائی میکند به طرف صلاح معاد یعنی قیامت. از اقوال نبی الله صلی الله علیه وسلم در مورد ارزش و مقام تفکر باین نتیجه میرسیم که در تفکر فضیلت های است که در عبادات نیست و عبادت بدون تفکر یک عمل غیر فکری و غیر عقلانی و بی فائده و بی نتیجه میباشد. نماز و روزه و حج از جمله عباداتی است که با تفکر و تعقل باید باشد و نماز بدون تفکر به آیات الهی و روزه بدون تفکر به سنن الهی معنی و مفهوم ندارد. تفکر انسان را به حقیقت آشنا و به هدایت نزدیک می سازد و اسلام به کسانی که تفکر نمی کنند و فکر خود را زندانی می سازند و میگذارند تا دیگران به نمایندگی شان فکر کنند به آنها ضرورت و احتیاج ندارد و انسان غیر متفکر را اسلام در پائین ترین مقام و درجه انسانیت حساب میکند.<sup>299</sup>

در فرهنگ و ادبیات اسلام آزادی فکری به مفهوم آزاد بودن انسان در فکر کردن بیک موضوع است. در اسلام از حق هر شخص است تا آزادانه رأی و نظر خود را اظهار کند و در وسائل مختلف به نشر برساند و از نظر و رأی خود دفاع نماید. حریت فکر شامل تعلیم و تحقیق و بحث و نشر افکار و تهداب و اساس تعبیر از طریق بیان و مطبوعات است.<sup>300</sup>

<sup>298</sup>. إسلامیة المعرفة، عدد 31-33، 2002، 2003، ص: 23.

<sup>299</sup>. [www.shiaweb.org](http://www.shiaweb.org).

<sup>300</sup>. [ar.wikipedia.org/wiki](http://ar.wikipedia.org/wiki).

آزادی فکر شامل نظریات و آراء و نوشتن و خواندن و تحقیق است . آزادی فکری را علماء مظهري از مظاهر رحمت الهی می دانند .<sup>301</sup>

استاد محمد ارکون در کتاب معروف خود بنام « نحو تاریخ مقارن للادیان السماویة » اسباب پیشرفت مسلمانان را در قرن چهارم و پنجم اسلامی به بحث می گیرد و بعداً علت و اسباب عقب ماندگی مسلمانان و آغاز عصر تاریک اسلامی را بحث می کند . ارکون در مورد فکر اسلامی در عصر کلاسیک اسلامی می نویسد: فکر اسلامی و عربی در مضمون و روش در مجموع فکر انسانی بود خصوصاً نزد التوحیدی و مسکویه . فکر انسانی در نزد علمای عصر کلاسیک اسلامی یعنی عصر پیشرفت علمی ارتباط به دین و نژاد و مذهب و قوم نداشت و فکر خاص اسلامی و جهانی بود . اما متأسفانه و بدبختانه مسلمانان از فکر اصیل اسلامی دور شدند و دور شدن از فکر و فرهنگ و ثقافت اسلامی آغاز عصر تاریک در تاریخ اسلام است . محمد ارکون در نهایت بحث خود باین نتیجه میرسد که فکر انسانی در جامعه اسلامی به علت تسلط و حاکمیت فکر قبیلوی و قومی و زبانی و نژادی و تعصب دینی و مذهبی از ساحة اسلامی بیرون شد و جای آنرا تعصبات و افکار افراطی و قومی گرفت و از آن تاریخ فکر اسلامی از فکر روشن به فکر تاریک و از فکر پیشرفته به فکر عقب گرا انتقال نمود .<sup>302</sup>

در فرهنگ اسلام تفکر دو نوع است . تفکر سلبي یا منفی و تفکر ایجابی یا تفکر بناء . فکر سلبي ظاهره عجیب و خطرناک است که جامعه اسلامی را تهدید میکند . وظیفه متفکرین و دانشمندان است تا فکر سلبي را به فکر ایجابی مبدل سازند . فکر سلبي در نتیجه تجارب منفی بوجود می آید و در ثقافت اسلامی بنام فکر شکست خورده یاد میشود

<sup>301</sup> . یحیی رضا جاد « الحریة الفکرية و الدینیة » 213 الدار المصریة اللبنانید و همچنان دیده شود : مجلة الطاهرة ، العدد 168 سال 2006 ، [www.balagh.com](http://www.balagh.com) .

<sup>302</sup> . الریاض ، 7 ربیع الأول 1432 هـ ، [www.alriyadh.com/603344](http://www.alriyadh.com/603344) .

. فکر شکست خورده را مسلمانان در نتیجه عقب ماندن از کاروان مدنیّت و از شکست‌های که در مقابل فرهنگ و ثقافت غرب چه از ناحیه علمی و چه از ناحیه سیاسی و نظامی از چند قرن باین طرف مواجه اند آموختند . علامه و نشانه فکر شکست خورده در جوامع اسلامی فکر ظاهری است. فکر ظاهری یعنی به ظاهر نصوص شرعی اکتفاء و مقاصد شریعت را نادیده گرفتن است. نادیده گرفتن مقاصد عالی شریعت سبب شد تا مسلمانان تفاوت بین مصلحت و مضرت را درک نکنند .

فکر شکست خورده تقلید را در جامعه رواج داد . مشکل فکر تقلید در این است که انسان برای حل مشکلات معاصر جامعه به کتابها و نظریات گذشته گان مراجعه می نماید در حالیکه گذشته گان روش شان برای حل مشکلات معاصر خود شان بود و مشکلات معاصر مسلمانان نسبت به مشکلات قرنهای گذشته تفاوت دارد و حل و فصل متفاوت را از نظر فکری می خواهد . فکر تقلیدی و سلبی فکر تجدیدی را نمی پذیرد و قابلیت تجدید را ندارد و چون قابلیت تجدید را ندارد لذا صدمه بزرگ برای آزادی فکری وارد میکند و تقلید بر تجدید تسلط و حاکمیت می یابد.<sup>303</sup>

در فرهنگ اسلام هر انسان حق دارد به آزادی فکر کند و به آزادی از افکار و معتقدات خود بدون مداخله و تصرف و ممانعت دیگران استفاده نماید بشرطیکه حدود شریعت مراعات و احترام شود . تفکر آزاد و بحث از حقیقت تنها به کلمه حق آزادی و فکر آزاد خلاصه نمی شود بلکه بدرجه واجب در دین است و از حق هر انسان است که علیه ظلم

<sup>303</sup> . دکتور یوسف القرضاوی « أولویات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة » ،

قیام کند و علیه ظلم بنویسد و کلمه حق را در مقابل سلطان ظالم اظهار کند.<sup>304</sup>

آموختن تعلیم و بدست آوردن معلومات جدید روش فکر انسان را به امور زندگی بیشتر تقویت می کند و انسان با فکر جدید مبنی با علم و معرفت از خیال به حقیقت نزدیکتر می شود. فکر آزاد و استفاده از تجربه های فکری دیگران انسانرا برای رسیدن به اختراعات علمی Invention و اکتشافات و کشفیات علمی کمک و مساعدت میکند. فکر مثبت و مفید از منظور اسلامی فکری است که همیشه موضوعات جدید را بحث و به نتایج مفید انجام می یابد. فکر اسلامی فکری است که از لاشئ به شئ می رسد و فکر ابداعی Creativity را به فکر عملی و اختراع Invention تبدیل می سازد. به معنی دیگر فکر اسلامی فکر تجدیدی است و در مسائل علمی از دانش و معرفت قدیم استفاده و به آن اضافه میکند و فکر معاصر اسلامی را از خمود و جمود بیرون و روح تجدید را به آن اضافه می نماید. فکر ابداعی یعنی فکر مخترع فکری که موضوعات جدید را کشف میکند. امتیازی که این نوع فکر دارد عبارت است از جدید و بکر Newness فکری که سابقه ندارد Novel و فکری که غیر معروف و غیر مروج در جامعه است Uncommon و فکر نادر یعنی بی مانند Rare فکر مفید در هر وقت و در هر شرایط Appropriateness. روش فکر که دارای معانی فوق باشد آنرا فکر اسلامی می گویند. فکر اسلامی یک موجود زنده و قابل تجدید و قابلیت فهم و تطبیق را در هر مرحله از مراحل زندگی و در هر

<sup>304</sup>. علامه الشیخ عبدالله بن الشیخ المحفوظ بن بیه « حوار عن بعد ، حول حقوق الإنسان فی الاسلام » 2003 ، ص 186 .

عصر از عصور دارد و مطابق ضرورت های جامعه و تغییرات محیط نشو و نمو می کند و در حالت رکود و جمود نمی باشد.<sup>335</sup>

وظیفه مفکر اسلامی در عصر حاضر است تا فکر نظری را به فکر تطبیقی و عملی برساند. رسیدن به این مستواه یا سویه زمانی امکان پذیر است که نظام و روش تعلیم و تربیت را از افکار غیر علمی و غیر واقعی به نظام علمی و واقعی تبدیل نمود و شاگردان را قسمی تربیت کرد تا قادر به عملی ساختن فکر نظری به فکر تطبیقی باشند و انقلاب تکنالوجی جدید این فرصت و چانس را بیشتر آماده ساخته است.<sup>336</sup>

#### اعلامیه کامبالا در مورد آزادی فکر و مسئولیت های اجتماعی، 1990 میلادی

ماده اول: هر شخص حق تعلیم و اشتراک را در فعالیتهای فکری دارد.  
ماده سوم: هیچ متفکر نباید به سبب دست آورد های علمی و فکری مورد تهاجم و تعذیب قرار گیرد.

ماده نهم: افراد جامعه آزادی مطلق را از حق تعبیر و نظریات و افکار و آراء دارند و همچنان حق دارند تا افکار آزاد شانرا را در وسایل اطلاع رسانی جمعی به نشر رسانند.

ماده یازدهم: دولت حق مراقبت را بالای اعمال فکری مردم ندارد.<sup>337</sup> علم ، هدی و کتاب منیر

<sup>305</sup> . دكتور عبدالحليم محمود السيد « التفكير الإبداعي و أساليب تنميته في المجتمعات الإسلامية » طبع شده در: إسلامية المعرفة العدد 41 ، 2005 .

<sup>306</sup> . جهت عملی نمودن نظریه تطبیق نظری فکر به عمل مراجعه فرماید به: فتوحی جروان « تعلیم التفكير مفاهیم و تطبیقات » الإمارات العربية المتحدة ، دار الكتاب الجامعی ، 1420 هـ / 1999 م ، و رعد حسن الصرن « إدارة الإبداع و الابتكار » دار الرضا للنشر ، 2000 و محمد حسینی ابو سعده « الفكر النقدي عند الشهورستانی » الإسكندرية ، دار الوفاء ، 2003 .

<sup>307</sup> . University of Minnesota " Human Rights Library .



مفسرین کرام علم را به علم ضروری ، علم فطرت و غریزه و هدایت را به استدلال و نظر و رأی برای کشف حقیقت و رسیدن به معرفت و کتاب منیر را به وحی تفسیر می کنند .

استاد کارم غنیم اصول معرفت را از طریق وحی به نقاط ذیل خلاصه می نماید .

1. علم عقلی مبنی بر دلیل و برهان .
2. علم فطری که در طبیعت و فطرت انسان است .
3. وحی الهی که دعوت می کند انسان را به دین و ایمان و مبادئ مدنیّت و اخلاق .

استاد کارم غنیم اضافه می کند که سنت نبوی شریف جزء مهم و اساس از اصول فوق است .<sup>308</sup>

دکتور الجابری باین نظر است که در فرهنگ و ثقافت اسلامی عقل انسان از عناصر سه گانه «نظام عرفانی ، نظام بیانی و نظام برهانی» تشکیل می شود و این سه عنصر انقلاب بزرگ و تحول عظیم برای عقل مسلمان معاصر است .

در فرهنگ و ثقافت و عقائد اسلامی دو نوع معرفت است :

1 ( معرفت به غیبیات : معرفت به غیب مصدر و منبع آن الله سبحانه و تعالی است و بشر در معرفت به غیبیات از طریق وحی به رسول الله صلی الله علیه و سلم میرسد .

2 ( معرفت به قوانین طبیعت و کائنات . جهت رسیدن باین نوع معرفت قرآن کریم انسان را به نظر انداختن یعنی به بحث علمی و تحقیق و تفکر و تعقل در امور کائنات امر میکند .

علامه قدامه بن جعفر در مورد این دو نوع معرفت می نویسد: عقل دو قسم است. موهبه «هدیه شده یا اهداء شده» و مکتسب یعنی کسب و آموخته شده. عقل موهبه را خداوند سبحانه عطاء و خلق نموده است و عقل اکتسابی در نتیجه تجربه و نظر انداختن و مطالعه حاصل می شود. علامه قدامه در تقسیم عقل به دو اصل تحت تأثیر نظریه و آراء المحاسبی می باشد و المحاسبی در مورد عقل می گوید: عقل نور غریزه است که بواسطه علم نور آن بیشتر می شود.<sup>309</sup>

امام یوسف القرضاوی عقل را به دو صنف تقسیم می کند.

عقلیت علمی و عقلیت عامی. عقلیت علمی هیچ نتیجه را بدون مقدمات قبول نمی کند و تسلیم به هیچ نظر نمی شود مگر با حجت و برهان و دلیل علمی و در نتیجه عاطفه و ظن را نمی پذیرد و در تمام مسائل علم و یقین را مقیاس قرار می دهد. عقلیت علمی متکی به برهان و دلیل قاطع است و خداوند می فرماید: «قل هاتوا برهانکم إن کنتم صادقین» (النمل: 64). بگو بیاورید برهان خود را اگر از جمله صادقین هستید.

عقلیت عامی غالباً عقلیت خرافی است و هر آنچه برایش میرسد آنرا قبول میکند خصوصاً اگر معلومات از طرف شخص معروف یا مقام بزرگ باشد مثل پدران و اجداد. عقلیت عامی معلومات را بدون دلیل و برهان و تعقل و تفکر می پذیرد و در مسائل فکر و عقل را مقیاس قرار نمی دهد و معلومات را مناقشه و بحث و تحقیق نمی کند.<sup>310</sup>

عقل از نظر اسلام برای رسیدن به مراتب کمال ضروری است و در نهایت مراتب نازله عقل در صورت متابعت از آن، انسان را به انوار وحی که مراتب بالاتری از عقل محسوب می شود ارتباط می دهد. بدین ترتیب

<sup>309</sup> . [www.ahlahdeeth.com](http://www.ahlahdeeth.com)

<sup>310</sup> . دکتور یوسف القرضاوی «الرسول و العلم»، طبع هفتم 2002، ص 38.

هر مرتبه ای از عقل در محدوده خود دارای حجیت بوده و آنچه مذموم است یعنی غیر پسندیده است تحکم و جمود در انکار حقایقی است که درک آنها نیاز به اتصال به مراتب بالاتر از معرفت دارد. عقل که اسلام از آن حرف میزند، عقلی است که انسان را به سوی دین - که عهده دار سعادت بشری است - راهنمایی می کند.<sup>311</sup>

### عقل در قرآن کریم

در قرآن کریم عقل بصیغهٔ مباشر ذکر نگردیده اما به صیغهٔ های متعدد مانند: عقلوه، تعقلون، یعقلون، تعقل، یعقلها آمده و در مجموع تقریباً در پنجاه موقع در قرآن کریم به معانی «تمیز» شناخت بین حق و باطل و ضرورت ادراک حق و باطل از طریق و روش تفکر به کائنات ذکر گردیده است مثل «کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تعقلون» (البقرة: 242). همچنان خداوند آیات { احکام } خود را بشما بیان میکند تا باشد که شما بفهمید. قرآن کریم عقل را بصورت عادی و بی مفهوم ذکر نمی کند و در تمام سوره ها قرآن کریم عقل را با تکریم و مقام عظیم یاد میکند و عمل کرد با عقل را قرآن کریم بالای مسلمانان واجب می سازد. در مسائل امر و نهی قرآن کریم مسلمانان را امر می نماید تا حاکمیت عقل را بپذیرند و در همچو مسائل عقل را نادیده نگیرند. عقل که قرآن کریم آنرا مخاطب می سازد عقل روشن، عقل متفکر، عقل صادق، عقل مدرک و عقلی که در جمیع امور دقت و تأمل دارد نه عقل های مریض و ناتوان و غیر مدرک به امور دین و دنیا. از منظور و دید قرآن کریم عقل سالم و مدرک عقلی است که معانی دین و دنیا را درک و در مسائل دنیوی و دینی حکم صحیح می کند.

در صدها آیه از آیات قرآن کریم لفظ یا کلمهٔ «عقل» و الفاظ و کلماتی که ارتباط به عقل دارد مثل فقه، علم و تفکر ذکر یافته است.

1. عقل و مشتقات آن « عقلوه ، تعقلون ، تعقل و غیره » 48 بار ذکر یافته است.
  2. علم و مشتقات آن « علم ، یعلم ، یعلمون و غیره » 866 بار ذکر یافته است.
  3. فقه و مشتقات آن « تفقهون ، تفقه ، یفقهوا ، یفقهوه و غیره » 20 بار ذکر یافته است.
  4. فکر و مشتقات آن « فکر ، تتفکروا ، یتفکرون تا آخر » 18 بار ذکر یافته است.
  5. قرأ و مشتقات آن « قرأ ، اقرأ ، قرآن تا آخر » 87 بار ذکر یافته است.
  6. وعی و مشتقات آن « تعیها ، أوعی ، و اعیة تا آخر » 4 بار ذکر یافته است.
- مجموعاً در قرآن کریم 40 هزار لفظ ذکر شده که همه در دایره ای عقل و نظر و تفکر است و این خود نمونه از تقدیر و احترام قرآن کریم از عقل است.<sup>312</sup>

ابن رشد می گوید: قرآن کریم همه اش دعوت به دیدن و نظر کردن و تعقل و تفکر است و قرآن کریم مردم را به استعمال عقل به صیغه تعقل و تفقه و تفکر و تصبر و تذکر دعوت به معرفت و علم می نماید. وظیفه عقل از منظور و دید قرآن کریم کشف مجهول و رسیدن به حقیقت و استفاده از آن برای خدمت جامعه انسانی است.<sup>313</sup>

اگر به آیات « تعقل » در قرآن کریم تأمل و دقت بیشتر شود ملاحظ میشود تعقل در 49 آیه به صیغه فعل و بصورت جمع آمده است مثل:

<sup>312</sup> عباس محمود العقاد « التفكير فريضة إسلامية » و عبد المنعم خلاف « العقل المؤمن » ، ص 128 ، و دكتور جابر قميحه « مقام العقل في القرآن الكريم » ، [www.alukah.net/culture/0/71119](http://www.alukah.net/culture/0/71119)

<sup>313</sup> صلاح الدين المنجد « الإسلام و العقل » بيروت ، دار الكتاب الجديد ، 1967 ، صفحات 17 - 20 و همچنان إسلامية المعرفة ، 2003 ، ص 363 .

عقلوه ، نعقل ، تعقلون ، يعقلون ، يعقلها و در یک آیه بصیغه مفرد آمده و اما فاعل آن بصورت جمع است بطور مثال .

1. « یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه » (البقرة: 75) .  
کلام خداوند را می شنیدند سپس آنرا تحریف می نمودند بعد از آنکه فهمیده بودند و ایشان می دانند .

2. « كذلك یبین الله لكم آیاته لعلکم تعقلون » (البقرة: 242) . همچنان خداوند آیات { احکام } خود را بشما بیان می کند تا باشد که شما بفهمید .

3. « إنا أنزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون » (یوسف: 2) . ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم ، باشد که بیندیشید .

4. « أف لكم و لما تعبدون من دون الله أفلا تعقلون » (الأنبیاء: 67) .  
اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می پرستید . مگر نمی اندیشید ؟

5. « و تلك الأمثال نضربها للناس و ما یعقلها إلا العالمون » (العنکبوت: 43) . و این مثالها را برای مردم می زنیم و { لی } جز دانشوران آنها را در نیابند .

6. « و النجوم مسخرات بأمره إن فی ذلك لآیات لقوم یعقلون » (النحل: 12) . و ستارگان مسخراند به فرمان وی هر آینه درین نشانه هاست گروهی را که در می یابند .

7. « كذلك نفصل الآیات لقوم یعقلون » (الروم: 28) . همچنان بیان می کنیم نشانها برای قومی که می فهمند .

8. « إن الذین ینادونک من وراء الحجرات أكثرهم لا یعقلون » (الحجرات: 4) . هر آینه آنانکه آواز میدهند ترا از پس حجرها اکثر ایشان نمی فهمند .

عقل و مشتقات آن در قرآن کریم بصیغه « فعل » و « جمع » آمده است .  
صیغه فعلی و جمع از عقل در قرآن کریم از مسلمانان می خواهد تا قدری در مورد آن تفکر و دقت بیشتر نمایند . در این قسمت برای جهت معرفت

بیشتر به صیغه جمع و فعل در ذکر عقل در قرآن کریم به نقاط ذیل توجه فرماید:

1. صیغه فعلی نشانه آن است که عقل جوهر و قائم بذات خود نیست مثلیکه علمای قدیم تصور و فکر می کردند. اسم دلالت به یک امر و شیء ثابت میکند در حالیکه تعقل عملیه فعل است و فعل ثابت نیست و همیشه قابل تغییر و تجدید است عدم تجدید در فعل تعقل فرهنگ و ثقافت را به فساد می کشاند.
2. عقل عمل فعل است نه اسم، خداوند سبحانه خود را به (عقل) وصف نکرده است بلکه به (العلیم) وصف نموده است زیرا تعقل صفت متغیر را دارد یعنی قابل تغییر است، ممکن است انسان در یک مسأله تعقل کند و انسان دیگر در همان مسأله تعقل دیگر نماید اما العالم و العلیم معنی ثابت را افاده میکند.
3. فعل تعقل در تمام آیات به صیغه جمع آمده مثل: عقلوه، نعقل، یعقلون، تعقلون و فقط در یک آیه به صیغه مفرد آمده اما فاعل آن به صیغه جمع آمده است، ما یعقلها إلا العالمون. ذکر عقل به صیغه جمع این معنی را افاده میکند که انسان ها بصورت و بشکل دستجمعی تفکر و تعقل نمایند و در فرهنگ و ثقافت اسلام تعقل انفرادی با اینکه یک عمل خوب است لیکن قابل تأیید نیست به دلیل اینکه تعقل انفرادی و یا فردی یک عمل شخصی بوده قدرت تغییر را در جامعه ندارد و تعقل دستجمعی می تواند ثقافت و فرهنگ نامعقول را به ثقافت و فرهنگ معقول تبدیل نماید.
4. آیات تعقل موضوعات زیاد را در بردارد که مهمترین آن ایمان به وحدانیت الله و تعقل در انفس و آفاق و آنچه تعلق به زندگی انسان دارد. «سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفسهم» (فصلت: 53). خواهیم نشان داد ایشان را نشانه های خود را در اطراف عالم و در نفس های ایشان. ذکر آفاق و انفس در قرآن کریم از مسلمانان می خواهد تا در علوم مربوط به آفاق یعنی علوم طبیعی تعقل نمایند

و ذکر انفس دعوت از مسلمانان است تا در علوم مربوط به انسان یعنی علوم اجتماعیات و جامعه‌شناسی تفکر و تعقل نمایند.

5. قرآن کریم روش و روش آزادی تعقل را در عدم متابعت تقلید کورکورانه از اجداد و گذشتگان می‌داند. در قرآن می‌خوانیم: «وإذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا نتبع ما ألفينا عليه آباءنا أولو كان آباؤهم لا يعقلون شيئا ولا يهتدون» (البقرة: 170). و چون به ایشان گفته شود: آنچه را خداوند نازل فرموده است پیروی کنید گویند بلکه پیروی کنیم آنچه را که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، آیا {بایست آنها تابع پدران باشند؟} در حالیکه پدران شان چیزی را نمی‌فهمیدند و نه راه راست {به سوی ایمان و هدایت} یافته بودند. همچنان قرآن کریم در مسائل عقلی، مسلمانان را از سوء ظن یعنی گمان بد و متابعت هوی و نفس منع می‌کند. سوء ظن و متابعت هوی و نفس عقلیت انسان را از راه خیر و مستقیم منحرف می‌سازد و انسان در متابعت از نفس و هوی قدرت تفکر عقلانی را از دست می‌دهد.

ذکر مترادفات عقل در قرآن کریم معنی آن تکرار مفاهیم و اصطلاحات نیست بلکه دلیل اهمیت عقل از منظور اسلام است. مهمترین مترادف عقل در قرآن کریم فعل فقه است.

فقه و مشتقات آن در قرآن کریم به صیغه فعل و بصورت جمع در بیست آیه مانند عقل آمده است. صیغه فعل فقه که در قرآن کریم ذکر شده عبارت است از نفقه، تفقهون، یفقهون، یفقهوه، یتفقهوا. تفقه در قرآن کریم دلالت به «تعقل» میکند و همچنان به صیغه فعل و جمع معنی آن این است که نفقه نیز مانند عقل یک عملیه فعلی غیر ثابت است و بصیغه جمع معنی آن این است که باید همه مسلمانان از دانش بصورت دستجمعی استفاده نمایند.

فکر ارتباط مستقیم با عقل دارد و کلمه فکر و مشتقات آن در قرآن کریم بصیغه فعل و جمع مانند عقل و فقه آمده است بغیر از یک آیه که به

صیغه مفرد ذکر شده. فکر نیز مانند عقل و فقه قابل تغییر است و بصفت جمع معنی آن این است که همه مسلمانان در امور دین و دنیا آفاق و انفس مشترکاً فکر کنند.<sup>314</sup>

عقل در قرآن کریم همچنان به معنی و مترادف علم و معرفت و فهم و وسیله فرق بین خیر و شر استعمال شده است. دکتر صلاح الدین المنجد در مورد استعمال عقل در قرآن کریم می نویسد: وظیفه عقل کشف مجهول و فهم آن به هدف خدمت برای انسان است.<sup>315</sup> از دیدگاه قرآن کریم عقل و اندیشه نعمت بزرگ است که خداوند به انسان عطاء نموده است. قرآن کریم آنانی که تعقل و تفکر نمی کنند ایشان را پائین تر از چهارپایان میدانند. عقل از دیدگاه قرآن و احادیث عقل حسابگر و منطق ارسطویی نیست. عقل حسابگر و منطق ارسطویی هر چند می توانند ابزاری برای عقل باشد، اما تمام عقل نیست از این رو در قرآن تذکر شده است که اکثریت مردم اهل تعقل نیستند، یا از عقل استفاده نمی کنند.

بر این اساس باید توجه داشت که تعقل در قرآن به معنای عقل مصطلح یا اصطلاحی نبوده و در هر جا که قرآن به تفکر و نگرشی جدید در راستای بندگی بیشتر و رهایی از بند ظلمت و تاریکی نفس، دعوت کرده است، می تواند نشانه ای از تعقل و تفکر باشد. با این دیدگاه جایگاه تعقل و تفکر تا بدان حد بالا و والا است که خداوند در قرآن حتی

<sup>314</sup>. الدكتور نبیل علمم «الثقافة العربية والتجديد الإسلامي»، صفحات 362-363، و همچنان: فاطمه إسماعیل محمد إسماعیل «القرآن والنظر العقلي»، فریجینیا، امریکا، المعهد العالمي للفکر الإسلامي 1993، ص 175.

<sup>315</sup>. صلاح الدین المنجد «الإسلام والعقل» طبع 2 (بیروت، دارالکتاب الجدید، 1976، صفحات 17-20. راجع به کتب و تحقیقات استاد المنجد مراجعه فرماید به <http://www.ahlalhdeth.com>, and: <http://www.startimes.com> و جهت مطالعه کتاب الإسلام والعقل و نام مؤلف را تایپ فرماید.



در یک آیه نیز بندگان خود را امر به تفهیمیدن یا راهی را کورکورانه پیمودن نکرده است.<sup>316</sup>

### تعریف عقل

درفرہنگ ادبیات اسلامی عقل به غریزه در وجود انسان تعریف شده است که در موجودیت آن انسان از حیوان تفاوت می کند و انسان بیک موجود با مسئولیت تبدیل می شود. با داشتن عقل انسان تعقل می کند و تفاوت و فرق بین مصلحت و مضرت را درک می نماید. امام احمد بن حنبل در مورد عقل می گوید: عقل غریزه است در نفس انسان و قوت آن بحدی قوت دیدن در چشم است.<sup>317</sup> حجت الاسلام و المسلمین امام حامد الغزالی در تعریف عقل می گوید: عقل صفت است که فرق بین انسان و حیوان را میکند. الماوردی در مورد عقل می گوید: غریزه عقل حقیقت است و به سبب آن انسان مکلف به امور شرعی می شود و عقل علامه فرق بین انسان و حیوان است. ابن تیمیه می گوید: عقل شرط برای معرفت علوم و کمال و صلاح اعمال انسان است و بواسطه عقل علم و عمل به تکامل میرسد. ابن تیمیه در تعریف عقل در کتاب دیگر خود می نویسد: عقل غریزه است که بواسطه آن انسان تعقل میکند.<sup>318</sup>

سفیان بن عیینه در مورد عقل می گوید: بواسطه عقل انسان خیر و شر را میداند و عاقل کسی است که خیر را بداند و به آن عمل کند و شر را بداند و از آن دوری نماید. در قرآن کریم می خوانیم: «قالوا لو کنا نسمع و نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر» اگر می شنیدیم و تعقل می کردیم امروز در جمله مردمی که در مشکلات بودند نمی بودیم.

<sup>316</sup>. [www.islamquest.net/fa/archive/question/id21731](http://www.islamquest.net/fa/archive/question/id21731)

<sup>317</sup>. <http://www.elthwed.com>

<sup>318</sup>. ابن تیمیه «المرتاد» صفحات 260-263.

دوری از معصیت ثمره و نتیجه و فائده عقل است و گروه از علماء عقل را به چهار معنی تعریف می کنند: غریزه ، علوم ضروری ، علوم کسب شده و عمل کردن به علم و برای تفسیر این معانی ابن تیمیه می گوید: عقل علم یا عمل به علم است و غریزه همین را می خواهد.<sup>319</sup>

در المعجم الوسیط کلمه عقل به این معانی آمده: عاقله ، عقال ، عاقل ، عقول و غیره. معانی که از عقل در المعجم الوسیط آمده عبارت است از عقل عقلا یعنی ادراک اشیاء به حقیقت آن و عاقل شخصی است که ادراک کامل دارد و مدرک است. در این فرهنگ عقل در مقابل غریزه نیز بکار برده شده است و همچنان انسان به حیوان عاقل و هم به اصطلاح تفکر و استدلال آمده است. در مورد عقل آمده که عقل وسیله تمیز و فرق و تفاوت بین خیر و شر و خوبی و زشتی و حق و باطل است. در آخر تعریف عقل در این فرهنگ می خوانیم: عقل مجموع روش و سلوک مثل تذکر ، تفکر و ادراک و همچنان عقل مرادف به تجربه شعوری تعریف شده است.

دکتور فرج طه در فرهنگ علم نفس در مورد تعریف عقل می نویسد: مقصد از عقل ذکاوت ذهن است مثلا اگر بگویم که فلان شخص عقل ممتاز دارد یا صاحب عقل عالی است مقصد این است که شخص دارای درجه عالی از ذکاوت و فهم است و اگر گویم فلان شخص ضعیف عقل است یعنی در ذکاوت ضعیف است ، و اگر بگویم که فلان شخص مریض عقلی است باین معنی است که به مرض جنون مبتلاء می باشد.<sup>320</sup>

ابن منظور در تعریف عقل می گوید: عقل مصدر عقل ، یعقل ، عقلا و معقول است و اضافه میکند که عقل وسیله تمیز و فرق است که بین انسان و حیوان به دلیل آن تفاوت می شود و انسان با داشتن عقل نسبت

<sup>319</sup> . [www.alifta.net](http://www.alifta.net)

<sup>320</sup> . مفهوم عقل ، اسلام ویب ، [Library.islamweb.net](http://Library.islamweb.net)

به دیگر حیوانات متفاوت می‌گردد.<sup>321</sup> الحارث المحاسبی کتاب بزرگ خود را در مورد عقل بنام «مائیة العقل و معناه و اختلاف فيه» تألیف نمود. او در کتاب خود تعریفات علمای ما قبل خود را در مورد عقل انتقاد میکند. الحارث می‌گوید که عقل نزد علماء سه معنی دارد.

1. عقل غریزه است.

2. عقل فهم است.

3. عقل بصیرت است.

الحارث تأکید میکند که عقل غریزه است که خداوند در بندگان خود قرار داده است و اضافه میکند که عقل غریزه ای است که حس و فهمیده نمیشود مگر به افعال و کردار در قلب و جوارح یعنی اعضای بدن و انسان قدرت صفت کردن عقل را در خود و دیگران ندارد مگر در روشنی اعمال. الحارث المحاسبی تعریف عقل را که امام احمد به این معنی: عقل نور غریزه است که با تجربه زیاد و با علم و حلم قوت می‌گیرد نقد می‌کند.

عدۀ از علماء عقل را بصیرت می‌دانند اما المحاسبی باین نظریه موافق نیست و دلیل او این است که بصیرت فهم حقائق معانی بیان است و حاصل می‌شود بغیر از عقل از جانب الله تعالی بعد از اینکه عظمت خداوند را تعظیم نمود و نعمت‌ها و احسان الله را تقدیر و اندازه کرد.<sup>322</sup>

از تعریفات فوق میتوان واژه ای عقل را به عبارت ذیل خلاصه کرد.

«عقل» به نیروی می‌گویند که آماده ای پذیرش علم است. همچنان به علمی که به وسیله آن به دست آید. همچنین «عقال» به معنای طنابی است که بر پای شتر می‌بندند تا حرکت نکند و «عقل» یعنی کسی که نفس خود را حبس کند، و نگذارد که هوی یعنی خواهشات نفسانی به او

<sup>321</sup>. ابن منظور «لسان عرب جلد اول، صفحات 458-459.

سرایت نماید. از آنجاکه نیروی عقل انسان را از کارهای ناهنجار باز می‌دارد، به آن عقل گفته می‌شود. در روایات آمده است: «العقل ما عید به الرحمن»... «ما خلق الله خلقا اکرم علیه من العقل» مراد از آن همان نیروی مهم و درک و معرفت انسانی است، به همین جهت ادراکی که انسان دل به آن می‌بندد و چیزی را با آن درک می‌کند، نیز عقل نامیده می‌شود.

علامه طباطبایی می‌گوید: خدای متعال در قرآن، عقل را به نیرویی تعریف کرده که انسان در دینش از آن بهرمنند شود، و به وسیله آن راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا نموده و در پیش گیرد.<sup>323</sup>

### آزادی رأی و تعبیر و نشر

آزادی رأی و تعبیر و نشر حق طبیعی هر انسان است و تمام ادیان سماوی به قدسیت آن تأکید دارند و یکی از مهمترین قضیه است که تمام متفکرین و سیاسیون و فلاسفه در معنی و مفهوم آن بحث دارند و از قدیم الزمان تا امروز حریت تعبیر و رأی و نظراز قضایای مهم در حیات انسان است. حریت تعبیر و رأی و نظر از روز اول خلقت انسان تا عصر حاضر مراحل متعدد و مختلف را طی نمود. آزادی رأی و حریت تعبیر در مفهوم فکر اسلامی رابطه ای محکم با آزادی فکری و عقلی و روح انسان دارد و انسان با داشتن این حق میتواند به آنچه اعتقاد دارد اظهار نظر و به آنچه فکر میکند آنرا بدون خوف و ترس به روش مختلف مثل خطابه و گفتار و نوشتن و تألیف و بصورت مظاهرات و از طریق هنرهای زیبا مثل رسامی، خطاطی، درامه و فلم بیان و اظهار نماید و از آن دفاع کند.

قوانین مدنی غرب مانند قوانین اسلامی به آزادی بیان و رأی و تعبیر ارجح می‌گذارد و آزادی رأی و بیان و تعبیر را حق مسلم انسان می‌داند.

<sup>323</sup>. <http://www.islamquest.net/fa/archive.question/fa22931>

در ماده ای دهم اعلان حقوق انسان فرانسه در سال 1789 آمده: هیچ نوع اعتراض بالای انسان به سبب حریت آراء و معتقدات او نیست بشرطیکه ضرر به نظام عمومی جامعه نباشد. در ماده 19 میثاق بین المللی برای حقوق سیاسی و مدنی انسان تأکید شده که هر انسان حق آزادی تعبیر و نقل معلومات را برای دیگران بدون در نظر داشت سرحد چه بشکل نامه و طبع و یا به هر وسیله دیگر که باشد دارد.<sup>324</sup>

در قانون مدنی اسلام در باب آزادی بیان و حق تعبیر آمده: هر فرد حق دارد آزادانه تفکر کند و حاصل افکار و معتقدات خود را بدون مداخله سلطه سیاسی و مانع از هیچ طرف بشرطیکه حدود شریعت را احترام کند بیان و تعبیر نماید و جواز نیست باطل و فحشات را به نشر رساند.<sup>325</sup>

آزادی تعبیر و رأی و بیان ممکن نیست تحقق یابد تا اینکه موانع در راه نشر آن برداشته نشود و انسان به حق طبیعی خود نرسد تا بتواند به آنچه فکر میکند و به آنچه اعتقاد دارد از آن بصورت آزادانه تعبیر نماید. مفکرین اسلام برای آزادی رأی و بیان و تعبیر عناصر ذیل را حتمی و ضروری می دانند: احترام به عقل، ضمانت آزادی و از بین برداشتن موانع برای نشر و اظهار رأی و بناء و آماده ساختن محیطی که در آن همکاری و نزدیکی بین افراد جامعه آماده باشد.

تعبیر، رأی و نشر در مجموع از اعمال فکر و عقل است به عبارت دیگر تعبیر و اظهار نظر و رأی در امور دین و دنیا نتیجه و ثمره ای از اعمال عقل و فکر انسان است. عقل و فکر آزاد و روشن، حاصل آن رأی صائب و تعبیر جمیل است بر عکس رأی فاسد و تعبیر بی معنی و بی مفهوم و نظر غیر واقعی از ثمر و نتیجه عقل و فکر مریض است.

<sup>324</sup>. أحمد عبد الفتاح «حرية التعبير بين الإعلان والتعبير» 2005، ص 74.

<sup>325</sup>. عبد الله بن الشيخ المحفوظ بن بيه «حوار عن بعد»، ص: 186.

اسلام حریت رأی و تعبیر آزاد را به مفهوم اسلامی آن برای همه افراد جامعه مسلمان و غیر مسلمان تضمین و بیمه می کند و رأی و تعبیر صادق از منظور فکر اسلامی حق ثابت است و انسان در دایره اسلام حق مطلق را برای اظهار نظر و رأی خود به صورت علنی و در تمام امور مربوط به دنیا و دین دارد بشرطیکه در اظهار و تعبیر آن مصلحت جامعه در نظر باشد. در ثقافت و فرهنگ اسلامی حریت رأی و بیان و حق تعبیر مسأله ای نیست که توسط سلطه سیاسی و نظام دولتی به مردم داده شود. حریت رأی و حق تعبیر و بیان با انسان فطرتاً خلق شده است. قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم انسان را متوجه مسأله فطرت می سازد. دو مصدر معصوم در اسلام «قرآن و سنت» برای انسان اجازه میدهد تا به آنچه فکر میکند و به آن معتقد است بصراحت و آزادی بیان و از آن تعبیر نماید و رأی و نظر خود را نسبت به معتقدات خود نشر کند. از صدر اول اسلام مثالهای زیادی داریم و صحابه از حق فطری خود در اظهار رأی و بیان و تعبیر استفاده می کردند و در بسا موارد با رأی و نظر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم البته در مواردی که ارتباط به شریعت و وحی نداشت مخالفت می کردند و رسول اکرم صلی الله علیه از رأی خود در مقابل رأی اصحاب صرف نظر میکردند.<sup>326</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای بیطرف ساختن قبیله «غطفان» باین فکر و نظر شد تا نصف حاصل خرما مدینه را برای شان بدهد و در این مورد با سعد بن معاذ و سعد بن عباد مشورت کردند و رأی و نظر شانرا پرسیدند. ابو هریره رضی الله عنه روایت می کند صحابه از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم پرسیدند: آیا این نظر شخص شما است و یا وحی از جانب خداوند و اگر وحی باشد ما به امر خداوند تسلیم هستیم و اگر از رأی شما باشد نظر ما در مورد آن این است که یک دانه خرما را برای شان نمی دهیم. رسول اکرم نظریه و رأی صحابه را می پذیرند و از رأی خود

صرف نظر می کنند. موقف رسول الله صلی الله علیه وسلم دلیل واضح از احترام رأی و آزادی بیان و تعبیر در اسلام است.<sup>327</sup>

وسيلة اظهار رأی و بیان و تعبیر زبان و قلم است. خداوند سبحانه و تعالی انسان را با نعمت بیان و نطق و لسان خلق نموده است و قرآن کریم از قلم به عظمت و بزرگواری یاد می کند. در سورة البلد می خوانیم: «الم نجعل له عینین\* و لسانا و شفتین\* و هدیناه النجدین» (البلد: 8-9-10) آیا نیا فریده ایم برای او دو چشم را و زبان را و دو لب را و دلالت {رهنمائی} کردیم او را بر دو راه {یعنی دلالت و رهنمائی کردیم انسان را به خیر و شر}. قرآن کریم از نعمت زبان که وسیله برای بیان و اظهار حق و تعبیر است ما را با خبر می سازد. دکتور خالد ابوبکر علی در کتاب خود بنام «مفهوم حرية التعبير فی المنظور الاسلامی» می نویسد نعمت زبان در وجود انسان نعمت حریت تعبیر و رأی است که خداوند برای انسان عطا کرده است.<sup>328</sup>

### آزادی عقل

در تاریخ کلیسای غرب در عصور وسطائی می خوانیم که زعمای کلیسا یا رجال الدین اعتقاد داشتند که عقل ضد وحی، علم دشمن دین و فکر و عقل آزاد دشمن ایمان و شریعت و حکمت است. اسلام این عقیده را اصلاح و عقل و وحی را دو نمونه و علامه و نشانه از آیات الهی دانست. قرآن کریم عقل را تمجید و توصیف و انسان را امر به استفاده از عقل نمود و در فرهنگ و ثقافت اسلام عقل دلیل و رهنماء برای صدق وحی و وسیله فعال برای شرح و تفسیر احکام شرعی است.

<sup>327</sup> . دکتور راغب السرجانی «حرية الرأي في الحضارة الإسلامية» جنوری 2010،

[www.alukah.net/sharia/0/25826/](http://www.alukah.net/sharia/0/25826/)

. [www.hiramagazine.com](http://www.hiramagazine.com) .<sup>328</sup>

قرآن کریم عقلیت خرافی را که اساس آن ظن و گمان است نفی و به برهان و دلیل عقلی در امور مادی تأکید و تجربه های انسانی را برای رسیدن به حقیقت علمی ارزش می دهد. قرآن کریم انسان را به تعقل و تفکر در فهم و مطالعه کائنات امر می کند. اسلام عقل خارج از دایره ایمان را نمی پذیرد به دلیل اینکه عقل به تنهایی خود قادر به کشف اسرار حیات و کائنات نیست لذا اسلام برای حفظ و سلامت عقل ایمان را ضروری می داند. در دایره اسلام عقل سرحد معین دارد که نمی تواند از آن خارج شود و عقل در بعض اوقات از کشف حقائق عاجز است و برای رسیدن به حقائق و امور غیبی ایمان عقل را کمک می کند. قرآن کریم در آیات متعدد ایمان و علم و عقل را جمع می نماید و از جمع بین ایمان و عقل انسان به مدارج عالی می رسد.<sup>329</sup>

علامه شیخ یوسف القرضاوی در بحث خود زیر عنوان « تحریر العقل من أعظم ما دعا إليه الإسلام » آزادی عقل از بزرگترین چیزی است که اسلام به آن دعوت می کند می نویسد: اسلام دعوت به آزادی عقل از تمام قید و بست و بندگی و تسلط دیگران می کند و انسان را به تفکر و تعقل آزاد امر می کند و از انسان می خواهد تا در تمام امور و مسائل شرکت داشته باشد و در مسائل عقلی و فکری تابع دیگران نباشد و نگذارد تا دیگران در بدل او تعقل و تفکر کنند. القرضاوی اضافه میکند که بعض از مردم عقل های خود را زندانی ساخته اند و باین عقیده اند که در مسائل از اکثریت متابعت می کنند در حالیکه هر انسان دارای عقل و فکر مستقل است و باید از آن استفاده کند و در عدم استفاده از عقل، عقل جامد می ماند.<sup>330</sup>

<sup>329</sup> . القرضاوی « حاجتنا إلى تجديد الإيمان » 22-09-29،

[www.garadwi.net/new/articles/6583-2013-04](http://www.garadwi.net/new/articles/6583-2013-04)

<sup>330</sup> . qaradawi.net /articles/8053-2015-07-04-07-34-16.



علمای اسلام باین عقیده و نظر هستند که عقل مستقل بذات خود نیست و ضرورت و احتیاج به شریعت دارد و می گویند که عقل همراه با شریعت مثل انسان بی سواد است که در زنده گی همراه با عالم می باشد . امام ابن تیمیه در رابطه بین عقل و شریعت می نویسد که عقل شرط معرفت علوم و کمال و صلاح است و بوسیله عقل علم و عمل به کمال میرسد با تمام این صفات باز هم عقل بذات خود مستقل نیست . او اضافه میکند عقل عبارت از غریزه و انرژی و قوت در نفس مانند قوت بینائی و بصیرت در چشم است و اگر نور ایمان و قرآن با عقل یکجا شود مثل نور چشم است که با آفتاب یکجا می شود ، و اگر عقل به تنهایی و انفرادی عمل کند در بسا مسائل به دانش و بصیرت نمی رسد و از ادارک عاجز می ماند .

علماء اصول یعنی فقهاء می گویند عقل اساس نقل است . نقل یعنی آنچه از امور دین روایت شده است ، باین معنی که وحی بوسیله عقل به ثبوت می رسد و همچنان عقل برهان و دلیل برای اثبات نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و صدق رسالت او است پس اگر انسان اطمینان به عقل را از دست داد نقل نیز منهدم می شود . امام النسفی در بحث خود در باب عقائد اولین جمله که تحریر میکند این است : حقائق اشیاء ثابت است ، و علم به آنها محقق است . امام النسفی عقل را جهت فهم و رسیدن به حقائق عقیده لازم می داند . حجت الاسلام و المسلمین الغزالی اضافه میکند که عقل دلیل قاطع برای اثبات نبوت محمد صلی الله علیه و سلم است و بعد از ایمان به رسالت عقل جای خود را به وحی می دهد . دکتور یوسف القرضاوی می گوید عقل بعد از تصدیق نبوت و ایمان به رسالت اسلام امر به اطاعت از وحی میکند و می گوید آئین و

صدقنا، یعنی آنچه از احکام بطریق وحی آمده آنرا تصدیق و اطاعت می‌نمائیم.<sup>331</sup>

اکثر علمای اسلام رابطه بین عقل و شریعت را در باب نواهی و اوامر بحث می‌کنند و نقش عقل را برای توجیه مسلمانان براه خیر و منع از راه شر و وضاحت بیشتر می‌دهند. به همین ترتیب علمای کرام رابطه بین عقل و قلب را مستحکم و قوی می‌دانند و باین نظر و عقیده اند که بین عقل انسان و قلب او رابطه بسیار قوی و غیر قابل جدائی وجود دارد و این رابطه بحدی نزدیک است که عده از علماء عقل را قلب می‌دانند و دلیل شان این است که قلب تمیز یعنی فرق بین شر و خیر و حق و باطل را می‌کند.<sup>332</sup>

علماء رسیدن به مقام معرفت و حکمت را در روشنی آیه مبارکه «و من الناس من یجادل فی الله بغير علم ولا هدی ولا کتاب منیر» (لقمان: 20) . و برخی از مردم درباره خدا بی {آنکه} دانش و رهنمود و کتاب روشن {داشته باشند} به مجادله بر می‌خیزند . به سه مرحله تقسیم می‌کنند :

علم، هدی و کتاب منیر. مفسرین کرام علم را به علم ضروری، علم فطرت و غریزه و هدایت را به استدلال و نظر و رأی برای کشف حقیقت و رسیدن به معرفت و کتاب منیر را به وحی تفسیر میکنند.

استاد مکارم غنیم اصول معرفت را از طریق وحی به نقاط ذیل خلاصه می‌نماید.

1. علم عقلی مبنی بر عقل و برهان.

2. علم فطری که در طبیعت و فطرت انسان است.

<sup>331</sup>. دكتور يوسف القرضاوى «المرجعية العليا فى الإسلام للقرآن و السنة» صفحات 340-341.

<sup>332</sup>. Library.islamweb.net، مفهوم عقل، اسلام ويب .

3. وحی الهی که دعوت می کند انسان را به دین و ایمان و مبادی و مدنیت و اخلاق.

استاد مکارم اضافه میکند که سنت نبوی شریف جزء مهم و اساس اولیاد اصول فوق است. اسلام ویب، [Library. Islamweb.net](http://Library.Islamweb.net)

دکتور الجابری باین نظر است که در فرهنگ و ثقافت اسلامی عقل انسان از عناصر سه گانه «نظام عرفانی، نظام بیانی و نظام برهانی» تشکیل میشود و این سه عنصر انقلاب بزرگ و تحول عظیم برای عقل معاصر است.

## آزادی رأی و بیان و حق تعبیر از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم حریت تعبیر و بیان و رأی را تقدیس و به آن احترام و ارج می‌گزارد اگر چه از طرف مخالفین اسلام و حتی از جانب کسانی که ادعای نبوت و الوهیت داشتند و حتی آنانکه بوجود خدایان متعدد ایمان و مردم را به آن دعوت میکردند تضمین می‌کند. قرآن کریم آراء آنانکه می‌گفتند چند خدا وجود دارد به بحث می‌گیرد و در جواب این گروه می‌گوید: «قل لو كان معه الهة كما يقولون إذا لا بتغوا إلى ذی العرش سبیلا \* سبحانه و تعالی عما یقولون علوا کبیرا» (الإسراء: 42-43). بگو: اگر {چنانکه می‌گویند} با او خدایانی {دیگر} بود، در آن صورت حتما در صدد جستن راهی به سوی {خداوند} صاحب عرش بر می‌آمدند او {پاک} و منزّه است و از آنچه می‌گویند بسی والاتر است. اگر خداوند سبحانه و تعالی آزادی بیان و تعبیر را از مردم سلب می‌کرد و اجازه نمی‌داد تا رأی و نظر خود را اظهار نمایند و قرآن نظر آنها را ثبت و از آن نقل قول نمی‌کرد و ما از نظر و رأی آنها با خبر نمی‌شدیم. نقل قرآن کریم از نظریات و آراء مخالفین بزرگترین تقدیر و احترام از آزادی بیان و تعبیر است. خداوند در قرآن کریم نخست نظریات و آراء کفار و مشرکین را می‌آورد و بعد آنها را به نقد می‌گیرد و جواب می‌دهد و نظریات باطل و تعبیرات غیر سالم را اصلاح می‌کند.

خداوند سبحانه و تعالی آراء و تعبیرات و نظریات دشمنان خود را با اینکه ارزش ثبت را نداشت ثبت می‌کند و در قرآن کریم بدون تغییر و تبدیل می‌آورد و مسلمانان همان آیات را در نماز تلاوت می‌کنند. خداوند حتی نظریات و تعبیرات بی‌ادبانه مخلوقات را نسبت بخود ذکر می‌کند. در سوره المائده می‌خوانیم «و قالت الیهود ید الله مغلولة ...» و یهود گفتند دست خدا بسته است {خدا بخل می‌ورزد و فضل و عطای

خود را از ما باز میدارد}. خداوند این نظر و تعبیر یهودان را مطابق اصل می آورد و در جواب شان می گوید: «غلت أیدیههم ولعنوا بما قالوا بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء...» دست های شان بسته باد، و بخاطر آنچه گفتند از رحمت خداوند دور و محروم شوند، بلکه هر دو دست {قدرت و رحمت} او تعالی گشاده است، هرگونه بخواهد انفاق می کند.

در جا دیگری می خوانیم «لقد سمع الله قول الذین قالوا إن الله فقیر و نحن أغنیاء سنکتب ما قالوا...» (آل عمران: 181). به تحقیق خداوند سخن آنانی را شنید که {به تمسخر} گفتند: خداوند فقیر است و ما ثروتمندانیم، ما گفتار شانرا خواهی نخواهی ثبت می نمائیم.

همچنان در قرآن کریم می خوانیم فرعون گفت: «فحشر فنادی، فقال أنا ربکم الأعلى» من رب اعلی و بزرگ شما هستم و در جای دیگری می خوانیم: «و قال فرعون یا ایها الملا ما علمت لکم من إله غیری» (القصص: 38). و فرعون گفت: ای بزرگان قوم، من جز خویشتن برای شما خدایی نمی شناسم. قرآن گفتار و تعبیر و نظریه فرعون و حامیان و طرفداران او را با تمام امانت و صراحت نقل می کند. همچنان قرآن کریم گفتار شیطان را با تمام امانت نقل میکند و جواب او را می دهد. آزادی بیان و حریت تعبیر در قرآن کریم تنها شامل انسان نیست بلکه قرآن از حشرات و حیوانات و پرنده ها نیز نقل قول میکند.

قرآن کریم تعدد آراء را در جامعه تأیید و آنرا علامه خیر می داند. از منظور اسلامی و ادبیات قرآن کریم انسان در آراء و تعبیرات متفاوت می باشند. در قرآن کریم می خوانیم: «و لو شاء ربک لجعل الناس أمة واحدة ولا یزالون مختلفین» (هود: 118). و اگر می خواست پروردگار تو البته می گردانید مردمان را یک ملت و همیشه باشند مختلف. همیشه باشند مختلف باین معنی که همیشه در نظریات و روش فکری و رأی با هم متفاوت می باشند و این تفاوت مظهری از مظاهر خلقت است

از منظور قرآن کریم اختلاف بین مردم در نظریات و تعبیر و رأی یک امر طبیعی و مثبت و به مصلحت جامعه است. اگر خدا می خواست تمام مردم را امت واحد خلق میکرد در این حالت انسان سلب اختیار و حق تعبیر و حریت رأی را نمی داشت لیکن خداوند مردم را آزادی بیان و تعبیر و رأی داد و تفاوت‌های فکری و عقلی و آزادی رأی و بیان و تعبیر را قرآن کریم یک امر طبیعی و فطری می داند.

قرآن کریم اظهار رأی و تعبیر و بیان و مناظره و مناقشه با حکمت و موعظه حسنه با مخالفین را با کلمات و الفاظ مؤدبانه حق طبیعی هر انسان می داند. قرآن کریم اجازه دشنام دادن را برای مخالفین در نظر و آراء نمی دهد و مسلمانان را امر می کند تا رأی و بیان مخالف را با کمال ادب استماع و جواب دهند. قرآن کریم دشنام دادن و استفاده از کلمات و جملات غیر مناسب و بی ادبانه را جواز نمی داند. در قرآن کریم می خوانیم: «و لا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم کذلک زینا لكل امة عملهم ثم الی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون» (الأنعام: 108). و به {معبودان و بت های} کسانی که غیر خدا را می پرستند دشنام ندهید تا مبادا آنان از روی دشمنی و جهالت به خداوند دشنام دهند، این چنین برای هرامتی عمل شانرا زینت داده ایم، سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگار شان است، پس آنها را از آنچه عمل می کردند آگاه میسازیم.

قرآن کریم در آیات متعدد از حریت رأی و تعبیر حمایت می کند و مردم را به آزادی در اظهار رأی دعوت و اختلاف نظر بشرطیکه معقول و با حکمت باشد آنرا تأیید می نماید. این مفهوم را قرآن کریم اینطور بیان میکند: «أدعو الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی أحسن، إن ربک هو أعلم بمن ضل عن سبیله و هو أعلم بالمهتدین» (النحل: 125). با حکمت و اندرزنیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به {شیوه ای} که نیکوتر است مجادله نمای.

در حقیقت پروردگار تو به {حال} کسی که از راه او منحرف شده داناتر ،  
و به {حال} راه یافتگان {نیز} داناتر است .

منافقین آزادی نشر فساد و دعوت به آنرا بدون ترس و خوف در دولت اسلامی داشتند و آزادی تعبیر و نشر فساد را حق مسلم خود در جامعه اسلامی می دانستند و زیادتر از این نشر فتنه و فساد را اصلاح حال جامعه البته از نظر خود می دانستند . قرآن کریم موقف شانرا اینطور بیان میکند: «و إذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا إنما نحن مصلحون ألا إنهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون» (البقرة: 11- 12) .  
و هنگامیکه به ایشان گفته شود ، در زمین فساد مکنید گویند ما خود یگانه مصلحانیم . آگاه باشید که ایشان سخت مفسدان اند ولی احساس نمی کنند . منافقین در غزوه أحد با تمام حریت موقف خود را برای مسلمانان اظهار کردند و شکست مسلمانان را انتقاد شدید کردند و دلیل شکست مسلمانان را عدم قبول نظریات خود دانستند و در اوقات مشکلات و جنگها در داخل مدینه علیه رسول الله صلی الله علیه و سلم و مسلمانان تبلیغات سوء کردند و هیچکس مانع نشر نظریات و آراء ایشان با اینکه علیه مسلمانان و شخص رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بود نشد . قرآن کریم در سوره های متعدد از موقف آزاد کفار و منافقین حکایت می کند .<sup>333</sup>

فقهای حنفی حریت رأی و تعبیر را به مرتبه فرض میرسانند و حنفی ها باین عقیده اند که اگر مسلمان از حق تعبیر حمایت نکند در حقیقت فرض از فرائض دین را بجا نیاورده است . علامه امام الجصاص نظریه و رأی امام ابو حنیفه را برای اثبات فرضیت حریت رأی و بیان و تعبیر تحقیق بیشتر نموده می نویسد: ابو حنیفه بجواب سؤال ابراهیم الصائغ یکی از علماء و مشایخ خراسان نوشت: امر به معروف و نهی از منکر از جمله

333 . أهل القرآن ، 6 جولای 2015 ، [www.ahl-](http://www.ahl-)

. [alquran.com/arabic/discussion.plp?topic\\_id=121](http://alquran.com/arabic/discussion.plp?topic_id=121)

فرائض دین است و عکرمه از عبدالله بن عباس روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «افضل الشهداء حمزه بن عبدالمطلب و رجل قام إلى امام جائر فأمره بالمعروف ونهاه عن المنکر فقتله» با فضیلت ترین شهداء حمزه بن عبدالمطلب و مردی که در حضور حاکم مستبد ایستاده و او را امر به معروف و نهی از منکر کند و به امر حاکم ظالم کشته شود به عبارت دیگر رأی و نظر و عقیده خود را آزادانه در حضور سلطان ظالم اظهار کند. یکی از فقهای خراسان با استفاده از نظریه امام ابو حنیفه ابو مسلم خراسانی را از قتل مردم و ریختن خون مردم بی گناه منع کرد و با تمام صراحت رأی خود را در این مورد بیان کرد و ابو مسلم حوصله آزادی بیان و تعبیر صادقانه او را نکرد و امر به قتل او داد.<sup>334</sup>

امام ابو حنیفه بصراحت از حرکت ابراهیم بن عبدالله برادر نفس ذکیه در سال 145 هجری مطابق 763 میلادی علیه خلیفه عباسی منصور حمایت کرد. امام ابو حنیفه برای اثبات فرضیت حریت رأی و بیان و احترام آراء مخالف مثالهای زیادی را می آورد.<sup>335</sup>

اسلام مسلمانان را امر میکند تا در اظهار رأی و تعبیر از صدق و امانت کارگیرند و نباید از آزادی رأی و حریت تعبیر در نشر کذب و خیانت استفاده شود. مذاهب فکری اسلام باین عقیده اند که پیشرفت و تقدم امت اسلام در گذشته به سبب آزادی رأی و نظر و تعبیر صادقانه بود و از زمانیکه این آزادی ها از مسلمانان سلب شد امت اسلام از کاروان مدنیت عقب ماند و در جمله کشورهای جهان سوم شناخته شد.<sup>336</sup> تاریخ

<sup>334</sup>. الجصاص «احکام القرآن» جلد 1، ص 81.

<sup>335</sup>. السرخسی «المبسوط» جلد 10، ص 125 ( ابو الأعلى المودودی «ابو حنیفه النعمان الإمام الأعظم، مرکز الشرق العربی للدراسات الحضاریة والاستراتيجية، لندن: [www.asharqalarabi.org](http://www.asharqalarabi.org)).

<sup>336</sup>. دکتور راغب السرجانی «حرية الرأی فی الحضارة الإسلامية» قصة الإسلام، [www.islamstory.com](http://www.islamstory.com).



اسلام آزادی بیان و اظهار رأی و حق تعبیر را بین دانشمندان و علمای اسلام و بین علمای اسلام و غیر اسلام ثبت و مثال‌های از مناقشه و مناظره و تعبیرات متفاوت بین علماء در اندلس «اسپانبا» و قیروان در مغرب می‌آورد. در مناظره بین علمای مسلمین و غیر مسلمین شرط اول علمای غیر اسلامی این می‌بود که علمای اسلام حق استفاده از نصوص دینی را در مناظره و اظهار رأی ندارند و علمای اسلام این شرط را می‌پذیرند. ابن حبان التوحیدی (متوفی 414 هـ) در کتاب معروف اش بنام «الإمتاع و المؤانسة» اختلاف رأی بین علما را به تفصیل ذکر میکند. ابن رشد (متوفی 595 هـ) در مورد توحید یا یکجا ساختن فلسفه با دین نظریات و آراء متفاوت علمای اسلام را در کتاب معروف خود بنام «فصل المقال فیما بین الشریعة و الحکمة من الاتصال» می‌آورد و نظریات و آراء ابی سلیمان السجستانی (متوفی 271 هـ) را به مناقشه می‌گیرد و مثال‌های زیادی از آزادی رأی و بیان می‌آورد. دکتور محمد عابد الجابری در کتاب معروف خود بنام «المثقفون فی الحضارة العربیة» آزادی رأی و تعبیر و مناظره بین علمای اسلام و علمای عیسوی و یهودی و زردشتی و ملحدین را بحث میکند و می‌نویسد که علمای اسلام برای ملحدین اجازه می‌دادند تا رأی خود را با کمال آزادی بیان کنند. دکتور الجابری اضافه میکند که علمای اسلام از آزادی رأی و بیان و تعبیر در جامعه اسلامی و بین مسلمانان تنها دفاع نمی‌کردند بلکه برای حفظ آزادی رأی و بیان و تعبیر برای غیر مسلمانان نیز مجادله می‌نمودند و فرضیت رأی و بیان و تعبیر را تنها حق مسلمانان نمی‌دانستند بلکه این حق را از جمله فرائض برای جامعه انسانی می‌دانستند.<sup>337</sup>

<sup>337</sup> . الرياض ، 29 سبتمبر 2012 / 13 ذوالقعدة 1433 هجری ،

بعض تصور دارند که اختلافات در رأی و تعبیر بی‌نظمی فکری و اختلافات اجتماعی را در جهان اسلام بار آورده و مصیبت‌های که امروز مسلمانان به آن موجه‌اند در نتیجه اختلاف در نظر و رأی بین فقهاء و علماء است. این حکم غیر منطقی و دور از حقیقت است و نمونه از جهل عده از مسلمانان به حقیقت اسلام و آزادی رأی و بیان و تعبیر در فرهنگ اسلام است. صحیح است که فقهاء با هم در بسا موارد اختلاف نظر دارند و اختلاف آراء و نظریین فقهاء نعمت بزرگ و نمونه و مثال از حریت رأی و بیان و تعبیر است که باید جامعه‌ای اسلامی معاصر به آن افتخار و از آن حمایت و پیروی کند.<sup>338</sup>

### روش رأی در فرهنگ و ادبیات اسلام

در فرهنگ زبان مصدر فعل رأی به معنی نظر کردن استعمال شده است و رؤیت به معنی نظر با چشم و عقل است.

علمای زبان رأی را به معانی مختلف و متفاوت تعریف می‌کنند. رأی دیدن با قلب و همچنان به اعتقاد نیز تعریف شده است. علامه بن‌قیم در معنی رأی می‌گوید: رأی حقیقت است که قلب آنرا بعد از تفکر و تأمل به هدف بدست آوردن معرفت بکار می‌برد.

عده معانی بزرگتر را از رأی می‌آورند و می‌گویند: هر آنچه از طرف انسان از گفتار به زبان و اشاره و نوشتن صادر شود رأی است و حریت رأی یعنی حریت اظهار و حریت تعبیر و حریت قول و حریت ضمیر.<sup>339</sup> استاد الخیاط حریت رأی را اینطور تعریف می‌کند: تعبیر از آراء بقصد

<sup>338</sup> دکتر یوسف القرضاوی «اختلاف ائمه و حکم تقلید شان»، ترجمه قاضی بهاء الدین بهاء، از نشرات فقه اسلامی، امریکا، صفحات 2 تا 6.

<sup>339</sup> ابن‌منظور «لسان‌العرب» ماده: رأی، 14/291-302، و آنیس و غیره «المعجم الوسیط» ماده: رأی 4/332، و الجوهری «الصحاح» ماده: رأی، صفحات 2347-2348.

بناء و تکوین امت و رهنمائی امت بسوی خیر و نصیحت برای زمامداران و رهنمائی شان بطرف خیر و بیان پیشرفت علمی و تقدیم نظر عقلی رأی است.<sup>340</sup>

اکثر علمای اسلام حریت رأی و تعبیر و بیان را با ضوابط شرعی یکجا بررسی کرده و آزادی بیان و رأی را حق قانونی هر انسان می دانند و باین عقیده اند که حریت رأی از مهمترین حقوق انسان در جهان معاصر است و شریعت اسلام این حق را قبل از 1400 سال به انسان عطا نموده بود. اسلام برای انسان تضمین می کند تا هر چه می خواهد بگوید و آراء خود را اظهار نماید بدون اینکه به عقائد و شعور دیگران صدمه وارد نماید. حریت رأی ستون فقرات تمام آزادی های فکری است و انسان حق دارد تا آزادانه فکر کند.<sup>341</sup>

آزادی تعبیر و رأی و بیان Free Speech از افتخارات معاصر غرب است با آنهم غرب تعبیرات که منافی مصلحت و منافع ملی و نشر اختلافات مذهبی و قومی و نژادی باشد آنرا بنام بیان و تعبیر کراهیت Hate Speech دانسته منع میکند. اسلام در باب آزادی رأی و بیان تعبیرات غیر اخلاقی و نظریات و آراء که منافی اخلاق جامعه و سبب کراهیت بین افراد جامعه اسلامی و غیر اسلامی باشد اجازه نمی دهد و قانون اسلامی مرتکب آنرا جزاء می دهد.<sup>342</sup> آزادی رأی و بیان و تعبیر ضرورت به وسایل اطلاع رسانی جمعی دارد تا بوسیله آن انسان نظریات و آراء و معتقدات خود را نشر و به مطالعه مردم رساند. وسایل

<sup>340</sup>. الخياط «النظام السياسي في الإسلام»، ص 50.

<sup>341</sup>. منصور الرفاعي و دكتور اسماعيل عبدالفتاح كافي «حقوق الإنسان العامة في الإسلام» ص 69 و دكتور هاني سليمان الطعيمات «حقوق الإنسان و حرياته الأساسية» ص 181 و [www.alukah.net/culture/0/227117/](http://www.alukah.net/culture/0/227117/).

<sup>342</sup>. أبو الفداء بن مسعود «إقامة الحجة العقلية و البرهان المنطقي ضد حرية نشر الكفر و العصيان»، أفاق الشريعة 2012/12/4 م.

نشر بیان و اظهار رأی نظر به پیشرفت تکنالوژی معاصر نسبت به گذشته تفاوت دارد. انقلاب تکنالوجی در ساحة میدیا و سایل اطلاع رسانی جمعی نشر وقائع و احداث و افکار جدید و معاصر را سرعت بخشیده است. و سائل نشر اطلاع رسانی جمعی از نظر مفکرین معاصر اسلامی صدمه زیاد به تربیه اخلاقی نسل جوان مسلمان وارد می کند.

افغانستان از روز مطبوعات و آزادی بیان در سوم ماه می 2016 تجلیل نمود. آقای اشرف غنی احمد زی در همین مناسبت سخنرانی داشت. او در سخنرانی خود به موضوعات غیر اخلاقی در میدیا و مطبوعات اشاره کرد. آقای احمد زی بصراحت گفت که دولت او موضوعات اخلاقی را در مطبوعات کنترل نمی کند زیرا این عمل به آزادی رأی و بیان صدمه میزند. آقای احمد زی گفت: «حکومت در ترتیب موازین اخلاقی خبرنگاران نقشی نخواهد داشت، زیرا دخالت دولت سبب سانسور و خلق مشکلات زیاد برای آزادی بیان خواهد شد.» آقای غنی احمد زی اضافه کرد: «علمای دین بیشتر شکایت را از رسانه ها دارند، خبرنگاران در تعیین موازین اخلاقی شان با آنها نیز مشورت کنند.» آقای احمد زی بصراحت اعلان نمود که دولت مسئولیت بد اخلاقی و نشر فساد اخلاقی را در میدیا ندارد و نمی خواهد این آزادی را از مطبوعات سلب کند. او از خبرنگاران و اهل مطبوعات دعوت کرد که بهتر است از علمای دین در موضوعات اخلاقی مشوره نمایند تا بین جامعه مدنی و مسجد فاصله ایجاد نگردد. آقای احمد زی رول علماء را در موضوعات اخلاقی که در مطبوعات افغانستان نشر میشود به دادن مشوره خلاصه نمود و دولت را از کنترل مسائل اخلاقی در میدیا و مطبوعات بیطرف اعلان کرد و اعلان نمود که حکومت در نشر فساد اخلاقی مانع در مطبوعات نمی شود زیرا مانع نشر فساد اخلاقی توسط مطبوعات سانسور مطبوعات است و حکومت او حاضر به سانسور

مطبوعات نیست.<sup>343</sup> آزادی بدون سرحد و نشر فساد اخلاقی توسط مطبوعات در افغانستان مشکلات فکری و اجتماعی را خلق نموده است و همچنان آزادی بدون سرحد و غیر اخلاقی سبب تقویت مخالفین مسلح گردیده است و مخالفین مسلح نظام کابل و خصوصا حرکت طالبان از این وضعیت استفاده زیاد میکنند و عده‌ای از جوانان افغانستان را در نتیجه برنامه‌های آزاد و غیر اخلاقی بخود یکجا ساخته‌اند. از جانب دیگر مطبوعات آزاد و غیر مقید به اخلاق سبب شده که عده‌ای خبرنگاران بعد از تهدیدها از افغانستان خارج شوند تا حیات خود و خانواده‌ای خود را حفظ کنند از جمله خانم ابراهیم است. خبرنگاری بی‌سی‌ی‌لدا حکیم می‌نویسد: خانم ابراهیم هم با این واقعیت رو به رو شده، حالا فهمیده‌ام که در پی دیدار با من در کابل کشور را ترک کرده و فعلا در ترکیه است. شاید در آینده به کشورش باز گردد ولی فعلا می‌گوید که آن‌جا برای رشد کودکش امن نیست. در آخرین راپور بی‌سی‌ی‌لدا حدود سه صد خبرنگار از افغانستان فرار کرده‌اند.

بی‌سی‌ی‌لدا راپور می‌دهد که تلویزیون طلوع و یک به سبب آزادی‌های زیاد مورد تهاجم مخالفین خصوصا طالبان قرار دارد و خانم آریانا سعید چندین بار تهدید به قتل شده است و طالبان و دیگران او را متهم به نشر فساد و فحشاء کرده‌اند. بی‌سی‌ی‌لدا در نهایت نشر این اخبار و راپور اطلاعیه خبری طالبان (12 اکتوبر 2015) را به نشر سپرده.

شبکه‌های تلویزیونی طلوع و یک ..... شبکه‌هایی تبلیغاتی اند که هدفشان ترویج عقاید، فرهنگ و اطلاعات کافران در افغانستان است. این شبکه‌ها، با حمایت کامل امریکایی‌ها، دین و فرهنگ ما را مسخره می‌کنند، مشوق اعمال قبیح و فحشاء‌اند و ذهن جوانان را با

<sup>343</sup> بی‌سی‌ی‌لدا 2016/5/4.

عناصر خطرناکی چون بی دینی، فساد، خشونت، قمار و کفر گویی پر می کنند.<sup>344</sup>

نظر طالبان در مورد مطبوعات با اینکه نظر عقب گرایی است اما عدم احترام اخلاق اسلامی در مطبوعات داخل افغانستان نیز قابل نقد است و أهل مطبوعات باید باین نتیجه رسیده باشند که در صورت خروج نهائی و کامل قشون امریکا از خاک افغانستان مسئولیت آینده آزادی مطبوعات و بیان را دارند و نباید در نشرات مطبوعات موضوع اخلاق اسلامی را نادیده و بی اهمیت بگیرند. آقای احمد زی باید میدانست که در نظام اسلامی و حتی در نظام غربی دولت حق دارد تا موضوعات غیر اخلاقی را که در میدیا و مطبوعات به نشر میرسد کنترل نماید. نظام اسلامی رئیس دولت را مسئول اول حفظ اخلاق جامعه میداند و اگر رئیس دولت در مسائل نشر موضوعات غیر اخلاقی دولت را بی مسئولیت بداند پس کی مسئول خواهد بود؟

### مطبوعات و رسانه های جمعی غرب

مطبوعات و رسانه ها در غرب نمونه و مثال برارنده از دیموکراسی و نظام سرمایه داری است. مطبوعات و وسائل نشرات روش دیموکراسی لیبرالی و فلسفه سرمایه داری را به نشر می رسانند. انقلاب تکنالوژی و اعمار فضائی و وسائل رسانه یی و مطبوعات چه دیدنی مثل تلویزیون و خواندنی مثل انترنیت، فیسبوک، تویترو جرائد و مجلات و مسموع یا شنیدنی مثل رادیو و وسائل مشابه آن را سرعت زیاد بخشید و کره زمین را به قریه کوچک تبدیل کرده است و اخبار غرب به مردم شرق قبل از بیدار شدن از خواب میرسد و مردم امریکا واقعات فلسطین و افغانستان و آسیای دور را قبل از اینکه مردم آن از خواب بیدار شوند می خوانند و می بینند و می شنوند.

امریکا در بین کشورهای غرب تسلط کامل بر مطبوعات و وسائل رسانه‌ها مثل اینترنت و ستلایت و اقمار مصنوعی دارد و در حقیقت امریکا سیاست رسانه‌ها و مطبوعات غرب را می‌سازد. مطبوعات امریکا سیاست جهانی و اقتصاد سرمایه‌داری را کنترل و رهنمائی میکند و حاضر نیست نظریات و آراء مسلمانان را که به منافع سیاست و اقتصادی امریکا موافق نباشد نشر کند. محقق سوری استاد در یکی از پوهنتونهای امریکا در مورد مطبوعات و وسائل نشرات و رسانه‌های جمعی در امریکا می‌نویسد: در جریان جنگ خلیج‌آراء و نظریات عرب‌ها را میدیای امریکا به نشر نمی‌رسانید و آنچه در مطبوعات غرب به نشر می‌رسید کاملاً منافی دیموکراسی و آزادی بیان بود.<sup>345</sup> حقیقت مسلمانان در مطبوعات غرب غیر از آن است که مسلمانان هستند. مرد مسلمان در مطبوعات غرب ظالم و قاتل و تروریست و مخالف آزادی زنان و دیکتاتور و شهوات‌ران و شریر و مخالف دیموکراسی و آزادی‌های فردی. راپور که بی‌بی‌سی به نشر رسانیده دلیل واضح برای اثبات این قول است. بی‌بی‌سی تحت عنوان «شکل عرب در پرده تلویزیون غرب»، «ثروتمند، رقاچه و تفجیرکننده ای بمب. بی‌بی‌سی افلام امریکائی را بررسی نموده می‌نویسد که افلام امریکا عربها را بصورت ملیونها و رقاچه‌ها و کسانیکه بمب را انفجار میدهند به نمایش می‌گذارد و این وضعیت انتقادات بسیار زیاد را متوجه شرکت‌های فلمبرداری امریکا ساخته است. جاک شاهین در کتاب خود بنام «العرب علی شاشة التلیفزیون» که در سال 1984م به طبع رسید صورت و شکل عرب را در سینما و پرده تلویزیون غرب به صورت اشرار می‌آورد و همیشه نقش عرب را ملیونر، رقاچه و انفجاری نشان میدهند. در راپور آمده که در قرن بیست و یکم سینما و تلویزیون‌های غرب مثلاً در فلم مغامرات‌اندیانا جونز و الحریم و جوهره النیل و اکاذیب و فلم

<sup>345</sup>. ولید إخلاصی «امریکا من الداخل»، أبناء العرب، السنه السابقة، العدد 157.

کمودی بنان ابو العروس 2 عرب ها را بصفت زن باز و رابطه جنسی و تروریزم و احمق نشان میدهند.<sup>346</sup>

دکتوره بسمه النسور نویسنده اردنی فلم های امریکائی را نقد میکند و می نویسد: فلم های امریکائی امروز فاقد موضوعات هنری و اخلاقی است و ضعف اخلاق در افلام امریکائی بدرجه رسیده است که عار و ننگ در جبین انسانیت میباشد و صفت انسانیت و آدمیت را از انسان و آدم نسخ و پاک می کند.<sup>347</sup>

و سائل اطلاع رسانی جمعی و مطبوعات در غرب جهت نشرکراهیت ضد اسلام و مسلمانان و حمایت از سیاست های غرب و اسرائیل از سیاست و روش ذیل پیروی میکنند:

1. انتخاب وقت و زمان مناسب برای تبلیغات علیه مسلمانان مثلا اگر حرکت مقاومت فلسطین عملی را ضد اسرائیل انجام دهد در وقت مناسب و در مقدمه اخبار به نشر می رسد تا توجه بیشتر مردم به آن جلب شود و عمل کرد مقاومت به ترور نسبت داده میشود.
2. روش تکرار، مثلا اگر یکی از عساکر غرب و یا یکی از باشندگان اسرائیل و یا یکی از همکاران غرب در عراق و افغانستان و فلسطین به قتل میرسد در نشرات اخبار چندین بار تکرار میشود در حالیکه قتل مردم بی گناه توسط اسرائیل و قوای ناتو و حکومت های تحت حمایت یا پخش نمی شود و یا ضمن اخبار غیر مهم و عادی و در یک وقت غیر مناسب که مردم به آن توجه ندارند به نشر سپرده می شود.
3. قبل از روشن شدن یک واقعه تخریبی نسبت دادن آن به مسلمانان و عرب و یا منطقه شرق اوسط. مثلا اگر یک عمل تخریبی در یکی از شهرهای امریکا و اروپا رخ دهد، مطبوعات اخبار و مصاحبه ها

<sup>346</sup>. سایت بی بی سی عربی 26 فبروری 2016 صحفه هنر .

<sup>347</sup>. بی بی سی، اپریل 16، 2016 .



را از زبان مردم بنشر می سپارند و عموماً گفته میشود یک موترکه در بین آن جوانان از شرق اوسط بودند از منطقه در وقت حادثه عبور میکرد و یا چند جوان که ریش های اسلامی داشتند یکروز قبل در آنجا دیده شده بودند و بعداً معلوم میشود که واقعه یک عمل تخریبی نبود و یا توسط شخص از اروپا و یا امریکا صورت گرفته بود در این حالت مطبوعات علت واقعه را مریضی روانی شخص تشخیص می کند و خبر قبلی که پخش شده بود و صدمه بزرگ برای جامعه اسلامی وارد ساخته بود اصلاح نمی شود و خبر نگاران و مؤسسات نشراتی از پخش اخبار کاذب که قبلاً نشر شده بود معذرت نمی خواهند و در بسیاری اوقات خبر نفی واقعه را از طرف مسلمانان مردم زیاد متوجه نمیشوند زیرا در اوقات غیر مناسب و مهم به نشر می رسد .

4. مصاحبه با اشخاص مهم مثل وزیر خارجه و رئیس امنیت ملی و یا سفیر و سخنگوی ملل متحد در موضوعی که برای منافع غرب با اهمیت است صورت می گیرد تا مردم اهمیت موضوع را درک کنند و به آن توجه بیشتر داشته باشند. و اما اگر موضوع به مصلحت سیاست امریکا و غرب نباشد اشخاص غیر مهم و ضعیف و ناتوان برای مصاحبه انتخاب می شوند. در قضیه ای افغانستان قبل از حمله ناتو به حریم افغانستان و بعد از آن عموماً مصاحبه با داکتر اشرف غنی احمدزی توسط سی ان ان ( CNN ) صورت می گرفت و هدف از دعوت احمدزی ضعف شخصیت و عدم معرفت جامعه امریکا و افغان از او بود و ضمناً یک نوع تبلیغات مقدماتی برای جا دادن او به کرسی حکم در افغانستان بود .
5. خلق اصطلاحات و اسماء جدید و استفاده از آن برای هدف بزرگ ، مثلاً برای حمله به افغانستان شعار آزادی مردم افغانستان از اشغال القاعده و طالبان و در عراق شعار دفاع از مظلومین و تخریب بمب آتوم و سرنگون ساختن نظام دیکتاتوری و آوردن

دیموکراسی ، در مصر شعار حمایت اسرائیل و مبارزه با فکر فاشیست اسلامی. اصطلاحات جدید هر لحظه در مهمترین وسائل خبری پخش می شود تا ذهنیت عامه را آماده تهاجم نظامی سازد. تحقیقات که در اروپا و امریکا در مورد سلیبات و سایل رسانه های جمعی خصوصا تلویزیون صورت گرفته باثبات می رساند که وسایل جمعی روابط اجتماعی و روابط خانوادگی را برهم زده است و برای چشم مضر می باشد. در تحقیق که در ولایات متحده امریکا بنام چهار دلیل برای الغاء تلویزیون به طبع رسیده تعدادی از شهروندان امریکا به نشرات تلویزیون در امریکا مخالفت کرده اند. صدراعظم اسبق المان آقای هلموت شمیث دعوت به توقف نشرات تلویزیون در هفته چند روز نمود و تلویزیون را سبب مشکلات اجتماعی در المان دانست.

در نتیجه بحث و بررسی در مورد مطبوعات و وسایل اطلاع رسانی جمعی میتوان گفت که در غرب آزادی مطبوعات بصورت مطلق موجود است لیکن مطبوعات آزاد نیست در حالیکه در جهان اسلامی نه مطبوعات آزاد و نه هم آزادی مطبوعات وجود دارد. مطبوعات در جهان اسلام وظیفه آن تعریف و بلند داشتن مقام فرعون ها و مستبدین و زعمای جبار و مستبد و دست نشانده ای غرب است. هر حزب سیاسی و هر شخص که به زعامت سیاسی برسد مطبوعات و رسانه ها او را وصف می کنند و مخالفین او را افراطی و تروریست می دانند. میدیای غرب و شرق اسلامی در نفاق و نشر فتنه بین مسلمانان وجه مشترک دارند و مشترکا این وظیفه را انجام میدهند.<sup>348</sup>

<sup>348</sup>. إدوارد سعید « اوسلو ، سلام بلا أرض » بیروت: دار المستقب العربی ، 1995 ، ص 96 و همچنان محمد عابد الجابری « الثقافة العربية اليوم و مسألة الإستقلال الثقافی » ص 7 و همچنان ، الدكتور نبیل علقم « الثقافة العربية و التجديد الإسلامی » صفحات 225 - 227 .

## مطبوعات و وسایل اطلاع رسانی جمعی در روش فکر معاصر

### اسلامی

مطبوعات و وسایل اطلاع رسانی جمعی در فرهنگ ادبیات و زبان عربی بنام «إعلام» آمده. إعلام در دائرة المعارف اسلامی به این معنی تعریف شده: إعلام مصدر علم و علم صفت از صفات خداوند است. اعلام و علم ضد و نقیض جهل است. اعلام یعنی معرفت به حقیقت یک امر و موضوع چه از طریق غائب و یا از طریق حاضر باشد.<sup>349</sup>

علماء معاصر هر یک از نظر دیدگاه فرهنگ و ثقافت خود و وسایل اطلاع رسانی جمعی یا میدیا را تعریف می نمایند و با تفاوت های فکری همه در یک مورد با هم متفق اند که اعلام عملیه یا وسیله اتصال و رابطه بین کسیکه آنرا می فرستد و کسیکه آنرا دریافت میکند است. با استفاده از تعریف فوق میتوان اصطلاح اتصال و رابطه را در موضوع میدیا بکاربرد. اتصال عملیه انتقال معلومات و نظریات و آراء و افکار و عقائد به هدف تأثیر گذاشتن بالای فکر گیرنده آن است. به معنی دقیق اعلام و سیله است که جهت قناعت دادن مردم و تأثیر گذاشتن بالای افکار عامه از آن استفاده می شود.<sup>350</sup>

درفرنگ و ثقافت معاصر اسلامی اصطلاح مطبوعات و میدیا اصطلاح کاملاً جدید است. در قرن گذشته در ساحة فکر و ادبیات اسلامی اصطلاحات جدید مثل مطبوعات اسلامی، ادبیات اسلامی، هنرهای اسلامی، درامه اسلامی، علم روان شناسی اسلامی و اقتصاد اسلامی روی کار آمد و دانشمندان معاصر در نوشته های خود از اصطلاحات جدید استفاده کردند. هدف از اصطلاحات جدید در ساحة مطبوعات و آزادی های بیان و حریت تعبیر مبارزه متفکرین معاصر

<sup>349</sup>. ابن منظور «لسان العرب» (12 / صفحات 417 - 418).

<sup>350</sup>. طلعت «وسائل الإعلام و التنمية الاجتماعية» ص 48، و همچنان ایمان محمد سلامة بركة «الجريمة الإعلامية في الفقه الإسلامي» ص 5.

مسلمان با فکر غرب بود و دانشمندان فکر اسلامی خواستند تا با استفاده از اصطلاحات جدید استقلال فکری مسلمانان را حفظ و اصطلاحات معاصر اسلامی را جانشین اصطلاحات غرب نمایند.

از اواسط قرن نوزدهم مطبوعات اسلامی در ساحة نوشتار به بعض موفقیت ها رسید و در نقاط مختلف کشور های اسلامی جرائد و مجلات و کتب به طبع رسید و همچنان اساس اولیه مطبوعات اسلامی با خصوصیت های خاص و با استقلال فکری و ضد استعماری گذاشته شد که میتوان از جريدة العروة الوثقى ، المنار ، الشهاب و البصائر که فکر اسلامی را نشر می کردند نام گرفت . نشر جرائد در افغانستان معاصر نیز قدامت تاریخی دارد و با اینکه افغانستان یک کشور فقیر و دور از تأثیرات فرهنگ غرب بود بآنهم مطبوعات خصوصا نشرات کتبی تا حد زیاد پیشرفت کرده بود.<sup>351</sup>

استاد عزى عبد الرحمن در مفهوم و اصطلاح مطبوعات اسلامی می نویسد: مطبوعات اسلامی در نشر قضیه های دینی و جنبش های سیاسی نقش مهم را دارد و مرجعیت اسلامی اساس اولیه و سایل اطلاع رسانی جمعی در فکر و فرهنگ معاصر است.<sup>352</sup>

به همین ترتیب استاد مصطفی الدمیری در تحقیقات خود از مطبوعات در جهان اسلام می نویسد: مطبوعات معاصر اسلامی نتیجه فکر معاصر اسلامی است.<sup>353</sup>

<sup>351</sup>. فضل غنی مجددی «افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان ، 1919-1929 طبع اول 1997 ، امریکا ، فصل سوم .

<sup>352</sup>. نصیر بو علی «الإعلام البعد الحضاری» دار الفجر ، قسنطینة ، الجزائر ، 2007 ، ص 6.

<sup>353</sup>. مصطفی الدمیری « الصحافة فی ضوء الإسلام » مکتبة الطالب الجامعی ، مكة المكرمة ، 1987 ، ص 33 .

استاد محمد در مورد مطبوعات اسلامی می نویسد: مطبوعات اسلامی قضایا و مسایل مربوط به زندگی جامعه را از منظور اسلامی و با استناد از قرآن کریم و سنت صحیح رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بحث می کند و نویسندگان معاصر اسلامی با فهم و درایت بیشتر از حقایق اسلام به قضایا نظر می اندازند<sup>354</sup> استاد سامی الکومی هدف از مطبوعات اسلامی را تقدیم معلومات صحیح برای خوانندگان از حقائق دین اسلام مستند از کتاب الله و سنت رسول الله می داند و می نویسد مطبوعات اسلامی دارای سه بخش یا عنصر مهم است: نویسنده، وسایل نشرات و موضوع.

قواعد و اصول اولیه و وسایل اطلاع رسانی جمعی در فکر اسلامی عبارت است از:

1. پابندی به اخلاق حمیده و آداب اسلامی.
2. ژورنالیست و آنانکه در ساحة مطبوعات کار می کنند دارای درجات عالی علمی و ثقافت اسلامی و عصری بوده و در نقل معلومات امانتدار و صادق باشند.
3. در نقل معلومات از دقت و صداقت کار گرفته شود و خبرنگار باید به منابع اصلی بطریق مشروع و قانونی دسترسی داشته باشد و نباید معلومات از طریق غیر قانونی و غیر مشروع و منابع غیر موثق اقتباس و به نشر سپرده شود و أهل مطبوعات تابع ظن و هوی نفس و مشغول تجسس در مسایل شخصی مردم نباشند.
4. عدم نشر معلومات که به ضرر و مصلحت جامعه و مسائل که مربوط به زندگی خصوصی مردم باشد.

<sup>354</sup> محمد منصور محمود هیبة « الصحافة الإسلامية فی مصر بین عبدالناصر و السادات 1952 - 1981 »، دار الوفاء المنصورة 1990، ص 40.

5. احساس به مسئولیت در آنچه تبلیغ و به نشر میرسد و ایمان داشتن باینکه انسان از شنیدن و دیدن و آنچه در قلب اش خطور می کند نزد خداوند مسئول است .
6. أهل مطبوعات دارای فهم و درایت نسبت به آینده باشند و آنچه را به نشر می رسانند در آن خیر جامعه در نظر باشد و از آنچه به ضرر جامعه باشد از آن اجتناب شود .
7. مخاطب ساختن عقل و فکر انسان به زبان و ادبیات عصر .
8. از وسایل اطلاع رسانی جمعی برای امور مشروع استفاده شود زیرا اسلام هر وسیله که برای هدف نا مشروع از آن استفاده شود نمی پذیرد.<sup>355</sup> و همچنان : ایمان محمد سلامة بركة « الجریمة الإعلامية فی الفقه الإسلامی » ص 10 .
- اسلام آزادی رأی و تعبیر را حق هر فرد می داند و از آن حمایت میکند اما تعرض و تهاجم بالای اشخاص را منع و مرتکب آنرا جزاء می دهد. از نظر اسلام تهاجم و تعرض بالای اشخاص عبارت است از:
1. تجسس با استفاده از وسائل جدید به هدف ثبت گفتار اشخاص بدون علم و معرفت شان جریمه است و مسائل شخصی و خصوصی اشخاص در شریعت اسلام از هر نوع تعرض مصئون می باشد. قرآن کریم در سوره الحجرات آیه 12 تجسس را اعتداء به حرمت و زندگی خصوصی و کشف عورت انسان می داند و آنرا شدیداً منع میکند.<sup>356</sup>
  2. استفاده از مستندات و وثائق خصوصی اشخاص بدون اجازه جواز ندارد به همین ترتیب باز کردن نامه های شخص توسط دستگاه های جاسوسی و یا مؤسسات مطبوعات و نشرات جرم بزرگ شمرده

347.<sup>355</sup>[www.qaradawi.net/sit/topics/article.asp?cu\\_no=2&item\\_no=3778](http://www.qaradawi.net/sit/topics/article.asp?cu_no=2&item_no=3778)

356. الوکیل « النظرية السياسية فی حقوق الإنسان » صفحات 52-52 .

میشود. مؤسسات نشرات حق نشر و تبصره را در مورد وثائق شخص بدون اجازه صاحب آن ندارند.

3. گرفتن عکس و انتقال آن به دیگران و نشر آن در وسائل اطلاع رسانی جمعی بدون اجازه ممنوع میباشد<sup>357</sup> نشر شائعه از طریق وسایل اطلاع رسانی جمعی مثل رادیو و تلویزیون و سایت های الکترونی و مطبوعات بصورت عموم جرم شمرده میشود. شائعه خبری را می گویند که منبع و مصدر آن مجهول و نا معلوم باشد. شائعات در عصر حاضر در جامعه بسرعت نشر و پخش میشود و شائعات خطر بزرگ را برای جامعه دارد و هدف از نشر شائعات در اصل تخریب نظام جامعه و قتل شخصیت معنوی انسان است. <sup>358</sup> اسلام شائعات را از جمله جرائم خطرناک می داند. شائعه مردم را با یکدیگر بی اعتماد و مشکوک می سازد و اسباب اختلافات و جدائی را بین افراد جامعه بوجود می آورد.

قوانین معاصر شائعه به دو دلیل منع میکند. اول اینکه شائعه تأثیر منفی بالای رأی عمومی مردم دارد. دوم اینکه تجاوز از حدود مقرر نشر و تبلیغات و بیان و اظهار رأی است. بسیاری اوقات واقع می شود که مردم به خیابانها ریخته سبب اذیت و تلف سرمایه ملی می شوند و در نهایت به اثبات می رسد که همه در نتیجه شائعات بود. امروز کشورهای غرب و نظامهای استبدادی شرق برای اهداف استعماری خود با استفاده از میدیا در نشر شائعات سعی دارند و زعمای ملی و اسلامی کشورهای اسلامی را بنام افراطی و تروریست معرفی و به قتل می رسانند. کشورهای استعماری و نظامهای استبدادی از اسلحه شائعه

[www.http://Library.iugaza.edu.ps/thesis/82556.pdf](http://Library.iugaza.edu.ps/thesis/82556.pdf).<sup>357</sup>

<sup>358</sup> این فارس «معجم مقاییس اللغة» تحقیق عبدالسلام هارون، دار الفکر 1399 هـ.

برای بقاء و مبارزه با دشمنان استفاده می نمایند. از نظر اسلام شائعه و نشر آن مخالف قانون است.<sup>339</sup>

شائعه عمل تعبیری است به این معنی که بواسطه کلمات و گفتار و کتابت تعبیر می شود و تأثیر منفی و خطرناک را بالای شعور و نفس و روش انسان بجای می گذارد. شائعه در جامعه به صورت و اشکال و طریقه های مختلف به نشر میرسد. از طریق زبان یعنی شفوی ، نوشتن در جرائد ، شبنامه ، کتاب ، انترنت ، عکس ، فکس و غیره. و یا به روش فیزیکی توسط حرکات جسم همچنان از طریق رسم و کاریکاتور .

جرائم اظهار رأی و نظر و تعبیر بنام جرائم اطلاعات و مطبوعات یاد میشود . قوانین اسلام افعال و گفتار و نوشتن غیر مشروع را مخالف قانون اسلامی می داند و آنرا شدیداً منع می کند . علمای قانون جرائم نشرات را مانند جرائم جنائی می دانند و می گویند: جرائم جنائی اعتداء بالای جسم انسان و جرائم نشرات اعتداء بالای شرف و امور معنوی اشخاص است و انسان در دائره اسلام حرمت و عزت خاص را دارد و کس اجازه ای اعتداء بالای حرمت انسان و اسم و شرف او را ندارد و شرف و عزت انسان در قانون اسلام محفوظ و مصئون است.<sup>340</sup>

قوانین جزاء اسلامی رأی و تعبیر که به مصلحت جامعه و امنیت دولت و حمایت حقوق معنوی اشخاص نباشد برای آن عقوبت تعزیری تعیین میکند . عقوبت تعزیری عقوبت غیر معین است و قاضی نظر به اهمیت قضیه در مورد آن حکم می کند که از جزاء مالی و حبس تا اعدام میرسد . قوانین مدنی عقوبت تجسس و شنیدن مکالمات تیلیفونی اشخاص را

<sup>339</sup> عبدالرؤف مهدی « شرح القواعد العامة لقانون العقوبات » دار الفكر العربی ، 1997 ، صفحات 112-115-121 .

<sup>340</sup> دكتور عبدالفتاح ولد باباه «أساليب مواجهة الشائعات» كلية التربية ، الرياض 1434 هـ / 2012 م ، repository.nauss.edu.sa/bitstream/handle/123456789/59643



بدون اجازه و ثبت آن و عکس شخص را بدون اجازه به دیگران جهت استفاده غیرقانونی ارسال نمایندیک سال زندان و جریمه ای نقدی<sup>361</sup> جریمه ای که خطر آن بیشتر باشد عقوبت آن به پنج سال زندان تعیین شده است. اگر جریمه به سرقت معلومات بدون اجازه و همچنان سرقت معلومات شخص مثل سرقت تحقیقات اشخاص و سرقت معلومات ثبت شده در کتابخانه ها بدون اجازه و بدون ذکر منبع آن صورت گیرد در جمله جرائم سرقت به حساب می آید. جرائم مربوط به نشر و مطبوعات و اطلاعات در قانون اسلام بنام جرائم معنوی یاد می شود. جرائم معنوی آن نوع جرم را می گویند که شعور و احساس و کرامت و شرف انسان را متضرر سازد.<sup>362</sup>

اکثر قوانین کشورهای شرقی و اسلامی به هدف حمایت استبداد و مبارزه با فکر آزاد و خاموش ساختن صدای مردم میباشند. در ماده هشتاد فقره الف قانون مصر آمده: هر شخص در اوقات جنگ اخبار و بیانات و شائعه دروغ و مغرضانه را نشر کند و نشر آن به ضرر مسائل نظامی و ضعیف شدن معنویات مردم باشد محکوم به حبس مدت کمتر آن شش ماه و زیادتر از پنج سال و جریمه مالی کمتر از صد پوند و زیادتر از پنجاه پوند نباشد محکوم می گردد. در ماده 102 قانون و وسائل اطلاع رسانی جمعی آمده: شخصی که شائعات کاذب را به نشر بسپارد و یا آنرا تحریر کند و به طبع رساند و دارالنشر که آنرا به نشر رساند از 24 ساعت تا 3 سال زندان محکوم می شود.<sup>363</sup>

<sup>361</sup> تعیین میکند. ابو زهره «الجريمة في الفقه الإسلامي»، ص 166.

<sup>362</sup> الطعيمات: الضرر المعنوی بین العقوبة و التعويض، ص 73، الصلاحين التعويض عن الأضرار المعنوی، ص 406.

<sup>363</sup> السعيد مصطفى السعيد «الأحكام العامة في قانون العقوبات» 1963، ص 106. (<http://repository.nauss.edu.sa/bitsream/handle>).

انترنیت وسیله جدید برای نشر آراء و بیان و تعبیر است. محققین انترنیت را اتصالات سریع می دانند و در تعریف انترنیت می گویند: شبکه انترنت ارتباط بین شبکه ها است.<sup>364</sup>

مشکل انترنیت در این است که دانشمندان فکر معاصر اسلامی و نهضت های اسلامی قدرت کنترل آنها ندارند. انترنیت انتقال جرائم را بیشتر ساخته است خصوصاً جرائم که مربوط به فکر و نشر و اظهار رأی و عقیده و تعبیر و اخلاق و حیاء باشد.<sup>365</sup> در بین کشور های اسلامی اگر افغانستان بطور مثال و نمونه انتخاب شود، دیده می شود که وسائل اتصالات الکترونی در بدل نفع ضرر آن برای جامعه بیشتر میباشد و تا هنوز نظام کابل موفق نشده تا قوانین برای کنترل انترنیت و دیگر وسائل دستجمعی الکترونی وضع کند. در راپوری که شبکه بی بی سی از وسائل الکترونی جمعی در افغانستان به نشر رسانیده منبع خوب برای محققین جوان کشور می باشد و از مطالعه آن تأثیرات منفی انترنیت بالای فکر و اخلاق جامعه افغانی ملاحظه می شود.

در راپور بی بی سی که خانم زینب محمدی تحت عنوان «از تصاویر برهنه تا حساب های جعلی، درد سرهای زنان افغان در فیسبوک» تهیه کرده می خوانیم:

گفته می شود که در حال حاضر شمار کاربران شبکه های اجتماعی در افغانستان به یک میلیون و سیصد هزار نفر رسیده است، از این تعداد یک میلیون نفر از فیسبوک، دو صد هزار نفر از توئیتر و یکصد هزار نفر دیگر از سایر شبکه های اجتماعی استفاده می کنند. اما افزایش شمار کاربران شبکه های اجتماعی در افغانستان به دور از جنجال نبوده و

<sup>364</sup>. ابو الحجاج، 1998، ص 18.

<sup>365</sup>. عمر سعید رمضان «دروس فی علم الإجماع» القاهرة دار النهضة العربية، ص 175، همچنان: احمد فتحي سرور «نظرات فی عالم متغير» القاهرة، دار الشروق، 2003، ص 48.

بسیاری از کاربران این شبکه‌ها، بخصوص فیسبوک و مخصوصاً زنان، از مزاحمت‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی برای آنها ایجاد شده، شاکی هستند.

وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان گفته است که کار بر روی افزودن یک فصل به قانون رسانه‌های این کشور برای قانونمند ساختن استفاده از شبکه‌های اجتماعی آغاز شده است.

خانم مژگان مصطفوی، معاون مطبوعاتی این وزارت گفته است که این کار را برای کاهش «مشکلات و موارد منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی چون تهمت، تهدید، استفاده از حساب‌های جعلی و بخصوص توهین به زنان» آغاز کرده‌اند.

از جمله کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، خانم سمیرا سادات، خبرنگار آزاد می‌نویسد: مردان تصاویر برهنه خود را برایم می‌فرستند. او اضافه می‌کند باید نهاد و مرجعی برای رسیدگی به این مشکلات باشد، گاهی این مشکلات اعتماد به نفس زنان را از بین می‌برد و حل آنها، زنان را بیشتر به فعالیت‌های اجتماعی تشویق می‌کند.

خانم منیره یوسف زاده، فعال حقوق زنان می‌گوید: آزار و اذیت زنان حالا از دنیا حقیقی وارد دنیای مجازی شده است. حالا آزار و اذیت از دروازه مکاتب و تلفن به فیسبوک رسیده است.

خانم مریم دانش، دانشجو می‌گوید: با فرستادن پیام‌های عاشقانه می‌خواهند هم کلام شان شوم.

خانم فاطمه عارفی، دانشجو می‌گوید: مزاحمان همیشه پیام‌های مزخرفی می‌فرستند و نظرات توهین‌آمیز و زشت زیر پست‌های ما می‌نویسند. حتی اگر حساب شان را بلاک کنید، باز حساب جعلی دیگری می‌سازند و شروع به مزاحمت دوباره می‌کنند و باز مجبور هستی بلاک شان کنی.

خانم آناهیتا فردوس می گوید: معمولاً در کشور های دیگر اگر شخصیت مشهوری باشی در شبکه های اجتماعی در امان نیستی. اما وقتی افغان باشی وزن باشی و یک زندگی عادی هم داشته باشی از مزاحمت های فیسبوکی در امان نیستی. از پیام های غیر اخلاقی و تهدید آمیز گرفته تا حساب های جعلی با نام های مستعار.

خانم شریفه مهراد، دانشجو می گوید: به نامم و با استفاده از عکس هایم بارها حساب های جعلی ساختند. اما مزاحمت ها به اینجا ختم نمی شود چت های یک طرفه، تقاضای های غیر اخلاقی و حتی تهدید را هم شامل می شود<sup>366</sup> سایت «من راننده ی کابل تاکسی هستم، Kabul TAXI» مشکلات بزرگ را برای اداره امنیت ملی افغانستان بار آورده است. این سایت که از طرف اشخاص یا شخص مجهول اداره میشود از روش حکومت و رجال دولت و رهبران جهادی انتقاد میکند. اداره عمومی امنیت ملی روند تحقیق را از شماری از خبرنگاران به اتهام گردانندگی این صفحه باز کرده است و تا حال اداره ای امنیت ملی با عده از خبرنگاران تحقیق کرده است.

برخی از کاربران از نیروی های امنیت ملی انتقاد کرده و نوشته اند: «به جای گرفتاری راننده کابل تاکسی، راننده لاری هایی را گرفتار کنید که بمب گذاری می کنند».

ملحدین و مرتدین از شبکه های الکترونی بزرگترین استفاده را دارند. ملحدین و مرتدین در کشورهای عربی با استفاده از فیسبوک، تویترو یوتیوب نظریات الحادی را پخش می کنند. شعبه مطبوعاتی بی بی سی تحقیقات مفصل و جامع را در مورد شبکه های اجتماعی در جهان عرب

366. بی بی سی، فارسی، صفحه افغانستان، 23 اگست 2015.

انجام داده است و صفحه ملحدین بعض از کشورهای عربی را باز و این راپور را می آورد.

صفحه « ملحدین تونس » این صفحه ده هزار عضو دارد ، صفحه ملحدین سودان ، سی هزار عضویت دارد و شبکه ملحدین سوریه چهل هزار عضو دارد. تویتر بیننده و مشترکین زیادتر در جهان عرب دارد بطورمثال «أراب أئیست » هشتاد هزار عضو دارد . هدف از وسائل الکترونی هدم دین است و دین را زیر نام «هدم خرافات دین با استفاده از وسیله عقل » این عمل اجراء می شود . در یوتیوب ملحدین عرب شبکه های متعدد را دارند و برای جلب توجه اشتراک کنندگان خود فیدو ها و کلپ های ضد دین اسلام را زیر عنوان های «خرافات الدین» به نمایش میگذارند. همچنان برنامه تلویزیون مستقیم بنام «العقل الحر » عقل آزاد از طریق انترنیت پخش می شود .<sup>367</sup> انترنیت و وسایل تکنالوژی معاصر اگر از آن استفاده سلیم و مفید صورت گیرد برای ارتقاء فکر و فرهنگ و ثقافت جامعه بسیار مفید میباشد . در پهلوی استفاده های غیر اخلاقی از انترنیت و وسایل جمعی الکترونی جوانان معاصر استفاده های بسیار مفید می کنند . دکتور علی العمری در تحقیق خود از انتقال معلومات بواسطه وسایل الکترونی می گوید که در مدت بیست و چهار ساعت 90 میلیون معلومات تنها در عربستان سعودی پخش می شود . او اضافه میکند که انترنیت روش فکری جوانان مصر ، سعودی و یمن را کاملا تغییر داده و اکثر تغییرات فکری مفید و مثبت میباشد . وسایل جمعی الکترونی فرهنگ و ثقافت میراثی را تجدید نمود . دکتور العمری قیام انقلابات بهار عرب را با اینکه در مصر به ناکامی مواجه شد از نتایج اتصالات الکترونی در جامعه عرب می داند و امیدوار است که انقلابات عسکری و نظامهای فاشیستی با

<sup>367</sup> بی بی سی ، 31 اگست 2015 ، قسم المتابعة الإعلامية .

اینکه از طرف اسرائیل و امریکا حمایت می‌شوند بالآخر سقوط می‌کند و فکر معاصر اسلامی در نهایت به پیروزی می‌رسد.<sup>368</sup>

علت مراقبت و تحقیق نظامهای استبدادی در کشورهای اسلامی از کار بران و مسائل الکترونی جلوگیری از انتقادات علیه نظام است نه کنترل و حفظ مسائل اخلاقی و اجتماعی. خانم شهزاد اکبر، رئیس نهاد جامعه باز در افغانستان می‌گوید: معمولاً در کشورهای در حال جنگ، هنگامی که مشکلات امنیتی اوج می‌گیرد و حکومت توان حل این مشکلات را ندارد، تلاش می‌کند رسانه‌ها را زیر فشار قرار دهند.

افغانستان قانون که در مورد کار برد شبکه‌های اجتماعی صراحت داشته باشد، ندارد اما مسئولان وزارت اطلاعات و فرهنگ این کشور گفته‌اند در حال کار روی چنین قانون هستند.<sup>369</sup>

### خصوصیت های جرائم انترنیت

1. جرائم انترنیت جریمه عادی و به روش قدیم نیست بلکه جریمه است که توسط متخصصین و آنانکه قدرت استفاده از عقل الکترونی را دارند می‌باشد.
2. جرائم انترنیت تا حال در ساحة جهانی حل نشده و بعض دول قوانین جدید را برای منع نشر جرائم انترنیت روی دست دارند.
3. اکثر جرائم انترنیت جرائم آسان و آرام Soft Crimes است به عبارت دیگر جرائمی است که با خشونت همراه نمی‌باشد.
4. جریمه است که نمیتوان مرتکب آنرا یافت و شناخت زیرا در بسیاری موارد از اسماء و عناوین مستعار استفاده میشود و قربانیان این

<sup>368</sup>. قناة مکلمین الفضائية 2016 / 4 / 9.

<sup>369</sup>. بی بی سی، همان مرجع.

نوع جرائم به جهات رسمی به دلیل حفظ آبرو و عزت خود اطلاع نمی دهند .

5. اکثراً کشور های عقب مانده یا جهان سوم قربانی جرائم اینترنتی اند.<sup>370</sup>

مراقبت جرائم اینترنتی ضرورت بین المللی است و همکاری جهانی را می خواهد و یک دولت به تنهایی قادر به کنترل جرائم اینترنت نیست. در سال 1989 جامعه اروپا یک تعداد قوانین را جهت جلوگیری از جرائم اینترنتی وضع کرد اما تجربه به اثبات رسانید که تدوین و وضع قوانین به تنهایی قادر به کنترل جرائم نیست .

در 15 / 8 / 2015 ، حکومت انقلاب مصر قانون جدید را زیر نام « قانون مبارزه با تروریسم » به نشر سپرد . در قانون جدید برای کسانی که سایت الکترونی برای نشر و پخش افکار ترور باز میکنند به هفت سال زندان محکوم می شوند . خبرنگاران و وسائل نشرات اگر اخبار مربوط به ترور را خلاف اعلامیه رسمی دولت به نشر بسپارند به دو صد هزار تا پنج صد هزار پوند مصری جریمه می شوند و این جزاء شامل کسانی نیز می شود که اخبار را خلاف اعلامیه وزارت دفاع به نشر می سپارند . آنانکه اخبار را غیر از منابع رسمی دولت در مورد مخالفین دولت و حرکت های تروریستی به نشر می سپارند محکوم به اعدام و یا 25 سال حبس میشوند . نشر عکس از داخل محکمه بدون اجازه محکمه قطعاً ممنوع است و مرتکب آن زندانی می شود .<sup>371</sup> اتحادیه خبرنگاران و انجمن های حقوقی قانون جدید را انتقاد شدید کردند و آنرا مخالف آزادی بیان و

<sup>370</sup> جمیل عبدالباقی « القانون الجنائی و التکنالوجیا الحدیثة » دار النهضة العربیة ، 1992 ، ص 15 ، و مدحت رمضان « جرائم الاعتداء علی الأشخاص و الإنترنت » دار النهضة العربیة ، 2000 ، ص 21 .

<sup>371</sup> بی بی سی 2015 / 8 / 16 .

تعبیر دانستند خصوصاً که قانون جدید بین نقد و انتقاد از دولت و عمل تروریستی تفاوت نمی گذارد و هر نوع نقد و نشر اخبار را بدون اجازه رسمی از حکومت عمل تروریستی می داند.

<sup>372</sup> تدوین قوانین و تسلط دولت بالای وسایل اطلاع رسانی جمعی نمی تواند حل مشکلات جوانان معاصر در کشورهای اسلامی باشد. برای حل مشکلات اخلاقی جوانان باید قبل از وضع قوانین ریشه مشکلات بررسی و بحث و طریق حل آن جستجو شود. مشکلات جوانان در جهان اسلام و افغانستان تقریباً یکی است. حرمان از ازدواج بسبب فقر و رسم و روجهای غیر اسلامی و آزادی های غیر اخلاقی مثل موسیقی و رقص

<sup>372</sup>. دکتور ناول عبدالهادی «العدل» العدد الحادی و الثلاثین ، رجب 1437 ، ص 126 تا 144 و غازی عبدالرحمن هیان الرشید «الحماية القانونية من جرائم المعلوماتية (الحاسب و الانترنت)» كلية الحقوق ، الجامعة الإسلامية ، لبنان ، 2004 ، ص 92 ، و همچنان مراجعه شود [www.khayma.com/education-technology/study33.htm](http://www.khayma.com/education-technology/study33.htm) و <http://www.univ-technology/study33.htm>

قوانین اظهار رأی و بیان و تعبیر از طریق اینترنت و رسیدن به منابع و تحقیقات علمی بزبان عربی به آدرس ذیل مراجعه فرماید <http://www.tb.ask.com/search/GGmain.jhtml?searchfor> و

<http://ar.wikipedia.org/wiki/> و بحث های قانونی در مورد جرائم اینترنت مراجعه شود به ( <http://mohamedaddlnaby2010.wordpress.com> ) و <http://www.dralmani.com/Research.asp> و

جرائم الحاسب الآلی فی الفقه الإسلامی « پوهنتون غزه ، [http://www.ummta.da/IMG/pdf\\_Youcef.pdf](http://www.ummta.da/IMG/pdf_Youcef.pdf) ) . و عبیر علی محمد النجار «الإعلامية فی الفقه الإسلامی» ، الجامعة الإسلامية - غزه ، [Library.iugaza.edc.ps/thesis/8688f.pdf](http://Library.iugaza.edc.ps/thesis/8688f.pdf) و <http://www.eastlaws.com> ) ، دکتور حسین بن سعید الغافری « جهود السلطنة فی مواجهة جرائم الإنترنت» ، ( <http://www.eastlaws.com> ) .

و محمد قطب «رؤية إسلامية لأحوال العالم المعاصر» ص: 246 و «كيف ندعو الناس» صفحات 43-72 ، [www.alukah.net/sharia/0/6460/](http://www.alukah.net/sharia/0/6460/) .



دختران جوان در حضور جوانان و افلام سیمنائی و درامه‌های تلویزیونی مسائل جنسی را بین دختران و پسران جوان شعله‌آور می‌سازد و جوانان برای اشباع جنسی به انترنیت و فیسبوک نزدیک می‌شوند و با استفاده از این وسیله جدید اشباع جنسی می‌نمایند.

### مشکلات میدیا و مطبوعات معاصر اسلامی

مطبوعات و وسایل اطلاع‌رسانی جمعی بصورت عموم در جهان اسلام به فقر فرهنگی و روش غیر واقعی رو برو است. پیروی از فرهنگ و ثقافت نامعقول و افکار قومی و مذهبی و نژادی و مسائل اطلاع‌رسانه جمعی و مطبوعات اسلامی را صدمه داده است. تسلط احزاب سیاسی و قبیله‌ای و مذهبی و نژادی بالای وسائل نشر و مطبوعات و میدیا از یکطرف و تسلط فکر و عقل و روش مطبوعات و رسانه‌های غرب از طرف دیگر عامل مهم در انحراف میدیا اسلامی میباشد. میدیا اسلامی از روش علمی و اکادمی و نقد بنیاد فاصله دارد و میتوان ضعف و ناتوانی میدیا اسلامی را به نقاط ذیل خلاصه نمود:

1. روش مطبوعات اسلامی از روش بحث و تحقیق علمی فاصله دارد و زیر نظر سیاست دولت و تسلط سرمایه‌داران فعالیت دارد.
2. میدیا اسلامی استراتیجی و برنامه طویل‌مدت ندارد و از سیاست روز و روش سیاسی قائم در دولت پیروی می‌کند.
3. مطبوعات و وسائل نشرات در جهان اسلام از رأس یعنی بالا شروع و به پائین می‌رسد باین معنی که در خدمت زعامت سیاسی بوده قاعده ملی ندارد و از مشکلات جامعه بی‌خبر بوده آنچه را رأس دولت بخواهد آنرا بدون نقد و دقت به نشر میرساند.
4. مطبوعات و رسانه‌ها در جهان اسلام در خدمت سلطه سیاسی و احزاب سیاسی و قومی و نژادی و مذهبی است و وسیله برای نشر ثقافت میراثی و افکار قومی میباشد. در افغانستان بعد از اشغال نظامی و تشکیل حکومت و حدت فساد و تحت حمایت، مطبوعات

در خدمت اهداف سیاسی و قومی قرار گرفت و هر قوم و هر مذهب برای اهداف خود و وسائل نشرات را تأسیس نمود. میدیا معاصر در تفرقه اندازی بین ملت واحد نقش مهم دارد.

5. بی نظمی و بی تفاوتی در روش اخلاقی میدیا معاصر اسلامی را از وظیفه اصلی آن دور ساخته است. میدیا و وسائل نشرات در جهان اسلام در خدمت نشر افکار غیر اخلاقی و نمایش افلام و درامه ها و رقص و پا کوبی دوشیزه گان مسلمان و غیر مسلمان بنام دیموکراسی و آزادی که منافی اخلاق اسلام است میباشد. نمایش صحنه های غیر اخلاقی در میدیا معاصر اسلامی عامل نشر فساد اخلاقی است.

### وسائل اصلاح میدیا معاصر اسلامی

از نظر مفکرین معاصر اسلام إحیا فرهنگ و ثقافت اسلام و تربیت جوانان تربیه اسلامی بهترین وسیله برای اصلاح مطبوعات و وسایل جمعی میباشد.

استقلال و وسایل جمعی و مطبوعات از تسلط دولت و احزاب سیاسی و بزرگان قومی و ایجاد همکاری صادقانه بین رجال مطبوعات برای تحقق بخشیدن سه هدف ، تبادل افکار Echang ، معلومات و تبلیغ Transfert و تأثیر گذاشتن Impact میتواند وسیله مفید برای اصلاح میدیا معاصر اسلامی باشد.<sup>373</sup>

<sup>373</sup>. عامر عبد زید « إشكالية الخطاب الإعلامي و التحول الديمقراطي العربي » ، الحوار المتمدن ، العدد 3608 ، [www.ahewar.org/sho.art.asp?aid=291607](http://www.ahewar.org/sho.art.asp?aid=291607)

[https://www.maaber.org/issue\\_march13/spotlights4.htm](https://www.maaber.org/issue_march13/spotlights4.htm)

<https://units.imamu.edu.sa/Conferences/smumc/Documents>

<http://www.ahewar.org/debat/show.art>

<http://www.acrseg.org/39222>

<http://site.iugaza.edu.ps/jdalou>

[http://www.mohamedrabeea.com/book1\\_195.docx](http://www.mohamedrabeea.com/book1_195.docx)

### مشکلات فکر و عقل معاصر مسلمانان و طریق علاج آن

فکر و عقل ثقافت و فرهنگ جامعه را می‌سازد و از جانب دیگر فرهنگ و ثقافت تأثیر مستقیم بالای فکر و عقل جامعه می‌گذارد به این ترتیب رابطه بین فکر و عقل و فرهنگ و ثقافت رابطهٔ ازدواجی و غیر قابل جدایی است. اسلام ثقافت و فرهنگ مسلمانان را می‌سازد و اگر دین از فرهنگ و ثقافت جدا شود فرهنگ و ثقافت اسلامی به فرهنگ و ثقافت غیر اسلامی تبدیل می‌شود.

دانشمندان مشکل فرهنگ و ثقافت معاصر اسلامی را در تفسیرنصوص اسلامی بدون در نظر داشت شرایط زمان و مکان می‌دانند و برای حل این مشکل مدرسهٔ تفسیر نصوص اسلامی را بنام تفسیر موضوعی تأسیس کردند.

افراط و تفریط صدمهٔ بزرگ به اصل اسلام وارد کرد و فکر و عقل مسلمانان را از جادهٔ صواب منحرف ساخت و مسلمانان در برابر یکدیگر قرار گرفتند و یکدیگر را متهم به کفر ساختند و علیه یکدیگر اسلحه کشیدند که در نتیجهٔ آن فرهنگ صلح و برادری به فرهنگ جنگ و دشمنی تبدیل گردید. افراط و تفریط نه تنها صدمه بر روش فکر و عقل و مسایل اجتماعی مسلمانان وارد کرد بلکه صدمه به اصل دین نیز وارد ساخت و اسلام بصفهٔ دین خشونت در جهان معرفی شد.<sup>374</sup>

در بین کشور های اسلامی میتوان دولت مغرب را بصورت نمونه انتخاب کرد. دانشمندان معاصر مملکت مغرب ثقافت و فرهنگ معاصر مغرب را نزدیک به فرهنگ و ثقافت عصر جاهلیت می‌دانند. قضیهٔ لباس نیمه برهنه دو دوشیزهٔ مغربی بتاريخ 7/ 2015 بحث فرهنگی و ثقافتی را در کشور مغرب باز کرد و اکثر متفکرین مغرب انتقاد از فرهنگ و ثقافت میراثی و غیر اسلامی در مغرب نمودند و

<sup>374</sup>. أفاق، aafaqcenter.com/index.plp/post/1545

دعوت به اصلاحات در ساحت فرهنگ و ثقافت نمودند. دانشمندان مغرب مشکلات اجتماعی کشور مغرب را نتیجه فرهنگ و ثقافت وارد شده از خارج می دانند.<sup>375</sup>

روش تفکر و تعقل معاصر مسلمانان در نتیجه استبداد داخلی و فقر علمی و عدم مسئولیت علماء و بسته شدن باب اجتهاد و عدم توجه به نصوص قرآن کریم و سنت نبوی و عدم فهم عده از مسلمانان از فقه مصلحت و وسط و تقلید از میراث گذشته سیر نزولی را گرفت. در ساحت عقیده خرافات و قصه های غیر حقیقی و نا معقول دینی داخل عقاید و فرهنگ مسلمانان شد. فساد اجتماعی و رابطه قبیلوی و نژادی و زبانی جای اخوت را گرفت. در ساحت اقتصاد فساد و ظلم اقتصادی و سود جای اقتصاد اسلامی را گرفت و بطور عموم فرهنگ و ثقافت و روش عقلانی و فکری مسلمانان از فرهنگ و ثقافت اسلامی فاصله یافت و فرهنگ نا معقول جانشین فرهنگ معقول گردید و دشمنان اسلام با استفاده از اوضاع جامعه اسلامی فرهنگ قبل از اسلام را احیاء کردند و مسلمانان را متوجه فرهنگ های قبل از اسلام ساختند.<sup>376</sup> در عدم توجه مذاهب و مدارس فکری از مقام و منزلت عقل، عقل زندانی شد و مسلمانان توجه بیشتر به فرهنگ و ثقافت میراثی و خرافات نمودند و این روش ادامه یافت تا اینکه عقل معاصر مسلمانان مریض و ناتوان شد و قدرت مقاومت را از دست داد.

و وظیفه مهم دولت اسلامی پنج چیز است که یکی آن حمایت عقل است. برای حمایت عقل سه عنصر مهم ضرورت است: تعلیم، و سایل اطلاع رسانی جمعی یا مطبوعات و ثقافت و فرهنگ. برنامه های مفید تعلیمی و مطبوعات سلیم و ثقافت عالی در حمایت عقل و آزادی آن نقش مهم

<sup>375</sup> . BBC ، 2015/7/9 .

<sup>376</sup> . صلاح الدین المنجد «الإسلام والعقل» طبع بیروت، دار الکتب الجدید ، 1976 ، صفحات 17 ، 20 .

دارد اگر این سه عنصر صحیح نباشد و بصورت صحیح و منظم از آن استفاده نشود عقل و فکر از رشد باز می ماند..

اعتقاد به اشیاء غیر واقعی و خرافات و تقلید از روش نادرست اجداد عامل مهم زندانی شدن عقل و تفکر آزاد است. اسلام مردم را دعوت میکند تا خرافات و قصه های غیر واقعی و اسرئیلیات که داخل فرهنگ و ثقافت اسلام گردیده و مسلمانان آنرا دین تصور کرده اند بگذارند زیرا تصدیق خرافات و قصه های غیر واقعی مانع تفکر آزاد میشود و عقل را مریض می سازد. انسان برای تصدیق هر حکایت و قصه دلیل داشته باشد و هر آنچه بدون دلیل است خرافات و غیر حقیقت است. در قرآن کریم می خوانیم: «و قالوا لن یدخل الجنة إلا من کان هودا أو نصاری تلك أمانیهم قل هاتوا برهانکم إن کنتم صادقین» (البقرة: 111). و گفتند {یهود و نصاری} هر گز به بهشت نرود جز طایفه یهود و نصاری، این آرزوهای {باطل} ایشان است، بگو {ای پیغمبر} برهان آورید اگر راست می گوئید. قرآن کریم از مسلمانان میخواهد تا عقائد فاسد و غیر حقیقت را نپذیرند و برای صدق قول دلیل و برهان بخواهند.<sup>377</sup>

امامان بزرگ و مجتهدین کرام مسلمانان را از تقلید منع و اجازه نمی دانند آنچه بغیر از قرآن و سنت است بدون فهم و دقت و تعقل و تفکر قبول کنند. امام مالک میگوید: کلام هر انسان را میتوان گرفت و رد کرد مگر کلام صاحب این قبر یعنی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم. امام احمد می گوید مرا تقلید نکنید، مالک و شافعی و ثوری را تقلید نکنید و بگیرد از هر جا که میخواهید. از امام شافعی روایت شده اگر حدیث صحیح ثابت شود آن مذهب من است و قول مرا به دیوار بزنید.

امام ابو حنیفه می گوید: من بشر هستم و خطاً می کنم ، قول مرا به کتاب و سنت میزان کنید<sup>378</sup>

دکتور محمد عماره با تمام احترام که به مذاهب فقهی داشت باین عقیده بود که ابو حنیفه و مالک و شافعی فقه را از واقعیت های زندگی عصرشان نه از واقعیت های زندگی معاصر مسلمانان تدوین کردند. دکتور عماره مردم را از تقلید مذهبی منع میکند و به تفکر آزاد در ساحت اسلامی دعوت می نماید. اقوال محمد عماره باین معنی نیست که او به مذاهب تقدیر و احترام نداشت و مسلمانان را از پیروی نظریات امامان مذاهب منع می نمود و یا دعوت به لا مذهبی می نمود بلکه هدف او تصحیح فکر مسلمانان از تقلید مذهبی است.<sup>379</sup> مرحله اول آزادی عقل عدم تقلید و متابعت و پیروی بدون تفکر و تعقل و تدبر از روش گذشته گان است. قرآن کریم در قصص انبیاء متابعت و پیروی از روش اجداد را مانع قبول مردم از دعوت انبیاء علیهم السلام می داند و مثالهای زیاد را برای پند می آورد. در قصه حضرت هود علیه السلام می خوانیم «أَجْتِنَا لِنُعْبِدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذُرَ مَا كَانَ يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَتْنَا بِمَا تَعْدُنَا إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (الأعراف: 70). گفتند: «آیا به سوی ما آمده ای که تنها خدا را بپرستیم و آنچه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ اگر راست می گویی ، آنچه را به ما وعده می دهی برای ما بیاور.». متابعت و پیروی غیر عاقلانه قوم هود از اجداد و میراث گذشته گان مانع قبول شان از دعوت حضرت هود شد .

<sup>378</sup> محمد البهی «الفکر الإسلامی فی تطوره» القاہرہ مکتبہ و ہبہ 1981م، ص 10 .

[www.islamstory.com/books](http://www.islamstory.com/books)

<sup>379</sup> دکتور محمد عماره «معالم الروش الإسلامی» ص 139 .

<sup>380</sup> . <https://www.goodreas.com/book/show/718105> . و دکتور حسن

الترابی «تجدید الفکر الإسلامی» ص 24 ، sudanonline.com .

در جای دیگری می خوانیم: «و إذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا أولوكان آباءهم لا يعلمون شيئاً ولا يهتدون» (المائدة: 104). و هنگامیکه به آنها گفته شود به سوی آنچه خداوند نازل فرموده و به سوی رسول خدا بیایید، گفتند: آن {دینی} که ما پدران ما را برآن یافته ایم برای ما کافی است، آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند و هدایت نمی یافتند {بازهم} فرزندان شان کورکورانه از آنها پیروی می کنند؟}. در آیه مبارکه دیگری می خوانیم: «و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه آباءنا أولوكان آباءهم لا يعقلون شيئاً ولا يهتدون» (البقرة: 170). و چون به ایشان گفته شود: آنچه را خداوند نازل فرموده است پیروی کنید گویند بلکه پیروی کنیم آنچه را که پدران خود را بران یافته ایم، آیا {بایست آنها تابع پدران باشند؟} در حالیکه پدران شان چیزی رانمی فهمیدند و نه راه راست {به سوی ایمان و هدایت} یافته بودند.

بهمین ترتیب ده ها آیه در قرآن کریم است که مسلمانان را از تقلید کورکورانه اجداد و گذشته گان منع میکند. تقلید از اجداد بدون علم و ادراک مانع آزادی عقل و تفکر آزاد است لذا قرآن کریم مسلمانان را متوجه این موضوع می سازد. اکثر مسلمانان معاصر به عقل مرده ها زندگی دارند و به عقل گذشته گان تفکر می کنند و حل مشکلات معاصر را در نظریات قرن‌ها قبل جستجو می نمایند به عبارت دیگر در قرن بیست و یکم زندگی دارند لیکن به اساس قرن چهاردهم تفکر و تعقل می کنند. در بین جامعه مدنی و دانشمندان معاصر کسانی اند که از مسائل قومی و زبانی و مذهبی و برتری یک قوم بر قوم دیگر حمایت می کنند و متأسفانه تا هنوز نتوانسته اند از تقلید گذشته گان در همچو مسائل بیرون شوند و عقل خود را از زندان تقلید آزاد سازند و پیروی عقاید غیر صحیح اجداد را بگذارند و در امور زندگی باساس زندگی

معاصر فکر نمایند. <sup>381</sup> اسلام انسان را امر میکند تا فکر و عقل خود را از قید و زندان و تقلید بزرگان و رهبران قومی و سیاسی آزاد سازند و در مسائل زندگی عقل و فکر خود را مقیاس قرار داده و نگذارند تا دیگران برای شان تفکر و تعقل کنند زیرا در عدم تفکر آزاد و تعقل سلیم عقل و وظیفه خود را از دست میدهد. شرط نیست که بزرگان و صاحبان سلطه دائما در حق باشند. عرب ها قبل از اسلام باین تصور و خیال بودند که هر آنچه بزرگان فکر می کردند صحیح و باید متابعت می شد در حالیکه قرآن کریم می گوید که بزرگان و زعمای شان در حق نبودند. قرآن کریم پیروی از رهبران و رؤساء و بزرگان را به این عبارت بیان میکند: « و قالوا ربنا انا اطعنا سادتنا و کبراءنا فأضلونا السبیل » (الأحزاب: 67) . و گویند: پروردگارا، ما رؤسا و بزرگان خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند. در جای دیگر می خوانیم: « أولو کان آباؤهم لا یعقلون شیئا و لا یهتدون ». (البقرة: 70) . در حالیکه پدران شان چیزی را نمی فهمیدند و نه راه راست { به سوی ایمان و هدایت یافته بودند } .

بعض مرشدین طریقه های تصوفی عقل و فکر مرید را کنترل و برای مرید اجازه تفکر و تعقل آزاد را نمی دهند البته این حکم بالای تمام طریقه های تصوفی صدق نمی کند و یک حکم عام نیست . همچنان عدّه از استادان برای شاگردان شان اجازه بحث آزاد را نمی دهند و شاگردان را مکلف به تقلید خود می کنند. این روش سبب می شود تا انسان قدرت تفکر و تعقل را از دست بدهد. <sup>382</sup>

<sup>381</sup> . الدكتور یوسف القرضاوی « أولویات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة » 2001 م ، صفحات 50-51 .

<sup>382</sup> . فضل غنی مجددی « مراحل تکوین تصوف و حرکت اصلاحی آن » از نشرات فقه اسلامی ، امریکا نوامبر 2011 و همچنان امیر شکیب ارسلان « حاضر العالم الإسلامی جلد 2 ، ص 173 و سید ابو الحسن علی حسنی ندوی « تفسیر سیاسی اسلام » صفحات 130 131 و 12/07/2013 01/01/2013 ، [www.qaradawi.net](http://www.qaradawi.net) .



پیروی از اکثریت بدون تفکر و تعقل عامل مهم زندانی شدن عقل و فکر است و ممکن است اکثریت در خطأ و اشتباه باشد. پیروی از اکثریت باید با فکر باز و عقل سلیم باشد و انسان عاقل اگر ملاحظه نمود که اکثریت در خطأ است نباید از آن پیروی کند و باید در موضوعات و مسائل عقل و فکر خود را مقیاس حق و باطل قرار دهد. در قرآن کریم می‌خوانیم: «ولا تقف ما لیس لك به علم إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولاً» (الإسراء: 36). و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه در مورد پریشش واقع خواهند شد.<sup>383</sup>

بسته شدن باب اجتهاد فکر و عقل مسلمانان را صدمه زد و مسلمانان برای حل مشکلات معاصر عاجز و ناتوان شدند. اجتهاد عمل فکری و عقلی است. عقل و فکر در فهم نصوص شرعی مجتهد را کمک می‌کند. اسلام انسان را به هر مقام و منزلت اجتماعی و علمی باشد اجازه نمیدهد تا وحی الهی را تغییر و حکم الهی را تبدیل و تأویل نماید. بعضی باین عقیده اند که دین را مطابق زمان و مکان تجدید می‌نمایند. تجدید دین معنی آن تغییر دین نیست بلکه شرح دین به روش و زبان معاصر است. علامه محمد الغزالی این نوع اجتهاد را فساد برای دین خدا می‌داند و عامل آنرا ملحد می‌نامد و اضافه می‌کند که تجدید دین معنی آن این نیست که مقام و منزلت دین را به هوی نفس تغییر و تبدیل کرد.<sup>384</sup> علمای معاصر برای حل مشکلات معاصر اجتهاد فردی را مفید نمی‌دانند. روش جدید اجتهاد معاصر روش جمعی یعنی فیصله جمع از

<sup>383</sup> . مسعوداومری «العقل و حرية و التفكير فی الإسلام» 2013/5/1 ، [www.alukah.net/culture/0/54329](http://www.alukah.net/culture/0/54329) .

<sup>384</sup> . محمد الغزالی «کیف نفهم الإسلام» دارالقلم، دمشق 2000 م ، صفحات 167-168 و همچنان ، حسن الترابی «تجدید الفکر الإسلامی» ص 24 و همچنان ، محمد عمارة «معالم الروش الإسلامی» ص 139 .

علماء و مجتهدین در یک قضیه و یا اجتهاد توسط مجمع علمی و دارالافتاء است. همچنان علمای معاصر باین نظر هستند که در بین اعضای مجامع علمی و دارالافتاء علماء در تخصصات غیر شرعی مثل علوم اجتماعیات و سیانس و اقتصاد و سیاست عضویت داشته باشند

385

علامه یوسف القرضاوی به این نظر است تا در هر قاره دارالافتاء تأسیس شود زیرا مشکلات معاصر مسلمانان در امریکا و اروپا نسبت به مشکلات مسلمانان در کشورهای اسلامی و افریقا و آسیا تفاوت می کند. علامه القرضاوی در مورد اجتهاد دستجمعی یا اجتهاد جمع از علماء می گوید: اجتهادی که امروز به آن ضرورت داریم، اجتهاد جمعی است که بصورت دستجمعی مجمع فقهاء در یک امر از امور معاصر اجتهاد کنند و احکام را بعد از مطالعه و بررسی و دقت و به آزادی کامل بدون فشار حکومت ها و مردم عوام بیان کنند.<sup>386</sup> دکتور نبیل علقم باین عقیده و نظر است که تأسیس مراکز و مجامع علمی برای حل مشکلات معاصر زمانی مفید واقع میشود که ادبیات جدید و معاصر در مسائل اجتهادی بکار برده شود و وظیفه مجتهد معاصر تنها حل مشکلات نیست بلکه ارتقاء فکری مسلمانان به سویه جهان امروز است. آزادی عقل برای برداشتن مانع اجتهاد در تکوین و ساختار فرهنگ و ثقافت اسلامی معاصر کمک می کند و اجتهاد معاصر باید فرهنگ و ثقافت

<sup>385</sup>. فضل غنی مجددی «مطالعة تمهیدی در فقه حنفی و جعفری» صفحات 163 - 164-165.

<sup>386</sup>. دکتور یوسف القرضاوی «من أجل صحوة الإسلامیة» ص 49. و القرضاوی «بینات الحل الإسلامی و شبهات العلمانیین و المغتربین»، ص 78.

معاصر اسلامی را تجدید و آنچه از فرهنگ نا معقول داخل فرهنگ معقول اسلامی شده آنرا بیرون سازد.<sup>387</sup>

ظن یعنی گمان و خیال عامل زندانی شدن عقل و فکر است . بعض اوقات ظن بحیث یک حقیقت قبول می شود در حالیکه صحت آن به اثبات نرسیده است . ظن در بسا موارد و مواقع ضد فکر و عقل کار می کند و انسان مظنون ، انسان فاقد شعور و عقل است .

---

<sup>387</sup> .دکتر نبیل علقم «الثقافة العربية و التجديد الإسلامی» ص 385 .

## اصلاح فرهنگ و ثقافت

قطع رابطه با ثقافت و فرهنگ میراثی و ثقافت غرب مقدمه برای آزادی فکر و عقل معاصر است به عبارت دیگر قطع رابطه با ثقافت و فرهنگ نامعقول و بازگشت به فرهنگ و ثقافت معقول فکر و عقل را حمایت و از قید آزاد می سازد. اگر عقل انسان معاصر از تسلط ثقافت نامعقول آزاد شود راه برای بناء ثقافت معقول آماده می شود. قرائت صحیح از قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم مسلمانان را برای بناء ثقافت معقول کمک می کند و نفی آنچه از اسلام نیست و داخل اسلام شده و مسلمانان آنرا اسلام فکر کرده اند اولین قدم برای رسیدن به اصلاح فرهنگ و ثقافت و تأسیس فرهنگ معاصر است .

عدم معرفت مسلمانان از ثقافت دیگران سبب شد تا کشورهای اسلامی یکی بعد از دیگر بدست دشمنان اسلام سقوط کند . قرآن کریم مسلمانان را از این خطر هوشدار می دهد و می گوید: « ولا یزالون یقاتلونک حتی یردوکم عن دینکم إن استطاعوا ...» ( البقرة: 217 ) ، و کافران پیوسته با شما در جنگ اند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین تان برگردانند. علامه محمد الغزالی در تفسیر آیه مبارکه می نویسد تا چه وقت در امور کسانی که در اطراف ما زندگی دارند جاهل و نادان باشیم. الغزالی دو وسیله را برای امت اسلامی جهت رسیدن به معرفت خود و دیگران معرفی می کند:

الف - ارتقاء فرهنگ اسلامی و جمع معلومات از فرهنگ و ثقافت دیگران تا بدانیم که با چه کسانی طرف هستیم و آنها را چطور مخاطب سازیم. معرفت داشتن به سویه علمی و پیشرفت صنعت و فرهنگ و مدنیت جهان معاصر و مطالعه و بررسی افکار سیاسی و اسرار قوت نظامی که غیر مسلمانان به آن رسیده اند مسلمانان را کمک می کند .

ب- مبارزه با فرهنگ ناقص و غلط و انحراف فکری که سبب دوری مسلمانان از کتاب خداوند و سنت رسول الله شده است. پاک سازی فرهنگ و ثقافت که اصل دین را مشوش ساخته و بیرون کردن آنچه از کتاب و سنت نیست و داخل فرهنگ معاصر اسلامی شده است. <sup>388</sup>دکتور یوسف القرضاوی با نظریات امام الغزالی موافق است و میگوید عقب گرائی مسلمانان و مشکلات که جامعه ای اسلامی به آن مواجه است سبب آن افکار و نظریاتی است که از منابع غیر اسلامی وارد فرهنگ و ثقافت اسلامی شده است. دانشمندان مشکلات معاصر فکری و عقلی مسلمانان را در روشنی دو آیه مبارکه بحث می کنند. « أولوکان آباؤهم لا یعقلون شیئا ولا یهتدون» (البقرة: 170). در حالیکه پدران شان چیزی را نمی فهمیدند و نه راه راست (به سوی ایمان و هدایت یافته بودند)؛ و «تحسبهم جمیعا و قلوبهم شتی ذلک بأنهم قوم لا یعقلون» (الحشر: 14). آنان را متحد می پنداری ولی دلهایشان پراکنده است، زیرا آنان مردمانی اند که نمی اندیشند. به معنی دیگر مصلحت ایشان یکی نیست.

آیه اول مسلمانان را دعوت میکند تا از نا معقولیت با اینکه از میراث گذشته گان است متابعت و پیروی نکنند و آیه دوم مسلمانان را متوجه می سازد با اینکه ربع باشندگان کره زمین را تشکیل می دهند لیکن قلوب شان با هم یکجا نیست. قرآن کریم مسئولیت تفکر و تعقل را مشترک می داند.

هر دو آیه مبارکه حقیقت زندگی معاصر مسلمانان را بیان و نشان می دهد. ما قومی هستیم که قلوب ما با یکدیگر نیست به دلیل اینکه تعقل نمی کنیم و معقولیت نزد ما به نا معقولیت تبدیل شده است و نمی

<sup>388</sup> محمد الغزالی « تراثنا الفکری فی میزان الشرع و العقل » ، طبع سوم 1992 ،

توانیم از نا معقول که از اجداد به میراث رسیده بیرون شویم. تاریخ اسلامی شاهد است تا زمانیکه فرهنگ و ثقافت عقلانی در جامعه حاکمیت داشت عقل مسلمانان بیدار بود و اما در نتیجه انحراف از فرهنگ معقول عقل مسلمانان فلیج و از تفکر باز ماند و جامعه اسلامی در تمام ساحات علمی و فکری جامد و راکد شد.<sup>389</sup> دکتور نبیل علقم در بحث خود از فرهنگ و ثقافت معاصر مسلمانان باین نتیجه می رسد که مسلمانان زمانی به آزادی فکری و عقلی و سیاسی میرسند که رابطه خود را با فرهنگ و ثقافت میراثی و فرهنگ و ثقافت غربی قطع و از زندان فرهنگ میراثی آزاد شوند. اگر عقل از تسلط نا معقول آزاد شود راه برای بناء ثقافت معقول آماده و فکر و عقل مسلمانان معاصر از جمود و خمود بیرون و در بناء و تعمیر زمین سهم فعال می گیرند.<sup>390</sup>

<sup>389</sup> محمد آرکون «این هو الفكر الإسلامی، المعاصر» ص 3 و محمد عمارة «معالم الروش الإسلامی» فرجینا، المعهد العالمی للفکر الإسلامی و الازهر الشریف، 1991، ص 57.

<sup>390</sup> دکتور نبیل علقم «الثقافة العربية و التجديد الإسلامی» ص 379.

## آزادی عقیده و دین

دکتر محمد الزحیلی در مقدمه کتاب ب خود «الحرية الدينية في الشريعة الإسلامية- أبعادها و ضوابطها» در موضوع آزادی های دینی می نویسد: حریت دینی از اولویات دعوت انبیاء و رسل و شعار اول هر نبی و رسول بود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آزادی دینی را اعلان و قرآن کریم در آیات متعدد آزادی عقیده و انتخاب دین را تثبیت نمود. بعضی از زمامداران مستبد و اشغالگران، دین را وسیله برای رسیدن به اهداف خود ساختند و زیر نام دین بر مردم ظلم روا داشتند به عبارت دیگر دین را در خدمت اغراض اقتصادی و سیاسی خود قرار دادند. متفکرین اسلام باین عقیده اند که حریت دینی یکی از مقدس ترین حق انسان است و دین ارتباط به عقیده و ایمان و فکر و قلب دارد. در فرهنگ اسلامی دین جزء فطرت انسان است و با انسان یکجا تولد میشود. استاد سعید کامل معوض حریت اعتقاد و آزادی دینی را مقام ارجمند می دهد و می نویسد: آزادی اعتقاد مادر تمام آزادی ها است.<sup>391</sup>

### حریت دین در قرآن کریم

از منظور قرآن کریم حریت دین ارتباط به عقل و فکر و اراده و اختیار آزاد دارد و انسان از منظور قرآن کریم دین را بعد از مطالعه و قناعت و آزادی کامل قبول می کند. قرآن کریم با صراحت مطلق از آزادی عقیده با متوجه ساختن انسان از اشتباه در انتخاب دین حرف می زند و انسان را به انتخاب صحیح و سالم رهنمائی می کند. خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: «لا إكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي» (البقرة: 256). در دین { در امر داخل شدن در دین اسلام } اجبار نیست، به تحقیق که راه هدایت از گمراهی جدا و روشن گردیده. آیه مبارکه انسان را رهنمائی به

<sup>391</sup>. (382) (سعید کامل معوض «حقوق الإنسان في الإسلام، مقالات، ص 81).

اختیار و انتخاب صحیح می سازد و ضمنا انسان را متوجه مسئولیت هایش درانتخاب و اختیار دین میکند . خداوند آیه مبارکه را به این ترتیب خاتمه می دهد: «من یکفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها ، و الله سمیع علیم» . پس هرکه از طاغوت { کفر و معبودان باطل که مایه طغیان و سرکشی گردد } انکار نماید و به خداوند ایمان آرد بدون شک بدست آویزی محکم چنگ زده است که هرگز نخواهد گسست ، و خداوند شنوا ، دانا است .

خداوند در آیه مبارکه دیگر در باب حریت دین می فرماید: « و لو شاء ربک لآمن من فی الأرض کلهم جمیعا ، أفانت تکره الناس حتی یکون مؤمنین» . ( یونس: 99 ) . و اگر پروردگارتو می خواست ، قطعاً هرکه در زمین است همه آنها یکسر ایمان می آوردند . پس آیا تو مردم را ناگزیر می کنی که بگردند ؟ یعنی ایمان بیاورند . در این آیه مبارکه خداوند سبحانه و تعالی کلمه اکراه را ذکر می کند . قرآن کریم اجبار و اکراه را در قبول دین نفی میکند به دلیل اینکه اکراه اسقاط یا سقوط و نفی عقل و سلب اراده و اختیار آزاد است و اکراه روش تسلط و فساد و را ایجاد میکند .

خداوند رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را اینطور خطاب می کند: « إنک لا تهدی من أحببت ، و لکن الله یهدی من یشاء» ( القصص: 56 ) . در حقیقت ، تو هرکه را دوست داری نمی توانی راهنمایی کنی ، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می کند ، و او به راه یافتگان داناتر است .

در آیه دیگر می خوانیم: « نحن أعلم بما یقولون ، و ما أنت علیهم بجبار فذکر بالقرآن من یخاف وعید» ( ق: 45 ) . ما به آنچه می گویند داناتریم ، و تو به زور وادارنده آنان نیستی ، پس به { وسیله } قرآن هرکه را از تهدید { من } می ترسد پند ده .



سورة الكافرون در زمانی نازل شد که مشرکین مکه با مسلمانان در مورد ایمان و عبادت خداوند بحث میکردند و یکی از پیشنهاداتشان این بود که یک دوره مسلمانان خدیان ایشان را پرستش کنند و یک دوره ایشان خداوند مسلمانان را پرستش می کنند. قرآن کریم این موضوع را برای گذشته، حال و آینده روشن می سازد و می فرماید: بگو: «ای کافران آنچه می پرستید، نمی پرستیم و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید و نه آنچه پرستیدید من می پرستم و نه آنچه من پرستم شما می پرستید، دین شما برای شما و دین من برای خودم.» در آخر آیه قرآن آزادی عقیده و دین را تثبیت میکند و می گوید: دین شما برای شما نمونه از تسامح و مبارزه علیه تعصب است.

قرآن کریم انسان را به سوی دین حق یعنی اسلام که دین فطرت است دعوت میکند. خداوند می فرماید: «فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم» (الروم: 30). با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است، آفرینش خدای تغییر پذیر نیست. این است همان دین پایدار.

امام مسروق در سبب نزول آیه مبارکه 256 سورة البقره می گوید: مردی از قوم بنی سالم بن عوف دو پسر داشت و هر دو قبل از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم عیسوی شده بودند. دو برادر با گروهی از انصار به مدینه آمدند و با خود طعام داشتند و از پدر خود دعوت کردند تا با ایشان طعام بخورد، پدر شرط خوردن طعام را اسلام آوردن شان گذاشت اما پسران اسلام را نپذیرفتند و پدر و فرزندان نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم رفتند. پدر گفت: یا رسول الله پسرانم به دوزخ داخل می شوند و من می بینم؟ در این وقت آیه مبارکه لا اکراه فی الدین نازل شد.

رسم و رواج در قبیله اوس و خزرج بود که اگر زنی حمل نمی کرد خانواده اش نیت میکرد اگر طفل دار شوند طفل خود را نذر کنند و او را یهودی

سازند. روی این عقیده بعض جوانان اوس و خزرج یهودی شدند. هر دو قبیله به دین اسلام مشرف شدند و اراده کردند تا پسران خود را به اسلام برگردانند و ایشانرا از دین یهودیت خارج سازند با اینکه بین مسلمانان و یهودان جنگ شدید جریان داشت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اجازه ندادند تا اوس و خزرج با استفاده از وسیلهٔ اکراه دین پسران خود را تغییر دهند و آنها را بوسیلهٔ اکراه مسلمان سازند. ابن جریر در سبب نزول آیه مبارکه «لا اکراه» از عبد الله بن عباس و سعید بن جبیر و السدی و مجاهد و الشعبی و دیگران روایت میکند که این آیه لا اکراه فی الدین در حق قومی از انصار نازل شد زیرا ایشان بعد از اسلام آوردن می خواستند پسران خود را با استفاده از فشار و اکراه به اسلام داخل سازند.<sup>392</sup>

لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی، اسلام حریت دین و دینداری را بیمه و تضمین میکند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم زمانیکه به مدینه رسیدند در مدینه یهود و نصارا زندگی داشتند، رسول الله (ص) آزادی عقیده و دین را اعلان کردند و هیچکس را مجبور به قبول اسلام نساختند. امام شافعی نظریه و قول عجیبی را در مسأله آزادی دین می آورد و می گوید برای مسلمان اجازه نیست تا اسلام را برای زن کتابی خود یعنی از اهل کتاب پیش کند یعنی او را به اسلام با فشار دعوت نماید و این عملکرد تجاوز و تحدی به دین او است.<sup>393</sup>

ابن کثیر در تفسیر آیه مبارکه لا اکراه فی الدین می گوید: مردم را برای قبول به اسلام مجبور نسازید و این واضح و دلیل قاطع و برهان است که ضرورت و احتیاج برای تفسیر ندارد یعنی برای قبول اسلام اجبار نیست. در منطق اسلام کسیکه تحت اکراه و فشار دین را قبول کند نه برای

<sup>392</sup>. جامع البیان (407/5 / 412) و تفسیر ابن جریر 1/295.

<sup>393</sup>. الحریة فی الفکر الإسلامی، [www.aljazeera.net#4L](http://www.aljazeera.net#4L).

تفسیر القرآن العظیم (1/294).

خودش و نه هم برای اسلام مفید تمام میشود. ابن کثیر ادامه داده می نویسد: عدم اکراه برای قبول اسلام اصل است و اسلام احتیاج به اکراه بسبب اینکه واضح و با دلالت است ندارد. امام القفال می گوید خداوند امر ایمان را به روش اکراه و جبر نگذاشت بلکه به اساس اختیار و قناعت گذاشت.<sup>394</sup>

سید قطب در تفسیر و معنی آیه لا اکراه می نویسد در مبدأ عدم اجبار به قبول دین کرامت انسان تجلی می کند و خداوند انسان را مخلوق با کرامت خلق کرده است. احترام و اراده آزاد و شعور انسان و ترک امور برای انسان بهترین خصوصیت و نمونه از آزادی در اسلام است.

بعض علماء و در بین شان امام ابن حزم باین عقیده اند که آیه لا اکراه منسوخ است و دلیل که برای قول خود از حدیث می آورند نه از قرآن کریم. رأی ابن حزم را علم ناسخ و منسوخ نمی پذیرد و نزد علماء نسخ آیه نیست مگر به آیه دیگر و سنت دلیل نسخ آیه نمی تواند باشد. در قرآن کریم نسخ به این معنی آمده « ما ننسخ من آیه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها » آنچه از آیتی را نسخ کنیم یا فراموشش سازیم بهتر از آن یا مانند آنرا بیاوریم.

امام السیوطی رحمه الله آیات منسوخ شده را که به 21 آیه میرسد جمع می نماید و در بین آیات منسوخ شده، آیه لا اکراه فی الدین شامل نیست. امام السیوطی و امام شافعی آیه کریمه لا اکراه فی الدین را اساس حکم اسلام در باب آزادی عقیده می آورند.<sup>395</sup> شیخ محمد عبده و رشید رضا عقیده دارند که در اسلام آیه مبارکه لا اکراه فی الدین قاعده اساسی در اسلام و رکن عظیم از ارکان سیاست اسلامی است و از جمله آیات منسوخ نیست.

<sup>395</sup>. مصطفی شلبی « اصول الفقه الاسلامی » جلد 1 ص 195.

دکتور محمد الزحیلی حریت عقیده را به این معنی می آورد: حریت دین ارتباط به عقل و فکر، اراده آزاد و اختیار و قناعت انسان دارد، زیرا دین از قلب منبع میگیرد و تسلط بالای قلب نیست مگر از جانب خداوند. دکتور الزحیلی ادامه داده می نویسد: حریت دینی از مهمترین حق انسان در زندگی است زیرا دین یکی از ضرورت های پنجگانه است بل دین مهمترین و أهم این ضروریات به حساب می آید تا درجه بی که شریعت حریت دینی را از حق زندگی مقدمتر می داند و برای این منظور شریعت اسلام قوانین حمایت دین و آزادی دینداری را وضع کرده است. حریت دین برای انتخاب و اختیار اقوال و افعال بدون اکراه و فشار و اجبار از طرف دیگران است.<sup>36</sup>

اصطلاح آزادی عقیده در تاریخ معاصر اسلامی از میراث فرهنگ غرب و فکر سیکولریزم است. اصطلاح آزادی عقیده در محیطی نشو و نمو کرده که دین در خدمت استبداد و طغیان بود و روحانیون و رجال الدین عیسوی ضد علم و فرهنگ بودند لذا اصطلاح آزادی عقیده در تاریخ قدیم و وسیط اسلام زیاد مورد بحث نبود به دلیل اینکه آزادی عقیده یک اصل قبول شده در شریعت اسلام و عقیده مسلمانان بود.<sup>37</sup> اسلام برای قبول عقیده اصول خاص دارد و مهمترین اصل آن قناعت و مجادله و مناظره آزاد به روش و اسلوب حسنه است. اسلام روش جبر و فشار را در دعوت برای قبول دین نمی پذیرد. قرآن کریم مبدأ حریت دین را تضمین و اکراه را برای قبول و دعوت به دین بشدت منع می کند. جنگ ها بین مسلمانان و غیر مسلمانان سبب آن تحمیل دین و اکراه مردم به قبول اسلام نبود. قرآن کریم مسلمانان را به زندگی مسالمت آمیز با پیروان ادیان دیگر امر می کند «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشیطان». ای کسانی که ایمان آورده اید به سلم

<sup>36</sup> دکتور محمد الزحیلی «الحرية الدينية في الشريعة الإسلامية» ص 369

<sup>37</sup> دکتور عبداللہ بن عبدالمحسن الترمکی «حقوق الإنسان فی الإسلام».

داخل شوید و از برنامه های شیطان متابعت و پیروی نکنید. قرآن کریم مسلمانان را دعوت و امر به زندگی مشترک و مسالمت آمیز با پیروان تمام ادیان می نماید.<sup>398</sup>

در ادبیات و فرهنگ اسلام جواز نیست تا دین و شخصیت های محترم دینی را با کلمات و جملات نامناسب یاد کرد. حریت دین از انسان میخواهد تا تمام افکار و نظریات ادیان احترام شود. احترام عقائد و افکار و نظریات ادیان جزء از فرهنگ و روش انتخاب آزاد عقیده در اسلام است.<sup>399</sup> اسلام اجازه نمی دهد معتقدات دیگران را به تمسخر گرفت و تمسخر به معتقدات دیگران از اخلاق عالی و اسلام نیست. دکتوره آل فرید در این مورد می نویسد بنام حریت و آزادی بالای عقیده مردم حمله میشود و مقدسات دینی احترام نمی گردد در حالیکه احترام به مقدسات دینی احترام به دین است و مقدسات دینی جزء از عقیده برای پیروان هر دین است. اسلام احترام مقدسات تمام ادیان را حتمی و ضروری می داند و اجازه نمیدهد بالای مقدسات دینی دیگران تجاوز شود.

شیخ سلمان بن فهد العوده در مورد تهاجم و حمله بعض اشخاص به شخصیت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و دفاع از شخصیت آنحضرت صلی الله علیه و سلم میگوید: دفاع از رسول اکرم نباید به اسلوب خارج از ادب و به الفاظ غیر اخلاقی و یا تهدید به قتل باشد. دفاع از شخصیت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و مقدسات دینی باید به روش مدنی و قانونی و رفتن به محکمه باشد.<sup>400</sup> رسول اکرم صلی الله علیه و

<sup>398</sup>. محمد عبدالفتاح الخطیب «حرية الرأي في الاسلام صفحات 51-68».

<sup>399</sup>. دكتور الفضيل «حریت عقیده»، [sasid.net](http://sasid.net).

<sup>400</sup>. أفاق «مرکز أفاق للدراسات والبحوث، تحقیق المقدسات، Aafaq Center . «For Research and Studies» .

سلم در اولین قانون اساسی در مدینه منوره آزادی عقیده را برای یهودان و پیروان ادیان دیگر برسمیت شناخت و در اعلامیه ای که در تاریخ اسلامی بنام «الصحیفه النبویة» یاد میشود، یهودان را با مسلمانان امت واحد اعلان کرد. در فتح مکه مکرمه با اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم قوت و قدرت کافی برای اجبار قریش به قبول اسلام داشت از آن استفاده نکرد و فرمود اذهبوا فأنتم الطلقاء، بروید شما آزاد هستید<sup>401</sup>.

حضرت عمر رضی الله عنه بعد از تسلیم شدن بیت المقدس برای مسیحیان امان داد دین و کلیسا و صلیب را آزاد گذاشت و به مقدسات دینی عیسویان توهین و اهانت نکرد و آزادی دینی را در فلسطین تأمین و تضمین نمود و برای تأمین و حفظ آزادی عقیده حاضر نشد در کلیسا نماز بخواند تا نشود این روش را مسلمانان تعقیب نمایند و در آینده به حریت دینی مردم صدمه وارد شود.<sup>402</sup> روش رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و روش خلفای راشدین و چند قرن اول اسلامی نمونه از آزادی دین و احترام ادیان است. اسلام آمد تا حریت دینی را نه تنها برای مسلمین و مؤمنین تضمین کند بلکه برای پیروان تمام ادیان تضمین کرد. در تضمین آزادی عقیده دکتر محمد الزحیلی می نویسد: اسلام حریت دینی را برای هر شخص حفظ و تضمین نمود. حریت دین به نصوص قطعی قرآن کریم و سنت نبوی ثابت است و دولت اسلامی حمایت و حفاظت حریت دین را برای تمام باشندگان در ساحة قلمرو اسلامی تضمین و حفظ نمود و روش اکراه را در دعوت به اسلام منع ساخت و عبادتگاه های تمام ادیان را مصئون و حفظ نمود. علماء اسلام و

<sup>401</sup>. ابن هشام «السیرة النبویة» 2/411 و الطبری «تاریخ الأمم و الملوک» 2/55 و ابن کثیر «البدایة و النهایة» 4/301.

<sup>402</sup>. [www.ar.islamway.net/artical/7488](http://www.ar.islamway.net/artical/7488).

مفکرین اجازه ندادند تا غلو و تعصبات دینی به حق آزادی دینی دیگران صدمه وارد کند.<sup>403</sup>

شیخ یوسف القرضاوی در نفس موضوع در صفحه تویتر خود می نویسد: اسلام فکر را با فکر و شک را با حجت و دلیل مقابله می کند. اسلام اکراه و اجبار را در قبول فکر و عقیده نمی پذیرد و همچنان اسلام شدت را در دعوت قبول ندارد. القرضاوی در مورد وسیله جهاد در نشر عقیده می گوید جهاد که اسلام آنرا فرض می سازد تنها با شمشیر نیست جهاد در اسلام با قلب و زبان و حجت و بیان و علم و تعلیم است.<sup>404</sup> اسلام نمی خواهد دین بازیچه بدست گروه از مردم باشد. یهود ها یگروز مسلمان و روز دیگر از دین خارج میشدند و یا یک هفته در اسلام می ماندند و هفته ای بعدی از اسلام بر می گشتند. اسلام این وضعیت را تأیید نمی کند. داخل شدن به دین را اسلام آزاد و به اراده مردم گذاشت و شرط قبول و داخل شدن به اسلام را مطالعه و قناعت دانست باین معنی که داخل شدن به اسلام به کمال آزادی و قناعت حق مسلم هرانسان است اما خارج شدن و ارتداد از دین خدا را اسلام به اراده آزاد نگذاشت.<sup>405</sup>

اسلام آزادی عقیده را مقید به دو بعد می سازد:

1. حریت در بعد شخصی باین معنی که شخص آزاد است تا در مورد اعتقادات خود فکر کند و به هر نتیجه که بعد از تفکر میرسد معتقد

<sup>403</sup>. دكتور محمد الزحيلي « الحرية الدينية في الشريعة الإسلامية » ص 370 .

<sup>404</sup> . qaradawi.net/new/takareer/8142-2015-08-23-33-57 ، یکشنبه 23

اگست 2015 .

<sup>405</sup> . الإسلام و الحريات الفكرية و الدينية ، سایت یوسف القرضاوی ، دوشنبه 4 می

2015 .

آن شود بشرطیکه این روش در دایره فکر شخص باقی مانده و در این نوع اعتقاد شخص مسئولیت اعتقادات خود را در روز قیامت در مقابل خداوند سبحانه و تعالی خودش دارد.

2. حریت دینی و اعتقادی در بعد اجتماعی. به عبارت دیگر آیا فرد آزاد است تا معتقدات خود را که بعد از تفکر آزاد آنرا قبول نموده در جامعه بصورت علنی اظهار نماید و مردم را به معتقدات خود دعوت کند چه بصورت فردی و یا دستجمعی، سری و یا علنی.

در بعد شخصی و اجتماعی حریت در تفکیر و اعتقاد دینی از نظر فکر اسلامی به دلیل اینکه هر حکم دینی در منع و اجازه و محدودیت ها و ضوابط آن که بالای مصلحت و فساد جامعه تأثیر مستقیم دارد متفاوت است. در تفکر معاصر اسلامی اعتقاد در بعد انفرادی و یا فردی تأثیر آن برای مصلحت و فساد جامعه نسبت به بعد اجتماعی آن کمتر است لذا تفکر اسلامی معاصر حریت شخص را در قبول معتقدات دینی نا دیده گرفته اما در بعد اجتماعی آنرا جواز نمی داند.

### تعریف دین و مفهوم اعتقاد در فرهنگ معاصر اسلامی

عقیده در ادبیات زبان گرفته شده از فعل «عقد» و در اصطلاح تصدیق عقیده چه صحیح و چه باطل باشد و معتقد ایمان کامل و قوی داشته باشد که عقیده اش کاملاً صحیح است. عده عقیده را اینطور تعریف می کنند: فکر کلی از کائنات و حیات و انسان قبل از آن و بعد از آن.<sup>406</sup> عقیده در اصطلاح خاص «عقیده اسلامی» ایمان به خداوند و ملائکه و کتب و رسل و زندگی بعد از مرگ و ایمان به قدر خیر و شر آن.<sup>407</sup>

<sup>406</sup>. القاموس المحيط ماده «عقد» ص 383 و همچنان المجمع الوسیط (مجمع اللغة العربیة 2/ 614).

<sup>407</sup>. برای فهم بیشتر از تعریف و اصطلاح عقیده به کتب عقائد مراجعه فرماید و میتوانید از آدرس ذیل مجموع از کتب و مقالات را مطالعه فرماید: علی الطنطاوی



تعریف دین: دین ایمان و عمل است، ایمان به قدرت ما فوق که حیات انسان و جمیع کائنات را در کنترل خود دارد و عمل عبارت از بجا آوردن فرائض و شعائری است که دین سماوی آنرا فرض کرده و هدف از اداء شعائر و فرائض تسلیم به امر خالق و جلب رضایت او .

در لسان عرب در ماده دین آمده: دین یعنی اطاعت و از کلمه دین لفظ دیان گرفته شده است و دیان یکی از اسماء الله سبحانه است که معنی آن حکم و قاضی و قهار است. علامه دکتور محمد الزحیلی برای دین این تعریف را می آورد: الدین وضع الهی است برای رهنمائی به حق در اعتقادات، و بطرف خیر در روش و معاملات<sup>408</sup> یوم الدین یعنی روز جزاء. دین به معنی حساب چنانکه در قرآن کریم آمده «الرحمن الرحیم. مالک یوم الدین» (الفاتحه: 4). بخشاینده مهربان. مالک روز جزا { روز پاداش بندگان }<sup>409</sup> دین رابطه بین انسان و خداوند است، و فعل عبادت نتیجه ایمان بعد از قناعت است یا ایمان مطلق و تسلیم به آنچه خارج از ساحت عقل بشر و ادراک او است و عمل نتیجه ایمان است. <sup>410</sup> کلمه دین شامل تمام ادیان سماوی و غیر سماوی است مثلاً دین عیسویت و یهودیت و دین زردشتی و غیره و همچنان کلمه دین مفرد است و قابل جمع است مثل ادیان. اسلام جمع را قبول نمی کند باین معنی که نمی توانیم بگویم اسلام ها. اسلام مستقل بذات خود و غیر

« تعریف عام بدین الإسلام » ، file://definition of islam%20(1) pdf ، Ar.islamway.net , Goodreads.com , mawdoo3.com, iqraa.com , islamhouse.com , we3rb.net/t59158 , [www.binbazorg.sa/mat/8772](http://www.binbazorg.sa/mat/8772) , [www.daawa-info.net/books1](http://www.daawa-info.net/books1)

<sup>408</sup> . دکتور محمد الزحیلی « الحرية الدينية في الشريعة الإسلامية ، ابعادها و ضوابطها » ص 369 .

<sup>409</sup> . المعجم المفهرس لألفاظ القرآن مادة (دی ن) .

و

[www.alkalema.net/3arab/deen.htm](http://www.alkalema.net/3arab/deen.htm))

410

. <https://www.youtube.com/watch?v=3UmcBJU>

قابل تقسیم و جمع است. قرآن کریم اسلام را دین پسندیده نزد خداوند می‌داند. در قرآن کریم می‌خوانیم: «إن الدين عند الله الإسلام» (آل عمران: 19). بی‌شک که دین پسندیده نزد خداوند اسلام است «و من یتبع غیر الإسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین» (آل عمران: 85). و هر که غیر از اسلام دینی اختیار کند پس هرگز از وی پذیرفته نشود و او در آخرت از زیان کاران است.

اسلام نسبت به ادیان سماوی تعریف مختلف و خاص دارد و در عقیده مسلمانان اسلام نظام مستقل و قانون شامل و کامل برای زندگی در دنیا و آخرت است به عبارت دیگر اسلام نظام و سیستم برای زندگی بشر در دنیا و نجات در آخرت است و خداوند سبحانه و تعالی بغیر از دین اسلام دیگر ادیان را قبول ندارد. خداوند دین اسلام را دین مختار و قبول شده برای خود میداند و اما برای قبول آن انسان را آزادی مطلق داده است.

در تعریف اسلام حدیث مبارک است که راوی آن حضرت عمر فاروق است و حدیث مبارک بنام حدیث جبرئیل یاد میشود. در حدیث مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اسلام را اینطور تعریف میکند: «الإسلام أن تشهد أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله و تقيم الصلاة و تؤتي الزكاة و تصوم رمضان و تحج البيت إن استطعت إليه سبيلا». اسلام آن است که گواهی دهی بآنکه نیست هیچ معبودی بحق مگر خدا و گواهی دهی که به تحقیق محمد فرستاده خدا است بسوی مردم برای تبلیغ احکام دین اسلام، و برپاداری نماز را، و بدهی زکات را، و روزه داری در ماه رمضان، و قصد کنی خانه کعبه را و مناسک حج را بگذاری اگر توان رفتن را بآن داشته باشی.<sup>411</sup> اسلام روح و نور و هدایت برای زندگی و شفاء برای هر مرض است. اسلام جواب دهنده به سه سؤال مهم در زندگی است:

<sup>411</sup>. مولوی عبدالقدیر شهاب «اسلام چیست و ایمان چیست؟» از نشرات فقه اسلامی

از کجا آمدیم؟ ، و برای چه آمدیم ، و به کجا بر می گردیم؟<sup>412</sup>

### آزادی اعتقاد

ایمان بخداوند و عقیده به وحدانیت در رأس و مقدمه تمام عقاید و معتقدات اجمالا و تفصیلا قرار دارد. سیدنا آدم علیه السلام زمانیکه بزمین آمد با خود عقیده توحید را آورد لیکن به مرور ایام مؤسسان مدارس و مکاتب فلسفه نظری و صاحبان حکمت های دینی در صفات خداوند تعریفات مختلفه را آوردند که منافی عقیده و اصل توحید بود و نظریات فلسفی عقیده توحید را صدمه زد.<sup>413</sup> مقصد از اعتقاد ایمان و باور داشتن بجمله مفاهیم و افکاری است که انسان معتقد آنرا حق میداند. آزادی اعتقاد یعنی حریت انتخاب و اختیار برای قبول مفاهیم و افکار که انسان از راه تفکر آزاد و یا بوسائل دیگر مثلا از راه تبلیغ و دعوت به او میرسد. مفاهیم و افکار و نظریات در مجموع معتقدات شخص را می سازد و انسان یقین و باور می داشته باشد به آنچه که معتقد است حق است و شرط در قبول عقیده در منظور اسلامی این است که انسان عقیده را بعد از تفکر آزاد نه از راه و روش اکراه و فشار خارجی بپذیرد و به آن ایمان کامل و یقین صادق داشته باشد و به معتقدات خود شک نداشته باشد به عبارت دیگر در حالت یقین و نفی نباشد.

حقیقت اعتقاد در نزد معتقد تکمیل نمیشود مگر اینکه به آنچه اعتقاد می کند در قلب خود آنرا تصدیق و در ظاهر آنرا عملی نماید و حریت اعتقاد معنی ندارد تا تصدیق قلبی و عمل ظاهری یکجا نباشد و معتقد به آنچه اعتقاد میکند آنرا عملی نسازد.

<sup>412</sup>. برای تعریف فوق به «الموسوعة الحریکیة» ، باب الأول- موضوع الدعوة ، فصل

الأول: تعریف الإسلام.<sup>412</sup>

<sup>413</sup>. فضل غنی مجددی «ایمان و توحید» از نشرات فقه اسلامی ، جون 2010 ، ص 4.

حریت اعتقاد بعد از تصدیق قلب ، اعلان معتقد از عقیده اش و بیان و شرح مفهوم عقیده ای قبول شده برای دیگران و به حریت عمل کردن به آنچه اعتقاد دارد و اداء شعائر تعبدی و گرفتن محفل برای مناسبت های دینی و تنظیم حیات فردی و خانوادگی و اجتماعی به اساس معتقدات دینی که انسان آنرا قبول کرده و به آن ایمان آورده است .

دعوت به معتقدات و نشر آن در جامعه و حق استفاده از وسائل مطبوعات و نشر در بیان و تفسیر اعتقادات و تشکیل محافل علنی برای اظهار و نشر عقیده از جمله حریت های دینی برای معتقد به عقیده است. شرط قبول عقیده تصدیق در قلب است و عقیده زمانی قابل قبول است که ظاهر و باطن انسان مطابق به آنچه معتقد است باشد .

در اعلامیه قاهره در ماده 10 در مورد آزادی عقیده آمده : «اسلام دین فطرت است و جواز نیست استفاده از وسایل اکراه و از فقر و جهالت انسان برای تغییر دین اش به دین دیگر و یا ملحد ساختن شخص».<sup>444</sup>

### مبایذ آزادی عقیده

1. تصدیق معتقد به اینکه عقیده او حق است.
2. اعلان از عقیده و تعبیر از آن به صورت : بیان از حقیقت عقیده ، شرح و مفهوم آن ، و استدلال به نصوص عقیده و حریت در عمل کردن به اساس عقیده مثل اداء شعائر تعبدی و انعقاد محفل برای مناسبت های دینی.
3. دعوت به اعتقاد و سعی برای نشر آن بین مردم با استفاده از وسائل نشرات .

<sup>444</sup>. جهت مطالعه نص کامل اعلامیه قاهره که از طرف کنفرانس اسلامی اجازه نشر آن داده شده است مراجعه فرماید به :

4. صاحب عقیده و حتی مرتد آزادی دارد تا نظریات و آراء خود را در مجمع علماء مطرح سازد بشرطیکه در دائره علمی و ضوابط علمی باشد.
5. معتقد به عقیده آزادی کامل دارد تا عقیده ای خود را در مجمع عمومی به شروط خاص: الف: عدم طرح افکار ضد اسلام. ب: عدم استهزاء و تمسخر به احکام اسلامی و نظریات و آراء مسلمین مطرح سازد.<sup>415</sup> بحث در مسأله و اصطلاح آزادی عقیده در مجامع علمی و کنفرانسها در جهان اسلام از او اخر قرن بیستم بصورت علنی آغاز شد. در مملکت هاشمی اردن سال 1413 بدعوت (مؤسسه آل بیت) کنفرانس برای بحث عقیده تشکیل یافت. اعضای کنفرانس عقیده را این طور تعریف کردند: «از حق هرانسان است تا هر دین را که میخواید انتخاب کند و به آن اعتقاد نماید و کس حق ندارد انسان را مجبور به ایمان آوردن به عقیده سازد که مخالف معتقدات و روش تفکر آزاد او باشد. حریت دین مشروط برین است تا آزادی دیگران را در معتقدات صدمه نزند. خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: «لا إكراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی» (البقرة: 256). و قول خداوند سبحانه و تعالی: «أفانت تکره الناس حتی یكونوا مؤمنین». (یونس: 99). آیا تو اجبار توانی کرد مردمان را که تا مسلمان شوند. و قول الله سبحانه و تعالی: «فذکر إنما أنت مذكر \* لست علیهم بمصیطر» (الغاشیة: 21-22). پس پسند ده جز این نیست که تو پسند دهنده ای \* نیستی برایشان گماشته شده. هدایت از جانب خداوند است و خداوند هادی و رحیم است.»

دکتور حسن محمد سفر حریت عقیده را اینطور تعریف میکند: «حریت عقیده یعنی انسان حق دارد تا به رضایت و آزادی کامل به کائنات و

1. الموسوعة الإسلامية، 11 / 6 / 2013 [www.balagh.com](http://www.balagh.com) .<sup>415</sup>

خالق و حیات و انسان بدون اکراه و فشار از طرف دیگران تفسیر و تحقیق کند.<sup>416</sup> آزادی عقیده در فرهنگ و ثقافت اسلامی تنها به تعریفات و حمایت معنوی خلاصه نمی شود بلکه اسلام قوانین را جهت حمایت آزادی عقیده وضع می کند. اسلام انسان را مکلف می سازد تا از عقیده خود دفاع کند حتی اگر ضرورت به استفاده از اسلحه نیز باشد و همچنان اسلام امر میکند تا از آزادی عقیده دفاع شود تا اینکه فتنه ظهور نکند.<sup>417</sup>

### فرق بین آزادی عقیده و ارتداد و مرتد

ردت و ارتداد در اصطلاح فقهاء کفر بعد از اسلام است و به نص قرآن کریم و سنت نبوی و اجماع مسلمین ارتداد یک عمل زشت است. در حکم مرتد بین دانشمندان معاصر اسلامی اختلاف نظر است و دلیل اختلاف در بین علماء در تعریف مرتد است باین معنی که آیا ارتداد جرم است و حکم آن تحت عنوان عقوبات می آید و یا اینکه ارتداد جریمه سیاسی است. به معنی دقیق تر آیا ارتداد و ردت خارج شدن از اسلام است یا مبارزه علیه اسلام؟ اگر ارتداد خارج شدن از دائره نظام سیاسی اسلام باشد در این حالت حکم آن تعزیری است.

ترس و خوف اعلان و اظهار مرتد از ارتداد و مرتد شدن در جهان اسلام سبب شده تا محققین نتوانند احصائیۀ دقیق از تعداد مرتدین بدست آورند. بی بی سی در راپوری که از مؤسسات رسمی بعض کشور های اسلامی تهیه کرده می نویسد: دار الافتاء مصر در راپور رسمی که در سال 2014 به نشر سپرد تعداد مصری های که مرتد شده اند به 866 نفر

<sup>416</sup> حسن محمد سفر «الحریات فی النظام الإسلامی» ص 29.

<sup>417</sup> [www.onislam.net/arabic/ask-the-scholar/8257-2004-08](http://www.onislam.net/arabic/ask-the-scholar/8257-2004-08).

می رسد در حالیکه راپور های غیر رسمی و مؤسسات غیر دولتی کسانیکه در مصر از دین اسلام مرتد شده اند به هزار ها نفر می رسند .

در سال 2014 شبکه های مطبوعات عربستان سعودی مطالعات دقیق راکه مؤسسه «وین غالوب الدولية للأبحاث» در موضوع مرتد جمع آوری شده بود به نشر سپرد . در این راپور آمده که 5٪ از باشندگان سعودی که اجمالی نفوس آن به 29 میلیون میرسد دین را ترک کرده اند.<sup>418</sup>

در گذشته ترک دین یک موضوع کاملاً سری و در دایره بسیار کوچک بود و مرتد جرأت اعلان ارتداد را نداشت زیرا قوانین کشورهای اسلامی حتی کشورهای که از نظام اسلامی در دولت حمایت نمی کردند این حق را برای اتباع خود نمی دادند تا بصورت علنی ارتداد خود را بیان کنند.

اما در عصر حاضر دیوار ها برهم ریخت و خوف و ترس جای خود را به تهاجم و صراحت داد و مرتدین با استفاده از وسائل و شبکه های الکترونی نظریات خود را به نشر سپرده مردم را به ارتداد و ترک دین دعوت می کنند . حرکت های افراطی و غلوی دینی و روش نامناسب عده از دعوتگران از یک طرف و مبارزه بین المللی علیه نهضت های علمی و معتدل اسلامی از جانب دیگر در تقویت فکر ارتداد کمک میکند . امریکا و اروپا در تقویت و حمایت نظامهای استبدادی و سیکولر در جهان اسلام فکراً الحاد و ارتداد را تقویت می نمایند . از جانب دیگر مؤسسات تبشیری (دعوت به عیسویت) از فقر مادی و معنوی و علمی مسلمانان و ضعف و ناتوانی علمای اسلام و سکوت شان در مقابل استبداد سیاسی و اشغال نظامی و فکرو وارد شده از خارج استفاده و در نشر عقیده عیسویت سعی می دارند و کتابهای ضد عقیده اسلامی را بزبانها مختلف بنشر سپرده بدون مقابل به اختیار

<sup>418</sup> بی بی سی ، قسم المتابعة الإعلامية ، 31 اگست / آب 2015 .

و مطالعه مسلمانان قرار می دهند و در نشر و توزیع کتاب مقدس سرمایه داران غرب میلیونها دلار صدقه می کنند .

مؤسسات رسمی و دارالافتاء در کشورهای اسلامی اسباب متعدد را در ارتداد مسلمانان از دین می آورند بطور مثال دارالافتاء در مصر سبب ارتداد را روش عملی تروریستها مسلمان و غلو فکری می داند و همچنان به نمایش گذاشتن قتل عام و اعدامات توسط حرکت‌های افراطی و تخریب مقابر و آثار تاریخی فکر الحادی را در بین جوانان بی دانش تقویت می کند . جریده «دیلی نیوز مصری» به نقل از دارالافتاء مصر می نویسد: دارالافتاء مصری «محلدین» را به سه گروپ تقسیم می‌کند :

1. کسانی که علیه دین اسلام قیام نمی کنند اما سیاسی ساختن نظام را به اساس اسلام رد و دعوت به نظام سیکولری در کشورهای اسلامی می نمایند .
  2. گروهی که اسلام را بصفه دین کاملانی ورد می نمایند .
  3. گروهی که از اسلام به دین دیگر رجوع می کنند.<sup>419</sup> دارالافتاء در مصر و مملکت عربستان سعودی از استبداد سیاسی و سکوت علماء و همکاری عده از علماء با نظامهای استبدادی و عسکری و عدم تطبیق عدالت اجتماعی در تقویت الحاد یاد نمی کنند . این صحیح است که روش افراط گرائی و غلو در دین میتواند ضدیت را نسبت به اسلام سبب شود لیکن سکوت علماء و همکاری شان با استبداد سیاسی و مستبدین و عدم دفاع از حقوق عامه و تطبیق عدالت اجتماعی و اشغال نظامی غرب اساس اول و عامل مهم در ارتداد از دین است .
- علماء در گذشته مسأله مرتد و ارتداد را با اینکه یک قضیه جدی و قابل تشویش در عصر شان نبود ، بحث و نتایج اباحت و تحقیقات خود را

<sup>419</sup>. بی بی سی ، 31 اگست 2015 .



به جامعه با تمام امانت سپردند دانشمندان معاصر تحقیق را در موضوع از سر نگرفته و در قضیه مرتد شرایط زمان و مکان و تغییرات که در جامعه اسلامی و جهان پیش شده خصوصاً انقلاب در وسائل دستجمعی را نادیده گرفته فقط به نظریات گذشته گان اکتفاء دارند در حالیکه شرایط جهانی و نظریات و آراء فکری جدید و معاصر تجدید نظر را در مسأله و حکم ارتداد می خواهد.

در مسأله مرتد در فقه اسلامی دو حکم است: اول اینکه اگر مرتد و ارتداد توسط گروه از مردم صورت می گیرد و قوه عسکری دارند مثلیکه در ایام خلافت حضرت ابوبکر واقع شد در این قضیه و حالت استفاده از قوه نظامی و جنگ علیه مرتدین حتمی و ضروری است و ابوبکر رضی الله عنه این کار را انجام داد. دوم در مورد ارتداد یک شخص است که مرتد میشود در این قضیه اختلاف نظر است بعضی باین نظر اند که مرتد را به حال خودش گذاشت و گروه دیگر حد را جواز می دانند و عده او را آزاد می گذارند زیرا موجودیت اش برای جامعه خطر ندارد.

در کتاب «بداية المجتهد و نهاية المقتصد» تألیف علامه ابن رشد (نواسه) در باب ردت آمده: مرتد اگر به پیروزی برسد جنگ علیه او جواز دارد و مرتد به اساس قول رسول اکرم ص به قتل می رسد «من بدل دینه فاقتلوه». اما در قتل زن اگر مرتد شود اختلاف نظر است و امام ابوحنیفه اگر زن مرتد شود قتل او را جواز نمی داند.

دکتور نصر فرید مفتی سابق مصر می گوید: مقصد از اختیار و آزادی برای قبول عقیده که در نص قرآن کریم آمده، اختیار در آغاز و بدایت است، یعنی دخول به اسلام و قبول اسلام باید به آزادی و قناعت شخص باشد و اما خروج از دایره اسلام از حق و آزادی او نیست به دلیل اینکه به اسلام از راه قناعت و به آزادی کامل داخل شده است پس مرتد باید توبه کند و بعداً عقاب شود یعنی جزاء داده شود و هدف از جزاء حمایت

جماعت مسلمین است. دکتور نصر اضافه میکند که عقیده اسلامی عهد و پیمان بین خداوند و بنده است و جواز ندارد این پیمان و عهد شکستنانده شود و ارتداد اعتداء و تجاوز به حق خداوند است و عقوبت آن نیز بدست خداوند است و اما اگر ارتداد امنیت جامعه و دولت و جماعت مسلمین را تهدید میکرد در این حالت ارتداد از حق خداوند خارج و از حق دولت یا سلطه سیاسی میشود و حق بنده ممکن نیست بخشیده شود و بدون عقاب یعنی جزاء باقی ماند.

علامه رشید رضا بعدم قتل مرتد فتوا میدهد و میگوید که در قرآن کریم عقوبت مرتد قتل نیامده است و عدم ذکر حکم عقوبت مرتد در قرآن کریم معنی آن عدم قتل او است بشرطیکه مرتدین به جنگ مسلمانان قیام نکنند و از اطاعت حکومت خارج نشوند.

در سنت نبوی در باب عقوبت مرتد باصطلاح قانون معاصر بنام (خیانت بزرگ) یاد میشود و حکم خیانت بزرگ در تمام قوانین اعدام است.

فقهاء در گذشته در بحث حکم مرتد در نتایج سیاسی آن فکر می کردند نه در باب آزادی عقیده به معنی دیگر قضیه مرتد را در باب غیر از باب آزادی عقیده بحث می کردند. مرتد از نظر فقهاء خارج شدن از جماعت مسلمین است. جنگ علیه مرتدین در عهد ابوبکر رضی الله عنه جنگ علیه کسانی بود که علیه دولت و نظام اسلامی قیام کردند و جنگ علیه شان یکی از واجبات دولت بود و جنگ علیه مرتدین تنها به سبب ردت نبود بلکه اسباب سیاسی نیز داشت. محمد عبده و رشید رضا باین عقیده اند که خارج شدن از جماعت و حربه اصل حکم قتل مرتد در سنت رسول الله و خلفاء است.<sup>420</sup> استاد العلوانی حدیث شریف (من بدل دینه فاقتلوه) کسیکه دین خود را ترک کند کشته شود. تحقیق نموده باین

<sup>420</sup> در مورد حکم فقهی مرتد مهربانی نموده به: عبدالقادر عودة «التشريع الجنائی الإسلامی، جزء دوم، صفحات 12 تا 34.

نتیجه می‌رسد که این حدیث از جمله احادیث احاد است و اعتماد به احادیث احاد برای تدوین تشریح در مورد آن بین فقهاء اختلاف نظر است.

استاد قانون و فقهی معاصر محمد سلیم العوا می‌گوید: در سنت صحیح یک حدیث ثابت نیست که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای عقوبت مرتد امر داده باشد و حکم مرتد در باب تعزیر می‌آید و صحابه در حکم مرتد با هم اختلاف داشتند.<sup>421</sup> موضوع ردت در شریعت اسلامی موضوع مستقل است و ارتباط به آزادی عقیده ندارد. در حدیث مبارک که امام بخاری روایت میکند آمده: (من بدل دینه فاقتلوه) عده از علماء باین عقیده اند که ارتباط بین آزادی عقیده و ارتداد در دین اسلام نیست. ارتداد خارج شدن شخص از نظام عمومی و تهدید و تخریب ارکان دولت میباشد که بدرجه خیانت بزرگ میرسد «الخیانه العظمی». ردت را بعض مفکرین جریمه و جرم میدانند و بین ارتداد و آزادی عقیده ارتباط نمی‌دهند. در عصر خلفای راشدین زمانیکه مسلمانان با روم و فارس درگیر بودند ارتداد خیانت بزرگ برای دولت و وطن بود. جنگ ابوبکر رضی الله عنه با مرتدین در حقیقت علیه کسانی بود که در وقت جنگ با دولت اسلامی خیانت کردند و در خدمت و صف دشمنان دولت اسلامی قرار گرفتند و جبهه داخلی را ضعیف ساختند.<sup>422</sup>

محمد عابد الجابری حکم فقهی مرتد را بحث می‌کند و باین نتیجه می‌رسد که حکم فقهاء در مورد مرتد علیه معتقدات او نیست بلکه بخاطر خیانت او به امت و وطن و دولت است و همچنان خیانت به دین و همکاری با دشمن و با جبهه مخالف مسلمانان و دولت و نظام است.

فقهاء بین محارب یعنی کسیکه علیه دولت قیام مسلحانه میکند و در مقابل جامعه و مردم اسلحه می کشند و بین مرتد توافق را می آورند.<sup>423</sup>

حکم فقهی مرتد از یک فقیه تا فقیه ای دیگر متفاوت است و علت تفاوت در حکم در عملکرد و موقف مرتد و نتیجه ارتداد او در جامعه اسلامی است. آیا مرتد محارب است یا محارب نیست؟ مرتد محارب به اتفاق همه به قتل میرسد و اگر مرتد محارب نباشد در حکم آن اختلاف نظر است. آیا اول توبه کند و یا اینکه بدون توبه کشته شود؟ آیا مرتد در داخل کشور اسلامی زندگی دارد و با دولت در حالت جنگ است و یا خارج از کشور اسلامی (کشوری که با مسلمانان در حالت دشمنی است) رفته و با دشمنان اسلام یکجا شده است. اختلافات فقهی به سبب آن است که فقهاء در مسئله مرتد از زوایه آزادی شخصی و آزادی عقیده نمی بینند و بلکه از زاویه خیانت به کشور و عقیده می بینند.<sup>424</sup>

### مرتد در قرآن کریم

در قرآن کریم مرتد در چند جا ذکر شده است. قرآن کریم در بعض جا مرتد را با اسم و در بعض آیات به معنی آن می آورد. قرآن کریم در 15 آیه به موضوع کفر بعد از ایمان و ارتداد و مرتد اشاره می کند، بطور مثال: «و من یتبدل الکفر بالإیمان فقد ضل سواء السبیل (البقره: 198). و هر که ایمان را به کفر مبدل گرداند بی شک راه راست را گم کرده است. و «کیف یهدی الله قوما کفروا بعد ایمانهم. (آل عمران: 86). چگونه خداوند هدایت نماید گروهی را که کافر شدند بعد از ایمان و «إن الذین کفروا بعد ایمانهم ثم ازدادوا کفر لئن تقبل توبتهم و أولئک هم الضالون

<sup>423</sup>. محمد عابد الجابری «الديمقراطية و حقوق الإنسان» صفحات 177-178.

<sup>424</sup>. محمد عابد الجابری «الديمقراطية و حقوق الإنسان» صفحات 178-179.

«(آل عمران: 90). یقیناً کسانی که بعد از ایمان شان کافر شدند سپس در کفر افزودند هرگز توبه آنها پذیرفته نه شود و آن گروه خود گمراهان اند و.» «إن الذين اشكروا الكفر بالآيمان لن يضروا الله شيئا ولهم عذاب أليم» (آل عمران: 177). آنانکه کفر را به ایمان خریدند هرگز ضرری بخداوند نرسانند و ایشانرا عذاب دردناکی است. و «إن الذين آمنوا ثم كفروا ثم آمنوا ثم كفروا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم سبيلا» (النساء: 137). همانا کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، باز هم ایمان آوردند، دوباره کافر شدند، سپس بر کفر خود افزودند، خداوند ایشان را نمی بخشد و نه هم براهی {بسوی نجات} هدایت نماید.

جمیع آیات عقوبت مرتد را در دنیا ذکر نمی کند و قرآن کریم عقوبت مرتد را در آخرت گذاشته و تنها در سوره التوبه خداوند عذاب بزرگ را در دنیا و آخرت بدون اینکه شکل عقوبت را ذکر کند یاد می کند. «يحلِفون بالله ما قالوا ولقد قالوا كلمة الكفر وكفروا بعد اسلامهم وهموا بما لم ينالوا وما نقموا إلا أن اغناهم الله ورسوله من فضله فإن يتوبوا يك خيرا لهم وإن يتولوا يعذبهم الله عذابا أليما في الدنيا والآخرة وما لهم في الأرض من ولي ولا نصير» (التوبة: 74). به خدا سوگند می خورند که {سخن ناروا} نگفته اند، در حالی که قطعا سخن کفر گفته و پس از اسلام آوردنشان کفر ورزیده اند، و بر آنچه موفق به انجام آن نشدند همت گماشتند، و به عیبجویی برخاستند مگر {بعد از} آنکه خدا و پیامبرش از فضل خود آنان را بی نیاز گردانیدند. پس اگر توبه کنند برای آنان بهتر است، و اگر روی برتابند، خدا آنان را در دنیا و آخرت عذابی دردناک می کند، و در روی زمین یار و یاورى نخواهند داشت.

قرآن کریم در قتال با مرتدین صیغه جمع را ذکر میکند و همچنان باز گشت از دین را به صیغه جمع می آورد باین معنی که ارتداد و مرتد شکل فردی ندارد. ذکر مرتد به صیغه جمع در قرآن کریم از ما می خواهد تا

قدری بیشتر در موضوع مرتد و حکم آن دقت داشته باشیم. همه آیات که در مورد مرتد در قرآن کریم آمده همه به صیغه جمع است. بطور مثل: «و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم إن استطاعوا و من یرتد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فأولئک حبطت أعمالهم فی الدنیا و الآخرة و أولئک أصحاب النار هم فیها خالدون» (البقره: 217). و کافران پیوسته با شما در جنگ اند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین تان برگردانند، و هرکس از شما از دین خود برگردد و در حالت کفر بمیرد پس آن گروه کسانی اند که اعمال شان در دنیا آخرت ضایع شده و آن مردم اهل آتش اند و در آن همیشه خواهند بود.

سورة التوبه زیادتر از کفر و کفار و ارتداد سخن می زند. در این سوره مقصد و هدف از مشرکین است نه مرتدین زیرا مشرکین به اسلام ایمان نیآورده بودند تا مرتد شوند و قتال با مشرکین در نتیجه عدم احترام به معاهدات شان با مسلمانان بود نه بواسطه شرک و یا کفر شان. در جنگهای صلیبی امام ابن تیمیه در قتال کفر فتوا داد که جنگ با کفار به سبب کفر شان نیست بلکه به سبب ظلم شان است. باین معنی که کفر سبب قتال نیست بلکه ظلم و تجاوز و ستم سبب قتال است.

احادیث که در قتل و جنگ با مرتدین ذکر شده همه در باب «مفارقت جماعت» یعنی خارج شدن یا ترک از جماعت مسلمین است و در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم چنانکه امام بخاری روایت میکند جماعتی از قبیلۀ (عکل) و (عربینة) با رسول الله بیعت کردند و بعد از ایمان آوردن مرتد شدند و مردم را به قتل رسانیدند و اموال مردم را به غارات بردند. رسول اکرم امر به قتال شان داد و این جماعت تنها بخاطر ارتداد از دین کشته نشدند بلکه به سبب چور و چپاول بالای شان حکم حد (الحرابة) تطبیق شد نه حد مرتد<sup>425</sup> الحرابة یعنی قطع الطريق و

<sup>425</sup>. دکتور فوزیه العشماوی «حرية العقيدة بين الشريعة الإسلامية والإعلان العالمي لحقوق الإنسان» صفحات 6-7.

سرقه بزرگ . الحرابه جمع بين سرقت و قطع الطريق است و فرق میان سرقت و الحرابه این است که سرقت مال بصورت سری است در حالیکه قطع الطريق و سرقت مال مردم بصورت علنی می باشد.<sup>426</sup>

احادیث که امام بخاری در باب تطبیق حد ردت آورده از آنجمله سه حدیث مبارک را در موضوع مرتد در این قسمت انتخاب می نمایم .

از انس رضی الله عنه روایت شده که خلاصه آن این است: گروه از قبیلۀ عکل و عربینۀ به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آمدند و بیعت کردند و اسلام آوردند اما بعد از اسلام آوردن مرتد شدند یعنی از دین خارج شدند و مردم را به قتل رسانیدند و اموال مردم را غارت کردند. مردم نزد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آمدند و شکایت کردند. از این حدیث و از این واقعه اینطور استنباط می شود که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بخاطر ارتداد شان امر به قتال شان نداد بلکه بخاطر اینکه مردم جنگجو و قاتل و فساد پیشه بودند و به اساس قانون الحرابه با ایشان معامله شد و کشته شدند نه با اساس قانون مرتد و ارتداد . ابن تیمیه در این مورد می گوید: این ها با عمل رده کشته شدند ، و مال مردم را غصب و از جمله قطع الطريق و محارب با خدا و رسول الله بودند .<sup>427</sup>

امام بخاری از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت میکند: « لا یحل دم امرئ مسلم یشهد أن لا إله إلا الله وأنی رسول الله إلا بإحدى ثلاث: النفس بالنفس ، و الثیب الزانی ، و المارق من الدین التارک للجماعة » قسمت اخیر حدیث مربوط به قضیه بحث ما است و عبارت است از

<sup>426</sup> . برای معلومات در مورد الحرابه به : عبد القادر عوده « التشریح الجنائی الإسلامی » جزء دوم ، فصل: الحرابه ، ص 638 .

«المارق من الدین و التارک للجماعة» در این حدیث ارتداد یا مرتد با تارک یا خارج شدن از جماعت یکجا ذکر شده است.

معنی اجمالی حدیث شریف این است که این گروه از مرتدین از جماعت مسلمین خارج شدند و از جمله محارب با خدا و رسول الله و مسلمین مبدل شدند و قتل شان به اساس حکم قانون الحرابه است .

فقهاء در مجموع در حکم مرتد باین حدیث مبارک در تطبیق حکم اکتفاء کرده اند . « من بدل دینه فاقتلوه » کسیکه دین خود را تبدیل کند کشته شود یعنی اگر از دین اسلام خارج شود به قتل میرسد. راوی این حدیث عکرمه غلام آزاد شده ای عبدالله بن عباس است و امام بخاری این حدیث را ذکر میکند و امام مسلم احادیث که راوی آن عکرمه بود در صحیح خود نیآورده است به دلیل اینکه عکرمه از جمله خوارج بود و خوارج ریختن خون مسلمان را مباح می دانستند.<sup>428</sup> مقصد از دین در حدیث اسلام است و قرآن کریم می گوید « إن الدین عند الله الاسلام » ( آل عمران: 19 ) . بی شک که دین پسندیده نزد خداوند اسلام است. رأی فقهاء این است که اگر کس دین اسلام را بعد از قبول ترک میکند و در همان روز توبه کند و اگر بعد از سه روز به دین اسلام عودت نکند به قتل میرسد. لیکن بسیاری از فقهاء و مفسرین و در بین شان شیخ محمود شلتوت باین عقیده نیستند و می گویند که حدیث به نص آیه مبارکه « لا إکراه فی الدین » توافق ندارد . فقهاء باین نظر اند که حدود به حدیث واحد تثبیت نمی شود و کفر تنها دلیل قتل نیست بلکه محاربت

<sup>428</sup> . فضل غنی مجددی « مطالعه تمهیدی از سنت و احادیث نبوی » از نشرات فقه اسلامی ، امریکا .



مسلمانان و قتل شان و خارج شدن از جماعت مسلمین اساس قتل مرتد است.<sup>429</sup>

در شرایط بین المللی و اشغال کشور های اسلامی و تشکیل حکومت های تقلبی و تحت حمایت کفر مسأله ارتداد و مرتد را یکبار دیگر مسأله ای وقت و روز ساخت. ارتداد عبدالرحمن در افغانستان از اسلام و عیسوی شدن او سرو صدا های زیاد را در افغانستان بلند کرد و مردم از علماء خواستند تا در حکم مرتد فیصله قطعی را صادر نمایند. مشکل مرتد شدن عبدالرحمن یک مشکل بزرگ سیاسی بود به دلیل اینکه سیاست علنی کشور های اشغالگر آزادی و حمایت حقوق افراد خصوصا آزادی عقیده و دین و سیاست و دیموکراسی است. تحت شرایط موجوده اگر قضیه ای مرتد و ارتداد بدون عقاب و جزاء گذاشته شود و سیله تخریب جامعه ای اسلامی می شود و دشمنان اسلام از این قضیه نه تنها برای تخریب اسلام استفاده می کنند بلکه بی نظمی را در جوامع اسلامی بوجود می آورند. خطر مرتد و ارتداد در شرایط امروزی و حکومت های ضعیف و مستبد و ضعف و ناتوانی علمای اسلام و همکاری عده از علماء با اشغال و استبداد سیاسی خطر بزرگ برای دین و وطن و امنیت کشور های اسلامی دارد. محققین معاصر اسلامی برای حل معضله و مشکلات ارتداد و تطبیق حکم مرتد باین عقیده و نظر هستند که سیاست شرعی در قضیه مرتد در عصر حاضر عملی و مراعات شود.

<sup>429</sup>. محمود شلتوت «الإسلام عقيدة و شريعة» القاهرة، ص: 30 و همچنان دیده شود: فضل غنی مجددی «در مسأله رده یا ارتداد و مرتد»، مراجعه دكتور عبدالستار سیرت، طبع سوم اپریل 2011، از نشرات فقه اسلامی.

<sup>430</sup>. و از عقوبت مرتد دیده شود: دكتور عاصم حنفی «الحرية في الإسلام، الردة بين حرية و الخروج عن الجماعة»، «<https://ar-ar.facebook.com/notes>».

اگر مقصد و هدف از قتل مرتد این باشد تا دیگران در فکر ارتداد از دین نشوند و به عبارت دیگر پند و درس برای کسانی باشد که میخواهند از دایره اسلام خارج شوند نتیجه آن این خواهد بود که مرتدین در ظاهر مسلمان و در باطن کافر باشند. آنانی که میخواهند از دین اسلام مرتد شوند به یقین که مردم ضعیف الایمان و ضعیف شخصیت هستند و دین اسلام به همچو اشخاص ضرورت ندارد و ارتباط مرتدین تنها با اسم به نفع اسلام و مسلمانان نیست. این گروه اشخاص که در ظاهر مسلمان و در باطن غیر مسلمان در حقیقت از جمله کسانی هستند که مسلمانان را فریب میدهند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مورد این گروه از مردم می گویند: «من غشنا فلیس منا» کسیکه با ما غش یعنی فریب کاری کند از ما نیست و نفرمودند کسانی که با ما غش و غل دارند او را به قتل برسانید. غل و غش و نفاق علامه از علامات مرتدین است.

ارتداد از دین موقف عقلانی و نفسانی و شخصی نیست بلکه تغییر هویت و جدائی و قطع رابطه با امت اسلام و پیوستن با ملت غیر اسلام است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اعرابی که اسلام آورد و بعد از آن مرتد شد او را به قتل نرسانید و اجازه داد تا از مدینه خارج شود البته اگر قضیه ارتداد و مرتد قضیه فردی و شخصی یعنی متعلق به یک انسان باشد اینطور است و اما اگر ردت و ارتداد شکل جمعی را گرفت در این حالت تطبیق حد ردت برای حمایت و وحدت جبهه داخلی مسلمانان و جلوگیری از نفوذ مؤسسات تبشیری و نفوذ سیاسی غرب عیسوی حتمی است زیرا ارتداد بشکل گروهی و وحدت مسلمانان را صدمه می زند و نفوذ دینی و سیاسی غرب را در جهان اسلام قوت بیشتر میدهد و در این حالت تطبیق حد ردت به مصلحت امت اسلام است و از باب سیاست شرعی ضرورت میباشد.<sup>431</sup> وظیفه علماء و نظام اسلامی در

<sup>431</sup> دکتر فوزیه العشماوی «حرية العقيدة بين الشريعة الإسلامية والإعلان العالمي لحقوق الإنسان» صفحات 10-11.

عصر حاضر تربیت مسلمانان است و بهترین علاج مشکل ارتداد در عصر حاضر تربیت و تقویت معلومات اطفال مسلمان از دین اسلام است. تا زمانی که فرهنگ و ثقافت مسلمانان اسلامی نشود مشکلات مسلمانان بطور عموم و مشکل ارتداد بطور خاص حل و فصل نخواهد شد و تربیت اسلامی قسمی که امام حسن البناء می گوید تهداب عقیده و آینده امت اسلام است.

عدۀ از مسلمانان معاصر در موضوع مرتد به مشکلات فرهنگی و ثقافتی و فکری رو برو هستند. گروه از مسلمانان خصوصاً آن دسته که علیه استعمار فکری و اشغال نظامی میباشند باین عقیده اند که همکاری با کفار علیه اسلام و مسلمانان کفر و ارتداد است و از تطبیق حکم مرتد در حق کسانی که با کفار متحد شده اند جانبداری دارند. این گروه از مسلمانان بین خیانت بزرگ و مرتد را کرده نتوانسته اند. کسانی که علیه اسلام و مسلمین با کفار متحد می شوند از جمله کسانی به حساب می آیند که مرتکب خیانت بزرگ میباشند نه مرتد و کافر. خیانت بزرگ در تمام قوانین بین المللی بزرگترین جریمه است و در اکثر قوانین بین المللی حکم خائین به وطن اعدام میباشد. مسلمانان حق ندارند با غیر مسلمانان قتال کنند و کفر سبب قتال در اسلام نیست. امام ابن تیمیه در ایام جنگ های صلیبی فتوا داد که کفر سبب قتال نیست بلکه تجاوز و ظلم سبب قتال است.

همکاری با غیر مسلمانان انواع و اقسام زیاد دارد و نمی توان تمام همکاری را خیانت بزرگ دانست و کسانی که با غیر مسلمانان همکاری دارند نمی توان ایشانرا مرتد و یا کفار تلقی کرد. دکتور یوسف القرضاوی باین نظر است که اگر کافر را ضد مسلمانان در «غیر حق» معاونت و همکاری کرد نوع از ارتداد است. در فتوا دکتور القرضاوی در کلمه غیر حق باید توجه بیشتر داشته باشیم.

در نهایت موضوع ارتداد و مرتد علامیه حق آزادی دین را از منظور جهانی ذکر می‌نمائیم. مؤسسه ملل متحد بتاريخ 10 دسامبر 1948 میلادی حقوق عبادات و آزادی عقیده را برای همه مردم تضمین کرد. در بند 18 اعلان حقوق انسان آمده است:

هر شخص آزادی کامل در تفکر و ضمیر و دین دارد و این حق برای انسان حق تغییر دین است را می‌دهد و انسان در داشتن عقیده و تعلیم آن و عمل کرد به آن و اداء شعائر به صورت انفرادی و جمعی آزادی مطلق دارد.

کشورهای اسلامی به اعلان آزادی عقیده بغیر از تغییر دین موافقت کردند و عدم موافقت نمایندگان کشورهای اسلامی از آزادی تغییر دین در عدم جواز اسلام به ارتداد و مرتد شدن است زیرا ارتداد و مرتد در قانون اسلام جرم بزرگ است که مطابق قانون به آن معامله میشود.

ارتداد از دین یهودیت و عیسویت عقوبت سنگین دارد. در عقیده یهودیت در مورد مرتد آمده: که رب به نبی موسی علیه السلام امر به قتل کسانی که عبادت گوساله را می‌کنند نمود و این گروه کسانی بودند که از دین موسی علیه السلام بیرون شدند و گوساله را به پرستش گرفتند. از این مردم موسی علیه السلام سه هزار را کشت.<sup>432</sup> در عیسویت در سفر التثنیه آمده: اگر گمراه کند ترا برادرت در سر، و بگوید بیرون شویم و خدای دیگر را عبادت کنیم، این امر او را ستر نکنید بل که او را به قتل رسانید و رجم نماید با پرداخت سنگها تا وقت مرگ<sup>433</sup>

<sup>432</sup>. سفر الخروج (32: 28).

<sup>433</sup>. سفر التثنیه (6: 13). [www.kantakji.com](http://www.kantakji.com).



## زن در روش فکر معاصر اسلامی

مقام و منزلت زن یکی از مهمترین و جنجال برانگیزترین موضوعات و قضایای عصر است. فقهاء و علماء و شرق شناسان (شرق شناسان) در قضیه ای زن کتابهای زیاد به رشته ای تحریر در آورده اند و در روش تحقیقات دانشمندان از منزلت و مقام زن اختلاف نظر زیاد دیده می شود. دانشمندان غرب اسلام را در حق زن متهم می سازند و باین عقیده اند که اسلام زن را یک مخلوق ناقص و غیر متساوی با مرد می داند و مسلمانان عدالت و مساوات را بین زن و مرد که قانون بین الملل به آن دعوت می نماید تطبیق و رعایت نمی کنند.

محققین و مدافعین حقوق زن در جهان معاصر در موضوع و قضیه زن دچار اشتباه و خطا اند و قضیه زن را در عالم اسلام از نظر واقعیت های عینی و جاری در جوامع اسلامی بحث می کنند نه از نظر و اصول واقعی اسلامی و کوشش دارند تا اعمال مسلمانان را در مسأله زن به اصل اسلام ارتباط داده اسلام را متهم و محاکمه نمایند.<sup>434</sup> در قرن های اول اسلامی موضوع زن از موضوع مرد مستقل و جدا بحث نمیشد و دانشمندان اسلامی مسأله زن را یک قضیه منفصل و مستقل از قضایای مسلمانان نمی شناختند و زن و مرد در مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نقش متساوی را داشتند. زن مسلمان مقام و وظیفه خود و مرد مسلمان مقام و مسئولیت های خود را درک و هر طبقه و وظائف و وجایب خود را در پرتو تعلیمات و ارشادات اسلام می دانستند و تنها در مسائل فقهی، فقهاء مسائل مربوط به زنان و مردان

434. المنتدی، الإسلامی، العالمی، للحوار،

را جداگانه بحث می کردند به دلیل اینکه در بسا موارد تفاوت‌های در مسائل فقهی و آنهم در عبادات بین زنان و مردان وجود دارد مانند حیض و نفاس و تأثیر آن بالای عبادات شرعی.

مسئله زن در حال حاضر به یک قضیه واحد خلاصه نمی شود بلکه به مرور زمان قضیه زن از قضیه سیاسی و حقوقی به قضیه دینی تبدیل شد و دشمنان و حتی دوستان اسلام که فهم صحیح از نصوص شرعی ندارند اسلام را در مورد زن متهم می سازند و اسلام را طوری معرفی می کنند که زن را قشر دوم جامعه می داند و در ساحت حقوق زن به درجهٔ پائین تر از مرد قرار می دهد.

عده‌ی از جوان مسلمان در عدم درک و فهم صحیح از مسایل اسلامی راجع به قضیه زن بحث دارند و بنام غیرت و ناموس داری و حمایت از شرف زنان دست به تفاسیر نادرست از حقوق زن می نمایند که تفاسیر و تأویلات نادرست شان از نصوص دینی نه به نفع اسلام و نه نفع زن تمام میشود و برعکس در دفاع از قضیهٔ زن، بسیاری از حقوق زنان تلف و زنان مسلمان در بین مدافعین سیکولر و افراط گرایان مسلمان و رسم و رواجهای نامعقول تا حد زیاد متضرر شدند.

قضیهٔ زن در اصول معاصر به سه روش بحث می شود. در این بحث کوشش بعمل آمده تا نظریات و آراء دانشمندان هر سه مکتب فکری و دانشمندان فکر اسلامی در مورد زن بررسی و نظریات و آراء این مدارس را بدوت تعدیل آورده و نقد می نمائیم.

اول- استقلال شخصیت زن در اسلام. در مقدمهٔ علمای این مدرسه ای فکری، استادان بزرگ چون دکتور یوسف السباعی، شیخ عبدالحلیم ابو شقه و دکتور یوسف القرضاوی و دیگران می آیند. دکتور السباعی در کتاب معروف خود بنام «المرأة بین الفقه و القانون»، زن بین فقه و قانون، و شیخ عبدالحلیم ابو شقه در کتاب خود بنام «تحریر المرأة فی عصر الرسالة»، آزادی زن در عصر رسالت، و دکتور یوسف القرضاوی

در تعداد از کتابهای اش خصوصا در کتاب «مركز المرأة في الإسلام» مركز زن در اسلام قضیه زن را از دیدگاه اسلامی بحث و بررسی علمی می نمایند. علمای معاصر حقوق زن و شخصیت مستقل زن را در دائره اسلام مورد مطالعه و بحث قرار داده و در تحقیقات شان استقلال شخصیت زن را با دلائل از قرآن و سنت به اثبات می رسانند. مفکرین مدرسه استقلالیت شخصیت زن در مطالعات و بحث های شان عموما در مسائل حقوقی زن و معرفی شخصیت اسلامی زن بحث می نمایند.

دوم- رد شبهات: علماء و محققین این مدرسه کوشش دارند اشتباهاتی را که در مورد حقوق زنان صورت گرفته اصلاح شود. علامه محمد الغزالی در کتاب خود بنام «قضايا المرأة بين التقاليد الراكدة و الوافدة» و «السنة النبوية بين أهل الفقه و الحديث» و علامه البهی الخولی در کتاب خود بنام «الإسلام و قضايا المرأة» و دكتور عبدالكبير المدغری در کتاب خود بنام «المرأة بين أحكام الفقه و الدعوة إلى التغير» و عدة دیگر قضیه زنان را بحث و می کوشند تا شبهات در موضوع زن را بحث و حقائق را توضیح کنند.

سوم- بحث روی قضیه زن معاصر. ساحة این مدرسه فکری فوق العاده وسیع است و در این ساحة مسائل فقهی و قانونی و موضوعات معاصر مثل قضیه حجاب، نقش زن در سیاست و اداره دولت، آزادی فکری زنان، حق انتخاب شریک زندگی، حق داشتن طلاق، حق سفر و آموختن تعلیم، حق مبارزه علیه ظلم و استبداد، حق اشتراک در دفاع از عقیده و وطن، حق دعوت و غیره بحث می شود. محققین و علمای این مدرسه کوشش دارند تا زن مسلمان را از تهاجم فکر غربی و فرهنگ و ثقافت نا معقول شرق اسلامی حفظ شود. دانشمندان معاصر این مدرسه فکری کوشش دارد تا اصطلاحات گذشته را در قالب ادبیات معاصر بیاورند و اصطلاحاتی که وضاحت ندارد آنها توضیح و تعریف نماید. مثلا اصطلاح (آزادی / The Freedom)، اصطلاح (عدالت / The Justice)، اصطلاح (حقوق / The Truths)، اصطلاح (مساوات



(The Equality / ) و غیره اصطلاحات معاصر. علمای مدرسه معاصر کوشش دارند تا در بین اصطلاحات معاصر، تساوی بین زن و مرد را که در قرآن کریم و سنت نبوی آمده و عده کثیر از مسلمانان در فهم و ادراک آن دچار مشکلات شده اند تفصیل بیشتر داده و اشتباهات و خطا را از مسأله تساوی بین زن در اصطلاحات قرآن کریم تصحیح نمایند و تا اندازه زیاد در این ساحه به موفقیت رسیده اند. در این مبحث از نظریات همه مدارس فکری خصوصا فکر معاصر اسلامی استفاده بیشتر صورت گرفته است. قبل از اینکه موضوعات معاصر بررسی شود لازم است تا بصورت بسیار خلاصه موقف زن را از نگاه اسلام واقعی شرح بدهم.

### نظر اسلام در مورد زن

در قرنهای اول اسلامی زن بحیث یک موجود مستقل و قضیه ای زن بصورت یک قضیه جدا گانه مورد بحث نبود مگر در مسائل محدود فقهی که مربوط به زنان و مردان بود. اسلام زن را مقام ارجمند داد و زن را بصفت مادر و خواهر و دختر خطاب کرد و همچنان حقوق و جایب و مسئولیت های زن را وضاحت داد. زنان و مردان در جامعه اسلامی قرنها بدون تعصبات از ناحیه جنسی (مذکر و مونث) در سایه محبت و مودت با یکدیگر زندگی داشتند و هر کدام حقوق و جایب خود را می شناختند و از حدود آن تجاوز نمی کردند. قرآن کریم اجر زن و مرد را بصورت مساویانه می داند مثلا: «للرجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن» (النساء: 32). مردان از آنچه کسب نموده اند بهره مند شوند و زنان از آنچه کسب نموده اند بهره مند گردند.

در قرآن کریم زن و مرد یکجا و بصورت مساویانه خطاب گردیده و هیچ نوع فرق و تفاوت را در مسائل حقوقی، مساوات و جایب و مسئولیت ها بین زن و مرد قرآن کریم قائل نیست. خطاب اسلام به مرد و زن بدون در نظر داشت جنسیت است. قرآن کریم در تمام آیات زن و مرد را مساوی

مخاطب قرار میدهد مثلاً: «و من يعمل من الصالحات من ذكر و انثی و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة و لا یظلمون نقیر» (النساء: 124). و کسیکه از اعمال شایسته انجام دهد خواه مرد باشد و یا زن و حال آنکه مؤمن باشد پس چنین کسانی داخل بهشت شوند و کمترین ستمی بایشان نمی شود.

قرآن کریم زن را به آیه تشبیه می کند و می فرماید: «و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم ازوجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة». امام الترمذی و ابن ماجه از ثوبان رضی الله عنه روایت می کنند که بعد از نزول آیه «الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم» کسانی که طلا و نقره را ذخیره می کنند و در راه خدا مصرف نمی کنند ایشان را بشارت به عذاب بزرگ بدهید. صحابه از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم پرسیدند که بهترین سرمایه که باید در حفظ آن سعی کرد کدام است. حضرت محمد فرمودند: لسان ذاکر و قلب شاکر و زن مؤمنه.<sup>435</sup> قرآن کریم و سنت نبوی زن و مرد را یکجا مخاطب می سازد و بعد از یاد آوری از کرامت انسان حقوق زن و مرد را قرآن کریم تثبیت می کند و از جمله حقوقی که قرآن کریم به آن اشاره میکند عبارت است از: حق زندگی، حق آزادی، حقوق مدنی حق انتخاب شریک زندگی، حق ازدواج، حق داشتن اولاد، حق میراث، حق نسب، حق حفظ لقب و نام خانوادگی، حق طلاق و حق انتخاب دین و عبادت و غیره. از نظر شریعت مرد و زن در تمام حقوق با هم شریک و متساوی و در اداء مسئولیت و وجایب و آبدادی زمین با هم مسئولیت مشترک دارند. قرآن کریم روش و روش و سنن خداوند را در اشتراک زن در وجایب و حقوق اینطور بیان می کند: «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف». (البقرة: 228). زنان را حقوقی است چنانکه بر آنها واجباتی است بوجه پسندیده و مشروع. نظر به آیه کریمه همانطوریکه مردان

<sup>435</sup>. فضل غنی مجددی. «در نظام دولت اسلامی» ص 178.

حقوق و مکلفیت‌ها دارند زنان نیز دارای حقوق و مکلفیت‌ها هستند و در آبادی زمین و خلافت خداوند در زمین زن و مرد هر دو شریک و هر دو مسئولیت‌آبادی زمین و رسانیدن رسالت الهی را به جهانیان دارند. قرآن کریم رابطه بین زن و مرد را رابطه متکامل می‌داند یعنی زن و مرد یکدیگر خود را تکمیل می‌سازند. «بعضکم من بعض» (آل عمران: 195). بعضی از شما از بعضی دیگر اند. مرد و زن در اجابت دعا و ثواب و عمل یکسان و اصل مشترک دارند.<sup>436</sup>

قرآن کریم در مسأله آداب اجتماعی زن و مرد را مساویانه اینطور مخاطب می‌سازد: «قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک أزکی لهم إن الله خبیر بما یصنعون و قل للمؤمنات یغضضن من أبصارهن و یحفظن فروجهن و لا یتدین زینتهن إلا ما ظهر منها» (النور: 30-31). به مردان با ایمان بگو: «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خداوند به آنچه می‌کنند آگاه است.» و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را {از هر نا محرمی} فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست.».

«یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی أن یتوبوا خیرا منهم و لا نساء من نساء عسی أن یتوبوا خیرا منهن و لا تلمزوا أنفسکم و لا تنابزوا بالألقاب بئس الاسم الفسوق بعد الأیمان و من لم یتب فأولئک هم الظالمون» (الحجرات: 11). ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید قومی قوم دیگری را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان {دیگر} را {ریشخند کنند} شاید آنها از اینها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقبهای زشت دهید، چه نا پسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد آنان خود ستمگارانند.

<sup>436</sup> .الموقف الديني من قضايا المرأة المسلمة، کتاب مشترک.

در مسئولیت های اجتماعی و عقوبات و جزا در دنیا و آخرت قرآن کریم زن و مرد را مشترکاً خطاب می کند: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله أولئک سیرحهم الله إن الله عزیز حکیم» (التوبة: 71). و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و امری دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند، آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است. «السارق و السارقة فاقطعوا أیدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله و الله عزیز حکیم» (المائدة: 38). مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید، و خداوند توانا و حکیم است. و در آیه دیگر در مورد جزای خیر در آخرت می خوانیم: «فاستجاب لهم ربهم أنى لا أضيع عمل عامل منکم من ذکر و أنثى بعضکم من بعض» (آل عمران: 195). پس پروردگار شان دعای آنان را اجابت کرد {و فرمود که} من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، که همه از یکدیگر بگریز، تباہ نمی کنم. در مورد معصیت و جزاء قرآن می گوید: «لیعذب الله المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات و یتوب الله على المؤمنین و المؤمنات و کان الله غفورا رحیما» (الأحزاب: 73). {آری چنین است} تا خدا مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را عذاب کند و توبه مردان و زنان با ایمان را بپذیرد، و خدا همواره آمرزنده و مهربان است.

و در مورد کسانی که زنان مؤمن و مردان مؤمن را اذیت می کنند در قرآن کریم می خوانیم: «و الذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتانا و إثما مبینا» (الأحزاب: 58). و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی آنکه مرتکب {عمل زشتی} شده باشند آزار می رسانند، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته اند.

در طلب استغفار از طرف رسول اکرم صلی الله علیه وسلم قرآن می فرماید: « فاعلم أنه لا إله إلا الله و استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات و الله یعلم متقلبکم و مثواکم » (محمد: 19). پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست، برای گناه خویش آمرزش جوی، و برای مردان و زنان با ایمان { طلب مغفرت کن }، و خداست که فرجام و مرام { هر یک از } شما را می داند.

خطاب یا روش قرآن کریم در مورد زن و مرد خطاب و روش تساوی و عادلانه است و قرآن کریم هر نوع تبعیض و تعصب را بین انسانها نفی کرده و آنرا از روش جاهلیت می داند و زن و مرد را در تمام ساحات زندگی تساوی خطاب می نماید بطور مثال:

اول- انسانیت زن: قرآن کریم در انسانیت (انسان بودن) بین زن و مرد تساوی را اعلان نمود و هر دو را از اصل واحد دانست « یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجلا کثیرا و نساء و اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام إن الله کان علیکم رقیبا » (النساء: 1). ای مردم! از پروردگار خود بترسید، آن پروردگاری که شما را از یک نفس (انسان) بیافرید و از آن (انسان واحد) همسر او را خلق نمود و از آن دو تن مردان و زنان بسیار منتشر فرمود، و بترسید از آن خدائی که به (نام) او از یکدیگر در خواست و همدگر را سوگند میدهید و بترسید از (قطع رشته) ارحام، بی شک که خداوند مراقب (اعمال و احوال) شما است.

دوم- مسئولیت: قرآن کریم زن را مانند مرد مسئول دانست و در خلافت خداوند برای آبادی زمین زن را با مرد شریک ساخت. « و إذ قال ربک للملائکه إنی جاعل فی الأرض خلیفة » (البقرة: 30). و هنگامیکه پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه میافرینم. آیه مبارکه از خلافت انسان خبر میدهد و خلافت را مربوط مرد نمی داند بلکه شامل مرد و زن می داند و خداوند مرد و زن را امر برای آبادی زمین می

کند و مسئولیت را بین زن و مرد مشترک می سازد. «هو أنشاکم من الأرض و استعمرکم فیها» (هود: 61). او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد. کلمه استقرار شامل حال مرد و زن است باین معنی که زن و مرد در آبادی زمین و استفاده از زمین حق مساوی دارند و چون صاحب حق مشترک اند لذا در مسئولیت و اداء واجبات نیز مشترک میباشند.

خداوند مرد و زن را به هدف عبادت خلق نمود و در امر عبادت خداوند بین زن و مرد فرق و تفاوت نگذاشت. «و ما خلقت الجن و الأنس إلا لیعبدون» (الذاریات: 56). و جن و انس را نیا فریدم جز برای آنکه مرا پرستند. خداوند در پرستش خود تنها مرد را خطاب نکرد بلکه اسم از انسان برد که انسان شامل زن و مرد است.

سوم - شخصیت مستقل: زن در اسلام دارای شخصیت مستقل است. قرآن کریم از بیعت نسوان با رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به صورت مستقل یاد میکند. بیعت مستقل نسوان را قرآن کریم اینطور بیان می کند: «یا ایها النبی إذا جاءک المؤمنات یتابعک علی أن لا یشرکن بالله شیئا ولا یسرقن ولا یزنین ولا یقتلن أولادهن ولا یأتین بهتانهن یفتیرنه بین یدیهن و أرجلهن ولا یعصینک فی معروف فبایعهن و استغفر لهن الله و إن الله غفور رحیم» (الممتحنة: 12). ای پیامبر، چون زنان با ایمان نزد تو آیند که {با این شرط} با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند و بچه های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان {و حيله} به شوهر نبندند، و در {کار} نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آموزش بخواه، زیرا خداوند امرزنده و مهربان است. <sup>437</sup>بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و رسالت اسلام در حقیقت

<sup>437</sup>. سید قطب «المرأة فی الظلال القرآن» ترتیب و تنظیم: عکاشة عبد المنان الطیبی، دار الفضیلة، القاهرة.

انقلاب علیه فرهنگ و ثقافت نامعقول بود و یکی از نتایج بعثت نبوی صلی الله علیه و سلم آزادی زن از ظلم و جبروت نظام قبیله‌ای و فرهنگ نامعقول عصر جاهلیت است. اسلام زن را آزاد و تکریم کرد. اسلام زن را از بازیچه جنسی و شهوانی مردان آزاد و برای زن حق انتخاب شریک زندگی و استفاده مشروع جنسی مشترک را داد و اجازه نداد تا مردان از وجود زنان برای شهوت رانی استفاده و حقوق جنسی و مشروع زن را پامال سازند.<sup>438</sup>

شریعت اسلام مرد و زن را در حقوق مدنی شریک ساخت. امام ابن‌القیم میگوید: زن عاقله و جوان حق کامل را در ادارهٔ شئون مالی خود دارد و پدرش حق ندارد در سرمایه و ادارهٔ مال دخترش بدون اجازه او مداخله نماید.<sup>439</sup> امام ابوحنیفه و امام شافعی باین عقیده اند که زن حق دارد تمام سرمایه خود را صدقه کند یا برای کسی ببخشد و شوهر در این حالت حق مداخله را ندارد و در فقه اسلامی شوهر حق تصرف سرمایه زن خود را ندارد مگر به اجازه زن و زن در حالت مداخله شوهر در سرمایه اش حق شکایت را به محکمه دارد. میراث و مهر حق قانونی و ثابت از حقوق اقتصادی زن است. در موضوع میراث نظریات جدید در جامعهٔ افغانی پیش میشود که مخالف نص صریح قرآن کریم است. موضوع تقسیم میراث بصورت مساویانه در تاریخ اسلام جدید نیست و این دعوت قبل از صد سال آغاز شد لیکن بعضی از دانشمندان افغان ادعا دارند که این دعوت را برای اولین بار براه انداخته اند. خداوند سبحانه و تعالی میراث را به تفصیل در قرآن کریم شرح داد که قابل تغییر و تأویل نمی

<sup>438</sup>. دکتور محمد معروف الدوالیبی « المرأة بین الفقه و القانون » دار النفاثس ، بیروت ، لبنان ، 1989 م (صفحات 28-29) و همچنان ( فضل غنی مجددی « خانواده در اسلام: طبع دوم ، امریکا ، فصل حق مشترک جنسی بین زن و شوهر .

<sup>439</sup>. ابن‌القیم الجوزی « زاد المعاد » طبع مؤسسه الرساله بیروت 1407 هـ ( 97/5 ) .

باشد. مشکل در مهر و میراث در فرهنگ و ثقافت افغانستان در بین است که فرهنگ و ثقافت افغانی حق میراث و مهر را از زن سلب می نماید و حل مشکل میراث و مهر در اصلاح فرهنگ و ثقافت غیر معقول افغانی است.<sup>440</sup>

در قانون مدنی اسلام زن حق گرفتن طلاق را دارد و حتی حق دارد تا در وقت نکاح شرایط خود را بگنجاند و اگر شوهر از شرایط قبول شده صرف نظر کند زن میتواند طلاق خود را اگر بصورت مسالمت آمیز و رضایت شوهر بدان نرسید از محکمه بدست آورد و هیچکس زن را از این حق محروم ساخته نمی تواند.<sup>441</sup> زن در حالت زندانی شدن شوهر و مریضی که مانع عمل جنسی شود و همچنان مفقود شدن شوهر و عدم انفاق نفقه حق مطالبه طلاق را از محکمه دارد. مرحوم حضرت صاحب محمد هاشم المجددی می نویسد: در محیط که قانون اسلام تطبیق نمیشود و محکمه ای اسلامی نیست دو نفر از مسلمانان که دیگر مسلمانان به عدالت و خوبی شان شهادت بدهند می توانند طلاق زن را صادر نمایند.<sup>442</sup>

حفظ نام خانواده گی از جمله حقوق مدنی زن است که اسلام آنرا تثبیت می کند اما اگر زن به رضایت خود نام خانوادگی شوهر و یا هر نام دیگر را انتخاب میکند آزادی کامل دارد. در انتخاب شریک زندگی زن حق کامل دارد و پدر حق ندارد دخترش را از انتخاب شوهر مانع شود و اگر خانواده ممانعت کردند دختر حق شکایت را به محکمه دارد.<sup>443</sup> قضیة

<sup>440</sup>. فضل غنی مجددی «در نظام دولت اسلامی» ص 191.

<sup>441</sup>. مشروع قانون الأحوال الشخصية، دارالقلم، دمشق طبع اول 1416 هـ، 1996، ص 212، فصل طلاق.

<sup>442</sup>. فضل غنی مجددی «خانواده در اسلام» ص 152-153.

<sup>443</sup>. عبدالحمید کشک «بناء الأسرة المسلمة» ص 25-26.



تساوی بین زن و مرد در عصر حاضر بیک مسأله کاملاً سیاسی تبدیل شده. عده‌ها با داشتن شهادتنامه‌های عالی شعار: هیچ مرد بر زن و هیچ زن بر مرد برتری ندارد را بلند و می‌خواهند با استفاده از این شعار به طبقه‌نسوان خدمت نمایند ممکن است این گروه از مسلمانان معاصر هدف نیک داشته باشند اما در موضوع تساوی بین زن و مرد دچار مشکلات اند و اصل تساوی را خوب درک نکرده‌اند. این گروه از مسلمانان معنی و مفهوم اصطلاح «القوامة» که در قرآن کریم آمده آنرا صحیح درک نکرده‌اند و برداشت‌شان از قوامه یعنی حاکمیت مرد بالای زن است. علامه دکتور محمد عماره اصطلاح قوامه مرد بالای زن را تحقیق و بررسی نموده می‌نویسد: قوامه (ریاست مرد) باین معنی نیست که مرد به تنهایی قائد و رئیس در مؤسسه خانوادگی است بلکه معنی آن بلندی مقام مرد بشرطیکه اهلیت آنرا داشته باشد در مؤسسه خانوادگی است و شرط قیادت این است تا هر نوع فیصله در مسائل زندگی خانوادگی صورت می‌گیرد باساس مبداء شورا و مشوره باشد و مرد به تنهایی حق فیصله را ندارد و نمی‌تواند اراده زن و زعامت او را نفی کند و در مفهوم اسلامی زن و مرد راعی یعنی رعایت‌کننده در میدان واحد یعنی منزل هستند... و هر دو امیر و راعی در یک ساحه می‌باشند و قوامه درجه بزرگتر در درجات قیادت و زعامت است نه کل زعامت و قیادت.<sup>444</sup>

قوامه در اسلام مکلفیت و مسئولیت است نه شرف و برتری و تسلط. متأسفانه معنی و مفهوم قوامه از اصل فرهنگ و ثقافت اسلامی انحراف کرده است. قوامه ارتباط به انفاق دارد و مسئولیت مرد را در مصارف خانواده ثابت می‌سازد. قوامه از مرد می‌خواهد تا مسئولیت

های خود را در قبال خانواده درک کند و آنرا بصورت صحیح اداء نماید و قوامه مشروط به شروط مثل عدالت، تقوی، احسان و رحمت است. <sup>445</sup> درجه نیز از جمله اموری است که مردان از آن نظر به عدم فهم صحیح از نصوص اسلامی استفاده می کنند. در اسلام درجه مثل قوامه مسئولیت و مکلفیت مرد نسبت به خانواده اش است. قرآن کریم به موضوع درجه این طور اشاره می کند: « و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف و للرجال علیهن درجة ». (البقرة: 228). و زنان را حقوقی است چنانکه بر آنها واجباتی است بوجه پسندیده و مشروع (طوریکه مردان حقوق و مکلفیت دارند زنان نیز دارای حقوق و مکلفیت میباشند) و مردان را بر زنان برتری است (از لحاظ اختصاص مرد به حق رجوع در ایام عده به اساس تخصیص طلاق برای مرد).

اگر آیه کریمه بصورت مجمل در روابط و علاقه بین مرد و زن یا بین زن و شوهر اطلاق شود پس زنان را حقوق و مکلفیتها و مردان را حقوق و مکلفیتها است به عبارت دیگر زندگی بصورت خوب و پسندیده و تفاهم و همکاری و مشوره بین زن و شوهر می باشد. احترام حقوق زن و حقوق شوهر بدون مراعات و جایب و مسئولیت های مشترک غیر قابل اجراء و تحقق است. درجه بالاتر یعنی مسئولیت بیشتر و این حقیقت است که در تمام انجمن ها اجتماعی و احزاب سیاسی شخص اول مسئولیت بیشتر را می داشته باشد اما فرهنگ های میراثی گذشته تأثیرات منفی خود را بالای فرهنگ و ثقافت معاصر تا هنوز گذاشته است و در فرهنگ و ثقافت های گذشته چون مرد قدرت کار فزیزی را نسبت به زن بیشتر داشت بدین لحاظ مسئولیتهای او یک درجه بالاتر از مسئولیت های زن در زندگی خانوادگی بود و این روش از میراث قبل از اسلام است اما اسلام آمد تا این روش را اصلاح کند و قرآن کریم

<sup>445</sup>. دکتور نبیل علم «الثقافة العربية والتجديد الإسلامي»، ص 411.

مسلمانان را متوجه مکلفیت های شان خصوصا در نظام خانوادگی ساخت و برای زن حق مثل مرد را ثابت کرد .

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید «إنما النساء شقائق الرجال» زنان شق از مردان اند یعنی که زن یک جزء از مرد را تشکیل می دهند .<sup>446</sup> رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در حدیث مبارک موضوع قیادت و زعامت و ریاست زن و مرد را بصورت واضح بیان می فرمایند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة... و الرجل راع علی أهل بیته و هو مسئول عنهم... و المرأة راعیة علی بیت بعلها و ولده و هی مسئولة عنهم ألا فکلکم راع ، و کلکم مسئول عن رعیتة» همه ای شما راعی و مسئول از رعیت خود هستید ، مرد راعی أهل منزل خود است و از آنها مسئولیت دارد و زن راعی در خانه شوهر و اولاد خود است و از آنها مسئولیت دارد ، همه ای شما راعی و همه ای شما از زیر دستان خود مسئول هستید . رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اصطلاح «راعی» را در مسئولیت زن و مرد استفاده کرد تا تساوی را در مسئولیت بین زن و مرد تثبیت کند . حدیث مبارک تساوی مطلق را بین زن و مرد در وجایب و مسئولیت ها نشان می دهد. معنی درجه در مسئولیت داخل منزل امتیاز برای مرد نیست بلکه مسئولیت مرد را در رعایت خانه و أهل بیت او بیشتر می سازد و موضوع مهم در معنی حدیث مبارک رعایت مشترک است که مسلمانان آنرا خوب درک نکرده اند و تصور کرده اند که اسلام مرد را قوت و صلاحیت بیشتر در اداره شئون منزل نسبت به زن میدهد و این تصور قابل اصلاح است و زمانی اصلاح میشود که فرهنگ نامعقول به فرهنگ معقول اسلامی تبدیل گردد .

اسلام فرق بین انسان ها را یک امر طبیعی می داند و فرق در فرهنگ دینی یک امر فطری است که با خلقت انسان یکجا خلق شده . تفاوت و

<sup>446</sup> . احمد ، المسند 6 ، ص 256 و أبو داود ، السنن جلد 1 ، کتب الطهارة .

فرق بین انسانها در فرهنگ اجتماعی اسلام عیب و امتیاز و برتری نیست. فرق و تفاوت زمانی قابل تشویش است که همراه با افتخارات قومی و نژادی باشد. قرآن کریم در تساوی بین انسانها می فرماید: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة» (النساء: 1). ای مردم! از پروردگار خود بترسید، آن پروردگاری که شما را از یک نفس (انسان) بیافرید.

اختلاف و تفاوت در کائنات که انسان جزء کوچک آنرا تشکیل میدهد از سنن الهی است. خداوند سبحانه و تعالی کائنات را مختلف خلق نموده است و تفاوت بین انسانها و کائنات یکی از زیبایی های خلقت است. تفاوت در سرمایه، قوت و ضعف، علم، ذکاوت، زیبایی و تفاوت در رنگها و غیره. از عدالت نیست که زن دانشمند و پاکدامن با مرد بی دانش و ناپاک مساوی باشد و از عدل نیست مرد دانشمند و عالم با زنی که فاقد علم است مساوی باشد. قرآن کریم می گوید: آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند مساوی اند. اسلام در اصل انسانیت و در پیشگاه قانون مدنی و قانون جزاء همه را مساوی می داند چه زن باشد یا مرد و چه مسلمان و یا غیر مسلمان و برتری در اسلام به اساس تقوی است «إن اکرمکم عند الله اتقاکم» با کرامت و بهتر از بین شما نزد پروردگار با تقوی ترین شما است چه تقوی در وجود مرد باشد و یا وجود زن. قرآن کریم از حسادت مسلمانان را نسبت به یکدیگر شان منع میکند و می فرماید: «ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن و سئلوا الله من فضله، إن الله کان بکل شیء علیما» (النساء: 32). آرزوی چیزی (از روی حسد) نکنید که خداوند به آن برخی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده است. مردان از آنچه کسب نموده اند بهره مند شوند و زنان از آنچه کسب نموده اند بهره مند گردند و (با تلاش و سعی آنچه میخواهید) از خداوند بخواهید (و رحمت و برکت) از فضل و کرم او تعالی بجوئید، حقا که خداوند به هر چیز دانا است. آیه مبارکه حسب سیاق آن و آیات که

قبل از آن و بعد از آن آمده نشان میدهد که فضل خداوند به هر دو جنس ( زن و مرد ) داده شده است و بعضی از انسانها نسبت به بعضی دیگر در نعمت های الهی با درجات متفاوت اند . هستند عده مردان که نسبت به بعضی زنان فضیلت بیشتر در بعضی نواحی زندگی دارند و هستند عده زنان که نسبت به بعضی مردان فضیلت های بیشتر دارند و خداوند بعضی از زنان را نسبت به بعضی از مردان فضیلت بیشتر عطا کرده است .<sup>447</sup> حکمت و دانش از لطف و مرحمت خداوند است برای هر کس بخواهد عطاء میکند و در عطاء خداوند مرد و زن مورد سؤال نیست . خداوند سبحانه و تعالی از بین بندگان خود چه مرد باشد و چه زن انتخاب میکند و بعضی زنان از حکمت الهی با مقایسه با مردان زیاد تر نصیب دارند . در قرآن کریم می خوانیم : « یوتی الحکمة من یشاء و من یوت الحکمة فقد أوتی خیرا کثیرا » ( البقرة: 269 ) . به هر که خواسته باشد حکمت و دانش عطا فرماید و هر که را حکمت و دانش نصیب شود یقینا خیر فراوانی دریافته است . آیه مبارکه در عطاء حکمت نام از مرد و یا زن نمی برد .

زن بودن از جمله نواقص نیست مثلیکه مردم بودن فضیلت نیست ، زن و مرد یکدیگر خود را تکمیل می کنند و بدون موجودیت زن و مرد ادامه زندگی ناممکن است . بدون موجودیت زن و مرد ماشین زندگی توقف می کند . خداوند سبحانه و تعالی برای ادامه زندگی بشر در کره زمین خصوصیت های متفاوت را بین زن و مرد گذاشته است و همین خصوصیات متفاوت زندگی را تکمیل می سازد . مرد دارای قوت فزیکتی بیشتر نسبت به زن دارد و در مقابل زن رحمت و مهربانی و عاطفه بیشتر نسبت به مرد دارد . قوت فزیکتی در مرد و عاطفه و مهربانی در وجود زن صفت مستقل برای هر دو است و در روشنی همین تفاوتها علمای اجتماعیات و وظائف را در جامعه بین زن و مرد تقسیم می نمایند .

<sup>447</sup> . مصطفی الزرقا « فتاوی » طبع اول 1420 هـ ، 1999 م ، صفحات 243 - 244 .

در تساوی بین زن و مرد در نظام اسلامی دکتوره مریم السباعی استاذ دراسات اسلامی در جامع الازهر می نویسد: مقصد از مساوات بین زن و مرد در شریعت اسلامی در منزلت و مقام انسانی و مسئولیت اجتماعی است در حالیکه در غرب تساوی در ساحت معنوی بین مرد و زن سلب شده است. در غرب بنام تساوی حقوق مقام عالی زن سقوط کرده و در هر بیست ثانیه یک زن در امریکا طلاق میشود و از زن در تبلیغات تجارتي استفاده میشود.<sup>48</sup> در ادیان قبل از اسلام خصوصا در یهودیت زن مجرم شناخته میشد و زن در فرهنگ و ثقافت یهودیت سبب شقاوت مرد و خارج شدن او از جنت میباشد. متأسفانه اسرائیلات و قصه های غیر حقیقی و خرافات داخل فرهنگ و ثقافت اسلامی شد و مسلمانان در سالهای عقب گرائی خرافات و اسرائیلات را حقیقت تصور کردند و به زن به نظر خوب ندیدند و زن ستیزی داخل فرهنگ نامعقول مسلمانان شد و تا امروز باقی مانده است.

علامه یوسف القرضاوی موضوع نقش زن را در اخراج آدم از جنت بررسی کرده باین نتیجه می رسد :

حکایت نقش حواء در خارج ساختن آدم از جنت یک قصه و حکایت غیر اسلامی میباشد. مصدر این حکایت تورات و ملحقات آن است و یهود و نصاری باین قصه عقیده دارند و نویسندگان و شعراء ایشان هر کدام در باب این حکایت قصه ها نوشته و اشعار سروده اند که متأسفانه بعض از مسلمانان بدون دقت و نقد همه حکایات را قبول کرده اند. قصه آدم را در آیات متفرقه قرآن کریم می خوانیم باین نتیجه میرسیم :

1) امر خداوند برای نزدیک شدن به درخت و عدم خوردن از میوه آن برای آدم و حواء بود « و قلنا یادم اسکن انت و زوجک الجنة و کلا منها رغدا حیث شئتما و لا تقربا هذه الشجرة فتکونا من الظلمین » (البقرة: 35).

<sup>48</sup>. الشروق الاوسط ، 1996/1/3 م.

و گفتیم ای آدم، تو و همسرت در بهشت اقامت گزینید و بخورید از بهشت بدلخواه و زیاد هر چه و هر جا که خواسته باشید، و نزدیک نشوید به این درخت (گندم یا انگور یا غیر آن) پس از جمله ستمگاران خواهید بود.

2) آدم و حواء را شیطان با حيله های خود و قسم کاذب اغوی و گمراه ساخت و خداوند در سوره بقره می فرماید: « فَاذْلُمَا الشَّيْطَانَ عَنْهَا فَاخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ » (البقرة: 36). پس شیطان هر دو (آدم و حواء) را از آنجا در لغزش افکند و از نعمتی که در آن بودند بیرون شان کرد.

در سوره الأعراف تفصیلات بیشتر از اغواء شیطان آمده است (پس و سوسه داد ایشان را شیطان تا آشکار گرداند برای ایشان آنچه پوشیده بود از نظر ایشان از شرم گاه های ایشان گفت منع نکرده است شما را پروردگار شما ازین درخت مگر برای احتیاط از آنکه شوید دو فرشته یا شوید از جاوید باشندگان. \* و قسم خورد برای ایشان که من از نصیحت کنندگانم شما را « الأعراف: 21/20 » \* پس بسوی پستی انداخت ایشانرا بفریب دادن پس چون چشیدند آن درخت را ظاهر شد ایشان را شرمگاه های ایشان و شروع کردند که برگی بالای برگی می چسپانیدند بر خویش از برگ درختان بهشت و ندا کرد ایشان را پروردگار ایشان که آیا منع نکرده بودم شما را ازین درخت و نه گفته بودم به شما که هر آئینه شیطان شما را دشمن آشکار است \* گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم بر خویش و اگر نیامرزی ما را و مهربانی نکنی بر ما البته از زیان کاران باشیم. { الاعراف: 23/22 } . در سوره طه ملاحظه می شود که آدم علیه السلام مسئول اول از معصیت بود نه حواء و کلام خداوند بخصوص و در اساس متوجه آدم است و تقصیر به آدم نسبت داده شده نه به حواء و عصیان و سرکشی با اینکه با آدم حواء شریک بود به آدم نسبت دارد نه به حواء .

در حدیث صحیح آمده که آدم و موسی علیهما السلام در عالم غیب با هم ملاقات نمودند ، موسی علیه السلام آدم را مسئول از آنچه انسان از آن در دنیا مشقت و رنج میکشد به سبب خوردن اش از درخت می کند ، لیکن آدم برای موسی می گوید که این موضوع قبل از خلقت آدم از جانب خداوند مقدر و ترتیب شده بود و آدم را خداوند برای تعمیر زمین خلق نموده بود و اضافه میکند و می گوید ای موسی این موضوع در تورات پیش تو نوشته شده است .

از حدیث فوق دو و نتیجه گرفته میشود :

الف: موسی علیه السلام آدم را مسئول میداند نه حواء را و گفتار موسی استنباط میشود که آنچه در تورات نسبت به مسئولیت حواء در اخراج آدم از جنت آمده است صحت ندارد و از تحریفاتی است که در تورات داخل شده است .

ب: نزول آدم به زمین مقدر بود و خداوند انسان را برای آبادی زمین خلق نموده بود و اراده خداوند باید تحقق می یافت .

### زن در تفکر معاصر اسلامی

موضوع و مفهوم زن از چند قرن باین طرف از موضوعات قابل بحث و یکی از اهم مشکلات در فرهنگ و ثقافت اسلامی است. دیموکراسی غرب مسلمانان را بعد از آزادی های لیبرالی در مورد قضیه زن متهم می سازد. سیاستمداران و اهل مطبوعات غرب به وکلای مدافع حقوق زنان مسلمان تبدیل شده اند و اکثر کمک های اقتصادی غرب مشروط به قبول مسلمانان به حقوق زن و خصوصا اشتراک زنان در ارگانهای دولتی و مؤسسات و انجمن ها است.

نمی توان این حقیقت را انکار کرد که طبقه نسوان در همه کشور های اسلامی بدون استثناء تحت فشار قرار دارند و قوانین اسلامی مربوط به حقوق زنان در اکثر کشور های اسلامی تطبیق عملی ندارد. مشکلات



جامعه اسلامی قسمیکه قبلا در مورد آن بحث شد در نتیجه فرهنگ نا معقول که جای فرهنگ معقول اسلامی را گرفته میباید و تا فرهنگ نا معقول که حاصل آن نا معقولیت است به فرهنگ معقول که حاصل آن معقولیت است تبدیل نشود قضیه زن و قضایای مشابه آن در عصر حاضر در جهان اسلام حل نمی شود. دانشمندان معاصر اسلامی مشکل قضیه زن را بعد از مشکل استبداد سیاسی و رسیدن به دیموکراسی و آزادی های که اسلام از آن حمایت می کند در مقدمه کارهای خود قرار می دهند. از نظر علوم نظری مسلمانان در حل قضیه زنان در جوامع اسلامی به نتایج خوب و مفید رسیده اند اما متأسفانه در تطبیق عملی نظریات اسلامی تا هنوز پیشرفت قابل ملاحظه صورت نگرفته است. نهضت های معاصر اسلامی بعد از تجربه های این نتیجه رسیده اند که زنان را در فعالیت های سیاسی و اجتماعی با مردان حق مساوی داد و زنان را در تمام امور زندگی شریک ساخت. از نیم قرن باین طرف عملاً زنان مسلمان در مراکز مهم فعالیت های اجتماعی و سیاسی و وظائف مهم و اساسی دولت سهیم و نقش مهم را بازی می کنند. نهضت نسوان مصر از سال 2012م رهبریت ضد انقلاب خونین عسکری مصر را بدست دارد و هزارها دختر مسلمان در مبارزات علیه استبداد زندانی و یا به شهادت رسیده اند و در زندان زنان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. در افغانستان حرکت اسلامی جدید بنام «اصلاح اجتماعی» شعبه نسوان را تأسیس کرده است و دختران جوان و تعلیم یافته ای افغانستان با جوانان اصلاح اجتماعی مشترکاً کار می کنند و امید است این روش معاصر قویتر و فعالتر شود و نمونه خوب برای آینده باشد.

تا نصف دوم قرن دوم هجری قضیه ای «جبر و اختیار» قضیه مهم در بین علماء بود و از اواسط قرن نهم میلادی قضیه «دین و علم» از قضایای بزرگ و مهم بود که جامعه علمی اسلامی را بخود مشغول ساخته بود و از اواسط قرن بیستم تا امروز قضیه زن از مهمترین قضایای است که جهان اسلام را بخود مشغول ساخته است و تا ختم این تحقیق قضیه زن

بصورت کل حل و فصل نشده است و مناقشه بین مسلمانان در قضیه زنان و اشتراک شان در مسائل اجتماعی و سیاسی و ادبی بصورت جدی ادامه دارد .

دانشمندان معاصر فکر اسلامی قضیه زن را یکی از اهم و مهمترین قضیه بین قضایای معاصر اسلامی می دانند و در راه حل آن مساعی و کوشش دارند و اکثراً برای حل این معضله و قضیه از نصوص صحیح اسلامی استفاده میشود . از جمله علمای معاصر محمد الغزالی قضیه زن را بحث نقدی کرد و در کتب خود نواقص و عدم فهم صحیح جامعه اسلامی را از نصوص اسلامی در مورد زن توضیح داد . الغزالی در کتاب اش بنام «السنة النبوية بين أهل الفقه وأهل الحديث» ثابت کرده اکثر احادیث نبوی در مسأله زن یا صحیح فهمیده نشده است و یا صحیح نقل قول نشده است و یا اصلا صحت ندارد . الغزالی با صراحت می گوید که حقوق اساسی زنان امروزه تنها در جهان اسلامی بلکه در جهان معاصر قابل تشویش است .

دکتور یوسف القرضاوی پریشانی خود را از قضیه زن در جوامع اسلامی اینطور اظهار می کند : قضیه زن در جوامع اسلامی در بین موقف غلو و تقصیر « افراط و تفریط » قرار دارد . القرضاوی نهضت های اسلامی را در عدم اشتراک زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی یکی از مهمترین اشتباهات شان می داند و اعتقاد برین دارد که عدم اشتراک زنان در قضایای اسلامی سبب ایجاد فاصله بین طبقه نسوان و ذکور شده است که در نتیجه آن نهضت و مدنیت اسلامی آسیب دید .<sup>449</sup> علامه القرضاوی مفکرین معاصر و نهضت های اسلامی را در قضیه زنان تا حد زیاد مسئول می داند و در این مورد می نویسد : امروز با مرور

449 . عبدالحلیم أبو شقة « تحرير المرأة في عصر الرسالة » الكويت: دار القلم ، 1990

60 سال از تأسیس نهضت اسلامی معاصر زعامت اسلامی در بین زنان بوجود نیامده است تا در مقابل حرکت سیکولری و کمونیزم مقاومت و ایستادگی نماید. علت اساسی در عدم رسیدن زنان به مقام مسئولیت نقش مردان در قیادت و زعامت است و مردان به نمایندگی از طبقهٔ نسوان حرف می‌زنند. به نظر من فعالیت‌های زنان در عمل اسلامی وقتی موفقانه می‌باشد که زنان در ساحت فکر و علم و ادب و دعوت و تعلیم و تربیت زعامت را بدست داشته باشند و جای شک نیست که در بین زنان علامه‌ها و دانشمندان بزرگ وجود دارد و دانش و فهم و درایت مخصوص مردان نیست. در پوهنتون قطر ملاحظه نمودم که دختران در ساحت علوم نسبت به پسران تفوق دارند.

علامه القرضاوی ادامه می‌دهد: نظریات و افکار شدید یا افراطی در ساحت عمل اسلامی راه یافت و سبب شد تا زنان از زعامت عمل اسلامی دور ساخته شوند. در سالهای هفتاد در امریکا در کنفرانسهای که داشتم دختران و پسران بدون فرق زیر یک سقف حاضر می‌شدند و دختران و زنان سؤالات شان را خود شان با تمام صراحت می‌نمودند اما در سالهای هشتاد ملاحظه نمودم که در کنفرانسها و سمینارها زنان را از مردان جدا ساخته بودند و زنان از این موقف مردان برایم شکایت کردند. مردان را مخاطب ساختم و خواهش کردم تا زنان را به حال خودشان بگذارند و در کارهای شان مداخله نکنند. در کنفرانس «مانچستر» در انگلستان برای دختران سخنرانی داشتم و در نهایت کنفرانس ملاحظه کردم که پسران سؤالات دختران را قرأت می‌کنند این موقف را شدیداً تقبیح کردم. در الجزائر دختران شکایت کردند که بعد از ازدواج شوهران ایشانرا از فعالیت‌های اسلامی منع میکنند و اکثر دختران مسلمان بهمین سبب نمی‌خواهند ازدواج کنند.<sup>450</sup> علامه محمد الغزالی

<sup>450</sup> . دکتور یوسف القرضاوی « أولویات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة » مؤسسة الرسالة 2001 م ، صفحات 70-74 .

مشکلات زنان را در پیروی از رسم و رواجهای زشت که از میراث فرهنگ و ثقافت نامعقول است می‌داند و در این مورد می‌نویسد: زنان در هر دین که هستند حق دارند تا برای عبادت به معابد حاضر شوند ، اما زن مسلمان اجازه ندارد به مسجد داخل شود به دلیل اینکه فرهنگ جامعه برایش این حق را نمی‌دهد و هزارها مسجد در جهان اسلام خالی از زنان است. این روش خلاف روش اسلام است در عصر رسالت زنان به مسجد نبوی در هر نماز حاضر می‌شدند و این روش بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ادامه داشت. روش نامعقول در مقابل زنان نه تنها به زنان مسلمان صدمه وارد می‌کند بلکه به اسلام بصفه دین نیز صدمه وارد می‌کند و رسالت و دعوت اسلامی را متوقف می‌سازد.<sup>451</sup>

نقش زنان در امور اجتماعی و اشتراک در وظایف دولتی و سیاسی محور مناقشه و مناظره و مجادله بین علماء و فلاسفه است. در قضیه اشتراک زنان در امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نظریات متفاوت بین علماء وجود دارد بطور مثال شیخ محمد رشید رضا، در کتاب اش بنام «حقوق النساء فی الإسلام و حفظهن من الإصلاح المحمدي العام»، در صفحه: 11، به اثبات می‌رساند که اسلام در اشتراک زنان با مردان در شعائر دینی و کارهای اجتماعی و سیاسی نه تنها مخالف نیست بلکه این مشارکت را امر می‌کند. اما شیخ محمد ناصر الدین الألبانی در تحقیق اش از همین کتاب می‌نویسد: این نظریه و رأی نظر به آیه «و قرن فی بیوتکن» (الأحزاب: 33). و در خانه‌هایتان قرار گیرید مخالف است و زنان عصر اول اسلامی در امور سیاست مداخله نمی‌کردند. شیخ رشید رضا دلیل خود را از آیه مبارکه «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض» ، مؤمنان یعنی مردان مؤمن و زنان مؤمنه ولی یکدیگر خود هستند می‌گیرد و می‌گوید خداوند برای زنان ولایت مطلقه را تشییع کرده است و ولایت مطلقه شامل برادری و برابری و

451. محمد الغزالی «هموم داعیة»، دار البشیر، القاهرة، صفحات 60-61.

مؤدت و همکاری مالی و اجتماعی و نصرت حربی و سیاسی است. محمد الغزالی اختلاف نظر بین علامه رشید رضا و شیخ محمد ناصر الألبانی و دیگر دانشمندان معاصر اسلامی را بنام اختلاف در روش و روش بین أهل فقه و أهل حدیث می داند. الغزالی برای نزدیک ساختن نظریات أهل حدیث و أهل فقه کتاب خود را بنام «السنة النبویة بین أهل الفقه و أهل الحدیث» تألیف نمود که در این بحث از آن استفاده میشود. دکتوره منی یکن، یکی از مدافعین حقوق زنان باین نظر است که تا هنوز زنان از اشتراک در مسائل اجتماعی و سیاسی بسیار فاصله دارند و طبقه زنان از ایجاد این فاصله رنج می برند. خانم صافی ناز کاظم در این مورد می گوید: چانس زن تعلیم یافته در ساحه اجتماعی محدود است و زن قربانی این ظلم است. نامبرده اضافه میکند که میراث فکری و عقلی جاهلیت قبل از اسلام سبب ظلم بالای طبقه زنان است. نامبرده برای حل این حقیقت دعوت به اصلاح فرهنگ میراثی و عقلیت و فکر دوران جاهلیت قبل از اسلام می کند.<sup>452</sup> شهید سید قطب قبل از دکتور ناز کاظم به این مطلب اشاره می کند. سید قطب تمام مشکلات معاصر مسلمانان را در احیاء جاهلیت قبل از اسلام می داند و بهمین مناسبت کتاب خود را بنام «جاهلیت قرن بیستم» نوشت.

### زن در ادبیات معاصر اسلامی

قضیه زن در ادبیات معاصر اسلام چه در نوشتار، گفتار، تلویزیون، رادیو، خطابت و غیره مورد توجه جدی دانشمندان و علمای معاصر اسلامی است و نویسندگان و علمای فکر اسلامی در کتابهای خود قضیه زن را بحث جدی می کنند و در تحقیقات معاصر دانشمندان معاصر کوشش دارند تا نظریات قدیم اسلامی را بعد از پاک سازی و اضافه و تجدید در قالب عصری تقدیم جامعه نمایند.

<sup>452</sup> صافی ناز کاظم «فی مسألة السفور و الحجاب» القاهرة: مکتبه و هبة، 1982 م،

مناقشه ای قضیه زن در ادبیات معاصر اسلامی تصادم و اختلافات فکری را بین دانشمندان و انجمن های فکری و فرهنگی بوجود آورده است و دانشمندان مدارس فکری متفاوت ، موضوع زن را از ناحیه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و تساوی حقوق در ساحت فکری خاص خود بحث می نمایند. تصادم فکری و اختلافات ایدئولوژیکی در بحث قضیه زن معاصر ، قضیه زن را در مقدمه تمام قضایای معاصر اسلامی قرار داده است .

ادبیات معاصر اسلامی بطور عموم در مسأله زن روش تکرار را تعقیب میکند و مفکرین معاصر اسلامی عموماً کار های گذشته گان را تجدید می کنند به عبارت دیگر روش و مرحله تجدید فکری در ساحت قضایای زنان متوقف است . زنان معاصر در جامعه اسلامی از تکرار مسائل گذشته و عدم تجدید فکری و عدم عمق علمی در ساحت قضایای زنان شکایت دارند . علامه دکتور یوسف القرضاوی با نظریات و انتقادات زنان از روش معاصر فکر اسلامی در موضوع زنان همفکر است و با صراحت میگوید : عده از خواهران مسلمان از تحقیقات مطبوع و خطابه ها در کنفرانسهای اسلامی که به خاطر قضیه زنان انعقاد می یابد شکایت دارند و شکایت های خود را به من فرستاده اند . خواهران مسلمان می گویند دانشمندان و سخنرانان در نوشته ها و گفتار خود عموماً آنچه قبلاً گفته بودند تکرار می کنند و این تکرار در نوشته ها و سخنرانی ها باندازه زیاد است که زنان تصور دارند که اسلام از این بیشتر در مورد زن چیز نگفته است.<sup>453</sup> عدم تجدید مفهوم اسلامی و عدم مطالعه جدید از نصوص اسلامی و عدم مراعات شرایط زمان و مکان سبب شده است تا قضایای مربوط به زنان بصورت میراثی و

<sup>453</sup> . جامعة عدن ، مركز المرأة للبحوث و التدريب « قراءة في الخطاب الإسلامي المعاصر حول المرأة » 2 اکتوبر 2014 ، المرأة  
 file:///c:/Users/user/Documents

تقلیدی بحث شود و محققین اسلوب و روش نقد را تا هنوز در موضوع زنان مراعات نمی کنند و همچنان ادبیات معاصر در نوشته ها و سخنرانی های دانشمندان معاصر خصوصاً در کشور های عقب مانده اسلامی مثل افغانستان تجدید نشده است و بصورت تقلیدی و میراثی در ساحة علمی معاصر ادامه دارد . عدم تجدید در مسأله و قضیه زن سبب شده که عده از زنان به عدالت اسلامی در مورد خود شک کنند. اگر ادبیات اسلامی معاصر در افغانستان خصوصاً در مورد زنان تجدید نشود یقین است که زنان معاصر افغانستان بدامن فرهنگ غرب مسیحی می افتند و مسئولیت را باید دانشمندان و علمای معاصر افغانستان بپذیرند .

در آغاز قرن بیستم مفکرین بزرگ اسلامی و از آن جمله علامه رشید رضا بحث جدید را در مورد قضیه زنان باز کرد و نظریات جدید را در کتاب بزرگ خود بنام « حقوق النساء فی الإسلام » تألیف کرد و در بحث خود مشارکت زنان را در زندگی عمومی جامعه و ساحة سیاسی از نظر اسلام به اثبات رسانید لیکن بعد از رشید رضا دیگران کار او را تعقیب و تجدید و در آن اضافت نکردند .

در اواخر قرن بیستم تحقیقات و بحث های جدید به اسلوب معاصر به طبع رسید و در بین این بحث ها و تحقیقات مهمترین آن که فکر معاصر اسلامی را تغییر داد در ساحة تفسیر و فقه و حدیث است . در ساحة تفسیر قرآن کریم روش جدید را امام الغزالی بنام « تفسیر موضوعی » بوجود آورد . محمد الغزالی تفسیر جدید را بنام « نحو تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم » به طبع رسانید و بعد از او استاد عکاشة عبد المنان الطیبی عملاً تفسیر موضوعی را آغاز و از تفسیر فی الظلال القرآن آنچه مربوط به زنان بود یکجا و در کتاب مستقل بنام « المرأة فی الظلال القرآن ، زن در سایه قرآن » به طبع رسانید .

در ساحة حدیث اولین کتاب بنام «تحریر المرأة فی عصر الرسالة» ، آزادی زن در عصر رسالت» از عبدالحلیم أبو شقة است که در 16 مجلد به طبع رسید . استاد عبدالحلیم احادیث را در مورد زن از کتابهای معتبر حدیث خصوصا صحیح البخاری مطالعه کرد و به احادیثی دست یافت که در روشنی آن نظر عمومی محققین را در مسأله زن تغییر داد . او در مقدمه کتاب خود می نویسد : احادیث که به زنان و رابطه شان با مردان در امور اجتماعی ارتباط دارد فوق العاده مهم است و مطالعه این احادیث فکر و روش مسلمانان را از شخصیت زن کاملا تغییر می دهد و مشارکت زنان را با مردان در عصر رسالت توضیح می کند .<sup>454</sup> در ساحة فقه علامه شیخ محمد مهدی شمس الدین روش جدید و معاصر را بوجود آورد و کتاب خود را بنام «مسائل حرجة فی فقه المرأة» به طبع رسانید . شیخ شمس الدین فقه معاصر زنان را برای زنان ترتیب کرد و در فقه جدید بین فرهنگ و فقه جمع نمود و بدین ترتیب مدرسه جدید معاصر را در ساحة فقه زنان باز کرد . شیخ شمس الدین مسائل جنجال بر انگیز را که سالها مردم را به خود مشغول ساخته بود و اکثر علماء در مورد آن سکوت کرده بودند بررسی کرد و قضایای فقهی زنان را از چهار نواحی مورد مطالعه قرار داد :

1. قضیه ستر زنان (حجاب در حضور مردان و دیدن نا محرم به طرف زن و نظر زن به طرف نا محرم .)
2. صلاحیت و اهلیت زن برای رسیدن به حاکمیت در دولت «ریاست دولت» . شیخ شمس الدین در تولی زن به ریاست دولت میگوید : کتاب و سنت مرد بودن را شرط تولی ریاست دولت نمی داند بلکه اهلیت را شرط زعامت می داند.
3. حقوق مشترک بین زن و شوهر .
4. کار کردن زن در تجارت و ساحة بشر دوستی .

<sup>454</sup> . عبدالحلیم أبو شقة «تحریر المرأة فی عصر الرسالة» جلد 1 ، ص 28 .



شیخ شمس الدین و دیگران باین عقیده اند که در مسائل فقه زنان باید تجدید نظر شود تا وضعیت زنان معاصر اصلاح گردد و آینده از امروز بهتر باشد.

<sup>455</sup>مفکرین غرب از اختلاف نظر در مورد قضیه زن بین دانشمندان معاصر اسلامی و همچنان از اوضاع خراب زنان در جوامع اسلامی استفاده و تجربه های غرب را برای رسیدن زن مسلمان به اهداف و مشارکت آنها با مردان در مسائل اجتماعی و سیاسی بهترین وسیله جهت رسیدن زن به مقام عالی در جامعه و اشتراک زنان در نهضت قرن بیست و یکم می دانند. دانشمندان و حقوق دانان و مدافعین حقوق زن در غرب شعار دفاع از حقوق زن را یکی از مهمترین اهداف خود قرار داده اند و نهضت فکری غرب در مسأله زن با مقارنه به نهضت فکری معاصر اسلامی به موفقیت های زیاد رسیده است.

دعوت برای استفاده از تجربه و تقلید غرب در موضوع زنان در نتیجه ظلم اجتماعی و عدم تطبیق عدالت اجتماعی و نظامهای فاسد و استبداد سیاسی و جهل مردم و ضعف و ناتوانی علما و دانشمندان در جوامع اسلامی قوت بیشتر گرفته است و فلسفه و نظریه غرب را مؤسسات تعلیمی و میدیای غرب بسرعت در جهان اسلام تبلیغ و توجه نسل معاصر اسلامی (زن و مرد) را بخود معطوف ساخته است. مفکرین نهضت و مدنیت غرب روش تفکر معاصر اسلامی را در ساحة زنان به شکست و عقب نشینی مواجه ساخته اند و شرقی ها را مجبور کرده اند تا از تجربه های غرب در مورد زنان استفاده کنند.

تطبیق تجربه های غرب در مسأله زنان اسباب ترس و بیم جمع کثیر مسلمانان را بوجود آورده است و عده از دانشمندان مسلمان تصور

<sup>455</sup> محمد مهدی شمس الدین «الستر و النظر» بیروت: المؤسسة الدولية للنشر، ج، 1، 1994، ص 5 و ([www.kalema.net/v1/?pt=3398&art](http://www.kalema.net/v1/?pt=3398&art))

دارند که در صورت کاپی تجربه های غرب و تطبیق آن در جوامع اسلامی مبادی اسلام زیر سؤال قرار می گیرد. تهاجم فرهنگ غرب همیشه و در تمام ساحات زندگی مسلمانان ادامه خواهد داشت و غرب همیشه فرهنگ و ثقافت خود را به شرق صادر میکند و امروز جهان به قریه کوچک تبدیل شده است و ممکن نیست تأثیرات فرهنگ غرب را در جوامع اسلامی مانع شد. برای مانع فرهنگ غرب یگانه و سیله نزد مسلمانان تطبیق مبادئ اسلام و تثبیت حقوق اساسی زن که اسلام آنرا آورده میباشد نه مانع شدن از رسیدن فرهنگ غرب زیرا ممکن نیست فرهنگ را با استفاده از قوت پولیس و سانسور مانع شد و اما ممکن است فرهنگ و ثقافت را به فرهنگ و ثقافت معامله نمود و مانع انتشار فرهنگ غیر اسلامی در جوامع اسلامی شد.

اسلام قاعده متین و مستحکم اجتماعی را گذاشته است و نباید خوف و ترس از انهدام این قاعده داشت زیرا قاعده اسلامی متین و پایه های مستحکم دارد و در هر زمان و مکان قابل تجدید و تطبیق است. اسلام تساوی را بین زن و مرد در تمام مسائل زندگی قاعده اساسی می داند. ترس مسلمانان خصوصاً مردان از تهاجم فرهنگ غرب زیادتر باین سبب است که جامعه اسلامی از تطبیق قاعده اساسی اسلام عاجز مانده است مثلاً اگر زن مرتکب عمل فحشات می شود بصورت فوری مجازات می شود در صورتیکه در حق مردان در بسیاری اوقات حکم تطبیق نمیشود، میراث که خداوند آنرا به وضاحت و به تفصیل تقسیم کرده است بین زن و مرد تطبیق نمیشود. جامعه اسلامی نمی خواهد تسلط مردان را بالای زنان معامله کند و اکثر مردان باین عقیده اند که زنان را خداوند برای ولادت و خدمت منزل خلق نموده است، پس ترس از قوت فرهنگ و تهاجم غرب در جوامع اسلامی نیست بلکه ترس و خوف در عدم تطبیق قاعده اساسی اسلام است و مردان می دانند که در صورت تطبیق مبادئ و قاعده ای اسلامی در جامعه زنان به حقوق اساسی خود میرسند و با مردان در تمام امور مساوی می شوند به عبارت دیگر ترس از قوت غرب

نیست بلکه ترس از ضعف و ناتوانی مسلمانان است.<sup>456</sup> در سالهای هشتاد میلادی اروپا موقف جدی تر را در قبال زنان معاصر مسلمان در اروپا خصوصا در مورد حجاب گرفت و حجاب اسلامی را مخالف با مدنیت غرب دانست. در سال 1989 در فرانسه جنگ علیه حجاب آغاز شد و در سالهای نود میلادی موضوع حجاب در تمام اروپا بصفت یک مشکل فرهنگی و ثقافتی شناخته شد. قضیه فرشته لودین (افغانی اصل) در جرمنی و اخراج او از وظیفه تدریس به دلیل حجاب نمونه بارز از خوف و ترس زمامداران اروپا از نشر فکر معاصر اسلامی در بین طبقه جوان در اروپا است. زنان اروپائی از آزادی های بی بند و بار و تجاوزهای جنسی و استفاده از زن در اعلانات خسته شده و باین فکر و اندیشه اند تا به فرهنگ و ثقافت اسلام نزدیک شوند و خلایی که در جامعه ای زنان در غرب بوجود آمده آنها را به اسلام آوردن پیر سازند. قبول اسلام و نشر ثقافت اسلامی در اروپا تصادم بین دو فرهنگ را آماده کرده است و مفکرین و سیاستمداران غرب جنگ علنی را علیه فرهنگ و ثقافت اسلامی در غرب اعلان کردند و کوشش دارند تا مانع نشر فرهنگ و ثقافت اسلامی در جوامع اروپائی شوند.

در سالهای نود میلادی نهضت های فکری و سیاسی بین المللی اهتمام خاص به قضیه زن نمودند و کنفرانسهای بزرگ بین المللی جهت دفاع از حقوق مدنی و سیاسی زنان انعقاد یافت. در سپتمبر 1995 میلادی کنفرانس بین المللی در موضوع زن در پایتخت چین افتتاح شد. کنفرانس چین و نتایج آن یکی از مهمترین وثیقه در ساحة حقوق مدنی زن است و اکثر زنان در جامعه اسلامی از وثیقه چین دفاع می نمایند. کنفرانس بین المللی چین مشکلات فرهنگ و ثقافت بین مدنیت اسلام و غرب را نسبت به گذشته عمیقتر ساخت و تصادم فکری بین روش

<sup>456</sup> . ناهد باشطح « المرأة و الخطاب السائد . متی و کیف ینتغیر ؟ » ،

فکر غربی و اسلامی شدیدتر شد. اختلافات و تصادمات فکری بین دانشمندان غرب و اسلام در اثناء کنفرانس و بعد از آن تأثیرات مثبت و منفی را در موضوع قضیه زنان بجا گذاشت و تا امروز دانشمندان جهان اسلام و جهان غرب در تطبیق عملی فیصله های کنفرانس چین با هم اتفاق نظر ندارند. (برای مطالعه وثیقه کنفرانس پیکنگ به آدرس ذیل مراجعه فرماید :<sup>457</sup> رسیدن طالبان به حکومت افغانستان در 1996 میلادی و تطبیق برنامه های اجتماعی خاص برای زنان که باساس آن زنان از حقوق اولیه خود محروم شدند و آموختن تعلیم و کار در ادارات دولتی و غیر دولتی بروی زنان مسدود شد . روش فکری طالبان مشکلات بسیار بزرگ را برای فکر معاصر اسلامی بار آورد اگر چه نهضت های معاصر اسلامی بشدت موقف طالبان را از مسأله زنان محکوم کردند اما غربی ها از موقف طالبان علیه زنان استفاده بیشتر نمودند و فکر معاصر اسلامی را مورد سؤال قرار دادند. روش تفکر طالبان را متأسفانه عده از حرکت های اسلامی قبول و زنان را در مناطق مختلف اسلامی از حقوق اولیه شان محروم ساختند و از طرف دیگر بعض نهضت های اسلامی به دلیل اینکه غربی ها از موقف طالبان برای مبارزه علیه مسلمانان استفاده نکنند در مقابل روش فکری طالبان خصوصاً در موضوع زنان سکوت کردند و سکوت در مقابل روش عقب گرائی نه تنها اینکه مسلمانان را از تهاجم فکر و فرهنگ غرب مصئون نساخت بر عکس سکوت صدمه بزرگتر به روش فکر معاصر اسلامی وارد کرد. بعد از حرکت طالبان حرکت داعش ظهور کرد ، اگر چه انگیزه اصلی حرکت داعش دفاع از حقوق سنی مذهبان در مقابل اتحاد شیعه مذهبان و امریکا در عراق و سوریه بود اما به مرور زمان به حرکت

<sup>457</sup> . [www.aihr-iadh.org/docs/convntions/tachriaat/pekin950K.pdf](http://www.aihr-iadh.org/docs/convntions/tachriaat/pekin950K.pdf) . و

دکتور لیلی حسن القرشی « المرأة في المؤتمرات الإسلامية والدولية ، رؤية تحليلية » ، طبع 1 ، 2012 ، فصل اول ، ص: 9.

سیاسی بزرگ زیر نام دفاع از مقدسات اسلامی تبدیل شد. حرکت داعش را نهضت‌های اسلامی خصوصاً اخوان المسلمین و اتحادیه بین المللی علمای اسلام بریاست دکتور یوسف القرضاوی شدیداً تقبیح نمودند. نهضت داعش موقف متشدد را که خلاف روش اسلام است در مقابل زنان اختیار کرد اما با شدت علیه زنان عده‌ای از زنان اروپا به حرکت داعش پیوستند.

روش افراط‌گرایی تا هنوز در جامعه‌ای سنتی افغانستان حکمفرما است و تا هنوز نسل جوان افغان از موقف طالبان نسبت به زنان حمایت می‌کنند. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان Institute For Strategic Studies بتاریخ 2015/9/21 تحت عنوان «نگرانی از نفوذ افراط‌گرایی در مدارس غیررسمی افغانستان» راپور مفصل را به نشر سپرد و در اینجا به نقاط مهم آن که به موضوع زن ارتباط دارد اشاره میشود. بیش از 60 درصد مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که برای زنان رسیدگی به امور خانه و فرزندان ضروری‌تر از آموزش است، 32 درصد آن معتقدند که زنان اجازه فعالیت سیاسی را نداشته باشند.

در شرق (ولایت کنر) نزدیک به 96 درصد و به طور کلی نزدیک به 13 درصد مصاحبه‌شوندگان با برابری حقوق زنان و مردان مخالفت کردند. برعکس بیش از 75 درصد مصاحبه‌شوندگان حکومت افغانستان را حکومت مشروع اسلامی و 80 درصد آن‌ها عضویت فعال در حکومت افغانستان را بلا مانع دانسته‌اند.<sup>458</sup> موقف جوانان معاصر افغانستان در برابر زنان متأسفانه نتیجه تفسیرات غیر علمی از نصوص اسلامی و پیروی از میراث فرهنگ و ثقافت افغانی که در بسا موارد منافی

<sup>458</sup> بی بی سی (فارسی) بروز دو شنبه 2015/9/21 راپور را در سایت خود به طبع رسانیده است.

فرهنگ و ثقافت اسلامی است میباید. از چند قرن به این طرف بین نصوص دینی و فکر اسلامی و فرهنگ و ثقافت میراثی و رسم و رواجهای کهنه و قبیلوی خلط شده است و مسلمانان در مرور زمان فرهنگ و ثقافت میراثی را دین تصور کرده اند و تا هنوز عده کثیر نتوانسته اند تفاوت بین دین و ثقافت را نمایند. عدم فرق و تفاوت بین دین و فرهنگ میراثی بی نظمی و بی ثباتی را در فهم نصوص اسلامی بوجود آورده است و عده تا هنوز میراث فرهنگ و ثقافت میراثی را حکم شرعی تصور کرده اند. از طرف دیگر اوضاع سیاسی و فرهنگی و اجتماعی افغانستان ضدیت علیه نقش زنان را در اشتراک در مسائل اجتماعی و سیاسی بیشتر کرده است. آزادی های غیر اخلاقی و بی حیائی در برنامه های زنده تلویزیونها و پاكوبی زنان با لباس های نیمه برهنه ذهنیت اکثریت جوانان افغانستان را علیه حق قانونی زن ساخته است.

کنفرانس لندن زیر عنوان «ندوة حول العنف الأسرى وقضايا المرأة» که از طرف مرکز فرهنگی اسلامی در لندن و انجمن نسوان جهت ارتقاء زنان و خانواده بنام «فورورد» انعقاد یافته بود در مسأله ای میراث فرهنگی و رسم و رواجهای که در جوامع اسلامی و در بین اقلیتهای اسلامی در غرب تا هنوز رواج دارد بحث صورت گرفت. در اعلامیه کنفرانس آمده: جوامع اسلامی بصورت عموم و اقلیتهای اسلامی در غرب بخصوص از جمع بین رسم و رواجهای میراثی قبیلوی مشکلات زیاد را دارند خصوصا که فرهنگ میراثی و رواجهای قبیلوی قدیم با اصل دین یکجا شده است و مردم میراث فرهنگی و ثقافت میراثی را دین قبول کرده اند. اعمالی که در جوامع اسلامی و در بین اقلیتهای اسلامی در غرب صورت می گیرد ارتباط به فرهنگ میراثی دارد نه به دین اسلام و میتوان گفت که اسباب تمام مشکلات معاصر مسلمانان جمع بین دین و فرهنگ میراثی و رسم و رواجهای قدیم قبیلوی است. ضعف و عدم دانش کافی مسلمانان در جوامع اسلامی از دین، فرهنگ

میراثی و رسم و رواجهای کهنه و قبیلوی را تقویت و احیاء مجدد کرده است.<sup>459</sup> رجب طیب اردوگان رئیس جمهور ترکیه در کنفرانس اول بین المللی زنان در استانبول که از طرف «کنفرانس اسلامی» ترتیب شده بود به موضوع رسم و رواجهای میراثی و فرهنگ نامناسب گفت:

مشکلات که زنان در جهان اسلام بدان مواجه اند سبب آن دین نیست بلکه سبب آن رسم و رواجهای است که با دین یکجا شده و مردم آنرا دین تصور کرده اند. طیب اردگان اضافه کرد: مشکلاتی که زنان در جوامع اسلامی به آن مواجه اند و مانع اشتراک شان در مسائل اجتماعی شده است از ناحیه دین نیست و مشکلاتی که زنان در ساحة اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اسلامی به آن مواجه هستند زنان در جوامع دیگر نیز به آن مواجه هستند. در کنفرانس اول استانبول نمایندگان 57 کشور اسلامی اشتراک داشتند.<sup>460</sup> در ختم مجلس وزراء کشور های اسلامی در قاهره 5 اگست 1990 میلادی اعلامیه به نشر رسید و در ماده ششم آن آمده است: زن مساوی مرد در کرامت و انسانیت است و زن دارای حقوق و وجایب می باشد و همچنان زن شخصیت مدنی و حقوقی و مالی مستقل دارد و حق دارد تا نام و نسب خود را حفظ کند.<sup>461</sup>

از اوائل قرن بیستم در جهان اسلام حرکت و نهضت بزرگ علمی جهت حمایت حقوق زن و قبول زنان در کارهای اجتماعی و سیاسی آغاز یافت. در نهضت جدید زنان تعلیم یافته جهان اسلام نقش بزرگ و مؤثر را داشتند. در کنفرانس قاهره (1999 میلادی) تحت عنوان «وضع المرأة فی العالم الإسلامی» (وضعیت زنان در جهان اسلام) و در کنفرانس

<sup>459</sup> 11 رجب 1403 هـ 4 جولای 2009 م، [www.alriyadh.com/442123](http://www.alriyadh.com/442123).

<sup>460</sup> اول ذی العدة 1427 هـ 22 نومبر 2006، [www.alriyadh.com/203639](http://www.alriyadh.com/203639).

<sup>461</sup> [fule:///C:/Users/Documents/](http://www.fule:///C:/Users/Documents/) ، اعلان القاهرة ، کتابخانه پوهنتون منیسودا ، امریکا.

العالمی للمرأة المسلمة المهاجرة» (کنفرانس بین المللی زنان مسلمان مهاجر) در شارقه ، 1994 میلادی و کنفرانس «موقع المرأة في الفكر الإسلامي المعاصر» (کنفرانس موقعیت زنان در فکر معاصر اسلامی) 1995 میلادی در کویت و کنفرانس «المرأة في السياسة الإسلامية بين الظهور في المجال العام وأخلاقيات الجماعة» (زن در سیاست اسلامی بین ظهور در ساحة عمومی و اخلاقیات جماعت) ، استنابول 1996 میلادی و «الملتقى العالمي النسائي الرابع» (التقاء چهارم بين المللی زنان) در خرطوم ، سودان ، کنفرانس بین المللی دوم در مورد نقش زنان در علوم و ترقی و پیشرفت 12-14 دسامبر 2009 م در پوهنتون عدن ، یمن. در این کنفرانس ها که عموماً در داخل کشور های اسلامی انعقاد یافت زنان مسلمان فعالانه اشتراک نمودند و با تمام صراحت و بصورت اکادمی قضیه معاصر زن مسلمان را بحث و راه های حل مشکلات را جستجو کردند.<sup>462</sup> طبقه نوسوان در جهان اسلام و وظیفه مهم شانرا که بحث و تحقیقات در مسائل اجتماعی است بصورت صحیح بجای می آوردند و تا هنوز زن مسلمان نتوانسته در مسائل تحقیقات سهم فعال را بازی کند و در قضایا مهم سیاسی و اجتماعی با مردان مشارکت و سهم فعال داشته باشد. تحقیقات و بحث ها نشان می دهد که اکثریت دانشمندان و نویسندگان که در موضوع زن در عصر حاضر بحث و تحقیق می کنند و

<sup>462</sup> . الكلمة / [www.kalema.net/v1/?pt=339&art](http://www.kalema.net/v1/?pt=339&art) ) . برای معلومات بیشتر از کنفرانس های بین المللی برای زنان مراجعه شود به: دکتور لیلی القرشی «المرأة في المؤتمرات الإسلامية و الدولية» طبع اول 2012 م ، بورصة للنشر و التوزيع ، <https://books.google.com/books?id=2BKCGAAQBAJ&pg> . برای مطالعه موضوعات کنفرانس عدن مهربانی نموده به: (جامعة عدن ، مركز المرأة للبحوث و التدريب Woman's Research and Training Center ، مراجعه فرماید . [wrtcau.net/pages.aspx?pageid=93](http://wrtcau.net/pages.aspx?pageid=93) .



آنانکه در گذشته می کردند از جمله مردان بودند و فقط دو فیصد را در بین محققین و دانشمندان اسلامی زنان تشکیل می دهند<sup>463</sup>

اکثر تألیفات اسلامی در مسأله زنان تکراری است و فاقد عمق علمی و بحثی است. زینب الغزالی اولین مسئول نهضت اسلامی زنان روش تکراری و غیر عمیق دانشمندان اسلامی را بشدت انتقاد نمود و این روش را به نفع طبقه نسوان نمی داند. دکتر یوسف القرضاوی از موقف زینب الغزالی حمایت میکند و می گوید: اکثر خواهران در کنفرانسهای اسلامی که من در امریکا و اروپا حاضر بودم شکایت داشتند که سخنرانان در قضیه زن و حقوق و جایب شان بصورت تکرار سخنرانی دارند و اشتراک در همچو کنفرانسها فقط ضیاع وقت است و زنان از این سخنان در مورد خود زیاد شنیده اند.<sup>464</sup> از جانب دیگر نوشته ها و بحث های دانشمندان اسلامی در موضوع زنان عموماً در دائره اخلاقیات و حیاء و آداب و عدم تقلید زن مسلمان از رسم و رواجهای غرب و قضیه حجاب خلاصه میشود و دانشمندان از نقش و اشتراک زنان در نهضت و مدنیت و تربیت و تعلیم عالی کمتر صحبت دارند. و همچنان اکثر بحث ها در موضوع زنان بحث نظری است و در مورد تطبیق عملی بحث صورت نمی گیرد و طریقه های عملی معرفی نمی شود تا در روشنی آن زنان و مردان و جامعه بصورت کل از موقف اسلام در مسأله زن اطلاع حاصل نمایند.

در عصر حاضر و در شرایط جدید بین المللی در موضوع حقوق زن و اشتراک شان در شئون دولت و سیاست تنها مردان مسئول نیستند بلکه

<sup>463</sup> منیر شفیق «الفکر الإسلامی المعاصر والتحدیات»، بیروت: دار الناشر، طبع 1991، 3 م، ص: 113.

<sup>464</sup> دکتر یوسف القرضاوی «أولویات الحركة الإسلامیة فی المرحلة القادمة»، القاهرة، مکتبه وهبة، 1992 م، ص: 66.

زنان مسلمان نیز تا حد زیاد مسئولیت دارند. زنان حتی از طبقهٔ تعلیم یافته در حل قضیه زنان و اشتراک شان در مسائل اجتماعی و سیاسی مقصر اند. زنان مسلمان در مناقشه و تقدیم قضیه شان بصورت علمی و بحثی و تحلیلی در جامعه زیاد موفق نیستند. زنان در کشور های اسلامی برای حل مشکلات طبقهٔ نسوان زیاد تر به جامعهٔ غربی متکی می شوند و فکر می کنند که جامعهٔ مدنی غرب قدرت حل مشکلات شان را دارد اما تجربهٔ غرب بعد از یازدهم سپتمبر 2011 و اشغال نظامی افغانستان توسط امریکا و متحدین غربی آن در ساحهٔ حقوق زنان چندان نتیجهٔ نداد و نهضت زنان افغانستان در حمایت غرب زیاد تر زیر فشار رسم و رواج های عنعنوی واقع گردید و مردها تحت اشغال و استعمار نوین زیاد تر بالای زنان حاکمیت یافتند و در حق زنان ظلم بیشتر شد و آزادی های که زنان در این اواخر بدست آوردند عدهٔ از مردان آنها مداخله استعمار و خصوصاً امریکا در شئون خانواده و نظام اسلامی می دانند.

استاد زکی المیلاد ناتوانی و عجز طبقهٔ نسوان را در مسائل اجتماعی و سیاسی اینطور بحث میکند:

1- در اکثر انجمن های اجتماعی و سیاسی و اسلامی زنان در مرکز مهم سیاسی به سبب تسلط مردان در موقعیت قیادی حضور ندارند. میرمن « مهجة قحف » حرکت اخوان المسلمین را مطالعه کرده می نویسد: در حرکت اخوان المسلمین در مجلس شورا و مکتب ارشاد که بالاترین مقام تصمیم گیری است زنان عضویت ندارند و مردان برای مردان و زنان تصمیم می گیرند. حرکت « اخوات المسلمات ، خواهران مسلمان » را زینب الغزالی مستقل از اخوان المسلمین تأسیس کرد و بعداً اخوات المسلمات به دعوت حسن البناء عضویت کامل اخوان المسلمین را بدست آورد با اینکه زنان عضویت کامل اخوان المسلمین را بدست آوردند لیکن در قضایای مهم سهم بارز نداشتند اما این وضعیت در

اوائل قرن بیست و یکم تا حد زیاد تغییر کرد و امروز زنان مسلمانان رهبریت اکثر حرکت های مقاومت و دعوت را در دست دارند .

2- زنان کوشش نمایند تا تسلط مردان را از نهضت زنان قطع سازند و مردان نیز زنان را در تحقق این امر کمک نمایند ، زمانی این امر تحقق می یابد که زنان مسلمانان سویه علمی و شخصیت اسلامی خود را بالا برند و در مسئولیت های اداری و سیاسی و اجتماعی اشتراک فعالانه داشته باشند .

3- فعالیت زنان در دایره خاص به زنان است . زنان مسلمان از همکاری و اشتراک در دعوت و قضایای مهم مربوط به جامعه دور باقی مانده اند . تا قبل از قرن بیست و یکم طبقه نسوان نخواستند در ساحات مختلف فعالیت نمایند . عدم اهتمام زنان به غیر مسائل و قضیه زنان فاصله بین نهضت زنان و انجمن ها و حرکت های سیاسی و نهضت های اسلامی را ایجاد کرد . بعد از انقلاب اسلامی ایران زنان مسلمان فرصت و چانس بیشتر برای اشتراک در مسائل سیاسی و اجتماعی بدست آوردند و زنان ایران از فرصت و چانس استفاده زیاد کردند . در مصر مفکرین معاصر نهضت جدید را بنام « نحو تیار اسلامی جدید ، حرکت به سوی روش اسلامی جدید » تأسیس کردند و به اثبات رسانیدند که اسلام اشتراک زنان با مردان را البته با مراعات شروط آداب شرعی منع نکرده است و در اشتراک زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام حرج نگذاشته است .

جدائی بین زنان و مردان در فعالیت های اجتماعی مانع و سد بزرگ در مقابل نهضت اسلامی است . زنان نتوانستند نقش فعال را در دعوت اسلامی داشته باشند . در کنفرانس اسلامی تحت عنوان « رابطه الشباب المسلم العربی ، اتحادیه یا رابطه جوانان مسلمان عرب ، » بتاريخ دسمبر 1993 در ولایت میشیگن امریکا زنان با مردان یکجا نبودند . علامه دکتور یوسف القرضاوی در جدائی بین زنان و مردان

احتجاج کرد و گفت این طرز العمل نتیجه آن جدائی نسوان از جامعه است. امروز در بعض کشور های اروپائی و امریکا گروه های هستند که در کنفرانسها و سمینار ها بین زنان و مردان دیوار ایجاد می کنند و یکعده سخنرانان در کنفرانس های انجمن دعوت اسلامی افغانان مقیم امریکا (آمو) به سبب یکجا بودن زنان و مردان زیر یک سقف معذرت می خواهند. بعض مساجد زنان را حق اشتراک با مردان در صنف های درسی نمی دهند و اگر بدهند بین معلم و شاگردان پرده ایجاد می شود این روش معاصر که به اصل اسلام ارتباط ندارد صدمه بزرگ را به جامعه زنان وارد ساخت و در نتیجه آن جامعه بزرگ اسلامی از نصف اعضاء آن که زنان هستند محروم شد.

4- زنان فعال بعد از ازدواج از اکثر فعالیت های اجتماعی و سیاسی باز می مانند و نمی توانند نقش فعال خود را بعد از ازدواج و آوردن اولاد حفظ کنند.

5- زنان که از غرب به کشورهای اسلامی عودت می کنند از قضیه زن برای منافع سیاسی و اقتصادی برای خود و برای مؤسساتی که در آن کار می کنند استفاده می نمایند و میخواهند زنان کشورهای اسلامی صد درصد از روش زنان اروپائی و امریکائی بدون در نظر داشت تفاوت بین ساختار جامعه ای غرب و شرق اسلامی پیروی نمایند. بازگشته گان از کشورهای غربی به کشورهای اسلامی انجمن های اجتماعی و سیاسی را برای زنان از کمک مؤسسات خارجی و سفارتخانه های غرب تأسیس می کنند و اکثر کمک ها بدون فائده و نتیجه به مصرف میرسد. از طرف دیگر زنان که در غرب تحصیل کرده اند و دوباره به کشورهای اسلامی به هدف خدمت زنان عودت می کنند شرایط زمان و مکان و مسائل اسلامی را مراعات نمی کنند و در آوردن تغییرات به زمان و وقت ارزش قائل نیستند لذا فعالیت های شان صدمه می بیند و در بدل خدمت به

جامعهٔ نسوان مشکلات طبقهٔ نسوان را بیشتر می‌سازند<sup>465</sup> جایگاه زن در زندگی معاصر اسلامی بین دو روش فکری: « افراط و تفریط » قرار دارد .

اول: موقف غلو: عدهٔ زیاد از مسلمانان در حق زن مقصر و به مقام زن به چشم حقارت می‌بینند و تصور دارند که زن ناقص عقل و دین و سبب گمراهی مرد است باین معنی که مرد را با نظرات شهونی خود گمراه می‌سازد. عدهٔ تصور دارند که زن برای استفادهٔ جنسی و شهوانی است و هر وقت مرد بخواهد شهوت خود را با نزدیکی با زن آرام می‌سازد. زن در نظر عدهٔ مجبور و مکلف است با مردی که او را دوست ندارد ازدواج و در مقابل شوهر صبر کند و هر وقت شوهر او را طلاق دهد خانهٔ شوهر را ترک کند و اما خودش حق گرفتن طلاق را از انسانی که با او نمی‌خواهد زندگی داشته باشد ندارد .

زن در بسیاری از کشور اسلامی از حق میراث محروم می‌شوند و بعضی پدران قبل از وفات میراث را برای پسران تقسیم میکنند و بعد از وفات پدر برادران حاضر نمی‌شوند خواهران را در میراث شریک سازند. زن در خانهٔ پدر و شوهر محکوم به زندان است و حق رفتن به مکتب و کار را در خارج از منزل ندارد و مردان تصور دارند که زن یکبار از خانه ای پدر به منزل شوهر و بار دوم از منزل شوهر به قبرستان رفته میتواند . قرآن کریم حبس زن را در خانه عقوبت بسیار بزرگ میداند و با آن شدیداً مخالف است. در چند قرن اخیر زنان مسلمان از تعلیم و تربیت جمیع علوم محروم ساخته شدند و حق رفتن به مساجد از طبقهٔ نسوان گرفته شد . خانم ملالی مجددی می‌گوید که برای اولین بار داخل مسجد را در امریکا دید و برای اولین بار نمازهای فرض و تراویح را با جماعت

<sup>465</sup> زکی المیلاد « المرأة فی المشروع الإسلامی المعاصر من منظور نقدی » الكلمة ، عدد 9 سال دوم 1995 . &art . [www.kalema.net/v1/?rpt=50](http://www.kalema.net/v1/?rpt=50)

در امریکا اداء کرد در حالیکه در افغانستان مسجد در جوار منزل شان بود. در صحیح البخاری از رفتن زنان برای خواندن نماز عشا و صبح احادیث زیاد است و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مردان را امر کردند تا زنان را از رفتن به مساجد منع نکنند، «لا تمنعوا إماء الله مساجد الله»<sup>466</sup> عدم فهم صحیح از احادیث نبوی از یک جانب و راه یافتن احادیث غیر صحیح در ثقافت اسلامی سبب آن شد تا گروهی از مسلمانان زنان را از رفتن به مساجد برای اداء نماز و آموختن تعلیم منع نمایند. از ام حمید روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در جواب زنی که اجازه حضور در مسجد نبوی را برای نماز می خواست او را از رفتن به مسجد منع نمود و گفت نمازت در خانه خواب بهتر است نسبت به نمازت در اطاق نشیمن و نمازت در خانه ات بهتر است از رفتن به مسجد نزدیک خانه ات و نمازت در مسجد نزدیک خانه ات بهتر است از نمازات در مسجد من. ابن خزيمة عنوان کتاب خود را از این حدیث انتخاب کرد «صلاة المرأة في بيتها أفضل من صلاتها في مسجد رسول الله» نماز زن در خانه اش با فضیلت تر است از نمازش در مسجد رسول الله، در حالیکه قول رسول اکرم این بود: نماز در مسجد من از یک هزار نماز در مساجد دیگر فضیلت دارد و این حدیث مبارک شامل مردان و زنان است. و همچنان رسول اکرم صلی الله علیه و سلم امر کردند تا زنان را از رفتن به مساجد منع نکنید.

ابن حزم تمام احادیث که در منع زنان از مساجد روایت شده است آنرا تکذیب می کند و می گوید این احادیث همه باطل است.<sup>467</sup> اما در عصر عقب گرائی و دوری مسلمانان از مدنیت اسلام و عدم فهم صحیح از مضمون حدیث مانع اشتراک زنان در نمازهای جماعت و درس در

<sup>466</sup>. صحیح البخاری، کتاب الجمعة، حدیث 955). دکتر یوسف القرضاوی «تحریر المرأة في عصر الرسالة»، 12/1.

<sup>467</sup>. محمد الغزالی «السنة النبوية بين أهل الفقه وأهل الحديث» صفحات 63 - 64.

مساجد شد و متأسفانه در قرن بیست و یکم در بین مسلمانان گروه‌های هستند که بدون فهم صحیح زنان را از تعلیم و نماز در جماعت منع می‌نمایند و این روش عقب‌گرایانه صدمه بزرگ نه تنها به طبقه زنان وارد ساخت بلکه صدمه شدید به اصل اسلام وارد نمود و اسلام ضد زن معرفی شد.

زنان را از حق انتخاب شریک زندگی محروم ساختند و در اکثر جوامع اسلامی از دختر راجع به شریک زندگی اش سؤال نمیشود و دختر عموماً شریک زندگی خود را در شب عروسی می‌بیند. متأسفانه مسلمانان برای رسیدن به هدف زندانی زنان احادیث جعلی و غیر صحیح را استفاده کردند و تا هنوز می‌کنند مثلاً برای عدم خارج شدن زن از منزل و پوشیدن نقاب و برقه و عدم حرف زدن با مردان از حدیث غیر صحیح «بهترین چیز برای زن این است که نه مرد او را ببیند و نه او مرد را ببیند». این حدیث هیچ‌نوع‌قیمت ندارد و حتی قیمت رنگی که بآن نوشته شده ندارد اما متأسفانه در کتاب احیاء علوم دین راه یافته است. مثل حدیث: «شاوروهن و خالفوهن» با زنان مشوره کنید لیکن خلاف مشوره‌های شان عمل نماید. این حدیث اصل و صحت ندارد، به همین ترتیب ده‌ها حدیث را که صحت ندارند از آن‌علیه زنان استفاده شد. استفاده از احادیث غیر صحیح نه تنها به مقام زن صدمه وارد نمود بلکه به مصدر دوم اسلام که حدیث و سنت است نیز صدمه زد.<sup>468</sup>

دوم: تفریط: در مقابل فکر تفصیر و غلو، فکر تفریط صدمه بزرگ به مقام زن در جوامع اسلامی وارد کرد. یک‌عده از مسلمانان با استفاده از فرهنگ نامعقول غرب دعوت به آزادی مطلق زنان کردند و خواستند زنان مسلمان را کاملاً از دایره فرهنگ و ثقافت اسلامی جدا سازند. دعوت به آزادی‌های جنسی، آزادی‌های غیر اخلاقی و تقلید از لباس

<sup>468</sup> فضل غنی مجددی «مطالعه تمهیدی در سنت و حدیث نبوی».

های نیمه برهنه اروپائی و اختلاط غیر اخلاقی بین زنان و مردان ، کشیدن زنان به سینما و دراما و رقص و غیره بنام هنرهای زیبا دختران جوان مسلمان را به گمراهی کشانیدن و نتیجه آن از بین رفتن آرامش خانوادگی که اکثراً به طلاق و جدائی تمام شده است . در این سیزده سال اخیر نه تنها در افغانستان بلکه در اکثر کشورهای اسلامی میدیا نقش بسیار خطرناک را برای از بین بردن فرهنگ خانوادگی بنام آزادی زن تبلیغ میکند . میدایای قوی و بزبانهای مسلمانان تأثیرات منفی را در جامعه اسلامی بجا گذاشته است . افراط در دین و روش نامناسب دعوتگران از دین و خشونت علیه طبقه زنان چانس و فرصت بیشتر را برای میدیا و فرهنگ غرب داده است.<sup>469</sup>

آنانکه در مقدمه فعالیت های نسوان قرار دارند در دعوت خود موضوع حرام و حلال را مراعات نمی کنند.<sup>470</sup>

زنان مسلمان در جوامع اسلامی در بین دو روش فکری ( غلو و افراط شرقی و تفریط غربی ) مقام و منزلت که اسلام برای شان داده است از دست دادند . در افغانستان پیروان هر دو روش فکری که مخالف روش فکر وسط معاصر اسلامی است از قضیه نسوان برای منافع سیاسی و اقتصادی خود استفاده می نمایند . متأسفانه جامعه زنان افغانستان قربانی فکر افراط و غلو بنام اسلام و عنعنه قبیلوی و قومی و تفریط شده اند و امید است دختران جوان مسلمان افغانستان متوجه این موضوع شده دست بکار شوند و روش وسط و معتدل معاصر اسلامی را به زنان افغانستان معرفی نمایند و علیه افراط زیر نام دین و تفریط

<sup>469</sup>. موسوعة المذاهب الفکرية المعاصرة، 23، [www.dorar.net/enc/mazahib/](http://www.dorar.net/enc/mazahib/)

<sup>470</sup>. صفاء عونی حسین عاشور «قضايا المرأة المسلمة والغزو الفکری»، کلیة أصول الدین ، جامعة غزة ، 2005 م \_\_ 1426 هـ ، صفحات 52 - 52 ، [Library.iugaza.edu.ps/thesis/6748.pdf](http://Library.iugaza.edu.ps/thesis/6748.pdf) . و همچنان: الدرر السنية ، موسوعة المذاهب الفکرية المعاصرة ، [www.dorar.net/enc/mazahib/25](http://www.dorar.net/enc/mazahib/25)



زیر نام دیموکراسی غربی مبارزه علمی و مسالمت آمیز را در پیش گیرند تا مقام زن در جامعه حفظ شود. فکرافراط و غلو مانع رسیدن زنان به حقی که اسلام برای شان داده گردید و متأسفانه در عدم فهم صحیح از اسلام و روش زشت بعض از دعوتگران بنام اسلام زنان مسلمان برای بدست آوردن حقوق قانونی شان به دامن تفریط غرب افتادند و تجربه چند سال اخیر در افغانستان نشان میدهد که تا چه حد و اندازه زنان افغانستان قربانی افراط و تفریط شده اند. یگانه راه رسیدن به مقام عالی زن پیروی از فکر وسط اسلامی است اما فکر وسط اسلامی در بین افراط اسلامی و تفریط غربی زندانی است و باید اولاً فکر وسط اسلام را از اسارت غرب و شرق آزاد ساخت. دکتور محمد عماره، التحریر الإسلامی للمرأة.<sup>471</sup>

جمعیت ماسونی (فراماسونری) صدمه بزرگ را به نهضت زنان در جامعه اسلامی وارد ساخت. ماسونی حرکت سری است که ارتباط مستقیم به صهونیسم دارد این حرکت کوشش دارد تا نظام خانواده را بین مسلمانان تغییر دهد. بحث روی موضوع ماسونی جایش اینجا نیست و امید است جوانان معاصر افغانستان حرکت ماسونی را بدقت مطالعه نمایند زیرا فکر ماسونی در افغانستان از سالهای 1919 راه یافت و متأسفانه دانشمندان معاصر و علمای کرام متوجه آن در گذشته نبودند و در حال حاضر نیز نیستند.

از نظر فکر و روش حرکت ماسونی جامعه اسلامی تخریب نمیشود تا اینکه نظام خانوادگی و روش فکری زنان مسلمانان تغییر نکند و برای منحرف ساختن فکر زنان مسلمان حرکت ماسونی روش غیر اخلاقی را در جامعه ای اسلامی ترویج و کوشش دارد تا رابطه بین زن و شوهر را صدمه داده فرهنگ فحشات و آزادی های غیر اخلاقی و جنسی را بین

مسلمانان با استفاده از زنان رواج دهد. از نظر فکر و روش ماسونی زن یک جنس لطیف و ضعیف است اما قدرت بزرگ را در نشر رذایل اخلاقی دارد. برای تحقق بخشیدن اهداف غیر اخلاقی و نشر فساد در جامعه اسلامی توسط زنان مسلمان حرکت ماسونی انجمن‌های زیاد را تحت عناوین مختلف در جوامع اسلامی برای زنان تأسیس کرد. در 1899 میلادی در کنفرانس «بولونیا» حرکت ماسونی فیصله نمود تا کوشش شود همکاری زنان را در جامعه اسلامی بدست آورد. در اجتماع بزرگان جمعیت ماسونی در سال 1900 میلادی، رئیس جمعیت «بوفریه» اعلان کرد تا زنان بصفت سفراء فکر ماسونی انتخاب شوند و این اقدام زمانی به کامیابی و نتیجه میرسد که زن لباس دین را بر اندازد.

جمعیت ماسونی اولین اتحادیه زنان را در قاهره تأسیس کرد. در آغاز عده از زنان از فکر ماسونی استقبال کردند لیکن در نهایت فکر ماسونی بدبختی بزرگ را برای جامعه زنان مسلمان آورد. زنان مسلمان خصوصاً دختران مسلمان جامعه افغانی باید متوجه فکر جمعیت ماسونی باشند زیرا جمعیت ماسونی با قوای خارجی همکاری نزدیک دارد و هر کشور اسلامی که اشغال میشود همراه با عساکر سفراء جمعیت ماسونی که عموماً از طبقه زنان میباشند داخل می شوند و بین زنان مسلمان فعالیت می نمایند و فعالیت های شان در ظاهر خدمت زنان لیکن در باطن تخریب عقائد و اخلاق زن است. در جوامع اسلامی فعالیت های جمعیت ماسونی جزء فلاکت و بدبختی چیزی دیگری را به نهضت نسوان ارمغان نیاورده است.<sup>472</sup>

<sup>472</sup>. دکتور صالح الرقب «الماسونیه أقدم الحركات السرية وأخطرها» ص 55 و انور الجندی «شبهات التغریب» صفحات 22-27 و دکتور علی جریشه «الاتجاهات الفكرية المعاصرة» و فتحی یکن «حرکات و مذاهب فی میزان الإسلامی» و صفاء عونى حسین عاشور «قضايا المرأة المسلمة والغزو الفکری»، مراجعه: دکتور صالح حسین الرقب، الجامعة الإسلامية - غزة، فلسطين، 2005، صفحات 81-82-87، و امیر نجات «جمعیت های سری و فراماسونری».

### مفاهیم غیر صحیح در مورد زن و ارتباط آن با فکر اسلامی

مفاهیم غیر صحیح که میراث فرهنگ و ثقافت غیر اصیل اسلامی است روش فکری مسلمانان را نسبت به قضیه زن به مشکلات مواجه کرده است. دانشمندان بزرگ و علمای با مسئولیت معاصر اسلامی کوشش دارند تا مفاهیم غیر صحیح که مسلمانان آن را اسلام تصور کرده اند اصلاح سازند. در جمله بزرگان اسلام علامه شیخ محمد الغزالی با فقاقت و شجاعت آنچه از اسلام نیست و داخل فرهنگ اسلامی شده است و به مقام و منزلت زنان صدمه وارد نموده بحث های جالبی دارد که در این قسمت بحث از آن استفاده میشود.

#### 1) عدم خارج شدن زن از منزل :

عده از مسلمانان زنان را از کار در مؤسسات و انجمن های اسلامی منع می نمایند و رهبریت زن را در ارگانها و مسائل سیاسی و اجتماعی نمی پذیرند و دلیل شان آیه مبارکه « و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الأولى » (الأحزاب: 33). و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید.

مسلمانان که از خط افراط پیروی میکنند تا هنوز درک نکرده اند که آیه مبارکه مخصوص زنان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است و زنان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم خصوصیت های خاص را برای خود دارند و مانند سائر زنان نیستند. خداوند می فرماید: « یا نساء النبی لستن كأحد من النساء » (الأحزاب: 32). ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان {دیگر} نیستید. با اینکه قرآن کریم از باقی ماندن زنان پیامبر صلی الله علیه وسلم در خانه های شان حکایت میکند با آنها م المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها در صحنه جنگ « الجمل » حاضر میشود و رهبریت را بدست می گیرد و در تحت رهبریت اش بزرگان صحابه حاضر می باشند با اینکه بی بی عائشه از حرکت خود در نهایت

راضی نبود اما برای خارج شدن خود از منزل هیچ مانع در شریعت نمی دید .

اگر معنی و مقصد و مفهوم آیه مبارکه را عام و شامل تمام زنان مسلمان سازیم و زنان را از خارج شدن از خانه های شان منع نمائیم معنی آن تطبیق عقوبت جزاء در حق زن است . قرآن کریم در عدم خارج شدن زنان از خانه های شان می فرماید: « و الاتی یأتین الفاحشة من نسائكُم فاستشهدوا علیهن أربعة منکم ، فإن شهدوا فأمسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت أو یجعل الله لهن سبیلا » ( النساء : 15) . و آن کسانی از جمله زنان شما که مرتکب فحشاء (زنا) گردند ، چهار مرد را از میان خود ( مسلمین ) بر آنها شاهد بخواهید و اگر شاهدان (بوقوع عمل فحشاء ) گواهی دادند پس آن زنان را در خانه ها نگاه دارید تا وقتی که مرگ شان فرا میرسد یا خداوند برای آنها راهی (دیگر) مقرر فرماید . قرآن کریم فقط در یک حالت و آن عملکرد به فحشات و بعد از اثبات امر میکند که زنان را اجازه ای خارج شدن از خانه ندهید و این یک نوع جزاء برای انجام عمل فحشات (زنا) است .

و در ادامه آیه 33 سوره النساء خداوند می فرماید: « و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الأولى » . و مانند روزگار جاهلیت زینتهای خود را آشکار نکنید . عدم آشکار زینت به معنی خارج شدن از خانه نیست و معنی آن خارج شدن از خانه با ستر است و قرآن کریم در خارج شدن از منزل شرط حجاب بودن را برای زنان پیامبر حتمی می داند .<sup>473</sup>

**2) شهادت زن :** شهادت در فرهنگ اسلام امتیاز و فضیلت نیست که انسان آنرا بدست می آورد . شهادت در اسلام مسئولیت بزرگ میباشد که اکثر مردان صادق و مسلمانا و امین از قبول آن ابا می ورزند و

<sup>473</sup> . دکتر یوسف القرضاوی « أولویات الحركة الإسلامية فی المرحلة القادمة » ، صفحات 74-75 .

مسلمانان صدر اول اسلام از دادن شهادت معذرت می خواستند و کوشش می کردند تا از مسئولیت دور باشند. قرآن کریم مسلمانان را متوجه عدم اشتراک در شهادت ساخت و امر به دادن شهادت نمود «ولا یأب الشهداء اذا ما دعوا» خطاب قرآن کریم برای زن و مرد بصورت مساوی است و قرآن کریم زن و مرد را در دادن شهادت امر و نصاب را تعیین میکند.<sup>474</sup>

شهادت زن در عدم فهم صحیح از نصوص اسلامی بیک قضیه بسیار مهم و قابل بحث و جنجال تبدیل شده است و اکثر مسلمانان حتی بعض از علماء شهادت زنان را کاملاً انکار می کنند و قبول ندارند. قرآن کریم در موضوع شهادت صراحت کامل دارد. «و استشهدوا شهدین من رجالکم، فإن لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان ممن ترضون من الشهداء، أن تضل إحداهما فتذكر إحداهما الأخری» (البقرة: 282). و گواه بگیرید دو شاهد از جمله مردان تان و اگر دو مرد نباشند پس یک مرد و دو زن از جمله شاهدانی که به آنها راضی شوید تا اگر یکی از دو زن فراموش کند دیگری بخاطر داشته یکدیگر را یاد دهانی نمایند. اسلام حق زن را در شهادت تثبیت میکند اما او را مجبور و مکلف به این امر نمی سازد. با اینکه قرآن کریم شهادت زن را در تمام اموری که به شهادت ضرورت داشته باشد تثبیت کرده است اما عده هستند که شهادت زن را در بسا مسائل بسیار مهم و خطرناک که به امنیت جامعه ارتباط دارد قبول ندارند مثل قتل، قصاص، نکاح، طلاق و غیره.

علامه محمد الغزالی موضوع شهادت زن را بحث و اشتباهات را در موضوع شهادت زن تصحیح می نماید.

ابن حزم به اثبات می رساند که عدم قبول شهادت زن در قصاص و حدود در سنت نبوی صحت و اصل ندارد. ابن حزم در کتاب خود بنام «المحلی

<sup>474</sup>. فضل غنی مجددی «در نظام دولت اسلامی» ص 185.

« در مورد شهادت می نویسد : « در امر زنا جواز نیست کمتر از قبول چهار شاهد مرد عادل مسلمان و یا در بدل یک مرد دوزن مسلمان عادل . و در سائر حقوق مانند حدود ، قصاص ، نکاح و طلاق شهادت دو مرد مسلمان و عادل و یا در بدل یک مرد دوزن عادل و مسلمان است .

از زبیر بن الخریت روایت شده که مرد نشه زن خود را سه مرتبه طلاق داد و چهار زن در حضور عمر شهادت دادند و عمر شهادت شانرا پذیرفت .

سفیان بن عیینه می گوید علی بن ابی طالب شهادت چهار زن را در قتل پذیرفت . عطاء می گوید : عمر بن الخطاب شهادت زنان را با مردان در طلاق و نکاح پذیرفت و در روایت دیگر از عطاء بن ابی رباح شهادت زنان را با مردان در تمام امور جواز می داند .

امام زهری می گوید روایت از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و از ابوبکر و عمر است که شهادت زنان در نکاح و طلاق و حدود صحت ندارد این روایت را إسماعیل بن عیاش کرده و روایت او صحت ندارد و ضعیف است .

قرآن کریم و سنت نبوی نصاب شهادت را مربوط به جنسیت یعنی مرد و زن بودن نساخت . نصاب در دین اسلام ثابت است . از مصلحت اسلام نیست که نظریه فقهی که برای اسلام ضرر میرساند آنرا گرفت .<sup>475</sup> الغزالی در بحث خود ادامه میدهد و نظریه ابن حزم را در باب حاکمیت زن در دولت باین معنی می آورد : جواز دارد که زن حکومت را بگیرد یعنی زن حاکم باشد . این قول ابو حنیفه است که می گوید حضرت عمر بن الخطاب یک زن را بنام «الشفاء» بحیث رئیس بلدیہ تعیین کردند و الشفاء بازار را کنترل می کرد و بالای مردان و زنان در شهر حاکمیت داشت .

<sup>475</sup> . محمد الغزالی « السنة النبویة بین أهل الفقه والحديث » ، دارالشروق ، طبع دهم اگست 1992 میلادی ، صفحات 68-69 .

قضیهٔ حجاب: در عصر حاضر نقاب یکی از اهم مشکلات در جامعه اسلامی و غربی است. عدهٔ از دانشمندان و مفکرین اسلامی باین نظریه اند که نقاب اصل شرعی دارد و بالای زنان واجب می باشد. نقاب مشکلات زیاد و بزرگ را در غرب بوجود آورده است تا جای که قوانین مدنی معاصر غرب نقاب را ممنوع ساخت و برای زن نقاب پوش اجازه کار و حاضر شدن در دفاتر رسمی را نمی دهد. نقاب در افغانستان از قدیم الزمان بین زنان بنام (چادری) رواج داشت و باید به صراحت گفت که چادری یک اصل اسلامی ندارد بلکه از میراث فرهنگ افغانی است و در هیچ منطقهٔ اسلامی چادری رواج نداشت و ندارد. در مورد نقاب رأی اسلام وضاحت کامل دارد که قابل بحث و مناقشه نیست و نباید دانشمندان و علماء مسأله نقاب را به مناقشه بکشند زیرا نه به دین و نه هم به دنیا منفعت دارد و نه هم به مصلحت اسلام در عصر حاضر است و نقاب از مسائل اختلاف فیه است و مسائل اختلاف فیه در عصر حاضر بجز ضیاء و وقت فائده دیگر ندارد.

اجماع فقهاء در مورد نقاب این است: نزد اهل علم عقیده برین است که نقاب بالای زن واجب نیست و اسلام برای زن مسلمان اجازه میدهد تا روی و کفان دستان او در حضور مردان غیر محرم غیر پوشیده باشد.

در نزد امام ابو حنیفه در پهلوی کف دستان و رو قدم نیز عورت نیست یعنی کف دستان و پاها ضمن حجاب نمی آید.<sup>476</sup> حجاب یک امر شرعی است و معنی حجاب، پوشانیدن موی و یا سر است نه رو و کفان دست و پا.

بعض از مسلمانان در مورد نقاب در فهم آیهٔ مبارکه «و لیضربن بخرهن عل جیوبهن» در اشتباه اند اگر مقصد از قرآن کریم ستر یا پوشاندن تمام رو میبود قرآن از رو بصراحت یاد میکرد.

قرآن کریم امر به پوشانیدن روی زنان نکرد بلکه مردان را امر به حفظ و حجاب چشم نمود « قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک أذکی لهم إن الله خبیر بما یصنعون » (النور: 30). به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه تر است، زیرا خداوند به آنچه می کنند آگاه است.

آیة مبارک بصراحت و بدون تأویل زنان را امر به پوشانیدن روی و منع از نظر نمی کند بلکه مردان را امر به پاکدامنی و عدم نگاه کردن به زن نا محرم البته به هدف شهوت رانی می کند. امام الشوکانی روایت میکند که قاضی عیاض از علمای عصر خود روایت میکند که زن مجبور نیست روی خود را زمانی که در راه حرکت می کند بپوشاند و این مردان هستند که باید چشمان خود را چنانکه خداوند امر کرده از دیدن زنان بردارند. در موضوع عدم ستر روی زنان احادیث صحیح در کتب احادیث زیاد است و مسلمانان معاصر باید این احادیث را بدقت مطالعه نمایند تا داخل اشتباه نشده زنان را محکوم نسازند و نقاب و چادری را از واجبات اسلامی معرفی نکنند.

در آیه دیگری خوانیم: « لا یحل لک النساء من بعد و لا أن تبدل هن من أزواج و لو أعجبک حسنهن » (الأحزاب: 52). از این پس، دیگر {گرفتن} زنان و نیز اینکه به جای آنان، زنان دیگری بر تو حلال نیست و هر چند زیبایی آنها برای تو مورد پسند افتد. دکتوریوسف القرضاوی در مورد پسند زنان در آیه مبارکه می گوید: از کجا زیبایی زنان معلوم میشود اگر فرصت دیدن نباشد و زیبایی زن به دیدن روی است. باین معنی که پوشانیدن روی زن از واجبات نیست و زن حق دارد روی خود را نپوشاند. در مورد عدم جواز نقاب احادیث زیاد در کتب حدیث است و محققین گرامی می توانند به آنها مراجعه فرمایند.

عده نقاب را واجب می دانند و دلیل شان فتنه و فساد در جامعه است و از نظر این گروه نقاب مانع نشر فساد و حمایت زنان می باشد. دلیل این



گروه برای واجب بودن نقاب حدیثی است که از أم المؤمنین بی بی عایشه روایت شده است. این حدیث باین عبارت است: « حدیث عائشة فی سدل الحجاب علی وجهها فی الحج: احمد و ابو داود و ابن ماجه و بیهقی از عائشه روایت می کنند که گفت: «کان الرکبان یمرّون بنا و نحن محرّمات مع رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فإذا حاذوا بنا سدلنا أحدانا جلابها من رأسها علی وجهها ، فإذا جاوزونا کشفناه » سواران از طرف ما می گذشتند و ما با رسول الله صلی الله علیه وسلم در حرام بودیم و زمانیکه با ما نزدیک می شدند یکی از ما چادرهای خود را بروهای خود می آوردیم یعنی روی خود را می پوشاندیم و زمانیکه می گذشتند از روی خود بر می داشتیم.

علماء حدیث را بررسی و در مورد آن می گویند که این حدیث برای پوشانیدن روی حجت نیست به دلایل ذیل:

1. حدیث ضعیف است و به حدیث ضعیف احکام گرفته نمی شود .
2. عمل عائشه رضی الله عنها دلالت به واجب شدن نمی کند ، همچنان فعل رسول الله صلی الله علیه وسلم دلالت به واجب بودن نیست .
3. ممکن است این یک عمل خاص برای أمهات المؤمنین بوده باشد و از جمله احکام خاص برای آنها است .<sup>477</sup> در نتیجه انتشار فساد و فتنه در جوامع اسلامی عده امر به نقاب و عدم حضور زنان حتی به مساجد برای اداء نماز شدند و دلیل شان این بود که در عصر نبوت جامعه از فسق و فساد و فتنه دور بود . این دلیل صحیح نیست در عصر اول اسلام نیز فتنه و فساد و فسق موجود بود مسلمانان بطور عموم در همه اوقات انسان هستند و انسان خطاء میکند و در مقابل اشتباه و خطاء جزاء می بیند در صدر اول اسلام عده قلیل به جرم زنا محکوم شدند و جزاء دیدند . نباید فسق و فجور و فتنه را دلیل به

<sup>477</sup> . مواهب الجلیل من أدلة خلیل / 1 / 185 و همچنان: 19/01/2013 . qaradqwi.net

قید ساختن زنان دانست اما چیزی مهم در عصر حاضر این است که زنان را به حال خودشان بگذاریم و آنانکه نقاب می پوشند زنانی بی نقاب را متهم نسازند و همچنان بی نقابان زنان با نقاب را مورد اهانت قرار ندهند.<sup>478</sup> امام یوسف القرضاوی در بحث خود از قضیه حجاب باین نتیجه میرسد که حجاب فرض از فرائض برای زنان است اما فرع از فروع دین به حساب می آید و اگر شدت در مورد آن زنان را از اصل دین دور می سازد و از دین فرار می نمایند در این حالت نباید اصل را قربانی فرع نمود.<sup>479</sup> اشتراک زن در سیاست و تولی مناصب عالی در دولت

امام محمد الغزالی متفکرین و دانشمندان معاصر اسلامی را متوجه دو امر مهم می سازد.

1) دوری از خطاء، زیرا خطاء عامل انحراف امت اسلامی می شود.

2) تقدیم عملی اسلام تا شبهات قدیم اصلاح و وحی الهی انصاف شود یعنی وحی الهی بصورت صحیح به مردم رسانیده شود.

مشکل بزرگ متفکرین معاصر اسلامی در عدم فهم صحیح از نصوص شرعی خصوصا نصوصی که ارتباط به اشتراک زنان در مسائل سیاسی و رسیدن شان به مناصب عالی در دولت است میباشد. عدم فهم صحیح از نصوص شرعی سبب آن شد تا زنان را از فعالیت های سیاسی و تولی مناصب عالی منع شوند. این طرز تفکر تا درجه عمیق شد که اصلا برای زن هیچ وظیفه بغیر از خدمت شوهر و تربیت اولاد را نمی پذیرند. در سالهای اخیر زنان افغان به مناصب عالی در دولت مثل وزارت و ولایت و سفارت رسیده اند لیکن وسیله رسیدن شان حمایت امریکا و قوای

<sup>478</sup> محمد الغزالی « السنة النبوية بين أهل الفقه .. و أهل الحديث » ، فصل معركة الحجاب ، ص 44 و ما بعد آن .

<sup>479</sup> دكتور يوسف القرضاوی « فتاوی و أحكام ، ما موقف جمهور المسلمين من النساء المتبرجات ؟ » 02 / 05 / 2007 م ، سایت القرضاوی .

خارجی و اشغال در افغانستان است و زنان افغان رسیدن شانرا به مناصب عالی از برکت اشغال می دانند نه از ایدئالوژی تفکر اسلامی و اگر روش معاصر اسلامی بهمین ترتیب ادامه کند اکثر زنان تعلیم یافته ای افغان از اشغال نظامی و فکر سیکولری غرب حمایت می کنند و بقای خود را در بقای اشغال نظامی می بینند .

مسلمانان از قدیم الزمان در فهم صحیح نصوص اسلامی خصوصا در فهم احادیث نبوی دچار مشکلات اند و متأسفانه زحمت های علمای عالی مقام در اصلاح فهم مسلمانان تا هنوز نتیجه رضایت بخش نداده است و عده از مسلمانان بشدت در موضوع اشتراک زنان در فعالیتهای سیاسی و دولتداری مخالفت دارند .

اشتراک زنان در سیاست و فعالیتهای سیاسی در عصر حاضر در مقدمه تمام قضایای معاصر می آید . روش تفکر معاصر اسلامی در عصر حاضر به قضیه زن و اشتراک زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی در اکثر جوامع اسلامی نسبت به ما قبل به واقعیت نزدیک تر شده است . با اینکه در تطبیق عملی نظریه اسلامی در مورد زنان تا هنوز روش فکر اسلامی به نتیجه نرسیده است اما در تطبیق نظری پیشرفت های زیادی صورت گرفته که امیدوار کننده برای آینده میباشد .

ابن حزم می گوید اسلام تولی زن را به هر منصب حتی خلافت بزرگ « ریاست دولت » منع نکرده است اما متأسفانه عده با نظریه و قول ابن حزم بشدت مخالفت دارند و دلیل برای نفی نظریه ابن حزم از قرآن کریم می آورند و می گویند جواز ندارد زن رئیس مرد باشد ، مثلاً : « الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما أنفقوا من أموالهم .... » ( النساء : 34 ) . مردان بر زنان حمایت و سرپرستی دارند بخاطر آنکه خداوند بعض را بر بعضی بر تری بخشیده است و بخاطر آنکه مردان از اموال شان ( برای تققه زن و مصارف خانواده ) خرج می کنند .

امام محمد الغزالی از نظریه ابن حزم پشتیبانی کرده می گوید: رد نظریه ابن حزم قابل قبول نیست و آنانکه آیه کریمه را تا آخر قراءت کنند می دانند که قوامه در آیه برای مرد در منزل و داخل خانواده است و مرد در اداره تسلط بالای زن ندارد و حتی حق مداخله را در کارهای اداری زن نمی داشته باشد. الغزالی ادامه داده می نویسد: من طرفدار این هستم که در رأس دولت و حکومت انسان با کفایت از بین امت باشد.<sup>480</sup> امت در تعریف اسلامی شامل زن و مرد است.

### اشتراک زنان در سیاست از نظر نصوص دینی

#### اول — قرآن کریم :

در فصل حکومت و سیاست مطالعه نمودیم که قرآن کریم نوع معین و شکل خاص را برای حکومت و سیاست معرفی نمیکند اما مبادئ و اصول اولیه سیاسی و نظام حکم را بصورت بسیار فشرده ذکر می کند مثل بیعت ، مشوره ، طاعت ولی امر و مبادئ اخلاق در ساحت سیاسی و اجتماعی و حکم و غیره با عدم ذکر و اشاره به روش تطبیقی آن زیرا قرآن عمل تطبیق سیاست و ساختار نظام دولت را به امت اسلامی واگذار کرده است تا مطابق شرایط زمان و مکان آنرا عملی نمایند .

قرآن کریم جنسیت ( زن یا مرد ) را در زعامت امت تعیین نکرده است لیکن نوعیت شخص را با تمام صراحت بیان میکند . قرآن کریم با نص واضح و صریح رسیدن شخص ظالم و طاغی مانند قیصر و فرعون را به زعامت امت نفی میکند و آیات کثیر قرآن کریم اسباب فتنه و فساد و ظلم و رشوت و خیانت را در جامعه در وجود سلطه سیاسی ظالمانه و حاکم مستبد می داند نه در موجودیت یک زن در قیادت و زعامت .

قرآن کریم مؤمنین و مؤمنات را در هر زمان و مکان دعوت به فعالیت های سیاسی در دائره اخلاق می کند و روش اخلاقی را یکی از ارکان

<sup>480</sup> . محمد الغزالی « السنة النبوية بين أهل الفقه وأهل الحديث » صفحات 55 - 56 .

مهم نظام سیاسی و فعالیت های سیاسی می داند. قرآن کریم اشاره در مورد قیادت و زعامت سیاسی به زن و مرد بودن نمی کند و مرد بودن را امتیاز و فضیلت برای فعالیت و عمل سیاسی نمی داند بل قرآن زن و مرد را بیک زبان و یک ادبیات مخاطب می سازد و تفاوت را بین مرد و زن نمی پذیرد. اما به مرور زمان در جوامع اسلامی مردان، زنان را از ساحة فعالیت های سیاسی و اجتماعی و حتی دینی و تصوفی خارج ساختند و اجازه اشتراک در ساختار دولت را به دلیل عدم کفایت زن ندادند این روش در مسیر تاریخ اسلامی به یک حقیقت و امر قبول شده شناخته شد.<sup>481</sup> طرفداران اشتراک زنان در ساحة سیاسی شخصیت ملکه بلقیس را حجت می دانند و بلقیس را مثال واضح و صریح از رسیدن زن به زعامت می دانند. قرآن کریم ملکه بلقیس را بصفت یک حاکم عادل و دیموکرات و زعیمی که با مردم مشوره می کرد و مشوره را می گرفت معرفی میکند. سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن ملکه بلقیس را به لقب «الملکه الذکیة و الحکیمة» ملکه ای با ذکاوت و با حکمت یاد میکند. قرآن کریم از ملکه بلقیس در زمانیکه هنوز آفتاب را پرستش میکرد به خوبی یاد می کند و عده از زعمای فاسد و طاغی که از جمله مردان بودند ایشانرا قرآن کریم مذمت می کند.

قرآن کریم از انتقاد ملکه بلقیس از زمامداران و حکام مستبد (طاغی) اینطور یاد میکند: «قالت إن الملوك إذا دخلوا قرية أفسدوها وجعلوا أعزة أهلها أذلة و كذلك يفعلون». (النمل: 34). {ملکه} گفت: پادشاهان چون به شهری در آیند، آن را تباه و عزیزانش را خوار می گردانند، و این گونه می کنند.

عبدالله بن عباس مفسر قرآن کریم می گوید: قول خداوند عز و جل «و كذلك يفعلون» تأیید از انتقاد ملکه بلقیس از پادشاهان طاغی است.

<sup>481</sup> دکتوره أسماء المرابط «النساء و السياسة فی الإسلام: بین النصوص الدینیة و

<sup>482</sup>ملکه بلقیس بعد از مطالعه نامه حضرت سلیمان به حقیقت رسید و شرک را گذاشت و با سلیمان علیه السلام ایمان آورد. «رب اِنِّی ظلمت نفسی و اسلمت مع سلیمان لله رب العالمین...» (44). {ملکه} گفت: «پروردگارا! من به خود ستم کردم و {اینک} با سلیمان در برابر خدا، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.»<sup>483</sup>

مبارزه علیه ظلم و استبداد حکام از طرف ملکه بلقیس و همچنان مشوره با مردم در مورد نامه حضرت سلیمان علیه السلام و قبول رأی اکثریت عمل سیاسی بود که یک زن بجا آورد و قرآن کریم از آن به خوبی یاد کرد.

بر خلاف تمجید از مقام ملکه بلقیس تاریخ اسلام از امپراطوره ای فارس که در جنگ با مسلمانان شکست می خورد یاد میکند و علت شکست فارس را در موجودیت زن دیکتاتور و خود خواه می داند نه در موجودیت یک زن در رأس دولت. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از اوضاع فارس و نظام استبدادی آن تحت ریاست یک زن اطلاعات کافی داشت و مسلمانان را از سقوط فارس با خبر ساختند. دلیل سقوط فارس و پیشبینی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در رهبریت یک زن دیکتاتور و خود خواه در رأس دولت بود و فرمودند: «خاب قوم ولوا أمرهم امرأة». مسلمانان معنی حدیث مبارک را صحیح نگرفتند و فکر کردند که مقصد از کلام رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بودن زن در ریاست دولت است. امام ابن حزم حدیث را بررسی کرده می گوید که حدیث مقصد از آن ریاست دولت است و ارتباط به وظائف پائین تر از آن ندارد. امام محمد الغزالی در تبصره اش به کلام ابن حزم می گوید هدف مهم از زعامت آن است که یک انسان با کفایت ریاست دولت را بدست داشته باشد.

<sup>482</sup>. تفسیر القرطبی، 195/13.

<sup>483</sup>. محمد الغزالی «السنة النبویة بین أهل الفقه وأهل الحدیث» ص 57.

قرآن کریم زنان را امر میکند تا در فضاء آزاد با مردان در امر دعا اشتراک کنند و این اشتراک در فرهنگ و زبان قرآن بنام «المباهلة» یاد شده است . «فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين» (آل عمران: 61) . و هر که با تو (در باره عیسی) به مجادله پردازد بعد از آنکه (به احوال او) آگاهی کامل یافتی ، در آن صورت بگو ، بیائید فرزندان ما و شما ، و زنان ما و شما و خود ما و شما را فراخوانیم و سپس با تضرع و التجاء به درگاه خداوند دعا کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان بخوانیم (این نوع دعا مباهله گفته میشود).

قرآن کریم زنان مسلمان را امر به اشتراک در مسائل سیاسی مثل بیعت میکند . قرآن کریم در مورد بیعت زنان رسول کریم را اینطور خطاب می‌کند: «یا ایها النبی إذا جاءك المؤمنات يبایعنک علی أن لا یشرکن بالله شیئا ولا یسرقن ولا یزنین ولا یقتلن أولادهن ولا یأتین بهتاتن یفتیرینه بین أیدیهن وأرجلهن ولا یعصینک فی معروف فبایعهن و استغفر لهن الله إن الله غفور رحیم» (الممتحنة: 12) . ای پیامبر ، چون زنان با ایمان نزد تو آیند که {با این شرط} با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند ، و دزدی نکنند ، و زنا نکنند ، و فرزندان خود را نکشند ، و بچه های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان {و حيله} به شوهر نبندند ، و در {کار} نیک از تو نافرمانی نکنند ، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه ، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است .

زنان به حضور رسول اکرم صلی الله مستقیما حاضر شدند و بیعت خود را اعلان کردند و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در بیعت زنان و کالت و نیابت را قبول نکرد باین معنی که نگفت شوهران و یا پدران و یا پسران تان بوکالت شما بیعت نمایند به دلیل اینکه شما زن هستید بیعت زنان بصورت مستقل از رسول اکرم ، استقلال اراده سیاسی زنان را نشان میدهد .

زنان با مردان در دفاع از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم تعذیب شدند و اولین شهید در تاریخ اسلام یک زن بود. هجرت یک عمل و حرکت مقاومت سیاسی بود و در آن زنان با مردان اشتراک داشتند و همچنان زنان صدر اول اسلام در راه دعوت و حمایت عقیده و دولت اسلامی در جوار مردان انواع عذاب را متحمل شدند. هجرت و مقاومت و دفاع از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در اصطلاح معاصر عمل سیاسی است.

زنان مسلمان در مسائل مهم که ارتباط به آینده و حال زنان داشت سکوت نکردند و به اصطلاح سیاسی امروز جبهه ای مخالف یا اپوزیسیون را تشکیل کردند. حضرت عمر در قوانین اصلاحات اجتماعی مهر را تعیین کرد اما تعیین مهر صدمه به اوضاع اقتصادی و حق قانونی زن بود لذا زنان در مقابل عمر ایستادگی کردند و از حق خود دفاع نمودند و دلیل از قرآن برای قول خود آوردند که در نهایت عمر به نظریات زنان تسلیم شد و گفت: «اصابت المرأة و أخطأ عمر» زن در حق بود و عمر در خطا. متأسفانه مؤرخین نقش مهم سیاسی زنان را زیاد اهمیت ندادند و از اهمیت نقش سیاسی زنان در صدر اول اسلام بحث نکردند و تمام افتخارات را مربوط به مردان دانستند و از مردان قهرمان یاد و از زنان قهرمان یاد نشد لیکن امروز وقت آن رسیده که از نقش زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی یاد کرد و افتخارات زنان مسلمان را یاد و از آن تمجید نمود تا روش زنان صدر اسلام نمونه خوب برای زنان مسلمان معاصر باشد.

### حقوق سیاسی زن

متفکرین معاصر فکر اسلامی در مورد حقوق سیاسی و اشتراک زنان در ساحة سیاست مطالعات بیشتر و نظریات و آراء متقدمین را به زبان معاصر به جامعه اسلامی تقدیم نمودند و همچنان مفاهیم غلط که عده از مسلمانان بآن اعتقاد داشتند و آنرا اسلامی تصور می کردند اصلاح



نمودند. در این جا نظریات تعداد از دانشمندان فکر اسلامی را نقل می‌نمائیم.

آیا زن میتواند رئیس دولت و عضو پارلمان باشد؟

مفتی مصر فتوا میدهد

اسلام فقط برای زنان منصب خلافت را منع نموده است و منصب خلافت یک موضوع تاریخی بوده و در وقت حاضر اصلا وجود ندارد و خصوصا بعد از سقوط دولت عثمانی در سال 1924 منصب خلافت لغو گردید.

فقها در گذشته منصب خلافت را برای زنان منع نموده بودند در حالیکه معنی و مفهوم ریاست دولت امروز غیر از دیروز است و در گذشته خصوصا در زمانیکه خلافت وجود سیاسی داشت یکی از مهمترین وظیفه خلیفه امامت مسلمانان در نماز بود و وظیفه امامت در شریعت اسلامی از وظائف مردان است.

مفتی اضافه میکند که وسائل تبلیغات مضمون فتوا را که به نشر رسانیده بود که در آن زنان از تولی منصب ریاست دولت منع شده اند مربوط به خلافت بود نه ریاست دولت. امروز کشورها و دولت‌ها تغییر نموده است و جهان قرن بیست و یکم به کشور های متعدد با اساس قومیت و منطقه تقسیم شده است در تحت شرائط جدید رئیس دولت چه رئیس جمهور یا پادشاه یا صدراعظم باشد مکلف به امامت مسلمین نمی‌باشد و در تحت شرائط جدید زن میتواند منصب ریاست دولت را داشته باشد.

مفتی اضافه میکند که این نظر مربوط به سالهای گذشته است که وسائل تبلیغاتی بشکل صحیح آنرا به نشر نسپرده بودند و باید ژورنالستها در نقل اخبار از دقت کار بگیرند و حقائق را به نشر برسانند. مفتی میگوید که ممکن است علماء و فقهای افاضل مخالف فتوای من

فتوای دیگر صادر نمایند و باید فتوای جدید که مخالف فتوای من باشد در آن موضوع خلافت و ریاست دولت که امروز است مد نظر باشد. در آخر فتوا مفتی مصر می نویسد که: اسلام مرد و زن را در مسائل سیاسی و اجتماعی حقوق مساوی داده و تساوی در حقوق بین مردان و زنان را بعد از سی سال تحقیق در علوم فقه و مسائل اسلامی قبول نموده ام.

### حق زنان در انتخابات مجلس شورای ملی

دکتور شیخ یوسف القرضاوی موضوع اشتراک زنان را در انتخابات و عضویت مجلس شورای ملی باین معانی بحث می کند: کاندید زن در مجلس شورای ملی بین جواز و عدم جواز.

زن مانند مرد مکلف به عبادت خداوند و اقامت دین خدا و اداء فرائض و دوری از آنچه حرام است میباشد و همچنان زن مکلف است که حدود را مراعات و به اسلام مردم را دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کند.

خداوند زن و مرد را یکجا مخاطب نموده می فرماید: (یا ایها الناس \* ای مردم) و (یا ایها الذین آمنوا \* ای کسانی که ایمان آورده اید). این خطاب الهی شامل زنان و مردان است و تنها مردان را شامل نمی باشد.

زمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: {ایها الناس} أم سلمه رضی الله عنها در کار خاص مشغول بود فوراً کار را ترک نموده و به سرعت به ندا پیامبر حرکت کرد و به اندازه در حرکت خود سرعت داشت که مردم تعجب کردند و در سؤال مردم از سرعت حرکت خود جواب داد: من از جمله مردم هستم.

مرد و زن در واجبات اسلامی با هم مساوی و مشترک اند مگر در بعضی اموریکه استثناءات موجود می باشد. قرآن کریم مرد و زن را در اصلاح جامعه مسئولیت مشترک میدهد و میفرماید: «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون

الصلوة و يؤتون الزكاة و يطيعون الله و رسوله أولئك سير حمهم الله إن الله عزيز حكيم \* توبه» (التوبة: 71). و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند ، که به کارهای پسندیده و ا می دارند ، و از کارهای ناپسند باز می دارند ، و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند ، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند ، آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد ، که خدا توانا و حکیم است.

در این آیه خداوند صفات و علامات اهل ایمان را ذکر میکند و در آیه دیگر صفات و علامات منافقین را این طور بیان میکند : « و المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض يأمرن بالمنکر و ينهون عن المعروف » (التوبة: 67). مردان منافق و زنان منافق یکی از دیگر خود اند که امر به منکر و نهی از معروف میکنند . زنان منافق یکجا با مردان منافق در تباهی جامعه و نشر فساد همکاری و تعاون دارند. در عصر رسالت زنان نقش اساسی و اولی خود را بازی نمودند و اولین صدای تصدیق به رسالت صدای زن مؤمن بی بی خدیجه بود که رسالت را تصدیق و رسول را تأیید کرد و همچنان اولین شهید در اسلام زن بنام بی بی سمیه ام عمار رضی الله عنها است.

تعداد از زنان با رسول خدا صلی الله علیه وسلم در غزوه احد و حنین جهاد کردند و امام بخاری نقش زنان را در جهاد تحت عنوان {باب غزو النساء و قتالهن} ثبت نموده است .

در دلالت های قرآن و سنت اگر به دقت نظر انداخته شود ملاحظه می گردد که احکام برای زنان و مردان بصورت عام آمده غیر از آن احکامیکه مخصوص زنان است مانند احکام حیض و نفاس و ولادت و حمل و شیر دادن و امثال شان.

در احکام میراث که مرد دو برابر زن حق دارد به سبب مسئولیت های اقتصادی مرد نسبت به زن است و احکام دیگر مثل شهادت جهت

مراعات زنان است و در بعضی مسائل شهادت زن اهمیت بیشتر نسبت به مرد دارد مثل شهادت زن در ولادت و شیرخوردگی.

### توجه مهم

می خواهم توجه شما را به نقاط ذیل بیشتر سازم :

اول: برای ما واجب است تا التزام و پابندی به نصوص ثابت داشته باشیم و نصوصی که ثابت نیست و احادیث ضعیف و یا احادیث که ممکن است دارای معانی متعدد باشد که تفاسیر متعدد را می خواهد و یا آنچه مخصوص زنان پیامبر است خصوصا در امور عمومی اجتماعی خود را مشغول نسازیم .

دوم: فتوای و احکامی است که نمی توانیم از عصر و محیط آنرا جدا بررسی کنیم و این نوع فتواها و احکام قابل تغییر است. باین اساس محققین فیصله نموده اند که فتوا به تغییر زمان و مکان و حالت و عرف تغییر میکنند .

سوم: سیو کولرها امروزه قضیه زنان تجارت میکنند و کوشش دارند که موضوعات زنان را به اسلام ارتباط بدهند و میخواهند آنچه در گذشته نسبت به زنان پیش آمده آنرا به حالت امروزی زنان ارتباط بدهند تا ثابت سازند که اسلام روزگار سیاه را به زنان آورده است .

پس لازم است دلیل هر مدرسه را در موضوع اشتراک و عدم اشتراک زنان در مجلس شورای ملی در روشنی شریعت و دلیل آن بررسی نمائیم. بعضی نظر دارند که اشتراک زنان در مجالس تقنین ( قانون گذاری ) حرام و گناه است. در اسلام حرمت نیست مگر به دلیل قطعی ، در اصل تمام اشیاء حلال است مگر آن اشیاء که دلیل قطعی به حرمت آن باشد .

آیه { و قرن فی بیوتکن } بعض به این آیه استدلال میکنند که جواز ندارد که زنان از منزل خارج شوند مگر به اساس ضرورت و احتیاج. و این دلیل شان غیر صحیح است نظر به دلایل ذیل :

1) آیه کریمه مخاطب میکند زنان رسول الله صلی الله علیه و سلم را و زنان رسول الله صلی الله علیه و سلم مقام خاص را در حرمت برای خود دارند. زنان پیامبر صلی الله علیه و سلم اگر یک عمل صالح را که انجام میدهند برای شان دو اجر حساب میشود و اگر یک گناه را مرتکب میشوند دو گناه برای شان حساب میشود.

2) با وجود این آیه شریفه أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها از خانه خود خارج شد و در جنگ (الجمل) اشتراک کرد و بی بی عایشه اشتراک در جنگ الجمل را یک واجب دینی برای قصاص قاتلین عثمان می دانست ، با اینکه در اجتهاد و محاسبه خود خطأ کرده بود .

3) زن فعلا از منزل خارج شده است ، زن به مدرسه و پوهنتون میرود و در ساحة زندگانی در رشته های مختلفه مثل طبابت و معلمی و اداره کار میکند و هیچکس خارج شدن زن را انکار ( نفی ) نکرده است و عدم انکار و مخالفت در خارج شدن زن از منزل و کار کردن او را اجماع در مشروعیت آن میدانند لیکن به شروط .

4) ضرورت است که زنان مسلمان که پابندی به دین دارند در انتخابات اشتراک کنند و علیه زنان سیکولر خود را کاندید کنند در غیر آن زنان سیکولر قیادت و زعامت عمل را در میدان زنان از زنان مسلمان میگیرند.

5) زندانی کردن زن در خانه در شریعت یک مرحله خاص را دارد و آن هم در صورتیکه زن یک عمل فحشات را مرتکب شود { فأمسکوهن فی البیوت حتی یتوفهن الموت أو یجعل الله لهن سبیلا \* نساء: 15 } . بعض تصور کرده اند که این امر و اجرا در حالات عادی است و زندانی نمودن زنان در خانه یک واقعیت برای زنان است .

عده در موضوع خارج شدن زنان از باب سد ذرائع ( عملی که انسان را به گناه نزدیک می سازد ) می بیند و نظر دارند که زمانیکه زن خود را کاندید میکند در روزهای کاندید شدن با مردان غیر محرم به تماس می

شود و خلوت میکند و این حالت حرام است و هر آنچه به حرام نزدیک شود حرام است.

بدون شک سد ذرائع لازم است لیکن علما می گویند که مبالغه کردن در سد ذرائع مانند مبالغه در باز نمودن دروازه آن می باشد که در نتیجه آن مصالح مهم از دست رفته و خطر آن بزرگتر از آن فساد می شود که از ترس و بیم آن دروازه سد ذرائع بسته می شود. و این دلیل برای کسانی است که زنان را از دادن رأی در انتخابات از ترس فتنه و فساد منع میکنند در حالیکه بی دین ها یعنی سیکولرها از رأی زنان که پابند دین نیستند و سیکولر اند استفاده میکنند.

در یک زمان به استناد سد ذرائع علما ضد رفتن زن به مدرسه و پوهنتون بودند به درجه ای که بعضی گفتند: زنان تعلیم قرائت (خواندن) کنند نه تعلیم کتابت (نوشتن) تا نامه های عاشقانه تحریر نکنند در حالیکه تعدادی بودند که نظر داشتند که تعلیم بذات خود شریست بلکه خیر و صلاح برای افراد جامعه می باشد.

زنی که خود را کاندید میکند باید پابندی کامل به اسلام داشته باشد و زمانی که با مردان بیگانه تماس میگیرد خلاف احکام اسلام رفتار نکند و بی عفت و برهنه نبوده حجاب اسلامی را مراعات نماید.

ولایت زن بالای مرد: بعضی مخالفت به کاندید شدن زن به ولسی جرگه میکنند بدلیل اینکه اعضای شورای ملی ولایت بالای مردان دارند و ولایت زن بالای مرد ممنوع است و قرآن ثابت نموده که مرد بالای زن ولایت دارد.

برای توضیح این مطلب به دو نقطه اساسی توجه فرماید:

اول: تعداد زنانیکه خود را به شورا کاندید میکنند محدود اند و تا هنوز اکثریت اعضای شوری را مرد ها تشکیل میدهند و در مجالس اکثریت حق تصویب را دارد.

دوم: آیه کریمه که ولایت مرد را بالای زن ثابت میکند این آیه و قوامه مربوط به زندگانی مشترک بین زن و شوهر است، در زندگانی مشترک بین زن و شوهر مرد رئیس خانواده و مسئول از اداره آن می باشد و قوامه به دلیل انفاق یعنی نفقه است و بما انفقوا من أموالهم (نساء 34). مردان بر زنان حمایت و سرپرستی دارند بخاطر آنکه خداوند بعضی را بر بعضی برتری بخشیده است و بخاطر آنکه مردان از اموال شان { برای نفقه زن و مصارف خانواده} خرج میکنند..... تا آخر آیه.

با داشتن ریاست مرد در خانه زن در مشوره امور زندگانی حق و نقش اساسی را دارد و باید رأی زن در امور زندگی گرفته شود و قرآن بصراحت مشوره و رأی زن را در امور زندگی ثابت می داند که سوره بقره آیه 228 در موضوع مشوره است.

حدیث شریف که امام احمد روایت نموده پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید که: «آمرؤ النساء فی بناتهن» زنان را در مسأله ازدواج دختران شان مشوره کنید. اما ولایت بعض زنان بالای بعضی مردان خارج از خانواده در آن ممانعت نیآمده است بلکه ممنوعیت در مسأله ولایت عامه است.

و حدیث شریف که بخاری از ابو بکره رضی الله عنه روایت نموده: «لن یفلح قوم و لو امرهم امرأة» فلاح و کامیابی نیست برای قومیکه زن ولایت شانرا داشته باشد در موضوع ولایت عامه یعنی ریاست دولت است یعنی امر قیادت شان لیکن بعضی امور است که در آن ولایت زن ممانعت ندارد مثل ولایت فتوا، اجتهاد، تعلیم و روایت حدیث و اداره و این ولایت به اجماع برای زن جواز دارد و ابو حنیفه قضا را برای زن جواز میدهد و فقهای گذشته شهادت زن را در قصاص جواز میدانند و ابن حزم با اینکه به ظاهر حکم میکند دلیل صریح در شریعت برای منع نمودن زن در قضا نمی بیند. و حدیث شریف در باب ولایت زن که سبب فلاح نیست در باب امپراطوره فارس است که بعد از وفات امپراطور

دخترش پوران بنت کسری ریاست دولت را بدست گرفت و حدیث در موضوع خاص و موقعیت خاص می باشد.

بعض نظر دارند که عضو مجلس شورا بالاتر از حکومت است بلکه بالاتر از رئیس دولت می باشد و عضو شوری به اساس عضویت خود حق دارد رئیس دولت را محاسبه کند و بدین ترتیب زن صاحب ولایت عامه می شود.

برای حل و مناقشه این رأی لازم است وظیفه عضو مجلس شورا را بیان کنیم:

در نظام دیموکراسی مجلس شوری دو وظیفه دارد:

الف: محاسبه. ب: تشریح یعنی قانون سازی.

الف: معنی محاسبه: محاسبه یا مراقبت در شریعت و یا در اصطلاح اسلامی به معنی امر به معروف و نهی از منکر و همچنان بنام نصیحت در دین که هر دوی آن برای زعمای امت و ائمه مسلمین و عامه مردم واجب می باشد.

امرو نهی و نصیحت از طرف زن و مرد در نظام اسلامی مطلوب می باشد و سوره توبه آیه: 71 بر زن و مرد مسلمان نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر را واجب می سازد. رسول صلی الله علیه و سلم زمانیکه گفت: «الدین النصیحة لله و لرسوله و لکتابه و لأئمة المسلمین و عامتهم» دین نصیحت است به خدا یعنی پیروی احکام خداوند و پیروی کتاب و پیروی رسول و نصیحت برای رؤسای مسلمین و عامه مردم. در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم مرد را مخصوص نساخت بلکه زن و مرد را یکجا یاد کرد.

ملاحظه نمودیم که زن در مسجد علیه عمر بن الخطاب حرف زد و عمر از رأی خود گذشت و گفت: «أصابت المرأة و أخطأ عمر» زن در صواب بود و عمر در خطا چنانکه ابن کثیر روایت نموده است.



رسول الله صلی الله علیه و سلم در غزوه حدیبیه ام سلمه را مشوره کرد و ام سلمه بهترین رأی و مشوره را داد و پیامبر آنرا عملی کرد و در نتیجه آن خیر بزرگ برای مسلمانان رسید .

چون زن حق نصحیت و مشوره دادن و امر به معروف و نهی از منکر را به طور منفردانه دارد پس دلیل شرعی وجود ندارد که زن را از اشتراک و عضویت مجلس شورای ملی ممانعت کرد و اصل در همه امور و معاملات مباح بودن است مگر به آنچه در حرمت آن نص صریح آمده باشد . بعض میگویند که در عصر های گذشته زنان عضو مجالس مشورتی نبودند ، این نظریه دلیل شرعی شده نمی تواند و از همین جا است که قانون تغییر فتوا به تغییر زمان و مکان و حال ثابت است . شورا در عصر های گذشته نه برای مردان و نه برای زنان تنظیم دقیق شده بود . ما امروز برای زنان و وظائفی را می‌دهیم که در سابق معروف نبود و برای زنان مدارس و پوهنچی ها تأسیس شده است و بعض زنان مدیره در دفاترها اند که مردان مامورین و زیر دست شان می باشند .

نظریه ای که مجلس شورای ملی بالاتر از حکومت است و رئیس دولت را محاسبه میکند قول درست نیست . هر کسیکه محاسبه میکند معنی آن این نیست که بالاتر از رئیس دولت می باشد و در نظام اسلامی پائین ترین شخص حق محاسبه را دارد .

در اسلام در گذشته امیر المؤمنین عالی ترین مقام بود با آنهم کوچک ترین و پائین ترین فرد حق محاسبه او را داشت و خلیفه اول ( ابوبکر رضی الله عنه ) در اولین بیان خود گفت که اگر در حق بودم مرا حمایت کنید و اگر در خطاً بودم مرا مقاومت نماید . کسی انکار کرده نمیتواند که زن حق دارد شوهر خود را در مسأله منزل و نفقه محاسبه کند .

### مسئله تشریح در مجلس شورای ملی :

تشریح وظیفه دوم مجلس شورای ملی بعد از کنترل و محاسبه می باشد بعضی می گویند که تشریح مهمتر و خطرناکتر از محاسبه است پس زن حق اشتراک را در تدوین قوانین ندارد .

در اسلام تشریح، تشریح خداوند است و اصول حلال و حرام در تشریح و نهی و امر از جانب خداوند است و وظیفه بشر استنباط احکام در آنچه نص نیست میباشد به عبارت دیگر وظیفه ما اجتهاد در استنباط و تفصیل است .

اجتهاد در شریعت اسلامی دروازه آن بروی مردان و زنان باز است و کس تا حال نگفته است که مرد بودن یکی از شرایط اجتهاد است و زن حق اجتهاد را ندارد . أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها یکی از مجتهدین در بین صحابه بود و حق فتوا را داشت و با صحابه مناقشه میکرد و نظریات صحابه را تایید و رد میکرد . امام الزرکشی کتاب مهم در موضوع ( الإجابة لاستدراکات عائشه علی الصحابه ) را نوشت و السیوطی در کتاب خود بنام ( عین الإصابة ) استدراکات بی بی عایشه را تدوین نمود .

تعداد مجتهدین از طبقه نسوان در گذشته نسبت به مردان کمتر است و دلیل آن عدم انتشار علم در بین طبقه زنان بود در حالیکه تعلیم بین زنان و مردان امروز مساوی است و در بین زنان نابغه ها وجود دارد و شرط نبوع مرد بودن نیست .

در قرآن کریم قصه ملکه ( سبأ ) را می خوانیم که حکمت و رأی صواب داشت و توانست با سلیمان (ع) مناقشه کند و قوم خود را از هلاکت نجات بدهد و با سلیمان مسلمان شد . حکایت قرآن کریم و حکایت ملکه سبأ یک قصه عبث و بی فایده نیست بلکه دلالت به بصیرت و ذکاوت و حسن الرأی و تدبیر زن را در شئون سیاسی و حکومت نشان میدهد در وقتیکه بسیاری از مردان در سیاست و دانش نسبت به زنان کمتر بودند .

در تشریح مسائلی است که متعلق به زنان است ، در این نوع تشریح گرفتن نظر زنان حتمی است و زنان در قوانین خاص به زنان نسبت به مردان دانا تر اند .

حضرت عمر که قانون مهر را ساخت چون ارتباط به زن بود زنی در مجلس ایستاده شد ضعف قانون و ضعف نظر خلیفه را شرح داد و خلیفه از نظر خود نه تنها که گذشت بلکه گفت عمر در خطاً بود و زن در صواب . حضرت عمر در قوانین که ارتباط به زنان بود مشوره زنان را می گرفت مثلا در قانون عسکری که شوهر نباید شش ماه زیادترا از زن خود دور باشد و این مسأله را با بی بی حفصه دختر خود مشوره کرد و حفصه گفت که زن می تواند چهار ماه تا شش ماه از شوهر خود دور باشد .

ما که اشتراک زنان را در مجلس مباح میدانیم معنی آن این نیست که زنان با مردان بدون حدود و قیود باشند و حق شوهر و اولاد و مسئولیت منزل را ترک کنند و از آداب اسلامی و حجاب شرعی بیرون شوند و باید آداب اسلامی را در لباس و کلام حفظ کنند و در مجلس برای زنان مکان خاص را تعیین کنند تا از فتنه عام محفوظ باشند .

خلاصه و مناقشه آراء مخالفین اشتراک زن در مجلس شورای ملی و مؤسسات حکومت :

اول : تعدادی از علما میگویند که زنان حق اشتراک را در مجالس تشریحی ندارند و به آیات قرآنی که نسبت به زنان نبی الله صلی الله علیه وسلم آمده است استنباط میکنند در حالیکه این دسته فراموش نموده اند که آیاتی است که مردان را نیز ملامت میکند مثلا در سوره الجمعہ آیه 11 و در سوره آل عمران آیه 152 بعد از غزوه احد صحابه که بهترین مردان اسلام بودند بعضی شان غنیمت را بهتر دانسته بی امری رسول الله صلی الله علیه وسلم را نمودند که سبب شکست مسلمانان شد و در باره این آیه حضرت عبد الله بن عباس میگوید : من نمی دانستم که در

بین ما کسانی هم هستند که دنیا را می خواهند تا زمانی که این آیه نازل نشد. این را نباید تعبیر کرد که مردان صلاحیت کار را ندارند.

دوم: بعضی مریضی زنان را دلیل به عدم اشتراک زنان در کارهای دولت و مجلس شورای ملی می دانند:

وظیفه اولی مادر تربیه اولاد و پیشبرد امور منزل است لیکن اگر یک زن از وظیفه اساسی خود فارغ شده باشد در اشتراک او در مجلس شوری ملی و حکومت چه مانع خواهد بود.

سوم: بعضی حدیث مبارک که: «لن یفلح قوم و لوا أمرهم امراه» این حدیث را بخاری از ابی بکره روایت میکند که زمانی که دختر کسری بعد از وفات کسری امپراطوره فارس شد پیغمبر این حدیث را گفت ما این حدیث را اینطور مورد مناقشه قرار میدهیم:

الف: آیا حدیث بشکل عام آن گرفته میشود و یا اینکه سبب گفتن آنرا نیز باید مد نظر گرفت؟

معنی آن این است که فارس به کامیابی نمی رسد زیرا نظام حکومت در بین شان میراثی است و حال دختر امپراطور حکومت میکند در حالیکه در ملت فارس اشخاص عاقل و دانشمند و فاضلتر از او وجود دارند.

اصولی ها میگویند که عبرت در عموم لفظ حدیث است نه بخصوص سبب آن که این یک اشتباه است. عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر و دیگران میگویند که ضرورت رعایت اسباب نزول حتمی است در غیر آن در فهم غلطی پیش شده در تفسیر اشتباه رخ میدهد چنانکه خوارج و امثال شان آیات که در شأن مشرکین بود بشکل عام آن گرفتن و حکم آنرا بالای مسلمین نیز تطبیق کردند. اسباب نزول آیات که اینقدر اهمیت دارد پس سبب ورد حدیث مهمتر است و نباید عموم لفظ را قاعده اساسی در فهم حدیث دانست.

در موضوع حدیث فوق اگر به صورت عموم و معنی ظاهری آن گرفته شود با ظاهر قرآن متعارض واقع می‌شود و قرآن قصه بلقیس ملکه سبأ را می‌کند که زنی ذکی و عادل و با حکمت بود و با حرکت عاقلانه اش قوم خود را از خرابی و کشورش را از خراب شدن نجات داد و با حسن رأی که می‌دانست نتیجه جنگش با سلیمان شکست است و مردان کشورش کشته و اموال دولت مصرف می‌شود با قوم خود با سلیمان مسلمان شد. همچنان اگر به عمومیت حدیث اتکاء شود خلاف واقعیت روز است. اگر حکمت و دانش و کفایت و قدرت سیاسی بعضی از زنان مد نظر گرفته شود نسبت به بسیاری از حکام عرب و مسلمین که مردان اند بالاتر و بهتر است.

ج: بعضی از علما ولایت عام را سبب منع زن در اشتراک در حکومت و مجلس‌های مشورتی و قانونی میدانند و همین حدیث را دلیل قول خود می‌آورند. بغیر از امامت و خلافت که امروز ریاست دولت گفته می‌شود دیگر وظایف برای زنان در آن منع نیامده است مثلاً وزارت و قضاوت.... حضرت عمر الشفاء بنت عبدالله العدوی را بحیث مراقب بازار مدینه که رئیس بلدیه است مقرر کرد و این وظیفه یکی از امور ولایت است.

در نظامهای دیموکراسی معاصر اگر زن وظیفه وزارت را داشته باشد معنی آن این نیست که حاکمیت مطلق دارد زیرا در نظامهای معاصر مسئولیت مشترک است و نظام و اداره امور کشور را پیش میبرد نه فرد واحد.

می‌بینیم که حکومت کردن صدر اعظم انگلستان کارتشر و صدر اعظم هندوستان اندیرا گاندی و صدر اعظم فلسطین اشغال شده گولدن مایر معنی آن حکومت زن بصورت و شکل مطلق آن نیست بلکه حکومت مؤسسات است و نظام حکومت میکند با اینکه در بالا زن قرار دارد و

مجلس وزراء را زن در این نوع نظامها به تنهایی و بشکل مطلق به دست ندارد.<sup>484</sup>

حرکت اسلامی زنان که جدیداً در ساحة اجتماعى و سياسى عالم اسلامى بوجود آمده است تحقیقات و بحث های جالب را در مورد زنان انجام داده است و مطالعه این اباحت و تحقیقات برای محققین جوان کشور ما یک ضرورت است. در مقدمه فعالیت این حرکت آمده است: زنان سیکولر کوشش دارند تا دین را از قضیه زنان جدا سازند در مقابل حرکت زنان مسلمان کوشش دارند تا رسم و رواجهای ثقافتی و فرهنگی را از دین جدا سازند. رسم و رواجهای فرهنگ و ثقافت در مسیر تاریخ اسلامی داخل دین شده و امروز مردم آنرا رکنی از ارکان اسلام قبول کرده اند. حرکت زنان مسلمان قرآن کریم و سنت نبوی را مرجع کار خود می داند و در دعوت به مساوات بین زن و مرد از آیات قرآن کریم استفاده میکند. فعالان حرکت نسوان در ساحة سياسى باین عقیده اند که اسلام مساوات را بین مرد و زن ثابت ساخته و مردان در مسیر تاریخ این مساوات را صدمه زده اند.

مهمترین عمل علمی این حرکت کتاب « النساء و نقل المعرفة الدينية فى الإسلام » تألیف أسماء السید است. أسماء السید نقش أم المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها را بهترین الگو و نمونه برای زنان می داند. حرکت جدید می خواهد از مرجعیت اسلام اباحت علمی و اکادمی را جهت حل مشکلات زنان و تساوی حقوق بین زن و مرد بحث کند.<sup>485</sup> بعد

<sup>484</sup>. فضل غنی مجددی « بحث های دینی و فتواهای فقهی » جلد اول ، فصل : حقوق سیاسى زنان ، ص 345.

<sup>485</sup>. [www.annisaie.ma/Article.aspx?C=6018](http://www.annisaie.ma/Article.aspx?C=6018) . و ایت علا عبدالرحیم « المرأة فى الخطاب الأدبى الفقهى ». و مونیة الطراز « التحریر النسائى فى القرآن الکریم - بناؤه النظرى و وظيفته الإصلاحية » و همچنان : An-Najah Scholars ، [www.alukah.net](http://www.alukah.net) [www.saaidd.net/female/083.htm](http://www.saaidd.net/female/083.htm) ,

از مطالعه حقوق زن در اسلام امید است باین نتیجه رسیده باشیم تا متفکرین معاصر اسلامی باید در مورد زنان در روشنی نصوص صریح اسلام تجدید نظر نمایند و مفکرین اسلام قضیه زن را بحث جدید نموده و آنچه در مورد زن تاریک مانده روشن شود و در تحقیقات جدید شرایط عصر و زمان و تغییرات که در جامعه انسانی پیش شده مورد نظر محققین باشد. تجدید و نوآوری معنی آن مخالفت و عدم پیروی از نصوص قاطع و صریح اسلام نیست بلکه شرح نصوص اسلام بزبان و روش معاصر است. متأسفانه خطاب و روش تفکر معاصر اسلامی در تمام جهان اسلام خصوصاً در افغانستان نسبت به قضیه زنان ناقص و نامکمل و در بسا موارد ظالمانه است.<sup>486</sup>

### حرف اخیر

در جریان این بحث باین نتیجه رسیدم که مشکلات معاصر جامعه اسلامی بطور عموم در کمبودی دین و دینداری مسلمانان نیست و همچنان برابیم ثابت شد که دینداری در عدم فهم و دانش صحیح از اسلام انسانرا به گمراهی و فلاکت می‌رساند. دین اسلام به نص قرآن کریم دین برحق و پسندیده نزد خداوند سبحانه و تعالی است «إن الدین عند الله الإسلام». قرآن و سنت و روش صحابه بهترین مرجع برای قوانین و تنظیم زندگی مسلمانان است.

مشکلات معاصر مسلمانان چنانکه در این تحقیق روشن شد از ناحیه داخلی یعنی از داخل خود مسلمانان و از ناحیه خارجی یعنی از جانب دشمنان اسلام است و مشکلات مسلمانان معاصر فوق العاده عمیق و

, schoar.najah.edu/...the\_woman\_political-work-in\_islam\_institute\_stu  
 . [www.wow.com](http://www.wow.com) , hizb.net/?p=4056 , pdf

<sup>486</sup> . برای مطالعه بیشتر از مسائل زنان در اسلام به مراجع ذیل مراجعه فرماید : مرکز الدراسات والبحوث فی القضايا النسائية فی الإسلام [www.annisae.ma](http://www.annisae.ma) والحركة النسائية الإسلامية... تيار نسائي إسلامي ،

قابل تشویش است. مشکلات مسلمانان ریشه‌های تاریخی دارد و در مسیر تاریخ عمیقتر شده و اگر مسلمانان بطور عموم و دانشمندان معاصر اسلامی بطور خاص قدمهای جدی و فعال را در تصحیح مشکلات معاصر برندارند و قوانین و ارشادات اسلام را عملی ننمایند آینده امت اسلام تاریک و کشورهای اسلامی یکی بعد از دیگر بدامن استعمار نوین سقوط می‌کند.

مسلمانان در ساحات مختلف مانند ساحة اقتصادی، آزادی، نظامی، اخلاقی، روحی و معنوی، اجتماعی، سیاسی، اشغال نظامی مشکلات فراوان و خطرناک دارند. بعضی باین نظر هستند که مشکلات مسلمانان هر کدام جداگانه بحث و راه حل آن جستجو شود این نظریه از ناحیه تطبیقی راه حل نیست زیرا مشکلات جامعه اسلامی حل عمومی را می‌خواهد و حل جزئی نتیجه ندارد. حل مشکلات مسلمانان به فیصله‌های حکومت و نشر فرمان‌ها قابل حل نیست. در قرن اخیر تجربه به اثبات رسانید که انقلابات عسکری راه حل مشکلات نیست و انقلابات عسکری مشکلات سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی را بیشتر ساخت و نظامهای استبدادی جای نظامهای نیمه دیموکراسی را گرفت. حل مشکلات مسلمانان ضرورت عمل دستجمعی امت را می‌خواهد و حل باید از داخل امت شروع شود. ضعف پلان‌گذاری، فقدان روحیه علمی، عدم همکاری مشترک، نظام سیاسی بدون مسئولیت، عدم عدالت اجتماعی و نظام قبیلوی و عدم تفکر و تعقل آزاد را میتوان از اهم مشکلات جامعه اسلامی دانست که از دانشمندان حل فوری و جذری و شامل و کامل را می‌خواهد.

در جریان بحث باین نتیجه رسیدم که فرهنگ اصیل و ثقافت اسلامی از چند قرن باین طرف صدمه دیده است و فرهنگ اصیل اسلامی جای خود را به فرهنگ نامعقول داده. ثقافت و فرهنگ ابعاد مختلف دارد و اگر یک بعد آن صدمه ببیند یا مریض شود تمام ابعاد را متضرر و فلج می‌کند.



سازد. ستون فقرات فرهنگ و ثقافت اسلامی را عقیده می سازد و تا عقیده تصحیح نشود نظامهای فرهنگی و ثقافتی مستقیم نخواهد شد. ثقافت و فرهنگ ارتباط مستقیم به عقل و روش تفکر دارد و در جریان بحث ملاحظه نمودیم که روش فکری و عقلی مسلمانان از خط مستقیم و روش اسلامی منحرف شده است و انحراف از خط مستقیم انحرافات فکری و عقلی و فرهنگی را به وجود آورده است. یکی از راه های حل مشکلات معاصر مسلمانان تجدید فرهنگ و متقف ساختن مسلمانان است.

با ثقافت ساختن مسلمانان یک عمل اجتماعی یعنی دستجمعی است. با ثقافت ساختن مردم از یک جامعه تا جامعه دیگر نظریه شرایط محیط و دین و روش های اجتماعی متفاوت است بطور مثال ثقافت امریکائی میخواهد تا مردم امریکا رسم و رواجها جامعه امریکا را تقلید و از آن پیروی نمایند. جامعه اسلامی هدف آن ساختن فرد مسلمان است تا مبادی و روش اسلام را قبول و مطابق آن حرکت نماید و این عملیه ثقافتی و فرهنگی در خلط بین فرهنگ میراثی و میراث ثقافتی کارساده و بسیط نیست و از مسلمانان خصوصاً دانشمندان کار و صبر و تحقیق بیشتر را می خواهد.

معنی تجدید اسلام عبارت از رسیدن به اهداف عالی آن است که قرآن کریم و سنت نبوی معرفی میکند. اهداف عالی اسلام، تحقق بخشیدن خلافت انسان در زمین است، خلافت انسان شامل عبادت، روش اخلاقی، روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی به روش اسلام است. حل این معضله فرهنگی و ثقافتی از نظر قرآن و سنت نبوی حل فردی نیست و در جریان این بحث دیدیم که قرآن کریم زمانیکه تفکر و تعقل را عنوان قرار می دهد از آن به صیغه جمع یاد میکند باین معنی که تمام افراد جامعه تفکر و تعقل نمایند زیرا از منظور فرهنگ و ثقافت اسلام

تفکر انفرادی با اینکه مفید است اما در دایره انفرادی می باشد و شامل تمام افراد جامعه نمی شود.

خداوند سبحانه و تعالی مسلمانان را امر به تغییر جمعی می کند و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (الرعد: 11). در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر ندهند. آیه مبارکه مسلمانان را متوجه تعداد از حقائق می سازد. آیه مبارکه دعوت برای تغییر شامل در تمام جوانب فرهنگ و ثقافت می کند. آیه مبارکه تغییر را از طرف تمام قوم یعنی تمام مسلمانان می خواهد. آیه مبارکه نشان می دهد که تغییرات زمانی در جامعه نتیجه می دهد که جمعی باشد و در منطق قرآن کریم اصلاحات فردی با اینکه مفید است لیکن نتیجه فعال و مثبت ندارد لذا قرآن کریم در پهلوی تغییرات اصطلاح قوم یعنی ملت را می آورد و مسلمانان را بصورت جمع مخاطب می سازد.

اسلام در آغاز مردم را به ثقافت اسلامی و نفی ثقافت جاهلیت دعوت می کند و وظیفه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اصلاح ثقافت و فرهنگ جامعه برای قبول اسلام و ایمان و اعتقاد بوحدانیت بود به دلیل اینکه تا ثقافت و فرهنگ جامعه اصلاح نشود دعوت به نتیجه نمی رسد. اسلام دعوت نیست که انسان بزبان کلمه شهادتین را بخواند بلکه اسلام از مسلمانان می خواهد تا بعد از قبول اسلام آماده تغییرات کلی در زندگی و روش فرهنگ و ثقافت باشند. تغییر از نا معقول به معقول اسلامی صبر و استقامت می خواهد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بهترین مثال استقامت و صبر در راه تغییر است. آنحضرت مسلمانان را متوجه مقاومت و صبر می سازد و می فرماید: «وَاللَّهُ لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرَ فِي بِيْسَارِي عَلَيَّ أَنْ أَتْرَكَ هَذَا الدِّينَ مَا تَرَكْتَهُ». بخدا قسم اگر آفتاب را در دست راستم و مهتاب را در دست چپم قرار دهند تا این دین را ترک نمائیم، آنرا ترک نخواهم کرد. این بهترین قاعده و اساس برای مسلمانان برای صبر و استقامت به دین خدا است.

از طبیعت ثقافت و فرهنگ این است که قابل تغییر و انحراف می باشد و در جریان بحث ملاحظه نمودیم که تقلید از گذشته گان و زندانی ساختن عقل و فکر، فرهنگ و ثقافت اسلامی را تغییر و از جاده ای صواب منحرف ساخت. در این بحث اسباب داخلی و تهاجم فرهنگ خارجی توضیح شد و همچنان روش و اسلوب حل مشکلات فرهنگ و ثقافت نیز تا اندازه ای پیشنهاد شد. تطبیق صحیح و شامل و کامل اسلام و قبول تجدید و اجتهاد در دایره اسلام و مبارزه با تقلید و نفی رسم و رواجهای قبیلوی و غیر اسلامی که شامل فرهنگ و ثقافت مسلمانان شده است مقدمه برای تغییر شامل و جامع شده میتواند بشرط آنکه شامل و کامل و همه مسلمانان در تغییر آن یکجا کار نمایند. اگر زندگی باقی بود در مسائل عمده اسلامی که ادامه این بحث است کار خواهیم نمود و از تمام جوانان عزیز می خواهیم جوانب مختلف قضایای که در این بحث بررسی شده در مورد آن تحقیقات عمیقتر و بیشتر نمایند زیرا هیچ تحقیق شامل و کامل و خالی از نواقص نیست. امید است این تحقیق متواضع و ساده مقدمه برای بحث مفصل و جامع باشد و جامعه علمی در اصلاح آن کوشش نمایند و نواقص آنرا بیان و اشتباهات آنرا نقد علمی نمایند.

علاقه داشتم اکثر موضوعات که مربوط به سیاست اسلامی و فرهنگ و ثقافت اسلامی است در این تحقیق بیاورم لیکن مشکلات بحث از یک طرف و عدم امکانات مالی برای طبع کتاب از طرف دیگر مانع این عمل شد. فقر اقتصادی مهمترین مانع در نشر تحقیقات است و امید است هموطنان عزیز و گرامی محققین جوان کشور را همکاری نمایند. در خاتمه برای هموطنان گرامی و عده می دهم ان شاء الله اگر حیات باقی بود این بحث را ادامه خواهم داد و موضوعات که از بحث در این تحقیق مانده آنرا تکمیل نمائیم و این موفقیت بدون مساعدت مالی و حمایت معنوی شما هموطنان عزیز نا ممکن است و در فرهنگ و ثقافت اسلامی آمده که تغییرات در جامعه بدون همکاری همه افراد آن نا ممکن است.

## مراجع تحقیق

1. قرآن کریم.
2. تفسیر فی ظلال القرآن عربی ، سید قطب
3. در سایه های قرآن ، ترجمه استاد محمد صدیق راشد سلجوقی
4. تفسیر المنار ، رشید رضا
5. تفسیر المیزان
6. تفسیر طبری ، تحقیق محمود محمد شگری.
7. صحیح البخاری . ترجمه استاد عبدالعلی نور احراری مختصر صحیح البخاری ، ترجمه ، داکتر فیروز.
8. صحیح مسلم .
9. لؤلؤ و مرجان در احادیث متفق علیه شیخان ، جمع و ترتیب: محمد فؤاد عبدالباقی ، ترجمه: محمد حنیف ( حنیف ) بلخی ، مراجعه: دکتور عبدالستار سیرت.
10. احمد البغدادی ، الفكر الإسلامی و الإعلان العالمی.
11. جاک دونللی ، حقوق الإنسان العالمیة بین النظریة و التطبيق ، ترجمه مبارک عثمان
12. الشیخ عبدالله بن الشیخ المحفوظ بن بیه ، حوار عن البعد حول حقوق الإنسان فی الإسلام.
13. فؤاد زکریا ، الصحوة الإسلامیة فی میزان العقل.
14. مکتوبات امام ربانی بزبان عربی .
15. مولوی نصر الله. شرح مکتوبات قدسی آیات
16. أبو الحسن علی الحسنی الندوی ، الإمام السرهندی ، حیاته و أعماله بزبان عربی.
17. أبو الحسن الحسینی الندوی ، نظرة اجمالیة فی التاریخ الدعوة الإسلامیة فی الهند.

18. ابو الحسن على حسنى ندوى ، تفسير سياسى اسلام . ترجمه عبد القادر دهقان.
19. ابو الحسن الندوى ، ماذا خسر العالم يانحطاط المسلمين .
20. ابن جماعة ، تمرير الأحكام فى تدبير أهل الإسلام ، تحقيق فؤاد عبد المنعم .
21. أمين عثمان ، أعلام الإسلام .
22. أحمد أمين ، زعماء الاصلاح .
23. احمد محمد ولد المصطفى ، السياسة الشرعية فى العلاقات الدولية .
24. ابن منظور ، محمد بن على ، لسان عرب .
25. ابن ابى العز ، شرح الطحاوى .
26. الجصاص ، أحكام القرآن .
27. الفيروز آبادى ، محمد بن يعقوب بن محمد ، القاموس المحيط .
28. الاصفهانى راغب ، مفردات الفاظ القرآن ، تحقيق صفوان داوودى .
29. ابن خلدون ، مقدمه .
30. ابن خلدون ، العمران .
31. اسامه الغزالي حرب ، الاحزاب السياسية فى العالم الثالث .
32. ابو حامد الغزالي ، إحياء علوم الدين .
33. احمد ابو الوفا محمد ، القانون الدبلوماسى الإسلامى .
34. احمد البغدادى ، الفكر الإسلامى و الإعلان العالمى .
35. ابو زهرة ، تنظيم الإسلام للمجتمع .
36. الشهرستانى ، الملل و النحل .
37. ابى الحسن على بن محمد بن حبيب البصرى البغدادى المواردى ، الأحكام السلطانية و الولايات الدينية
38. الامام الشريف صديق حسن القنوجى البخارى ، دليل الطالب على أرجع المطالب .

39. انور الجندى ، شبهات التغريب .
40. ادوارد سعيد ، الشرق شناسى .
41. الشيخ محمد سعيد الصاغر جى ، الجد فى السلوك إلى ملك الملوك عربى .
42. الدكتور يوسف القرضاوى ، الإيمان بالقدر .
43. الدكتور يوسف القرضاوى ، المرجعية العليا فى الاسلام للقرآن و السنة .
44. الدكتور يوسف القرضاوى ، أوليات الحركة الاسلامية .
45. الدكتور يوسف القرضاوى ، بينات الحل الاسلامى .
46. الدكتور يوسف القرضاوى ، الشيخ الغزالي كما عرفته .
47. الدكتور يوسف القرضاوى ، فتاوى معاصرة، جلد اول و دوم .
48. الدكتور يوسف القرضاوى ، أولويات الحركة الإسلامية فى المرحلة القادمة .
49. الدكتور يوسف القرضاوى ، دور القيم و الأخلاق فى الاقتصاد الإسلامى .
50. الدكتور يوسف القرضاوى ، مفهوم كلمة السياسة فى القرآن و السنة .
51. الدكتور يوسف القرضاوى ، الحل الإسلامى فريضة و ضرورة .
52. دكتور يوسف القرضاوى ، الصحوة الإسلامية و هموم الوطن العربى و الإسلامى .
53. الدكتور يوسف القرضاوى ، الثقافة العربية و الإسلامية بين الأصالة و المعاصرة .
54. الدكتور يوسف القرضاوى ، ويثگيهاى كلى اسلام ، ترجمه جليل بهرامى نيا .
55. دكتور يوسف القرضاوى ، تحرير المرأة فى عصر الرسالة .
56. الدكتور يوسف القرضاوى ، الحلال و الحرام فى الإسلام .
57. الدكتور يوسف القرضاوى ، مركز المرأة فى الإسلام .

58. الدكتور محمد البهى ، الفكر الاسلامى الحديث .
59. الدكتور نبيل علقم ، الثقافة العربية و التجديد الإسلامى .
60. الدكتور حمد بن عبدالمحسن التويجى ، الخروج على الحاكم و عزله «بين الشريعة و النظم الوضعية .
61. دكتور خزعل الماجدى ، علم الأديان .
62. دكتور سلمى الجيوسى ، حقوق الإنسان فى الفكر العربى .
63. دكتور فاطمه نكر ، حقوق المرأة فى الإسلام .
64. دكتور ليلى حسن القرشى ، المرأة فى المؤتمرات الإسلامية و الدولية رؤية تحليلية .
65. دكتور محمد عمارة ، التحرير الإسلامى للمرأة .
66. دكتور صالح الرقب ، الماسونية أقدم الحركات السرية و أخطرها .
67. دكتور على جريشة ، الاتجاهات الفكرية المعاصرة .
68. دكتور أحمد غراب ، روية إسلامية للشرق شناسى .
69. دكتور سالم عبد الله ، نموذج غربى للحقد على الإسلام .
70. دكتور على عبدالحليم ، الغزو الفكرى و أثره فى المجتمع الإسلامى المعاصر .
71. دكتور إدوارد سعيد ، الشرق شناسى ، ترجمه أبو ديب .
72. الدكتور محمد البهى ، الفكر الإسلام و صلته بالاستعمار الغربى .
73. الدكتور محمد البهى ، الجانب الالهى من التفكير الإسلامى .
74. دكتور عبدالستار سيرت ، قضايا مهم سياسى در جهان اسلام .
75. دكتور محمد عمارة ، الأعمال الكاملة للإمام محمد عبده .
76. الدكتور صلاح الصاوى ، تهافت العالمانية .
77. دكتور صلاح الصاوى ، التعددية السياسية فى الدولة الإسلامية .
78. دكتور عبدالباسط محمد حسن ، جمال الدين الأفغانى .
79. دكتور عبدالحليم محمود ، جمال الدين الأفغانى .
80. دكتور انس أحمد كررون ، التخلف العلمى فى واقع المسلمين المعاصر .

81. دكتور ريتشارد ميتشل ، الاخوان المسلمين ، ترجمه دكتور محمود ابو السعود ، مراجعه صالح ابورقيق
82. دكتور ضياء الدين الرئيس ، النظريات السياسية الإسلامية.
83. دكتور توفيق الشاوى ، فقه الشورى.
84. دكتور خليل الله قديرى ، نگاهی به ديموكراسى در فرهنگ سياسى اسلام و افغانستان.
85. دكتور حسين على محافظة ، مفهوم الحق بالغير فى الفكر العربى الإسلامى.
86. دكتور جابر العلوانى ، خواطر فى الازمة الفكرية.
87. دكتور احمد كرزون ، التخلف العلمى فى واقع المسلمين المعاصر .
88. دكتور عبد الحميد الأنصارى ، الشورى وأثرها فى الديمقراطية.
89. دكتور هناء البيضانى ، مفهوم الاستبداد فى الفكر السياسى الإسلامى الحديث والمعاصر.
90. دكتور كمال ابو المجد ، الحرية الفكرية و الدينية.
91. دكتور السباعى ، المرأة بين الفقه و القانون.
92. دكتور عبد الكبير المدغرى ، المرأة بن احكام الفقه و الدعوة إلى التغيير.
93. دكتور بهى الخولى ، الاسلام و قضايا المرأة.
94. دكتور فؤاد عبد الكريم ، قضايا المرأة فى المؤتمرات الدولية.
95. دكتور احمد الشرفاوى ، ظاهرة الرعب من الإسلام و حقوق المرأة.
96. دكتور عبد الستار سيرت ، قضاياى مهم سياسى در جهان اسلام.
97. دكتور خليل الله قديرى ، نگاهی به ديموكراسى در فرهنگ اسلام و افغانستان.
98. محمد صادق المجددى ، رهنماى طريق.
99. مولوى عبد القدير شهاب ، اسلام چيست.
100. محمد مهدى شمس الدين ، مسائل حرجة فى فقه المرأة.



101. محمد السيد سعيد ، حقوق الإنسان في مصر .
102. منير شفيق ، الفكر الإسلامي المعاصر و التحديات .
103. محمد مهدي شمس الدين ، مسائل حرجة في فقه المرأة .
104. محمد أركون ، أين هو الفكر الإسلامي المعاصر .
105. محمد الغزالي ، دكتور سيد طنطاوي ، دكتور احمد عمر هاشم ، المرأة في الإسلام .
106. محمد الغزالي ، كيف نفهم الاسلام .
107. محمد الغزالي ، تراثنا الفكري .
108. محمد الغزالي ، تراثنا الفكري مي ميزان الشرع و العقل .
109. محمد الغزالي ، قضايا المرأة بين التقاليد الوافدة و الراكدة .
110. محمد الغزالي ، هموم داعية .
111. محمد الغزالي ، السنة النبوية بين اهل الفقه ... و اهل الحديث .
112. محمد الغزالي ، الإسلام و الاستبداد السياسي .
113. محمد الغزالي ، كيف نفهم الإسلام .
114. محمد الغزالي ، الإسلام و الطاقات المعطلة .
115. محمد المبارك و رفاقه ، الثقافة الإسلامية و المستوى الثالث .
116. مجددی ، فضل غنی ، خانواده در اسلام .
117. مجددی ، فضل غنی ، غلو و افراط گرایی از نظر فرهنگ شرق اسلامی و غرب مسیحی .
118. مجددی ، فضل غنی ، مطالعه تمهیدی در سنت و حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم .
119. مجددی ، فضل غنی ، مطالعه تمهیدی در فقه حنفی و جعفری-توافق و تفاوت .
120. مجددی ، فضل غنی ، در نظام دولت اسلامی .
121. مجددی ، فضل غنی ، بحث های دینی و فتوای های فقهی .
122. مجددی ، فضل غنی ، مراحل تکوین تصوف .

123. مجددى ، فضل غنى ، ارتداد و مرتد .
124. مجددى ، فضل غنى ، مطالعة تمهيدى عصر رسالت و خلافت  
راشده
125. محمد قطب ، قبسات من الرسول صلى الله عليه وسلم .
126. محمد قطب ، واقعنا المعاصر .
127. محمد قطب ، كيف نكتب التاريخ الإسلامى .
128. محمد أمين المصرى ، المجتمع الإسلامى .
129. محمد السيد سعيد ، حقوق الإنسان فى مصر .
130. محمد جمال طحان ، الاستبداد و دائله فى الفكر الكواكبى .
131. محمد حامد الفقى ، أثر الدعوة الوهابية فى الاصلاح والعمران  
فى جزيرة العرب و غيرها .
132. مهند مبيضين ، الفكر السياسى الإسلامى و الاصلاح .
133. محمد الخضر حسين ، الحرية فى الإسلام .
134. محمد عابد الجابرى ، المسألة الثقافية .
135. محمد بن جميل زينو ، تكريم المرأة فى الإسلام .
136. محمد عابد الجابرى ، الثقافة العربية اليوم و مسأله الإستقلال  
الثقافى .
137. محمد مهدى شمس الدين ، مسائل حرجة فى فقه المرأة .
138. مصطفى ابو الغيط عبد الحى ، شبهات حول المرأة فى الإسلام .
139. محمد سيد رضا ، حقوق النساء فى الإسلام و حظهن مى  
الاصلاح المحمدى العام .
140. صابر طعمية ، أخطار الغزو الفكرى على العالم الإسلامى .
141. صابر طعمية ، أخبار الغزو الغربى .
142. حاجى حفيظ سيرت طالقانى ، حضرت مجدد , كارنامه , مقام  
علمى و عرفانى .
143. قلعى ، قدرى ، أعلام الحرية .
144. سليمان ، عبد الجواد ، سلسلة بحوث و محاضرات

145. فتاوى ابن تيمية جلد دهم .
146. فهمى هويدى ، الإسلام و الديمقراطية .
147. مدارج السالكين ، تحقيق محمد حامد الفقى جلد سوم .
148. دليل الطالب على أرجع المطالب
149. عبد الرحمن بن معلا اللويحق : مشكلة الغلو فى الدين .
150. عبدالقادر عودة ، اسلام بين فرزندان بى خبر و علمای ناتوانش .
151. عبد الرحمن ضيف ، الديمقراطية أولا و دائما .
152. عبد الله بن الشيخ المحفوظ بن بيه ، فتاوى فكرية .
153. منعم حداد ، الشرق شناسى و الصهيونية و التراث الشعبى .
154. نجيب العفيفى ، المستشرقون .
155. ناهد باشطح ، المرأة و الخطاب السائد متى و كيف يتغير .
156. عبدالقادر طاش ، امريكا و الإسلام «تعايش أم تصادم»
157. على عبدالرازق ، الإسلام و اصول الحكم .
158. عبدالمتعال الصعيدى ، المجددون فى الإسلام .
159. عبدالوهاب الشيشانى ، حقوق الإنسان و حرية الأساسية فى النظام الإسلامى و النظم المعاصره .
160. عبد الحكيم ابوشقة ، تحرير المرأة فى عصر الرسالة .
161. عبدالوهاب خالد ، فكر المقاومة فى خطاب الحركات الإصلاحية .
162. عبدالعال عطوه ، فقه اسلامى در تقنين امروزی ، ترجمه : دكتور عبدالستار سيرت .
163. عفيف عبدالفتاح طباره ، روح الدين الإسلامى .
164. عبدالحميد النجار ، خلافة الإنسان بين الوحي و العقل .
165. علال الفاسى ، مقاصد الشريعة الإسلامية .
166. على جمعه ، المرأة فى الحضارة الإسلامية .

167. عبدالمجيد بودياب ، مكانة المرأة فى الإسلام و القانون ودورها فى بناء الحضارة.
168. حسين فوزى النجار ، السياسة و الاستراتيجية فى الشرق الأوسط.
169. سيد جمال الدين ، الرد على الدهريين.
170. زكى الميلاد ، التعددية الحزبية فى الفكر الإسلامى .
171. جاك دونللى ، حقوق الإنسان العالمية بين النظرية و التطبيق ، ترجمه مبارك عثمان.
172. دايرو يوسف الصديق ، المستجدات الفقهية فى العلاقات الدولية.
173. جمال الدين البنا ، هل يمكن تطبيق الشريعة
174. راشد الغنوشى ، الحريات العامة فى الإسلام
175. صلاح الدين حافظ ، صدمة الديمقراطية.
176. صابر طعيمة ، أخبار الغزو الغربى .
177. وهبة الزحيلى ، حق الحرية.
178. سيد قطب ، العدالة الاجتماعية.
179. صافى ناز كاظم ، فى مسأله السفور و الحجاب.
180. رشيد رضا ، حقوق النساء فى الإسلام.
181. ناهد باشطح ، المرأة و الخطاب السائد.
182. فاطمه نجا ، نور الإسلام .
- 183.
184. فتحى يكن ، حركات و مذاهب فى ميزان الإسلام.
185. صفا عونى حسين عاشور ، قضايا المرأة المسلمة و الغزو الفكرى.
186. اسماء السيد ، النساء و نقل المعرفة الدينية.
187. آيت علا عبدالرحيم ، المرأة فى الخطاب الأدبى الفقهى .
188. فريد انصارى ، سيما المرأة فى الإسلام .

189. طه جابر العلوانى ، الأزمة الفكرية المعاصرة.

### مجلات

- مجلة المجمع العلمى العربى 1923 ، 1924 .  
 مجلة Al Islam ، عدد 15 1958 .  
 مجلة المسلم المعاصر ابريل 1975  
 مجلة الفرقان ، عدد 17 .  
 مجلة النبأ عدد 36  
 مجلة دراسات تاريخية ، جامعة دمشق عدد 105 ، 106 .  
 مجلة الأزهر ذو القعدة 1433 هـ / اكتوبر 2012 الجزء 11 السنة 85 .  
 العربى الجديد .  
 العربى 21 .  
 الاخوان المسلمين .  
 نافذة مصر .  
 العروة الوثقى  
 إسلامية المعرفة .  
 الشرق القطرية مارچ 2015  
 درد دل افغان ، عدد 47-48 .  
 اعلامية مجمع اللغة العربية ، 17 ديسمبر 2014 .  
 مكملين 29 مارچ 2015  
 فرانكفور اليجيمين زايتونج 92015/2 .

### دائره المعارف الإسلامية

- الموسوعة الفقهية ، وزارة الأوقاف بدولة الكويت .  
 ابن سيبه ، المحكم و المحيط الأعظم فى اللغة « القاهرة ، معهد  
 المخطوطات العربية  
 القاموس المحيط

- المعجم الوسيط  
ابن منظور ، لسان عرب .  
الموسوعة العربية العالمية  
المعجم الفلسفى  
سایت القرضاوى 15 فبراير 2015 . 30 جون 2011 .  
موقع الشيخ يوسف القرضاوى ، qaradwi.net ،  
سایت الاخوان المسلمين 17 ابريل 2015 .  
موقع الشيخ راشد الغنوشى رئيس نهضة اسلامى تونس  
ar.wikipedia.org/wiki/الغنوشى  
Ar-ar.facebook.com/rached.ghannoushi  
الجزيرة نت 12 ابريل 2012 . 8 جولای 2008  
بى بى سى غربى 92015/3  
منبر حر للثقافة و الفكر و الأدب 24 اگست 2015  
شبكة ذى قار ، الحكم الاستبدادى و آثاره النفسية والاجتماعية .  
ابن سیه « المحكم و المحيط الأعظم فى اللغة » القاهرة ، معهد  
المخطوطات العربية» ص 354 جلد 8  
http://www.eiit.org  
سي ( ) و al-seyassah.com/archives و  
www.siyassa.org.eg و avb-oman.net  
السياسه = [www.ikhwanwiki.com/index.php?title=](http://www.ikhwanwiki.com/index.php?title=)  
https://www.facebook.com/DFP.portsaid  
[www.fehweb.com/vb/t19257.html](http://www.fehweb.com/vb/t19257.html)  
[mthawad@yahoo.ca](mailto:mthawad@yahoo.ca)  
[www.asharqalarabi.org](http://www.asharqalarabi.org)  
saaid.vet/arabic/471.htm  
[www.habous.gov.ma/daouat/alhaq/item/8238](http://www.habous.gov.ma/daouat/alhaq/item/8238)  
[www.ikhwanwiki.com](http://www.ikhwanwiki.com)  
[www.aljazeera/programs/religionandlife/2012/4/4](http://www.aljazeera/programs/religionandlife/2012/4/4)  
www.iiit.org.ma/index.php/item/301  
Islamic-irusa.org , <http://ar.wikipedia.org/wiki>

<http://dl.islamhouse.com>  
[www.alukah.net/shaira/0/74988/http](http://www.alukah.net/shaira/0/74988/http)  
<http://www.uman.edu/humanrts/arab/UIDHR.htm>  
[bafree.net/alhisn/archive.index.php/t-96619.html](http://bafree.net/alhisn/archive.index.php/t-96619.html)  
[www.onislam.net](http://www.onislam.net) Aug1,2004  
[https://ar- ar.facebook.com/...2602](https://ar-ar.facebook.com/...2602)  
[www.achamel.net](http://www.achamel.net)  
[fatwa.islaweb.net/fatwa/indax.php?page..1d](http://fatwa.islaweb.net/fatwa/indax.php?page..1d)  
[www.vajehyab.com/?q](http://www.vajehyab.com/?q)  
[www.Annabaa.org/nba36/estibda.htm](http://www.Annabaa.org/nba36/estibda.htm)  
[www.dhiqar.net/art.php?1d](http://www.dhiqar.net/art.php?1d)  
[aafaqcenter.com/index.php/post/939](http://aafaqcenter.com/index.php/post/939)  
[www.goodreads.co/work/quotes/646/550](http://www.goodreads.co/work/quotes/646/550)  
[www.shameala.com](http://www.shameala.com)  
[www.alriyadh.dom/611726](http://www.alriyadh.dom/611726)  
<http://www.youtube.com> 2009  
[www.ahewar.org](http://www.ahewar.org)  
[www.saaid.net/arabic/471.htm](http://www.saaid.net/arabic/471.htm)  
[www.islamtoday.net/toislam/art-111-3.htm](http://www.islamtoday.net/toislam/art-111-3.htm)  
[www.alwaei.com](http://www.alwaei.com)  
[www.mawdoo3.com](http://www.mawdoo3.com) Aug 2014  
<http://Kunhor.com>  
<http://madarik.net/mag7/4.htm>

[www.annisae.ma/Article.aspx?C=6018](http://www.annisae.ma/Article.aspx?C=6018)

[www.annisae.ma](http://www.annisae.ma)  
[www.awaa-dawa.com](http://www.awaa-dawa.com)  
[www.egfamily.org](http://www.egfamily.org)  
[man.islammessaqe.com](http://man.islammessaqe.com)  
[www.islameyat.com](http://www.islameyat.com)  
[www.munasbh.net](http://www.munasbh.net)